۸

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هشتم - حرف ح ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

مقدمه ----- ۸

حاجیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۵

حافظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۱

حاکمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۴

حاکمیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۵۶

حالات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۷۲

حامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۲۸۸

حبس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۳۴

حبوبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۴۰

حج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۳۴۶

حجاب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۴۸۷

حجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۵۲۰

حجر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۶۶۸

حدود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۶۷۰

حدیبیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۷۵۹

حر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۰۵

حرام خواران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۰۶

حرص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۱۵

حرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۳۰

حرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۸۹۷

حروف مقطعه تبعیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ----- ۹۰۶

حریر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۹۲۱
حزب الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۹۲۵
حزن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۹۳۱
حس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۹۳۵
حسابرسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۹۶۲
حسادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۰۳
حسرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۴۰
حسن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۲۸۲
حسنات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۳۳۴
حضور قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۳۴۱
حفصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۳۴۳
حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۱۳۴۵
حقارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۴۹۵
حقانیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۵۰۱
حقایق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۷۶۸
حقوق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۲۹۲۲
حکمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۱۵۹
حکومت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۳۰۲
حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۳۰
حکومت دینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۳۷
حکومتها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۳۹
حلال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۴۳
حلق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۷۹
حلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۸۰
حلیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۴۹۱
حمایت خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۵۱۵

حمد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۵۴۳

حمل و نقل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۶۳۴

حوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۶۴۳

حوادث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۷۲۵

حواریون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۷۷۲

حواس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۸۰۳

حورالعین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۸۰۸

حیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۸۳۸

حیات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۳۸۴۲

حیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۴۰۲۰

حیوانات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما ---------- ۴۰۲۵

درباره مرکز ---------- ۴۰۶۸

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هشتم – حرف ح

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هشتم - حرف ح/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴/آ۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱-قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰-ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخوداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوهَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاهَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

-

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) – وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

حاجیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاجیان

آگاهی از اعمال حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۷

۷ - خداوند به اعمال زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البیت أو اعتمر . .. و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

آمرزش حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ حج گزاری که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجّل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجّل . ..>، فرمود: یعنی من مات قبل ان یمضی، فلا اثم علیه

کافی، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

امتحان حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱،۴،۱۸

۱ هشدار خداوند بر آزمایش مؤمنان راهی حج و عمره

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم اللّه

با توجه به آیات بعد معلوم می شود این آزمایش از آن کسانی است که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

۴ انواع شکار ها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان

و . . .) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

امنیت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۴،۶

۴ - ضرورت ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا و حراست آنان در برابر هرگونه آسیب و گزند .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذکروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۷

۷ عدم جواز

هتک حرمت راهیان خانه خدا و سلب امنیت از آنان

لاتحلوا . .. و لا ءآمین البیت الحرام

<آمین> جمع <آم> به معنای قصد کننده است و مراد از قصد کنندگان بیت الحرام، راهیان حج هستند.

تجاوز به حقوق حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکّه ، تجاوز به حقّی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدّون . .. الذی جعلنه للناس

سقایت حاجیان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و جهد فی سبیل اللّ

فضایل حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ راهیان خانه خدا ، از شعائر الهی

لاتحلوا شعر اللّه . .. و لا ءآمین البیت الحرام

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر اللّه) باشد و راهیان خانه خدا از جمله آنها هستند.

فضیلت سقایت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره قول خدای عز و جل < أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر > روایت کرده است : < نزلت فی حمزه و

علی و جعفر و العباس و شیبه . . . و کان علی (ع) و حمزه و جعفر الذین آمنوا باللّه و الیوم الآخر و جاهدوا فی سبیل اللّه لایستوون عند اللّه ;

این آیه شریفه درباره حمزه، علی، جعفر، عباس و شیبه نازل شده که آنان (عباس و شیبه) به منصب آب رسانی به حاجیان و پرده داری کعبه افتخار می کردند، پس خداوند عز جل این آیه را نازل فرمود: آیا منصب آب رسانی به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را با [عمل]کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد. همانند قرار داده اید؟ آنان نزد خدا مساوی نیستند!>.

قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشتن را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

ممانعت حاجیان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکّه ، تجاوز به حقّی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدّون . .. الذی جعلنه للناس

نشانه های حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۲

۱۲ علامت های راهیان خانه

خدا ، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر اللّه . .. و لاالقلئد

ورود حاجیان به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۸

۸ - ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

هتک حرمت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۷

۷ عدم جواز هتک حرمت راهیان خانه خدا و سلب امنیت از آنان

لاتحلوا . .. و لا ءآمین البیت الحرام

<آمین> جمع <آم> به معنای قصد کننده است و مراد از قصد کنندگان بیت الحرام، راهیان حج هستند.

حافظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حافظ

بهترین حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بهترین حافظ و نگهبان است .

فالله خير حفظًا

حافظ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، مراقب پیامبران و توجه دهنده آنان به خطا ها و لغزشهایشان

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلک ... فلاتسئلن ما لیس لک به علم

حافظ انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ < عن أبی الحسن الرضا (ع) قال : إعلم . . . ان

الله تبارک و تعالی . . . قائم لیس علی معنا انتصاب و قیام علی ساق فی کبد کما قامت الأشیاء و لکن < قائم > یخبر أنه حافظ والله هو القائم علی کل نفس بما کسبت . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: بدان که خداوند تبارک و تعالی . .. قائم است نه به معنای ایستادن و در میان آسمان بر روی پا قرار گرفتن آن گونه که اشیا قیام دارند و ایستاده اند ; بلکه [خداوند]قائم است، به این معنا می باشد که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی می باشد با آنچه کسب کرده است>.

حافظ بودن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بهترین حافظ و نگهبان است .

فالله خیر حفظًا

حافظ نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض أن تزولا و لئن زالتا إن أمسکهما من أحد من بعده

حافظ نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض

أن تزولا و لئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده

حافظ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض أن تزولا و لئن زالتا إن أمسکهما من أحد من بعده

حاکمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاکمان

آثار اصلاح حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۵

۵ - تصحیح مرکزیت قدرت و حاکمیت جامعه ، راهکار اصلاح و هدایت مردم

ثمّ أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و ملإیه

با توجه به این که حضرت موسی(ع) در امر رسالت، نخست به سوی فرعون که محور قدرت و حاکمیت بود فرستاده شد، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

اذیتهای حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلّا قلیلاً مما تأکلون

اصلاح رفتار حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۴

۱۴ توجه حاکمان به نظارت خداوند بر اعمال ایشان ، زمینه ساز گرایش آنان به کردار نیک و پرهیزشان از اعمال نارواست .

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

هدف از تذکار نظارت خداوند بر اعمال آدمی این است که وی با توجه

به این حقیقت از اعمال ناروا بپرهیزد و به اعمال نیک رو آورد.

اهمیت احترام حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

اهمیت ایثار حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

بنابر این که <تولّیتم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

اهمیت ایمان حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

بنابر این که <تولّیتم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

اهمیت شجاعت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

بنابر این که <تولّیتم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم

آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

بنی اسرائیل و حاکمان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. و فی العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یتولون الملوک الجبارین و یزیّنون لهم اهوائهم لیصیبوا من دنیاهم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۱۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

تکبر حاکمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم و عصوا رسله واتبعوا أمر کل جبار عنید

تواضع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

توصیه به حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۳

۱۳ - احساس قصور در پیشگاه خداوند و عذرخواهی از او ، هنگام پیروزی و استقبال عمومی از دین و در اوج قدرت ، توصیه خداوند به پیامبر (ص) و شیوه ای مطلوب برای

زمامداران و مبلّغان

إذا جاء نصر اللّه و الفتح . .. و استغفره

حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع) ، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر ، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود .

قالوا أجئتنا . .. و تکون لکما الکبریاء فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

حاکمان مصرباستان و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع

) ، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم . .. لیسجننه حتی حین. و دخل معه السجن فتیان

حاکمان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلّط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لإیلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حاکمان و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرهیز حاکمان از ظلم و ستم

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

حاکمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیّت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکنت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

حاکمان هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۷

۷ - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که

می گوید <لئن اتّخذت إلهًا غیری. ..>، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

حاکمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدّر ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربک لیبعثن علیهم إلی یوم القیمه من یسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحیط). <بعث> (مصدر <لیبعثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سَوْم> (مصدر <یسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

دین حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۵

۵ حکومت مصر در زمان یوسف از شریعت یعقوب پیروی نمی کرد .

قالوا فما جزؤه . .. من وجد فی رحله فهو جزؤه

سهولت ملاقات با حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه فعرفهم

شرب خمر حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در

میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إنی أرینی أعصر خمرًا

عصیان حاکمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم و عصوا رسله واتبعوا أمر کل جبار عنید

عوامل تواضع حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۷

۷ - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید <لئن اتّخذت إلهًا غیری. ..>، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

لعن بر حاکمان مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۴،۵

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض . .. أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت بالا بنابراین نکته است که <أولئک> اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل، مخاطب <إن تولّیتم أن تفسدوا. ..> قرار گرفته اند.

۵- جواز لعن و نفرینِ حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إن تولّیتم . .. أولئک الذین لعنهم اللّه

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه <أولئک> به قرینه آیه قبل <إن تولّیتم> کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی،

جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

مبارزه با حاکمان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - لزوم مبارزه با حاکمان فاسق و تجاوزپیشه

إلی فرعون و ملإیْه إنّهم کانوا قومًا فسقین

مبارزه با حاکمان ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه تا سر حدّ جان دادن ، با فساد و حاکمان فاسد

و من الناس من یعجبک . .. و اذا تولی سعی فی الأرض ... و من الناس من یشری نفسه

از اینکه پس از بیان خصلتهای حاکمان مُفسد، بی درنگ ستایش از کسانی شده است که جان خویش را در راه خدا می دهند، برداشت فوق استفاده می شود.

مبارزه با حاکمان فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - لزوم مبارزه با حاکمان فاسق و تجاوزپیشه

إلی فرعون و ملإیْه إنّهم کانوا قومًا فسقین

مسؤولیت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ لزوم اهتمام حاکمان جامعه به برنامه ریزی ، محاسبه و پیش بینی شرایط اقتصادی

تزرعون سبع سنین . .. مما تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه فعرفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۷۹ - ۴،۱۱

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گنه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

۱۱ ضرورت پرهیز حاکمان از ظلم و ستم

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیّت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکنت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - فرمان روایان ، مسؤول کردار زیردستان خود هستند .

لاتعذّبهم

تردیدی نیست که فرعون، در شکنجه کردن بنی اسرائیل مباشرت نداشته است; ولی در عین حال خداوند عذاب کردن بنی اسرائیل را به او نسبت داده است; زیرا فرعون سردمدار حکومت بوده و فرمان شکنجه را صادر می کرده است.

مکر حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ بیان قرآن درباره مکر ها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما کنت لدیهم. ..> به منزله تعلیل برای <ذلک من أنباء الغیب...> است.

ملاقات مردم با حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد

.

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه فعرفهم

نقش اجتماعی حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

نقش حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۸

۸ - نقش مؤثر حاکمان و نظام حکومتی ، در تغییر و تحول باور ها و شیوه رفتار مردم

و لقد أرسلنا موسی بایتنا إلی فرعون و ملإیه

مبعوث شدن موسی(ع) برای هدایت فرعون و درباریان وی، ممکن است از آن جهت باشد که تغییر اعتقادی و رفتاری آنان، می توانست تحول گسترده ای در جامعه عصر موسی ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۲

۲ - تأثیر حاکمان ، در هدایت و گمراهی مردمان

و نادی فرعون . .. فاستخفّ قومه

ویژگیهای حاکمان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ; بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

هدایت حاکمان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۷

۷

ابلاغ رسالت های الهی به سردمداران نظام های غیر الهی ، وظیفه ای بر عهده مبلغان دین

إلی فرعون و ملإیه

هشدار به حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ناظر بر چگونگی رفتار و کردار حکومت مداران

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

حاکمان ظلم

{حاکمان ظلم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۹

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲،۳،۲۵

۲ پادشاهی ، سلطنت و قدرت نمرود ، داده ای از جانب خداوند

ان اتیه اللّه الملک

۳ حاکمیّت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءَاتیه اللّه الملک

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود) ، حاکمی کافر و ستمگر

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

مبارزه با حاکمان ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه تا سر حدّ جان دادن ، با فساد و حاکمان فاسد

و من الناس من یعجبک . .. و اذا تولی سعی فی الأرض ... و من الناس من یشری نفسه

از اینکه پس از بیان خصلتهای حاکمان مُفسد، بی درنگ ستایش از کسانی شده است که جان خویش را در راه خدا می دهند، برداشت فوق استفاده می شود.

حاکمیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاکمیت

آثار اقرار به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۲

۲ - اذعان به فرمان روایی خدا بر سراسر هستی و گرایش به شرک ، دو امر ناهمخوان و ناسازگار

قل من بیده . .. إن کنتم تعلمون . سیقولون للّه قل فأنّی تسحرون

آثار حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ برکت های حاکمیت اسلام ، شامل همه مردم حتی ناباوران و غیر متعهدان به اسلام

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

آثار حاکمیت بر آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له . ..>، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول و صله جایگزین صفت مشبهه شده است مؤید برداشت بالا است.

آثار حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له . ..>، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول

و صله جایگزین صفت مشبهه شده است مؤید برداشت بالا است.

آثار حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الأخره جئنا بکم لفیفًا

آثار حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۹

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. و هو الوحد القهّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیّت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إنّا أعتدنا جهنّم . .. هل ننبّئکم بالأخسرین أعملاً

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اِخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است; چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳،۴

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقنكم عبثًا . .. فتعلى اللّه الملك الحقّ

۴ – وجود معاد ، لازمه فرمان

روایی مطلق و حاکمیت به حق خدا

أفحسبتم . .. و أنّکم إلینا لاترجعون . فتعلی اللّه الملک الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۶

۶ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۵

۵ - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

للّه ملک السموت و الأرض یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

للّه ملک السموت . .. و یجعل من یشاء عقیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۳

۳ - حاکمیت مطلقه خداوند بر دو گیتی ، پشتوانه نفوذ مشیت او در گستره حیات

أم للإنسن ما تمنّی . فللّه الأخره و الأولی

ذکر حاکمیت خداوند بر دو گیتی، می تواند نشانگر این باشد که در پرتو آن، اراده خداوند نافذ بر هستی است; چه با تمنیات انسان همساز باشد یا نباشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۱

۱ - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<إیلاج> (مصدر <یولج>) به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <یولج اللیل فی النهار> (شب را در روز داخل می کند)، این باشد که او از مقدار شب می کاهد و بر مقدار روز می افزاید و مقصود از <یولج النهار فی اللیل> (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۴

۴ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملک> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۷

۷ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او ، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إلاّ أن یؤمنوا باللّه . .. الذی له ملک السموت و الأرض و اللّه علی کلّ شیء شهید

<سماوات و أرض>، کنایه از تمام هستی است و <الذی . ..> وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان

اشاره دارد. تصریح به کلمه <اللّه> و نیاوردن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است نه خصوص مؤمنان ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر تمام هستی است .

إنّ بطش ربّک . .. و هو الغفور الودود . ذوالعرش

آثار حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - ایمان و عمل صالح ، (حاکمیت دین) موجب زدایش ترس و اضطراب و عامل امنیت و آرامش

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . .. و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنً

آثار حاکمیت سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۳

۳ - حاکمیت سنت های الهی بر کفرپیشگان ، مانع از نابودی سریع آنان با عذاب الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا

آثار حاکمیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۸

۸ - پذیرش توحید ربوبی ، ناسازگار با بنیان حاکمیت فرعون

أليس لی ملک مصر

فرعون، برای نفی پیام موسی(ع) که توحید ربوبی است تلاش می کند تا با اقرار گرفتن از مردم، حاکمیت خود را بر مصر تثبیت کند; زیرا با

پذیرش توحید، آن را در خطر می دید.

آثار حاکمیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن ، مانع از پذیرش دعوت موسی و سرنهادن به دستور های او ، از سوی آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

آثار درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درک فرامانروایی ، قداست ، عزّت و حکمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسبّح للّه . .. الملک القدّوس العزیز الحکیم

ذکر اوصاف <ملک>، <قدّوس> و. .. پس از <یسبّح للّه ...>، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد; یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار ذکر حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۸

۸ - توجه مؤمنان به غلبه اراده خداوند بر قدرت کافران ، مایه امید و تسلّی خاطر ایشان

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا فنقّبوا فی البلد هل من محیص

آثار ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۲

۲۲ توجه به خالقیت ، حاکمیت ، ربوبیت و مدبر بودن خدا ، زمینه پیدایش روح بندگی و پرستش

اللّه الذی خلق . .. ثم استوی ... یدبر

الأمر ... اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

از حرف <فاء> در <فاعبدوه> که فاء تفریعیه است و دلالت می کند بر اینکه ما بعد فاء، برگرفته از ما قبل می باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ توجه به جریان امور بر وفق مشیّت و قدرت خداوند ، مانع از تفاخر به مال و فرزند و تحقیر دیگران است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه إن ترن أنا أقلّ منک مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۶

۶ - توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی برپدیده های عالم ، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد للّه . .. للّه ما فی السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و . .. و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشداری به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۴

۴ - شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن ، زداینده هرگونه شک و تردید درباره امکان معاد

لاریب فیه و لکنّ أکثر الناس لایعلمون . و للّه ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند پس از بیان <أکثر الناس لایعلمون> می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۲

۲- توجه به حاکمیت بی مانند خداوند بر نظام کیفر و پاداش و جریان هدایت و حیات ، زمینه اتکای هر چه بیشتر بر او

فاعلم أنّه لا إله إلاّ اللّه

فاء در <فاعلم> بیان نتیجه ای است که در آیات پیشین بیان گردید. محور اساسی آن، در پاداش الهی به مؤمنان و مجازات و هلاکت کافران و پدید آوردن قیامت و رستاخیز خلاصه می شود. این همه اگر مورد توجه قرار گیرد، بر علم و اطمینان فرد و اتکای وی بر خداوند افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۵

۵ - توجه به حاکمیت مطلقه الهی بر حیات ، گرایش دهنده انسان به واقع نگری در آرزوها *

أم للإنسن ما تمنّی . فللّه الأخره و الأُولی

یادکرد حاکمیت مطلقه خداوند بر هستی در پی ذکر تمنیات و آروزهای انسان می رساند که ایمان به ولایت الهی بر دو گیتی، با آرزوپروری و خیال پردازی انسان مخالفت کرده و او را به واقع نگری سوق

می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۷

۷ - توجّه به حاکمیت تدبیر خداوند بر نظام زندگانی انسان ها ، وادار کننده انسان به قرار دادن خویش در راه قرب به خدا

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

از واژه <ربّ> و جایگاه آن در مفاد آیه، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ - توجّه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر نظام هستی ، برانگیزاننده انسان به پناه بردن به او و اطمینان بخش و دلگرم سازنده پناهندگان است .

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۱ - ۸

۸ - توجّه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر امور مردم ، وادارسازنده انسان هابه استعاذه و دلگرم کننده پناهندگان به او است .

قل أعوذ بربّ الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۶

۶ - توجّه به حاکمیت فرمان های الهی بر انسان ، برانگیزاننده او به پناه بردن به خداوند و اطمینان بخش و دلگرم کننده پناه آورندگان است .

قل أعوذ . .. ملک الناس

آثار عقیده به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر مطلق خدا نسبت به امور جهان ، مقتضی تقواپیشگی است .

قل من یرزقکم . .. فسیقولون اللّه

فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۹

۹- توحید ربوبی و اعتقاد به حاکمیت یگانه خدا بر هستی ، آرامش بخش روح و اندیشه مؤمنان راستین

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

به کار رفتن واژه <ربّ> به جای دیگر اوصاف الهی و نیز ارتباط <قالو ربّنا اللّه> با <فلا خوف. ..>، می رساند که اعتقاد به توحید ربوبی و این که امور تنها در پرتو تدبیر او صورت می گیرد، نقش اساسی در آرامش خاطر مؤمنان مقاوم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷ - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلّا أن یؤمنوا باللّه العزیز . .. إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است; یعنی، تمام آن چه میسّر است. <جنّه>; یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

ابلیس و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۰

۱۰- ابلیس ، خود را مقهور اراده خداوند دانسته و کار خویش را منوط به اذن او می دانست

.

لئن أخّرتن . .. لأحتنكنّ ذريّته

اقرار به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۱

۱ - اعتراف به حاکمیت و ربوبیت یگانه خدا بر جهان هستی ، امری غیر قابل گریز برای هر انسان دانشور و خردورز

إن کنتم تعلمون. .. قل من ربّ السموت السبع... سیقولون للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۱

۱ - اعتراف به حاکمیت و فرمان روایی خداوند بر سراسر هستی ، امری غیر قابل گریز برای اهل دانش و خرد

قل من بیده . .. إن کنتم تعلمون . سیقولون للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۸

۸ - اعتراف همه خلایق در قیامت به اختصاص داشتن فرمان روایی جهان به خداوند

لمن الملک الیوم للّه الوحد القهّار

جمله <للّه الواحد القهّار> پاسخ سؤال در <لمن الملک الیوم> است; برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که گوینده این پاسخ از سوی خلایق می باشد; یعنی، همان مردمی که در قیامت نمایان می شوند (هم بارزون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۸

۸ - اعتراف مستکبران در دوزخ ، به بندگی خود و حاکمیت مطلق خداوند

إنّ اللّه قد حكم بين العباد

اهمیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ تدارک اسباب نباید موجب غفلت آدمی از حاکمیت مطلق خدا شود .

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم

من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

یعقوب(ع) پس از تدبیرش در جهت جلوگیری از حادثه ناگوار برای فرزندانش، بیان می دارد که: با این همه نمی توانم از مقدرات الهی جلوگیری کنم ; زیرا حکم و فرمان تنها از آنِ خداوند است ; یعنی، باید توجه داشت که اسباب و علّتها در دایره حکومت و خواست الهی عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۸

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملک الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

اهمیت حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . .. یکون الدین کله للّه

اهمیت ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه دایمی به قدرت و حاکمیت الهی در همه حال (موقعیت خطر و امنیت)

نجّکم إلی البرّ . .. أفأمنتم أن یخسف بکم ... أو یرسل علیکم حاصبًا ثمّ لاتجدوا ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۲

۲ – پناه بردن به خداوند و توجه به ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت او ، فرمانی الهی به پیامبر (ص

) ، برای محفوظ ماندن آن حضرت از وسوسه های دشمن

قل أعوذ بربّ الناس . ملک الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

ایمان به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۶

۱۶ ایمان به حاکمیت خدا بر زمین ، صبر در برابر دشمنان دین و استعانت از خدا ، جلوه هایی از تقواپیشگی است .

و العقبه للمتقین

از بشارت ضمنی موسی(ع) به حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به شرط استعانت از خدا و پیشه کردن صبر و سپس بیان این حقیقت که <حاکمیت سرانجام از آن تقواپیشگان است>، معلوم می شود شرایط ذکر شده جلوه هایی بارز از تقواپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ اعتقاد به حاکمیت خداوند بر هستی ، از میان برنده هر گونه ناباوری نسبت به بعثت پیامبران

إنی رسول اللّه . .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۷

۷ باور به حاکمیت خداوند بر موجودات و توجه به ربوبیت او بر انسانها ، ایجاد کننده روحیه توکل در آنان است .

إنی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصیتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند ، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر هستی است .

إلاّ ما شاء ربك إن ربك فعال لما

یرید

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، موجب توکل بر خدا و اتکا نکردن به غیر اوست .

إن الحکم إلاّ لله علیه توکلت و علیه فلیتوکل المتوکلون

تفریع <علیه فلیتوکل> به وسیله <فاء> بر <إن الحکم إلاّ لله> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۵

۵ - مردم ، باید تنها به فرمان خداوند گردن نهاده ، فرمان روایی او را پذیرا باشند .

ملک الناس

توصیف خداوند به فرمان روای مردم، بیانگر این حقیقت است که فرمان روای حقیقی، او است و مردم نباید مطیع کسی جز او باشند.

بشارت حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل . .. ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن

مواهب خواهد بود.

بشارت حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۶

۶- بشارت الهی

، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

بی نظیری حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۷،۹

۷ خداوند ، در فرمان روایی خویش بر جهان هستی ، هیچ شریک و همتایی ندارد .

و لم یکن له شریک فی الملک

۹ فرمان روایی مطلق و بی همتای خداوند ، حکایت گر حاکمیت نظم و مدیریت واحد بر جهان

الذی له ملک السموت و الأرض . .. و لم یکن له شریک فی الملک

تجلی اخروی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۳

۳ قدرت و حاکمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <لقاء اللّه> نمی توانـد ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشـد. لـذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاکمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای که گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۴

۴ - آخرت ، روز ظهور و تجلی حاکمیت مطلقه خداوند بر هستی *

فللّه الأخره و الأُولی

تقدیم آخرت بر دنیا، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

تذکر حاکمیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۶

$۶ - توجه دادن فرعون به سیطره ربوبیت خداوند بر او ، از رسالت های موسی (ع)

و أهدیک إلی ربّک فتخشی

تصریح به <ربّک> در

برابر کسی که مدعی ربوبیت بر انسان ها است چنان چه در آیات بعد خواهد آمد گویای برداشت یاد شده است.

تضعیف حاکمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۸

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

مفسّران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

۸ از میان رفتن کفرپیشگان و کوتاه شدن سیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداوند است که نقض نخواهد شد و تحقق خواهد یافت .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها والله یحکم لامعقّب لحکمه

جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۳

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر هر کار و هر چیز است .

و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴

۵ - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

الملک الحقّ

<حقّ>; یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <اللّه> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۶

۶ فرمان روایی و حاکمیت خداوند بر جهان آفرینش ، ابدی بوده و هیچ کس وارث آن نیست .

له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا

جمله <لم یتّخذ ولداً> می تواند کنایه از این باشد که خداوند، حاکم آسمان ها و زمین، فرزندی انتخاب نکرده است تا حاکمیتش را به او منتقل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۲

۲ - حاکمیت خدای یگانه بر نظام هستی ، پاینده و زوال ناپذیر

و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

<تبارک> می تواند اخبار از پایندگی و جاودانگی باشد.

حاکمیت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مِلْک> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است ; یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که <یوم الـدین> هم می توانـد مفعول برای <مالک> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود

و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود; یعنی: مالك الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۴

۱۴ دانایی خداوند به غیب و شهود عالم، پشتوانه حشر تمامی انسانها و ظهور مالکیت و حاکمیت انحصاری خداوند در قیامت است.

إلیه تحشرون . .. یوم ینفخ فی الصور علم الغیب و الشهده

با توجه به اینکه در آخرین جمله آیه قبل سخن از حشر آدمیان بود و در این آیه از نفخ صور و برپایی قیامت یاد شده و سپس جمله <عالم الغیب و الشهاده> آمده، گویا این جمله پاسخی است به کسانی که چگونگی حشر آدمیان را، با وجود متلاشی شدن اجساد و از بین رفتن آثار، امری ناممکن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لاتکلم نفس إلاّ بإذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۵

۵- فرمان روایی حاکمیت مطلق در قیامت ، در انحصار خداوند است .

ءاتیه یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۴

۴ - ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتّبعون الداعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم مطلق و بی چون و چرای روز قیامت

إلّامن أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملک یومئذ للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۲

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۸

۸ - تنها خداوند فرمانروای مطلق هستی در عرصه دنیا و آخرت است .

له الحمد فی الاُولی و الأخره و له الحکم

با توجه به جمله پیش، می توان گفت که مراد <له الحمد فی الاولی و الأخره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۲

۲ - تصمیم گیر و فرمان روای قیامت ، خداوند است .

فالیوم لایملک بعضکم لبعض نفعًا و لا ضرًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إنّ اللّه قد حکم بین العباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ -

۳ – ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و للّه ملک السموت و الأرض . .. و تری کلّ أمّه جاثیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهورِ قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۸ – ۴

۴ – قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون اللّه کاشفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۲ – ۲

۲ – انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب – که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت اخروی قانون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۲ – ۳

۳ – قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۸

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم . .. ثم قضی أجلا

و أجل مسمی عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ غلبه اراده خداوند ، بر خواست آدمیان

یحذر المنفقون . .. إن اللّه مخرج ما تحذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۷

۷ همه موجودات ، مقهور اراده و خواست خداوندند .

لا عاصم الیوم من أمر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها ، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۷،۱۲

۷ حاکمیت اراده الهی بر جریان تاریخ و حوادث آن

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۲ حاکمیت مشیّت خدا و نفوذ اراده او

نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۶،۲۱

۱۶ حاکمیت اراده خداوند بر اسباب و علل ، از تعالیم خداوند به یعقوب (ع)

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء . .. و إنه لذو علم لما علّم

۲۱ بیشتر مردم به اسباب و علل چشم می دوزند و از حاکمیت اراده خدا و لزوم توکل بر او ، ناآگاهند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۳

۳- عوامل طبیعت ، در کنترل اراده و مشیت الهی است .

من کان یرید العاجله عجّلنا له فیها

ما نشاء

دنیاطلبان، خواسته های خود را از طریق عوامل طبیعی به دست می آورند و خداوند تقدیر امکانات دنیوی را برای آنان به خود اسناد داده است. چنین اسنادی گویای آن است که عوامل طبیعت تحت کنترل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثمّ لاتجدوا لکم علینا به تبیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- هیچ گونه قدرتی در مقابل اراده الهی ، وجود ندارد .

ثمّ لاتجد لک علینا نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱- اراده خداوند ، حاکم بر اراده فرعونیان و جبّاران تاریخ است .

فأراد أن یستفزّهم من الأرض فأغرقنه و من معه جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۶

۶- اراده الهی ، حاکم بر روابط و عوامل طبیعی و مادّی حیات است .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶

۱۶- هیچ قدرت و اراده ای در مقابل اراده الهی ، مؤثّر و کارساز نیست .

من یهد اللّه . .. و من یضلل فلن تجد له ولیًّا مرشدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۰

۳۰- قلب آدمی و توجهات و غفلت های آن ، در اختیار خداوند و مقهور اراده

او است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۲

۲- مظاهر طبیعت ، مقهور اراده خداوند است .

فتصبح صعیدًا زلقًا . أو یصبح ماؤها غورًا

تبدیل شدن باغ و کشت زار به زمینی بی حاصل و یا فرورفتن آب آن به واسطه نزول عذاب الهی، نشان دهنده این حقیقت است که اسباب و علل طبیعی، جملگی مقهور اراده حق اند و از خود، استقلالی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۵

۵- عوامل و اسباب طبیعی ، تحت اراده خدا است .

کماء أنزلنه من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- تحوّلات تاریخ و زوال تمدّن ها و جوامع ، مقهور اراده الهی است .

القری أهلکنهم . .. و جعلنا لمهلکهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محکم ترین دژ های ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهی ، ناپایدارند .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱۳

۱۳- اراده الهی ، در بینش موحدان راستین ، بر عوامل طبیعی ، حاکم است .

و کانت امرأتی عاقرًا فهب لی من لدنک ولیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت

خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیَّ هیّن و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳- اراده الهی ، حاکم بر عوامل طبیعت است .

قال ربّ اجعل . .. ءایتک ألاّ تکلّم الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال ربّک هو علیَّ هیّن

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۹

۹ - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان او است .

فاضرب لهم طریقًا فی البحر یبسًا

<ضرب> در <اضرب لهم> به معنای ساختن و قراردادن است. فرمان ایجاد راهی خشک در دریا، فرمان به اعجاز است و از مقهور بودن دریا در برابر اراده خداوند، حکایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۷

۷ - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و مجری فرمان های او است .

طریقًا فی البحر یبسًا . .. فغشیهم من الیمّ ما غشیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۳

۱۳ - حاکمیت اراده خداوند

بر تحولات تاریخ و سرنوشت امت ها

و لو أنّا أهلکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۸

۸- عناصر و قدرت های غیر الهی و مورد اتکای کافران ، فاقد هر گونه کارآیی در برابر اراده خداوند

لو یعلم الذین کفروا . .. و لا هم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۲

۲- عجز و ناتوانی همه موجودات ، در برابر اراده الهی

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۸

۸ - نظام جاری طبیعت ، مقهور اراده خدا و قابل تغییر به مشیت او

و أنزلنا من السماء ماء . .. و إنّا علی ذهاب به لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثمّ أنشأنا من بعدهم قرنًا ءاخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تحولات تاریخ ، تحت حاکمیت اراده خداوند

فجعلنهم غثاءً . .. ثمّ أنشأنا من بعدهم قرونًا ءاخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۸

۸ - حاکمیت اراده الهی بر تحولات تاریخ

ثمّ أرسلنا رسلنا . .. فأتبعنا بعضهم بعضًا و جعلنهم أحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۱

۱ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

فأخرجنهم من . .. کذلک و أورثنها بنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۴

۴ - تذکر ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر حاکمیت اراده خدا بر معاش و زندگی انسان و نفی هرگونه نقش برای بت ها

فإنّهم عدوٌّ لی إلاّ ربّ العلمین . .. و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۲

۲ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

ثمّ أغرقنا بعد الباقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۴

۴ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

فکذّبوه فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۳

۳ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

ثمّ دمّرنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۲

۲ - جریان امور طبیعت ، در حیطه قدرت خدا و قابل تغییر و تحوّل به اراده او

ثمّ دمّرنا الأخرین . و أمطرنا علیهم مطرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۷ - اراده الهی حاکم بر تحولات تاریخ

فکذّبوه فأخذهم عذاب یوم الظلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۵

۵ - طبیعت و جلوه های هستی ، مقهور اراده خدا و هر پدیده آن در راستای مصلحت و هدفی حکیمانه

نودی أن بورک من فی النّار. .. یموسی إنّه أنا اللّه العزیز الحکیم

از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل، می توان استفاده کرد که سخن گفتن خدای قاهر نشان دادن آیات خویش در آتشی چون آتش طور، برای او کاری است آسان و در راستای مصلحت و هدفی حکیمانه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۸

۸ - اراده خدا حاکم بر تحولات تاریخ

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض. .. و نجعلهم الورثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳،۶

۳ - غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يذبّح أبناءهم . .. فرددنه إلى أمّه

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید; اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۶ – قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث

به سمت تحقق اراده خود

أوحينا إلى أُمّ موسى . .. و حرّمنا عليه المراضع... فرددنه إلى أُمّه

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی(ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید; ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی(ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۴

۴ - تحولات تاریخ ، تحت حاکمیت اراده خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۲

۲ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

و کم أهلکنا من قریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۴

۴ - نظام آفرینش ، تحت اراده و تدبیر خدای یگانه است .

قل أرءیتم . .. من إله غیر اللّه یأتیکم بضیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۴

۴ - نظام آفرینش ، تحت حاکمیت اراده خدای یگانه است .

قل أرءیتم . .. من إله غیر اللّه یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۸

۸ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

أوَلم یعلم أنّ اللّه قد أهلك من قبله من القرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۸

۸ - حاکمیت اراده خدا در زندگی روزمره مردم

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و

یقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۴

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیّت اراده خداوند بر تمامی رخداد های تاریخ است .

غلبت الروم . .. للّه الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳

۳ - بالاترین اقتدار مادی ، در برابر اراده خداوند ، هیچ توانایی و کاربردی ندارد .

الذین من قبلهم کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض . ..فما کان اللّه لیظلمهم و ل

جمله <فما کان اللّه لیظلمهم> دلالت می کند که نابودی اقوام گذشته، به دست خداوند بوده است. توصیف آن جوامع، به برتری نظامی و اقتصادی بر قریش، برای بیان این حقیقت است که تجهیزات مادی انسان ها، هر چند پیشرفته باشد، در برابر خواست خداوند، کارایی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۳

۳ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . .. و لقد نادینا نوح ... ثمّ أغرقنا الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۵

۵ - اراده خدا ، حاکم بر عوامل طبیعی

فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

برداشت یاد شده از آن جا است که مشرکان از همه عوامل طبیعی، برای نابودی ابراهیم(ع) بهره گرفتند; ولی خداوند همه آن عوامل، از جمله آتش را

از تأثیر انداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۹

۹ - شیاطین ، مقهور اراده خداوند هستند .

فسخّرنا له . .. و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۹

۹ - جهان هستی ، مغلوب اراده خداوند است .

القهّار

مقصود از <القهّار> قهاریت و چیره بودن خداوند بر جهان هستی است; چنان که در آیه بعد از ربوبیت الهی بر جهان سخن به میان آمده است (ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما. ..).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۵،۶

۵ - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون اللّه إن أرادنی اللّه . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

۶ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرءیتم ما تدعون من دون اللّه إن أرادنی اللّه . .. برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ – انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۴،۶

۴ - آسمان و زمین فرمانبر اراده الهی ، از سر میل و رغبت

قالتا أتینا طائعین

۶ - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها . .. ائتیا ... قالتا أتینا طائعین

بنابر این که گفتوگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۵

۵ - تمامی موجودات هستی ، حتی شیاطین ، مسخر خدا و محکوم اراده اویند .

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیّض له شیطنًا

از این که خداوند، تسلط شیطان را بر غافلان از یاد خودش، به خود نسبت داده (نقیّض)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات انسان ، نمودی از حاکمیت مطلق او بر هستی

قل اللّه یحییکم ثمّ یمیتکم ثمّ یجمعکم . .. و للّه ملک السموت و الأرض

با توجه به ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۶

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملکون لی من اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵-

اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّه . .. و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۴

۴ اراده الهی ، حاکم بر تلاش ها و حرکت های بشر

و صدّوا . .. أضلّ أعملهم

از نسبت یافتن <أضلّ> به خداوند، استفاده می شود که بشر چنانچه درصدد توطئه علیه برنامه های الهی برآید، خداوند با اراده غالب خویش آن برنامه ها را بر هم زده و بی ثمر خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۱

۲۱- اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و نصرت دهنده مؤمنان در برابر هجوم کفر

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا ... و أصلح بالهم

با توجه به شأن نزول آیه که در کوران مشکلات مسلمانان نازل شده و بدانان نوید پیروزی داده است مطلب بالا استفاده می شود. در این صورت <بال> به معنای شؤون مادی و معنوی زندگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۷

۷- اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ بشر

دمّر اللّه علیهم

بی شک نابودی کامل یک نسل در نتیجه کفر و عصیان، تحولی عمده در تاریخ بشر به حساب می آید و خداوند این دگرگونی عظیم را به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۸

۸- حاکمیت اراده الهی بر تحولات تاریخ

و کأیّن

من قریه . .. أهلکنهم فلاناصر لهم

از این که خداوند، هلاکت و فروپاشی جوامع کفرپیشه را به خود نسبت داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱- اراده و تدبیر الهی ، حاکم بر تأثیر ها و تأثّر های طبیعی روح و اندیشه بشر *

فأصمّهم و أعمی أبصرهم

انسانِ بیماردل، در نتیجه عملکرد نادرست خویش، مورد لعن الهی قرار می گیرد و از دریافت حقایق معنوی و انسانی کر و کور می شود. این روند، به ظاهر طبیعی می نماید و در مقوله دانش روان شناسی قابل تحلیل است; با این حال خداوند کر و کوری آنان را به خود نسبت می دهد و این نیست مگر به خاطر این که تأثیرها و تأثرهای طبیعی نیز، به جعل و اراده اویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخی و اجتماعی بشر

و إن تتولّوا یستبدل قومًا غیرکم

استناد فعل <یستبدل> به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۶

۶ - قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید اللّه فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - اراده الهی ، حاکم بر سرنوشت و مقدرات انسان

قل فمن يملك . .. إن أراد بكم ضرًّا أو أراد بكم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۶

۶ اراده الهی ، حاکم بر نزول باران و رویش زندگی در سرزمین های مرده

و نزّلنا من السماء . .. و أحیینا به بلده میتًا

انتساب فعل <نزّلنا> و <أحیینا> به خداوند و عوامل تحت فرمان او، تأکیدی بر حاکمیت اراده او بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۹

۹ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

و کم أهلکنا قبلهم من قرن . .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۳

۳ - قوانین مادی عالم طبیعت ، مقهور اراده خداوند

و بشّروه بغلم . .. و قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک قال ربّک

تعبیر <کذلک قال ربّک>، می رساند که عوامل طبیعی مانع اراده الهی نیست; بلکه اراده او نافذ بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۳ - ۴

۴ - عوامل طبیعت ، مقهور اراده الهی است .

لنرسل علیهم حجاره من طین

با این که سنگ و خاک بر زمین نشسته و معمولاً آنچه از آسمان می بارد باران است و نه تکه های سنگ اما خداوند با این آیات فهمانده که برای او ریختن سنگ از آسمان، همانند ریختن قطره های باران، آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۸

۸ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و جوامع بشری

و ترکنا فیها ءایه

خداوند، به اراده و قدرت

خویش جامعه مفسد لوط را آن چنان از صفحه زمین محو گردانید که تنها نشانه ای از آن برجای ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۱

۱ - اراده الهی ، حاکم بر حالات شادی و غم انسان

و أنّه هو أضحک و أبکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۳

۳ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

و أنّه أهلک عادًا الأُولی . .. فغشّیها ما غشّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۴

۴ - عوامل طبیعی ، مسخر فرمان و اراده الهی

ففتحنا أبوب السّماء بماء منهمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۳

۳ - سراسر هستی ، از اوج ستارگان تا درختان روییده بر زمین ، مقهور اراده و قوانین الهی

و النجم و الشجر یسجدان

در صورتی که مراد از <النجم> ستارگان باشد نه گیاهان بی ساقه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۳

۳ – مقهور بودن انسان در برابر اراده خداوند ، مقتضی پرهیز از کفر و تکذیب

یرسل علیکما شواظ . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال در آیه قبل، قاهریت خویش را به خلق یادآوری کرده تا از تکذیب دست بردارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۲ – ۶

۶ – اراده الهی ، حاکم بر همه تحولات

فردی و اجتماعی در زندگی بشر

ما أصاب من مصیبه فی الأرض . .. من قبل أن نبرأها

ضمیر <ها> در <نبرأها> به مصیبت بازمی گردد و <برء> (مصدر <نبرأ>) به معنای آفریدن و پدید آوردن است. نسبت دادن همه پدیده های فردی و اجتماعی به خداوند، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۵،۲۲

۱۵ - قلب ها ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و قذف فی قلوبهم الرعب

۲۲ - غلبه اراده خدا بر استحکامات بنی نضیر ، درسی برای صاحبان فهم و بصیرت

مانعتهم حصونهم . .. فأتیهم اللّه من حیث لم یحتسبوا ... فاعتبروایأُولی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن ، مغلوب اراده خداوند و محکوم به شکست است .

یریدون لیطفؤا . .. و اللّه متمّ نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۴

۴ - فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فعّال لما یرید . .. فرعون و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ – دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار اللّه

استناد <نار> به <اللّه>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده

نخواهـد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ شکست کافران عصر بعثت و حاکمیت دین اسلام بر سرزمین آنان ، نوید خداوند به پیامبر (ص)

و تمت کلمت ربک

هدف از مخاطب قرار دادن پیامبر (ربک) در بیان پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل و نابودی مستکبران، مژده پیروزی اسلام و مسلمانان و نابودی کفر و کفرپیشگان مستکبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۷

۷ تاریخ بشریت ، در آینده ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کله

خداونـد در آیه فوق از پیروزی قطعی اسلام بر تمام ادیان جهان، خبر داده و پیشگویی کرد و چون چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) اتفاق نیفتاد به دست می آید که این پیروزی مربوط به آینده تاریخ بشریت است.

حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می توانـد بـدین معنا باشـد که: فرعون و اشـراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصـر

فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را

ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا عبدون

حاکمیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱،۳،۴،۱۰

۱ مالکیت آسمان ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض

تقدیم <لِلّه> بیانگر انحصار است.

۳ انحصار حاکمیّت و مالکیّت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل انحصار عفو و یا مجازات بندگان به وی

او یتوب علیهم او یعذّبهم . .. و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض یغفر لمن یشآء

جمله <و للّه ما فی السّموات>، بیان علت جمله های سابق است.

۴ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لک من الامر شیء . .. و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض

زیرا جمله <لیس لک . .. > با جمله <و للّه ما فی السّموات> تعلیل شده است.

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. لیس لک من الامر شیء ... و للّه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۶

۶ قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات ،

برخاسته از اراده و حاکمیّت خداوند

و ما کان لنفس ان تموت الّا باذن اللّه کتاباً مؤجّلا

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسبابِ مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

حاکمیت اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحت امر خدا و مجاری تحقق اراده او است .

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض . .. و یمسک السماء أن تقع علی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۶

۶ - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها . .. ائتیا ... قالتا أتینا طائعین

بنابر این که گفتوگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۸

۸ - زیبایی و آراستگی ، نمودی از حرکت طبیعی آسمان ها در جهت فرمان خدا *

قالتا أتینا طائعین . .. و زیّنا السّماء الدّنیا بمصبیح

به کار بردن واژه <زیّنّا> به جای واژه های دیگر، نشانگر مطلب یاد شده است. گفتنی است ارتباط <زیّنّا> با تعبیر <أتینا طائعین> می رساند که

زیبایی نتیجه حرکت و شکل گیری طبیعی همراه با رغبت و میل است.

حاکمیت بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء

حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقواپیشگان است .

و العقبه للمتقین

<عاقبه> به معنای سرانجام است و <ال> در آن می تواند جانشین مضاف إلیه باشد که به قرینه <إن الأرض للّه یورثها . .. > آن مضاف إلیه <ارث الأرض> است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقین.

حاکمیت بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ حاکمیت یافتن ستمگران بر مردم ستم پیشه از سنتهای خداوند در جوامع انسانی است.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

حاکمیت بر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۲ – ۱۲

۱۲– مرکز فرمانروایی جهان هستی را در اختیار داشتن (صاحب عرش بودن) ، لازمه غیر قابل انفکاک خداوندی

إذًا لَابتغوا إلی ذی العرش سبیلًا

از اینکه خداوند می فرماید: <اگر خدایان دیگری وجود داشت، باید برای رسیدن به صاحب عرش، راه و وسیله ای پیدا کنند> نشان می دهد که خدایی، عرش لازم دارد و با آن تلازم تفکیک ناپذیری دارد.

حاکمیت بر قلب ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز حکیم

حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۵،۸،۱۲،۱۳

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا باللّه . .) رعایت کنند.

۸ نابودی فرعونیان و به حاکمیت رسیدن بنی اسرائیل ، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

۱۳ آزمایش بنی اسرائیل از سوی خدا پس از دستیابی آنان به حکومت و قدرت ، هشدار موسی (ع) به آنان

فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۵،۶

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ، تحقق یافت

.

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

<کلمه> به معنای سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

حاکمیت بنی اسرائیل بر مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۴

۴ موسی (ع) ، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت .

عسی ربکم أن یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الأرض

حاکمیت تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۷

۷ - تدبیر های الهی و قوانین اجتماعی ، دارای حاکمیت بی چون و چرا بر زندگی انسان

و لولا أن یکون الناس أمّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۴

۴ - حاکمیت تدبیر الهی ، بر روند ثبت اعمال آدمیان ، مانع راه یافتن کمترین باطل و کاستی در آن

کتبنا ینطق علیکم بالحقّ

اضافه شدن <کتاب> به ضمیر <نا> بیانگر علت اتصاف آن به <ینطق علیکم بالحقّ> است; یعنی، چون ما مطالب آن را ثبت کرده ایم، هرچه گوید حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۲۳ - ۱۱

۱۱- اراده و تدبیر الهی ، حاکم بر تأثیر ها و تأثّر های طبیعی روح و اندیشه بشر *

فأصمّهم و أعمی أبصرهم

انسانِ بیماردل، در نتیجه عملکرد نادرست خویش، مورد لعن الهی قرار می گیرد و از دریافت حقایق معنوی و انسانی کر و کور می شود. این روند، به ظاهر طبیعی می نماید و در مقوله دانش روان شناسی قابل تحلیل است; با این حال خداوند کر و کوری آنان را به خود نسبت می دهد و این نیست مگر به خاطر این که تأثیرها و تأثرهای طبیعی نیز، به جعل و اراده اویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۸

۸- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

حاکمیت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۳ – ۵

۵ تلاش برای تسلط

ناروا بر مردم، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی . .. و البغی بغیر الحق

از معانی <بغی> سلطه جویی است ; در این صورت <بغیر الحق> احترازی خواهد بود.

حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۶

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ حاکمیت خداوند بر اسباب و علل طبیعی

أنزل من السماء ماء فأخرج به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند حاکم بر تاریخ و رخداد های آن

و إذ نجینکم . .. و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۶

۶ - خداوند ، حاکم بر عوامل طبیعی است .

و إذ فرقنا بكم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ - خداوند ، حاکم بر عوامل طبیعی است .

یخرج لنا مما تنبت الأرض

۱۳ - قوم موسی معتقد به ربوبیت و حاکمیت خداوند بر طبیعت

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۸

۸ - خداوند ، دارای حاکمیتی مطلق

و نافذ بر جهان آفرینش

فقلنا لهم کونوا قرده

در آیه شریفه نیامده است که تجاوزگران بنی اسرائیل به بوزینه تبدیل شدند. تصریح نکردن به عملی شدن فرمان (کونوا قرده) - علی رغم منظور بودن آن - اشاره به این حقیقت دارد که: فرمانهای الهی تخلف ناپذیر است و چیزی جلوگیر آن نیست; فرمان همان و شدن همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۱،۱۰

۱ - سلطنت و حکومت بر آسمان ها و زمین (جهان هستی) تنها در اختیار خداوند است .

ألم تعلم أن اللّه له ملک السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک السماوات . ..) دلالت بر حصر دارد.

۱۰ - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یاوری برای بندگان جز او

له ملک السموت و الأرض و ما لکم من دون اللّه من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ - حاکمیت و فرمانروایی خدا بر جهان آفرینش

له ما فی السموت و الأرض کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۷

۱۷ - ابر ها در میان آسمان و زمین مسخر خداوند و فرمانبردار او هستند .

و السحاب المسخر بین السماء و الأرض

<تسخیر> (مصدر سخّر) به معنای واداشتن چیزی یا کسی به فرمانبرداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیّت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف

کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الی الّذین . .. و قاتلوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۰

۱۰ حاکمیّت خداوند بر وُسعت ها و محدودیّت های امکانات مادی انسانها

و اللّه یقبض و یبصط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۵

۱۵ حکومت از آنِ خداوند است و به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و اللّه یؤتی ملکه من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۸

۲۸ حاکمیّت اذن الهی ، بر تحوّلات اجتماعی

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن اللّه

پیروزی بر دشمنان و در نتیجه حاکمیّت دین الهی، یک تحول اجتماعی است که تحت اراده و حاکمیّت الهی (باذن اللّه) انجام می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۹

۱۹ حاکمیّت اراده الهی بر افعال اختیاری انسان و تحولات اجتماعی تاریخی

و لو شاء اللّه ما اقتتل . .. و لکنّ اللّه یفعل ما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۹

۹ حاکمیّت و مالکیّت مطلق خداوند ، بر آنچه در آسمان ها و زمین است . (عالم هستی)

له ما فی السّموات و ما فی الارض

لازمه ملکیّت بر هر چیز، حاکمیّت نسبت به آن است; بلکه ملکیّت، مساوق با حاکمیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۶

۱۶ حاکمیّت بر نظام هستی و تدبیر جهان ، شأن الوهیّت خداوند

فانّ اللّه یأتی بالشمس من المشرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۴

۲۴ حاکمیّت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات ، دانایی او به کیفیّت ترکیب اجزایِ مردگان و زنده کردن آنان

و اعلم انّ اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ حاکمیّت اراده الهی بر روند تاریخ

انّ الذین کفروا . .. فاخدهم اللّه بذنوبهم

حاکمیّت خداوند از <فاخدهم اللّه۹، و تاریخ از <ال فرعون و الذین من قبلهم> که سیر تاریخ را نشان می دهد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ کافران نیز همچون مؤمنان ، تحت حاکمیّت و نظارت خدا هستند .

و اللّه بصیر بالعباد

از کاربرد کلمه عبد بر کافران، حاکمیّت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۴،۷

۴ مقتضای اُلوهیت حق ، مالکیّت و سیطره مطلق او بر هستی است .

قل اللّهم مالک الملک

۷ حاکمیّت الهی بر تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری

تؤتی الملک من تشاء . .. و تعزّ من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ حاکمیّت مشیّت خداوند بر علل و عوامل طبیعی

کذلک اللّه یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ اذن خداوند ، حاکم بر نظام حیات

انّی اخلق . .. باذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثمّ الیّ مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱،۲،۳،۱۳

۱ نفی پرستش غیر خدا ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند ، وجه اشتراک ادیان الهی

یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الاّ اللّه و لا نشرک ب

۲ دعوت پیامبر (ص) از اهل کتاب به توحید در عبادت ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیّت غیر خداوند

یا اهل الکتاب تعالوا . .. و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

۳ توحید عبادی ، نفی شرک و ردّ حاکمیّت غیر خداوند ، گفتاری عادلانه و منصفانه

تعالوا الی کلمه سواء بیننا . .. و لا یتّخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون اللّه

<سواء>، به معنی <عدل> است.

۱۳ بندگی خدا ، نفی شرک و طرد حاکمیّت غیر خداوند ، از ویژگی های مسلمانان

فقولوا اشهدوا بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۳ – ۱۰

۱۰ حاکمیت قوانین الهی بر نظام هستی

و له اسلم من فی السّموات و الارض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران

- ۳ - ۱۵۱ - ۸

۸ حالات روحی و روانیِ آدمی ، قانونمند و برخاسته از حاکمیّت اراده الهی است .

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب بما اشرکوا

از آنجا که رعب معلول شرک شمرده شده (بما اشرکوا)، معلوم می شود رعب که یک حالت روحی است، تابع قانون و علّت خویش است و از سویی چون خداوند القای رعب را به خود نسبت داده (سنلقی)، معلوم می شود که این قانون و علت تحت اراده الهی عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۶

۶ جریان و فرجام حوادث ، در قلمرو حاکمیّت خداوند

اذ تحسّونهم باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۹

۱۹ پندار حاکمیّت غیر خداوند (شرک افعالی) در تدبیر امور هستی ، پنداری جاهلانه و باطل

یظنّون باللّه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه . .. قل انّ الامر کلّه للّه

<اِنّ الامر . .. > می رساند که گمان جاهلی، اعتقاد به تأثیر مستقل غیر خداوند در امور هستی است. و این خود نوعی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیّت و فرمانروایی بر هستی

و للّه ملک السّموات . .. انّ فی خلق السّموات ... لایات

جمله <انّ فی . .. >، می تواند بیانگر دلیلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد

که در آیه قبل (و للّه ملک السّموات ...) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند یگانه ، تنها حاکم در عرصه قیامت

اللّه لا اله الّا هو لیجمعنّکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ حاکمیت مطلق الهی

إنّ اللّه یحکم ما یرید

چون <یحکم> متعدی استعمال شده، معنای <یفعل> در آن تضمین شده است. بنابراین مراد از <ما>، معنایی گسترده تر از حکم شرعی خواهد بود. یعنی خداوند هر کاری را که اراده کند، انجام می دهد که از جمله آنها حکم به حلیت و حرمت اشیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۱۶،۱۹،۲۵،۲۷

۱۶ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و للّه ملک السموت و الأرض و ما بینهما

تقدیم <للّه> دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

۱۹ مالکیت و سلطنت خداوند نسبت به مسیح (ع) و مادرش ، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم . .. و للّه ملک السموت و الارض

۲۵ نفوذ و حاکمیت مشیت الهی بر هستی

یخلق ما یشاء

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه

پدر)

للّه ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء>، نتیجه ای باشد برای <للّه ملک السموت والارض>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا ، همچون سایر مردمان ، مملوک و تحت حاکمیت خدا هستند ، نه فرزند وی و نه برخوردار از محبتی ویژه در پیشگاه او .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه . .. و للّه ملک السموت و الارض

در برداشت فوق، جمله <للّه ملک السموت . ..> دلیل رد پندار یهود و نصارا (نحن ابنؤا اللّه و احبؤه) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۲،۳،۶،۱۶

۲ پیامبر (ص) ، دانا به حاکمیت مطلق و اراده بی چون و چرای خداوند

الم تعلم إنّ اللّه له ملک السموت و الارض

۳ وضع قوانین و مقررات و جعل کیفر برای متخلفان ، از شؤون خداوند و برخاسته از حاکمیت وی بر جهان هستی

فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا . .. الم تعلم إنّ اللّه له ملک السموت و الارض

آیه مورد بحث، ناظر به مطالبی است که در آیه قبل بیان شد.

۶ حاکمیت و سلطه خداوند بر جهان هستی ، دلیل وابستگی آمرزش و عذاب انسان ها به خواست و اراده اوست . *

له ملک السموت و الارض یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

۱۶ قدرت خداوند ، پشتوانه اعمال حاکمیت و جریان مشیت وی

الم تعلم إنّ اللّه له . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله

<واللّه> تعلیل است برای سلطنت و نفوذ مشیت خداوند در جهان هستی. یعنی چون خداوند قدرت مطلق دارد، می تواند حاکمیت و مشیت خویش را بر جهان اعمال کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ، حتی رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد اللّه فتنته فلن تملک له من اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۶

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولیّ> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۹

۲۹ اذن خداوند ، حاکم بر نظام هستی

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی . .. و اذ کففت بنی اسرءیل عنک

تکرار کمله <باذنی> و نیز اسناد نافرجامی توطئه های بنی

اسرائیل به خداوند، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

للّه ملک السموت و الارض و ما فیهن

۲ باور به حاکمیت انحصاری خداوند بر هستی از میان برنده احتمال شایستگی غیر خدا برای الوهیت

للّه ملک السموت و الارض و ما فیهن

جمله <للّه ملک . ..> می تواند تعلیلی برای یکتایی خداوند، شایستگی و بایستگی او برای پرستش و بی همتایی وی در الوهیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱،۷،۱۲

۱ تدبیر و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

و هو اللّه فی السموت و فی الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، <فی السماوات . .. > نمی تواند متعلق به <اللّه> باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبیر و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البیان).

۷ آگاهی خداوند بر سرّ و آشکار آدمی، برخاسته از حاکمیت کامل او بر سراسر هستی است.

و هو اللّه فی السموت و فی الأرض یعلم سرکم و جهرکم

۱۲ عن أبی جعفر (اظنه محمّد بن نعمان) قال: سألت ابا عبداللّه(ع) عن قول اللّه عز و جل <و هو اللّه فی السموات و فی الأرض> قال: کذلک هو فی کل مکان . .. محیط بما خلق عملا و قدره و احاطه و سلطاناً و

ملکاً ... .

ابوجعفر (احتمالا همان محمّد بن نعمان است) گوید: از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <و هو اللّه . .. > سؤال کردم، امام فرمود: یعنی او به تمامی مخلوقات خویش از نظر علم، قدرت، سلطه و حاکمیت احاطه دارد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ حاکمیت مطلقه الهی بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه . .. لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۱

۱ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سکن فی الّیل و النهار

<سکن>، از ماده <سکنی> (به معنی مسکن گزید): و <ما سکن . .. >، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۰،۱۷

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۷ خداوند حاکم و قضاوت کننده ای است که از حوادث و اعمال آگاهی دقیق دارد.

علم الغیب و الشهده و هو الحکیم الخبیر

از معانی ذکر شده برای <حکیم>،

حاکم و قاضی است. (لسان العرب به نقل از ابن اثیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۴

۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

و الشمس و القمر حسبانا

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <جعل . .. الشمس و القمر حسبانا> از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۶

۶ خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الأیت عند الله و ما یشعرکم أنها إذا جاءت لا یؤمنون . .. أفغیر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۵،۱۲

۵ عرش ، مرکز استیلای الهی بر جهان آفرینش است .

إن ربکم اللّه . .. استوی علی العرش

۱۲ تنها خداوند ، مالک همه آفریده ها و فرمانروای آنهاست .

ألا له الخلق و الأمر

در برداشت فوق کلمه <الخلق> به معنای اسم مفعول (مخلوق)، و <أمر> به معنای فرمان دادن گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۶

۶ اراده خداوند حاکم بر طبیعت و عوامل آن

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنین و

نقص من الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۴،۵،۷،۱۱،۱۴

۴ فرمانروایی و حاکمیت بر آسمان ها و زمین در انحصار خداوند است .

الذی له ملک السموت و الأرض

۵ تشریع دین و ارسال پیامبران در راستای فرمانروایی خدا بر جهان هستی است .

إنی رسول اللّه إلیکم جمیعا الذی له ملک السموت و الأرض

۷ توجه به حاکمیت مطلق خدا بر هستی ، از میان برنده هر گونه تردید نسبت به رسالت جهان شمول پیامبر (ص)

إنی رسول اللّه إلیکم جمیعا الذی له ملک السموت و الأرض

بیان حاکمیت خدا بر هستی، پس از طرح مسأله رسالت پیامبر و جهان شمول بودن آن، در حقیقت استدلالی بر امکان آن رسالت است.

۱۱ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، زمینه ساز ایمان به نبود هیچ معبودی شایسته پرستش جز او

الذی له ملک السموت و الأرض لا إله إلا هو

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . .. یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۵

۵ خداوند دارای حاکمیتی مطلق بر جهان

آفرینش

قلنا لهم کونوا قرده خسئین

در آیه شریفه نیامده که متمردان بوزینه شدند، بلکه تنها فرمان به بوزینه شدن ذکر شده است. این معنا (تصریح نکردن به عملی شدن فرمان) اشاره به این حقیقت دارد که فرمانهای الهی تخلف ناپذیر است و چیزی جلوگیر آن نیست. فرمان همان و شدن همان، یعنی حاکمیت علی الاطلاق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۴،۷

۴ تأمل در وابستگی موجودات جهان به مالک هستی بخش ، راهنمای انسان به حاکمیت مطلق خدای یگانه بر هستی است .

أو لم ینظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّه من شیء

چون روی سخن با مشرکان است، معلوم می شود هدف از فراخوانی آنان به دقت در ملکوت آسمانها و زمین رهنمون شدن آنان به حاکمیت مطلق خداست.

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو لم ینظروا فی ملکوت . .. ما خلق اللّه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۶

۶ خداوند و مشیت او حاکم بر امور انسان ها و تمامی هستی

قل لاأملک لنفسی نفعا و لا ضرا إلا ما شاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۸

۸

همه جهان تحت سیطره و حاکمیت خداوند است .

فسیحوا فی الأرض . .. و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن اللّه له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ خداوند ، دارای قدرتی بی چون و چرا و حاکمیتی بی بدیل ، بر مجموعه هستی

هو رب العرش العظیم

لزوم اتکا داشتن بر خدا به دلیل ربوبیت او نشانگر این است که حکم و اراده اش، همواره بر کل هستی نافذ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۸،۱۰

۸ خدا ، فرمانروای آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت . .. ثم استوی علی العرش

۱۰ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند است .

الذی خلق السموت . .. ثم استوی علی العرش

<استواء> (مصدر استوی) به معنای استیلاست و <عرش> ; یعنی، تحت فرمانروایی. <استیلای خداوند بر تخت حکومت> کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق او بر سراسر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۱

۱ رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر خداوند نسبت به کار جهان ، جلوه های روشنی از ربوبیت خدا بوده و اعتقاد به آن ، مستلزم ایمان به پروردگاری بی شریک است .

قل من یرزقکم من

السماء . .. فذلکم اللّه ربکم

تفریع جمله <ذلکم اللّه ربکم> با <فا>ی نتیجه، در آیه پیش (قل من یرزقکم . ..) بیانگر این حقیقت است که: با وجود اعتقاد به رازقیت خدا، حاکمیت او بر قوا و حواس آدمی، خالقیت نسبت به جاندار و بی جان و تدبیر او نسبت به امور جهان; ایمان به ربوبیت مطلق خدا ضروری بوده و مجالی برای پندارپروردگاری غیر او باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۸،۱۰

۸ خداوند ، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود .

و اصبر حتی یحکم اللّه

۱۰ خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۶

۶ خداوند حاکم و فرمانروای هستی

و کان عرشه علی الماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۴

۴ حاکمیت خداوند بر جهان و علل و عوامل آن

نوفّ إلیهم أعملهم فیها

بدیهی است که علل و عوامل طبیعی در رسیدن انسان به نتایج تلاشهایش دخیل و مؤثر است; ولی خداوند با جمله <نوف إلیهم اعمالهم>(نتیجه تلاش آنها را به ایشان می رسانیم) اعطای نتایج را به خود نسبت داد تا به حاکمیت خویش بر جهان اشاره کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۹

۱ کفرپیشگان در هیچ کجای زمین ، نمی توانند خود را از سیطره و حاکمیت خداوند خارج

سازند .

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض

اعجاز (مصدر معجزین) به معنای از دسترس خارج بودن است. بنابراین و با توجه به اینکه مفعول <معجزین> الله است ، جمله <أُولئک لم یکونوا ...> چنین معنا می شود: آنان هیچ گاه از دسترس خدا (حاکمیتو سلطه او) خارج نبوده اند.

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا . .. أُولئک لم یکونوا معجزین

ماضی بودن معنای جمله <أُولئک لم یکونوا . ..> (آنان هیچ گاه ازحاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

۳ حاکمیت مطلق خداوند بر سراسر هستی

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض . .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا . ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست; بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما

يأتيكم به الله إن شاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۵

۵ زمين ، آسمان و همه عوامل هستى ، در اختيار خدا و گوش به فرمان او هستند .

يأرض ابلعى ماءك و يسماء أقلعى و غيض الماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ عوامل طبيعى و فعل و انفعالات در هستى ، به دست خدا و در اختيار اوست .

يرسل السماء عليكم مدرارًا و يزدكم قوّه

۱۸ سلطه و حاكميت خداوند بر هستى ، از تعاليم هود (ع) به مردم خويش

يرسل السماء عليكم مدرارًا و يزدكم قوّه إلى قوّتكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸،۹،۱۰

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاكميت خداوند هستند .

ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصيتها

<ناصيه> به قسمت جلوى سر گفته مى شود و گاهى به موهاى جلوى سر نيز به اعتبار رستنگاهش ، اطلاق مى گردد. گرفتن جلوى سر و يا موهاى آن ، كنايه از تسلط و حاكميت مى باشد.

۹ هيچ جنبنده اى چه انسان و چه حيوان بدون خواست خداوند ، توانا بر ضرررسانى به ديگرى نيست .

ثم لاتنظرون. إنى توكلت على الله ... ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصيتها

مقصود از بيان سلطه خداوند بر همه جانداران ، به دليل وقوع آن پس از مبارزه طلبى هود(ع) و توكل بر خداوند ، اين معناست كه: همه چيز مقهور خواست خداوند است و بدون رخصت او ، هيچ جانداری

چه رسد به بتهای بی جان توانا بر ضرر رسانی نیست.

۱۰ ربوبیت فراگیر خداوند ، سیطره او بر همه جنبندگان و ضرورت توکل بر او ، از تعالیم حضرت هود (ع)

إنی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصیتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۳

۳ فرمان خداوند در هستی ، بدون هیچ کم و کاستی تحقق می یابد .

و لما جاء أمرنا

تعبیر کردن از عذاب به <أمر> که به معنای فرمان است - می تواند برای رساندن این حقیقت باشد که: آنچه خداوند به تحقق آن فرمان می دهد ، عیناً و بدون کمترین تخلفی انجام می پذیرد به گونه ای که گویا مورد فرمان ، همان فرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ حاکمیت و سیطره بر هستی ، در انحصار خداوند است .

ما أنزل الله بها من سلطن إن الحکم إلاّ لله

مقصود از <حکم> یا حکم تکوینی یا حکم تشریعی و یا اعم از هر دو نوع است. برداشت فوق ، ناظر به نوع تکوینی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب (ع) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء

۱۳ حاکمیت بر تمام هستی و علل و اسباب

، از آنِ خداوند است و جملگی مقهور حکم و تقدیر اویند .

وادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء إن الحکم إلاّ لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۸

۲۸ خداوند هر آنچه را بخواهد با لطافت تحقق می بخشد و بر هستی و عوامل و اسباب آن سیطره دارد .

إن ربی لطیف لما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۴

۴ خداوند ، بر عرش (تمام هستی) تسلّط و فرمانروایی دارد .

ثم استوی علی العرش

از معانی <استواء> تسلّط داشتن است و <ثم> برای تراخی رتبی می باشد و این مفهوم را در جمله ارائه می کند که مهمتر از برافراشته ساختن آسمانها ، این است که او بر عرش سلطه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بر انسان و سرنوشت او و بر تمام هستی حاکمیت دارد .

إن الله لایغیر . .. و إذا أراد الله بقوم سوءًا فلامردّ له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۵

۵ عوامل طبیعی در اختیار خداوند است و تنها او حاکم بر آنهاست .

هو الذی یریکم البرق . .. و ینشیء السحاب الثقال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۵

۵ مشیت خداوند بر هستی و قوانین آنها حاکم است و چیزی جلوگیر اِعمال مشیت او نیست .

لکل

أجل کتاب. یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده أمّ الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۵،۶،۷

۵ حکومت و فرمانروایی بر هستی از آنِ خداوند است .

والله یحکم

۶ حکم و فرمان خداوند در هستی نافذ و حتمی الوقوع است .

والله یحکم لامعقّب لحکمه

<تعقیب> (مصدر معقّب) یعنی به منظور انجام کاری در پی کسی یا چیزی رفتن. قرائن حاکی است که مراد از تعقیب در آیه شریفه ، در پی حکم خدا رفتن به منظور باطل کردن آن است که جمله <لامعقّب لحکمه> آن را نفی می کند.

۷ هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند حکم و فرمان خدا در هستی را نقض کند و آن را بی اثر سازد .

لامعقّب لحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۳

۳- تمامی تلاش و توان ابلیس برای اغوای اکثریت مردمان ، تحت حاکمیت و قدرت خداوند است .

هذا صرط علیّ مستقیم

جمله <هذا صراط علیّ مستقیم> احتمال دارد در پاسخ ابلیس باشد که با انانیت، اغواگری مردمان را با تأکید به خود نسبت داد و خداوند، جواب می دهد: چنین نیست; بلکه این امر تحت قدرت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۱

۱- مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و له ما فی السموت و الأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و <أفغیر الله تتقون> (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که:

مراد از <له ما فی السماوات و. ..> حاکمیت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قل . .. لَابتغوا إلی ذی العرش سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۸،۱۹

۱۸- حاکمیت و فرمان روایی بر آسمان ها و زمین ، در انحصار خداوند است .

و لایشرک فی حکمه أحدًا

۱۹- خداوند در فرماندهی بر هستی ، احدی را شریک خود نمی سازد .

و لایشرک فی حکمه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلّط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه . .. هنالک الولیه للّه الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالک> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۲،۸

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إنّا مكّنّا له فی الأرض

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به دست آورده

اند، بلکه همه چیز از او است.

۸- خداوند ، بر همه علل و اسباب طبیعی حاکم است .

و ءاتینه من کلّ شیء سببًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۴

۴- شیاطین ، تحت سیطره و حاکمیت الهی قرار دارند .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

ضمیر <نا> در <أنّا أرسلنا> بیانگر این نکته است که تصور نشود کار شیاطین خارج از نظام تقدیر و برنامه الهی است; بلکه همه برنامه های آنان، تحت نظارت و در قلمرو مشیت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۸

۸- وجود حق شفاعت برای غیر ، منافی با حاکمیت مطلق خداوند نیست .

لایملکون الشفعه إلاّ من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵ - ۴،۹

۴ - حاکمیت و اصالت رحمت الهی در نظام آفرینش

الرحمن علی العرش استوی

گزینش عنوان رحمن، هنگام توصیف خداوند به فرمان روای جهان، گویای این نکته است که تدبیر امور جهان براساس رحمت الهی است.

۹ - < عن أبی الحسن موسی (ع) و سئل عن معنی قول اللّه < الرحمن علی العرش استوی > فقال : استولی علی ما دقّ و جلّ ;

از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از معنی سخن خدا <الرحمن علی العرش استوی> فرمود: خداوند بر همه موجودات کوچک و بزرگ تسلّط دارد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۵

۵ - آنچه در زیرخاک های

نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له . .. و ما تحت الثری

<ثری> به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در <الثری> ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه <ما فی الأرض> ذکر شده است، احتمال می رود که <ما تحت الثری> مربوط به غیر زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲

۲ - خداوند ، مالک حقیقی هستی و فرمان روای مطلق آن

فتعلی اللّه الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم بر نظام کیفررسانی به مستحقان عذاب

نجزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۶

۱۶- خداوند ، قادر بی مانند و حاکم مطلق در پهنه هستی است .

بل متّعنا هؤلاء . .. أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۲

۲ - حاکمیت یگانه خدا بر هستی ، جلوه ای از مالکیت مطلقه او

قل من ربّ السموت السبع . .. سیقولون للّه

در برابر سؤال از ربوبیت (من ربّ السماوات. ..)، پاسخی داده شده که بیانگر مالکیت است (سیقولون للّه). و این بدان جهت است که ربوبیت، فرع بر مالکیت مطلقه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۱

۱ - سراسر هستی ، در

سیطره حاکمیت و فرمان روایی یگانه خداوند

قل من بیده ملکوت کلّ شیء

<ملکوت> مبالغه <مِلک> (فرمان روایی) است; مانند <رَحَمُوت> مبالغه <رحمه> و <رَهَبوت> مبالغه <رهبه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ - خدا ، فرمان روای یگانه و به حق جهان هستی

فتعلی اللّه الملک الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۱

۱ - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آنِ خداوند است .

و للّه ملک السموت و الأرض

تقدیم خبر (للّه) بر مبتدا (ملک السماوات. ..)، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱،۲،۳،۸،۱۰

۱ فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارک . .. الذی له ملک السموت و الأرض

۲ فرمان روایی خداوند بر جهان هستی ، نشانگر منشأ خیرات بودن او برای جهانیان است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که جمله <الذی له. ..> بدل برای جمله <الذی نزّل...> باشد. بر این اساس، ارتباط میان مبارک بودن خداوند و پادشاهی او، حقیقت یاد شده را، می رساند.

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق

خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتّخذ ولدًا و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

۱۰ فرمان روایی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، جلوه ای از عظمت و منزه بودن او هر گونه عیب و نقص است .

تبارک الذی نزّل الفرقان . .. الذی له ملک السموت ... و لم یکن له شریک فی الملک

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <الذی له ملک السماوات. ..> بدل برای <الذی نزّل الفرقان...> و <تبارک> به معنای <تنزه> و <تعاظم> باشد; که یکی از معانی لغوی <تبارک> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۵

۵ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند

ثمّ استوی علی العرش

<استواء> (مصدر <استوی>) به معنای <استیلاء> است. <عرش>; یعنی، تخت فرمانروایی. استیلاء بر تخت حکومت، کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق بر سراسر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۴،۷

۴ - عرش الهی (مرکز حاکمیت و تدبیر خدا) ، بسیار عظیم و گسترده

ربّ العرش العظیم

۷ - پادشاهی و فرمانروایی انسان ها ، امری اعتباری بوده و این مقام در حقیقت تنها از آنِ خدا است .

امرأه تملکهم .

.. و لها عرش عظیم ...اللّه لا إله إلاّ هو ربّ العرش العظیم

یادآوری الوهیت و ربوبیت مطلق خدا بر جهان و نیز عرش عظیم او (پس از ذکر عرش و فرمانروایی بزرگ ملکه سبا) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۹

۹ - فرمان روایی جهان ، تنها در اختیار خداوند است .

له الحکم

<حکم> به معنای فرمان است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (الحکم) مفید حصر می باشد. بنابراین <له الحکم>; یعنی، فرمان در سراسر هستی، تنها در انحصار خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۲

۲ - خداوند ، حاکمِ مطلقِ موجودات هستی است .

للّه ما فی السموت

لازمه مالکیت، حاکمیت داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۹

۹ - فرمانروایی مطلق جهان ، مخصوص خدا است .

اللّه ربّکم له الملک

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (الملک)، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۲،۴

۲ – حاکمیت و مالکیت همه چیز به دست خدا است .

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

<ملکوت> یا صیغه مبالعه از مصدر <مِلک> به معنای مالکیت است (مانند <رحموت> و <رهبوت> که مبالغه رحمت و رهبت است) و یا از مصدر <مُلک> به معنای سلطنت و حاکمیت است.

۴ – در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن

او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۱

۱ - فرمانروایی جهان هستی (آسمان ها ، زمین و موجودات میان آن دو) تنها در اختیار خداوند است .

أم لهم ملک السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إنّا سخّرنا الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود ، مسخر و رام خدا هستند .

إنّا سخّرنا الجبال . .. و الطیر محشوره

<و الطیر> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سخّرنا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجتمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طیر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۷

۷ - طبیعت ، تحت تسخیر و فرمان خداوند

اركض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۴،۶

۴ - جهان آفرينش (آسمان ها ، زمين و . . .) تحت فرمانروايى خدا است .

له ملك السموت و الأرض

۶ - فرمانروايى مطلق خداوند بر جهان هستى ، دليل در اختيار

داشتن همه شفاعت ها در دست خدا و ناتوانی غیر او از هرگونه شفاعت خودسرانه

قل للّه الشفعه جمیعًا له ملک السموت و الأرض

جمله <له ملک السماوات. ..> در مقام تعلیل برای جمله پیش (للّه الشفاعه جمیاً) است; یعنی، چون فرمانروایی جهان به دست خداوند است، پس شفاعت هم که جزئی از فرمانروایی است در اختیار او قرار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۵،۷

۵ - فرمان روایی جهان ، تنها از آنِ خداوند است .

لمن الملک الیوم للّه الوحد القهّار

۷ - وحدانیت و قهار بودن خداوند ، نشانه اختصاص داشتن فرمان روایی به ذات مقدس او

لمن الملک الیوم للّه الوحد القهّار

ذکر شدن دو صفت یکتایی و قهاریت برای خداوند پس از یادآوری اختصاص داشتن فرمان روایی جهان به او می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد; زیرا کسی که چیره شونده مطلق است و در این چیره گی، یکتا و یگانه می باشد، در اوج قدرت و استیلا بر جهان قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عالَم ، محضر خدا است .

إنّ اللّه بصیر بالعباد

لازمه بصیرت و آگاهی داشتن خداوند بر احوال بندگان، حضور همه چیز در پیشگاه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۴

۴ - تسلط و سیطره کامل و فراگیر خداوند بر جهان هستی

له مقاليد السموت و الأرض

تعبير <له مقاليد> گاهی کنایه از تسلط بر چیزی است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی جهان هستی ، قلمرو مالکیت و حکومت خداوند است .

للّه ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین

و للّه ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۹

۹ - حاکمیت تدبیر و مدیریت خداوند یکتا ، بر کل نظام هستی

فللّه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

تکرار واژه <ربّ> در آیه شریفه، می تواند در راستای شرک زدایی و تثبیت باور به حاکمیت مطلق ربوبیت خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳،۸

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت . .. و یعذّب المنفقین ... و المشرکین ... و للّه

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - حاکمیت مطلق خداوند بر قوای هستی ، نویدی به مؤمنان و هشداری به منافقان و مشرکان

و للّه جنود السموت و الأرض

یادآوری قدرت، پس از وعده و وعید، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و للّه ملک السموت و

الأرض

<ملک> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۳

۳ - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه هو أمات و أحیا

در صورتی که آیه <إلی ربّک المنتهی> نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <و أنّه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی قلمرو هستی ، در انحصار ربوبیت خداوند ، از زمین خاکی تا ستاره < شِعری >

و أنّه هو ربّ الشِعری

تصریح به <شعری>، می تواند از آن جهت باشد که این ستاره، در نقطه ای بس دور در فضا قرار دارد و یادکرد آن در حقیقت، برای بیان یگانگی ربوبیت خداوند بر تمام قلمرو گسترده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و . .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۱،۲

۱ – فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک) افاده حصر می کند و <ملک>

به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

۲ – انحصار فرمانروایی برای خداوند ، نشانه منزّه بودن او از هر عیب و نقصی (همچون داشتن شریک و . . .)

سبّح للّه ما فی السموت . .. له ملک السموت و الأرض

ذکر فرمانروایی انحصاری خداوند پس از یاد کردن تسبیح موجودات عالم برای او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۵ – ۱

۱ – فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

<ملک> به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملک. ..) افاده حصر می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۷ – ۱۳

۱۳ – دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتّبعوه رأفه و رحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۳

۳ – خداوند ، حاکم روز جزا است .

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فیتبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - فرمانروای مقتدر و شکست ناپذیر هستی ، منزّه از هر گونه شریک

سبحن اللّه عمّا یشرکون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - خداوند ، حاکم و داور میان خلق

یحکم بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۶

۶ - فرمان روایی عالم ، تنها در انحصار خداوند است .

له الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۷

۷ - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

یتنزّل الأمر بینهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۳

۳ - فرمانروایی جهان ، تنها در دست خداوند است .

الذی بیده الملک

تقدیم مسند (بیده) بر مسندالیه (الملک)، افاده اختصاص می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها فرمانروای روز قیامت

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۳

۳ - لحظه مرگ ، لحظه بروز ناتوانی کامل انسان و حاکمیت تام خداوند بر سرنوشت او

إلی ربّک یومئذ المساق

از آن جایی که قیامت روز حساب و مجازات است، سوق دادن انسان به درگاه خداوند در آن روز، می تواند نشانگر این حقیقت باشد که سرنوشت انسان ها (بهشتی یا جهنمی شدن آنان)، در آن تعیین خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۵

۵ - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوّه عند

ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوّه> تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت ، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است .

و ما أدریک . .. ثمّ ما أدریک ما یوم الدین ... و الأمر یومئذ للّه

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملک السموت و الأرض

<مُلک> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلک> به کار رود، مستلزم <مِلک> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۱

۱ - فرمانروایی بر جهان هستی و تدبیر آن ، در اختیار خداوند است .

ذو العرش

عرش; یعنی، تخت فرمانروا (قاموس) و در آیه شریفه معنای مجازی آن (مقام سلطه بر همه جهان و تدبیر آن) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۵ – ۴

۴ – حاکمیت خداوند ، بر آغاز و فرجام انسان ها

لقد خلقنا الإنسن

. .. ثمّ رددنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، به دلیل حاکمیت و تسلّط بر مردم ، بر محافظت آنان از خطر ها و مهارکردن حوادث زیان بار ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . ملک الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بربّ الناس . ملک الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

حاکمیت خدا بر جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۵

۵ - تاریخ ، دربردارنده نمونه هایی آشکار از سیطره خداوند بر سرنوشت جامعه ها است .

ألم تر کیف . .. فصبّ علیهم ربّک سوط عذاب

حاکمیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملک یومئذ للّه

حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۳

۳ - بهرهوری انسان از مصنوعات

خویش ، تنها در قلمرو قوانین فائق الهی بر نظام طبیعت

و له الجوار المنشات فی البحر

خداوند با تعبیر <له الجوار. ..> به انسان تذکر داده است که اگر بشر می تواند با ساخت وسایلی به بهرهوری بیشتر از دریا بپردازد، این چیزی است که در پرتو قوانین الهی حاکم بر ماده صورت می گیرد.

حاکمیت دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم . .. لیستخلفنّهم ... و لیمکّننّ لهم دینهم ... یعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است; یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و

امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است; یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنابر دیدگاه نخست است.

حاکمیت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۸

۸- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : ملك الأرض كلّها أربعه : مؤمنان و كافران . فأمّا المؤمنان : فسليمان بن داوود و ذوالقرنين ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چهار نفر بودند که بر تمام زمین حکومت کردند: دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. آن دو نفر مؤمن: سلیمان بن داوود و ذوالقرنین بودند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۳

۳- ذوالقرنین ، بر قوم ساحل دریا ، سلطه کامل یافته بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حاکمیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۸

۸ - همه عوالم هستی ، تحت ربوبیت خداوند

ربّ العلمین

<العالمین> جمع همراه با <ال> و مفید استغراق است; بنابراین <ربّ العلمین>; یعنی، پروردگار همه عالم ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۸

۸ - همه عوالم هستی ، تحت ربوبیت خداوند

ربّ العلمین

<العالمین> جمع همراه با <ال> و مفید استغراق

است. بنابراین <ربّ العالمین>; یعنی، پروردگار همه عوالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ حاکمیت کامل و بدون رقیب سنتهای تغییرناپذیر الهی بر جریان تاریخ

و لقد کذبت رسل من قبلک . .. حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

جمله <لا مبدل . .. > بیان قاعده و قانونی کلی در نظام جهان است، ولی چون مورد آیه بحثهای تاریخی و روند حوادث آن است، مصداق مورد نظر در آیه، این بخش از سنتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن اللّه مخزی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۸

۸- تحولات تاریخ ، بر اساس سنت های الهی حاکم بر آنهاست .

و إذًا لایلبثون خلفک إلّا قلیلاً. سنّه من قد أرسلنا قبلک من رسلنا و لاتجد لسنّت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۶

۶ - قوانین الهی ، حاکم بر تحوّلات جامعه و تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنّه اللّه تبدیلاً

حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ سلطه و حاکمیت شیاطین بر منکران آیات الهی، سنت خداوند و تحت اراده اوست.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا . .. > عطف بر <لا- یؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذین> می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشیاطین أولیاء للذین إذا فعلوا فاحشه ... .

حاکمیت شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - < عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه < و عداللّه الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم واللّه شیعتنا أهل البیت یفعل اللّه ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الاُمّه . . . ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد اللّه الذی آمنوا منکم. ..> فرمود:

سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما

که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

حاکمیت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۹،۱۱،۱۴،۱۶

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیّت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

۱۱ حاکمیّت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیاؤهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیّت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

۱۶ توجّه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیّت طاغوت

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۳

۳ حاکمیّت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءَاتیه اللّه الملک

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ ارجاع داوری به حاکمان خودکامه و سلطه گر ، پذیرش حاکمیت طاغوت است .

الم تر الی الّذین یزعمون انّهم امنوا . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

امام صادق (ع) فرمود: . .. انّه لو کان لک علی رجل حقّ فدعوته الی حکّام اهل العدل فأبی علیک اِلا انْ یرافعک الی حکام اهل الجور لیقضوا له لکان ممّن حاکم الی الطاغوت و هو قول اللّه عزّ و جل: الم تر الی الّذین یزعمون ... .

کافی، ج ۷، ص ۴۱۱، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲، ۳ و ۵ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱۸۰.

حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ حاکمیت یافتن ستمگران بر مردم ستم پیشه از سنتهای خداوند در جوامع انسانی است.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

حاکمیت عدالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۷

۷- عدل الهی ، بر نظام جزای اعمال حاکم است .

و لاتزر وازره وزر أخری

حاکمیت غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱ – ۷

۷ – فرمان روایی خداوند ، حقیقی است و از غیر او ، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است .

له الملک

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می کند; یعنی، فرمان روایی تنها از آنِ خداوند است. وجود

فرمان روایی های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می باشد.

حاکمیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ فرعون ، حاکمی مشرک و معتقد به وجود خدایان و معبودهایی متعدد

و یذرک و ءالهتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا عبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۳

۳ - فرعون ، معتقد به حاکمیت مطلق خویش حتی بر افکار و اندیشه مردم

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۱

۱ - نظرخواهی و اقرارطلبی فرعون از قوم خویش ، درباره حاکمیت و مالکیت او بر سرزمین مصر

یقوم ألیس لی ملک مصر

حاکمیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱،۳

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سَوْم> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ; یعنی: العذاب السوء.

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به

یاد داشتن

و إذ أنجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدّر <اذکروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قوماً عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۳

۳ - فرمان روایی و سلطه کامل فرعونیان و قبطیان بر سرزمین مصر در عصر حضرت موسی

لکم الملک الیوم ظهرین فی الأرض

حاکمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲ هیچ موجودی توانایی انجام کاری در جهت خنثی کردن کار خداوند را ندارد .

إن یمسسک اللّه بضرّ فلا کاشف له إلا هو و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

۳ تمام قدرت ها در جهان هستی ، مقهور و مغلوب قدرت خداوند است .

إن یمسسک اللّه بضرّ فلا کاشف له إلا هو . .. یصیب به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محکم ترین دژ های ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهی ، ناپایدارند .

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال ربّک هو علیَّ هیّن

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلمًا علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۲

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت و تدبیر خداوند است .

و للّه ملک السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۶

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملکون لی من اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّه . .. و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - قدرت خداوند ، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (ص)

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

بنابراین که <ید> کنایه از قدرت باشد، جمله <یداللّه فوق أیدیهم> پیام هشداری است به این که: ای بیعت کنندگان! از شکستن بیعت ها بپرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

۶ - قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید اللّه فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و کفّ أیدی الناس عنکم

تعبیر <کفّ. ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثّر در مرگ و حیات موجودات

إنّا نحن نحیی و نمیت

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت

عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونی ، امری ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فنبذنهم فی الیمّ

حاکمیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلّط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لإیلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حاکمیت قضای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۸

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم . .. ثم قضی أجلا و أجل مسمی عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۸،۹

۸ - قارون و فرعون و هامان ، هیچ گاه ، نتوانستند بر اراده و قضای خدا ، پیشی گیرند .

و قرون و فرعون و همن . .. و ما کانوا سبقین

به قرینه آیـات پیش که دربـاره عـذاب اقوام مکـذِّب انبیـا است و نیز آیه بعـد که درباره عقوبت قارون و فرعون و هامان اسـت سبقت نگرفتن آنان، سبقت نگرفتن بر امر و قضای الهی در عذاب مکذبان است.

۹ - پیشی گرفتن از قضای الهی ، ممکن نیست .

و ما کانوا سبقین

حاکمیت کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

- ۸۲ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، مقهور نظام کیفری خداوند و ناتوان از هرگونه استتار و مقاومت

و ما هم عنها بغائبین

حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مرتدان و گوساله پرستان است.

حاکمیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۰،۱۳،۱۵

۱۰ حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقواپیشگان است .

و العقبه للمتقین

<عاقبه> به معنای سرانجام است و <ال> در آن می تواند جانشین مضاف إلیه باشد که به قرینه <إن الأرض للّه یورثها . .. > آن مضاف إلیه <ارث الأرض> است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقین.

۱۳ موسی (ع) خواهان حاکمیت یافتن تقواپیشگان شد .

استعینوا . .. و العقبه للمتقین

۱۵ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقواپیشگان ، از تعالیم موسی (ع) به قوم خویش

قال موسی . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده و العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۵

۱۵ خداوند با رساندن تقواپیشگان به حکومت ، آنان را آزمایش خواهد کرد .

و العقبه للمتقین . .. فینظر کیف

تعملون

حاکمیت محمد(ص) در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۹

۹ - پیامبراکرم (ص) در مدینه ، حاکمیت مقتدرانه داشت .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم

حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۷،۸

۷ نابودی ستمگران و حاکمیت مستضعفان از سنت های خداوند است .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون . .. و تمت کلمت ربک الحسنی

خداوند به جای کلمه کوتاهی مانند بنی اسرائیل پس از <أورثنا>، وصف آنان، یعنی <القوم الذین . .. >، را می آورد تا به این نکته اشاره کند که حمایت خداوند مخصوص بنی اسرائیل نبوده، بلکه سنت خدا بر این است که مستضعفان را بر مستکبران پیروزی دهد.

۸ مژده هلاکت مستکبران و حاکمیت یافتن مستضعفان ، از سخنان زیبای خداوند برای بشریت .

و أورثنا القوم . .. و تمت کلمت ربک الحسنی

حاکمیت مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۷

۷ همه موجودات ، مقهور اراده و خواست خداوندند .

لا عاصم الیوم من أمر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها ، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان

، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیّت الهی بر تمامی اسباب و علّتهاست .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا. ..> است به منزله ادعایی است که با <کذلک مکّنّا ...> بر آن استدلال شده است ; یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۲ حاکمیت مشیّت خدا و نفوذ اراده او

نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۷

۷ تقدیر ها و مشیت های الهی ، حاکم بر تدبیر بندگان است .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ حاکمیت و نفوذ مشیّت الهی در امور انسانها

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۳

۳- عوامل طبیعت ، در کنترل اراده و مشیت الهی است .

من کان یرید العاجله عجّلنا له فیها ما نشاء

دنیاطلبان، خواسته های خود را از طریق عوامل طبیعی به دست می آورند و خداوند تقدیر امکانات دنیوی را برای آنان به خود اسناد داده است. چنین اسنادی گویای آن است که عوامل طبیعت تحت کنترل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۸

۸- پیامبر (ص) ، فاقد یاور و مدافع برای خویش ، در مقابل مشیت و تصمیم خدا

ثمّ لاتجد لک به علینا وکیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۴

۴- کردار انسان ها ، مقهور خواست خداوند و مستند به خود ایشان است .

إنّی فاعل . .. إلاّ أن یشاء اللّه

چنان چه کسی بگوید: <به خواست خداوند، من، در آینده، چنین کاری را انجام خواهم داد> براساس آیه شریف گفتاری صحیح و مُجاز، به زبان آورده است. بنابراین، خواست خداوند، مانع استناد کار به خود انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۷

۷- قدرت و نیروی مطلق خدا ، پشتوانه حاکمیّت خواست او بر هستی است .

ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

بیان <لاقوّه. ..> به منزله تعلیل است; یعنی، چون نیرویی در هستی وجود ندارد جز وابسته به خدا، پس جز مشیّت اش اراده ای حاکم بر هستی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیَّ هیّن و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- طبیعت ، در تسخیر مشیت و خواست خداوند است .

قد جعل ربّک تحتک سریًّا

ممکن است اسناد فراهم

آوردن نهر آب به خداوند، به این لحاظ باشد که اسباب طبیعی جز به اذن خداوند نمی توانند اثری ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۰

۱۰ - فراخ و تنگی روزی مردم ، تحت اراده و خواست خداوند است .

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - خواست خداوند ، حاکم و مقدم بر تصمیم ها و کارکرد عوامل طبیعی است .

قالوا اقتلوه أو حرّقوه فأنجیه اللّه من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۳

۳ - مشیت الهی ، حاکم بر هستی است .

و لو شاء اللّه لجعلهم أُمّه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۸

۸ - مشیت بی چون و چرای خداوند ، نشانی از قدرت شکست ناپذیر او است .

یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۷

۷- مشیت الهی ، حاکم بر روند تاریخ و زندگی انسان ها

لتدخلنّ . .. إن شاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثّر در مرگ و حیات موجودات

إنّا نحن نحیی و نمیت

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد

و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۲

۲ - انسان در برابر خداوند ، موجودی مستقل و کاملاً آزاد و مختار نیست ; بلکه در محدوده مشیّت و خواست او ، دارای آزادی و اختیار است .

و ما تشاءون إلّا أن یشاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (ص) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است; به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۲

۲ - حاکمیت مشیت خداوند ، بر توانمندی های همه انسان ها حتی پیامبر (ص)

فلاتنسی . إلّا ما شاء اللّه

مفاد استثنا در <إلّا ماشاء اللّه> الزاماً این نیست که خداوند برای پیامبر(ص) فراموشی آیات را اراده خواهد کرد; بلکه می توان گفت: این استثنا را فرموده است تا این نکته را بفهماند که مصونیت پیامبر(ص) از فراموشی;

همواره معلّق بر خواست خداوند است و آن حضرت از خود استقلالی ندارد.

حاکمیت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربک فعال لما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۹

۱۹ - فرمانروایی مطلق جهان ، مخصوص خداوند است .

اللّه ربّکم له الملک

تقدم خبر (له) بر مبتدا (ملک) دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۴

۴ - شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن ، زداینده هرگونه شک و تردید درباره امکان معاد

لاریب فیه و لکنّ أکثر الناس لایعلمون . و للّه ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند پس از بیان <أکثر الناس لایعلمون> می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

حاکمیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ – فرمان روایی بر جهان ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلّا هو . .. له الحکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۳ – ۱۲

۱۲ – مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و اللّه خلقکم . .. الشمس و القمر ... ذلکم اللّه

ربّکم له الملک و الذین تدعون من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو اللّه الذی . .. الملک القدّوس

۲ - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو اللّه الذی لا إله إلاّ هو الملک

وصف <الملک> برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

حاکمیت مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۷

۷ تقدیر ها و مشیت های الهی ، حاکم بر تدبیر بندگان است .

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم ما کان یغنی عنهم من الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۸

۸ - تقدیر الهی ، حاکم بر جوامع بشری و فرد فردِ اعضای آن

إلاّ امرأته قدّرنها من الغبرین

از عبارت <قدّرناها> استفاده می شود که نه تنها جریان های عمومی در قلمرو تقدیر الهی قرار دارند; بلکه سرنوشت هر فرد نیز در آن مشخص شده است.

حاکمیت مقررات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۷

۷ - تدبیر های الهی و قوانین اجتماعی ، دارای حاکمیت بی چون و چرا بر زندگی انسان

و لولا أن یکون الناس أمّه

حاکمیت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۳

۳ - ملکه سبا ، تصمیم گیرنده نهایی درباره امور مملکت خویش

أفتونی فی أمری

ملکه تصمیم

گیری را <أمر> خود دانسته است، نه درباریان.

حاکمیت نظام زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۲

۲ - زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی اللّه . .. و لیس له من دونه أولیاء

حاکمیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر

فإن الله لایضیع أجر المحسنین

حاکمیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصیب من الملک فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <الملک> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه . .. .

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

حتمیت حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعـده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم فی الأرض ... لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

حقانیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷

۷ - نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند وحقانیت او

و كذلك أنزلنه . .. فتعلى اللّه الملك الحقّ

<فا> در <فتعالى> براى تفريع است و مى رساند دارد كه پى بردن به مطالب بعد از آن، نتيجه توجه به ما قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱

۱ قيامت ، روز ظهور و بروز حقانيت حاكميت مطلق خداوند رحمان

الملك يومئذ

الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است; زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است; چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آنِ خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۷

۷ - فرمان روایی خداوند ، حقیقی است و از غیر او ، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است .

له الملک

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می کند; یعنی، فرمان روایی تنها از آنِ خداوند است. وجود فرمان روایی های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می باشد.

درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۴

۴ - درک حاکمیت و سیطره همه جانبه خدا بر سراسر هستی ، در صلاحیت اشخاص دانشور و خردمند

قل من بیده ملکوت کلّ شیء . .. إن کنتم تعلمون

دلایل حاکمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۵

۵ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم حاکمیت حق بر جامعه بشری است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

. .. و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهم

یادآوری هدفمند و حق مدار بودن آفرینش، پس از توصیه به رعایت حق در داوری به داوود(ع)، می تواند حاکی از ارتباط میان این دو مطلب و گویای برداشت یاد شده باشد.

دلایل حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۵

۵ - وحدانیت خدا ، دلیل بر نبودن کمترین مانع در برابر تدبیر حکیمانه و هدفدار او در جهان آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقنكم عبثًا . .. فتعلى اللّه الملك الحقّ لا إله إلاّ هو

بیان وحدانیت خدا با <لا إله إلاّ هو> در این مجموعه از صفات که در مقام تنزیه ذات پروردگار از بیهوده کاری و عبث آفرینی است مطلب یاد شده را افاده می کند.

ذکر حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۳

۳- لزوم توجه به حاکمیت اراده الهی ، بر فرآیند تحولات شگرف تاریخ

و لقد نجّينا بنى إسرءيل

تأکید خداوند در نسبت دادن نجات بنی اسرائیل و وارث قرار دادن ایشان به خود، بیانگر مطلب یاد شده است.

ذکر حاکمیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنّه لقول رسول كريم . ذى قوّه عند ذى العرش مكين . مطاع ثَمّ

أمين

ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من ءایه أو ننسها . .. ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن الل

استفهام تقریری در دو جمله <ألم تعلم أن اللّه علی . ..> و <ألم تعلم أن اللّه له ...> بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان رابه توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

۸ - توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش ، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن اللّه علی کل شیء قدیر. ألم تعلم أن اللّه له م

زمینه جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحکیم العلیم . و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

زمینه حاکمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۹

۹- نقش عبودیت خداوند و صلاح و درست کاری در دستیابی به حاکمیت زمین

یرثها عبادی الصلحون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۵

۵ - ایمان و انجام اعمال صالح ، موجب شایستگی انسان برای خلافت در زمین و اداره زندگی بشر

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

زمینه حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۳

۳ علم گسترده خداوند ، لازمه فرمانروایی او بر سراسر هستی

إن اللّه بکل شیء علیم. إن اللّه له ملک السموت و الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <إن اللّه له ملک . ..> در مقام تعلیل برای <إن اللّه بکل شیء علیم> باشد.

زمینه حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ نپذیرفتن ربوبیت خداوند و مخالفت با پیامبران و برنامه های ایشان ، زمینه ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم . .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که ترتیب ذکری جمله <اتبعوا . ..> بر جمله های سابق ، حاکی از ترتب خارجی آن باشد.

زمینه حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۱

۲۱ - عبادت خالصانه خدای یکتا ، زمینه ساز حاکمیت ، پیروزی و امنیت مؤمنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

شفاعت و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ - شفاعت ، منافاتی با حاکمیت

مطلق خداوند در صحنه قیامت ندارد .

یومئذ لاتنفع الشفعه إلّامن أذن له الرحمن

ظهور حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۶

۶ - < أیام اللّه > ، روز های ظهور عینی حاکمیت و اقتدار خداوند و انتقام از کافران

لایرجون أیّام اللّه لیجزی قومًا

از اضافه <ایّام> به <اللّه>، استفاده می شود که روزهای مورد نظر، ایّام ویژه ای است که با سایر روزها تفاوت دارد و اراده الهی در آن ظهور و بروز خاصی می یابد. با توجه به جمله <لیجزی...> ممکن است چنین برداشت شود که <أیّام اللّه> روزهایی است که خداوند از کافران انتقام می گیرد.

عقیده به حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - عقیده به حاکمیت اراده الهی بر مقدّرات انسان ، زمینه ساز حرکت به سوی انجام وظایف الهی و نه ترک مسؤولیت

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

با توجه به این که خداوند، اراده نافذ خویش را به اعراب متخلف یادآور شده است; از آیه شریفه استفاده می شود که توجّه به تخلف ناپذیری اراده خداوند، باید زمینه اطاعت و تکلیف پذیری را در انسان زنده کند; نه روح سستی و مسؤولیت گریزی را.

عقیده به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ توکل بر خدا و اعتقاد به حاکمت مطلق الهی نباید موجب نادیده انگاشتن اسباب و علل طبیعی شود .

ادخلوا من أبوب

متفرقه . .. إن الحکم إلاّ لله علیه توکلت

توکل کردن یعقوب(ع) بر خداونـد (علیه توکلت) او را از چاره اندیشـی و جست و جوی اسـباب (لاتدخلوا من باب واحد . ..) باز نداشت. و این درسـی برای همگان است که نه تنها تدارک اسـباب با توکل تنافی ندارد ; بلکه باید اسباب و علّتها را فراهم آورد و بر خداوند نیز توکل داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۳

۳ - شرکورزی ، علی رغم اعتقاد به حاکمیت فراگیر خدا بر سراسر هستی ، سزاوار نکوهش و سرزنش

قل فأنّی تسحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۳

۳ - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

عقیده به حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین ، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد کتبنا فی الزبور . .. إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

عوامل حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۷

۷ حاکمیت و ولایت یافتن ظالمان معلول کردار ظالمانه مردم جامعه است.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون

عوامل حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۸

۸

حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است .

استعینوا باللّه و اصبروا إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

قبول حاکمیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۱

۱ پذیرش قوانین الهی و حاکمیت پیامبر (ص) ، اعتلابخش است .

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول

۱ مراد از <تعالوا . .. > به قرینه آیه پیشین، مراجعه به آن حضرت برای قضاوت و داوری است. ۲ <اعتلابخش بودن> در برداشت فوق، از معنای <تعالوا> استفاده شده است.

قداست حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملک القدّوس

وصف <القدوس>، در پی <الملک>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرّا است.

گسترش حاکمیت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم یروا أنَّا نأتی الأرض ننقصها

من أطرافها

مفسّران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

مانعان از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۸

۸ - تنها باید با ظالمان (کافران محارب و فتنه انگیزان و مانعان از گسترش و حاکمیت دین) مبارزه کرد .

فلا عدون إلا علی الظلمین

مرکز حاکمیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۶

۶ - جهان ، دارای مرکز اداره و فرمانروایی

العرش

<عرش> به معنای تخت فرمانروایی است و گاهی کنایه از مرکز اداره و فرمانروایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۳

۳ - < عرش > ، مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان هستی

و یحمل عرش ربّک

<عرش> به معنای تخت فرمان روایی است و در این آیه، کنایه از مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان است که فرشتگان، به

فرمان خداوند به این امر می پردازند.

مظاهر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۲

۱۲ رسالت پیامبر (ص) و شمول آن

نسبت به همگان ، پرتویی از فرمانروایی خدا بر هستی و نبود خدایی جز او

إنی رسول اللّه . .. الذی له ملک السموت و الأرض لا إله إلا هو

تصریح به اینکه پیامبر(ص) فرستاده خداست (رسول اللّه) و سپس توصیف خداوند به فرمانروایی بر هستی، بیانگر این است که رسالت پیامبر مقتضای اوصافی است که در آیه مورد بحث برای خداوند ذکر شده است.

ممانعت از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۷

۷ - کافران محارب ، فتنه انگیزان و بازدارندگان از گسترش و حاکمیت دین الهی ، ظالم هستند .

فلا عدون إلا علی الظلمین

منشأ حاکمیت بر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت و بهرهوری از آن

کرّمنا . .. و حملنهم ... و رزقنهم ... فضّلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغیر و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

منشأ حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۴

۴- تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بـدان احتمـال است که مراد از <اسـکنوا> اسـتقرار و حاکمیت یافتن باشـد که تا آن روز بنی اسـرائیل فاقـد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر]باشد.

منشأ

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد کتبنا . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

منشأ حاکمیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۷

۷ اراده خداوند منشأ اصلی تسلط پیامبر (ص) بر اسیران جنگ بدر

فأمکن منهم

ضمیر فاعلی در <امکن> به <اللّه> برمی گردد. یعنی خداوند شما را بر آنان تسلط بخشید.

منشأ حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فأخرجنهم من . .. و أورثنها بنی إسرءیل

موانع حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا . .. للذين لا يؤمنون

موانع حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ پذیرش ربوبیت خدا و پیروی از برنامه های پیامبران ، مانع از حاکمیت و سلطه ستمگران و سرکشان *

و تلك عاد جحدوا بأيت ربهم . .. واتبعوا أمر كل جبار عنيد

موانع حاکمیت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ پذیرش ربوبیت خدا و پیروی از برنامه های پیامبران ، مانع از حاکمیت و

سلطه ستمگران و سرکشان *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم . .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

ناپایداری حاکمیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۷

۷ - پادشاهی و فرمانروایی انسان ها ، امری اعتباری بوده و این مقام در حقیقت تنها از آنِ خدا است .

امرأه تملکهم . .. و لها عرش عظیم ...اللّه لا إله إلاّ هو ربّ العرش العظیم

یادآوری الوهیت و ربوبیت مطلق خدا بر جهان و نیز عرش عظیم او (پس از ذکر عرش و فرمانروایی بزرگ ملکه سبا) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

نشانه های حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است ; نه نشان فرزندی عیسی (ع) برای خداوند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

نشانه های حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۶

۶ حیات

و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إن اللّه له ملک السموت و الأرض یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

یفصّل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الأیات> آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۷

۷ - آگاهی خداوند بر سر و آشکار آدمی ، جلوه ای از حاکمیت و مالکیت مطلقه او بر سرتاسر هستی و اجزای آن است .

علی العرش استوی . له ما فی السموت ... فإنّه یعلم السرّ و أخفی

ارتباط این آیه با آیات قبل، گویای این است که چون خداوند بر همه هستی فرمان روایی می کند و مالک حقیقی جهان است، پس بر همه چیز اطلاع و وقوف دارد، اگر چه سر و یا مخفی تر از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷،۸

۷ - نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند وحقانیت او

و کذلک أنزلنه . .. فتعلی اللّه الملک الحقّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن، نتیجه توجه به ما قبل است.

۸ - رخداد عظیم قیامت و دگرگونی

هـای عمـده در جهـان ، و نظـام دقیق و عادلانـه آن ، جلوه هایی از مرتبت والا و فرمان روایی مطلق خداونـد و منزه بودن او از هرگونه باطل

فتعلی اللّه الملک الحقّ

ارتبـاط این آیه بـا آیـات پیشـین که از حوادث نزدیـک به قیامت و رخـدادهای آن روز سـخن گفته بود گویای نکته یاد شـده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۸

۸ - تشـکیل و تراکم ابر ها و نزول باران و تگرگ ، جلوه فرمان روایی و قدرت بی مانند خداوند بر جهان (آسـمان ها و زمین)

و للّه ملک السموت . .. أنّ اللّه یزجی سحابًا ... و ینزّل من السماء من جبال فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۳

۳ - انتخاب و فرستادن رسولان برای بشر ، جلوه ای از فرمانروایی خداوند بر جهان هستی

أم عندهم خزائن رحمه ربّک . .. أم لهم ملک السموت و الأرض و ما بینهما

یادآوری فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان، پس از مسأله رسالت و نبوت پیامبراسلام(ص)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۹ – ۶ – ۲۰

۲۰ – آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۳ – ۱۲

۱۲ – تشریع دین از سوی خداوند ، مظهری از سلطه وی بر جهان هستی است .

له مقالید السموت و الأرض . .. شرع لکم من الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۲ – ۲

۲ – عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن ربّ السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۷ – ۳

۳ – حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات انسان ، نمودی از حاکمیت مطلق او بر هستی

قل اللّه یحییکم ثمّ یمیتکم ثمّ یجمعکم . .. و للّه ملک السموت و الأرض

با توجه به ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۴ – ۱۴،۱۵

۱۴ – نزول اطمینان و آرامش بر قلب مؤمنان در بحران ها ، نمودی از حاکمیت خداوند بر قوای جهان

أنزل السکینه . .. و للّه جنود السموت و الأرض

بیـان <للّه جنود. ..> در پی <أنزل السـکینه> می توانـد بیانگر این نکته باشـد که با وجود حاکمیت خداونـد بر قوای جهان، اطمینان بخشیدن به قلب مؤمنان، امری سهل و آسان

است.

۱۵ - فتح و پیروزی مؤمنان در پرتو امدادِ الهی ، جلوه ای از حاکمیت خدا بر عوامل و امکانات جهان هستی

إنّا فتحنا لک فتحًا . .. و للّه جنود السموت و الأرض

<للّه جنود. ..> ممکن است در مقام تعلیل برای <إنّا فتحنا لک...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۶ - ۸

۸ - نیازمندی وساطت و شفاعت در پیشگاه خداوند به اذن او ، نمودی از حاکمیت مطلقه الهی در دو گیتی

فللّه الأخره و الأُولی . و کم من ملک ... إلاّ من بعد أن یأذن اللّه

ارتباط دو آیه، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۶

۶ - در دست داشتن حیات و مرگ موجودات ، جلوه فرمانروایی انحصاری خداوند بر عالم است .

یحیی و یمیت و هو علی کلّ شیء قدیر

<احیاء> و <إماته>، از مظاهر فرمانروایی مطلق خداوند است. اختصاص به ذکر یافتن آن به خدا، می تواند برای بیان دو مصداق و جلوه از فرمانروایی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۲

۲ - آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هریک به جای دیگر ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

مراد از <یولج اللیل فی النهار. ..> می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب را می برد و

روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملک و هو علی کلّ شیء قدیر . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی خلق الموت. ..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملک . .. الذی خلق سبع سموت طباقًا

جمله <الذی خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۸

۸ - سرنوشت فرعون ، نشانگر حاکمیت خداوند بر حوادث تاریخ

فأخذه اللّه . .. إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت بودن فرجام فرعون برای آیندگان، مستلزم مقهور بودن همه امور در برابر اراده خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیّت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

يوم لاتملک نفس لنفس شيئًا و الأمر يومئذ للّه

ارتباط صدر

و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۴

۴ - فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فعّال لما یرید . .. فرعون و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۲

۲ - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه ، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

ربّک . .. الذی أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده; پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافعی نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

نظام علیت و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲۰

۲۰ دانش کشف ارتباط نظام اسباب و علل با حاکمیت اراده الهی ، دانشی بس بلند مرتبه

ادخلوا من أبوب متفرقه و ما أُغنی عنکم من الله من شیء . .. و إنه لذو علم لما علّم

نعمت حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از

راه حق و صواب است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم . .. لیستخلفنّهم ... و لیمکّننّ لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

وسعت حاکمیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

وسعت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۷

۷ - حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیت مطلق و بدون معارض

و للّه جنود السموت و الأرض

تقدیم خبر (للّه) بر مبتدا (جنود. ..) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا . و للّه ملک السموت و الأرض

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۳

۳ - امکان نداشتن فرار جن و

انس از قلمرو حاکمیت و قدرت خداوند ، نعمتی الهی و غیر قابل تکذیب و انکار

إن استطعتم أن تنفذوا . .. لاتنفذون ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

اطلاق <ءالآء> بر محتوای آیه پیشین و نیز ذکر <ربّ>،بیانگر مطلب بالا است.

وعده حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

ویژگیهای حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - حاکمیت یگانه خداوند بر هستی ، آمیخته با رحمت گسترده و ازلی او

و للّه ملک السموت و الأرض .

.. و كان اللّه غفورًا رحيمًا

از ارتباط صدر و ذيل آيه شريفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروايى خداوند بر هستى ، آكنده از پاكى و تقدس و به دور از كمترين ظلم و كاستى است .

الملك القدّوس

وصف <القدوس>، در پى <الملك>، مى توانـد بيـانگر اين حقيقت باشـد كه فرمـانروايى خداونـد، از هر گونه آلودگى، ناپاكى، ظلم و كاستى مبرّا است.

حالات از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

حالات

آثار تذكر حالات محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲،۳

۲ - يـادآورى آخرين لحظات زنـدگى انسان (هنگام احتضار و حالات تكان دهنـده محتضـر) ، از سوى خداونـد به كافران و منكران معاد ، براى بيدار كردن آنان از غفلت و مستى

كلّا إذا بلغت التراقى

۳ - يادآورى حالات محتضر در هنگام احتضار ، تأثيرگذار در بيدارگرى و غفلت زدايى نسبت به دلبستگان دنيا

بل تحبّون العاجله . .. كلّا إذا بلغت التراقى

آثار حالات روانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۲

۲- حالات روانی انسان ، بر جسم و چهره او تأثیر می گذارد .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه

اگر چه در آیه تنها یک مورد ذکر شده است که خبری، باعث تغییر درونی و دگرگونی در چهره شده است، اما همین مورد هم برای ادعای یاد شده کافی است و این قضیه را ثابت می کند.

تنوع حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

- ۴۹ - ۵

۵ - انسان ها ، در هنگامه های مختلف زندگی (برخورداری و محروم بودن از نعمت های خداوند) حالات گوناگون دارند .

فإذا أصاب به من يشاء . .. يستبشرون . و إن كانوا من قبل ... لمبلسين

حالات اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا أُلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند; ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (ترى المجرمين يومئذ مقرّنين فى الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إذا أُلقوا منها

واژه <أُلقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ خداوند آگاه به گفته ها و اندیشه های آدمیان و تمامی حالات و صفات نفسانی ایشان

ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما فى نفسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری

در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفیه لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۲،۳،۶

۲ احساس مصونیت از ابتلا به سختی ها ومحنتها ، از حالت های انسان به هنگام رفاه و آسایش

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته لیقولنّ ذهب السیئات عنّی

<لئن أذقناه . ..> دلالت بر برطرف شدن سختیها دارد. از این رو جمله <ذهب السیئات عنّی> (رنجها از من دور شد) که انسان به خاطر گفتن و اعتقاد به آن مذمت شده است مفهومی دیگر دارد و آن پندار عدم ابتلای دوباره به رنجها و ناملایمات است.

۳ انسان ، پس از گذر از محنت ها و دستیابی به موهبت های دنیوی ، به شادمانی بسیار ، تکبر و فخرفروشی مبتلا خواهد شد .

و لئن أذقنه نعماء بعد ضرّاء مسته . .. إنّه لفرح فخور

جمله <إنه لفرح فخور> جمله مستأنفه است و بیانگر بازتاب معنایی است که از <لیقولنّ . ..> استفاده می شود; یعنی ، انسان می پندارد که مشکلات بر او روی نخواهد آورد; در نتیجه بی اندازه شادمان می شود و فخرفروشی می کند.

۶ حالات روحیو روانی انسان (ناامیدی ، شادمانی مفرط ، تکبر و . . .) حتی باکمترین سختیو رفاه تغییرپذیر است .

و لئن أذقنا الإنسن . .. إنّه لیئوس کفور. و لئن أذقنه نعماء ... إنّه لفرح فخور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ خداوند ، به احوال بندگان و نیاز های آنان داناست .

فاستجاب له ربه .

.. إنه هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، به وضعیت انسان در همه حال ، دانا است .

قد یعلم ما أنتم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بر احوال بندگان و به گناهان آنان ، آگاهی کامل دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نظام کیفر و پاداش خداوند ، بر اساس علم همه جانبه او به احوال و کردار بندگان است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید . .. إنّ اللّه علیم بما یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۴

۴ - خنده و گریه ، از بارزترین نمود ها و ویژگی های طبیعت انسان

و أنّه هو أضحک و أبکی

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

حالات بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورَد و له له زند .

فمثله کمثل الکلب إن تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمْلَه> گرفته شده و <حَمْلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در

آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

حالات بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۵

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات ، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند .

فلما أخذتهم الرجفه

حالات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

حالات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالا آورده شوند ، با گرز های آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا أن یخرجوا منها من غمّ أُعیدوا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۲،۴

۲ - برای اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثمّ لایموت فیها

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر

است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجّه تر است.

حالات درونی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۲،۴

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی علم و آگاهی کامل او بر حالات درونی انسانها

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

۴- خداوند ، از خود انسان به حالات و افکار درونی وی ، آگاه تر است .

ربّکم أعلم بما فی نفوسکم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفضل علیه <أعلم>، <منکم> باشد; یعنی، آگاهی خداوند به درون شما از خودتان بیشتر است.

حالات روانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - انسان ، موجودی است که حالت های درونی متضادی ، بر او عارض می شود .

فإذا جاء الخوف . .. فإذا ذهب الخوف

حالات عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۷

۱۷ مسیح (ع) آگاه و معتقد به احاطه علمی خداوند بر وی و تمامی اندیشه ها و صفات نفسانی او

تعلم ما فی نفسی

حالات مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان آخرت ، دارای حالات و رفتاری شگفت آور و غیرقابل انتظار

أرءیت الذی یکذّب بالدین

استفهام با جمله <أرءیت> آن هم در زمانی که تکذیب گران معاد، فراوان و در دید همگان اند پرسش حقیقی

از دیدن یا دانستن نیست; بلکه مجازی است که برای بیان غیر منتظره بودن حال آن افراد است. ادامه سوره، بیانگر این است که علت این شگفتی، پیدایش آثاری است که تکذیب معاد آنها را در پی دارد. مخاطب آیه شریفه، هر کسی است که این سخن به او می رسد و می توان گفت: خطاب به رسول اکرم(ص) است; امّا چون جنبه رسالت او مورد نظر نبوده، اختصاص به شخص آن حضرت ندارد و مفاد آیه، دیگران را نیز دربرمی گیرد.

حالات مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بایتنا

<ذلک> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله . .. > آن را درباره سگ بیان داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۱،۵

۱ حالت جوامع تکذیب کننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلاً القوم الذین کذبوا بایتنا

۵ کسانی که با تکذیب آیات الهی بر خود ستم می کنند ، حالتی شوم و ناهنجار دارند .

ساء مثلا القوم الذین . .. أنفسهم کانوا یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أنفسهم کانوا یظلمون> عطف بر <کذبوا بأیتنا> باشد ; یعنی: <ساء مثلا القوم الذین أنفسهم کانوا یظلمون>. قابل ذکر است که در برداشتهای گذشته جمله <أنفسهم کانوا یظلمون> عطف بر جمله <ساء مثلا ... > گرفته شده بود.

حالات منافقان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۸

۸ - منافقان ، همواره در وحشت و اضطراب اند .

یحسبون کلّ صیحه علیهم

ذکر حالات اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۲

۲ وضعیت تأسف بار ظالمان در قیامت و واکنش آنان در آن روز ، شایان یاد و یادآوری

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> باشد.

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقّت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری . .. لرأیت أمراً عجباً باشد.

ملائکه و حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ فرشتگان ، توانا بر سخن گفتن با آدمیان و درک سخنان و حالات ایشان

قالوا سلمًا . .. قالوا لاتخف

نقش حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶،۱۲

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که

فعالیت قلب را از سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوکم . .. و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف . .. تدور أعینهم

حالات روانی

آثار حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۲

۲- حالات روانی انسان ، بر جسم و چهره او تأثیر می گذارد .

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی ظلّ وجهه

اگر چه در آیه تنها یک مورد ذکر شده است که خبری، باعث تغییر درونی و دگرگونی در چهره شده است، اما همین مورد هم برای ادعای یاد شده کافی است و این قضیه را ثابت می کند.

حالات روانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - انسان ، موجودی است که حالت های درونی متضادی ، بر او عارض می شود .

فإذا جاء الخوف . .. فإذا ذهب الخوف

نقش حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶،۱۲

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از

سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوکم . .. و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف . .. تدور أعینهم

حامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حامی

احکام حامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱،۲،۷،۱۲،۱۳

۱ خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل اللّه من بحیره و لاسائبه و لاوصیله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و . .. به قرینه <قالوا حسبنا ما وجدنا ...> در آیه بعد، نفی تشریع احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه . .. و لاحام و لکن الذین کفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۳ تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل اللّه من بحیره . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

حامی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

حامی اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱،۹

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

۹ - < (فی المجمع) و قیل نحن أولیاؤکم فی الحیاه الدنیا أی نحرسکم فی الدینا و عند الموت و فی الآخره عن أبی جعفر (ع) ;

در مجمع البیان ذیل آیه <نحن أولیاؤکم فی الحیاه الدنیا و

فی الآخره> آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنیا هستیم; یعنی، در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است>.

حامی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۶

۶ - خداوند ، حافظ و نگاهبان آیین توحید در گستره تاریخ

و جعلها کلمه باقیه

بنابراین که فاعل <جعل> خداوند باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

حامی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمرًا فإنّا مبرمون

حامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ پیامبران الهی ، مستظهر و پشت گرم به حمایت و پشتیبانی خدا از آنان علیه توطئه گران و نیرنگ بازان

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا قل اللّه أسرع مکراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۸

۸- حمایت از انبیا ، با هلاکت مخالفان ستمگر آنان ، مقتضای ربوبیت خداوند

فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- انبیا به دلیل ترس از مقام خداوند از حمایت های خداوند برخوردار شدند .

فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین . و

لنسکننّکم الأرض ... ذلک لمن خاف مقامی و خ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۶

۶ - خدا ، حامی و پشتیبان پیامبران

اللّه یصطفی . .. إنّ اللّه سمیع بصیر

متعلق <سمیع> و <بصیر> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <إنّ اللّه سمیع أقوالهم و بصیر بأعمالهم; خدا سخن مردم را می شنود و کردار آنان را می بیند>. جمله یاد شده متضمن اعلام حمایت و پشتیبانی خدا از پیامبر(ص) و تهدید همه کسانی است که با آن حضرت به مخالفت برمی خاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۴

۴ - تاریخ بشر ، شاهد حمایت ها و پشتیبانی های خداوند از جبهه توحید و راه انبیا

و کذلک ما أرسلنا من قبلک فی قریه من نذیر . .. فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۷

۷ - خداوند ، حامی پیامبران و مدافعان دین در برابر مخالفان

فأخذه اللّه . .. إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

حامی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۲

۲- تأمین نیاز های مادی انسان در زمین ، دلیل قدرت و کفایت خدا در حمایت همه جانبه از انسان است

.

و کفی بربّک وکیلاً. ربّکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

از اینکه خداوند، پس از تذکر کفایت و وکالت خود، این نکته را که کشتیها را به منظور برآوردن منافع انسانها به حرکت درمی آورد، یادآوری کرده است می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند ، شایسته ترین حامی بندگان و دفع کننده شر دشمنان از آنان است .

أليس اللّه بكاف عبده

مقصود از کفایت خداوند، با توجه به جملات بعدی آیه شریفه که درباره تهدیدها و ارعاب های دشمنان سخن می گوید حمایت الهی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر دشمنان است.

حامی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

حامی بیعت کنندگان با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إنّ الذين يبايعونك . .. يد اللّه فوق أيديهم

برداشت بالا- بر این اساس است که تعبیر <یـد اللّه. ..> در مقام تأییـد و تشویق و دلجویی باشـد; یعنی، ای بیعت کننـدگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حامی بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

برداشت بالا- بر این اساس است که تعبیر <ید اللّه. ..> در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد; یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

حامی تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۸

۱۸ - مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الذین یحملون العرش . .. یستغفرون ... للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک

حامی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۶

۶ - دخالت خداوند در تحولات و حوادث تاریخ به نفع جریان حق

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

حامی دنیوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

حامی دنیوی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱،۹

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاؤکم فی الحیوه الدّنیا و فی الأخره

۹ - < (فی المجمع) و قیل نحن أولیاؤکم فی الحیاه الدنیا أی نحرسکم فی الدینا و عند الموت و فی الآخره عن أبی جعفر (ع) ;

در مجمع البیان ذیل آیه <نحن أولیاؤکم فی الحیاه الدنیا و فی الآخره> آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنیا هستیم; یعنی، در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است>.

حامی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۶ - ۵

۵ - مکتب حق در رویارویی با مخالفان ، همواره مورد حمایت خداوند بوده است .

انتقمنا منهم . .. فجعلنهم سلفًا و مثلاً للأخرین

حامی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۲

۲ - ویژگی شاعران خیال پرداز ، هواداری گمراهان و فاسدان از آنان است .

و الشعراء یتّبعهم الغاون

حامی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سیهدیهم و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل اللّه> بازمی گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و أمر (مفرد اُمور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای

نخست می باشد.

حامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع) ، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

حامی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

حامی عابدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۶

۶ - اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون اللّه کاشفه . .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

چنانچه <کاشفه> در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها. ..> می توان به مطلب بالا پی برد.

حامی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۶ – ۴

۴ – خداوند خود ، مدافع قرآن در برابر تبلیغات مکّارانه کافران است .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

حامی لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۶

۶ – حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

حامی متقین

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقواپیشگان

و اللّه ولیّ المتّقین

حامی متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إنی توکلت علی الله . .. إن ربی علی صرط مستقیم

حامی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۶

۱۶ - ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هو الذی أخرج . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

از این که خداوند، پس از بیان شکست یهود به رغم برخورداری آنان از تجهیزات و استحکامات موضوع ایجاد وحشت را مطرح کرده است; مطلب یاد شده استفاده می شود.

حامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوّت رسول خداست .

إن ربک هو القویُّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) همواره از حمایت و یاری خداوند برخوردار بود .

و لئن اتبعت . .. مالک من الله من ولیّ و لا واق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۱،۳

۱- پیامبر (ص) تحت حمایت ویژه خداوند در برابر استهزا ، آزار و اذیت مشرکان و دشمنان

إنا کفینک المستهزءین

-۳

حمایت خداوند از پیامبر (ص) در برابر دشمنان ، پشتوانه آن حضرت در آشکارا و علنی کردن دعوت خویش و بی اعتنایی به مشرکان و دشمنان

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین . إنا کفینک المستهزءین

جمله <إنا کفیناک . ..> به منزله تعلیل برای جمله <فاصدع بماتؤمر ...> است; یعنی، چون ما از تو حمایت می کنیم، پس به آنچه مأمور شدی عمل کن و از مشرکان اعراض نما.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۶

۶- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، منوط به پایداری او در طریق وحی

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً. إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۷

۷ - اعلام حمایت و پشتیبانی همه جانبه خداوند از پیامبر (ص)

اللّه یصطفی . .. إنّ اللّه سمیع بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۷

۷ خداوند ، مدافع حریم شخصیت پیامبر (ص) در مقابل برخورد های ظالمانه و مزوّرانه کافران

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، تحت تربیت خاص و حمایت ویژه خداوند

و إنّ ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

ذکر آیه <إنّ ربّک. ..> پس از بیان ماجرای موسی و فرعون، دارای این پیام است که: ای پیامبر! همان گونه که خداوند، موسی(ع) را تحت حمایت گرفت و فرعونیان را از میان برداشت، تو را نیز تحت حمایت ویژه خود قرار داده و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در برابر کافران حق ستیز

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل در باره حق ناپذیر بودن بیشتر مشرکان صدراسلام، آیه یاد شده پیامبر(ص) را بدین گونه مورد خطاب قرار می دهد که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد; چنان که دشمنان ابراهیم را ناکام کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا

در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدراسلام، این آیه پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این

بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدراسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده; می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

ذکر آیه <إنّ ربّک. ..> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه،این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت; تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۳

۳ - دفاع خداوند

از حریم پاکِ وحی و پیامبر (ص)

هل أءنبّئکم علی من تنزّل الشیطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۷

۷ - حمایت خدا از پیامبر (ص) در قبال توطئه اشرار قومش علیه او

فانظر کیف کان عقبه مکرهم أنّا دمّرنهم

مقصود از آیه یاد شده این است که: ای پیامبر! ناکامی مفسدان پیشین را مشاهده کن و اطمینان داشته باش که دشمنان تو نیز فرجامی جز آن نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند به دلداری دادن به پیامبر (ص) ، اعلام حمایت از وی و تضمین بازگشت مجدد آن حضرت به مکه

إنّ الذی فرض علیک القرءان لرادّک إلی معاد

کلمه <معاد> اسم مکان و به معنای بازگشت گاه است و بر محل سکونت افراد (خانه، دِه و شهر) اطلاق می شود; زیرا انسان هر کجا که برود سرانجام به آن محل بازمی گردد. در آیه مراد از <معاد> شهر پیامبر (مکه) است. درباره شأن نزول این آیه گفته اند: هنگامی که پیامبر(ص) به قصد هجرت از مکه خارج شد و به محلی به نام جحفه رسید دلش هوای مکه کرد و از این که زادگاه خود و پدرانش و حرم جدش حضرت ابراهیم(ع) را به ناچار ترک می کند، سخت ناراحت شد. در این حال آیه بالا نازل گردید و خداوند او را دلداری داد و حمایت قطعی خود را از آن حضرت اعلام کرد و وعده فرمود که او را بار دیگر به مکه باز خواهد

گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مورد توجه ویژه خداوند بوده است .

و لئن جاء نصر من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارعاب دشمنان

و یخوّفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۵،۱۷

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبی اللّه

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۷ - تضمین خداوند نسبت به حمایت از پیامبر (ص) ، در برابر تهدید ها و ارعاب دشمنان

و یخوّفونک . .. قل حسبی اللّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، می تواند ناظر به دو آیه پیش باشد که در آنها مسأله تهدید و ارعاب مشرکان به پیامبر(ص) مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمرًا فإنّا مبرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال عداوتورزی کافران

إنّ الذین کفروا . .. و شاقّوا الرسول ... و سیحبط أعملهم

تعبیر <و سیحبط أعمالهم>، می تواند هم به معنای عقیم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نیک آنان باشد. در هر دو صورت، از این موضع گیری شدید، حمایت خداوند از پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۳،۱۴،۱۵

۱۳ - پیامبر (ص) ، تحت حمایت و سرپرستی ویژه خداوند

فإنّ اللّه هو مولیه

۱۴ - پیامبر (ص) ، مورد حمایت و پشتیبانی جبرائیل ، صالح ترین مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و جبریل و صلح المؤمنین و الملئکه بعد ذلک ظهیر

مقصود از <صالح المؤمنین> برابر نظر بسیاری از مفسران و روایات وارده از عامّه و خاصّه امیرالمؤمنین علی(ع) است (مجمع البیان، ذیل آیه).

۱۵ - پیامبر (ص)

، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش ، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند ، جبرائیل ، صالح مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و إن تظهرا علیه فإنّ اللّه هو مولیه . .. و الملئکه بعد ذلک ظهیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۷

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

فعل <آوی> که مطلق است ممکن است به معنای <آواک إلی نفسه> و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۲

۲ - خداوند ، با گوشزد کردن یتیمی پیامبر (ص) و مراقبت های خویش از آن حضرت ، او را به پرهیز از سلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی . .. فأمّا الیتیم فلاتقهر

حرف <فاء>، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین، تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إنّا أعطینک الکوثر

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۷

۷ - فتح مکه ، نشانه حقانیت

اسلام و حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در دیدگاه مردم عصر بعثت

إذا جاء نصر اللّه . .. یدخلون فی دین اللّه أفواجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

حامی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۹

۹ خداوند ، حامی مستضعفان است .

و أورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۷

۷ - اسلام ، حامی مستضعفان و ناتوانان است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نابینایی، لنگی و مرض نوعاً موجب از کار افتادگی انسان می شود. در نتیجه، چنین افرادی در شمار افراد مستضعف و ناتوان قرار می گیرند.

حامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ – امت اسلام ، تحت حمایت و یاری خداوند است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه فی الذین ءامنوا . .. و اللّه یعلم و أنتم لاتعلم

جمله <واللّه یعلم و أنتم لاتعلمون> در واقع نوعی اعلان حمایت و پشتیبانی از سوی خدا است که گر چه مسلمانان، دشمنان داخلی خود

را نمی شناسند; ولی خدا آنها را به دقت زیر نظر دارد. گفتنی است آیه بعد (و لولا فضل اللّه...) مؤید همین برداشت است.

حامی مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۲

۲- خداوند از جبهه مظلومانِ حق طلب در برابر سرکشی ظالمان حق ستیز ، دفاع و حمایت می کند .

و قال الذین کفروا . .. لنخرجنّکم من أرضنا... فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۶

۶ - بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم ، مورد عنایت و لطف خداوند

أسر بعبادی

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان <عبادی> در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند; دلالت براین نکته دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

حامی مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۵

۵ - خداوند ، حامی و پشتیبان ستمدیدگان و دشمن ستمگران و متجاوزان است .

و من عاقب بمثل ما عوقب به ثمّ بغی علیه لینصرنّه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز ، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل فی النهار . .. و أنّ اللّه سمیع بصیر

در آیه پیش، خداوند به

آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعدهایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

حامی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۸

۸- بندگان مقرب ، برخوردار از حمایت (حفاظت و کارسازی) خداوند در برابر وسوسه ها و بدخواهی های شیطان

و استفزز من استطعت . .. إن عبادی لیس لک علیهم سلطن و کفی بربّک وکیلاً

<و کفی بربّک وکیلاً> می تواند تعلیلی بر عبارت <إن عبادی . ..> باشد. بنابراین، مقصود عبارت این می شود: ابلیس بر بندگان خدا سلطه ای ندارد. چون خداوند، حامی کفایت کننده ای برای آنان است.

حامی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۴

۴ - تاریخ بشر ، شاهد حمایت ها و پشتیبانی های خداوند از جبهه توحید و راه انبیا

و کذلک ما أرسلنا من قبلک فی قریه من نذیر . .. فانتقمنا منهم

حامی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - حمایت

قاطع خداوند از موسی (ع) در قبال مشکلات راه رسالت .

قال کلّا . .. إنّا معکم مستمعون

۴ – موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلّا فاذهبا بایتنا إنّا معکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷ – ۱۲

۱۲ – خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إنّ فرعون . .. یذبّح أبناءهم ... و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه ... إنّا رادّو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۷ – ۵

۵ – اطمینان موسی (ع) به حمایت خداوند از او ، در برابر تهدید به قتل از سوی فرعون

أقتل موسی . .. قال ... عذت بربّی و ربّکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۰ – ۲

۲– موسی (ع) ، متکی به حمایت پروردگار در قبال هجوم و تهدید فرعونیان

و إنّی عذت بربّی و ربّکم أن ترجمون

حامی مؤمن آل فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۵ – ۱

۱ – خداوند مؤمن آل فرعون را از آثار ناپسند مکر فرعونیان محفوظ داشت .

فوقیه اللّه سیّئات ما مکروا

حامی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ حمایت و دلجویی خداوند از مؤمنان انفاق کننده و ایثارگر ، در برابر تمسخر منافقان

سخر اللّه منهم

و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إنی توکلت علی الله . .. إن ربی علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان ، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۱

۱ - مؤمنان ، برخوردار از حمایت و پشتیبانی پیوسته خداوند

إنّ اللّه يدفع عن الذين ءامنوا

<دفاع> (مصدر <يدافع>) به معنای پشتيبانی و دفع كردن شرّ دشمن است; يعنی، خداوند بی ترديد مؤمنان را مورد حمايت و پشتيبانی قرار می دهد و شرّ دشمنان دين را از آنان دفع می كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۶

۶ - حمايت خدا از ساحت مؤمنان در قبال كافران

فاتّخذتموهم سخريًّا .

.. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارعاب دشمنان

و یخوّفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۸

۱۸ - مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الذین یحملون العرش . .. یستغفرون ... للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۱

۱۱- ایمان به حمایت الهی از جبهه حق ، پشتوانه مؤمنان در مواجهه با خصومت های جبهه باطل

قل . .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

خداوند، با تذکر دادن (کفی به شهیدًا) به پیامبر(ص)، از یک سو کافران را تهدید کرده و از سوی دیگر آن حضرت را دلداری داده است; زیرا توجه به نظارت و داوری خداوند، خصومت دشمنان را برای مؤمنان قابل تحمل و سهل می گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲

۱۷- دلجویی و حمایت خداوند از مؤمنان ، در برابر توطئه های کافران دین ستیز

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا ... کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بال

از مجموع آیه شریفه، استفاده می شود که خداوند، در کنار تهدید و توبیخ کافران دین ستیز، در این آیه به دلجویی و حمایت از مؤمنان راستین پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۵

۵ - خداوند ، خود متکفل حمایت از مؤمنان است .

فأخرجنا من کان فیها من المؤمنین

با توجه به این که فرشتگان عذاب، مأموریت خود را در نزول عذاب با فعل مجهول بیان داشته اند (إنّا اُرسلنا)**;** ولی خداوند در این آیه نجات مؤمنان را به خود نسبت داده است. این تفاوت می تواند در جهت توجه دادن مؤمنان به حمایت ویژه الهی از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، حامی مؤمنان در برابر توطئه های شیطانی منافقان

و لیس بضارّهم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

حامی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

حامی مهمانان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت

در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

حامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرنه من القوم الذین کذّبوا بایتنا

واژه <نصر> هرگاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحیط>).

حامی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامی و نگاهبان پیام وحی ، و پیامبر (ص) موظف به انجام وظیفه ابلاغ

فإنّا منهم منتقمون . .. فإنّا علیهم مقتدرون . فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

حامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۴

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلّا فاذهبا بایتنا إنّا معکم

خدا و حامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۱ – ۵،۶،۱۳

۵– خداوند ، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر ، مبرّا و بی نیاز است .

لم یتخذ ولدًا و لم یکن له شریک . .. و لم یکن له ولیّ

۶– اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . .. و لم یکن له ولیّ

اگر

خداونـد نیاز به فرزند، شـریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشـهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد; پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

۱۳- مقام خداوند ، برتر از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر

لم یتخذ ولدًا. .. و کبّره تکبیرًا

عقیده به حامی برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۷

۷- اعتقاد به وجود فرزند ، شریک و حمایتگر برای خدا ، اعتقادی شرک آلود و موجب تنقیص او

لم یتخذ ولدًا. .. و لم یکن له ولیّ

حبس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حبس

توطئه حبس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیـانگر این است که کـافران علاوه بر تصـمیم داشـتن به قتل پیامبر(ص) و . .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

حبس جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از

آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حبس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۴

۴ - < عن أبی هریره قال : قال رسول اللّه (ص) . . . یقال لأهل الجنّه و من دخلها من الجهنّمیین إطلعوا إلی أهل النار فیطّلعون إلیهم فیری الرجل أباه و یری أخاه و یری جاره و یری صدیقه و یری العبد مولاه ثمّ إنّ اللّه عزّوجلّ یبعث إلیهم ملائکه بأطْباق من نار و مسامیر من نار و عمد من نار فیطبق علیهم بتلک الاطباق و تُسَمَّر بتلک المسامیر و تُمَدُّ بتلک العمد . . .فذلک قوله < إنّ ها علیهم مؤصده . فی عمد ممدّده > یقول : مُطْبَقَه ;

ابوهریره گوید: رسول خدا(ص) فرمود: به اهل بهشت و هر کس از جهنمیان که [نجات یافته] و وارد بهشت شده است، گفته می شود: به اهل جهنم نگاه کنید; آنان به اهل جهنم نگاه می کنند. پس هر مردی پدر و برادر خود و همسایه و دوست خود را در جهنم می بیند و برده، مولای خود را [در آتش]می نگرد، سپس خدای عزّوجلّ فرشتگانی را با سرپوش هایی از آتش و میخ ها و ستون هایی از آتش، به سوی آنان می

فرستد. با آن سرپوش ها، جهنم بر آنان در بسته خواهد شد سرپوش ها و با آن میخ ها، میخکوب شده و با آن ستون ها، کشیده [و افراشته]می گردد ... و این است قول خدا <إنّها علیهم مؤصده . فی عمد ممدّده> می فرماید: [جهنم] در بسته خواهد بود>.

حبس زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۸،۱۷،۱۱،۷،۲،۱

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا ، حبس ابد است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

<الفاحشه> به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۲ کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت حتّی یتوفیهنّ الموت

چنانچه مراد از <کُم>، مردان مسلمان باشند ; ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان <منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکّر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان

بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی ، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه . .. کانت المرأه ... ادخلت بیتاً و لم تحدث و لم تکلّم و لم تجالس و اوتیت فیه بطعامها و شرابها حتی تموت ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس ، کیفر فحشای دوشیزگان

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التی اتتها هذه الثیّب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

حبس گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

جمله <تحبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه

دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حبس مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۸

۸ زندانی کردن ، از راه های مجازات بزهکاران

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

حبس محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۶

۲۶ زندانی کردن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها ، بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مرم بسته اند فرمود: . .. فان کانوا اخافوا السبیل فقط و لم یقتلوا احداً و لم یأخذوا مالا امر بایداعهم الحبس فان ذلک معنی نفیهم من الارض ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

حبوبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حبوبات

دانه های حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۱

۱ - دانه های حبوبات نهفته در پوسته ها ، نمونه ای مهم از منافع زمین برای آدمیان

و الأرض وضعها للأنام فیها . .. و الحبّ ذوالعصف

<ال> در <الحبّ>، برای جنس است و افاده عموم می کند. بنابراین <الحبّ>

مساوی با مطلق حبوبات است و <عصف> بر پوسته حبوبات که دانه ها در آن رشد می کند اطلاق می شود.

زمینه رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۱

۱ - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا . .. لنخرج به حبًّا و نباتًا

<باء> در <به>، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

عوامل رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۲

۲ - باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرّه

فواید حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۶،۸

۶ - خداوند ، حبوبات (گندم ، جو ، برنج و . . .) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است .

و أخرجنا منها حبًّا فمنه یأکلون

۸ - تنها بعضی از دانه های روییده از زمین ، قابل تغذیه برای انسان ها است .

و أخرجنا منها حبًّا فمنه یأکلون

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که <من> در <فمنه> تبعیضیه باشد.

منشأ رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و روییدنی های زمین و تأمین کننده

غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبًّا و نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۱

۱ - رویاندن دانه های خوراکی در زمین ، برای تأمین غذای انسان ، کار خداوند و جلوه قدرت او است .

فأنبتنا فیها حبًّا

<حبّ> اسم جنس است و به گندم، جو و دیگر دانه هایی گفته می شود که از زمین می روید; گرچه برخی از اهل لغت استعمال آن را تنها در گندم و جو دانسته اند. (لسان العرب)

نعمت حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۳

۳ - حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حبًّا و نباتًا

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم <حبّ> بر <نبات>، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

نقش پوسته حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۳

۳ - همه مظاهر طبیعت ، از ریاحین تا پوسته حبوبات ، نشانی از طراح حسابگر هستی (خداوند) است .

الرحمن . .. و الحبّ ذوالعصف و الریحان

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از حاکمیت سنجش بر نظام هستی بود، ممکن است بیان این دقایق در این آیات، به منظور نمایاند آن حساب گری باشد.

نیاز به تنوع حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فیها فکهه و النخل ... و الحبّ ... الریحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است; می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

حج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حج

آثار اقتصادی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۹

۹ آمدن مشرکان به مکه در مراسم سالانه حج ، دارای ثمرات اقتصادی برای مکیان (از جمله مسلمانان) بود .

و إن خفتم عیله فسوف یغنیکم اللّه من فضله

آثار حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۸

۱۸ حج ، وسیله ای برای جلب رضایت خداوند

یبتغون فضلا من ربهم و رضوناً

توصیف راهیان حج به جلب کنندگان رضوان الهی به این معناست که حج و حرکت بسوی آن، از عوامل دستیابی به رضایت

خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۸،۹،۱۲

۸ تأثیر حج در قوام و برپایی جوامع *

جعل اللّه الکعبه . .. قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

ماه

حرام به قرینه ذکر کعبه و هدی و قلائد بدان جهت مایه قوام جامعه شمرده شده است که مناسک حج در آن واقع می شود بنابراین <قیماً للناس> در حقیقت ثمره مناسک حج است.

۹ حجی که عامل قوام و برپایی جوامع نباشد حج واقعی نیست . *

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ به جای آوری حج با ویژگی های سزاوار آن ، موجب بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس . .. و إنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲

۲ - دستیابی به برکت های حج ، در گرو حضور در مراسم و انجام مناسک آن است .

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. لیشهدوا منفع لهم

<شهاده> (مصدر <یشهدون>) به معنای حاضر شدن است. بنابراین <لیشهدوا منافع لهم> به این معنا است

که: حج برای همه مردم سرشار از خیر و برکت است و هر کس بخواهد به آن دست یابد و از آن بهره مند شود، باید رنج سفر را تحمل کند و در مراسم آن حاضر شود و مناسک آن را به جا آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - انجام اعمال و مناسک حج با حفظ همه حدود و مقررات آن ، از نشانه های ایمان راستین

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا. .. فإلهکم إله وحد فله أسلموا و بشّر المخبتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۸

۸ - حج و مناسک آن ، جلوه آشکار هدایت و راهنمایی خدا

کذلک سخّر لکم لتکبّروا اللّه علی ما هدیکم

آداب حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۹

۹ - لزوم انجام مراسم حج با محوریت رهبر جامعه اسلامی

یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر

این که خداوند می فرماید: <مردم از پیاده و سواره بر تو (ابراهیم) وارد خواهند شد> می تواند متضمن دستوری باشد به مردم که باید ابتدا به زیارت رهبر الهی بشتابند و با محوریت او مراسم حج را انجام دهند.

آدم (ع) و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ برپایی مراسم حج در خانه خدا ، از زمان حضرت آدم (ع)

انّ اوّل بیت وضع للناس

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از برقراری حج قبل از بعثت پیامبر

(ص) فرمود: نعم . .. ان ادم و نوحاً و سلیمان قد حجّوا البیت ... کما قال اللّه تعالی <ان اول بیت وضع للناس ... >.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

آمیزش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۵

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۵ دعوت کنایه آمیز از زن ، به جماع و هر گونه معصیتی در حج حرام است .

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحجّ

رسول اللّه (ص) درباره جمله <فلا رفث> فرمود: الرفث الاعرابه و التعریض للنّساء بالجماع و <الفسوق> المعاصی کلّها

الدّر المنثور، ج ۱، ص ۵۲۸.

ابراهیم(ع) در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه <ثم افیضوا . ..> فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من کان بعدهم

کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص

۱۹۶، ح ۷۱۹.

اجتماع در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۰

۱۰ اجتماع حج گزاران ، یادآور جمع شدن انسان ها در قیامت

و اعلموا انکم الیه تحشرون

اجتناب از باطل در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

اجتناب از عبث در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

احرام در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۶،۳۸

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی و تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی مَحِلَّه

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است ; نه یک تکلیف تعبّدی برای محصور.

۳۸ از شرایط تمامیّت حج ، محرم شدن از خانه مسکونی خویش است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

رسول اللّه (ص) درباره آیه فوق فرمود: انّ من تمام الحجّ ان تحرم من دویره اهلک

الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۰۲.

احکام حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵

- ۷،۳۰،۳۱

۷ - زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلًّی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

۳۰ - < عن ابی الصباح الکنانی ، قال سألت اباعبداللّه (ع) عن رجل نسی ان یصلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فی طواف الحج و العمره ، فقال : ان کان فی البلد صلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فان اللّه عز و جل یقول : < و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلًّی > و ان کان قد ارتحل فلا آمره ان یرجع ;

ابی الصباح کنانی از امام صادق(ع) سؤال کرد درباره کسی که دو رکعت نماز طواف حج و عمره را در مقام ابراهیم(ع) فراموش کرده است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم (ع) به جا آورد; زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگرد>.

۳۱ - ابن مسکان گوید : < حدثنی من سأله عن رجل نسی رکعتی طواف الفریضه حتی یخرج فقال : . . . ان کان جاوز میقات أهل أرضه فلیرجع و لیصلهما فإن اللّه یقول : < و اتخذوا من مقام إبراهیم مصلًّی . . . ;

به من خبر داد کسی که از او]امام (ع) [سؤال کرد درباره شخصی که دو رکعت نماز فریضه طواف را از روی فراموشی نخوانده و از محل]مکه[خارج شده بود، امام

(ع) فرمودند: . .. اگر از میقات حجاج شهرش گذشته باید برگردد و دو رکعت نماز را بخواند; زیرا خداوند می فرماید: <و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۲،۵،۱۰،۱۳،۱۷

۲ - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه . .. فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما

<اعتمار> (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع <من حج البیت ...> بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولا، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

۵ - سعی میان صفا و مروه ، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما و من تطوع خیراً

مصداق مورد نظر برای <خیراً>، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

۱۰ - امام باقر (ع) فرمود : < . . . قال اللّه عز و جل : < ان الصفا و المروه من شعائراللّه فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما > الا ترون ان الطواف بهما واجب مفروض لان اللّه عز و جل ذکره فی کتابه و صنعه نبیه (ع) . . . ;

. .. خداوند عز و

جل فرمود: <ان الصفا و المروه من شعائراللّه فمن حج البیت او اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما> آیا نمی بینید که طواف (سعی) در صفا و مروه واجب است; چون خدای عز و جل آن را در کتابش]تشریع[فرموده و این سعی را رسول خدا نیز انجام داده است ... >.

۱۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : < ان الصفا و المروه من شعائر اللّه > فأبدء بما بدء اللّه تعالی به و ان المسلمین کانوا یظنون ان السعی بین الصفا و المروه شیء صنعه المشرکون فأنزل اللّه عز و جل < ان الصفا و المروه من شعائر اللّه . . . > .

صفا و مروه از شعائر الهی است پس]سعی[را شروع نما از جایی که خداوند]در آیه شریفه[در بیانش شروع نموده و مسلمانان گمان می کردند که سعی بین صفا و مروه چیزی است که مشرکان آن را بنا نهاده اند; پس خداوند عز و جل آیه فوق را نازل کرد: <ان الصفا و المروه من شعائر اللّه . ..>.

۱۷ - < عن الحلبی قال : سألت اباعبداللّه (ع) عن المرأه تطوف بین الصفا و المروه و هی حائض قال : لا لان اللّه تعالی یقول < ان الصفا و المروه من شعائراللّه > ;

حلبی گوید از امام صادق(ع) سؤال کردم: آیا زن حائض می تواند سعی بین صفا و مروه را انجام دهد؟ امام فرمود: نه، خداوند فرموده: صفا و مروه از شعائر خداست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد; یعنی، هی مواقیت الحج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵،۲۷،۲۸،۲۹،۳۰،۳۱،۳۲،۳۳،۳۴،

۱ وجوب اِتمام اعمال حج و عمره ، به طور کامل

و اتمّوا الحج و العمره للّه

۲ اَدای حج و عمره ، باید برای خداوند باشد .

و اتمّوا الحج و العمره للّه

۳ محصورِ از حج و عمره ، باید برای خروج از احرام ، چهارپایی (گاو ، شتر یا گوسفند) را که برای او میسور و آسان باشد ، قربانی کند .

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

محصور، مُحرِمی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۴ اتمام حج و عمره بر محصورِ اِحرام بسته ، واجب نیست .

و اتمّوا الحج . .. فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتی یبلغ الهدی مَحِلَّه

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی و تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی مَحِلَّه

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است ; نه یک تکلیف تعبّدی برای محصور.

۷ ذبح و یا نحر قربانی ، باید در مکان مخصوصِ خود باشد .

حتی یبلغ الهدی مَحلّه

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سَر

در اذیّت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم . .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذیً من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذیً>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن کان منکم مریضاً او به اذیً من رأسه ففدیه

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۱۱ حلیت محرمات احرام ، پس از اتمام عمره تا شروع مناسک حجّ

فاذا امنتم فمن تمتّع بالعمره الی الحج

۱۲ تقدّم اعمال عمره بر حجّ ، در حجّ تمتّع

فمن تمتّع بالعمره الی الحج

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع . .. فما استیسر من الهدی

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام فی الحج و سبعه . .. تلک عشره کامله

۱۵ حج تمتّع ، مخصوص غیر اهل مکّه است .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

۲۷ مریض ، مصداق محصور در حج

فان احصرتم

امام صادق (ع): . .. المحصور المریض.

کافی، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۶۵۴.

۲۸ اقلّ قربانی ، یک گوسفند است .

فما استیسر من الهدی

امام رضا (ع): <فما استیسر من

الهدی> یعنی شاه.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۰ ملاک مکّی بودن ، سکونت در شعاع هجده میلی ، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من کان منزله علی ثمانیه عشر میلا من بین یدیها و ثمانیه عشر میلا من خلفها و ثمانیه عشر میلا عن یمینها و ثمانیه عشر میلا عن یسارها فلا متعه له . ..

کافی، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۱ حد وجوب قربانی در حج ، سهل و میسور بودن آن است .

فمن تمتع . .. فما استیسر من الهدی

۳۲ مُحرم شدن در غیر میقات و قربانی کردن حیوان اَخته شده ، جایز نیست .

و اتموا الحج و العمره

امام رضا (ع): لا یجوز الإحرام دون المیقات قال اللّه عز و جل <و اتمّوا الحج و العمره للّه> و لا یجوز ان یضحی بالخصی لانه ناقص . ..

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

۳۳ عدم جواز

حج قِران و اِفراد ، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام رضا (ع): لا یجوز القران و الافراد الّذی یستعمله العامه الاّ لاهل مکّه و حاضریها . .. قال اللّه تعالی <و اتمّوا الحج و العمره للّه ...>

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

۳۴ تمامیّت حج و عمره به پرهیز از کلام ناشایست و نافرمانی و نزاع در حج است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام باقر و امام صادق (ع): . .. فانّ تمام الحجّ و العمره ان لا یرفث و لا یفسق و لا یجادل

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۲۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۲.

۳۵ تمامیّت حج و عمره ، به انجام آن توأم با پرهیز از محرمات احرام است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام صادق (ع): . .. یعنی بتمامهما، اداؤهما و اتقاء ما یتقی المحرم فیهما

کافی، ج ۴، ص ۲۶۴، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲.

۳۶ عمره ، همانند حج واجب است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام صادق (ع): العمره واجبه علی الخلق بمنزله الحجّ . .. لانّ اللّه عزّ و جل یقول <و اتمّوا الحج و العمره للّه>

علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۱ ; کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۴.

۳۷ شتر ، گاو و گوسفند ، نوع قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع بالعمره الی الحجّ فما استیسر من الهدی

امام صادق (ع)؛ . .. فما استیسر من الهدی امّا جزور و امّا بقره

و امّا شاه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۷.

۳۸ از شرایط تمامیّت حج ، محرم شدن از خانه مسکونی خویش است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

رسول اللّه (ص) درباره آیه فوق فرمود: انّ من تمام الحجّ ان تحرم من دویره اهلک

الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۰۲.

۳۹ کسی که با خود قربانی آورده ، نباید قبل از قربانی کردن سر خود را بتراشد و محلّ گردد .

و لا تحلقوا رءوسکم حتّی یبلغ الهدی محلّه

امام صادق (ع): قال رسول اللّه (ص): . .. و لم یکن یستطیع ان یحلّ من اجل الهدی الذی کان معه ان اللّه عزّ و جل یقول <و لا تحلقوا رءوسکم ...>

کافی، ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۶ ; علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱، ب ۱۵۳.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه ، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج ، صدقه است .

ففدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

۴۱ وجوب بجا آوردن عمره تمتّع ، قبل از انجام اعمال حجّ

فمن تمتع بالعمره الی الحجّ

امام صادق (ع): انّ الحجّ متّصل بالعمره لان اللّه عزّ و جل یقول <فاذا امنتم فمن تمتّع . ..> فلیس ینبغی لاحد الاّ ان یتمتّع

علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱، ب ۱۴۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۶۶۹.

۴۲ ده روز روزه ، جانشین کامل برای قربانی

در حج

فمن لم یجد . .. تلک عشره کامله

امام صادق (ع): . .. الکامل کمالها کمال الاضیحه سواء اتیت بها او اتیت بالاضحیه تمامها کمال الاضیحه

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۴۰، ح ۴۹، ب ۴ ; کافی، ج ۴، ص ۵۱۰، ح ۱۵، ب ۳۱۸.

۴۳ وجوب سه روز روزه ، در روز ترویه و روز قبل و روز بعد از آن (عرفه) در حج بر کسی که قادر به قربانی نیست .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایّام فی الحجّ

از امام صادق (ع) درباره حج کننده ای که قادر بر قربانی نیست سؤال شد، آن حضرت فرمود: یصوم ثلاثه ایّام فی الحجّ یوماً قبل الترویه و یوم الترویه و یوم عرفه

کافی، ج ۴، ص ۵۰۸، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۶۷۷ و ۶۷۹.

۴۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به سوی خانواده ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایّام فی الحجّ و سبعه اذا رجعتم

از امام صادق (ع) درباره حاجی متمتّعی که قربانی ندارد، سؤال شد، آن حضرت فرمود: یصوم ثلاثه ایّام بمکّه و سبعه اذا رجع الی اهله

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۲۳۴، ح ۱۲۸، ب ۱۶; استبصار، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۲، ب ۱۹۴.

۴۵ حج تمتّع مخصوص کسی است که خانواده اش در محدوده چهل و هشت میلی مکّه ساکن نباشد .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی اهل مکّه لیس علیهم متعه کل من کان اهله دون ثمانیه و اربعین میلا ذات عرق

و عسفان کما یدور حول مکّه فهو ممن دخل فی هذه الایه

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۷ ; استبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳.

۴۶ حج تمتّع مخصوص کسی است که خانواده اش در منطقه واقع بین میقات ها و مسجدالحرام ساکن نباشد .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: مادون المواقیت الی مکه فهو حاضری المسجد الحرام

استبصار، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۴ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۸ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۴۸.

۴۷ زمان انجام عمره تمتّع ، ماه های حج می باشد .

فمن تمتّع بالعمره الی الحج

امام باقر (ع): انّ العمره واجبه بمنزله الحج . .. و العمره فی اشهر الحج متعه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷، ح ۲۱۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۵،۲۳،۲۲،۲۱،۱۳،۴،۳،۲،۱

۱ مراسم حج ، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد .

الحج اشهر معلومات

۲ حرمت هر گونه سخن ناشایست (رفث) در حج

فمن فرض فیهن الحج فلا رفث . .. فی الحج

۳ حرمت هر گونه نافرمانی (فسوق) در حج

فمن فرض فیهنّ الحج فلا رفث و لا فسوق . .. فی الحج

۴ حرمت هر گونه نزاع (جدال) در حج

فمن فرض فیهن الحج . .. و لا جدال فی الحج

۱۳ وجوب تهیّه توشه (پوشاک و خوراک و . . .) برای سفر حج

و تزوّدوا

با توجّه به شأن نزول نقل

شده در مجمع البیان، ذیل آیه.

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعده و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات> شوال و ذوالقعده و ذوالحجه لیس لأحد ان یحج فی ما سواهن

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۶۹۷.

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۳ آغاز اعمال حج با تلبیه ، اشعار و تقلید است .

فمن فرض فیهنّ الحجّ

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <الحجّ اشهر معلومات . ..> فرمود: و الفرض التلبیه و الاشعار و التقلید فای ذلک فعل فقد فرض الحجّ

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۲.

۲۵ دعوت کنایه آمیز از زن ، به جماع و هر گونه معصیتی در حج حرام است .

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحجّ

رسول اللّه (ص) درباره جمله <فلا رفث> فرمود: الرفث الاعرابه و التعریض للنّساء بالجماع و <الفسوق> المعاصی کلّها

الدّر المنثور، ج ۱، ص ۵۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۷،۱۰،۸،۷،۶،۱

۱ جواز کسب و کار ، در هنگام

انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات . .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم . ..>، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است ; به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

۶ وقوف به عرفات ، از مناسک حج

فاذا افضتم من عرفات

کوچ کردن (افاضه) از عرفات بر فرض وقوف به آن است ; بنابراین وقوف به عرفات مفروض و مسلّم گرفته شده است.

۷ وجوب رفتن و وقوف به مَشعرالحرام ، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذکروا اللّه عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

۸ وجوب ذکر خداوند در مَشعرالحرام

فاذکروا اللّه عند المشعرالحرام

۱۰ کیفیّت ذکر خداوند در مشعرالحرام ، باید طبق دستور وی باشد .

فاذکروا اللّه . .. و اذکروه کما هدیکم

<کما هدیکم> ای کما علّمکم. (همان گونه که به شما آموخت.)

۱۷ جواز خرید و فروش ، در ایّام حجّ ، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربّکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <لیس علیکم . ..> فرمود: یعنی الرّزق اذا احلّ الرّجل من احرامه و قضی نسکه فلیشترو لیبع فی الموسم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱،۲،۳،۵،۱۱

۱ برای رفتن به مَشعر ، باید همانند

مردم از عرفات حرکت کرد .

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

برخی برآنند که جمله <ثم افیضوا>، تأکید همان افاضه از عرفات است ; به قرینه <من حیث . ..>. چون قریش و هم پیمانان آنان بر خلاف مردم، اِفاضه ای از عرفات نداشتند.

۲ وقوف در عرفات ، از مناسک حج

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

بنابراینکه مراد، افاضه از عرفات باشد، لازمه آن لزوم وقوف در عرفات خواهد بود.

۳ لزوم کوچ کردن از مَشعرالحرام ، همراه با مردم

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

کلمه <ثم> دلالت می کند که مراد از افاضه، افاضه از مشعر است.

۵ وقوف در مشعرالحرام ، از مناسک حج

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

بنابراینکه <ثم افیضوا>، مربوط به مشعرالحرام باشد.

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه <ثم افیضوا . ..> فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من کان بعدهم

کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۷۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱،۳،۴

۱ وجوب ذکر خداوند در روز های مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذکروا اللّه فی ایّام معدودات

مراد از روزهای مشخّص، ایّام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) است.

۳ ماندنِ در روز های معیّن (ایام تشریق) در منی ، از مناسک حج

و اذکروا اللّه فی ایام معدودات فمن تعجّل فی یومین فلا اثم علیه و من

تأخر فلا اثم

۴ مخیر بودن حج گزار در کوچ کردن از منی در روز دوازدهم و یا روز سیزدهم مشروط به رعایت تقوا .

فمن تعجّل فی یومین فلا اثم علیه و من تأخر فلا اثم علیه لمن اتّقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۸،۲۷،۲۶،۲۲،۲۰،۲۱،۲۰،۱۰

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، شرط وجوب حجّ

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

۲۰ وجوب حجّ بر ثروتمندان در هر سال

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام کاظم(ع) : ان الله فرض الحج علی اهل الجده فی کلّ عام.

این خبر و اخبار مشابه بایـد حمل بر این معنا شود که در هیـچ سالی نباید مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۱ وجوب حج و عمره ، بر افراد مستطیع

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جمیعاً لانّهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۰ وجوب حجّ بر ثروتمندان در هر سال

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام کاظم(ع) : ان الله فرض الحج علی اهل الجده فی کلّ عام.

این خبر و اخبار مشابه باید حمل بر این معنا شود که در هیچ سالی نباید

مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۲ استطاعت حجّ ، به صحّت بدن ، داشتن زاد و توشه ، مرکب و باز بودن راه می باشد .

من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: من کان صحیحاً فی بدنه مخلّیً سربه له زاد و راحله فهو من یستطیع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

۲۶ داشتن مرکب در تحقق استطاعت ، شرط نیست .

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یخرج و یمشی ان لم یکن عنده ما یرکب.

استبصار، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۵، ب ۸۱ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۲۶.

۲۷ کسی که هزینه حج به او اهدا شود ، مستطیع است .

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع

امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که اگر به کسی مالی برای بجا آوردن حج عرضه شده و او از پذیرش آن شرم نماید مستطیع است یا نه؟ فرمود: نعم ما شأنه اَن یستحیی.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳، ح ۳.

۲۸ استطاعت بر حج ، داشتن مخارج اهل و عیال علاوه بر هزینه حج است .

و للّه علی الناس حجّ البیت

امام باقر (ع) در بیان استطاعت حج فرمود: . .. السّعه فی المال اذ کان یحجّ ببعض و یبقی بعضاً

یقوت به عیاله ... .

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۳ ; استبصار، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۱، ب ۸۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳،۱۵

۳ مناسک حج ، از شعایر الهی است . *

لاتحلوا شعر اللّه

<شعائر> جمع <شعیره> به معنای علامت است. و احتمالا مراد از آن، علایم و مناسک حج باشد.

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا ، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از <فضلا> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۳،۱۹،۲۴

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفّاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم اللّه منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفّاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفّاره شکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک

چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح

آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱،۲،۷

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبزی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۲

۲ - حج ، تکلیفی است الهی برگردن تمام مردم دور و نزدیک .

يأتوك رجالاً و على كلّ ضامر يأتين من كلّ فجّ عميق

<يأتوك> جزای شرط محذوف است و تقدير آن چنين می باشد: <إن تأذن فيهم به يأتوك>. <رجال> جمع <راجل> است و <راجل>; يعنی، پياده. <ضامر> نيز به شتر

لاغر گفته می شود. <فجّ> در اصل به معنای شکاف کوه است و در این جا به معنای راه است. <عمیق> معادل بعید است; یعنی، دور. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین است: <اگر مردم را به حج فرا بخوانی، آنان به دعوت تو لبیک گفته و پیاده و سواره و از راه های دور: به نزد تو خواهند شتافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۴،۶،۹،۱۶،۱۷

۴ - وقوف در عرفات و مشعر ، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لیشهدوا منفع لهم

جمله <و یذکروا اسم اللّه. ..> مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج پس از پوشیدن احرام به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و با طواف ختم می شد و وقوفین جزو مراسم نبود و یا این که جمله <لیشهدوا منافع لهم> علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریع حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه

)

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از <أیام معلومات>، ایام تشریق (دهم تاسیزدهم) ذی حجه است.

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۳،۵

۳ - لزوم ادای نذر ، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

به کارگیری <ثمّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی ، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند ، استفاده کنند .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمًّی>؛یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

- ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۳،۱۲،۱۰،۸،۵،۴،۲

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت

قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم اللّه علیها صوافّ

<صوافّ> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صفّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است; یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند ببرید.

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است; یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است; بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۲ - لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در

حج ; چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند .

فکلوا منها و أطعموا القانع و المعترّ

<قانع> به کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتر>; یعنی، نیازمندی که طالب کمک است; لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید; چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فکلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید; (نه همه اش را).

اخلاص در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ حجّ باید تنها برای خدا باشد .

و للّه علی الناس حج البیت

ارزش حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۶

۶ - حج عبادتی بسیار ارزشمند و از ارکان عملی دین است .

قل هی موقیت للناس و الحج

شناخت زمان حج به عنوان فایده ای برای جلوه گر ساختن ماه به صورتهای مختلف، گویای عظمت این دستور الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۵

۵ ارزش و اهمیّت حج نزد خداوند

الحج اشهر معلومات . .. و لا جدال فی الحج

با توجه به تکرار کلمه <حج> و نهی از <جدال> و . .. برمی آید که حج، عمل با

ارزشی نزد خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ ارزش و اهمیّت فوق العاده حج

و للّه علی الناس حج البیت . .. و من کفر

زیرا ترک آن، کفر است.

استطاعت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۸،۲۷،۲۶،۲۲،۲۱،۲۰،۱۲،۱۰،۹

۹ حج گزاردن ، حق خداوند بر توانمندان

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، شرط وجوب حجّ

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

۱۲ ترک حج ، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، کفر است .

و للّه علی الناس . .. و من کفر فانّ اللّه غنیّ عن العالمین

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لایکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

۲۰ وجوب حجّ بر ثروتمندان در هر سال

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام کاظم(ع) : ان الله فرض الحج علی اهل الجده فی کلّ عام.

این خبر و اخبار مشابه بایـد حمل بر این معنا شود که در هیـچ سالی نباید مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج

۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۱ وجوب حج و عمره ، بر افراد مستطیع

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جمیعاً لانّهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۲ استطاعت حجّ ، به صحّت بدن ، داشتن زاد و توشه ، مرکب و باز بودن راه می باشد .

من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: من کان صحیحاً فی بدنه مخلّیً سربه له زاد و راحله فهو من یستطیع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

۲۶ داشتن مرکب در تحقق استطاعت ، شرط نیست .

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یخرج و یمشی ان لم یکن عنده ما یرکب.

استبصار، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۵، ب ۸۱ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۲۶.

۲۷ کسی که هزینه حج به او اهدا شود ، مستطیع است .

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع

امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که اگر به کسی مالی برای بجا آوردن حج عرضه شده و او از پذیرش آن شرم نماید مستطیع است یا نه؟ فرمود: نعم ما شأنه اَن یستحیی.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳، ح ۳.

۲۸ استطاعت بر حج ، داشتن مخارج اهل و عیال علاوه بر هزینه حج است .

و للّه علی الناس حجّ البیت

امام

باقر (ع) در بیان استطاعت حج فرمود: . .. السّعه فی المال اذ کان یحجّ ببعض و یبقی بعضاً یقوت به عیاله ... .

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۳ ; استبصار، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۱، ب ۸۱.

استفاده از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی ، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند ، استفاده کنند .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمًّی>;یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل

مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

استفاده از گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - استفاده از تمام گوشت قربانی ، جایز نیست .

فکلوا منها و أطعموا البائس الفقیر

<من> در <منها> تبعیضیه است. بنابراین <کلوا منها>; یعنی، <بخورید بخشی از آن را[نه همه آن را]>.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

اسحاق(ع) در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه <ثم افیضوا . ..> فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من کان بعدهم

کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۷۱۹.

اطعام از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۲،۱۸

۱۲ - لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در حج ; چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند .

فکلوا منها و أطعموا القانع و المعترّ

<قانع> به

کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتر>; یعنی، نیازمندی که طالب کمک است; لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید; چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۸ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ . . . < و أطعموا القانع و المعترّ > قال : القانع الذی یرضی بما أعطیته و لایسخط و لایکلح و لایلوی شدقه غضباً و المعترّ المارّ بک لتطعمه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ. ..<وأطعموا القانع و المعترّ> فرمود: <قانع> کسی است که راضی می شود به آنچه که به او می دهی و نسبت به آن ناراحتی، ترش رویی و دهن کجی نمی کند و <معتر> رهگذری است که بر تو می گذرد تا او را اطعام کنی>.

اطعام فقرا از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقیر

اعلام تبری در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۳

۳ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (ص) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من اللّه و رسوله إلی الناس یوم الحج الأکبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است و بر پایه

روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

امنیّت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۳

۲۳ لزوم برقراری امنیت اقتصادی برای حجاج در ایام حج

لاتحلوا شعر اللّه . .. و لا ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم

از مصادیق مورد نظر برای حفظ حرمت راهیان حج، به قرینه <یبتغون فضلا من ربهم>، حفظ امنیت اقتصادی آنان است.

انکار حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۵

۲۵ منکر وجوب حج ، کافر است .

و من کفر

امام کاظم (ع) در پاسخ این سؤال که آیا اگر کسی حج بجا نیارد کافر است؟ فرمود: لا و لکن من قال لیس هذا هکذا فقد کفر.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱.

اوقات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱،۲۱

۱ مراسم حج ، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد .

الحج اشهر معلومات

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعده و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات> شوال و ذوالقعده و ذوالحجه لیس لأحد ان یحج فی ما سواهن

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۶۹۷.

اهمیت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳

۳ - مردم ،

باید پیاپی برای زیارت خانه خدا (حج و عمره) به سوی آن جایگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً و اتخذوا

جمله <إتخذوا . ..> که جمله ای انشایی و دستوری است می تواند قرینه بر این باشد که مقصود از <جعلنا البیت ...> نیز معنایی انشایی و دستوری است; یعنی، مراد از <جعل>، تشریع قانون است. بنابراین مفاد جمله چنین می شود: باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۸

۸ حج ، میدان انجام اعمال خیر و کسب توشه برای آخرت

و ما تفعلوا من خیر یعلمه اللّه و تزوّدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۶

۶ تقوای الهی ، زمینه ساز انجام فریضه حج

و اتقوا اللّه

با توجّه به اینکه در پایان بیان مناسک حج، مسأله تقوا مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳،۱۳

۳ مناسک حج ، از شعایر الهی است . *

لاتحلوا شعر اللّه

<شعائر> جمع <شعیره> به معنای علامت است. و احتمالا مراد از آن، علایم و مناسک حج باشد.

۱۳ اهمیت خاص مسجد الحرام ، حج و مناسک آن

یایها الذین ءامنوا لاتحلوا . .. و لا ءآمین البیت الحرام

اهمیت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۸

۸ اهمیت ویژه قربانی در مراسم حج *

و لاالهدی

و لاالقلئد

ذکر قربانی با تفصیل آن (با نشان و بی نشان) از میان سایر مناسک حج، بیانگر اهمیت خاص آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۵

۵ - مراسم قربانی در حج ، عرصه یاد کرد عظمت و کبریایی خداوند

کذلک سخّر لکم لتکبّروا اللّه

ضمیر <ها> در <سخرها> به <بُدن> (شتران قربانی) بازمی گردد. <تکبیر> (مصدر <تکبرون>) به معنای خدا را به بزرگی یاد کردن است. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: <ما آن شتران درشت و عظیم الجثه را برای شما رام کردیم>، (شما به راحتی می توانید کارد را در حلقوم آنها فرو کنید، بدون این که کمترین آسیبی به شما برسد.) این کار برای آن است که شما به پاس این نعمت بزرگ (توفیق انجام دادن عبادت قربانی)، خدا را به بزرگی یاد کنید و یک صدا فریاد بزنید: <اللّه أکبر علی ما هدانا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۶

۶- اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

از این که خداوند، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسیدن قربانی به قربانگاه شمرده است، اهمیت آن در مناسک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

باربری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها

خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

برکات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. لیشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت; یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

بزرگترین مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۵

۵ دهم ذیحجه ، روز برگزاری بزرگترین مناسک حج

یوم الحج الأکبر

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - < عن صفوان بن یحیی الأرزق قال : قلت لأبی إبراهیم (ع) : الرجل یعطی الاضحیه من یسلخها بجلد ها قال : لابأس به ، إنّما قال اللّه عزّوجلّ < فکلوا منها و أطعموا > و الجلد لایؤکل و لایطعم ;

صفوان بن یحیی می گوید: به امام کاظم(ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلّاخی کند، در مقابل پوست

آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد; زیرا خدای عزّوجلّ فرموده است: <فکلوا منها و أطعموا> و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله آن) اطعام می شود>.

تأخیر تقصیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۵

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

به کارگیری <ثمّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

تأخیر طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۵

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

به کارگیری <ثمّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

تأخیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - جواز تأخیر انداختن قربانی ، از روز دهم به هر یک از روز های یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت . .. من بهیمه الأنعم

تارکان حج در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - < معاویه بن عمار عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل لم یحجّ قطّ و له مال قال : هو ممّن قال اللّه : < و نحشره یوم القیامه

أعمی > قلت : سبحان اللّه أعمی ؟ قال : أعماه اللّه عن طریق الجنّه ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره یوم القیامه أعمی>. گفتم سبحان اللّه نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن]راه بهشت نابینا کرده است>.

تاریخ حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ - < قال الحلبی : سئل ابوعبداللّه (ع) عن البیت أکان یحج قبل أن یبعث النبی (ص) ؟ قال : نعم و تصدیقه فی القرآن . . . و إذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل . . . ;

حلبی گوید از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حج قبل از بعثت رسول خدا(ص) نیز بوده است؟ حضرت فرمود: آری و شاهد آن در قرآن است که خدا می فرماید: به یاد آورید آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل(ع) پایه های خانه کعبه را بالا می بردند . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ برپایی مراسم حج در خانه خدا ، از زمان حضرت آدم (ع)

انّ اوّل بیت وضع للناس

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از برقراری حج قبل از بعثت پیامبر (ص) فرمود: نعم . .. ان ادم و نوحاً و سلیمان قد حجّوا البیت ... کما قال اللّه تعالی <ان اول بیت وضع للناس ... >.

تفسیر عیاشی، ج ۱،

ص ۱۸۶، ح ۹۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۰،۲۲

۱۰ - اجرای مراسم حج در عصر حضرت شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

۲۲ - < قال الحلبی : سئل أبوعبداللّه عن البیت أکان یحجّ قبل أن یبعث النبی (ص) قال : نعم و تصدیقه فی القرآن قول شعیب حین قال لموسی حیث تزوّج < علی أن تأجرنی ثمانی حجج > و لم یقل ثمانی سنین . . . ;

حلبی گوید: از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا قبل از بعثت پیامبراسلام حج بیت اللّه الحرام وجود داشت؟ امام صادق(ع) فرمود: آری و شاهد آن در قرآن، کلام شعیب(ع) است که به هنگام تزویج موسی(ع) به وی گفت: [یکی از دختران را به تو تزویج می کنم] که هشت حج اجیر من باشی و نگفت هشت سال. ..>.

تجارت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۵،۲۳

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا ، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از <فضلا> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

اقتصادی برای حجاج در ایام حج

لاتحلوا شعر اللّه . .. و لا ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم

از مصادیق مورد نظر برای حفظ حرمت راهیان حج، به قرینه <یبتغون فضلا من ربهم>، حفظ امنیت اقتصادی آنان است.

تخییر در قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

تداوم حج ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۸

۸ - حضور هر ساله حضرت ابراهیم (ع) در مراسم حج زمان خویش

یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر

فعل مضارع <یأتوک> می تواند مفید استمرار باشد. بنابراین ورود هر ساله مردم بر حضرت ابراهیم(ع) در مراسم حج بیانگر حضور هر ساله آن حضرت در آن مراسم می باشد.

ترک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۲،۱۴

۱۲ ترک حج ، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، کفر است .

و للّه علی الناس . .. و من کفر فانّ

اللّه غنیّ عن العالمین

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لایکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

۱۴ زیان ترک حجّ ، متوجّه خود انسان

و من کفر فانّ اللّه غنیّ عن العالمین

تعالیم حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۹

۱۹ - یاری مردمان و دستگیری از تنگدستان و نیازمندان ، از حکمت های تشریع حج و از آموزه های آن

و أطعموا البائس الفقیر

تعاون در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۷

۳۷ لزوم همکاری و تعاون در مراسم حج ، بر اساس نیکی و تقوا

لایجرمنکم . .. عن المسجدالحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی

از مصادیق مورد نظر برای <برّ> و <تقوی>، به قرینه فرازهای پیشین، مناسک حج و مسایل پیرامون آن است.

تعظیم قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۳

۳ - بزرگداشت و رعایت حرمت دام های قربانی (کوشش در حفظ و نگه داری آنها و پرهیز از سهل انگاری در حق آنها) ، توصیه خدا به اهل ایمان

و من یعظّم شعئر اللّه

تعلیم مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۸،۱۵

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن

کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا . .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۵ - از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است که : < لما فرغ ابراهیم من بناء البیت قال : فعلت أی رب فأرنا مناسکنا ، ابرز ها لنا ، علّمنا ها ، فبعث اللّه جبرئیل فحجّ به ;

چون ابراهیم(ع) از ساختن خانه کعبه فارغ گشت، عرض کرد: پروردگارا! من مأموریت خود را انجام دادم، پس شیوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشکار کن و به ما بیاموز. پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا به همراهی ابراهیم حج نماید]و به صورت عملی به ابراهیم(ع) نشان دهد[>.

تفاخر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۲،۱۱

۲ تفاخر به نیاکان پس از مناسک حج ، از سُنن جاهلی

فاذکروا اللّه کذکرکم اباءکم

۱۱ پس از اتمام حج ، باید به جای تفاخر به نیاکان ، ذکر خداوند کرد .

فاذا قضیتم مناسککم فاذکروا اللّه

امام باقر (ع): . .. و یعدّون مفاخر آیاتهم ... فامرهم اللّه سبحانه، ان یذکروه مکان ذکرهم آبائهم فی هذا الموضع

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۷۲۲.

تقصیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۹ – ۱،۳،۴،۷

۱ – وجوب

تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>;یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۳ - لزوم ادای نذر ، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

۴ - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

۷ - < قال : عبد اللّه بن سنان فأتیت أباعبد اللّه (ع) فقلت : جعلت فداک قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم . . . > ؟ قال : أخذ الشارب و قص الأظفار و ما أشبه ذلک . . . ;

عبداللّه بن سنان گفت: نزد امام صادق(ع) آمدم و گفتم: فدایت شوم: [مقصود از] قول خدای عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم> [چیست؟] فرمود: [مقصود] زدن شارب و گرفتن ناخن و مانند آن است. ..>.

تقوا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۴

۱۴ - عمل نیک در حج ، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و لکن البر من اتقی

تکبیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - < و روی عن الصادق (ع

) أنّ الذکر فی قوله : < و یذکروا اسم اللّه > هو التکبیر عقیب خمس عشره صلاه أوّلها ظهر العید ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که مراد از ذکر در سخن خداوند <و یذکروا اسم اللّه>، تکبیرهایی است که در تعقیب پانزده نماز که اول آنها ظهر عید است گفته می شود>.

تلبیه در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۳

۲۳ آغاز اعمال حج با تلبیه ، اشعار و تقلید است .

فمن فرض فیهنّ الحجّ

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <الحجّ اشهر معلومات . ..> فرمود: و الفرض التلبیه و الاشعار و التقلید فای ذلک فعل فقد فرض الحجّ

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۲.

توشه حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۳

۱۳ وجوب تهیّه توشه (پوشاک و خوراک و . . .) برای سفر حج

و تزوّدوا

با توجّه به شأن نزول نقل شده در مجمع البیان، ذیل آیه.

جدال در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۴

۳۴ تمامیّت حج و عمره به پرهیز از کلام ناشایست و نافرمانی و نزاع در حج است .

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام باقر و امام صادق (ع): . .. فانّ تمام الحجّ و العمره ان لا یرفث و لا یفسق و لا یجادل

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۲۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۴،۲۲،۲۴

۴ حرمت هر گونه نزاع (جدال) در حج

فمن فرض فیهن الحج . .. و لا جدال فی الحج

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحجّ

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ایمان متتابعات صادقاً فقد جادل . .. و اذا حلف بیمین واحده کاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

حج افراد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۳

۳۳ عدم جواز حج قِران و اِفراد ، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام رضا (ع): لا یجوز القران و الافراد الّذی یستعمله العامه الاّ لاهل مکّه و حاضریها . .. قال اللّه تعالی <و اتمّوا الحج و العمره للّه ...>

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

حج برده

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- < حسن العطار قال : سألت أباعبدالله (ع) عن رجل أمر مملوکه أن یتمتع بالعمره إلی الحج أعلیه أن یذبح عنه ؟ قال : لا إن الله تعالی یقول : < عبداً مملوکاً لایقدر علی شیء > ;

حسن عطار گوید: از امام صادق(ع) سؤال کردم: مردی برده مملوک خود را امر کرده تا حج تمتع به جا آورد، آیا بر آن مملوک واجب است از طرف مولا قربانی کند؟ حضرت فرمود: نه خدای تعالی می فرماید: عبداً مملوکاً لایقدر علی شیء>.

حج تمتّع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۲،۳۷،۴۵،۴۶

۱۲ تقدّم اعمال عمره بر حجّ ، در حجّ تمتّع

فمن تمتّع بالعمره الی الحج

۳۷ شتر ، گاو و گوسفند ، نوع قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع بالعمره الی الحجّ فما استیسر من الهدی

امام صادق (ع); . .. فما استیسر من الهدی امّا جزور و امّا بقره و امّا شاه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۷.

۴۵ حج تمتّع مخصوص کسی است که خانواده اش در محدوده چهل و هشت میلی مکّه ساکن نباشد .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی اهل مکّه لیس علیهم متعه کل من کان اهله دون ثمانیه و اربعین میلا ذات عرق و عسفان کما یدور حول مکّه فهو ممن دخل فی هذه الایه

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۷ ; استبصار،

ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳.

۴۶ حج تمتّع مخصوص کسی است که خانواده اش در منطقه واقع بین میقات ها و مسجدالحرام ساکن نباشد .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: مادون المواقیت الی مکه فهو حاضری المسجد الحرام

استبصار، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۴ ; تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۸ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۴۸.

حج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷،۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهور ها > روایت شده است : انه کان المحرمون لایدخلون بیوتهم من أبواب ها و لکنهم کانوا ینقبون فی ظهر بیوتهم أی فی مؤخر ها نقباً یدخلون و یخرجون منه فنهوا عن التدین بذلک ;

] در جاهلیت[کسانی که برای مناسک حج مُحْرم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند; بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی

به این عمل نهی فرمود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲،۱۷

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحلّت لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم فاجتنبوا الرجس من الأوثن

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است; یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً ـ به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سرمی دادند.

حج در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - اجرای مراسم حج در عصر حضرت شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

حج در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۴

۴ - حج ، یادگاری از شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و أذّن فی الناس بالحجّ

حج در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۱

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند

.

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

حج قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ - < قال الحلبی : سئل ابوعبداللّه (ع) عن البیت أکان یحج قبل أن یبعث النبی (ص) ؟ قال : نعم و تصدیقه فی القرآن . . . و إذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل . . . ;

حلبی گوید از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حج قبل از بعثت رسول خدا(ص) نیز بوده است؟ حضرت فرمود: آری و شاهد آن در قرآن است که خدا می فرماید: به یاد آورید آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل(ع) پایه های خانه کعبه را بالا می بردند . .. .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ - < قال الحلبی : سئل أبوعبداللّه عن البیت أکان یحجّ قبل أن یبعث النبی (ص) قال : نعم و تصدیقه فی القرآن قول شعیب حین قال لموسی حیث تزوّج < علی أن تأجرنی ثمانی حجج > و لم یقل ثمانی سنین . . . ;

حلبی گوید: از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا قبل از بعثت پیامبراسلام حج بیت اللّه الحرام وجود داشت؟ امام صادق(ع) فرمود: آری و شاهد آن در قرآن، کلام شعیب(ع) است که به هنگام تزویج موسی(ع) به وی گفت: [یکی از دختران

را به تو تزویج می کنم] که هشت حج اجیر من باشی و نگفت هشت سال. ..>.

حج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۵،۳۰،۳۳

۱۵ حج تمتّع ، مخصوص غیر اهل مکّه است .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

۳۰ ملاک مکّی بودن ، سکونت در شعاع هجده میلی ، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من کان منزله علی ثمانیه عشر میلا من بین یدیها و ثمانیه عشر میلا من خلفها و ثمانیه عشر میلا عن یمینها و ثمانیه عشر میلا عن یسارها فلا متعه له . ..

کافی، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۳ عدم جواز حج قِران و اِفراد ، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره للّه

امام رضا (ع): لا یجوز القران و الافراد الّذی یستعمله العامه الاّ لاهل مکّه و حاضریها . .. قال اللّه تعالی <و اتمّوا الحج و العمره للّه ...>

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

حج محصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۴،۵

۴ اتمام حج و عمره بر محصورِ اِحرام بسته ، واجب نیست .

و اتمّوا الحج . .. فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتی یبلغ الهدی

مَحِلَّه

حج محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - < عن أبی عبد اللّه (ع) ان رسول اللّه (ص) أقام بالمدینه عشر سنین لم یحجّ ثمّ أنزل اللّه عزّوجلّ علیه < و أذّن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر یأتین من کلّ فجّ عمیق > فأمر المؤذّنین أن یؤذّنوا بأعلی أصواتهم بأنّ رسول اللّه یحج فی عامه هذا . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: که رسول خدا(ص) ده سال در مدینه اقامت کرد و به حج نرفت. سپس خداوند عزّوجلّ بر آن حضرت[چنین] نازل کرد: <و أذّن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر یأتین من کلّ فجّ عمیق> پس پیامبر(ص) منادیان را فرمان داد که با صدای بلند اعلام کنند که رسول اللّه(ص) امسال به حج خواهد رفت...>.

حلالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

حلق در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۶،۸،۱۰،۲۹،۳۹

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی و تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی مَحِلَّه

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است ; نه یک تکلیف تعبّدی برای محصور.

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از

ناحیه سَر در اذیّت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم . .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذیً من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذیً>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۹ کسی که با خود قربانی آورده ، نباید قبل از قربانی کردن سر خود را بتراشد و محلّ گردد .

و لا تحلقوا رءوسکم حتّی یبلغ الهدی محلّه

امام صادق (ع): قال رسول اللّه (ص): . .. و لم یکن یستطیع ان یحلّ من اجل الهدی الذی کان معه ان اللّه عزّ و جل یقول <و لا تحلقوا رءوسکم ...>

کافی، ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۶ ; علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱، ب ۱۵۳.

خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۳،۱۰

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است; یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است; بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فکلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید; (نه همه اش را).

خیریت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. لیشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت; یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

دروغ در حج

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۴

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحجّ

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ایمان متتابعات صادقاً فقد جادل . .. و اذا حلف بیمین واحده کاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

دعا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۰

۱۰ اجابت دعا ها و درخواست های دنیوی حج گزارانِ دنیاطلب

فمن الناس من یقول ربّنا اتنا فی الدنیا و ماله فی الاخره من خلاق

واو عاطفه در جمله <و ماله . ..>، بیانگر جمله ای محذوف است.$مثل <نؤتیه> (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۱

۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکو های دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم

من یقول ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۵

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <ممّا کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

دعوت به حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱،۳،۱۴

۱ - فراخوانی مردم به حج از سوی حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند

و أذّن فی الناس بالحجّ

<تأذین> (مصدر <أذّن>) به معنای اعلان و ندا در دادن است; یعنی، <ای ابراهیم! به میان مردم برو و آنان را به حج و زیارت بیت اللّه، فرا بخوان>.

۳ - تبلیغ و فراخوانی مردم به حج و زیارت بیت اللّه ، از وظایف رهبران الهی

و أذّن فی الناس بالحجّ

۱۴ - < عن عبید اللّه بن علی الحلبی ، عن أبی عبد اللّه (ع) قال : سألته لم جعلت التلبیه ؟ فقال : إنّ اللّه عزّوجلّ أوحی إلی ابراهیم (ع) < و أذّن فی الناس بالحج یأتوک رجالاً > فنادی فأجیب من کلّ فجّ یلبّون ;

عبیداللّه بن علی الحلبی گوید: از امام صادق(ع) سؤال کردم: چرا[در حج] تلبیه مقرر شده است؟ فرمود: همانا خداوند به حضرت ابراهیم(ع) وحی کرد: <و أذّن فی الناس بالحجّ یأتوک رجالاً> پس ابراهیم ندا در داد و از هر راه دوری با لبیک گفتن به ابراهیم(ع)،

پاسخ داده شد>.

دنیاطلبی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۴،۷

۴ مذمّت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج ، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند .

فمن الناس من یقول ربّنا اتنا فی الدنیا

۷ حج گزارانِ دنیاطلب ، محروم از بهره های اخروی

فاذا قضیتم مناسککم . .. فمن الناس من یقول ربنا ... و ماله فی الاخره من خلاق

ذبح گاو در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

ذبح گوسفند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این

جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

ذکر خدا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - < و روی عن الصادق (ع) أنّ الذکر فی قوله : < و یذکروا اسم اللّه > هو التکبیر عقیب خمس عشره صلاه أوّلها ظهر العید ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که مراد از ذکر در سخن خداوند <و یذکروا اسم اللّه>، تکبیرهایی است که در تعقیب پانزده نماز که اول آنها ظهر عید است گفته می شود>.

ذکر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۱

۱۱ پس از اتمام حج ، باید به جای تفاخر به نیاکان ، ذکر خداوند کرد .

فاذا قضیتم مناسککم فاذکروا اللّه

امام باقر (ع): . .. و یعدّون مفاخر آیاتهم ... فامرهم اللّه سبحانه، ان یذکروه مکان ذکرهم آبائهم فی هذا الموضع

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۷۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱،۲

۱ وجوب ذکر خداوند در روز های مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذکروا اللّه فی ایّام معدودات

مراد از روزهای مشخّص، ایّام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) است.

۲ اهمیّت فوق العاده ذکر خداوند در حج

فاذکروا اللّه . ..

و اذکروه ... فاذکروا اللّه ... و اذکروا اللّه

رمی جمرات در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸

۸ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیاره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوحوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..>. ۱ محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکّه برود; نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

زمینه برکات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲

۲ - دستیابی به برکت های حج ، در گرو حضور در مراسم و انجام مناسک آن است .

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. لیشهدوا منفع لهم

<شهاده> (مصدر <یشهدون>) به معنای حاضر شدن است. بنابراین <لیشهدوا منافع لهم> به این معنا است که: حج برای همه مردم سرشار از خیر و برکت است و هر کس بخواهد به آن دست یابد و از آن بهره مند شود، باید رنج سفر را

تحمل کند و در مراسم آن حاضر شود و مناسک آن را به جا آورد.

سرتراشی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸

۸ - < عن أميرالمؤمنين (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن يمشی و الطواف هو طواف الزياره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ ليقضوا تفثهم و ليوحوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..>. ۱ محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکّه برود; نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

سواری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لكم فيها خير

مقصود از <لكم فيها خير> با توجه به آیه ۳۳ (لكم فيها منافع إلى أجل مسمّى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می

برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

سوگند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۴

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و اللّه و بلی و اللّه > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): . .. و <الرَفث> الجماع و <الفُسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و اللّه و بلی و اللّه

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ ، از مصادیق جدال در حج است .

و لا جدال فی الحجّ

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ایمان متتابعات صادقاً فقد جادل . .. و اذا حلف بیمین واحده کاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به

اعتقـاد همـه مفسـران، مقصـود از <أنعـام> در ایـن جـا، معنـای دوم (مجمـوع شـتر، گـاو و گوسـفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و

اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱،۲،۴،۵

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد; یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی،

از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برنـد، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لکم من شعئر اللّه

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می توانـد دربردارنـده این توصیه باشـد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

شرایط حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۵

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد; یعنی، هی مواقیت الحج.

شرایط وجوب حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۰،۲۱،۲۲

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، شرط وجوب حجّ

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

۲۱ وجوب حج و عمره ، بر افراد مستطیع

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جمیعاً لانّهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۲ استطاعت حجّ ، به صحّت بدن ، داشتن زاد و توشه ، مرکب و باز بودن راه می باشد .

من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) درباره آیه

فوق فرمود: من کان صحیحاً فی بدنه مخلّیً سربه له زاد و راحله فهو من یستطیع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

شیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمّی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

صید در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۴،۱۸

۴ انواع شکار ها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و . . .) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه

فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید وحوش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸،۹

۸ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیاره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوحوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..>. ۱ محتمل است مقصود این

باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکّه برود; نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

۹ - < عن أبی عبد اللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < و لیطّوّفوا بالبیت العتیق > قال : طواف النساء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و لیطّوّفوا بالبیت العتیق> فرمود: [مراد]طواف نسا است>.

فسق در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲،۳

۲ حرمت هر گونه سخن ناشایست (رفث) در حج

فمن فرض فیهن الحج فلا رفث . .. فی الحج

۳ حرمت هر گونه نافرمانی (فسوق) در حج

فمن فرض فیهنّ الحج فلا رفث و لا فسوق . .. فی الحج

فضیلت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱

۱ - حج و مناسک آن ، دارای ارج و منزلتی و الا در نزد خداوند

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. و لیطّوّفوا بالبیت العتیق ذلک

<ذلک> اشاره به مجموع مطالبی است که تا این جا درباره حج و مناسک آن بیان شده است. مقصود از استعمال <ذلک> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام پیشین و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی، کلمه <هذا> را به کار می برند مانند: <هذا و أنّ للطاغین لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به دور است

می تواند برای بیان بُعد منزلت حج و مناسک آن و ارج و ارزش والای آن در پیشگاه خداوند باشد.

فضیلت حج پیاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - فضیلت و ارزش والای حج پیاده در پیشگاه خداوند

یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر

تقدیم پیادگان (رجال) بر سوارکاران (و علی کلّ ضامر) می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

فلسفه حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۴

۲۴ توجه یافتن به مرگ و قبر و قیامت و آمادگی برای آنها ، فلسفه وجود حج و اختصاص آن به خداوند

و للّه علی الناس حج البیت

امام صادق (ع): . .. و اعلم بانّ اللّه تعالی لم یفترض الحجّ و لم یخصّه من جمیع الطاعات بالاضافه الی نفسه بقوله عزّ و جلّ <و للّه علی النّاس حج البیت ... > ... الاّ للاستعداد و الاشاره الی الموت و القبر و البعث و القیامه ... .

مصباح الشریعه، ص ۴۹ ; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۵، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۴

۱۴ دستیابی حاجیان به پاداشهایی از جانب خدا و جلب رضایت او از اهداف تشریع حج و عمره است .

و لا ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم و رضوناً

مراد از <فضـلا> می توانـد ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه

خدا> شامل حاجیان و معتمران می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۴

۴ بی هدف پنداشتن مناسک حج و احکام و قوانین الهی ، موجب عقاب شدید الهی

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس . .. اعلموا إنّ اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۸،۱۹

۸ - آموزش کیفیت ذبح کردن (بردن نام خدا به هنگام سربریدن یا نحر کردن حیوان) به مردم ، یکی از فلسفه های حج

لیشهدوا منفع لهم و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت

<یذکروا> عطف بر <یشهدوا> است و با توجه به این که لام <لیشهدوا> برای تعلیل است و بیانگر فلسفه تشریع حج می باشد، عطف <یذکروا> بر <یشهدوا> بیان یکی دیگر از حکمت های تشریع حج خواهد بود.

۱۹ - یاری مردمان و دستگیری از تنگدستان و نیازمندان ، از حکمت های تشریع حج و از آموزه های آن

و أطعموا البائس الفقیر

فواید حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ حجّ ، دارای منافعی برای حج گزار

و من کفر فانّ اللّه غنیّ عن العالمین

اشاره به غنیّ بودن خدا، نشانگر این است که حج گزار، خود از منافع آن بهره مند می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۵

۵ - موسم حج ، مبدأ سال در خانواده شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

فواید قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۷،۱۰،۱۱

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل اللّه الکعبه . ... قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الکعبه> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قیماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قیماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

<ذلک> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

فواید مادی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۴

۱۴ دستیابی حاجیان به پاداشهایی از جانب خدا و جلب رضایت

او از اهداف تشریع حج و عمره است .

و لا ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم و رضوناً

مراد از <فضلا> می توانـد ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه خدا> شامل حاجیان و معتمران می شود.

فواید معنوی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۴

۱۴ دستیابی حاجیان به پاداشهایی از جانب خدا و جلب رضایت او از اهداف تشریع حج و عمره است .

و لا ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم و رضوناً

مراد از <فضلا> می توانـد ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه خدا> شامل حاجیان و معتمران می شود.

قداست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۲

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من یعظّم شعئر اللّه

<تعظیم> (مصـدر <یعظّم>) به معنـای بزرگ شـمردن است <شـعائر> جمع <شـعیره> و <شـعیره> به معنـای علامت و نشانه است. مراد از <شـعائر اللّه> به قرینه آیه بعد (لکم فیها منافع إلی أجل مسـمًّی ثمّ محلها إلی البیت العتیق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند؛یعنی، <هر کس دام

های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هرگونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ ماه های حرام ، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی ، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر اللّه و لاالشهر الحرام و لاالهدی و لاالقلئد

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر اللّه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۳،۱۲

۳ مخالفت با قربانی حج و احکام آن موجب عقاب شدید از سوی خداوند

و الشهر الحرام و الهدی و القلئد . .. اعلموا إنّ اللّه شدید العقاب

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام . .. إنّ اللّه شدید العقاب و إنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶،۱۲

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک

از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

قربانی حج در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أُمّه جعلنا منسکًا

قربانی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳،۵،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۲۸،۲۹،۳۱

۳ محصورِ از حج و عمره ، باید برای خروج از احرام ، چهارپایی (گاو ، شتر یا گوسفند) را که برای او میسور و آسان باشد ، قربانی کند .

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

محصور، مُحرِمی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتی یبلغ الهدی

مَحِلَّه

۷ ذبح و یا نحر قربانی ، باید در مکان مخصوصِ خود باشد .

حتی یبلغ الهدی مَحلّه

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سَر در اذیّت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم . .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذیً من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذیً>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن کان منکم مریضاً او به اذیً من رأسه ففدیه

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع . .. فما استیسر من الهدی

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام فی الحج و سبعه . .. تلک عشره کامله

۲۸ اقلّ قربانی ، یک گوسفند است .

فما استیسر من الهدی

امام رضا (ع): <فما استیسر من الهدی> یعنی شاه.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ;

نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۱ حد وجوب قربانی در حج ، سهل و میسور بودن آن است .

فمن تمتع . .. فما استیسر من الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>;یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

کار در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱

۱ جواز کسب و کار ، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات . .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم . ..>، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است ; به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

کوری اخروی تارکان حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - < معاویه بن عمار عن أبی عبداللّه (ع) قال : سألته عن رجل لم یحجّ قطّ و له مال

قال : هو ممّن قال اللّه : < و نحشره یوم القیامه أعمی > قلت : سبحان اللّه أعمی ؟ قال : أعماه اللّه عن طریق الجنّه ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره یوم القیامه أعمی>. گفتم سبحان اللّه نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن]راه بهشت نابینا کرده است>.

گاو قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوسفند قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی

است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶،۱۷

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقیر

محل قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹

۹ اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان اللّه یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

مراد از حج اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۶

۱۶ از امام صادق (ع) روایت شـده است که فرمود : الحـج الأکبر الوقوف بعرفه و بجمع و برمی الجمار بمنی و الحـج الأصـغر العمره ;

حج اکبر، وقوف به عرفه و وقوف به مشعر و رمی جمرات در منی است و حج اصغر، عمره است>.

مراد از روز حج اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۵

۱۵ معاویه بن عمار گوید : < سألت أباعبداللّه (ع) عن یوم الحج الأکبر فقال : هو یوم

النحر . . . ;

از امام صادق (ع) پرسیدم: روز حج اکبر چه روزی است؟ فرمود: روز عید قربان است . .. >.

مردم جزیره العرب و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مرگ در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ حج گزاری که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجّل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجّل . ..>، فرمود: یعنی من مات قبل ان یمضی، فلا اثم علیه

کافی، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

معامله در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱،۲،۱۷

۱ جواز کسب و کار ، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات . .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم . ..>، نـاظر به کسب و کـار در حـج و هنگام انجام مناسک است ; به دلیل وقوع آن در بین احکام حـج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

۲ ممنوعیّت فعالیت های اقتصادی در حج ، پندار غلط برخی از مسلمانان صدر اسلام

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

برخی از مسلمانان، خرید و فروش را در حج گناه می شمردند که با این آیه، این تصوّر دفع شد.

(مجمع البیان.)

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲.

۱۷ جواز خرید و فروش ، در ایّام حجّ ، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربّکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <لیس علیکم . ..> فرمود: یعنی الرّزق اذا احلّ الرّجل من احرامه و قضی نسکه فلیشترو لیبع فی الموسم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱.

ملاقات با رهبران دینی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دیدار با رهبر جامعه اسلامی در مناسک حج

یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر

ممانعت از حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۰

۴۰ جلوگیری از انجام حج ، گناه و تجاوز است .

و لا ءآمین البیت الحرام . .. و لاتعاونوا علی الاثم و العدون

ممانعت از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمّت خداوند از کفر مشرکان ، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۷

۷ - زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلًّی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده

شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۲،۵،۶،۷

۲ - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه . .. فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما

<اعتمار> (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع <من حج البیت ...> بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولا، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

۵ - سعی میان صفا و مروه ، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما و من تطوع خیراً

مصداق مورد نظر برای <خیراً>، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

۶ - برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از انجام سعی میان صفا و مروه ، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند .

فمن حج البیت أو اعتمر فلاجناح علیه أن یطوف بهما

نفی اشکال از سعی میان صفا و مروه با جمله <فلا جناح . ..> گویای این است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بتهایی بود که مشرکان در صفا و مروه بین آن دو نصب کرده بودند.

۷ - خداوند به اعمال

زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البیت أو اعتمر . .. و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۴،۵،۸

۴ لغو هر گونه امتیاز طایفه ای و گروهی در حج

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

با توجه به آنچه در ذیل آیه نقل شده که عدّه ای از قریش خود را جدای از مردم فرض می کردند و در عرفات وقوف نداشتند.

۵ وقوف در مشعرالحرام ، از مناسک حج

ثم افیضوا من حیث افاض الناس

بنابراینکه <ثم افیضوا>، مربوط به مشعرالحرام باشد.

۸ لزوم استغفار ، به هنگام کوچ کردن از عرفات و مَشعرالحرام

ثم افیضوا . .. و استغفروا اللّه

در این برداشت، هر دو نظ ر درباره جمله <ثم افیضوا> (افاضه از مشعر و یا عرفات)، ملحوظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۴،۶،۹،۱۱،۱۲

۴ - وقوف در عرفات و مشعر ، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لیشهدوا منفع لهم

جمله <و یذکروا اسم اللّه. ..> مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج پس از پوشیدن احرام به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و

با طواف ختم می شد و وقوفین جزو مراسم نبود و یا این که جمله <لیشهدوا منافع لهم> علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریع حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از <أیام معلومات>، ایام تشریق (دهم تاسیزدهم) ذی حجه است.

۱۱ - جواز تأخیر انداختن قربانی ، از روز دهم به هر یک از روز های یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت . .. من بهیمه الأنعم

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ -

۱،۴،۷،۸،۹

۱ – وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>;یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴ – وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

۷ – < قال : عبد اللّه بن سنان فأتیت أباعبد اللّه (ع) فقلت : جعلت فداک قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم . . . > ؟ قال : أخذ الشارب و قص الأظفار و ما أشبه ذلک . . . ;

عبداللّه بن سنان گفت: نزد امام صادق(ع) آمدم و گفتم: فدایت شوم: [مقصود از] قول خدای عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم> [چیست؟] فرمود: [مقصود] زدن شارب و گرفتن ناخن و مانند آن است. ..>.

۸ – < عن أمیرالمؤمنین (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیاره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ لیقضوا تفثهم و لیوحوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و

مراد از <نـذور> کسـی است که نـذر کرده که پیـاده برود(۱) و مراد از طـواف، طـواف زیـارت اسـت. ..>. ۱ محتمل است مقصود این باشـد که شـخص نـذر کرده که پیـاده از منا به مکّه برود; نه این که نـذر کرده است از وطنش پیاده به حـج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

۹ - < عن أبی عبد اللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < و لیطّوّفوا بالبیت العتیق > قال : طواف النساء ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که دربـاره سـخن خداونـد عزّوجلّ <و لیطّوّفوا بالبیت العتیق> فرمود: [مراد]طواف نسـا است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۶

۶- اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

از این که خداونـد، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسـیدن قربانی به قربانگاه شـمرده است، اهمیت آن در مناسـک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

منافع اخروی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۰

۲۰ - < عن الربیع بن خُثیم قـال : شـهدت أباعبـداللّه (ع) . . . قـال : إنّی سـمعت اللّه عزّوجلّ یقول : < لیشـهدوا منافع لهم > فقلت منافع الدنیا أو منافع الآخره فقال : الکلّ ;

ربیع

بن خُثیم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزّوجلّ می فرماید: <لیشهدوا منافع لهم> پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع>.

منافع حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذّن فی الناس بالحجّ. .. لیشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت; یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

منافع دنیوی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۰

۲۰ - < عن الربیع بن خُثیم قال : شهدت أباعبداللّه (ع) . . . قال : إنّی سمعت اللّه عزّوجلّ یقول : < لیشهدوا منافع لهم > فقلت منافع الدنیا أو منافع الآخره فقال : الکلّ ;

ربیع بن خُثیم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزّوجلّ می فرماید: <لیشهدوا منافع لهم> پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع>.

نحر شتر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در

اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است; یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم اللّه علیها صوافّ

<صوافّ> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صفّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است; یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم درآمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی ، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم اللّه علیها صوافّ

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صوافّ> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نذر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

- ۲۲ - ۲۹ - ۸

۸ - < عن أميرالمؤمنين (ع) أنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < ثمّ ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن يمشی و الطواف هو طواف الزياره . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزّوجلّ <ثمّ ليقضوا تفثهم و ليوحوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..>. ۱ محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکّه برود; نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود; چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

نشانه گذاری قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۴

۴ - لزوم نشانه گذاری روی دام هایی که به منظور قربانی در مراسم حج ، برده می شود .

و من يعظّم شعئر اللّه

تسمیه دام های قربانی به <شعائر> می تواند دربردارنده توصیه ای باشد به صاحبان آنها که باید دام ها را نشانه گذاری کنند تا همگان بدانند که آنها مربوط به خدا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۵

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعئر اللّه

این سخن

خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

نقش رهبران دینی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۹

۹ - لزوم انجام مراسم حج با محوریت رهبر جامعه اسلامی

یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامر

این که خداوند می فرماید: <مردم از پیاده و سواره بر تو (ابراهیم) وارد خواهند شد> می تواند متضمن دستوری باشد به مردم که باید ابتدا به زیارت رهبر الهی بشتابند و با محوریت او مراسم حج را انجام دهند.

نیکی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۴

۱۴ - عمل نیک در حج ، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و لکن البر من اتقی

واجبات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم اللّه . .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم اللّه . .. ثمّ لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث>; یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند.

بنـابراین <ثمّ لیقضوا تفثهم>؛یعنی، حاجیـان پس از انجـام مراسم قربـانی، بـا تراشـیدن سـر و گرفتن نـاخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴ - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثمّ لیقضوا تفثهم . .. و لیطّوّفوا

وقت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴ - از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد؛ یعنی، هی مواقیت الحج.

وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳ - مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هریک از ادیان آسمانی پیشین

و لکلّ أمّه جعلنا منسکًا

وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یذکروا اسم اللّه فی أیّام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت(ع) وارد شده است، مراد از <أیام معلومات>، ایام

تشریق (دهم تاسیزدهم) ذی حجه است.

ویژگیهای ایام حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۴

۴ ایام حج ، فرصتی مناسب برای اعلان مواضع اسلام در برابر کفر

و أذن من اللّه و رسوله إلی الناس یوم الحج الأکبر

هتک قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۵،۶

۵ هتک حرمت ماه های حرام ، هَدْی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج) ، حرام و گناه است .

لاتحلوا . .. و لاالشهر الحرام و لاالهدی و لاالقلئد

<قلائد> جمع قلاده به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ <الشهر الحرام> اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می شود.

۶ هتک حرمت علامت های ویژه قربانی حج ، حرام و گناه است .

و لاتحلوا . .. و لاالقلئد

بنابر اینکه مراد از <قلائد>، خود علامت باشد، نه حیوان دارای علامت.

حجر الاسود

{حجر الاسود}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۳

۲۳ مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه ایات بیّنات مقام ابراهیم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از <ایات بیّنات> در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فاثّرت

فیه قدماه و الحجرالاسود و منزل اسماعیل.

کافی، ج ۴، ص ۲۲۳، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۹.

حجاب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حجاب

آثار بی حجابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ - بی حجابی ، از جمله عوامل ناهنجاری در محیط دینی است .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

آثار حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۷

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۶

۱۶- هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته (محرومان از درک و فهم آیات الهی) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذًا أبدًا

<لـن> برای نفی همیشـگی است که در آیه مـورد بحث، بـا کلمه <أبـداً> نیز بر آن تأکیـد مجـدد شـده است; یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

احکام حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۵،۱۷،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۸،۲۹،۳۹

۹ - زنان مؤمن ، موظف به پوشانـدن زینت های خویش و محل آنها (بـدن) از دیـد نامحرمان اند ; جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و . .

.) .

و قل للمؤمنت . .. و لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است; زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ماظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود; مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۰ - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) .

لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۱ - پوشاندن آن قسمت از بدن که به طور متعارف و خود به خود آشکار است ، (مانند قرص صورت ، دست و پا تا مچ) بر زنان ، لازم نیست .

لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۲ - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن

گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

۱۷ – آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در انظار نامحرمان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

۱۸ – زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۱۹ – زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

۲۰ – بر زنان مؤمن ، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) ، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. أو نسائهنّ أو ما ملکت أیمنهنّ

۲۱ – زنان مؤمن ، از آشکار کردن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر زنان غیر مسلمان منع شده اند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. أو نسائهنّ

اضافه <نساء> به ضمیر جمع <هنّ> که به <مؤمنات> بازمی گردد دلالت می کند که مراد از آن، عموم زنان نیست; بلکه مقصود زنان مؤمن می باشد. بنابراین استثنای <إلّا... نسائهنّ> شامل زنان غیر مسلمان نمی شود.

۲۲ – پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت

به زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

واژه <الإربه> به معنای حاجت است و در آیه شریفه به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

۲۳ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها از خدمت کاران نیازمند به زن و راغب به زناشویی و نیز از کودکان آگاه و با خبر از مسائل جنسی

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحیط). بنابراین <غیر أُوْلی الإربه>; یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

۲۸ - زنان مؤمن ، وظیفه

دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

لام در <لیعلم> برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زینت زنان شود، همین حکم را دارد و حرام خواهد بود.

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

۳۹ - < عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبداللّه (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزنیه التی قال اللّه تبارک و تعالی < و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ > قال : نعم و مادون الخمار من الزینه و ما دون السوارین ;

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا زراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن]زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست]زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۱۳

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است; ولی مقصود از آن

در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است; نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۱۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) انه قرأ < أن یضعن ثیابهنّ > قال الخمار والجلباب . . . ;

امام صادق(ع) در پی تلاوت آیه <أن یضعن ثیابهنّ> فرمود: مراد روسری و روپوش است. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳،۴،۱۲

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزوجک . .. نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

<نساء المؤمنین> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

اهمیت حجاب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۸،۹

۸ - حجاب و پوشش برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان است .

و القوعد من النساء . .. لیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یستعففن خیر لهن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <عفت> خویشتن داری زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد که در جمله پیش از آن سخن به میان آمده است.

۹ - حجاب و پوشش زنان ، نشان عفت آنان و حافظ پاکدامنی ایشان

و القوعد من النساء . .. فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یستعففن خیر له

آیه شریفه به زنان سالخورده، یادآور می شود که رعایت حجاب برای آنان بهتر از بی حجابی است هر چند آنان مجاز به ترک حجاب اند و خداوند از این مسأله به <عفت گزینند و خویشتن داری کنند> تعبیر فرموده است. این تعبیر می تواند گویای این حقیقت باشد که حجاب، نشان عفت و حافظ پاکدامنی زنان است.

پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

پوشش سر در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ،

موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش سینه در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش گلو در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

تاریخ حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریع حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۵

۵ - نوعی حجاب و پوشش ، پیش از فرمان به رعایت کامل حجاب ، برای زنان وجود داشته است .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

شناخته بودن <جلباب> و اضافه آن به ضمیر <هنّ> اشعار به وجود آن می کند.

تقوا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - کشف حجاب در نزد افرادِ مُجاز ، باید با رعایت ضوابط و تقواپیشگی باشد .

لاجناح علیهنّ فی ءابائهنّ . .. و لا ما ملکت أیمنهنّ و اتّقین اللّه

برداشت بالا- بنابراین احتمال است که امر به تقوا پس از ذکر استثناهای لزوم رعایت حجاب، مربوط به استثناها باشد; یعنی، در اهمیت موارد یاد شده نیز آزادی مطلق وجود ندارد و باید با رعایت ضوابط صورت بگیرد.

حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ وجود حجاب و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

و بینهما حجاب

۲ مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال

<عرف> به قسمتهای بالا- و رویین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن <اعراف> است. (لسان العرب). ال در <الاعراف> جانشین مضاف إلیه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

حجاب بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱،۱۱

۱- خداوند ،

به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرءان . .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۱۱- < دخل . . . هشام بن السائب . . . علی أبی عبدالله (ع) فقال : . . . أخبرنی عن قول الله < و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً > . . . قال : آیه فی الکهف و آیه فی النحل و آیه فی الجاثیه و هی : < أفرأیت من اتّخذ إلهه هواه و أضلّه الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه . . . > و فی النحل : < أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أُولئک هم الغافلون > و فی الکهف : < و من أظلم ممّن ذکّر بآیات ربّه فأعرض عن ها و نسی ما قدّمت یداه . . . > ;

هشام بن سائب بر امام صادق(ع) وارد شد، پس به امام گفت: مرا از سخن خدا <و أذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً> خبر ده؟ حضرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مستور و ناپدید می شود، آیه ای در سوره جاثیه <أفرأیت . ..> و در سوره نحل <أُولئک الذین ...> و در سوره کهف <و من أظلم ممّن...>

است>.

حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۸

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است; نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

جمله <الّتی لایرجون نکاحاً> صفت و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

۸ - حجاب و پوشش برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان است .

و القوعد من النساء . .. لیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یستعففن خیر لهن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <عفت> خویشتن داری زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد که در جمله پیش

از آن سخن به میان آمده است.

حجاب چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبّب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

حجاب حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حجاب دختران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - پیامبر (ص) ، موظف است به همسران و دختران خود و همسران مؤمنان ، آموزش دهد که خود را بپوشانند .

یأیّها النبیّ قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

<یدنین> از ریشه <دنا> به معنای <قرب و نزدیکی> است. <جلابیب> جمع <جلباب> به معنای پیراهن و یا روسری است (مفردات راغب). متعدی شدن <یدنین> به <علی> چه بسا، متضمن معنای فروانداختن

و به گونه ای از بالا به سمت پایین انداختن و پوشاندن باشد.

۷ – همسران و دختران رسول خدا ، در حفظ حجاب و پوشش خود ، بر دیگران برتر و مقدم بودند .

قل لأزوجك و بناتك و . .. یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

ذکر <أزواجك و بناتك> در بیان حکم حجاب و نیز مقدم آوردن آنها بر <نساء المؤمنین> می تواند اشعار به تقدم آنها در رعایت حکم حجاب داشته باشد.

حجاب در جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ – استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریع حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

حجاب زنان مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ – استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریع حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

حجاب زنان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۹ – ۳،۱۲

۳ – بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزوجك و بناتك و نساء المؤمنين يدنين عليهنّ من جلبيبهنّ

تعبير <عليهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز

سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حجاب قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۵

۵ - نوعی حجاب و پوشش ، پیش از فرمان به رعایت کامل حجاب ، برای زنان وجود داشته است .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

شناخته بودن <جلباب> و اضافه آن به ضمیر <هنّ> اشعار به وجود آن می کند.

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانّهم وقرًا

<أکنّه> جمع <کِنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وَقر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر <یفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن یفقهوه>، <لئلایفقهوه> و یا <کراهه أن یفقهوه> است.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا ، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین کانت أعینهم فی

غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حجاب کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۴،۱۲

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزوجک . .. نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

<نساء المؤمنین> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حجاب همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۷،۳۷

۲۷ - همسران پیامبر ، موظف به حفظ حجاب و پوشش مناسب و نگهداری خود از نگاه نامحرمان بودند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب

۳۷ - لزوم حفظ حجاب بر همسران پیامبر

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۹،۱۲

۹ - همسران پیامبر ، موظف

به رعایت پوشش و حجاب مناسب بودند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب. .. لاجناح علیهنّ فی ءابائهنّ ... و

۱۲ - دستور های صادر شده درباره حجاب همسران پیامبر ، تقواپیشگی است .

لاجناح علیهنّ فی ءابائهنّ . .. و اتّقین اللّه

احتمال دارد که <اتّقین اللّه> دستور عام بعد از ذکر خاص باشد. در این صورت، استفاده می شود که فرمان به رعایت حجاب، از مصداق های تقوا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - پیامبر (ص) ، موظف است به همسران و دختران خود و همسران مؤمنان ، آموزش دهد که خود را بپوشانند .

یأیّها النبیّ قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

<یدنین> از ریشه <دنا> به معنای <قرب و نزدیکی> است. <جلابیب> جمع <جلباب> به معنای پیراهن و یا روسری است (مفردات راغب). متعدی شدن <یدنین> به <علی> چه بسا، متضمن معنای فروانداختن و به گونه ای از بالا به سمت پایین انداختن و پوشاندن باشد.

۷ - همسران و دختران رسول خدا ، در حفظ حجاب و پوشش خود ، بر دیگران برتر و مقدم بودند .

قل لأزوجک و بناتک و . .. یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

ذکر <أزواجک و بناتک> در بیان حکم حجاب و نیز مقدم آوردن آنها بر <نساء المؤمنین> می تواند اشعار به تقدم آنها در رعایت حکم حجاب داشته باشد.

حرمت کشف حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ - آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در

انظار نامحرمان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

شرایط ترک حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۲

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

عوامل حجاب چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

عوامل حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن

است. کلمه <بل> معـذور بودن یهود را نفی می کنـد و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً

این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

عوامل حجاب گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

فلسفه حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۸،۹

۸ - فلسفه فرمان به زنان مؤمن برای حفظ حجاب خود ، مصون ماندن شان از آزار و اذیت است .

قل . .. و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

۹ - حجاب و پوشش مناسب ، دژ مستحکمی برای حفظ زنان مؤمن است .

قل . .. یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

کشف حجاب جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - کشف حجاب در نزد افرادِ مُجاز ، باید با رعایت ضوابط و تقواپیشگی باشد .

لاجناح علیهنّ فی ءابائهنّ . .. و لا ما ملکت أیمنهنّ و اتّقین اللّه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که امر به تقوا پس از ذکر استثناهای لزوم رعایت حجاب، مربوط به استثناها باشد؛ یعنی، در اهمیت موارد یاد

شده نیز آزادی مطلق وجود ندارد و باید با رعایت ضوابط صورت بگیرد.

محدوده حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۵،۱۷،۲۴،۲۹،۳۹

۹ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ; جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و . . .) .

و قل للمؤمنت . .. و لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است; زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ماظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود; مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۰ - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان ، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) .

لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۱ - پوشاندن آن قسمت از بدن که به طور متعارف و خود به خود آشکار است ، (مانند قرص صورت ، دست و پا تا مچ) بر زنان ، لازم نیست .

لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۲ - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار

است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

۱۷ - آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در انظار نامحرمان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحیط). بنابراین <غیر أُوْلی الإربه>; یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

۳۹ - < عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبداللّه (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزنیه التی قال اللّه تبارک و تعالی < و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ > قال

: نعم و مادون الخمار من الزینه و ما دون السوارین ;

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا زراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن]زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست]زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

محدوده حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) انه قرأ < أن یضعن ثیابهنّ > قال الخمار والجلباب . . . ;

امام صادق(ع) در پی تلاوت آیه <أن یضعن ثیابهنّ> فرمود: مراد روسری و روپوش است. ..>.

محدوده حجاب خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب خواهر

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب عروس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

محدوده حجاب عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر

شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند

.

و لایبدین زینتهنّ إلّا لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

محدوده حجاب نامادری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

وجوب حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزوجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

حجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حجت

آثار اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۲

۲ - خداوند ، بدون فرستادن رسولان و اتمام حجت بر مردم ، آنان را عذاب نمی کند .

و لو أنّا أهلكنهم بعذاب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

<لـو> در <لو أنّـا. ..> برای امتنـاع است; یعنی، اگر پیش از فرسـتادن رسول و اتمـام حجت عـذاب می کردیم که البته نمی کنیم جا برای اعتراض بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و

هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إنّی أخاف علیکم عذاب . .. فکذّبوه فأهلکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۴

۴ - سرکشی و عصیان پس از انذار و اتمام حجت ، دارای فرجامی شوم

و أمطرنا علیهم مطرًا فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۱

۱ - هلاکت و کیفر جوامع تبه کار ، همواره پس از اتمام حجت الهی بر آنان بوده است .

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۷

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. ذکری و ما کنّا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده،

همان <قبح عقاب بلابیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قید <منذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابّه من الأرض تکلّمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ابلاغ پیام است .

أو کذّب بالحقّ لمّا جاءه ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۹

۹ - مجازات های الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه دلیل و برهان است .

فجاءوهم بالبیّنت فانتقمنا من الذین أجرموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۸

۸ - عذاب شدن فاسقان در قیامت ، پس از اتمام حجت با آنان ، در دنیا است .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون

العذاب الأكبر لعلّهم يرجعون

بلاهای هشداردهنده دنیا، نوعی اتمام حجت برای فاسقان است. <لعلّهم یرجعون> نیز نکته بالا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - انتقام الهی از مجرمان در قیامت ، پس از اتمام حجت با ایشان در دنیا است .

ذكّر بأيت ربّه . .. إنّا من المجرمين منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۶

۶ - عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبيّن ميثقهم . .. ليسئل ... و أعدّ للكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۲۰

۲۰ - کیفر شدن در قیامت ، پس از اتمام حجت و ارائه راه درست و حق به بندگان در دنیا است .

و نقول للذين ظلموا ذوقوا عذاب النار . .. و إذا تتلى عليهم ءايتنا بيّنت ... و ق

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند پس از نقل عذاب شدن ظالمان، مسأله ارائه حق و تلاوت آیات الهی بر آنان را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذّب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. ثمّ أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر

- ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۴

۴ - آمدن عذاب الهی ، پس از انذار و اخطار و اتمام حجت است .

فساء صباح المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم . .. قالوا بلی و لکن حقّت کلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما یجدل فی ءایت اللّه إلاّ الذین کفروا . .. کذّبت قبلهم قوم نوح ... و کذلک حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۶

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتكم

صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، قبل از اتمام حجت و بیان حقیقت برای مردم ، آنان را به عذاب استیصال گرفتار نخواهد ساخت .

مثل صعقه عاد و ثمود . إذ جاءتهم الرسل ... ألاّ تعبدوا إلاّ اللّه

<إذ> ظرف زمان و متعلق به <نزول صاعقه> است که از <مثل صاعقه عاد و ثمود> استفاده می شود; یعنی، آن گاه صاعقه بر آنان نازل شد که پیامبران آمدند توحید و آیین الهی را ابلاغ کردند و آنان نپذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلک ما أرسلنا . .. قل أوَ لو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵ - کیفر دنیوی خداوند درباره مشرکان ، پس از اتمام حجت بر آنان است .

أو نرینّک الذی وعدنهم

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه . .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸

- ۱

۱ - ابتلای مجرمان به عذاب دوزخ ، پس از ابلاغ حق و اتمام حجت الهی بر ایشان در دنیا است .

إنّکم مکثون . لقد جئنکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریع، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۳،۷

۳- بی ثمری اظهار ایمان ، پس از مشاهده عذاب ، منوط به اتمام حجت قبل از آن

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

۷- نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

یغشی الناس هذا عذاب ألیم . .. و قد جاءهم رسول مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ،

پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

کذلک نجزی القوم المجرمین . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلکنا . .. و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران ننمایاند; ایشان را هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل یهلک إلاّ القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته

و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی ... و سیحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

کذّبت قبلهم . .. کلّ کذّب الرسل فحقّ وعید

تعبیر <فحقّ وعید> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۶

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدّمت. ..> باشد; یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد; زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ – تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر

ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی ، در مورد قوم نوح ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود . *

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است

بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نـذیر> است و <نـذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شـریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

آثار اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود ر ها خواهند شد .

لم یکن . .. منفکّین

حتّی تأتیهم البیّنه

قید <حتّی تأتیهم البیّنه> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

آثار اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتریته فلا تملکون . .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <کفی به شهیدًا> به معنای ترک محاجه باشد; یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

آثار اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم ... فأغرقنه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدار ها و اتمام حجت

ذلک یوم الوعید

تعبیر <وعید> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

ابزار اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۲

۲ - تفهیم معارف و حقایق در قرآن ، با شیوه ها و مثال های

گوناگون ، اتمام حجّتی بر انسان ها است . *

لاینفع الذین ظلموا معذرتهم . .. و لقد ضربنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

احتمال دارد ذکرِ <و لقد ضربنا. ..> به دنبال اِعلام سودمند نبودن معذرت خواهی کافران در قیامت، به جهت یادآوری تمام شدن حجّت بر آنان،بعد از تفهیم حقایق، به وسیله قرآن باشد.

اتمام حجت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۹

۹ وقوع عذاب استیصال ، پس از اتمام حجت رسولان الهی

و لقد أهلکنا القرون . .. و جاءتهم رسلهم بالبینت و ما کانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۷ - ۷

۷ - پیامبران ، حجت را بر مردم خویش تمام کرده بودند .

و ما علینا إلاّ البلغ المبین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابلاغ روشن و بی ابهامِ پیامِ الهی به مردم، حاکی از آن است که پیامبران، حجت را بر آنان تمام کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بأنّهم کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت فکفروا فأخذهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۷

۷ - پیامبران و رسولان ، در ابلاغ دعوت خویش و اتمام حجت کوتاهی نداشته اند .

و ما تفرّقوا إلاّ من بعد ما جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- قمر - ۵۴ - ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ; نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع <تولّ عنهم> بر <ما تغن النذر> بیانگر مطلب بالا است.

اتمام حجت با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

اتمام حجت با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در <من قبله> به قرینه <لولا أرسلت> رسول است و ممکن است مربوط به کلمه <بیّنه> (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه <بیّنه> مؤنث است; ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۳،۴

۳ - پیامبران الهی ، تمام کنندگان حجت خدا بر مردم

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

۴ - ساحت ربوبی خداوند ، مبرا از نازل کردن عذاب استیصال بر مردم ، پیش از فرستادن پیامبر به سوی آنان

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- نزول عذاب دنیوی بر امت های گنهکار ، تنها پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبری برای ایشان است .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

جمله <ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً> اطلاق دارد و عذاب دنیوی را هم دربرمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۷

۷ - اتمام حجت خداوند ، بر تمامی انسان ها به وسیله پیامبران

و إن من أُمّه إلاّ خلا فیها نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶ - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان *

إنّا أرسلنک شهدًا

<شاهداً> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل <أرسلناک> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱،۵

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

۵ - اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سنّت تخلّف ناپذیر خداوند است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

اتمام حجت با انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- قمر - ۵۴ - ۳۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

کذّبت قوم لوط بالنّذر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، با انذار به آتش جهنم ، بر همه انسان ها اتمام حجت کرده است .

إنّ علینا للهدی . .. فأنذرتکم نارًا تلظّی

مفاد آیه شریفه با توجّه به آیات پیشین، این است که آنچه بر عهده ما است، هدایت است که آن را با انذار انجام دادیم. بنابراین کوتاهی از جانب خود شما است.

اتمام حجت با انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

اتمام حجت با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت ر ها نخواهند شد .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

<منفکّ>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بیّنه> است.

اتمام حجت با بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۳

۳ - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إنّ علینا للهدی

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

اتمام حجت با بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- تهدید کردن بدکاران ، پس از استدلال منطقی ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

و ما أرسلنا من قبلک إلّا رجالاً نوحی إلیهم فسئلوا أهل الذکر . .. و أنزلنا إلیک ا

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

اتمام حجت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۴

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است ; هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده

باشند .

و لو أنّا أهلكنهم . .. لقالوا ربّنا لولا أرسلت

إلينا رسولاً فنتّبع ءايتك

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده است; یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

اتمام حجت با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- اتمام حجت خداوند پیش از فرستادن عذاب بر ستمگران

یوم یأتیهم العذاب . .. و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا

اینکه خداوند فرمود: ما چگونگی برخورد خود با ستمگران را برای شمابیان کردیم (تبین لکم کیف فعلنا بهم)، می تواند بیانگر اتمام حجت خداوند برای همه ستمگران پیش از عذاب باشد، به ویژه اینکه خداوند این سخن را در پاسخ مهلت خواهی آنان می فرماید.

اتمام حجت با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن ، اسیر کردن ، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام ، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان ، بلامانع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

اتمام حجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵ - آیات

قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أوَلم تأتهم بيّنه . .. و لو أنّا أهلكنهم بعذاب من قبله ... فنتّبع ءايتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبين . لينذر ... و يحقّ القول على الكفرين

از عطف جمله <و يحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لينذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم . .. حكمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم. ..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حكمه بالغه...> که بدل از <ما فيه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷ – با ارائه قرآن به انسان ها ، حجّت الهی بر آنان تمام است .

إنّ هذه تذکره فمن شاء

اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

خداونـد، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتّخذ إلی ربّه سبیلاً).

اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شـهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشـگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

بـا توجه به دو آیه بعـد (و لو أن أهـل القری . ..) معلوم می شود گرفتـار ساختن امتهای گذشـته به بلاها و سـختیها در صورتی بوده که آنـان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردنـد و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشـتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفر پیشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی . .. أو یأتیهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر

آنان

ثمّ أرسلنا . .. بأيتنا و سلطن مبين ... فكذّبوهما فكانوا من المهلكين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تكن ءايتى تتلى عليكم فكنتم بها تكذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده; بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذين كفروا و . .. من بعد ما تبيّن لهم الهدى ... و سيحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

<خوض> (مصدر <يخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه

- ۹۸ - ۱ - ۱،۲

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت ر ها نخواهند شد .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

<منفکّ>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بیّنه> است.

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۹

۹ - جدایی کافران اهل کتاب و مشرکان از حرکت اسلام گرایانه دیگر هم کیشان خود ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

در برداشت یاد شده <الذین اُوتوا الکتاب> همان <الذین کفروا> در آیه اول، دانسته شده است; با این فرض که مراد از آنان، کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند.

اتمام حجت با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

اتمام حجت با گمراهان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

إن کان الله یرید أن یغویکم هو ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۶

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدّمت. ..> باشد; یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد; زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

اتمام حجت با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لاتختصموا لدیّ و قد قدّمت إلیکم بالوعید

اتمام حجت با مجوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

اتمام حجت با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام

کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

اتمام حجت با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند با مشرکان اتمام حجت کرده و گفتنی ها را به آنان گفته است .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تعبیر <کفی بالله شهیداً. ..>، پس از پاسخ گویی به شبهات مشرکان، به منزله قول فصل و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱،۲

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت ر ها نخواهند شد .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

<منفکّ>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بیّنه> است.

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

اتمام حجت با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنّا أهلكنهم بعذاب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

مراد از ضمير در <من قبله> به قرينه <لولا أرسلت> رسول است و ممكن است

مربوط به کلمه <بیّنه> (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه <بیّنه> مؤنث است; ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۳

۳ - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذّبوا بایتنا کلّها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود; اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

اتمام حجت با مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثمّ أرسلنا . .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

اتمام حجت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ -

اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

اتمام حجت بر اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۲

۲ - اتمام حجت کامل خدا بر مردم عرب ، با فراهم آوردن هموارترین زمینه های هدایت برای آنان

و لو نزّلنه علی بعض الأعجمین

اتمام حجت بر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بأنّهم کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت فکفروا فأخذهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

کذلک نجزی القوم المجرمین . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

کذّبت قبلهم . .. کلّ کذّب الرسل فحقّ وعید

تعبیر <فحقّ وعید> می رساند که اقوام

هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

اتمام حجت بر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقانیّت قرآن

ذلک من أنباء الغیب . .. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقانیّت قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

اتمام حجت بر امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب

اتمام حجت بر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند به امت های پیشین ، به وسیله رسولان انذارگر

و لقد أرسلنا فیهم منذرین

یادآوری فرستاده شدن پیامبران به سوی امت ها پس از ذکر گمراهی اکثریت امت ها می تواند به این نکته اشاره داشته باشد

که گمراهیِ اکثریت مردم، علی رغم آمدن رسولان الهی برای هدایت آنان و اتمام حجت بر ایشان بود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بر همه امت های پیشین ، اتمام حجت کرده ، آنان را از برهانی آشکار ، برخوردار ساخته بود .

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

اتمام حجت بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

اتمام حجت بر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . .. أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۵

۵ - خداوند و پیامبران ، خواستار هدایت تمامی انسان ها و اتمام حجت بر آنان

و ما نریهم من ءایه إلاّ هی أکبر من أُختها

از این که خداونـد، آیات و معجزات متعـددی را به دست پیامبران ارائه می کند و در اثبات حقانیت پیامبران و هدایت مردم به یک معجزه اکتفا نمی کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف -

۴۶ - ۳۵ - ۱۵،۱۶

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

۱۶- رسالت اصلی رهبران الهی ، ابلاغ پیام وحی و اتمام حجت بر خلق

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم ... بلغ

<بلاغ> سخنی در توجیه و تعلیل <فاصبر> و <لاتستعجل> است; یعنی، تو مأمور بلاغی و نگران فرجام کافران مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۶

۶ - انذار های روشن پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر خلق و سدّ کننده راه هر گونه عذر و بهانه

إنّی لکم منه نذیر مبین . و لاتجعلوا مع اللّه ... إنّی لکم منه نذیر مبین$

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، حجّت را بر انسان ها تمام کرده و هیچ عذری برای آنان باقی نگذاشته است .

إنّا هدینه السبیل إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای

<ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت بر انسانها

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه . .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ; یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا . .. > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . .. أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

اتمام حجت بر اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۷

۷- نزول عذاب الهی (استیصال) بر امت ها ، پس از اتمام حجت با آنان خواهد بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبراسلام و قرآن، انذار و

اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

- ۳۹ - ۵۹ - ۱

۱ - خداوند ، پیش از عذاب کردن مردم ، آنان را از راه نشان دادن آیات و نشانه های خود هدایت کرده و با آنها اتمام حجت می کند .

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین . .. بلی قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها

<بلی > حرف جواب است و در این آیه برای اثبات چیزی می باشد که مورد انکار قرار گرفته است; زیرا کافران هدایت کردن خدا را منکر شده و می گفتند: اگر خدا ما را هدایت می کرد، ما از تقواپیشگان بودیم. خداوند این سخن را رد می کند و می فرماید: آری آیات ما برای هدایتتان آمد; ولی شما آنها را تکذیب کردید.

اتمام حجت بر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۴

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۹

۹ بعثت پیامبر (ص) ، اتمام حجت خداوند بر اهل کتاب

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لانذیر فقد جاءکم بشیر و نذیر

<ان تقولوا> به تقدیر <لام> تعلیل و <لا> نافیه است ; یعنی لئلا تقولوا.

اتمام حجت بر اهل مدین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۳،۴

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر مردم مدین با ارسال شعیب و ابلاغ پیام های خویش بر آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتکم رسلت ربی و نصحت لکم

۴ شعیب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رسلت ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اتمام حجت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۳

۳ - پدید آمدن اختلاف در میان بنی اسرائیل ، در پی اتمام نعمت و حجت الهی بر آنان

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم . .. و ءاتینهم بیّنت من الأمر فما اختلف

اتمام حجت بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۴

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که

چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

جواب <لولا> در <لولا أن تصیبهم مصیبه. ..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا أن تصیبهم مصیبه ... لمّا أرسلناک إلیهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگراز هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ; نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع <تولّ عنهم> بر <ما تغن النذر> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

اتمام حجت بر عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلنه قرءانًا أعجمیًّا لقالوا لولا فصّلت ءایته

اتمام حجت بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از

اتمام حجت با آنان بود .

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم ... فأغرقنه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۱

۱ - اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنه ... فأخذنه و جنوده

اتمام حجت بر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۱

۱ خداوند پس از ارائه معجزات متعدد و اتمام حجت بر فرعونیان ، آنان را در دریا غرق کرد .

فانتقمنا منهم فأغرقنهم فی الیم

<الیم> در لغت به معنای دریا و رودخانه بزرگ است و <ال> در <الیم> برای عهد می باشد و چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. برخی دیگر از مفسران آن را اشاره به رودخانه نیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد ءاتينا موسى تسع ءايت . .. فأراد أن يستفزّهم ... فأغرقنه و من معه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۱

۱ - اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنه ... فأخذنه و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۳،۵

۳ - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذّبوا بایتنا کلّها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود; اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

۵ - مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

کذّبوا بایتنا کلّها فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

عطف <فأخذناهم> بر <کذّبوا>، نشانگر آن است که خداوند، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به آنان مهلت نداد; بلکه بلافاصله اقدام به نابودی آنها نمود.

اتمام حجت بر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ – فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإیلف قریش . إیلفهم

رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

اتمام حجت بر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و . ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر قوم ثمود ، با ابلاغ پیام های خویش به آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۲

۲ - اتمام حجت خداوند بر قوم ثمود ، با اعطای مهلتی محدود به ایشان

قیل لهم تمتّعوا حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم ثمود ، با انذار های مکرر

کذّبت ثمود بالنّذر

برداشت یاد شده با توجه

به جمع آمدن واژه <نذر>استفاده می شود.

اتمام حجت بر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۳

۳ هود (ع) ، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم ، خویشتن را مسؤول اعراض آنان نمی دانست .

فإن تولّوا فقد أبلغتكم ما أُرسلت به إليكم

روشن است که جمله <فقد أبلغتكم . ..> نمی تواند جواب شرط <فإن تولّوا ...> باشد; زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند بلکه آن جمله سببِ جواب و جانشین آن می باشد; یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست; زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما ابلاغ کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إنّی أخاف علیکم عذاب . .. فکذّبوه فأهلکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نـذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نـذر> جمع <نـذیر> است و <نـذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انـذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

اتمام حجت بر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۸

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط ، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قیـد <منـذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عـذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

کذّبت قوم لوط بالنّذر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

اتمام حجت بر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

- ۷۲ - ۱

۱ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او رو گردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن تولیتم فما سألتکم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۷

۷ خداوند ، قوم نوح را ، پیش از وقوع عذاب استیصال ، انذار کرده و به آنان هشدار داده بود .

و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۲

۲ - غرق شدن کافران قوم نوح از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین ... و لقد نادینا نوح ...

نقل داستان نوح(ع)، در آیات پیشین، برای ارائه نمونه ای تاریخی از اقوامی است که رسولان الهی، آنان را انذار و اتمام حجت کردند; ولی آنان ایمان نیاورده و به سرنوشت شوم گرفتار شدند (مفاد آیه ۷۲ و ۷۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی ، در مورد قوم نوح ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود . *

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران،

بـدون انـذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نـذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایـل روشن بر توحیـد و حقـانیت قرآن و رسـالت پیـامبر (ص) ، مـانع هر گونه بهـانه ای برای انکـار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فـاء> در <أفـأمنوا> اسـتحقاق عـذاب را بر آیه <ذلـک من أنبـاء الغیب . ..> که حـاوی برهـان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب

کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیک البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیک البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلک ءایت الکتب المبین . لعلّک بخع نفسک ألاّیکونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کیفر جوامع کفرپیشه ، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است .

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابّه من الأرض تكلّمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبه بما قدّمت أيديهم فيقولوا ربّنا لولا أرسلت إلينا رسولاً

جواب <لولا> در <لولا أن تصيبهم مصيبه. ..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا أن تصيبهم مصيبه ... لمّا أرسلناك إليهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگراز هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

۲ - فرستادن رسولان ، اتمام حجت الهی بر کافران

و لولا أن تصيبهم مصيبه . .. و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذّب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. ثمّ أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبراسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲ - با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین . .. بلی قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً

گرفتار عذاب نمی گشتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم ءايت ربّكم . .. قالوا بلى و لكن حقّت كلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما يجدل فى ءايت اللّه إلاّ الذين كفروا . .. كذّبت قبلهم قوم نوح ... و كذلك حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أكبر . .. إذ تدعون إلى الإيمن فتكفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید; ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلكم بأنّه إذا دعى اللّه وحده كفرتم و إن يشرك به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۶

۶ – کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی

و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلک ما أرسلنا . .. قل أوَ لو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه . .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۷

۷- نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

یغشی الناس هذا عذاب ألیم . .. و قد جاءهم رسول مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه -

۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل یهلک إلاّ القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء> می رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میورزند و نه به خاطر نادانی.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است ; و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فذکّر . .. فذرهم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد; ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۱،۵

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصـــدر میمی و بـه معنـای اتعـاظ و پندپـــذیری اسـت. <مـافیه مزدجر>; یعنی، اخبـاری کـه برای بیـــدار شـدن و پندآموزی کافی

است.

۵ – تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۶ – ۲

۲ – عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۹ – ۲

۲ – کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۱

۱– کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

اتمام حجت بر گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبی

اللّه . .. علیه توکلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم ارشاد و هدایت گمراهان ، تا مرحله اتمام حجت و احتمال اثر است .

فأعرض عنهم

<فاء> در <فأعرض> ممکن است فصیحه باشد; یعنی، حال که روشن شد که آنان تا آخرین لحظات، ایمان نخواهند آورد و در لحظه آخر هم ایمانشان سودی ندارد، به حال خود رهایشان کن و دیگر ادامه نده!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

اتمام حجت بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزى القوم المجرمين . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تـذكر به اعطـای چشم، گـوش و قلب به قوم هلاـك شـده عـاد، در حقيقت اشـاره به اين است كه هلاـكت آنـان، پس از قرار گرفتن امكانات معرفت در اختيار ايشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

اتمام حجت بر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۱

۱ - ابتلای مجرمان به عذاب دوزخ ، پس از ابلاغ حق و اتمام حجت الهی بر ایشان در دنیا است .

إنّکم مکثون . لقد جئنکم بالحقّ

اتمام حجت بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب . ..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۴

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است ; هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده باشند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. لقالوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتّبع ءایتک

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده

است; یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ - بعثت پیامبراکرم (ص) ، اتمام حجت خدا با مشرکان

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبراسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵ - کیفر دنیوی خداوند درباره مشرکان ،

پس از اتمام حجت بر آنان است .

أو نرینّک الذی وعدنهم

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

اتمام حجت بر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه . .. أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفتین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ; یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا . .. > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . .. أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

اتمام حجت بر مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار

و کتاب های روشنگر بوده است .

کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. ثمّ أخذت الذین کفروا فکیف کان نک

اتمام حجت بر مکذبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲ - با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین . .. بلی قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً گرفتار عذاب نمی گشتیم.

اتمام حجت بر مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵ - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أوَلم تأتهم بیّنه . .. و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فنتّبع ءایتک

اتمام حجت بر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۴

۴ خداوند با اعطای تورات به موسی(ع) نعمت خویش را بر وی تمام و کامل کرد.

تماما علی الذی أحسن

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <تمام> کلمه ای مانند <نعمه> باشد ; یعنی: <تماما النعمه علی الذی أحسن>.

اتمام حجت به اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، امت های تکذیب کننده پیشین را ، پس از اتمام حجت با آنان ، کیفر و عقوبت کرد .

و جاءتهم

رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم

اتمام حجت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۷

۷ - احیای مردگان و بازگرداندن آنان به دنیا ، آیتی دیگر برای اتمام حجت با کافران زمین است .

أخرجنا لهم دابّه من الأرض. .. و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۶

۶ - عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل ... و أعدّ للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اتمام حجت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پیشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدینهم فاستحبّوا العمی . .. فأخذتهم صعقه العذاب

اتمام حجت به مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۸

۸ - عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إذ جاءتهم الرسل . .. و کانوا بأیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحًا

اتمام حجت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون. إنا أرسلنک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۴

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا ما ذکروا به . .. أخذنهم بغته

<ما ذکروا> شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن <اتمام حجت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۵

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربک

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی

به همه نیازهاست ; به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد ; همان گونه که راغب می گوید: <تمام . .. انتهائه إلی حد لا یحتاج إلی شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۱۱

۱۱ عن أبی الحسن موسی بن جعفر(ع) فی حدیث طویل: . .. جمیع امور الادیان اربعه ... و أمر یحتمل الشک و الانکار فسبیله استیضاح اهله لمنتحلیه بحجه من کتاب الله مجمع علی تاویلها و سنه مجمع علیها لا اختلاف فیها، او قیاس تعرف العقول عدله و لا یسع خاصه الأمه و عامتها الشک فیه و الانکار له ... فمن اورد واحده من هذه الثلاث فهی الحجه البالغه التی بینها الله فی قوله لنبیه: ... <قل فلله الحجه البالغه ... .

از امام کاظم(ع) در ضمن حدیثی طولانی روایت شده است: . .. امور ادیان چهار گونه است: ... یکی امری است که احتمال شک و انکار در آن است و راه آن، این است که از معتقدین به آن توضیح خواسته شود (تا دلیل آورند) به وسیله حجتی از کتاب خدا که معنای آن مورد اجماع باشد یا با سنتی که اختلاف در آن نباشد و یا با قیاسی که عقل صحت آن را تأیید و قابل انکار و شک هیچکس نباشد ... هر کس یکی از این سه حجت را بیاورد این همان حجت بالغه است که خداوند در قرآن برای پیامبر خود فرموده است: <قل فلله الحجه البالغه ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . .. أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهکما عن تلکما الشجره و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر قوم ثمود ، با ابلاغ پیام های خویش به آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتکم رساله ربی و نصحت لکم

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۳

۳ خداوند

پیش از نزول عذاب بر مردم مدین با ارسال شعیب و ابلاغ پیام های خویش بر آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتکم رسلت ربی و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۸،۹

۸ بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

۹ نزول عذاب استیصال ، همواره پس از تمام شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

إن کان الله یرید أن یغویکم هو ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیک البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیک البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- اتمام حجت خداوند پیش از فرستادن عذاب بر ستمگران

یوم یأتیهم العذاب . .. و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا

اینکه خداوند فرمود: ما چگونگی برخورد خود با ستمگران را برای شمابیان کردیم (تبین لکم کیف فعلنا بهم)، می تواند بیانگر اتمام حجت خداوند برای همه ستمگران پیش از عذاب باشد، به ویژه اینکه خداوند این سخن را در پاسخ مهلت خواهی آنان می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۸

۸- اهتمام خداوند به هدایت انسان ها در طول تاریخ و اتمام حجت بر آنان

و لقد أرسلنا من قبلک فی شیع الأولین . .. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۵

۵- نزول عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و نشانه های خداوندی است .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین . .. فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۷،۱۶

۷- وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد; بلکه شهادت عملی باشد; یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان

نیز می توانستند صالح باشند.

۱۶- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا . .. و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند با مشرکان اتمام حجت کرده و گفتنی ها را به آنان گفته است .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تعبیر <کفی بالله شهیداً. ..>، پس از پاسخ گویی به شبهات مشرکان، به منزله قول فصل و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، حجت خویش را بر همه حتی بر امثال فرعون تمام می کند .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱،۴،۵

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

مراد از ضـمیر در <من قبله> به قرینه <لولا أرسـلت> رسول است و ممکن است مربوط به کلمه <بیّنه> (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه <بیّنه> مؤنث است; ولی به اعتبار این

که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است ; هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده باشند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. لقالوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتّبع ءایتک

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده است; یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

۵ - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أوَلم تأتهم بیّنه . .. و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله ... فنتّبع ءایتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۸ - ۳

۳ - خداوند ، به هر جامعه بی دادگری ، پیش از نزول عذاب ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت و مبارزه با پیامبرشان بردارند .

و کأیّن من قریه أملیت لها و هی ظالمه ثمّ أخذتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۱،۴

۱ خداوند ، پیش از هلاکت تکذیب کنندگان موسی (ع) و اقوام نوح ، عاد ، ثمود و اصحاب رسّ برای اتمام حجت و عبرت آموزی آنان ، مثل های روشنگرانه ای زده بود .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا . .. و

قوم نوح ... و عادًا و ثمودا و

۴ هلاکت و نابودی اقوام و ملت ها از سوی خداوند ، همواره پس از اتمام حجت و ارائه طریق است .

و کلًّا ضربنا له الأمثل و کلًّا تبّرنا تتبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۲

۲ - اتمام حجت کامل خدا بر مردم عرب ، با فراهم آوردن هموارترین زمینه های هدایت برای آنان

و لو نزّلنه علی بعض الأعجمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۱

۱ - هلاکت و کیفر جوامع تبه کار ، همواره پس از اتمام حجت الهی بر آنان بوده است .

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۵

۵ - اتمام حجت الهی بر جوامع کافر پیش از نابودی آنان ، جلوه ای از عدالت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. و ما کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱

۱ - اقدام خداوند به برانگیختن پیامبر در میان اقوام پیشین ، قبل از نابود ساختن آنان

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی أُمّها رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۷

۷ - اتمام حجت خداوند ، بر تمامی انسان ها به وسیله پیامبران

و إن من أُمّه إلاّ خلا فیها نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- یس - ۳۶ - ۶۳ - ۴

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند به امت های پیشین ، به وسیله رسولان انذارگر

و لقد أرسلنا فیهم منذرین

یادآوری فرستاده شدن پیامبران به سوی امت ها پس از ذکر گمراهی اکثریت امت ها می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که گمراهیِ اکثریت مردم، علی رغم آمدن رسولان الهی برای هدایت آنان و اتمام حجت بر ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۲

۲ - غرق شدن کافران قوم نوح از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین ... و لقد نادینا نوح ...

نقل داستان نوح(ع)، در آیات پیشین، برای ارائه نمونه ای تاریخی از اقوامی است که رسولان الهی، آنان را انذار و اتمام حجت کردند; ولی آنان ایمان نیاورده و به سرنوشت شوم گرفتار شدند (مفاد آیه ۷۲ و ۷۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۱

۱ - خداوند ، پیش از عذاب کردن مردم ، آنان را از راه نشان دادن آیات و نشانه های خود هدایت کرده و با آنها اتمام حجت می کند .

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین . .. بلی قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها

<بلی > حرف جواب است

و در این آیه برای اثبات چیزی می باشد که مورد انکار قرار گرفته است; زیرا کافران هدایت کردن خدا را منکر شده و می گفتند: اگر خدا ما را هدایت می کرد، ما از تقواپیشگان بودیم. خداوند این سخن را رد می کند و می فرماید: آری آیات ما برای هدایتتان آمد; ولی شما آنها را تکذیب کردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أکبر . .. إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید; ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، قبل از اتمام حجت و بیان حقیقت برای مردم ، آنان را به عذاب استیصال گرفتار نخواهد ساخت .

مثل صعقه عاد و ثمود . إذ جاءتهم الرسل ... ألاّ تعبدوا إلاّ اللّه

<إذ> ظرف زمان و متعلق به <نزول صاعقه> است که از <مثل صاعقه عاد و ثمود> استفاده می شود; یعنی، آن گاه صاعقه بر آنان نازل شد که پیامبران آمدند توحید و آیین الهی را ابلاغ کردند و آنان نپذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۸

۸ - عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إذ جاءتهم الرسل . .. و کانوا بأیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پیشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدینهم فاستحبّوا العمی . .. فأخذتهم صعقه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلنه قرءانًا أعجمیًّا لقالوا لولا فصّلت ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ – انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلک ما أرسلنا . .. قل أوَ

لو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه . .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریع، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ -

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی ... و سیحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶ - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان *

إنّا أرسلنک شهدًا

<شاهداً> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل <أرسلناک> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

کذّبت قبلهم . .. کلّ کذّب الرسل فحقّ وعید

تعبیر <فحقّ وعید> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۸ – ۳،۴

۳ هشدار های الهی به انسان ها در دنیا ، اتمام حجت او بر آنهااست .

کان فی ضلل بعید . .. و قد

قدّمت إليكم بالوعيد

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لاتختصموا لدیّ و قد قدّمت إلیکم بالوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۲

۲ - اتمام حجت خداوند بر قوم ثمود ، با اعطای مهلتی محدود به ایشان

قیل لهم تمتّعوا حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - انسان ها ، فاقد هر عذر و بهانه ، در پیشگاه پروردگار خویش پس از آمدن وحی

إن هی إلاّ أسماء سمّیتموها. .. و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۱،۵

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصـــدر میمی و بـه معنـای اتعـاظ و پندپــذیری اسـت. <مـافیه مزدجر>; یعنی، اخبـاری کـه برای بیــدار شـدن و پندآموزی کافی است.

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر

مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم . .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم. ..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی ، در مورد قوم نوح ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود . *

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد ، پس از انذار های مکرر و

اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نـذر> بر <عـذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نـذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است کـه <نـذر> جمع <نـذیر> است و <نـذیر> بر دو معنـا اطلاـق می شـود: <انـذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

کذّبت قوم لوط بالنّذر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۳،۵

۳ - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذّبوا بایتنا کلّها

در آیـات پیشـین نسـبت به اقوام گذشـته سـخن از ارائه معجزات و آیـات متعـدد نبود; اما در مورد فرعونیان سـخن از معجزات

متعدد به میان آمده است.

۵ – مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

کذّبوا بایتنا کلّها فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

عطف <فأخذناهم> بر <کذّبوا>، نشانگر آن است

که خداونـد، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به آنان مهلت نداد; بلکه بلافاصـله اقدام به نابودی آنها نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۳

۳ - کیفر و عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه راه حق است .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، حجّت را بر انسان ها تمام کرده و هیچ عذری برای آنان باقی نگذاشته است .

إنّا هدینه السبیل إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷ - با ارائه قرآن به انسان ها ، حجّت الهی بر آنان تمام است .

إنّ هذه تذکره فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

خداونـد، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتّخذ إلی ربّه سبیلاً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۲

۲ - اخطار های الهی درباره عذاب ، از میان برنده هرگونه عذر در ترک راه خدا

إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

جملاـتی نظیر <إنّـا أنـذرناکم> که پس از هشـدار به عـذاب گفته شود خبر از تحقق انـذار نیست; زیرا مخـاطب به آن آگاه

است; بلکه در مقام اظهار برائت و قطع عذر مخاطب است. ذکر این جمله

پس از <من شاء اتّخذ...> در آیه قبل - گویای معذور نبودن کسی است که سیر زندگانی خود را، به سوی خدا قرار نمی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۳

۳ - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إنّ علینا للهدی

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، با انذار به آتش جهنم ، بر همه انسان ها اتمام حجت کرده است .

إنّ علینا للهدی . .. فأنذرتکم نارًا تلظّی

مفاد آیه شریفه با توجّه به آیات پیشین، این است که آنچه بر عهده ما است، هدایت است که آن را با انذار انجام دادیم. بنابراین کوتاهی از جانب خود شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱،۵

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

۵ - اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سنّت تخلّف ناپذیر خداوند است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بر همه امت های پیشین ، اتمام حجت کرده ، آنان را از برهانی آشکار ، برخوردار ساخته بود .

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لإیلف قریش . إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

اتمام حجت خدا بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، حجت خویش را بر همه حتی بر امثال فرعون تمام می کند .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

اتمام حجت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۵

۵- هشدار و انذار و یا توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، باید پس از اتمام حجت و بیان حقایق دینی باشد .

و ما أرسلنک إلاّ رحمه للعلمین . .. قل إنّما یوحی إلیّ ... فهل أنتم مسلمون . فإ

اتمام حجت رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

اتمام حجت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۱

۲۱- < عن عبدالأعلی قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : . . . السامع المطیع لا حجّه علیه ، و إمام المسلمین تمّت حجّته و إحتجاجه یوم یلقی الله لقول الله < یوم ندعوا کلّ أُناس بإمامهم > ;

عبدالاعلی گوید: شنیدم امام صادق(ع) می فرمود:. .. روز ملاقات با خداوند علیه انسان شنوا و مطیع ادعایی نیست; [چون] امام مسلمین حجّت و احتجاج او را تکمیل کرده است; زیرا خداوند می فرماید: یوم ندعوا کلّ أُناس بإمامهم>.

اتمام حجت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إنی معکم رقیب

<رقیب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اتمام حجت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۵

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال یقوم لقد أبلغتکم رساله ربی

اتمام حجت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن

و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

اتمام حجت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳،۸

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش ، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترون> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذابْ انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط ، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

اتمام حجت مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۳

۳- هشدار و انذار ، وظیفه مبلغان الهی ، پس از اتمام حجت و بیان حقایق الهی و روی گردانی مخالفان

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی

سواء

اتمام حجت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۲

۲- پیامبراسلام (ص) ، پیام الهی را به همه مردم رساند و حجت را بر یکایک آنان تمام کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۶

۶ - انذار های روشن پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر خلق و سدّ کننده راه هر گونه عذر و بهانه

إنّی لکم منه نذیر مبین . و لاتجعلوا مع اللّه ... إنّی لکم منه نذیر مبین$

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء> می رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میورزند و نه به خاطر نادانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است ; و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فذکّر . .. فذرهم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد; ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

اتمام حجت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ -

۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عـذر> و <نـذر> مصـدر و بـه معنـای <اعـذار و انـذار> اسـت و نصـب ایـن دو، بـه جهـت مفعـول لـه بـودن آنهـا برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

اتمام حجت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۱

۱ حضـرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیـچ دلیلی از او رو گردانیـده و از پذیرش دعوتش سـر باز می زدند .

فإن تولیتم فما سألتکم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۶

۶ - هشدار روشن و بی ابهام نوح (ع) به قومش ، نسـبت به خطر < عذاب استیصال > در صورت پافشاری آنان بر شـرک و مبارزه با توحید

إن أنا إلّا نذير مبين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که

نوح(ع) در راستای اتمام حجت با قومش، از پیش آنان را به نزول عذاب استیصال هشدار داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شِکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش ، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود .

إن أنا إلاّ نذیر مبین . .. إنّ قومی کذّبون ... فافتح بینی و بینهم فتحًا و نجّنی

اتمام حجت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

اتمام حجت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۳

۳ هود (ع) ، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم ، خویشتن را مسؤول اعراض آنان نمی دانست .

فإن تولّوا فقد أبلغتکم ما أُرسلت به إلیکم

روشن است که جمله <فقد أبلغتکم . ..> نمی تواند جواب شرط <فإن تولّوا ...> باشد; زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند بلکه آن جمله سببِ جواب و جانشین آن می باشد; یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست; زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به

شما ابلاغ کردم.

اهمیت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ اتمام حجت بر جوامع بشری از اهداف بعثت رسولان الهی است.

ألم یأتکم رسل منکم . .. ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۹

۹- اتمام حجت بر آدمیان ، از جمله اهداف بعثت انبیاست .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

تداوم اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم ثمود ، با انذار های مکرر

کذّبت ثمود بالنّذر

برداشت یاد شده با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>استفاده می شود.

حجت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۷

۷ - اعتدال امت اسلام و برتری آنان بر سایر امت ها ، دلیل حجت بودن آنان بر سایر ملتهاست .

جعلنکم أمه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس

حجت بر امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۹

۱۹

- پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خدا بر دیگر مردمان

لیکون الرسول شهیدًا علیکم و تکونوا شهداء علی الناس

از جمله تفسیرهایی که برای کلمه <شهید> و <شهداء> ابراز شده، <حجت> است. برداشت بالا، بر پایه همین تفسیر می باشد.

حجت بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خدا بر دیگر مردمان

لیکون الرسول شهیدًا علیکم و تکونوا شهداء علی الناس

از جمله تفسیرهایی که برای کلمه <شهید> و <شهداء> ابراز شده، <حجت> است. برداشت بالا، بر پایه همین تفسیر می باشد.

حجت بودن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۶

۶ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خداوند بر دیگر مردم

لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً

از جمله تفسیری که برای کلمه <شهداء> و <شهید> در آیه مورد بحث ابراز شده است، حجت است.

حجت بودن مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خداوند بر دیگر مردم

لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً

از جمله تفسیری که برای کلمه <شهداء> و <شهید> در آیه مورد بحث ابراز شده است، حجت است.

۷ – اعتدال امت اسلام و برتری آنان بر سایر امت ها ، دلیل حجت بودن آنان بر سایر ملتهاست .

جعلنکم أمه

وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس

حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۵

۵- قرآن ، حجتِ رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

حجت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۵

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت و برهان است (لسان العرب).

حجت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۵

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت و برهان است (لسان العرب).

زمینه اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۳

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشانِ تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه ... فیها کتب قیّمه

سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۲

۲ - اتمام حجت با مردمان ، سنّت الهی در طول تاریخ بشر

و ما کان ربّک مهلک القری حتّی یبعث فی اُمّها رسولاً

عذاب بعد از اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۵

۵- نزول عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و نشانه های خداوندی است .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین . .. فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذّبوه فأخذهم العذاب

عوامل اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۶

۱۶- کاربرد روش های مختلف تبلیغی ، مایه اتمام حجت است نه عامل هدایت حتمی همگان .

ادع . .. إن ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین

جمله <إن ربّک . .. بالمهتدین> می رساند که انسانها دو گروهند: گمراهان و هدایت شدگان. بنابراین فرمان <ادع ...> برای اتمام حجت است نه برای هدایت همه مردم.

کیفر و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۳

۳ کیفر های الهی ، همواره پس از اتمام حجت است .

ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم حتی یبین لهم ما یتقون

کیفیت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۷

۷ وجود تورات و انجیل به سبب غفلت و ناآگاهی مشرکان از محتوای آنها نمی توانست اتمام حجت برای آنان باشد.

و إن کنا عن دراستهم لغفلین

منشأ اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۹

۹ - اتمام حجت و فرستادن پیامبران برای ابلاغ آیات الهی ، مقتضای ربوبیت الهی است .

ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتّبع ءایتک

موسی(ع) و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع) ، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

مؤاخذه قبل از اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

نقش اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا . ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان

لم تفعلوا تمت علیکم الحجه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عنداللّه فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفر پیشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما

منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى . .. أو يأتيهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بأنّهم کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت فکفروا فأخذهم اللّه

نقش اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۸،۱۱

۸- مجازات نکردن انسان ها ، قبل از برانگیختن رسولان و اتمام حجت با آنها ، از سنت های الهی است .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

۱۱- نزول عذاب دنیوی بر امت های گنهکار ، تنها پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبری برای ایشان است .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

جمله <ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً> اطلاق دارد و عذاب دنیوی را هم دربرمی گیرد.

واسطه اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲

۲ - وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انذار و اخطار بدان ها است .

ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

حجر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حجر

احکام حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشدّه

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد

اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۳

۳- آیه های سوره حجر ، دارای ارزش ، قداست و عظمت

تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <تلک> همین سوره حجر باشد و چون <تلک> برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

عوامل حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشدّه

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

حدود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حدود

آثار التزام به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۶

۳۶ - عمل به احکام دین و پایبندی به حدود الهی ، زمینه ساز نایل شدن به تقواپیشگی است .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها کذلک یبین اللّه ءایته للناس لعلهم یتقون

آثار تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵،۲۹

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

۲۹ - تجاوز از احکام و قوانین الهی ، مانع بهره مندی از رحمت

خداوند است .

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغیًا و کفرًا

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذّب به إلّاکلّ معتد أثیم

آثار تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرمات اللّه فهو شرّ له عند ربّه>.

آثار تحقیر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک

شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرمات اللّه فهو شرّ له عند ربّه>.

آثار تعظیم حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقرارت الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

ضمیر <هو>در <فهو خیر له> به <تعظیم> (مصدر <یعظّم>) بازمی گردد; یعنی، <فالتعظیم خیر له عند ربّه>.

اجتناب از تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من یعظّم حرمت اللّه

<تعظیم> (مصدر <یعظّم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمات> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمات اللّه>;یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۷

۷ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان ، به اراده و مشیت الهی است . *

والسارق و السارقه فاقطعوا . .. یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

مراد از جمله <یعذب . ..> می تواند حکمی باشد که از جمله <فاقطعوا ...> به دست می آید و مقصود از جمله <یغفر ...> برداشتن آن حکم است که جمله <فان اللّه یتوب ...> بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

احکام حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳،۲۴

۲۳ حدّ زنای کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زنانی آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤیّد معنای مذکور برای <احصنّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار ، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا ، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، <فاحشه> به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای <زنا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۵ - ۳۳ - ۲۲

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱،۲،۱۵

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

۲ برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترک الابهام . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷; نورالثقلین، ج۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۷

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

ارزش حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من اللّه

حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

اسقاط حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۱

۱ سقوط حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) از محاربان و فسادانگیزانی که پیش از دستگیری توبه کنند .

انما جزؤا الذین یحاربون . .. الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۶،۱۱

۶ مردم ، فاقد تصمیمگیری در اجرا و یا اسقاط حد سرقت

فإنّ اللّه یتوب علیه

خداوند موضوع حد سرقت را چیزی جز سرقت قرار نداده است و سقوط آن را تنها به توبه سارق و اصلاح وی مشروط ساخته است ; بدون آنکه در اجرا و یا سقوط حد، رضایت یا درخواست صاحبان مال را شرط کرده باشد.

۱۱ توبه و اصلاح (خودسازی) سارقان برای آمرزش و سقوط حد از ایشان ، مورد ترغیب خداوند

و السارق و السارقه . .. فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فإنّ اللّه یتوب علیه

یادآوری توبه پس از بیان حد سرقت و وعده به عفو سارق، گشودن راهی است برای او تا به این وسیله راه اصلاح در پیش گیرد و از حد رهایی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۷

۷ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان ، به اراده و مشیت الهی است . *

والسارق و السارقه فاقطعوا .

.. یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

مراد از جمله <یعذب . ..> می تواند حکمی باشد که از جمله <فاقطعوا ...> به دست می آید و مقصود از جمله <یغفر ...> برداشتن آن حکم است که جمله <فان اللّه یتوب ...> بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

اعراض از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید أکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذین یظهرون من نسائهم . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنّتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنّت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفّاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا- با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنّت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۳،۱۸

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه یبغون

۱۸ رویگردانی از احکام الهی ، نشانه محرومیت آدمی از تفکر صحیح و اندیشه توانا

فان تولوا . .. و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

اقامه حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ -

۳۲ اقامه حدود و احکام ، جلوگیری از نابودی دین و یا تغییر سنت ها و احکام الهی ، هدف گزینش < اولی الامر > و لزوم اطاعت از آنان

اطیعوا اللّه . .. و اولی الامر منکم

امام رضا (ع) درباره فلسفه قرار دادن اولواالامر و وجوب اطاعت از آنان فرمود: . .. فجعل علیهم قیّماً یمنعهم من الفساد و یقیم فیهم الحدود و الاحکام ... انّه لو لم یجعل لهم اماماً قیّماً ... لدرست الملّه و ذهب الدین و غیّرت السنن و الاحکام ... .

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱، ب ۳۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۲۹.

اهمیت اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۴،۹

۴ ضرورت تلاش تمامی اهل ایمان برای اجرای حدود الهی

فاقطعوا

چون خطاب متوجه عموم مؤمنان است، با آنکه اجرا کننده حد سرقت تنها برخی از آنان می باشند، معلوم می شود همه اهل ایمان باید برای اجرای حد سرقت تلاش کنند.

۹ ضرورت اجرای حد سرقت به شیوه ای عبرت انگیز

فاقطعوا ایدیهما . .. نکلا من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۵

۵- مسؤولیت برپایی نظام قضایی به منظور اجرای حدود الهی ، بر عهده فرد فرد مسلمانان است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مأئه جلده

بـا آن که اجرای حـدود و مقررات، از طریق دسـتگاه قضـایی انجام می پـذیرد; ولی خداونـد همه مردم را مخاطب قرار داده و تازیانه زدن را از آنان خواستار شده است. این حکایت

می کند که یکایک افراد جامعه، در برابر اجرای حدود الهی مسؤول اند و باید در این مورد همکاری کنند.

اهمیت تعظیم به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من یعظّم حرمت اللّه

<تعظیم> (مصدر <یعظّم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمات> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمات اللّه>؛یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اهمیت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی ، دارای اهمیتی بسیار و منزلتی والا در نزد خداوند

و من یعظّم حرمت اللّه . .. أو تهوی به الریح فی مکان سحیق . ذلک

<ذلک> اشاره است به موضوع بزرگداشت حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی که در آیه پیش مطرح شده است. مقصود از آوردن <ذلک> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام قبل و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی کلمه <هذا> را

به کار می برند; مانند: <هذا و أنّ للطاغین لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به بعید است می تواند برای بیان بُعد منزلت توحید و یکتاپرستی و اهمیت حدود و مقررات الهی باشد.

اهمیت ذکر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ لزوم رعایت تقوا و توجه به حدود الهی ، حتی در مبارزه با کافران

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

پاسداران حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ مؤمنان راستین ، پاسداران همیشگی قوانین ، حدود و ارزش های الهی

و الحفظون لحدود اللّه

پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱،۳۰،۲۹

۲۹ - لزوم حفظ و مراقبت از حدود الهی و پاس داشتن آنها

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

تبدیل حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در

صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۵،۸

۵ - نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوزگری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا . .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز - به قرینه <الذین یقاتلونکم> - نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّه لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ - تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۲

۲ - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إنّا کنّا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز

از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون

<عدوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۳،۶،۹

۳ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله <یتعدّ حدوده> بر جمله <یعص اللّه و رسوله>، عطف تفسیری باشد.

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص اللّه . .. و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من یعص اللّه و رسوله . .. و له عذاب مهین

تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - انکار حکم ظهار و تجاوز به حدود آن ، در حکم کفر است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ احکام طلاق ، از حدود الهی ; و تعدی از آن حرام است .

المطلقات يتربصن . .. الطلاق مرّتان ... تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

۲۲ تجاوز از حدود و احکام الهی ، ظلم است .

و من يتعدّ حدود اللّه فاولئک هم الظالمون

۲۳

ستمکاران ، فقط کسانی هستند که از حدود الهی تعدّی کنند .

و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون

ضَمیر فَصل <هُم> گویای حَصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۵،۷

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیّت ، تعدّی به حدود الهی و ظلم است .

تلک حدود اللّه فلا تعتدوها و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون . .. و لا تمس

۷ تعدّی از حدود الهی ، ظلم به خویشتن است .

لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و اللّه عزیز حکیم

آوردن صفت <عزیز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلّفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴،۵،۱۰

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و مقررات الهی در روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۵ تلاش هواپرستان برای انحراف جوامع دینی از محدوده احکام و قوانین الهی

و لا تنکحوا . .. حرّمت ... و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۱۰ تجاوز از حدود و مقررت الهی در ازدواج و روابط جنسی ، انحرافی بزرگ

حرّمت . .. و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

- ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات . .. یرید اللّه ان یخفّف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۱

۳۱ بسیاری از اهل کتاب در عصر پیامبر (ص) ، مردمی شکننده حدود الهی و از زمره فاسقان

و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۹،۱۱

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۳،۱۶

۱۳ تحریم حلال ها و تغییر احکام الهی تجاوز به حدود و قوانین خداوند

است .

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و لاتعتدوا> تأکید و تفسیری برای جمله <لاتحرموا . ..> باشد.

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقواپیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا . .. و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ تجاوز از حدود الهی پس از هشدار خداوند به رعایت آن ، موجب عذابی دردناک

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

۱۴ ناسازگاری خوف از خداوند با تجاوز از حدود و احکام او

لیعلم اللّه یخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، قانون شکنی و تجاوز به حدود الهی است .

إلاّ علی أزوجهم أو . .. فمن ابتغی ... فأُولئک هم العادون

<إبتغاء> (مصدر <ابتغی>) به معنای طلب کردن است. <وراء> معادل <سوی> است; یعنی، به غیر از و یا فراتر از.

<ذلک> اشاره است به حدی که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین کرده است (آمیزش با همسر یا کنیز مورد تملک).
<عدوان> (مصدر <العادون>) به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

تشریع حدود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ تشریع حد سرقت ، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

فاقطعوا ایدیهما . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریع آن حد نشان می دهد.

تغییر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب . .. أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

از آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

حد زنای کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳،۲۴

۲۳ حدّ زنای کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زنانی آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤیّد معنای مذکور برای <احصنّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ

. ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار ، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا ، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، <فاحشه> به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای <زنا>.

حدّ زنای محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳

۲۳ حدّ زنای کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زنانی آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤیّد معنای مذکور برای <احصنّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴،۲۱

۱۴ داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحکم> به <الکتاب> برگردد.

۲۱ میسّر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۴

۱۴ لزوم رعایت احکام و مقررات الهی ، در آمیزش با زنان

فاذا

تطهرن فأتوهنّ من حيث امركم اللّه

برخی برآنند که <من حيث> در صدد بيان محلّ آميزش (فرج) نيست; و گر نه کلمه <فی> به کار می رفت. بنابراين تذکر است به مراعات احکام شرعی و پرهيز از موارد ممنوع. مانند ايام روزه و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۳،۱۵،۱۶

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعايت احکام الهی در محيط خانواده

نساؤکم حرث لکم . .. و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کيفر) پس از بيان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشداری باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمينه ساز رعايت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

۱۶ پيامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشويی و محيط خانواده مراعات می کنند و با يکديگر رفتاری پسنديده دارند .

نساؤکم حرث لکم . .. و اعلموا انّکم ملاقوه و بشّر المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱۳ در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی را که به زن داده است ، بازپس بگيرد و او را طلاق دهد .

و لا يحل لکم ان تأخذوا . .. الا ان يخافا الا يقيما حدود اللّه

چنانچه حرمت بازپس گيری مَهريّه مانع طلاق

میان زن و شوهر شود و در عین حال زنـدگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسـطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مَهریّه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مَهریّه) و گرفتن طلاق ، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً الاّ ان یخافا الاّ یقیما حدود اللّه

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما فیما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلاّ یقیما حدود اللّه

بـا توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطـاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر بایـد به نحوی باشـد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۷ ارزش حفظ خانواده ، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد .

الاّ ان یخافا اَلاّ یقیما حدود اللّه

۱۸ لزوم و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتم اَلا یقیما حدود اللّه فلا جناح . .. تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

۹ احکام طلاق ، از حدود الهی است .

و تلک حدود اللّه

۱۰ لزوم و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح علیهما ان یتراجعا

ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

۱۱ حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

۱۲ خداوند ، بیانگر حدود و احکام خویش ، برای مردم آگاه و داناست .

و تلک حدود اللّه یبیّنها لقوم یعلمون

۱۳ بهره برداری از حدود و احکام الهی ، مخصوص عالمان است .

و تلک حدود اللّه یبیّنها لقوم یعلمون

ظاهر این است که تبیین احکام، برای همه مردم است. (دانایان و غیر آنان) بنابراین اختصاص تبیین آیات به دانایان، به معنای اختصاص بهره گیری عالمان از تبیین احکام و حدود الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۴

۱۴ خداوند بر کردار زنان در زمان عدّه وفات و پس از آن ، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است .

و الذین یتوفّون . .. و اللّه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذین . .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید

دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۹،۱

۱ لزوم عمل به وصیّت میّت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

<تلک>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

۹ رعایت حدود الهی (احکام و قوانین ارث و . . .) و اطاعت از خدا و رسول (ص) ، رستگاری بزرگ

تلک حدود اللّه و من یطع اللّه و رسوله . .. و ذلک الفوز العظیم

<ذلک> می تواند اشاره باشد به اطاعت خدا و رسول که از موارد آن رعایت احکام و قوانین ارث و حدود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

محصنین غیر مسافحین

<محصنین>، حال است برای فاعل <ابتغاء>. یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد، نه به صورت زنا و بی عفتی. گفتنی است که <سفاح> به معنای زنا و بی عفتی است و <غیر مسافحین>، تأکید برای محصنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ۳۸

۳۸ برقراری مقررات الهی اجتماعی در جامعه ، مرهون تعاون و همکاری است .

اوفوا بالعقود . .. تعاونوا علی البر و التقوی

فرمان خداوند به تعاون در انجام کارهای نیک پس از بیان مقررات اجتماعی الهی (اوفوا بالعقود . .. لاتحلوا ...)، رهنمودی برای پیاده کردن آن مقررات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ضرورت حرکت در چارچوب قوانین و مقررات تبیین شده از سوی خداوند

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۲

۲۲ احکام الهی و تبیین آن ، از جمله نعمت های خداوند ، و مردمان وظیفه دار سپاس گزاردن آن

لاتحرموا . .. و احفظوا ایمنکم کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

حدود در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ سنگسار کردن ، مجازات زنای محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم اللّه

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(ص) در زنای محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و

از <ابن صوریا>، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

ذلت متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸

- ۵ - ۱

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمرند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلک حدود اللّه . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله کبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

رعایت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۵

۱۵ - رعایت احکام و موعظه های الهی ، نشانه تقواپیشگی است .

ذلکم یوعظ به . .. و من یتّق اللّه یجعل له مخرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۴،۱۲،۱۴

۴ ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که <حللا طیباً> صفت برای مفعول مطلق محذوف <اکلا> باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

۱۲ تقوا و تعهد نسبت به حلال و حرام الهی ، لازمه ایمان به خداوند

و کلوا . .. حللا طیباً و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقواپیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا . .. و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

روش اجرای احکام حدود

سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۰

۱۰- استفاده از احساسات مذهبی و عقاید دینی مردم ، از روش های قرآن برای اجرای کامل قوانین و حدود در جامعه

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. إن کنتم تؤمنون باللّه

جمله <إن کنتم تؤمنون . ..; اگر ایمان دارید...> ممکن است به منظور بهره گیری از عقاید دینی مردم ادا شده باشد; چنان که برای برانگیختن حمیت و غیرت گروهی، گفته می شود: <اگر غیرت دارید...>.

زمینه اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۵

۵ اهل ایمان ، موظف به زمینه سازی اجرای حدود توسط حاکمان *

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

با اینکه اجرای حد در محدوده وظایف حاکم شرعی است، خداوند همه مؤمنان را مخاطب قرار داد تا به این نکته اشاره کند که مؤمنان باید زمینه اجرای حکم را فراهم سازند.

زمینه تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. إنّا کنّا طغین

زمینه جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . .. و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

زمینه حفظ حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی ، در گرو خشیت از خداوند ، حتی در نهان

أوّاب حفیظ . من خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که تعبیر <من خشی. ..> در مقام توصیف <أوّاب> و <حفیظ> باشد و علیت را برساند; یعنی، این خشیت عامل <أوّاب> و <حفیظ> بودن آنان است.

زمینه سازی قبول حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - زمینه سازی روحی و فکری در گنهکاران برای پذیرش حدود ، امری شایسته و نیکوست .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم . .. فتوبوا إلی بارئکم

شرایط اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۴

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

عصیان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۱

۳۱ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لولا اخّرتنا الی اجل قریب و الاخره خیر لمن ات

مفعول <اتقی> می توانـد مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسـبت داده شد ; همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

فرجام شوم متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ -

۵ - ۱

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمرند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلک حدود اللّه . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله کبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

فلسفه اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ اجرای حدود الهی ، روشی برای مبارزه با فساد اجتماعی و پاسداری از امنیت جامعه

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

فلسفه حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۸،۱۰

۸ بریدن دست دزد ، عقوبتی بازدارنده و عبرت آموز

نکلا من اللّه

<نکال> به عقوبتی گفته می شود که برای بازداشتن مجرم از تکرار گناه و عبرت دیگران انجام گیرد.

۱۰ ایجاد امنیت در جامعه و بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرم ، فلسفه تشریع حدود

نکلا من اللّه

<نکلا> همچون <جزاء> مفعول له برای <فاقطعوا> است.

قاطعیت در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۹،۱۶

۹- ایمـان راستین به خـدا و قیـامت ، ضامن پیاده شـدن کامل و قاطع حـدود و کیفر های الهی در جامعه و مانع تأثیر پـذیری از احساسات و عواطف به هنگام اجرای آنها

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه إن کنتم تؤمنون با

پیام و مفهوم جمله <فاجلدوا. .. إن کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الآخر; تازیانه بزنید...

اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید> این است که: اگر ایمان راستین وجود داشته باشد، حدود الهی اجرا خواهد شد و هرگز احساسات و عواطف و تعلقات شخصی، جلوگیر آنها نخواهد شد. گفتنی است جواب جمله شرطیه <إن کنتم...> جمله ای مقدر مانند: (فلاتأخذکم بهما رأفه) می باشد.

۱۶- < عن أمیرالمؤمنین (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه > قال فی إقامه الحدود و فی قوله تعالی : < ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین قال الطائفه واحد . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزّوجل <و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه> فرمود: در مورد اجرای حدود[رأفت نشان ندهید]و درباره سخن خدای تعالی <ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین> فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود)>.

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ - عذاب دردناک الهی ، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

۱۳ - رعایت نکردن حدود الهی در ظهار ، درپی دارنده عذاب دردناک الهی است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً .

.. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مجاهدان و پاسداری حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. التّئبون ... و الحفظون لحدود اللّه

مکذبان حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۹

۹ - منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

موارد حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۰،۳۱

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

مؤمنان و پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۹ - ۱۱۲ - ۱۷

۱۷ پایداری مؤمنان بر اجرا و حفظ حدود الهی ، شرط خداوند در وفا نمودن به عهد خویش

و من أوفی بعهده من اللّه . .. التّئبون العبدون ... و بشّر المؤمنین

تأکید بر اعمال فردی و اجتماعی و حفظ حدود الهی پس از بیان وفای خداوند به عهد خویش، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که پاسداری انسان از حدود الهی، شرط بهرهوری از وعده های خداوندی است.

نظارت بر اجرای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱

۱ - نظارت بر حسن اجرای حدود الهی ، از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

یأیّها النبیّ إذا طلّقتم النساء . .. تلک حدود اللّه

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در آغازِ سوره و آیات مربوط به احکام طلاق و حدود الهی با آن که این احکام و حدود مربوط به همه مسلمانان است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

نهی از سستی در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۷

۷- تأثیر پذیری از احساسات و عواطف در حدود و کیفر های الهی و تساهل در اجرای دقیق آن ، مورد نهی صریح خداوند

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّه

ویژگی حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ هر آنچه از جانب خدا باشد ، دور از اختلاف و تضاد است .

و لو كان من عند

غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

ویژگیهای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ حدود و احکام نازل شده از سوی خداوند بر رسول اکرم (ص) بر اساس علم و حکمت است .

حدود ما أنزل اللّه علی رسوله و اللّه علیم حکیم

حدود خدا

{حدود خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۸

۸ - کفّاره های تعیین شده برای ظهار ، حدود الهی بوده و رعایت آنها بر همگان لازم است .

و تلک حدود اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۵

۱۵ - احکام مربوط به زنان مطلّقه ، از حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

آثار التزام به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۶

۳۶ - عمل به احکام دین و پایبندی به حدود الهی ، زمینه ساز نایل شدن به تقواپیشگی است .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها کذلک یبین اللّه ءایته للناس لعلهم یتقون

آثار تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵،۲۹

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

۲۹ - تجاوز از احکام و قوانین الهی ، مانع بهره مندی از رحمت خداوند است .

ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغیًا و کفرًا

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذّب به إلاّکلّ معتد أثیم

آثار تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرمات اللّه فهو شرّ له عند ربّه>.

آثار تحقیر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها

را در پی دارد .

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرمات اللّه فهو شرّ له عند ربّه>.

آثار تعظیم حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقرارت الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

ضمیر <هو>در <فهو خیر له> به <تعظیم> (مصدر <یعظّم>) بازمی گردد; یعنی، <فالتعظیم خیر له عند ربّه>.

اجتناب از تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من یعظّم حرمت اللّه

<تعظیم> (مصدر <یعظّم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمات> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمات اللّه>;یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

ارزش حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به

مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

اعراض از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید أکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذین یظهرون من نسائهم . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنّتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنّت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفّاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا- با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنّت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۳،۱۸

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه یبغون

۱۸ رویگردانی از احکام الهی ، نشانه محرومیت آدمی از تفکر صحیح و اندیشه توانا

فان تولوا . .. و من احسن من اللّه حکماً لقوم یوقنون

اقامه حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳۲

۳۲ اقامه حدود و

احکام ، جلوگیری از نابودی دین و یا تغییر سنت ها و احکام الهی ، هدف گزینش < اولی الامر > و لزوم اطاعت از آنان

اطیعوا اللّه . .. و اولی الامر منکم

امام رضا (ع) درباره فلسفه قرار دادن اولواالامر و وجوب اطاعت از آنان فرمود: . .. فجعل علیهم قیّماً یمنعهم من الفساد و یقیم فیهم الحدود و الاحکام ... انّه لو لم یجعل لهم اماماً قیّماً ... لدرست الملّه و ذهب الدین و غیّرت السنن و الاحکام ... .

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱، ب ۳۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۲۹.

اهمیت تعظیم به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من یعظّم حرمت اللّه

<تعظیم> (مصدر <یعظّم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمات> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمات اللّه>;یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اهمیت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و

یکتاپرستی ، دارای اهمیتی بسیار و منزلتی والا در نزد خداوند

و من یعظّم حرمت اللّه . .. أو تهوی به الریح فی مکان سحیق . ذلک

<ذلک> اشاره است به موضوع بزرگداشت حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی که در آیه پیش مطرح شده است. مقصود از آوردن <ذلک> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام قبل و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی کلمه <هذا> را به کار می برند; مانند: <هذا و أنّ للطاغین لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به بعید است می تواند برای بیان بُعد منزلت توحید و یکتاپرستی و اهمیت حدود و مقررات الهی باشد.

اهمیت ذکر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ لزوم رعایت تقوا و توجه به حدود الهی ، حتی در مبارزه با کافران

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

پاسداران حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ مؤمنان راستین ، پاسداران همیشگی قوانین ، حدود و ارزش های الهی

و الحفظون لحدود اللّه

پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۹،۳۰،۳۱

۲۹ - لزوم حفظ و مراقبت از حدود الهی و پاس داشتن آنها

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز

نباید نقض شود .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

تبدیل حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۵۸

۵ - نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوزگری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا . .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز - به قرینه <الذین یقاتلونکم> - نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّه لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ - تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ،

ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۲

۲ - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إنّا کنّا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون

<عدوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۳،۶،۹

۳ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله <یتعدّ حدوده> بر جمله <یعص اللّه و رسوله>، عطف تفسیری باشد.

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من یعص اللّه . .. و یتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من یعص اللّه و رسوله . .. و له عذاب مهین

تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - انکار حکم

ظهار و تجاوز به حدود آن ، در حکم کفر است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ احکام طلاق ، از حدود الهی ; و تعدی از آن حرام است .

المطلقات یتربصن . .. الطلاق مرّتان ... تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

۲۲ تجاوز از حدود و احکام الهی ، ظلم است .

و من یتعدّ حدود اللّه فاولئک هم الظالمون

۲۳ ستمکاران ، فقط کسانی هستند که از حدود الهی تعدّی کنند .

و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون

ضَمیر فَصل <هُم> گویای حَصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۵،۷

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیّت ، تعدّی به حدود الهی و ظلم است .

تلک حدود اللّه فلا تعتدوها و من یتعد حدود اللّه فاولئک هم الظالمون . .. و لا تمس

۷ تعدّی از حدود الهی ، ظلم به خویشتن است .

لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و اللّه عزیز حکیم

آوردن صفت <عزیز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلّفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴،۵،۱۰

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و

مقررات الهی در روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۵ تلاش هواپرستان برای انحراف جوامع دینی از محدوده احکام و قوانین الهی

و لا تنکحوا . .. حرّمت ... و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۱۰ تجاوز از حدود و مقررت الهی در ازدواج و روابط جنسی ، انحرافی بزرگ

حرّمت . .. و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات . .. یرید اللّه ان یخفّف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۱

۳۱ بسیاری از اهل کتاب در عصر پیامبر (ص) ، مردمی شکننده حدود الهی و از زمره فاسقان

و إن کثیراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ -

۹،۱۱

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۳،۱۶

۱۳ تحریم حلال ها و تغییر احکام الهی تجاوز به حدود و قوانین خداوند است .

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و لاتعتدوا> تأکید و تفسیری برای جمله <لاتحرموا . ..> باشد.

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقواپیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا . .. و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ تجاوز از حدود الهی پس از هشدار خداوند به رعایت آن ، موجب عذابی دردناک

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

۱۴ ناسازگاری خوف از خداوند با تجاوز از حدود و احکام او

لیعلم اللّه یخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی جز از طریق

همسر یا کنیز مملوک ، قانون شکنی و تجاوز به حدود الهی است .

إلاّ علی أزوجهم أو . .. فمن ابتغی ... فأُولئک هم العادون

<إبتغاء> (مصدر <ابتغی>) به معنای طلب کردن است. <وراء> معادل <سوی> است; یعنی، به غیر از و یا فراتر از. <ذلک> اشاره است به حدی که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین کرده است (آمیزش با همسر یا کنیز مورد تملک). <عدوان> (مصدر <العادون>) به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

تغییر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب . .. أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

از آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴،۲۱

۱۴ داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحکم> به <الکتاب> برگردد.

۲۱ میسّر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۴

۱۴

لزوم رعایت احکام و مقررات الهی ، در آمیزش با زنان

فاذا تطهرن فأتوهنّ من حیث امرکم اللّه

برخی برآنند که <من حیث> در صدد بیان محلّ آمیزش (فرج) نیست; و گر نه کلمه <فی> به کار می رفت. بنابراین تذکر است به مراعات احکام شرعی و پرهیز از موارد ممنوع. مانند ایام روزه و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۳،۱۵،۱۶

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم . .. و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشداری باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمینه ساز رعایت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

۱۶ پیامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم . .. و اعلموا انّکم ملاقوه و بشّر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱۳ در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی را که به زن داده است ، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا . .. الا

ان یخافا الا یقیما حدود اللّه

چنانچه حرمت بازپس گیری مَهریّه مانع طلاق میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مَهریّه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مَهریّه) و گرفتن طلاق ، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً الاّ ان یخافا الاّ یقیما حدود اللّه

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما فیما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلاّ یقیما حدود اللّه

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۷ ارزش حفظ خانواده ، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد .

الاّ ان یخافا اَلاّ یقیما حدود اللّه

۱۸ لزوم و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتم اَلا یقیما حدود اللّه فلا جناح . .. تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

۹ احکام طلاق ، از حدود الهی است .

و تلک حدود اللّه

۱۰ لزوم

و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

۱۱ حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

۱۲ خداوند ، بیانگر حدود و احکام خویش ، برای مردم آگاه و داناست .

و تلک حدود اللّه یبیّنها لقوم یعلمون

۱۳ بهره برداری از حدود و احکام الهی ، مخصوص عالمان است .

و تلک حدود اللّه یبیّنها لقوم یعلمون

ظاهر این است که تبیین احکام، برای همه مردم است. (دانایان و غیر آنان) بنابراین اختصاص تبیین آیات به دانایان، به معنای اختصاص بهره گیری عالمان از تبیین احکام و حدود الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۴

۱۴ خداوند بر کردار زنان در زمان عدّه وفات و پس از آن ، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است .

و الذین یتوفّون . .. و اللّه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذین . .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتّی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنّ . .. اذًی کثیراً و ان تصبروا و تتّقوا

از ذکر تقوا

پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیّتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۱،۹

۱ لزوم عمل به وصیّت میّت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

<تلک>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

۹ رعایت حدود الهی (احکام و قوانین ارث و . . .) و اطاعت از خدا و رسول (ص) ، رستگاری بزرگ

تلک حدود اللّه و من یطع اللّه و رسوله . .. و ذلک الفوز العظیم

<ذلک> می تواند اشاره باشد به اطاعت خدا و رسول که از موارد آن رعایت احکام و قوانین ارث و حدود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنّم

و من یعص اللّه و رسوله و یتعدّ حدوده یدخله ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

محصنین غیر مسافحین

<محصنین>، حال است برای فاعل <ابتغاء>. یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد، نه به صورت زنا و بی عفتی. گفتنی است که <سفاح> به معنای زنا و بی عفتی است و <غیر مسافحین>، تأکید برای محصنین است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۸

۳۸ برقراری مقررات الهی اجتماعی در جامعه ، مرهون تعاون و همکاری است .

اوفوا بالعقود . .. تعاونوا علی البر و التقوی

فرمان خداوند به تعاون در انجام کارهای نیک پس از بیان مقررات اجتماعی الهی (اوفوا بالعقود . .. لاتحلوا ...)، رهنمودی برای پیاده کردن آن مقررات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ضرورت حرکت در چارچوب قوانین و مقررات تبیین شده از سوی خداوند

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۲

۲۲ احکام الهی و تبیین آن ، از جمله نعمت های خداوند ، و مردمان وظیفه دار سپاس گزاردن آن

لاتحرموا . .. و احفظوا ایمنکم کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

ذلت متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمرند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلک حدود اللّه . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله کبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

رعایت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۵

۱۵ - رعایت احکام و موعظه های الهی ، نشانه تقواپیشگی است .

ذلکم یوعظ به . .. و من یتّق اللّه یجعل له مخرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۴،۱۲،۱۴

۴ ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که <حللا طیباً> صفت برای مفعول مطلق محذوف <اکلا> باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

۱۲ تقوا و تعهد نسبت به حلال و حرام الهی ، لازمه ایمان به خداوند

و کلوا . .. حللا طیباً و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقواپیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا . .. و اتقوا اللّه الذی انتم به مؤمنون

زمینه تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. إنّا کنّا طغین

زمینه جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

۸

بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . .. و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه

زمینه حفظ حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی ، در گرو خشیت از خداوند ، حتی در نهان

أوّاب حفیظ . من خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که تعبیر <من خشی. ..> در مقام توصیف <أوّاب> و <حفیظ> باشد و علیت را برساند; یعنی، این خشیت عامل <أوّاب> و <حفیظ> بودن آنان است.

زمینه سازی قبول حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - زمینه سازی روحی و فکری در گنهکاران برای پذیرش حدود ، امری شایسته و نیکوست .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم . .. فتوبوا إلی بارئکم

عصیان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۱

۳۱ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لولا اخّرتنا الی اجل قریب و الاخره خیر لمن ات

مفعول <اتقی> می تواند مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسبت داده شد ; همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

فرجام شوم متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱

۱ -

کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمرند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلک حدود اللّه . .. إنّ الذین یحادّون اللّه و رسوله کبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ - عذاب دردناک الهی ، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

۱۳ - رعایت نکردن حدود الهی در ظهار ، درپی دارنده عذاب دردناک الهی است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً . .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مجاهدان و پاسداری حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و

حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. التّئبون ... و الحفظون لحدود اللّه

مکذبان حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۹

۹ - منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب أليم

موارد حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۰،۳۱

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلک حدود اللّه فلاتقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص . .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّه فلاتقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

مؤمنان و پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۷

۱۷ پایداری مؤمنان بر اجرا و حفظ حدود الهی ، شرط خداوند در وفا نمودن به عهد خویش

و من أوفی بعهده من اللّه . .. التّئبون العبدون ... و بشّر المؤمنین

تأکید بر اعمال فردی و اجتماعی و حفظ حدود الهی پس از بیان وفای خداوند به عهد خویش، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که پاسداری انسان از حدود الهی، شرط بهرهوری از وعده های خداوندی است.

نظارت بر اجرای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ -

۱ - نظارت بر حسن اجرای حدود الهی ، از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

یأیّها النبیّ إذا طلّقتم النساء . .. تلک حدود اللّه

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در آغازِ سوره و آیات مربوط به احکام طلاق و حدود الهی با آن که این احکام و حدود مربوط به همه مسلمانان است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

ویژگی حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ هر آنچه از جانب خدا باشد ، دور از اختلاف و تضاد است .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

ویژگیهای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ حدود و احکام نازل شده از سوی خداوند بر رسول اکرم (ص) بر اساس علم و حکمت است .

حدود ما أنزل اللّه علی رسوله و اللّه علیم حکیم

حدیبیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حدیبیه

آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۲،۳،۷

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن

جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷ - وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحنا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱،۲،۶،۷

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروخفتن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست; زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود; ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازشناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی

بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷ - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إنّا فتحنا لک . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد; یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود; اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و ینصرک اللّه نصرًا عزیزًا

<ینصر. ..> بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است; یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب

و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إنّا فتحنا لک فتحًا . .. هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد; از ارتباط <أنزل السکینه> با <إنّا فتحنا. ..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إنّا فتحنا لک . .. هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۶،۹

۶ - صلح حدیبیه ، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان ، در تنگنا و رنج *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر ... لیدخل المؤمنین و ...و یعذّب المنفقین و ا

در صورتی که <یعذّب. ..> با صدر سوره (إنّا فتحنا...) در ارتباط باشد; احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد; بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک ... و یعذّب المنفقین و ... الظانّین باللّ

چنانچه <و یعذّب. ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد; آیه شریفه می تواند

بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد; ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸،۱۲،۱۱،۴

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود

الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد; یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته; اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ. ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۲،۱۰

۱۰- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط،

قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ; اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم

تعبیر <لم تعلموهم>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و ألزمهم کلمه التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۵،۱۶،۱۷

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت *

لقد صدق اللّه

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلک> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد; یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

یأیّها الذین ءامنوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

آثار مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

اقرار متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ – متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص

)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

انگیزه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجّه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است; احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه. ..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این

پیمان رخ داده است; زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

بشارت به متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلّف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶،۱۳

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و

أهلونا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

بی ایمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - ناباوری عمیق متخلّفان از حدیبیه ، نسبت به سخنان پیامبر (ص) و مؤمنان

کذلکم قال اللّه من قبل فسیقولون بل تحسدوننا

پس از ابلاغ کلام خداوند بهوسیله پیامبر(ص) به متخلفان، مبنی بر عدم شرکت ایشان در فتح خیبر، آنان پیامبر(ص) و مؤمنان را به حسادت متهم کردند و این بیانگر مطلب بالا است.

بی شخصیتی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - اعراب متخلف از دعوت پیامبر (ص) ، مردمی بی خاصیت و بی ارج در نظر خداوند

و کنتم قومًا بورًا

<بوراً> در اصل به معنای شدت کساد است و در این آیه، کنایه از بی

خاصیت و بی ارزش بودن می باشد.

بینش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

پاداش مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲،۱۵

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۱۵ - طلب استغفار و اظهار ندامت اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، بی اساس و مخالف باور درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با

مفهوم <فاستغفر لنا> باشد; زیرا درخواست استغفار، مفهومش این است که اعراب متخلف، در باطن از تخلف خود پشیمان اند. اما خداوند می فرماید: اینان در اظهار ندامت دروغگویند; زیرا در باطن نادم نیستند.

تحریفگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

تحلیل غلط متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متّکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند; غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

۷ - متخلفان از سفر حدیبیه ، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بل ظننتم . .. و زیّن ذلک فی قلوبکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر <ظننتم أن لن ینقلب. ..> استفاده می شود; یعنی، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

ترس

متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۳

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

تلاش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

توبه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۳

۳ - خداوند ، باز گذارنده راه توبه و آزمون عملی ، برای اعراب متخلّف از سفر حدیبیه

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

از جمله <فإن تطیعوا> که در ذیل آیه آمده است استفاده می شود که دعوت متخلفان برای جنگ، در حقیقت ایجاد فرصتی برای بازگشت آنان به سوی خدا و اطاعت از رسول او است.

توجیه گری متخلفان از

مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۷

۷ - اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

تهدید متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تهدید متخلّفان از سفر حدیبیه ، به عذاب دردناک ، در صورت تخلف و روی گردانی دوباره از جهاد

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

تهمتهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت

آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲

۲ - تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

دعوت از متخلفان مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱

۱ - دعوت خداوند از متخلّفان سفر حدیبیه ، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلّفين . .. ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

دنياطلبی متخلفان از مسافرت به حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲،۸

۲ - تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدّلوا...> حاکی از نکته دوم است.

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

رازهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۴

۴ - اخبار خداوند از تصورات درونی اعراب متخلّف ، نشانه ای از علم عمیق او به کردار بندگان

بل کان اللّه

بماتعملون خبيرًا . بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب بالا برداشت می شود.

رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلّفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه

عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه مسافرت محمد(ص) به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود; از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - متخلّفان از سفر حدیبیه ، مردمی سطحی نگر و ظاهربین بودند .

بل کانوا لایفقهون إلاّ قلیلاً

سوءظن متخلفان از مسافرت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اعراب متخلف از دعوت پیامبر (ص) ، بدگمان به خداوند و فرجام مؤمنان

بل ظننتم أن لن ینقلب . .. و ظننتم ظنّ السوء

پندار بد اعراب، یا از آن جهت بوده که گمان می کردند خداوند، پیامبرش را یاری نخواهد کرد و این بدگمانی به خدا است

و یا از آن جهت بوده که آینده ای تیره برای مؤمنان در ذهن خود ترسیم کرده بودند.

عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است; یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

عذرخواهی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲،۱۳

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

علایق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

علایق متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۷

۷ - متخلفان از سفر حدیبیه ، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بل ظننتم . .. و زیّن ذلک فی قلوبکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر <ظننتم أن لن ینقلب. ..> استفاده می شود; یعنی، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

عمره حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ نزدیک شدن شکار های وحشی به پیامبر (ص) و مؤمنان در عمره حدیبیه جهت آزمایش آنان

لیبلونکم اللّه بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: حشرت لرسول(ص) فی عمره الحدیبیه الوحوش حتی نالتها ایدیهم و رماحهم.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۶، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۱، ح ۳۵۷.

عوامل تخلف متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

غفلت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۵

۵

- تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متّکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند; غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

فرجام مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱،۵

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متّکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند; غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۵،۲۰،۲۲

۱۵- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جانِ مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون . .. أن تطوهم

۲۰- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف

برقراری صلح حدیبیه

لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله <لیدخل . ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا <لیدخل ...> غایت برای جواب محذوف است; یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیرو های فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال . .. لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد; زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند; اما باصلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إنّ الذین یبایعونک إنّما یبایعون اللّه

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث. ..> بحرانی بودن آن شرایط

استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱،۲،۹،۱۳،۱۴

۱ - تخلّف برخی از اعراب بادیه نشین در سفرِ منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود; استفاده می شود که تخلّف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد; یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند; دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می

رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین

إذ يبايعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی اللّه عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹ - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکّه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنّه اللّه . .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به

پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰ - امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان اللّه بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان اللّه. ..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام و الهدیَ معکوفًا

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته رابه یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷ - نزول

آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹ - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول اللّه > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

با توجّه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود; از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی

شمرده است; به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافعی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱

۱ - تخلّف برخی از اعراب بادیه نشین در سفرِ منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود; استفاده می شود که تخلّف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱

۱ - اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلّفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلّفون

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶،۷،۸،۱۱

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

در برداشت های آتی، چگونگی و

شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷ - اعراب متخلّف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا نتّبعکم یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است; ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۸ - تلاش متخلّفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدّلوا کلم اللّه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه<قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است; تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهیم شدن در غنایم بودند.

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممکن است در مقام انشا نباشد; بلکه اخبار باشد.

محرومیت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل

لن تتّبعونا كذلكم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> ممكن است در مقام انشا نباشد; بلكه اخبار باشد.

مسافرت محمد(ص) به حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - سفر پيامبر (ص) به سوى مكه (قبل از صلح حديبيه) ، سفرى مخاطره آميز و نگران كننده براى برخى مسلمانان

سيقول لك المخلّفون من الأعراب . .. يقولون بألسنتهم

عذرآورى <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوى خداوند، مى رساند كه عامل اصلى آنان از ترك سفر، نگرانى از سرنوشت آن بوده است. قرينه هاى تاريخى و نيز آيه بعد، مؤيد اين نكته است.

منشأ صلح حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونى ، و پيروزى صلح حديبيه و فتح خيبر ، نتيجه بيعت مهم مؤمنان با پيامبر (ص)

إذ يبايعونك تحت الشجره . .. فأنزل السكينه عليهم و أثبهم فتحًا قريبًا

عبارت <فتحاً قريباً> ممكن است اشاره به <فتحاً مبيناً> (صلح حديبيه) و يا فتح خيبر داشته باشد; چه اين كه هر دو فتح با فاصله اى نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قريب بر هر دو ممكن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد صلح حديبيه و باز نشدن دست مكيان و مؤمنان عليه يكديگر ، تنها به تدبير و اراده الهى

و هو الذى كفّ أيديهم عنكم و أيديكم عنهم ببطن مكّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ – فتح

- ۴۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، باامنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

<ذلک> اشاره به <لتدخلنّ> و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد; یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه . .. و یتمّ نعمته علیک

<یتمّ نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . .. و یتمّ نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لک فتحًا . .. و یتمّ نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

با توجّه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است; احتمال می رودکه نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای

تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد; یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد; اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

نگرانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلّفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه; بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوندباشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

وعده به مسافران به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به

شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها . .. قال اللّه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد; چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

حر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حر

حجاب حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حقوق حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالک اش را قبول داشتند .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیه سواء

قصاص حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵ – انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷ – عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأنثی بالأنثی

حرام خواران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرام خواران

حرام خواران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۸

۸ – مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لاتکرمون . .. و لاتحضّون ... تأکلون ...

تحبّون ... کلاّ ... یومئذ یتذکّر الإنس

زمینه کیفر حرام خواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

حرام خواری

آثار حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۳

۳ - حرام خواری ، زمینه ساز سرپیچی از فرمان های خدا و ارتکاب گناهانی دیگر است .

فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۰،۱۸

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أکلهم أمول الناس بالبطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

۱۸ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، رباخواری و به ناحق خوردن مال مردم ، موجب گرایش آدمی به کفر

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

مراد از <للکفرین منهم> همان یهودیانی هستند که مرتکب گناهان ذکر شده در این آیه و آیه قبل بودند، بنابراین صفات یاد

شده کفر است و یا موجب کفر خواهد شد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ رشوه گیری ، حرامخواری و آزمندی به دنیا ، مایه خواری و رسوایی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت

لهم فی الدنیا خزی

و لهم فی الاخره عذاب عظیم . .. اکلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۵

۵ ارتکاب محرمات الهی، حتی به مقداری اندک، زمینه ساز رسوایی انسان است.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ حرامخواری زمینه سرپیچی از فرمان های الهی و ارتکاب گناهانی دیگر

فبدل الذین ظلموا منهم قولا غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۲

۲ منفعت پرستی ، حرام خواری ، تعصب و قوم گرایی عامل های بازدارنده مردم مدین از اندیشه کردن در تعالیم شعیب (ع) و فهمیدن آنها

قالوا یشعیب ما نفقه کثیرًا مما تقول

اجتناب از حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۸،۱۱

۸ گروهی از اهل کتاب مردانی صالح ، پرهیز کننده از گناه ، و بدور از تجاوز و حرام خواری

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

۱۱ لزوم پرهیز از گناه ، تجاوز ، رشوه گیری و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ پرهیز از رشوه گیری ، حرام خواری ، تجاوزگری و گفتار کفرآمیز شرط آمرزش گناهان اهل کتاب و ورود آنان به بهشت

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا

متعلق

<واتقوا> چنانچه گذشت، گناهان است، از مصادیق مورد نظر آن با توجه به آیات گذشته ، گناهانی است که در برداشت به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۶

۶ - خداوند ، خواهان بهرهوری انسان ها ، از روزی های حلال و اجتناب از حرام خواری است .

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <طیّب> در لغت به معنای حلال به کار رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۵

۵ - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. و ادخلی جنّتی

زشتی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه ، تجاوز و حرام خواری

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون

زمینه حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۶

۶ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت های خدادادی دیگران ، زمینه حرامخواری و ناهنجاری های اقتصادی

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . .. و لا تتمنّوا ما فضّل اللّه به بعضكم على بعض

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از بیان حکم تصرفات ناروا در اموال مردم، می تواند بیانگر این باشد که تملک

اموال دیگران از راه باطل، ریشه در طمعورزی به نعمتهای دیگران دارد.

سرزنش حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

عذاب دنیوی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

گناه حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران ، حرام خواری و رشوه گیری ، از گناهان بزرگ

یسرعون فی الاثم و العدون و اکلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه <اثم> که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

موارد حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹

۱۷ صرف موجودی کمتر و یا مساوی بدهی در مخارج زندگی و نپراختن دین ، اکل مال به باطل است .

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام صادق (ع) در مورد کسی که مالی دارد و باید آن را یا خرج زندگی کند یا قرض خود را بپردازد، فرمود: یقضی بما عنده دَینه و لا یأکل اموال النّاس الّا و عنده ما یؤدّی الیهم حقوقهم: انّ اللّه عزّ و جل یقول: <لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل . .. >.

کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۱۹۷ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۱ ; من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۱۲، ب ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۱

۴۱ منافع به دست آمده از دین فروشی ، مصداقی بارز برای سحت

اکلون للسحت . .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

نهی خداوند از دین فروشی در قبال منافع دنیا، پس از توصیف عالمان یهود در آیات پیش به <اکلون للسحت>، بیانگر آن است که از مصادیق مورد نظر برای <سحت> (حرامی ننگ آور)، منافعی است که آنان از دین فروشی به چنگ می آورند.

ناپسندی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۱

۱۱ - پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از کار های بد و ناپسند است .

کلو مما فی الأرض حلالا طیباً . .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

حرص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرص

آثار

ترک حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - پاک ساختن نفس از آلودگی به بخل و حرص ، موجب رستگاری بشر

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

آثار حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تأثیر نداشتن تلاش آمیخته با حرص و ولع انسان ها ، در دستیابی آنان به بهرهوری بیشتر مادی

نحن قسمنا بینهم معیشتهم

ذکر ضمیر <نحن> و تقدم آن بر <قسمنا> که نقش بی چون و چرای خداوند در تقسیم معیشت را بازگو می کند بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۱۴

۱۴ - حرص و چشمداشت به مال و حقوق دیگران ، از موانع جدی رستگاری است .

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۷

۱۷ - انفاق ، عامل مهم رستگاری و بخل و حرص ، مانع از آن است .

أنفقوا . .. و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

از ارتباط میان موضوع انفاق و بخل و حرص و نیز مسأله رستگاری که همراه با قصر (فأولئک هم) ادا شده است می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۴

۴ - زر اندوزی و انباشتن ثروت ، برخاسته از روح ناشکیبایی و آزمندی انسان

و جمع فأوعی

. إنّ الإنسن خلق هلوعًا

جمله <إنّ االإنسان. ..>، می توانـد در مقام تعلیل برای جمله قبلی (و جمع فأوعی) باشـد. برداشت یاد شده، براساس این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۱ - ۳

۳ - بخلورزی و دریغ داشتن از رسیدن خیر به دیگران ، برخاسته از خصلت حرص و آزمندی است .

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. و إذا مسّه الخیر منوعًا

تنزیه از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران مبرّا از آن هستند .

و أنفقوا . .. و من یوق شحّ نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می آید.

حرص انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بخل و حرص ، عجین شده در جان بشر و برخاسته از طبیعت او است .

و من یوق شحّ نفسه

مطلب یاد شده، از اضافه <شحّ> به <نفسه> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۲،۳

۲ - انسان ، موجودی حریص و آزمند

إنّ الإنسن خلق هلوعًا

۳ - ناشکیبایی و آزمندی ، نهفته در سرشت بشر

إنّ الإنسن خلق هلوعًا

مطلب یاد شده، از تعبیر <خلق> درباره صفت <هلوع> استفاده می شود.

حرص به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰

- مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس . .. و من الذین أشرکوا

حرص در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند وموردنکوهش

لایسئم الإنسن من دعاء الخیر و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

حرص مشرکان به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس . .. و من الذین أشرکوا

حرص مشرکان به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مشرکان ، خواهان عمری طولانی هزار ساله هستند .

و من الذین أشرکوا یود أحدهم لو یعمر الف سنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <و من الذین أشرکوا> خبر برای مبتدایی محذوف باشد نه عطف بر <الناس>; یعنی: <و من الذین أشرکوا طائفه یود أحدهم>. بر این مبنا، جمله <و من الذین...> جمله حالیه است و <یود أحدهم> توصیف همین دسته از مشرکان خواهد بود. بر این اساس مفاد آیه چنین است: یهودیان از همه مردم به دنیا دلبسته ترند و این در حالی

است که گروهی از مشرکان خواهان عمری هزار ساله هستند.

حرص یهود به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۹۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۳

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

نکره آوردن <حیاه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۳ - روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است; یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جمله <لتجدنهم . ..> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>; یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود; به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

۵ - اشتیاق یهود به زندگی دنیا ، حتی از مشرکان فزونتر است .

و لتجدنهم أحرص الناس . .. و من الذین أشرکوا

<من الذین> عطف بر <الناس> می باشد; یعنی: <و

لتجدنهم أحرص من الذين اشركوا; می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دلبسته ترند>.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

حرص یهود به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱،۸،۱۳

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانیِ هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

مبارزه با حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران مبرّا از آن هستند .

و أنفقوا . .. و من یوق شحّ نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می آید.

مصونیت از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۱

۱ - نمازگزاران ، مصون از خصلت حرص و آزمندی

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّين

معرضان از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - دوری گزیدگان از بخل و حرص ، رستگاران واقعی اند .

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - کسانی که روح و جانشان از آلودگی به بخل و حرص پاک است ، قطعاً رستگاراند .

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

<شحّ> به معنای بخل و حرص و یا بخل همراه حرص است (برگرفته از قاموس المحیط و مفردات راغب).

موانع حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۶

۶ - تأثیر نماز در جلوگیری از خصلت حرص و آزمندی ، بیش از هر فریضه دیگر است .

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّين

مطلب یاد شده، از ذکر نماز در آغاز و تقدیم آن بر فریضه انفاق، پاک دامنی، امانت داری و. .. به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۴

۴ - انفاق و اختصاص دادن مقدار معیّنی از اموال خویش به نیازمندان جامعه ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین فی أموالهم حقّ معلوم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۲

۲ - اعتقاد به روز جزا ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین یصدّقون بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۲

۲ - هراس و نگرانی از عذاب الهی ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ المصلّین ... و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۹ - ۲

۲ - تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل ، آزمندی ، ناشکیبایی و . . .)

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . .. إلاّ ... و الذین هم لفروجهم حفظون

ناپسندی حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند وموردنکوهش

لایسئم الإنسن من دعاء الخیر و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۳

۳ -

بی صبری و ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها ، نشانه وجود خصلت حرص و آزمندی در انسان است .

إنّ الإنسن خلق هلوعًا . إذا مسّه الشرّ جزوعًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که عبارت <إذا مسّه الشرّ جزوعاً>، می تواند توضیح صفت <هلوع> و نیز بیان نشانه های آن باشد; زیرا حریص، فزون طلب است و چون شرور، مانع نیل به این خواسته است، قهراً در برابر آن ناشکیبا خواهد بود.

نشانه های حرص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳ - روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است; یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جمله <لتجدنهم . ..> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>; یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود; به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

حرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرکت

آثار حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۱

۱- حرکت پیوسته کشتی ها و قوانین حاکم بر آن ، در جهت منافع انسان و جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

ربّکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

ارزش حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

اهداف حرکت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هدف حرکت همه موجودات

اللّه الصمد

<صَمَد>، با فعل <صَمَدَ الیه> (او را قصد کرد)، هم خانواده و <فَعَلَ> به معنای <مفعول> است; یعنی، مصمودٌ الیه و خداوند <صمد> است; یعنی، مقصود و مقصد نهائی موجودات است. حذف متعلقات <صمد> نشانه عموم است و مقصود بودن خداوند را به تمام موجودات و مقاصد آنها تعمیم می دهد.

اهمیت حرکت ابر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - کیفیت رانش ابر ها به وسیله باد ها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان

مطالعه

فالمقسّمت أمرًا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از <مقسّمات> بادها باشند که با راندن ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

۴ – وزش باد ها ،

تشکیل توده های ابر و حرکت آنها و ریزش باران ، از مظاهر حکمت و تدبیر الهی در نظام طبیعت

و الذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا

خداوند، با برشمردن بخشی از امور دقیق طبیعت و مهم دانستن آنها با سوگند خوردن، در حقیقت تدبیر و حکمت خویش را به آدمیان یادآور شده است.

اهمیت حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

اهمیت حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الّیل و النهار ءایتین . .. و کلّ شیء فصّلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء. ..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

اهمیت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الّیل و النهار ءایتین . .. و کلّ شیء فصّلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء. ..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

اهمیت ذکر حرکت کشتیها

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تداوم حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین

<دائبین> تثنیه <دائب> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷ - حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تداوم حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین

<دائبین> تثنیه <دائب> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

تداوم حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷ - حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

حرکت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

- ۱۳ - ۲ - ۶،۱۵

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی معیّن در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمًّی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمّی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض ; یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیّت اوست.

حرکت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۸

۸ جهان هستی به سوی کمال در حرکت است .

رب العلمین

<رب> به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). پس این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <رب> مشترک لفظی میان وصف و مصدر می باشد و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۲۱

۲۱ حرکت جهان آفرینش ، تنها به سوی خداوند است .

و الیک المصیر

<ال> در <المصیر> برای جنس است; یعنی هر تحوّل و حرکتی تنها به سوی اوست و تمام جهان آفرینش دارای حرکت و تحول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۷،۸

۷ خداوند ، هدف حرکت همه هستی

و الی اللّه ترجع الامور

۸ همه جهان هستی ، در حال سیر و حرکت

و الی اللّه ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ هستی ، دارای جریانی رو به کمال در پرتو ربوبیت خداوند

رب العلمین

<رب> به معنای تربیت کننده است و تربیت یعنی ایجاد تدریجی چیزی تا آنگاه که به کمال خویش برسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - جهان آفرینش ، در حال حرکت است و خدا منت ها الیه این حرکت می باشد .

و إليه المصير

<ال> در <المصير> برای جنس است; یعنی، هر تحوّل و حرکتی در جهان هستی، تنها به سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۵

۵ - جهان هستی ، به سوی کمال در حرکت است .

ربّ العلمین

<ربّ>، به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت

از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <ربّ> مشترک لفظی میان وصف و مصدر است و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

حرکت ابر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند باد های نویددهنده باران را به حرکت می آورد و ابر ها را به سرزمین های خشک گسیل می دارد .

و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته . .. سقنه لبلد میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ابر ها را به آرامی روان می سازد .

ألم تر انّ اللّه یزجی سحابًا

<ازجاء> (مصدر <یزجی>) به معنای دفع و حرکت دادن به آرامی و ضعیف است (برگرفته شده از لسان العرب).

۲ - خداوند ، پاره های ابر را جمع کرده و میان آنها پیوند می دهد .

ثمّ یؤلّف بینه

<تألیف> به معنای جمع و پیوند است.

۵ - حرکت ابر ، جمع اجزای آن و تراکم و فشردگی آنها ، موجب پیدایش و نزول باران می شود .

أنّ اللّه یزجی سحابًا ثمّ یؤلّف بینه ثمّ یجعله رکامًا فتری الودق یخرج من خلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۷

۷ - < قال رسول اللّه (ص) : الریاح ثمان : أربع منها عذاب و أربع منها رحمه . . . و الرحمه منها . . . المرسلات . . . فیُرسل اللّه المرسلات فتُثیرُ السَّحاب . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: بادها هشت گونه اند; چهار گونه

از آنها بادهای عذاب و چهارگونه دیگر رحمت اند. .. و از جمله بادهای رحمت... <مرسلات> است... پس خداوند <مرسلات> را می فرستد تا ابرها را به حرکت درآورد>.

حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۷

۷- در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

حرکت ارتجاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله . .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی . .. > صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۳

۳- روی گردانی از دین ، پس از گرایش و تمایل به آن ، عملی ارتجاعی و مورد نکوهش

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم من بعد. .. الشیطن سوّل لهم

حرکت ارتجاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۳

۳- روی گردانی از دین ، پس از گرایش و تمایل به آن ، عملی ارتجاعی و مورد نکوهش

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم من بعد. .. الشیطن سوّل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله . .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی . .. > صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

حرکت باد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند باد های نویددهنده باران را به حرکت می آورد و ابر ها را به سرزمین های خشک گسیل می دارد .

و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته . .. سقنه لبلد میت

حرکت بسوی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۱

۱ - حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنـا به گفته مفسـران، مقصود از <ظـلّ>(سـایه)، دود غلیظ برخاسـته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود; مانند: <و ظلّ من یحموم; و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

حرکت به سوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۶

۶ - حرکت به سوی خداوند و دستیابی به مقام قرب او ، برای تمام انسان ها امکان پذیر است .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

حرکت به سوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۵

۵ شرکت در جنگ بدر حرکتی آشکار به سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مفعول <ینظرون> به قرینه فراز قبل، <الموت> است. یعنی <و هم ینظرون الموت>. بنابراین جمله حالیه <و هم ... > حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

حرکت تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ تکرار و تشابه حوادث تاریخ

کدأب ال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۷

۷ حاکمیّت الهی بر تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری

تؤتی الملک من تشاء . .. و تعزّ من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۷،۱۱

۷ حاکمیّت اراده الهی بر حرکت تاریخ (شکست ها و پیروزی ها ، تلخی ها و شادی ها)

و تلک الایام نداولها بین النّاس

از اینکه خداوند تمامی شکستها و پیروزیها

و تلخیها و شادیها و . .. را به خود نسبت داده است (نداولها)، حاکمیّت اراده الهی بر حرکت تاریخ به دست می آید.

۱۱ بینش توحیدیِ قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلک الایّام نداولها بین النّاس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

حرکت تکاملی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلی ربهم یحشرون

با توجه به کلمه <رب>، که تربیت کنندگی را می رساند، و کلمه <إلی> که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۶،۱۵

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی معیّن در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمًّی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمّی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز

<لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض ; یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیّت اوست.

حرکت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۲

۲ الهی بودن هدف و مسیر حرکت ، ملاک ارزش اعمال آدمی

و لئن قتلتم فی سبیل اللّه او متّم لمغفره من اللّه و رحمه

مسلّماً انسانها یا می میرند و یا کشته می شوند، بنابراین آنچه دارای ارزش است و سعادت آدمی را در پی دارد، معنایی است که از <فی سبیل اللّه> به دست می آید که از آن تعبیر به الهی بودن هدف و مسیر حرکت شده است.

حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنّه علیم بذات الصدور . .. هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً ... و کلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

حرکت در سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۴

۴ در راه خدا بودنِ عمل ، ملاک ارزش آن

و قاتلوا فی سبیل اللّه

حرکت زمین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۵

۵ زمین در حرکت است و انسان ها را بر آیات آسمانی عبور می دهد .

کأیّن من ءایه فی السموت و الأرض یمرون علیها

چنان چه جمله <یمرون علیها> را به معنای حقیقی آن و نه معنای کنایی اش (مشاهده می کنند) حمل کنیم، حاکی از حرکت زمین خواهد بود ; زیرا مرور بر آیات آسمانی با این معنا سازگار می باشد که زمین حرکت کند و انسانها به واسطه حرکت آن بر آیات آسمانی عبور نمایند (برگرفته شده از تفسیرالمیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کره زمین ، دارای حرکت و جنب و جوش است . *

الذی جعل لکم الأرض مهدًا

از وجوه تشبیه زمین به گهواره آن است که همان گونه که گهواره برای آرامش طفل حرکت داده می شود، زمین نیز دارای حرکت است.

حرکت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۲

۲ - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و. .. می باشد.

حرکت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۲

۲- ستارگان ، در مدار و قرارگاههایی معین در حال حرکتند .

و لقد جعلنا فی السّماء بروجًا و زینّها للنظرین

<برج> به منزلگاه و

قرارگاه معنا شده است و منزلگاه به جایی اطلاق می شود که وارد شونده ای بر آن وجود داشته باشد و مراد از آن در این آیه، می تواند ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۳

۳- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أنّ السموت والأرض . .. والشمس والقمر کلّ فی فلک یسبحون

لفظ <کلّ> مضاف به مضاف الیه محذوف مانند (<ها> و. ..) است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

حرکت سریع سپاه در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۲

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحًا

حرکت سیارات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۳

۳- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أنّ السموت والأرض . .. والشمس والقمر کلّ فی فلک یسبحون

لفظ <کلّ> مضاف به مضاف الیه محذوف مانند (<ها> و. ..) است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۶

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی

معیّن در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمًّی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمّی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

حرکت عصای موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۲ - ۴

۴ - عصای موسی پس از تبدیل شدن به اژد ها ، حرکت و پیشروی کرد .

فإذا هی ثعبان مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ثعبان> از ریشه <ثعب> (آب جاری) بوده و این اشاره ای به حرکت و پیشروی اژدها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۲

۲ - تحرک شدید و تند و تیز عصای موسی در پی افکندن آن بر زمین

فلمّا رءاها تهتزّ کأنّها جانّ

<إهتزاز> (مصدر <تهتزّ>) به معنای به حرکت در آمدن است. تشبیه حرکت عصای اژدها شده موسی به حرکت مار کوچک (جان)، بیانگر آن است که عصای مار شده علی رغم این که ماری بزرگ بود چنان چالاک بود که گویا ماری کوچک است.

حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۲

۲ حرکت کشتی ها بر سطح دریا ، در سایه وزش باد های ملایم و موافق ، از جلوه های ربوبیت و پروردگاری خدا

هو الذی یسیرکم فی البر و البحر

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۴،۱۳

۴ - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ اللّه سخّر. .. أن تقع علی الأرض

۱۳ - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ اللّه سخّر . .. إنّ اللّه بالناس لرءوف رحیم

حرکت کشتی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی . .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التی تجری...>; یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است; یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی حضرت نوح بر امواج طوفان ، در پرتو حمایت و نظارت الهی

تجری بأعیننا

حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

۶ - فلسفه فراهم آوردن امکانات حرکت کشتی در آب ، ارائه برخی از آیات خدا به بندگان است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و

وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و

غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیّرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیّرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست; ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

حرکت کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۲

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

حرکت گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۶،۱۵

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و

ماه تا سرآمدی معیّن در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمًّی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمّی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض ; یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیّت اوست.

حرکت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۲۲

۲۲ تنها خداوند مُنت ها الیه حرکت تمامی موجودات است .

و إلیه المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۳

۳ - خداوند به حرکت ها و سکون های همه موجودات ، احاطه علمی کامل دارد .

یعلم ما یلج فی الأرض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها

علم خداوند به ورود چیزی در زمین و یا خروج اشیایی از آن و نیز علم او به آنچه از آسمان نازل

می شود و یا به سمت آن بالا می رود، کنایه از احاطه علمی او به همه چیز است.

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۹

۹ < عن أبی عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) رکب السفینه أوّل یوم من رجب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. ..>.

سرعت حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۱

۱ - حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

یوم تمور السّماء مورًا

<مور> (مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالا با توجه به معنای نخست آن است.

سوگند به حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مَرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الّیل إذا یسر

حرف <ال> در <الّیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الّیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر>;

یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک. ..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند; به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی

است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

شرایط حرکت در راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

یقص الحق و هو خیر الفصلین

شگفتی حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۷

۷- حرکت کشتی در دریا با شکافتن آب آن ، منظره ای دیدنی و شگفت آور

و تری الفلک مواخر فیه

عبارت <و تری الفلک مواخر فیه> معترضه است و بین چند جمله ای واقع شده که به همدیگر عطف شده اند. آوردن جمله معترضه در صورتی که امکان عطف وجود دارد به خاطر مخالفت با اسلوب جمله و بیان تعجب آور بودن آن است. لازم به ذکر است که <مواخر> جمع <مأخره> (از ماده مخر) بوده و به معنای شکافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا

داشته باشد.

عبرت از حرکت باد ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۹

۹ - تغییر و تحول در حرکت باد ها ، امری الهی و در راستای درس آموزی بشر

و تصریف الریح

با توجه به واژه <تصریف> که به معنای تغییر و دگرگونی از حالتی به حالتی دیگر است برداشت بالا به دست می آید.

عبرت از حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱

۱ - حرکت کشتی ها بر پهنه دریا ، در پرتوِ مواهب الهی ، شایسته تأمل و درس آموزی است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عظمت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۳

۳ - گذشت شب ، پدیده ای با عظمت در جهان طبیعت

و الّیل إذا یسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

علم خدا به

حرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۵

۵ - احاطه علمی خداوند به همه جنبش ها و سکون های موجودات ، مقتضی اختصاص داشتن همه ستایش ها و حمد ها به او است .

الحمد للّه الذی له . .. یعلم ما یلج فی الأرض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء

عبارت <یعلم ما> می تواند حال برای ضمیر <له> باشد. بنابراین، معنا چنین می شود: حمد برای کسی است که مالک همه موجودات است; در حالی که از همه چیز خبر دارد.

عوامل حرکت ابر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۴

۴ باد ، عامل جابه جایی توده های سنگین و پر آب ابرها

حتی إذا أقلت سحاباً ثقالا

<سحاب> جمع <سحابه> و <ثقال> جمع <ثقیل> (سنگین) است و سنگینی ابرها به بزرگی توده ها و پرآبی آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۷

۷ < سأل أبوبصیر أباعبدالله (ع) : . . . ما حال البرق فقال : تلک مخاریق الملائکه تضرب السحاب فتسوقه إلی الموضع الذی قضی الله عزوجل فیه المطر ;

ابوبصیر از امام صادق(ع) از چگونگی برق سؤال کرد، حضرت فرمود: آن تازیانه های فرشتگان است که بر ابرها می زنند و آنها را به مکانی که خدای عزوجل در آن باران مقدر فرموده است، می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۲ – ۲

۲– باد ها ، وسیله

جا به جا کردن گرده های نر ، برای بارور ساختن گیاهان و درختان است .

و أرسلنا الریح لوقح

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <الریاح لواقح> (بادهای بارورکننده) بادهایی است که مواد باردارکننده را از گیاهان نر، به گیاهان ماده منتقل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۲

۲ - باد ، عامل حرکت و تشکیل ابرها

و اللّه الذی أرسل الریح فتثیر سحابًا

عوامل حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها ...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها ...> چنین معنا می شود: [نوح گفت:]حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۹

۹ - از جمله فواید باد ها ، به حرکت در آوردن کشتی ها در دریا ها است .

أن يرسل الرياح . .. و لتجرى الفلك بأمره

<لام> در <لتجرى> تعليل براى فعل <يرسل> است.

فلسفه حركت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد

- ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمًّی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمًّی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمًّی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمًّی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فواید حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۹

۹– از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا ءایه النهار . .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

فواید حرکت شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۹

۹– از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا ءایه النهار . .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

کیفیت حرکت جانداران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۵ – ۵،۶،۷

۵ – بعضی از جانداران ، بر شکم خود راه می روند .

فمنهم من یمشی علی بطنه

۶ – بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

۷ – بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی أربع

مبدأ حرکت کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ < عن أبی عبدالله (ع) قال : جاء رجل إلی أمیرالمؤمنین (ع) و هو فی مسجد الکوفه فقال (ع) : . . . صلّ فی هذا المسجد . . . منه سارت سفینه نوح . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد،آن حضرت فرمود:...در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را آغاز کرد ...>.

محدوده حرکت

در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۴

۴ - دوزخیان ، دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابه جایی در دوزخ *

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

مدت حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسمًّی

مدت حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ < عن المفضل قال : قلت لأبی عبدالله (ع) . . . کم لبث نوح و من معه فی السفینه حتی نضب الماء و خرجوا منها ؟ فقال : لبثوا فیها سبعه أیام و لیالیها و طافت بالبیت ثم استوت علی الجودی . . . ;

مفضل گوید: به امام صادق(ع) گفتم: . .. چه مدتی نوح و همراهان در کشتی ماندند تا آب فرو نشست و از کشتی خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در کشتی ماندند و کشتی بر خانه خدا طواف کرد، سپس بر کوه جودی استقرار یافت ...>.

مدت حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخّر الشمس و القمر كلّ يجرى لأجل مسمًّى

مسير حركت فرعونيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۵

۵ - فرعونیان ، در تعقیب بنی اسرائیل ، به راه خشک شده دریا ، وارد شدند .

طریقًا فی البحر یبسًا . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

مطالعه حرکت ابر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۳

۳ - کیفیت رانش ابر ها به وسیله باد ها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان مطالعه

فالمقسّمت أمرًا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از <مقسّمات> بادها باشند که با راندن ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

مطالعه حرکت ابر های باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۳

۳ - حرکت نرم توده های سنگین بار ابر در فضا با وزش باد ها ، امری الهی و شایان تأمل

فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا

در صورتی که <جاریات> وصف ابرها باشد، از ملاحظه <وقراً> (سنگین باری ابرها) و <یسراً> (حرکت نرم ابرها علی رغم سنگین باری آنها)، مطلب بالا استفاده می شود.

مطالعه حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۳

۳- تفکر در حرکت منظم و رام شده اجرام آسمانی ، از راه های خداشناسی *

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله

ممکن است منظور از <طیر> تنها پرندگان نباشد; بلکه شامل همه اجسام شناور در فضا نیز

باشد.

مطالعه حرکت منظومه شمسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۳

۳- دعوت خداوند ، برای مطالعه و دقت در حرکات و آثار منظومه شمسی

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

دعوت برای ژرف نگری در سایه های پدیده های مادی، می تواند إشعار به مطالعه در منظومه شمسی باشد; چه اینکه گردش سایه اجسام، معلول خود آنها نیست; بلکه حاصل طلوع و غروب و گردش منظومه شمسی است.

معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءانًا سیّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو کلّم به الموتی

<تسییر> (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قطّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدی الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أنّ ...> جمله ای نظیر <لم یهتدوا إن لم یشأ الله> است.

منشأ حرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۵

۵- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملنهم فی

البرّ و البحر

منشأ حرکت ابر ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۷

۷ خداوند ، گسیل دهنده ابر ها و نازل کننده باران

یرسل السماء علیکم مدرارًا

مراد از <سماء> به مناسبت مورد، ابر است و <مدراراً> صیغه مبالغه و به معنای بسیار بارنده می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۲

۲ - نقش عظیم باد ها و حرکت نرم آنها در آسمان ، در شگل گیری توده های سنگین ابرها

و الذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا

<جاریات> مانند دو وصف قبل، می تواند مربوط به بادها باشد; یعنی، <اقسم بالریاح الجاریه فی السماء یسراً>. برداشت بالا برپایه این احتمال است.

منشأ حرکت ابر های باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۳

۳ - حرکت نرم توده های سنگین بار ابر در فضا با وزش باد ها ، امری الهی و شایان تأمل

فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا

در صورتی که <جاریات> وصف ابرها باشد، از ملاحظه <وقراً> (سنگین باری ابرها) و <یسراً> (حرکت نرم ابرها علی رغم سنگین باری آنها)، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۶

۶- خدا ، مبدأ آغازین حرکت انسان ها است .

و إلینا ترجعون

برداشت یاد شده از واژه <رجوع> استفاده می شود; زیرا برای هر رجوع و بازگشتی، نقطه آغازین خواهد بود.

منشأ حرکت باد ها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۹

۹ - تغییر و تحول در حرکت باد ها ، امری الهی و در راستای درس آموزی بشر

و تصریف الریح

با توجه به واژه <تصریف> که به معنای تغییر و دگرگونی از حالتی به حالتی دیگر است برداشت بالا به دست می آید.

منشأ حرکت زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۴،۷

۴- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که <ذللاً> حال برای فاعل فعل <فاسلکی> که ضمیر <أنت> است باشد.

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربّک ذللاً

منشأ حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴،۵

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستاندن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکنًا

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مدّ الظلّ .

.. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

منشأ حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا ، به اذن خدا و تحت فرمان او است .

و الفلک تجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که لام در <لکلّ صبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۵

۵ سفر های دریایی با کشتی های بادبانی ، در گرو وزش باد های ملایم و موافق

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبه

منشأ حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۸

۸ - حرکت کشتی ها در دریا ها ، به امر خداوند است .

یرسل الریاح . .. و لتجری الفلک بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

- ۳۱ - ۳

۳ - خداوند ، فراهم آورنده اسباب و وسایل حرکت کشتی ها در دریا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه

<با> در <بنعمت> می توانـد برای مصاحبه و یا برای تعدیه و یا برای سـبب باشد. برداشت بالا، بر اساس احتمال سوم است. لازم به ذکر است که <بنعمت اللّه> براساس یاد شده، احسانِ خداوند در تهیه اسباب حرکت کشتی ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۳

۳ - حرکت کشتی ها بر پهنه آب های دریا ، به امر و فرمان الهی

لتجری الفلک فیه بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>)به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال. ..> در ادامه <یوم ینفـخ فی الصور...> می توانـد به منظور بیان رخـدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که

ایستا و غیرقابل حرکت اند; در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت ماهی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله ، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایسبتون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلک> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

۱۲ حرکت ماهیان و تعیین مسیر حرکتشان در دریا ، به دست خدا و در اختیار اوست .

إذ تأتیهم . .. لا تأتیهم کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

نعمت حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۳

۳ - حرکت انسان ها ، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن ، از

نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لکم الأرض ذلولاً فامشوا فی مناکبها

مقصود از <مناکب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها ، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلی ربّک کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ قبضنه إلینا قبضًا یسیرًا

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است; ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا ، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سخّر لکم البحر لتجری الفلک فیه بأمره

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

نقش حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الّيل و النهار ءايتين . .. و كلّ شیء فصّلنه تفصيلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء.

..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

نقش حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الّیل و النهار ءایتین . .. و کلّ شیء فصّلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء. ..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

حرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرم

احکام حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲،۳،۱۲

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک

صیاماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه

بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۲۱

۲۱ ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا ، سبب نامگذاری آن به بیت اللّه الحرام

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت اللّه الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین ان یدخلوه.

علل الشرایع، ص ۳۹۸، ح ۱، ب ۱۳۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

احکام حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۱،۱۰

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرُم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

امنیت حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱،۲،۴

۱ - مکه ، به خواست خداوند ، حرمی امن است .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا

۲ - امنیت مکه حتی پیش از ظهور اسلام ، برخاسته از خواست خدا بوده است .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا

۴ - مردم جزیره العرب ، به حفظ حرمت

و امنیت مکه ، پابند بوده اند .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا و یتخطّف الناس من حولهم

صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲،۳،۱۷

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لاتقتلوا الصید و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره

۱۷ صید های انجام شده پیش از تشریع کفاره شکار ، جریمه ای ندارد .

فجزاء مثل ما قتل . .. عفا اللّه عما سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۳

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و

آشکار در محضر خداوند

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ماتکتمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری

است که در برداشت به آنها اشاره شد.

صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۱،۱۰

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرُم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

قبله اهل حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود : < البیت قبله لأهل المسجد و المسجد قبله لأهل الحرم و الحرم قبله لأهل الأرض فی مشارق ها و مغارب ها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است>.

کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال إنّما یکون الجزاء مضاعفاً فیما دون البدنه حتی یبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلاتضاعف لأنه

أعظم ما يكون ، قال اللّه عزّوجلّ : و من يعظّم شعائر اللّه فإنّهامن تقوى القلوب ;

از امام صادق(ع) روایت شده است[که در باره کفّاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود

تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود; زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزّوجلّ می فرماید:<و من یعظم شعائر اللّه...>».

گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لاتقتلوا الصید و انتم حرم . .. عفا اللّه عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله <عفا اللّه عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

محرمات حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲ - ۱،۲

۱ - شهر مکه ، دارای محرّماتی ویژه و احکامی خاص است .

لا أُقسم . .. و أنت حلّ بهذا البلد

جمله <و أنت حلّ . ..>، یکی از خصایص پیامبراکرم(ص) را بیان کرده است و آن اباحه برخی از اموری است که بر دیگران مباح نبود. بنابراین شهر مکه برای غیر پیامبر(ص)، احکامی ویژه و محرّماتی خاص دارد.

۲ - تکلیف پیامبر (ص) درباره محرّمات شهر مکه ، با دیگر مردم یکسان نبود .

و أنت حلّ بهذا البلد

<حِلٌّ> و <حَلالٌ>، به یک معنا است و به مردی که از احرام بیرون آمده و یا از حرم خارج شده باشد، <حَلال>

و <مُحِلّ> گفته می شود(مفردات راغب). بر این مبنا <حِلّ> بودن پیامبر(ص); یعنی، آنچه درباره مکه بر دیگران تحریم شده، برای آن حضرت مباح است. در این معنا جمله <و أنت حلّ>، مستأنفه خواهد بود. مشهور گفته اند: محرمات مکه برای حضرت رسول(ص)، تنها در <لحظه ای از روز فتح مکه> مباح شد و در غیر آن زمان با دیگران یکسان بوده است.

حروف مقطعه تبعیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{حروف مقطعه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۱

۱ - < عن علی بن الحسین (ع) فی دعاء له : الهی و سیدی . . . قلت : . . . < الم ذلک الکتاب لاریب فیه . . . > ثنیت بالکتاب مع القسم الذی هو اسم من اختصصته لوحیک و استودعته سرّ غیبک . . . ;

از امام سجاد (ع) روایت شده که در ضمن دعایی به درگاه خدا عرض کرد: ای معبود من! و ای سید من! . .. فرمودی: ... <الم ذلک الکتاب ...>]و بدین طریق[سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱ - ۱

۱ < الم > در سوره آل عمران ، یعنی منم خداوند مجید .

الم

امام صادق(ع): <الم> فی اول آل عمران، فمعناه انا اللّه المجید.

معانی الاخبار، ص ۲۲، ح ۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح

۱ ; نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۲ .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱ - ۱

۱ عن الصادق(ع): . .. و <المص> فمعناه: أنا الله المقتدر الصادق ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. <المص> یعنی، من خدای توانمند راستگو هستم ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۱،۸

۱۱ . ل . ر . از رمز های قرآن

الر

۸ حروف مقطعه قرآن (الر) بخشی از آیات با عظمت قرآن

الر تلک ءایت الکتب المبین

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که <تلک> اشاره به <الر> باشد ; یعنی: تلک الحروف آیات . ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱

۱۱ . ل . م . ر ، از رمز های قرآن

المر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱

۱- الر از حروف مقطعه قرآن

الر کتب أنزلنه إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۱

۱- < الر > از حروف مقطعه قرآن است .

الر تلك ءایت الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱ - ۱،۲،۳

۱- < کهیعص > از رمز های قرآن است .

کهیعص

۲- < عن جعفربن محمد (ع) قال : . . . و (کهیعص) معناه أنا الکافی ، الهادی ، الولیّ ، العالم ،

الصادق الوعد . . . ;

از امام جعفرصادق(ع) روایت شده که فرمود: . .. معنای <کهیعص> این است: من <کافی>، <هادی>، <ولیّ> <عالم> و <صادق الوعد> هستم>.

۳- < عن [امام] علی (ع) أنّه دعا فقال : اللّهم سألتک یا کهیعص ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که آن حضرت دعا کرد و فرمود: خدایا! از تو می خواهم ای کهیعص!>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۷

۷- < کهیعص > ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیعص . ذکر رحمت ربّک عبده زکریّا

گفته اند: <کهیعص> می تواند مبتدا باشد و <ذکر>، خبر آن. در این صورت خود <کهیعص>، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱ - ۱،۲،۳

۱- < عن جعفربن محمد (ع) قال : . . . و أمّا < طه > فاسم من أسماء النبی (ص) و معناه : یاطالب الحقّ الهادی إلیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود:. .. و اما <طه> نامی از نام های پیغمبر(ص) است و معنایش این است: ای طالب حق که هدایت کننده به سوی حق هستی>.

۲- < عن جعفربن محمدالصادق (ع) : قوله عزّوجلّ : < طه > أی طهاره أهل بیت محمد (صلوات اللّه علیهم) من الرجس ;

از امام صادق(ع) روایت شده <طه> در سخن خداوند اشاره به طهارت اهل بیت محمد(ص) از رجس و پلیدی است>.

۳- عن جعفربن محمد (ع) (

انّه قال لمحمدبن مسلم) إذا أتيت مشهد أميرالمؤمن ين (ع) . . . قل . . . السلام عليك يا طه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که (به محمدبن مسلم) فرمود:. .. هرگاه به زیارت مرقد امیرالمؤمنین(ع) رفتی... بگو... السلام علیک یا طه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱ - ۱

۱ - < سفیان بن السعید الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد (ع) . . . یابن رسول اللّه ما معنی قول اللّه عزّوجلّ . . . طسم . . . ؟ قال (ع) : فمعناه أنا الطالب السمیع المبدئ المعید . . . ;

سفیان بن سعید ثوری گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . .. ای فرزند رسول خدا! معنای سخن خدای عزّوجلّ <طسم> چیست؟ فرمود: معنایش این است: أنا <الطالب>، <السمیع>، <المبدئ المعید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إنّ الحروف المفتّحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إنّ

الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره هـا با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السـلام روایت شده : < إنّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره هـا با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السـلام روایت شده : < إنّ الحروف المفتّحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره هـا با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱ - ۱

۱ - < عن سفیان بن سعیدالثوری قال : قلت لجعفربن محمد . . . یابن رسول اللّه ، ما معنی قول اللّه عزّوجلّ

. . . یس . . . قال (ع) . . . و أما < یس > فإسم من أسماء النبی (ص) . . . ;

سفیان بن سعید ثوری می گوید: از امام صادق(ع) از معنای <یس> سؤال کردم. .. فرمود:... <یس> نامی از نام های رسول خدا(ص) است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۶

۶ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إنّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتّحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی

بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره هـا با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲ - ۱

۱ از ائمّه علیهم السـلام روایت شـده : < انّ الحروف المفتحه بهـا السور من المتشابهات التی إسـتاثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلاّ هو ;

حروف [مقطعه] که سوره هـا با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱ - ۱

۱ - < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات الّتی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامـان مـا(ع) روایت شـده است: این هـا (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خـدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱ - ۱

۱- < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها

آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱ - ۱

۱ - < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱ - ۱

۱- < المروی عن أئمتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۶

۶ < المرویّ عن أئمّتنا علیهم السلام انّها من المتشابهات الّتی استأثر اللّه تعالی بعلمها و لایعلم تأویلها إلاّ هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر

از او کسی نمی داند>.

اهمیت حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۶

۶ از امام باقر (ع) روایت شده که درباره فواتح سور فرمود : < ان هذه الأیات أنزلت فیهم < منهم آیات محکمات هنّ أم الکتاب و أخر متشابهات > > ;

آیه <منه آیات محکمات هن أم الکتاب و أخر متشابهات> درباره همین حروف مقطعه نازل شده است>.

عظمت حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۲

۲- < الف ، لام ، را > از زمره آیات قرآن کریم بوده و دارای عظمت است .

الر تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <الر> مبتدا و جمله <تلک آیات الکتاب> خبر آن باشد.

علم به حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۵

۵ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < ان الحروف المفتحه بها السور من المتشابهات التی إستأثر اللّه تعالی بعلم ها و لایعلم تأویل ها إلا هو ;

حروف]مقطعه[که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند>.

فلسفه حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۱،۲،۴

۱ - < عن علی بن الحسین (ع) فی دعاء له : الهی و سیدی .

. . قلت : . . . < الم ذلک الکتاب لاریب فیه . . . > ثنیت بالکتاب مع القسم الـذی هو اسم من اختصصـته لوحیک و اسـتودعته سرّ غیبک . . . ;

از امـام سـجاد (ع) روایت شـده که در ضـمن دعـایی به درگاه خـدا عرض کرد: ای معبود من! و ای سـید من! . .. فرمودی: ... <الم ذلک الکتاب ...>]و بدین طریق[سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ...>.

۲ - از امـام صـادق (ع) روایت شـده که فرمـود : < الم > رمز و اشـاره بینه و بین حـبیبه محمـد (ص) أراد أن لاـ یطلع علیه سواهما . . . ;

<الم> رمز و اشاره است بین خدا و حبیب خود، محمد (ص) که خواسـته است هیچ کس غیر از خود و رسولش، از آن آگاه نشود . ..>.

۴ - از امـام صـادق (ع) روایت شـده که فرمـود : < الم > هـو حرف من حروف اسم اللّه الأـعظم المقطع فی القرآن ، الـذی یؤلفه النبی و الإمام فإذا دعا به أجیب . . . ;

<الم> حرفی از حروف اسم اعظم خـداست که در قرآن تقطیع شـده است و پیامبر و امام آن را ترکیب می کنند. پس هرگاه خدا را با آن بخوانند دعایشان مستجاب می شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۱۰

۱۰- < عن جابربن عبدالله الأنصاری

قال : . . . وجدت . . . سیدی علی بن الحسین (ع) . . . یدعو . . . و قال : إلهی و سیدی . . . و قلت : . . . < ألر تلک آیات الکتاب > . . . ثنیت بالکتاب مع القسم الذی هو اسم من اختصصته لوحیک و استودعته سرّ غیبک ;

از جابربن عبدالله أنصاری روایت شده است که گفت: آقا و سرورم علی بن الحسین(ع) رایافتم در حالی که . .. دعا می کرد ... و می گفت: ای معبود من و ای سید من!...تو فرمودی:... <ألر تلک آیات الکتاب> [و بدین طریق]سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ...>.

مراد از حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۵

۵ سفیان بن سعید ثوری گوید : < قلت لجعفر بن محمد . . . یا ابن رسول اللّه ما معی قول اللّه عز و جل : < . . . الر . . . > قال : . . . و الر ، فمعناه انا اللّه الرؤوف ;

به امام صادق (ع) گفتم: . .. معنانی قول خدای عز و جل: < ... الر ... > چیست؟ فرمود: معنای <الر> انا اللّه الرؤوف است (<الف> رمز أنا و <لام> رمز اللّه و <راء> رمز رؤوف) >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ ((عن سفيان بن سعيد الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد (ع) . . . يا بن رسول الله ما معنى قول الله عزوجل : ((. . . الر . . .)) قال : . . . الر فمعناه أنا الله الرؤوف ; ۱

سفیان بن سعید ثوری گوید: به جعفر بن محمد(ع) گفتم : . . . ای فرزند رسول خدا! معنای قول خدای عزوجل : ((. . . الر . . .)) چیست ؟ فرمود: . . . معنای الر، أنا الله الرؤوف است (یعنی الف رمز أنا و لام رمز الله و راء رمز رؤوف می باشد))).

۱۲ ((عن أبی جعفر (ع) قال : إن حُیی بن أخطب و أخاه أبایاسر بن أخطب و نفراً من الیهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : ألیس فیما

از امام باقر(ع) روایت شده است که حُیی بن اخطب و برادرش ابویاسر و چند تن از یهود نجران نزد رسول خدا(ص) آمدند و گفتند: آیا در میان آنچه می گویی بر تو نازل شده ((الم)) نیست ؟ فرمود: چرا . . . آن گاه حُیی به آن حضرت گفت : آیا غیر از ((الم)) نیز هست ؟ فرمود: آری گفت : بیاور، فرمود: ((الر))، گفت : . . . الف یک ، لام سی و راء دویست . . . ، امام باقر(ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکماتند که آنها اساس کتابند و

بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حُیی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند)).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۶

۱۶ < عن سفیان . . . الثوری ، قال : قلت لجعفربن محمد . . . یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : . . . < المر > . . . قال (ع) : . . . فمعناه : أنا الله المحیی المیت الرازق . . . ;

از سفیان ثوری روایت شده است: به جعفربن محمد (امام صادق(ع)) گفتم: ای فرزند رسول الله معنای سخن خداوند عزوجل:. .. <المر> چیست؟...حضرت فرمود:... معنای آن این است که من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده ام ...>. مراد از روایت این است که: <الف> رمز <أنا>، <ل> رمز <الله>، <م> رمز <محیی و ممیت> و <ر> رمز <رازق> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱ - ۱

۱ - < سفیان بن السعید الثوری قال : قلت لجعفربن محمد (ع) . . . یابن رسول اللّه ما معنی قول اللّه عزّوجلّ : . . . طسم . . . قال (ع) . . .معناه أنا الطالب السمیع المبدئ المعید . . . ;

سفیان بن سعید ثوری می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! معنای سخن خداوند عزّوجلّ. .. <طسم> چیست؟ فرمود: معنای آن این است: أنا <الطالب>، <السمیع> و <المبدئ المعید>...>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۶

۶ - < عن سفیان بن السعید الثوری ، قال : قلت لجعفربن محمدبن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب . یابن رسول اللّه ما معنی قول اللّه عزّوجلّ . . . و طس . . . قال (ع) . . . و أمّا طس فمعناه أنا الطالب السمیع . . . ;

سفیان ثوری گوید از امام باقر(ع) از معنای <طس> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: معنای آن أنا <الطالب> و <السمیع> می باشد. ..>.

حریر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حریر

حریر ضخیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

حریر نازک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژهای <ثیاباً> و <خضراً> و <سندس> دال بر تفخیم است، از

همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

علاقه به لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۸

۸ - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها ، به زیور آلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

یحلّون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤًا و لباسهم فیها حریر

لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقواپیشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار . .. و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

<جنّه> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته

از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالاپوش است.

۲ - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و إستبرق

لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیابًا خضرًا من سندس و إستبرق

کلمه <إستبرق> معرب <إستبر> فارسی است. و به معنای <دیبای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷ - پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۶

۶ - لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

حزب الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۱،۲،۶

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، از زمره حزب اللّه (یاران و پیروان خدا)

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

<الذین ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۲ دوستداران خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، از زمره حزب خدا

و من یتول اللّه و رسوله و

الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

بدان احتمال که <تولی> به معنای دوست داشتن باشد.

۶ اطاعت از خدا و رسول و مؤمنان واجد شرایط ، محور تشکل حزب اللّه

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۶،۲۷

۲۶ - انسان ها ، در بینش الهی دو دسته اند : حزب خدا و حزب شیطان .

أُولئک حزب الشیطن . .. أُولئک حزب اللّه

۲۷ - مؤمنان راستین ، حزب خدا هستند .

أُولئک حزب اللّه

اطمینان حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۹

۹ حزب خدا ، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب اللّه هم الغلبون

پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۴

۴ پیروزی حتمی تنها از آن حزب اللّه (یاران و پیروان خدا) است .

فان حزب اللّه هم الغلبون

ضمیر فصل <هم>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشیطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

حتمیت پیروزی حزب الله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

حتمیت رستگاری حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

رستگاری حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشیطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

شجاعت حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۹

۹ حزب خدا ، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب اللّه هم الغلبون

فرجام حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

فضایل حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا

إنّ حزب اللّه هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشیطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

حزن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حزن

{حزن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

ایمان و حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۸

۸ ناسازگاری ایمان آدمی با تن دادن او به سستی و اندوه در هنگامه های دشوار و رویارویی با دشمن

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

در براشت فوق، جمله <و لا تهنوا و لا تحزنوا>، به منزله جواب شرط <ان کنتم . .. > گرفته شده است.

حزن در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

حزن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۷

۱۷ نگرانی پیامبر (ص) ، از هدایت نیافتن مشرکان و اعلام خداوند ، به اینکه هدایت

به دست اوست ، نه پیامبر (ص) .

لیس لک من الامر شیء

رسول اللّه (ص) در پی شکست دندان مبارکش توسط مشرکان در جنگ احد فرمود: کیف یفلح قومٌ فعلوا هذا بنبیّهم؟ در این هنگام آیه فوق نازل شد.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۱۲.

حزن همسر عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۳

۳ تأسف و اندوه همسر عمران ، به گمان عدم پذیرش نذرش

انّی نذرت . .. قالت ربّ انّی وضعتها اُنثی

عوامل حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۳

۳ شکست در جنگ ، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود .

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲

۲ سختی و جراحت های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب حزن و یا سستی در پیکار با آنان گردد .

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح

عوامل رفع حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۵

۵ توجّه به سنّت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسیروا . .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله <و لا تهنوا . .. >، عطف بر جمله <فانظروا کیف ...> باشد، معنای

این دو آیه چنین می شود: شما محزون نباشید، عاقبت تکذیب کنندگانِ آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

حس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حس

آثار حس گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ نگرش مادی در مورد خداوند و بهانه جویی در مقابل پیامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

یسئلک أهل الکتب . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای

محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

ابداع حس بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

ابداع حس شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

اقرار حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلّا سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلّا سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود; یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند; بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

بینش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ

، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلّا سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلّا سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود; یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند; بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

حس شنوایی و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۵

۵- حسِّ شنوایی ، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد . *

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

به خواب بردن را با <زدن حجاب و مانع بر گوش ها> بیان کردن که مفاد <ضربنا. ..> است می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حسِّ شنوایی وجود دارد.

حس گرایی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱

۱ - شناخت و آگاهی اکثریت مردم ، محدود به مظاهر ناچیزی از زندگی دنیا است .

یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا

نکره آوردن واژه <ظاهراً> به منظور تحقیر و بیان بی ارزش بودن ظاهر زندگی دنیا است.

حس گرایی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

يسئلك أهل الكتب ان تنزل عليهم كتباً من السماء . .. فقالوا أرنا اللّه

حس گرايى بنى اسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۴

۴ - بنى اسرائيل ، دارای روحيه حس گرايى

بودند .

حتی نری اللّه جهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرایی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین . قال فأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۹

۹ - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرحًا لعلّی أطّلع إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۴

۴ - تصور نـادرست فرعون ، از حقیقت خداونـد و اعتقـاد باطـل وی به وجود او در آسـمان هـا و انحصار راه خـدا شناسـی در محسوسات

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداونـد، به کـاوش در آسـمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آیـد که او خـدا را موجودی می دانست که اولاً در آسـمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسـمانی (أسـباب السماوات) قابل شناخت است.

حس گرایی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲ - بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل یسمعونکم . .. أو ینفعونکم أو یضرّون

حس گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۷

۷- قوم عاد ، روی گردان از تفکّر در پیام هود (ع) و منتظر مشاهده دلایل حسی *

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

برداشت بالا بـدان احتمال است که درخواست عـذاب، صـرفاً به دلیل اسـتهزا نباشد; بلکه از آن جهت باشد که هود(ع) بدانان وعده عذاب می داد و آنان می گفتند: تا آنچه را تو وعده می دهی به چشم خود نبینیم، باور نخواهیم داشت.

حس گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و

بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و مملوس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران ،

حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

حس گرایی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حس گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۶،۷

۶ مشرکان ، معتقد به جسمانیت خدا و قابل مشاهده بودن او

أو نری ربّنا

۷ مشرکان ، مردمانی حس گرا در عقیده و اندیشه و منکر حقایق ماورا ، محسوسات

أو نری ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۵،۸

۵ - مشرکان ، بی اعتقاد نسبت به دلایل عقلی و روشن معاد و خواهان مشاهده حسی امور

و ما یهلکنا إلاّ الدهر . .. ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا ائتوا بابائنا

درخواست زنـده شـدن پـدران، در حقیقت ناشـی از روحیه حسّ گرایی مشـرکان است. مفـاد آیه قبل (مایهلکنا إلاّ الـدهر) نیز تأیید و گواهی بر این مدعا است.

۸ - حقانیت معاد از

نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا ائتوا بابائنا إن کنتم صدقین

حس گرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۱۰

۱۰- اتکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۴،۸

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... یکون لک بیت من

۸- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتی تفجر لنا . .. حتی تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب . .. و ما يجحد بأيتنا ... و قالوا لولا أنزل

علیه ءای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۳

۳- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن کنتم صدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

حس گرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلک أهل الکتب ان تنزل علیهم کتباً من السماء . .. فقالوا أرنا اللّه

فواید حس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۳

۱۳ حس ، از ابزار شناخت

فانظر الی طعامک . .. و انظر الی حمارک ... و انظر الی العظام

حس گرایان

اقرار حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلّا سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلّا سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود; یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند; بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

بینش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ

، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلّا سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلّا سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود; یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند; بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

حس گرایی

آثار حس گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ نگرش مادی در مورد خداوند و بهانه جویی در مقابل پیامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

یسئلک أهل الکتب . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرایی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱

۱ – شناخت و آگاهی اکثریت مردم ، محدود به مظاهر ناچیزی از زندگی دنیا است .

یعلمون ظهرًا من الحیوه

الدنیا

نکره آوردن واژه <ظاهراً> به منظور تحقیر و بیان بی ارزش بودن ظاهر زندگی دنیا است.

حس گرایی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلک أهل الکتب ان تنزل علیهم کتباً من السماء . .. فقالوا أرنا اللّه

حس گرایی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، دارای روحیه حس گرایی بودند .

حتی نری اللّه جهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی)

به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرایی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین . قال فأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۹

۹ - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرحًا لعلّی أطّلع إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۴

۴ - تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

حس گرایی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲ - بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل یسمعونکم . .. أو ینفعونکم أو یضرّون

حس گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۷

۷- قوم عاد ، روی گردان از

تفکّر در پیام هود (ع) و منتظر مشاهده دلایل حسی *

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

برداشت بالا بدان احتمال است که درخواست عذاب، صرفاً به دلیل استهزا نباشد; بلکه از آن جهت باشد که هود(ع) بدانان وعده عذاب می داد و آنان می گفتند: تا آنچه را تو وعده می دهی به چشم خود نبینیم، باور نخواهیم داشت.

حس گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و مملوس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

حس گرایی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حس گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۶،۷

۶ مشرکان ، معتقد به جسمانیت خدا و قابل مشاهده بودن او

أو نری ربّنا

۷ مشرکان ،

مردمانی حس گرا در عقیده و اندیشه و منکر حقایق ماورا ، محسوسات

أو نری ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۵،۸

۵ - مشرکان ، بی اعتقاد نسبت به دلایل عقلی و روشن معاد و خواهان مشاهده حسی امور

و ما یهلکنا إلاّ الدهر . .. ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا ائتوا بابائنا

درخواست زنده شدن پدران، در حقیقت ناشی از روحیه حسّ گرایی مشرکان است. مفاد آیه قبل (مایهلکنا إلاّ الدهر) نیز تأیید و گواهی بر این مدعا است.

۸ - حقانیت معاد از نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا ائتوا بابائنا إن کنتم صدقین

حس گرایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۱۰

۱۰- اتکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۳ – ۴،۸

۴– مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل

فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... یکون لک بیت من

۸- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتی تفجر لنا . .. حتی تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا ... و قالوا لولا أنزل علیه ءای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۳

۳- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن کنتم صدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

حس گرایی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلک أهل الکتب ان تنزل علیهم کتباً من السماء . .. فقالوا أرنا اللّه

حسابرسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسابرسی

آثار ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب . .. أُولئک لهم عقبی الدار

آثار تکذیب حسابرسی

اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۷

۷ - انکار معاد و روز حسابرسی ، مستلزم باطل و بی هدف دانستن آفرینش جهان است .

بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

یادآوری این نکته که ما جهان را بی هدف نیافریده ایم پس از طرح مسأله فراموشی روز حساب می رساند که نسیان و انکار معاد با هدف مندی و حق مداری جهان، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵ - انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

آثار حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أمه تدعی إلی کتابها> درصدد بیان علت <کلّ اُمّه جاثیه> باشد.

آثار حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ – محاسبه اعمال و مراقبت بر کردار ، هم ریشه در تقوا دارد و هم روحیه تقوا را رشد داده ، شکوفا می سازد .

و لتنظر نفس . .. و اتّقوا اللّه

از قرار گرفتن عبارت <و لتنظر. ..> در میان دو <اتّقوا اللّه>،

استفاده می شود که محاسبه نفس از یک سو، متکی به تقوا است و از سوی دیگر عامل شکوفایی و تکامل آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حسابرسی و سنجش نهان کاری ها و نیت های انسان ، مایه ناتوانی او از هرگونه دفاع و محرومیت او از کمترین یار و یاور در قیامت

یوم تبلی السرائر . فما له من قوّه و لا ناصر

حرف <فاء> در <فما له من. ..>، نبود قوت و ناصر را بر <تبلی السرائر> تفریع کرده و آن را نتیجه حسابرسی قرار داده است; یعنی، روز قیامت با متمایز شدن سریره های نیک و بد، راهی جز پذیرفتن جزای آن برای انسان باقی نمی ماند; زیرا نه او را یارای انکار است و نه کسی به حمایت از او برخواهد خاست.

آثار ذکر حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - توجّه به محاسبه دقیق اَعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

آثار ذکر حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۳

۳ - توجّه به حسابرسی و مسؤولیت در برابر نعمت ها ، بازدارنده انسان از دل خوشی به فراوانی آن و زمینه ساز ترک افتخار بر دیگران است .

ألهیکم التکاثر. .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

آثار علم به حسابرسی عمل

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۳

۳ - آشنایی با مرحله حسابرسی نامه های اعمال ، زمینه ساز باور انسان به تغییرپذیر بودن حالات خویش است .

فلا أُقسم

جمله <طبقاً عن طبق> (در آیات بعد) که سوگندهای مکرر این آیات مربوط به آن است از دگرگونی حالات انسان خبر می دهد و حرف <فاء> در <فلا اُقسم> این مجموعه را بر آیات پیشین که درباره محاسبه نامه های اعمال بود تفریع کرده است; یعنی، حال که از حساب و کتاب آگاه شدید، بدانید که دگرگونی حالات حتمی است.

آثار غفلت از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

ارزش ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۷

۷- ترس از حسابرسی خداوند و وعید او ، امری ارزشمند و مورد تشویق خداوند

ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

اهمیت ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۷

۷ – لزوم ایمان به ثبت کردار انسان در نامه اعمال و حسابرسی آن در قیامت

و أمّا من أُوتی . .. و أمّا من أُوتی ... فما لهم لایؤمنون

اهمیت ترس از

حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۸

۸ - ضرورت بیم داشتن از حسابرسی اعمال

و أمّا من خاف مقام ربّه

اهمیت حسابرسی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اَعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها ، لازم است .

و من أظلم ممّن . .. نسی ما قدّمت یداه

اهمیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۵

۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اَعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها ، لازم است .

و من أظلم ممّن . .. نسی ما قدّمت یداه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۳

۳ - حساب رسی اعمال ، مهم ترین ویژگی قیامت و فلسفه برپایی آن

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

از این که از میان مجموعه مسائل

قیامت، مسأله حساب رسی مورد توجه مؤمنان قرار گرفته است; می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۱

۱ - توجه به هشدار های قرآن درباره بررسی نامه های عمل و پیامد های آن ، برای ایمان آوردن کافی است .

فما لهم لایؤمنون

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه های قبل تفریع کرده است; یعنی، پس از گوشزد شدن خطرها ایمان نیاوردن توجیه ناپذیر است.

اهمیت عقیده به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لاتشرک باللّه . .. یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت بها اللّه

ایمان به حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردار ها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

علیکم انفسکم . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

ایمان به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه -

۶۹ - ۲۰ - ۱،۵

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

۵ - ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت مندی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهده نامه اعمال خویش است .

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه . إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّی ظننت. ..> در مقام تعلیل برای جمله <فیقول هآؤُم ...> باشد.

پاداش بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح ، شرط بهرهوری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

تذکر حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۵ – ۴

۴- تبیین آیات الهی در طبیعت و تذکر به محاسبه اعمال در قیامت ، برای هدایت آدمیان

است .

و جعلنا الّیل و النهار ءایتین . .. اقرأ کتبک ... من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

تذکر حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۹

۹ شعیب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان ، آگاهی او بر اعمال باشد ، جمله <إن ربی . ..> کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

تذکر حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - توجه دادن انسان به محاسبه اعمال اش در نزد خداوند ، زمینه ساز پابندی وی به توحید و پیروی کردن از انسان های خداجو است .

و إن جهداک علی أن تشرک بی . .. فلاتطعهما ... و اتّبع سبیل من أناب إلیّ ثمّ إلیّ

ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۷۸

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكّر أَولُوا الألبب . .. الذين ... يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۳

۳ هراس انسان در قيامت ، از حضور در دادگاه عدل الهى *

و جاءت كلّ نفس

معها سائق

برداشت یاد شـده بـدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۲

۲ - پرهیز از طغیان گری ، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی ، مصداق تقواپیشگی است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا ... إنّ للمتّقین مف

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزّه بودن از صفات طغیان گران، تقواپیشگی است.

ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۶

۶- کسانی از امداد های ویژه خداوند برخوردار می شوند که از مقام الهی (حسابرسی) و وعید او ترس داشته باشند .

و لنسکننّکم الأرض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

<مقام> اسم مکان است و به قرینه ترس و وعیـدی که به دنبال آن آمـده است می توانـد به معنای مکان قیام برای حسابرسـی باشد.

تشویق به ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۷

۷- ترس از حسابرسی خداوند و وعید او ، امری ارزشمند و مورد تشویق خداوند

ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

تعدد آیات حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم

درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

تعدد ابزار حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۳

۳- ابزار سنجش اعمال (میزان) در قیامت ، متعدد است .

و نضع الموزین القسط

<موازین> (جمع <میزان>) به معنای ترازوها است و جمع آمدن آن دلیل بر تعدد است. هرچند میان مفسران در باره چگونگی متعدد بودن ترازوهای قسط و عدل اختلاف هست.

تعدد حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۶

۶ - رسیدگی به کار های انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صفًّا صفًّا

تقسیم بندی حسابرسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۶

۶ - رسیدگی به کار های انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صفًّا صفًّا

حتمیت حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۹

۹ علم الهی ، به زوایای وجود آدمی ، پشتوانه برپایی قیامت و حساب رسی و مؤاخذه انسان *

و نحن أقرب إليه من حبل الوريد

در آیات پیشین برای اقامه برهان معاد به دو نکته اشاره شده است: نخست قدرت خداوند و سپس علم او. اکنون دراین آیات، تعبیر <أفعيينا...> به قدرت

و <نعلم ما توسوس...> به علم الهی نظر دارد.

حتمیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۳

۳ - بازگشت به سوی خدا و حضور در دادگاه قیامت ، برای محاسبه و مجازات ، امری حتمی و غیر قابل اجتناب است .

ثمّ تردّون إلی علم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

حتمیت حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۲

۲ - حسابرسی از نعمت ها در قیامت ، اجتناب ناپذیر و بیرون از اختیار انسان ها است .

ثمّ لتسئلنّ

مجهول بودن <لتسئلنّ>، اشاره به نکته یاد شده دارد.

حتمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۲

۲- حسابرسی اعمال مردم ، قریب الوقوع و تخلف ناپذیر است .

اقترب للناس حسابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۵

۵ - بازگشت به خداوند جهت محاسبه اعمال ، امری گریزناپذیر است .

و إلی اللّه ترجع الأُمور

به کارگیری

فعل مجهول (ترجع) بیانگر آن است که مسأله بازگشت به محضر خداوند، دل بخواهی نبوده و انسان ها چه بخواهند و چه نخواهند به حضور او بازگشت داده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۲

۲ - حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین . کلّاإنّ کتب الفجّار ... کلّاإنّ کتب الأبرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت روز بی ثمر ماندن نیرو های درونی و بیرونی انسان ، در برابر حسابرسی کار های پنهانی او است .

فما له من قوّه و لا ناصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، حسابرسی اعمال مردم را بر خود لازم شمرده است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حسابرسی اخروی از مکذبان الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه -

۴۵ - ۲۹ - ۳

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحقّ

حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

يمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵،۷

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و یخافون سوء الحساب

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۹

۹- اهمیت و عظمت موقعیت حسابرسی انسان ها در قیامت *

ربّنا اغفرلی . .. یوم یقوم الحساب

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در میان موقعیتها و صحنه های گوناگون روز قیامت تنها از وقت حسابرسی یاد کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۷

۷- انسان ها ، در قیامت در برابر اعمال خود بازپرسی می شوند .

و لتسئلنّ عمّا کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۶

۶- انسان در برابر رفتار و کردار خویش ، مسؤول بوده و در قیامت مورد مؤاخذه و بازخواست قرار خواهد گرفت .

اقترب للناس حسابهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حسابرسی آن گاه معقول و متصور است که مسؤولیت و بازخواهی در کار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۵

۵ - انسان ها پس از زنده شدن در قیامت ، بی هیچ فاصله و تأخیری برای حسابرسی به پیشگاه خداوند احضار می شوند .

فإذا هم من الأجداث إلی ربّهم ینسلون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از حرکت سریع انسان ها به سوی پروردگار، احضار آنان

برای حسابرسی است. گفتنی است که به کار رفتن <إذا>ی فجائیه، می رساند که این حسابرسی بی هیچ فاصله ای پس از نفخ صور انجام خواهد پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فإذا هم جميع لدينا محضرون . فاليوم لاتظلم نفس شيئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹،۲۱

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فينبّئكم بما كنتم تعملون إنّه عليم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه عليم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فينبّئكم بما كنتم تعملون> است; یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

۲۱ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثمّ إلى ربّكم مرجعكم فينبّئكم بما كنتم تعملون إنّه عليم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

يومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

يوم يخرجون من الأجداث سراعًا كأنّهم إلى

نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۱

۱ - انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلی ربّک یومئذ المساق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۳،۵

۳ - رسیدگی به حال انسان ها در قیامت ، از شؤون ربوبیت خداوند است .

کلّا إذا . .. و جاء ربّک

۵ - فرشتگان ، مأمور رسیدگی به امور انسان ها در قیامت

و الملک صفًّا صفًّا

از جمله <یومئذ یتذکّر الإنسان> در آیه بعد، معلوم می شود که حضور فرشتگان در قیامت در رابطه با کار انسان ها است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی

رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

حسابرسی اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر

و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

حسابرسی اخروی سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) إذا نشرت الدواوین و نصبت الموازین لم ینصب لأهل البلاء میزان و لم ینشر لهم دیوان ثمّ تلا هذه الأیه < إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب>.

حسابرسی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

حسابرسی اخروی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه

برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است; یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۶

۶ - انسان ، مسؤول اندیشه ها و گرایش های خویش و مورد بازخواست از سوی خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی الذین کنتم تزعمون

حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردشان را به آنان نشان خواهد داد .

إلی اللّه مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۶

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا اللّه . .. یوم یجمع اللّه الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم . ..> پس از <اتقوا اللّه> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷،۸

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر

اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است; یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- خداوند ، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت إن الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنسئلنّهم . .. عمّا كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۱۴ – ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اَعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیّت خدا است .

و وضع الکتب . .. و لایظلم ربّک أحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۵ – ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اَعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اَعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۰ – ۶

۶ – رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه... إنّ ذلک فی کتب إنّ ذلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۲ – ۳

۳ – وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موزینه

<موازین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند

، در قیامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسی خواهد کرد .

و اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۰،۱۵

۱۰ - حساب رسی خداوند از اَعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

از این که به جای <یعلمها اللّه> فرموده است <یأت بها اللّه> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اَعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اَعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۴

۴ - هر کسی در قیامت پاسخگوی کردار و عمل خویش است .

لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ – خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما

کسبت . .. إنّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللّه الذی . .. المیزان و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۷

۷ - تمامی اعمال انسان ها در دادگاه الهی ، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ثمّ تردّون إلی . .. فیتّئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتار ها و کرده های انسان ها در قیامت ، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می کند. با خبر کردن انسان ها از تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۶

۶ -

احاطه علمی خداوند به همه موجودات ، پشتوانه دقیق بودن حسابرسی اعمال در قیامت

لایرجون حسابًا . .. و کلّ شیء أحصینه کتبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۵

۵ - انسان در دنیا ، پیش فرستنده دستاورد خویش و ذخیره سازنده آن برای صحنه حسابرسی اعمال

علمت نفس ما قدّمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - حرکت ها و کردار های انسان ، نزد خداوند حسابرسی خواهد شد .

کادح إلی ربّک کدحًا فملقیه

ملاقات با خداوند، به معنای حضور در نزد او برای حسابرسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۱،۵

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف یحاسب

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف یحاسب

فعل <یحاسب> به شخص استناد یافته است; نه به عمل; بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد; زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۵

۵ - مرحله سنجش اعمال

، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یکون الناس کالفراش . .. و تکون الجبال کالعهن المنفوش . فأمّا من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فأمّا> بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه . .. و أمّا من خفّت موزینه

چنانچه کلمه <موازین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

حسابرسی اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۳،۶

۳ - محاسبه اعمال ناروا در قیامت

و أمّا من خفّت موزینه

۶ - کردار های ناروا ، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفّت موزینه

جمع بودن <موازین>; بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

حسابرسی اخروی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون . .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

حسابرسی اخروی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان

بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

حسابرسی اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب . .. و وجد اللّه عنده فوفّیه حسابه

<توفیه> (مصدر

<وفّی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنّهم إلی نصب یوفضون

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلّا

حسابرسی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و یخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان

و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۵

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون . .. إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

حسابرسی اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و

قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

حسابرسی اخروی معرضان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر . .. یوم یدع الداع إلی شیء نکر

حسابرسی اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۲

۲ - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن یحور . بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

حسابرسی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه فیما بینه و بینه فیقول : عبدی ! فعلت کذا . . . قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً > ;

قاسم بن محمد از علی [بن أبی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود

و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ . .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزّوجلّ است <فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه . فسوف یحاسب حساباً یسیراً>».

حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۲

۲ - آگاهی تمام مردم ، از بی پایه بودن امتیازات مادی ، هنگام حسابرسی نعمت ها در قیامت

ثمّ کلّا سوف تعلمون

آخرین آیه سوره، بیانگر زمانی است که مفاد <سوف تعلمون> تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحیم . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

حسابرسی اخروی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

حسابرسی از امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱

۱ تمامی امتها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می گیرند.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

حسابرسی از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱،۳

۱ تمامی امتها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می گیرند.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

۳ تبلیغ تعالیم دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

عنوان <مرسلین> در جمله <و لنسئلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

حسابرسی از تجزیه کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

حسابرسی از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۵

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف یحاسب

فعل <یحاسب> به شخص استناد یافته است; نه به عمل; بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه

وجودی خاصی می بخشد; زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

حسابرسی از سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۵

۵ - سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسک بغیر حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <بغیر حساب> قید برای <فامنن أو أمسک> باشد.

حسابرسی از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب و کیفر الهی به دست می آید; زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

حسابرسی از عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - انسان ، نسبت به عقاید و باور های بنیادین خود ، مورد بازخواست خدا قرار خواهد گرفت .

قل هاتوا برهنکم

از این که خداوند، پیامبر(ص) را مأمور ساخت که از مشرکان، دلیل بطلبد، استفاده می شود که اصولاً خداوند انسان را در

برابر عقایدش بازخواست می کند و در برابر هر عقیده اصولی از او دلیل می طلبد.

حسابرسی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از

اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیک البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیک البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

حسابرسی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لایسل عمّا یفعل و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به <من عنده> بازگردد; که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لایسل عمّا یفعل و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به

<من عنده> بازگردد; که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لایسل عمّا یفعل و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به <من عنده> بازگردد; که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۳

۳ - عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل . .. و کان عهد اللّه مسئولاً

حسابرسی از موجودات با شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۶

۶- تمامی مخلوقات با شعور جهان ، موجوداتی مسؤول و مورد بازپرسی خداوند

و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <هم> <مَن> در <من فی السماوات> باشد.

حسابرسی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۵

۵ - رفتار اصحاب اخدود با مؤمنان و کردار تمام مجرمان ، از خداوند مخفی نبوده و حسابرسی خواهد شد .

و اللّه علی کلّ شیء شهید

بیان گواه بودن و آگاهی خداوند، تهدید مجرمان به رسیدگی به کردارشان است.

حسابرسی امت ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

حسابرسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - حسابرسی انسان ها ، تنها در اختیار خدا است .

إلیه ترجعون

تقدیم <إلیه> بر <ترجعون> می تواند مفید حصر باشد. گفتنی است: <إلیه ترجعون> می تواند کنایه از این حقیقت باشد که انسان ها، سرانجام، حسابرسی خواهند شد.

حسابرسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۸

۸ حسابرسی بندگان در شأن خداوند است نه وظیفه ای برعهده پیامبر (ص)

و علینا الحساب

تقدیم <علینا> بر <الحساب> دلالت بر حصر دارد. بنابراین <علینا الحساب> ; یعنی، حساب بندگان تنها برعهده ماست نه برعهده تو و نه غیر تو. قابل ذکر است که جمله <علینا الحساب> عطف بر <إنما علیک البلاغ> است نه بر <علیک البلاغ>، زیرا در این صورت <إنما> بر <علیک الحساب> داخل شده و معنای جمله چنین می شود: <فقط حسابرسی بر ماست نه چیز دیگر> و این معنا قطعاً مراد نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۳ – ۳

۳ – انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

أءنّا لمدینون

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۹ – ۶

– ۶

علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دلیل توانایی او بر حسابرسی سریع بندگان

إنّ اللّه سریع الحساب . .. یعلم خائنه الأعین و ما تخفی الصدور

برداشت یاد شده بر این اساس است که جمله <یعلم خائنه الأعین. ..> تعلیل برای جمله <إنّ اللّه سریع الحساب> باشد; یعنی، چون خداوند از تمامی حالات انسان ها آگاهی کامل دارد، اعمال بندگانش را با سرعت رسیدگی خواهد کرد و نیازی به ارائه دلیل و شهود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۲

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملك يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ - عدل

الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۷

۷ محاسبه اعمال تمامی بندگان توسّط خداوند ، یکباره انجام می گیرد .

واللّه سریع الحساب

امیرالمؤمنین (ع): . .. معناه انه یحاسب الخلق دفعةً کما یرزقهم دفعةً

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۷۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۴

۱۴ خداوند ، محاسبه کننده و جزادهنده اعمال

و اعلموا انکم ملاقوه

با توجّه به هشدار در آیه، ملاقات خداوند، کنایه از محاسبه و جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۱،۳

۱ خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند .

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند لغو، سوگندهایی است که معمولا به خاطر عادت بر زبان جاری می شود; بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله <باللغو> با <بما کسبت قلوبکم> به دست می آید.

۳ سوگندهایی که با قصد قلبی و اراده جدّی باشد ، موجب مؤاخذه الهی است .

و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۳،۴،۵،۸،۹،۱۴

۳ خداوند ، حسابگر آنچه آدمی در دل دارد ; خواه آدمی آن را آشکار نماید و یا پنهان سازد .

و ان تبدوا ما فی

انفسکم او تخفوه یحاسبکم به اللّه

۴ هشدار خداوند به کتمان کنندگان شهادت و حسابرسی گناه آنان

و من یکتمها فانّه اثم قلبه . .. و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به اللّ

۵ منویات و ملکات نفسانیه انسان ، مورد محاسبه خداوند

و ان تبدوا ما فی انفسکم . .. یحاسبکم به اللّه

<ما فی النفس>، علاوه بر منویّات، می تواند شامل ملکات نفسانیه (مانند شجاعت و بخل و . ..) نیز بشود. بنابراین احتمال که <فی انفسکم>، متعلق به استقرار باشد; نه وجود تنها. و مستقر در نفس همان ملکات است.

۸ مالکیّت مطلق الهی ، علت و دلیل سلطه وی به اعمال و نیّات انسان و محاسبه آنها

للّه ما فی السّموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به ال

جمله <للّه ما فی السّموات . .. > به منزله تمهیدی است برای <ان تبدوا ... > یعنی خداوند مالک حقیقی همه چیز است که از جمله آنها، اعمال و نیّات انسان می باشد. و چون مالک حقیقی است، قادر به محاسبه نیّات و اعمال آدمی است.

۹ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیّات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا . .. فیغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

۱۴ خداوند ، قادر بر محاسبه اعمال و نیّات انسان و آمرزش و عذاب او

و ان تبدوا . .. یحاسبکم به اللّه فیغفر ... و یعذّب ... و اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹

۱۶ خداوند ، سریع الحساب است .

فانّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۰

۱۰ ارزیابی دقیق اعمال از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۴

۲۴ خداوند ، حسابرسی سریع است .

انّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۶،۱۷

۱۶ کفایت خداوند در حسابرسی اعمال

و کفی باللّه حسیبا

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی باللّه حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

کان اللّه بهم علیماً . .. فکیف اذا جئنا ... و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ قدرت و تسلط خداوند بر حسابرسی و سنجش هر چیز

انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

۸ هر عملی از انسان مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرد .

انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

۹ تحیّت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حیّیتم . .. انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

محاسبه اعمال

نیک کنایه از پاداش دهی خداوند بر آن اعمال می باشد.

۱۰ توجّه به حسابرسی دقیق و کامل خداوند در هر عمل ، زمینه انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال ناروا

و اذا حیّیتم . .. انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ اللّه کان علی کلّ شیء حسیبا . .. لیجمعنّکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۰

۳۰ توجه به حسابرسی سریع خداوند ، زمینه حصول تقوا در انسان

و اتقوا اللّه إنّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشداری است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

ليجمعنكم إلى يوم القيمه . .. و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۳

۳ خداوند در قيامت از منكران معاد بازخواست

می کند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین. و لو تری إذ ... ألیس هذا بالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۶

۶ سریعترین محاسبه کننده امور خداوند است.

ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ تعیین راستی و درستی ایمان افراد و حسابرسی مدعیان ایمان ، از شؤون خداوند است .

بل نظنکم کذبین . .. ما أنا بطارد الذین ءامنوا إنهم ملقوا ربهم

کفرپیشگان، ایمان پیروان نوح را سطحی، بلکه آنان را در ادعای ایمان دروغگو می شمردند (بل نظنکم کاذبین). نوح(ع) در پاسخ ایشان با جمله <إنهم ملاقوا ربهم> بیان می دارد که برای انسانها روز آخرتی است و خداوند در آن روز، راستی و ناراستی ایمانها را تعیین خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ کردار کفر پیشگان قوم عاد و کیفر آنان ، تحت حسابرسی دقیق خداوند بود .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳

خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیک البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیک البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . .. و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من یدع مع اللّه . .. فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۴

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان

بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب . .. و وجد اللّه عنده فوفّیه حسابه

<توفیه> (مصدر <وفّی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ - محاسبه اعمال گذشته و نهانی گروندگان به دین ، برعهده خدا است ، نه پیامبران .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلاّ علی ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - اعمال دنیوی انسان ها ، مورد حساب رسی خداوند قرار خواهد گرفت .

إلیّ مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون

آگاه کردن خداوند، انسان ها را، از اعمال دنیوی شان، کنایه از مؤاخذه و حساب

رسی است و صرف اطلاع رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - حسابرسی انسان ها ، تنها در اختیار خدا است .

إلیه ترجعون

تقدیم <إلیه> بر <ترجعون> می تواند مفید حصر باشد. گفتنی است: <إلیه ترجعون> می تواند کنایه از این حقیقت باشد که انسان ها، سرانجام، حسابرسی خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۰،۱۵

۱۰ - حساب رسی خداوند از اَعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

از این که به جای <یعلمها اللّه> فرموده است <یأت بها اللّه> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اَعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او بر گردآوری اَعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۳،۶

۳ - عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد کانوا عهدوا اللّه من قبل . .. و کان عهد اللّه مسئولاً

۶ - همه عهد ها با خداوند ، قطعاً مورد حساب کشی خواهد بود .

كان عهد اللّه مسئولاً

آوردن فعل ماضی برای بیان تحقق امری که در آینده خواهد بود، حکایت از وقوع قطعی آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۸،۱۰

۸ - حسابرسی خداوند ، مستلزم اختصاص دادن ترس به او است .

و یخشونه و لایخشون أحدًا إلاّ اللّه و کفی باللّه حسیبًا

۱۰ - خداوند ، حسابرسی کفایت کننده است .

و کفی باللّه حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - انسان ، در برابر اعمال خود مسؤول است و مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت .

فینبّئکم بما کنتم تعملون

مقصود از آگاه ساختن مردم نسبت به اعمالشان، حسابرسی اعمال آنان و کیفر و پاداش به ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزّا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین . .. کالذین ءامنوا

۲ - بی توجهی به عدالت الهی در نظام حسابرسی ، از زمینه های گناه پیشگی است .

أم حسب الذین اجترحوا السیّئات

پرسش انکارآمیز خداوند در زمینه پندار غلط گناه پیشگان، حکایت از این می کند که چنین پنداری در اهل گناه، وجود

داشته و یا زمینه بروز دارد. لحن توبیخی و هدایت گرانه آیه شریفه، می رساند که این پندار، خود موجب انحراف است و برای از میان بردن انحراف، باید پندار را نقد و ابطال کرد.

حسابرسی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴،۸،۹،۱۳

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا ، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

مقصود از<الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الذین لم یستجیبوا له . . . أُولئک لهم سوء الحساب

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ; یعنی: <الحساب السوء>.

۹ قیامت صحنه حسابرسی از انسانهاست .

أُولئک لهم سوء الحساب

۱۳ < فی مجمع البیان فی قوله : < أُولئک لهم سوء الحساب > . . . هو أن لایقبل لهم حسنه و لایغفر لهم سیئه . . . روی ذلک عن أبی عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <أُولئک لهم سوء الحساب>. .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از <سوء الحساب> این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲،۳

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملک یوم الدین

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ اللّه کان علی کلّ شیء حسیبا . .. لیجمعنّکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم . .. حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳،۶،۷

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا

و ترس از خداوند

و اتقوا اللّه . .. یوم یجمع اللّه الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم . ..> پس از <اتقوا اللّه> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع اللّه الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <اللّه> در آیه قبل <اتقوا اللّه> گرفته شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ... که به قرینه <اتقوا اللّه> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

لیجمعنکم إلی یوم القیمه . .. و هو السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲،۵

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله . .. و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن . .. و قال أولیاؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیرالمؤمنین(ع) . .. و اما قوله: < فمن ثقلت موزینه ...> فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: . .. مراد از آیه <فمن ثقلت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۶

۶ عن امیرالمؤمنین(ع): . .. و أما قوله: <... و من خفت موازینه> فإنما یعنی الحساب ... و السیئات خفه المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: مراد از آیه <و من خفت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است . .. و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۹

۹ قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنّم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم

مفسّران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنّم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنسئلنّهم . .. عمّا کانوا یعملون

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۹

۹- < عن النبی قال : الکتب کلّها تحت العرش فإذا کان یوم القیامه بعث الله تبارک و تعالی ریحاً تطیرها بالأیمان و الشمائل أوّل حرفه : < إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً > ;

از رسول خـدا(ص) روایت شـده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارنـد و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی

بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است: إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ کتبک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اَعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیّت خدا است .

و وضع الکتب . .. و لایظلم ربّک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اَعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اَعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳،۶

۳ - وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت

، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موزینه

<موازین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۶ - < عن أبی عبداللّه (ص) (فی قوله تعالی) : < فمن ثقلت موازینه > قال : فمن رحج عمله . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درمعنای قول خدای تعالی <فمن ثقلت موازینه> فرمود: کسی که عمل او سنگین و با ارزش باشد. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۶

۶ - وجود دادگاه و محاکمه برای انسان ها در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که شهادت و گواهی، حاکی از وجود نوعی دادگاه و محاکمه است; زیرا بدون دادگاه و محاکمه، شهادت و گواهی بی معنا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ – قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و

پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعه . .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۲،۱۰،۱۲،۱۵

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لاتشرک باللّه . .. یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت بها اللّه

۱۰ - حساب رسی خداوند از اَعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

از این که به جای <یعلمها اللّه> فرموده است <یأت بها اللّه> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اَعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۲ - توجّه به محاسبه دقیق اَعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه

. .. یأت بها اللّه

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او بر گردآوری اَعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - کیفر و داوری خدا ، در روز قیامت ، متکّی به علم خویش به نیات و مقاصد محاکمه شوندگان است .

فنبّئهم بما عملوا إنّ اللّه علیم بذات الصدور

<إنّ اللّه علیم. ..> به منزله تعلیل است برای مفاد <نبّئهم...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

أءنّا لمدینون

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

یوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۴،۲۵

۲۴ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

بما نسوا یوم الحساب

۲۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای

بندگان است .

بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فینبّئکم بما کنتم تعملون> است; یعنی، چون خداوند به

باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد .

ثمّ نفخ فیه أُخری فإذا هم قیام ینظرون

<نظر> (مصدر <ینظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت . .. إنّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۲،۱۱،۱۰،۸،۷

۷ - فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

۸ - مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۱ - اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لایؤمن بیوم الحساب

۱۲ - قیامت

، روز حسابرسی اعمال بندگان

لایؤمن بیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۹

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ أکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۳

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتار ها و کرده های انسان ها در قیامت ، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می کند. با خبر کردن انسان ها از

تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، همه انسان ها را برای حسابرسی در روز قیامت گرد می آورد .

یوم یجمعکم

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلّق به فعل مقدّر <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴،۶

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءوده سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۱

۱ - تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

یوم تبلی السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد. <ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

حسابرسی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

حسابرسی دنیوی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ -

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

حسابرسی راز انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حسابرسی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۶

۶ - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربّها و رسله فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

حسابرسی سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۸ - ۲

۲ سخنان آدمی ، همانند سایر اعمال او ، مسؤولیت آفرین و مورد محاسبه

ما یلفظ من قول إلاّ لدیه رقیب عتید

در آیه قبل، مسأله محاسبه و ضبط اعمال به صورت مطلق مطرح گردیده است و اکنون دراین آیه، ضبط و محاسبه گفتار، به انسان یادآوری شده است.

حسابرسی شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۶

۶ - < عن قَبیصَه بن یزیدالجُعفیّ قال :

دخلت علی الصادق جعفربن محمد (ع) . . . قلت . . . أسألک عن قول اللّه تعالی < إنّ إلینا إیابهم . ثمّ إنّ علینا حسابهم > قال : نعم یا قَبیصه إذا کان یوم القیامه جعل اللّه حساب شیعتنا علینا فما کان بینهم و بین اللّه استوهبه محمد (ص) من اللّه و ما کان فیما بینهم و بین الناس من المظالم أدّاه محمد (ص) عنهم و ما کان فیما بیننا و بینهم وهبناه لهم حتّی یدخلون الجنّه بغیر حساب ;

قَبیصه بن یزید جعفی روایت کرده که خدمت امام صادق(ع) رسیدم و گفتم: از شما درباره سخن خدای تعالی <إنّ إلینا إیابهم . ثمّ إنّ علینا حسابهم> سؤال دارم امام فرمود: آری ای قبیصه! زمانی که قیامت برپا شود، خداوند حساب شیعیان ما را به ما واگذار می کند. پس هر چه [از خطا و گناه] که بین آنان و خدا باشد، [حضرت]محمد(ص) از خداوند بخشش آن را طلب می کند و آنچه از مظلمه و حقوق که بین آنان و مردم باشد، آن را نیز [حضرت] محمد(ص) پرداخت می کند و آنچه [از حقوق]بین ما و آنان باشد، ما به آنان می بخشاییم; تا این که بدون حساب وارد بهشت شوند>.

حسابرسی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملواالصلحت فیدخلهم ربّهم ف

حسابرسی طراح

قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

حسابرسی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۶

۶ - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربّها و رسله فحاسبنها حسابًا شدیدًا و عذّبنها عذابًا نکرًا

حسابرسی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من یدع مع اللّه . .. فإنّما حسابه عند ربّه

حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۷

۷ محاسبه اعمال تمامی بندگان توسّط خداوند ، یکباره انجام می گیرد .

واللّه سریع الحساب

امیرالمؤمنین (ع): . ..

معناه انه یحاسب الخلق دفعةً کما یرزقهم دفعةً

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۷۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۰

۱۰ ارزیابی دقیق اعمال از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۶

۲۶ نظام اجر و پاداش الهی ، قانونمند و دارای محاسبات دقیق و سریع

انّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۶

۱۶ کفایت خداوند در حسابرسی اعمال

و کفی باللّه حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۸

۸ هر عملی از انسان مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرد .

انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴،۶

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ اللّه کان علی کلّ شیء حسیبا . .. لیجمعنّکم الی یوم القیمه

۶ یگانگی خداوند ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال *

انّ اللّه کان علی کلّ شیء حسیبا. اللّه لا اله الّا هو لیجمعنّکم الی یوم القیمه

توصیف خداوند به یگانگی و آنگاه بیان برپایی قیامت از سوی او، می تواند اشاره به این معنا باشد که یگانگی خداوند دلیل برپایی قیامت از سوی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰

تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

و من یستنکف عن عبادته و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

جمله <فسیحشرهم> کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ محاسبه اعمال و برآورد تأثیر حضور و یا عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف در کنار پیامبر(ص)، در محدوده وظایف آن حضرت نیست.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه . .. ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضمیر در <من حسابهم> موصول در صدر آیه و مراد از آن همان مؤمنان فقیرند. و <من> بنابر گفته اهل ادب، زاید و مفید استغراق است. یعنی حساب هیچ عمل و کاری از آنان با تو نیست، که از جمله آنها برآورد نقش حضور و یا عدم حضور آنان در نزد پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۲

۲ خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم بالّیل . .. و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < و یخافون سوء

الحساب > قال : الإستقصاء والمداقه و قال : يحسب عليهم السيئات و لايحسب لهم الحسنات ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <و يخافون سوء الحساب> روايت شده است كه فرمود: [سوءالحساب]حسابرسى دقيق و دقت در بررسى اعمال است و [همچنين] فرمود: كارهاى بد آنان عليه ايشان محاسبه مى شود و كارهاى نيكشان به سود آنان به حساب نمى آيد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدميان را محاسبه مى كند و بر اساس آن ، ايشان را سزا مى دهد .

و هو سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- رفتار آدمى به مجرد صدور آن در دنيا ، بدون تأخير مورد حسابرسى دقيق خداوند قرار مى گيرد .

ليجزى الله كلّ نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مقصود از <سريع الحساب> بودن خداوند حسابرسى اعمال در همين دنيا باشد و اين محاسبه تا روز قيامت به تأخير نمى افتد; بلكه همزمان با صدور اعمال از بندگان محاسبه و ثبت خواهد گرديد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانى در قيامت ، با خواندن پرونده اعمال خويش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كتبك كفى بنفسك اليوم عليك حسيبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور هاى مشركان ، داراى كيفر و حسابى

معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من یدع مع اللّه . .. فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۱،۶

۱ - محاسبه اعمال گذشته و نهانی گروندگان به دین ، برعهده خدا است ، نه پیامبران .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلاّ علی ربّی

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حساب رسی از اعمال بندگان است .

إن حسابهم إلاّ علی ربّی لو تشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - اعمال دنیوی انسان ها ، مورد حساب رسی خداوند قرار خواهد گرفت .

إلیّ مرجعکم فأنبّئکم بما کنتم تعملون

آگاه کردن خداوند، انسان ها را، از اعمال دنیوی شان، کنایه از مؤاخذه و حساب رسی است و صرف اطلاع رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۱۶

۱۶ – انسان ها ، پس از مرگ ، در پیشگاه خداوند درباره اعمال دنیوی شان ، مؤاخذه خواهند شد

.

إلیّ مرجعکم فأُنبّئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۸،۱۶

۸ - اَعمال انسان ها ، چه خوب و چه بد ، باقی می ماند و روزی ، محاسبه می شود .

فتکن فی صخره . .. یأت بها اللّه

۱۶ - خداوند ، حساب رسی اَعمال انسان ها را با دقّت انجام می دهد .

یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۱،۹

۱ - پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام خداوند به مشرکان ، درباره بازخواست نشدن هرکسی از عمل دیگری

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

۹ - انسان ها در قیامت ، درباره عملشان مورد مؤاخذه و پرسش قرار خواهند گرفت .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤون خداوند

و إلی اللّه ترجع الأُمور

در صورتی که مراد از<الأمور> کارهای مربوط به انسان ها باشد; آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۶

۶ - محاسبه اعمال و مراقبت بر آن ، لازمه تقوا است .

اتّقوا اللّه و لتنظر نفس ما قدّمت لغد و اتّقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۵

۵ - حسابرسی نهان کاری های انسان و چشیدن کیفر آن ، از اهداف معاد است .

إنّه علی رجعه لقادر . یوم تبلی السرائر

<یوم> ظرف برای <رجعه> و بیانگر آن است که ارجاع دوباره انسان، روزی به وقوع خواهد پیوست که از مشخصات آن، محاسبه اعمال پنهانی و نیت های انسان برای تشخیص میزان کیفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۷ - ۷

۷ - کمک های مالی به مردم هر چه باشد از دید خداوند مخفی نمانده و محاسبه خواهد شد .

یقول أهلکت مالاً لبداً . أیحسب أن لم یره أحد

در برداشت یاد شده، مفروض این است که گوینده <أهلکت . ..> اهل انفاق بوده; ولی بر تعبیر <أهلکت> توبیخ شده است. به این بیان که انفاق گران، نباید مال خود را تلف شده بدانند; زیرا انفاق ها از نظر خداوند مخفی نمی ماند. البته این افراد نباید به همین مقدار اکتفا کنند; بلکه برای قرار گرفتن در زمره <أصحاب المیمنه> باید به عقبه هایی گام نهند که آیات بعد گویای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۷

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از

حسابرسی است .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

حسابرسی عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۲

۲ - افکار و کردار انسان ها ، محفوظ مانده و محاسبه خواهد شد .

إن کلّ نفس لمّا علیها حافظ

خبر از حفاظت و مراقبت بر انسان ها، هشداری است به آنان که نپندارند آنچه انجام می دهند، فانی گشته و پیامدی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۱

۱ - تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

یوم تبلی السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد. <ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۴،۵

۴ - حسابرسی اعمال ، از اهداف احضار همگان در پیشگاه خداوند است .

إنّ إلینا إیابهم . ثمّ إنّ علینا حسابهم

۵ - وجود کارگزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثمّ إنّ علینا حسابهم

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

حسابرسی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجحیم سعّرت

برافروختن جهنم در قیامت، حاکی از وجود اصل آن پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۲

۲ - وجود بهشت ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجنّه أُزلفت

حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

حسابرسی عمل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ مؤمنان وظیفه دار محاسبه اعمال و برخوردهای پیامبر با دیگران نیستند.

و ما من حسابک علیهم من شیء

حسابرسی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۶

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءوده سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

حسابرسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران

پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و وفّیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزّا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین . .. کالذین ءامنوا

حسابرسی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۵

۵ - رفتار اصحاب اخدود با مؤمنان و کردار تمام مجرمان ، از خداوند مخفی نبوده و حسابرسی خواهد شد .

و اللّه علی کلّ شیء شهید

بیان گواه بودن و آگاهی خداوند، تهدید مجرمان به رسیدگی به کردارشان است.

حسابرسی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عمّا تعملون

حسابرسی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان

را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عمّا تعملون

حسابرسی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۳

۳ - روی گردانان از رهنمود های پیامبر (ص) و کافران به آن ، در قیامت مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

إلاّ من تولّی و کفر . .. ثمّ إنّ علینا حسابهم

حسابرسی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

حسابرسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از

کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزّا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین . .. کالذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملواالصلحت فیدخلهم ربّهم ف

حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونّها . .. ثمّ لتسئلنّ

حسابرسی نیات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و

<الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

دقت حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن کان مثقال حبّه من خردل أتینا بها و کفی بنا حسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، حساب رسی اَعمال انسان ها را با دقّت انجام می دهد .

یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

دقت در حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷ - علم خداوند ، پشتوانه دقّت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

دقت در حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - اتقان و استواری صنع خدا ، نشانگر برخورد دقیق و بی تسامح او در سنجش کردار آدمیان

صنع اللّه الذی أتقن کلّ شیء إنّه خبیر بما تفعلون

از ارتباط <صنع اللّه. ..> با <إنّه خبیر...> می توان استفاده کرد که خداوند، هم چنان که در امر تکوین هیچ ضرورتی را فروگذار نکرده است، در بررسی کردار آدمیان نیز از هیچ نکته ای غافل و فروگذار نیست.

دقت در حسابرسی عمل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۷

۷ - < عن أبی الجارود عن أبی جعفر (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) کلّ محاسَب معذّب فقال له قائل : یا رسول اللّه فأین قول اللّه عزّوجلّ < فسوف یحاسب حساباً یسیراً > قال : ذلک العَرْضُ یعنی التَصَفُّحَ ;

ابی جارود از امام باقر(ع) روایت نموده که حضرت فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس محاسبه شود، در عذاب خواهد بود. شخصی به رسول خدا(ص) گفت: پس کلام خدای عزّوجلّ که فرموده: <فسوف یحاسب حساباً یسیراً> چه می شود؟ حضرت فرمود: آن محاسبه [که گفتم] عرضه شدن [تمام اعمال] است [امام باقر(ع) فرمود:]مقصود پیامبر(ص) بررسی دقیق[اعمال]است>.

دلایل حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت . .. و إنّ الدین لوقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند; به طریق اولی حیات انسان بی فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

ذکر حتمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۳

۳ - توجه به حتمی بودن حسابرسی اعمال ، زمینه ساز شناخت پروردگار و بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

سنفرغ لکم . .. فبأیّ

ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، برای دور ساختن خلق از کفر و تکذیب حق، حتمی بودن حسابرسی اعمال را یادآور شده است.

روزی بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - مردان الهی ، از روزی و فضل بدون حسابرسی خداوند برخورداراند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. و اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب

معنای <بغیر حساب> به قرینه <و یزیدهم من فضله> می تواند بدون حسابرسی باشد; زیرا اعطای مازاد بر استحقاق (من فضله) دلیل بر این است که حسابرسی در کار نیست، وگرنه می بایست تنها به مقدار استحقاق شخص، پاداش داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . قال اللّه عزّوجلّ . . . إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب ، فما أعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام علی(ع) روایت شده: . ..خدای عزّوجلّ فرمود: <إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد>.

زمان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف یحاسب حسابًا یسیرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر

تأخیر دارد. (مقاییس اللغه)

زمینه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

زمینه حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۴

۴- ربوبیت الهی ، مقتضی بازپرسی و کیفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمی است .

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ - ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ - رخداد های جهان بر اثر نفخ صور ، زمینه ساز برپایی قیامت و حسابرسی آدمیان ، براساس علم دقیق خداوند به اعمال آنان

و یوم ینفخ فی الصور. .. و تری الجبال... إنّه خبیر بما تفعلون

برداشت یاد شده بنابراین فرض است که <تری الجبال. ..> ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> و بیانگر حوادث جهان در پی دمیده شدن در صور باشد. بنابراین جمله پایانی آیه (إنّه خبیر بما تفعلون) می رساند که قیامت، برای حسابرسی است و این کار متکی به علم دقیق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر -

۵۹ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - محاسبه اعمال و مراقبت بر کردار ، هم ریشه در تقوا دارد و هم روحیه تقوا را رشد داده ، شکوفا می سازد .

و لتنظر نفس . .. و اتّقوا اللّه

از قرار گرفتن عبارت <و لتنظر. ..> در میان دو <اتّقوا اللّه>، استفاده می شود که محاسبه نفس از یک سو، متکی به تقوا است و از سوی دیگر عامل شکوفایی و تکامل آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۵

۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال

إنّا نخاف من ربّنا یومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدّمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إذا زلزلت الأرض . .. یومئذ یصدر الناس

زیادی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - < قال علیّ (ع) . . . و معنی قوله < فمن ثقلت موازینه > و < من خفّت موازینه > فهو قله الحساب و کثرته ;

علی(ع) فرمود: معنای سخن خداوند <فمن ثقلت موازینه> و <من خفّت موازینه>، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای]کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است>.

سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و

مجازات

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سختی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۴

۴ - محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند ، سخت و اندوه بار خواهد بود .

حسابًا یسیرًا . .. مسرورًا ... فسوف یدعوا ثبورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

سختی حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است; هر چند هر دو هم زمان باشند.

سختی حسابرسی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

سختی حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

- ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و یخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

سختی حسابرسی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۸

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الذین لم یستجیبوا له . .. أُولئک لهم سوء الحساب

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ; یعنی: <الحساب السوء>.

سرعت حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۲،۱۳

۱۲- خداوند ، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت إن الله سریع الحساب

۱۳- رفتار آدمی به مجرد صدور آن در دنیا ، بدون تأخیر مورد حسابرسی دقیق خداوند قرار می گیرد .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت إن الله سریع الحساب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <سریع الحساب> بودن خداوند حسابرسی اعمال در همین دنیا باشد و این محاسبه تا روز قیامت به تأخیر نمی افتد; بلکه همزمان با صدور اعمال از بندگان محاسبه و ثبت خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۷

۷ – خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

. .. إنّ اللّه سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دليل توانايى او بر حسابرسى سريع بندگان

إنّ اللّه سريع الحساب . .. يعلم خائنه الأعين و ما تخفى الصدور

برداشت ياد شده بر اين اساس است كه جمله <يعلم خائنه الأعين. ..> تعليل براى جمله <إنّ اللّه سريع الحساب> باشد; يعنى، چون خداوند از تمامى حالات انسان ها آگاهى كامل دارد، اعمال بندگانش را با سرعت رسيدگى خواهد كرد و نيازى به ارائه دليل و شهود ندارد.

سرعت در حسابرسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسى و قضاوت و حكم، معيارى مهم و اساسى در نظام قضائى شايسته

ألا له الحكم و هو أسرع الحسبين

بيان سرعت حسابرسى به عنوان يكى از ويژگيهاى مهم در حكم و قضاوت خداوند، گويای رجحان و مزيت قضاوت و حكمى است كه سرعت هر چه بيشتر و بدون فوت وقت انجام پذيرد.

سرعت در حسابرسى خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، در قيامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسى خواهد كرد .

و اللّه سريع الحساب

سهولت حسابرسى اجابت كنندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا ، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود

.

للذین استجابوا لربهم الحسنی

مقصود از<الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

سهولت حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۷

۷ - برانگیختن انسان ها و حسابرسی از آنان در قیامت ، کاری سهل و آسان برای خداوند

لتبعثنّ ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم و ذلک علی اللّه یسیر

سهولت حسابرسی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۳،۶

۳ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود ، حسابرسیِ آسانی خواهند داشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . فسوف یحاسب حسابًا یسیرًا

<یسیر> دو معنا دارد: ۱. آسان، ۲. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

۶ - < قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه فیما بینه و بینه فیقول : عبدی ! فعلت کذا . . . قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً > ;

قاسم بن محمد از علی [بن أبی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش

را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ . .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزّوجلّ است <فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه . فسوف یحاسب حساباً یسیراً>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا

۳ - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فأمّا من اُوتی کتبه بیمینه . .. و ینقلب إلی أهله مسرورًا

شرایط حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۸

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لیوفیّنهم ربک أعملهم إنه بما یعملون خبیر

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

شگفتی تکذیب حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و

توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

عدالت در حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱

۱- حسابرسی مردم در قیامت بر میزان قسط و عدالت است .

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که لام در <لیوم القیامه> برای ظرفیت و به معنای <فی>، یا <عند> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حسابرسی اعمال بندگان ، عادلانه خواهد بود .

و لاتزر وازره وزر أُخری

عدالت در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۱ – ۱۴

۱۴– کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۷ – ۲،۴،۵

۲– حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام

در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهیم.

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خُرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه . .. من خردل

<حبّه> به معنای یک دانه از گندم، جُو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذرهای بسیار ریز است. <مثقال حبّه من خردل> مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . .. فلاتظلم نفس شیئًا

عقیده به حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعه . .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعؤا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

عقیده به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و

صدق المرسلون

عقیده به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۶

۶ - اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال ، دارای نقشی بنیادین در مجموعه باور های دینی

و هم بالأخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۲

۲ - اطمینان و اعتقاد به حساب رسی اعمال در قیامت ، مهم ترین رکن اعتقادی مؤمنان

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

برداشت یاد شده، از آن جا است که مسأله حساب رسی اعمال در این آیات در ردیف نخستین اصل اعتقادی مؤمنان برشمرده شد.

عمومیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۱

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إن کلّ لمّا جمیع لدینا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

عمومیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱

۱ تمامی امتها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می گیرند.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۶

۶- همه انسان ها بدون استثنا ، در

قیامت مورد بازپرسی خداوند قرار خواهند گرفت .

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر <هم> به قرینه <إنی أنا النذیر المبین> همه انسانها باشد. به دلیل اینکه <نذیر> بودن پیامبر(ص) برای همه انسانهاست.

عمومیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو می شوند .

إنّی ظننت أنّی ملق حسابیه

عوامل سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹،۱۰

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون . .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

غافلان از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

غفلت از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند; یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۴

۴ - غفلت از محاسبه اعمال ، زمینه ساز فراموشی از یاد خداوند *

یأیّها الذین ءامنوا . .. و لتنظر إنّ اللّه خبیر بما تعملون. و لاتکونوا کالذین ن

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که تقدم <و لتنظر. ..> بر <و لاتکونوا کالذین...> نظر به تقدم رتبی داشته باشد.

فلسفه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع

له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

قانونمندی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

کمی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - < قال علیّ (ع) . . . و معنی قوله < فمن ثقلت موازینه > و < من خفّت موازینه > فهو قله الحساب و کثرته ;

علی(ع) فرمود: معنای سخن خداوند <فمن ثقلت موازینه> و <من خفّت موازینه>، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای]کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است>.

گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

لجاجت مکذبان حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۰ – ۳

۳ – گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه کان

به بصیرًا . .. فما لهم لایؤمنون

متعلق <لایؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد; از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و . .. .

محور حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲،۳،۴

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

۳ تبلیغ تعالیم دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

عنوان <مرسلین> در جمله <و لنسئلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

۴ چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد; چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

مدت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۵،۷

۵ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن ، بسیار طولانی است .

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۷ - < روی عن أبی عبداللّه (ع) أنّه قال : لو ولی الحسابَ غیرُ اللّه لمکثوا فیه

خمسين ألف سنه من قبل أن يَفْرُغُوا و اللّه سبحانه يفرغ من ذلك فى ساعه ;

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: اگر حساب رسى قيامت را كسى غير خدا به عهده گيرد، هر آينه [مردم]در آن جا پنجاه هزار سال بايد توقف كنند; قبل از اين كه از حساب فارغ شوند; ولى خداى سبحان در كمتر از ساعتى از [حساب رسى] آنان فارغ مى شود>.

مدت حسابرسى اخروى انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۴

۴ - عرصه محشر و حساب رسى خلايق ، پنجاه هزار سال به طول مى انجامد .

فى يوم كان مقداره خمسين ألف سنه

مدت حسابرسى عمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - < قال علىّ (ع) . . . و معنى قوله < فمن ثقلت موازينه > و < من خفّت موازينه > فهو قله الحساب و كثرته ;

على(ع) فرمود: معناى سخن خداوند <فمن ثقلت موازينه> و <من خفّت موازينه>، پس آن [سنگينى و سبكى، به معناى]كمى و زيادى [مدت] حسابرسى است>.

مكان حسابرسى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه اى مشخص ، براى محاكمه و حساب رسى كافران در قيامت

كأنّهم إلى نصب يوفضون

مكان حسابرسى عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۳

۳ - زمین پس از تحوّلاتی در سه مرحله (< لرزش ویرانگر

در پایان عمر دنیا > ، < اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت > و < اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود >) ، مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت . .. و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

مکذبان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

نفی <امید>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

ملاک حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- < عن هشام بن سالم قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < ونضع الموازین القسط

ليوم القيامه فلاتظلم نفس شيئاً > قال : هم الأنبياء و الأوصيا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزّوجلّ <ونضع الموازين القسط ليوم القيامه. ..> پرسیدم فرمود: موازین قسط، پیامبران و اوصیا هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فيتّئكم بما كنتم تعملون إنّه عليم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه عليم بذات الصدور> تعليل برای جمله <فيتّئكم بما كنتم تعملون> است; یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۳

۳ - انسان در قیامت ، بر باور ها و ملکات نفسانی خویش ، مؤاخذه خواهد شد .

يوم تبلى السرائر

مراد از آزمودن سریره ها، حسابرسی و سنجش میزان کیفر آنها است.

ملاک حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۵

۵- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنسئلنّهم . .. عمّا كانوا يعملون

ملاک حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۴

۴ محاسبه کردار بندگان و جزا دهی به آنان ، متّکی بر شهادت گواهان

کلّ نفس معها سائق و شهید

منشأ حسابرسی در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۳

۳ - برقراری قانون ، محاسبه و سنجش به اراده الهی ، در ساختار نظام جهان

و السّماء رفعها و وضع المیزان

با توجه به این که <میزان> به ابزار سنجش گفته می شود; وضع میزان در آسمان، می تواند اشاره به حاکمیت قانون و محاسبه در نظام جهان داشته باشد.

منشأ حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

موانع ذکر حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجّه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیکم التکاثر

آیه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

نزدیکی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

نزدیکی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۲

۲- حسابرسی اعمال مردم ، قریب الوقوع و تخلف ناپذیر است .

اقترب للناس حسابهم

نعمت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۲

۲ - اصل حسابرسی اعمال خلق در نظام جهان ، نعمتی الهی ، انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

سنفرغ لکم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تعبیر <سنفرغ لکم. ..>، می تواند نویدی باشد به از بین نرفتن اعمال خلق و به حساب آمدن نهایی آن و <ءالآء> نیز بر این نعمت الهی اطلاق شده باشد.

وضوح حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

وعده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک

حسیبًا

ویژگیهای حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، تنها و دور از خویشاوندان ، مورد حسابرسی قرار خواهند گرفت .

فسوف یحاسب . .. و ینقلب إلی أهله

ویژگیهای حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۴،۵،۹،۱۰

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خُرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه . .. من خردل

<حبّه> به معنای یک دانه از گندم، جُو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذرهای بسیار ریز است. <مثقال حبّه من

خردل> مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . .. فلاتظلم نفس شیئًا

۹- خداوند در رسیدگی به اعمال بندگان ، حسابگری با کفایت

و بی نیاز از کمک و یاری دیگران در روز قیامت است .

و کفی بنا حسبین

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن کان مثقال حبّه من خردل أتینا بها و کفی بنا حسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - محاسبه و جزای اعمال انسان ، براساس علم دقیق و همه جانبه الهی

إنّه خبیر بما تفعلون . .. فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

مطلب یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با ذیل آیه ۸۸ (إنّه خبیر بما تفعلون) استفاده می شود.

هشدار به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حسابرسی اخروی

آثار ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب . .. أُولئک لهم عقبی الدار

آثار تکذیب حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ -

ص - ۳۸ - ۲۷ - ۷

۷ - انکار معاد و روز حسابرسی ، مستلزم باطل و بی هدف دانستن آفرینش جهان است .

بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

یادآوری این نکته که ما جهان را بی هدف نیافریده ایم پس از طرح مسأله فراموشی روز حساب می رساند که نسیان و انکار معاد با هدف مندی و حق مداری جهان، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵ - انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

آثار حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أمّه جاثیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أمه تدعی إلی کتابها> درصدد بیان علت <کلّ اُمّه جاثیه> باشد.

اهمیت ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۷

۷ - لزوم ایمان به ثبت کردار انسان در نامه اعمال و حسابرسی آن در قیامت

و أمّا من اُوتی . .. و أمّا من اُوتی ... فما لهم لایؤمنون

ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز

جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

تذکر حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۴

۴- تبیین آیات الهی در طبیعت و تذکر به محاسبه اعمال در قیامت ، برای هدایت آدمیان است .

و جعلنا الّیل و النهار ءایتین . .. اقرأ کتبک ... من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۷،۸

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین ... یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۳

۳ هراس انسان در قیامت ، از حضور در دادگاه عدل الهی *

و جاءت کلّ نفس معها سائق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس

انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۲

۲ - پرهیز از طغیان گری ، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی ، مصداق تقواپیشگی

است .

للطّغین . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا ... إنّ للمتّقین مف

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزّه بودن از صفات طغیان گران، تقواپیشگی است.

تعدد آیات حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حتمیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۳

۳ - بازگشت به سوی خدا و حضور در دادگاه قیامت ، برای محاسبه و مجازات ، امری حتمی و غیر قابل اجتناب است .

ثمّ تردّون إلی علم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

حتمیت حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ -

۲ - حسابرسی از نعمت ها در قیامت ، اجتناب ناپذیر و بیرون از اختیار انسان ها است .

ثمّ لتسئلنّ

مجهول بودن <لتسئلنّ>، اشاره به نکته یاد شده دارد.

حسابرسی اخروی از مکذبان الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۳

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحقّ

حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن

- ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵،۷

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و یخافون سوء الحساب

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۹

۹- اهمیت و عظمت موقعیت حسابرسی انسان ها در قیامت *

ربّنا اغفرلی . .. یوم یقوم الحساب

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در میان موقعیتها و صحنه های گوناگون روز قیامت تنها از وقت حسابرسی یاد کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۷

۷- انسان ها ، در قیامت در برابر اعمال خود بازپرسی می شوند .

و لتسئلنّ

عمّا کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۶

۶- انسان در برابر رفتار و کردار خویش ، مسؤول بوده و در قیامت مورد مؤاخذه و بازخواست قرار خواهد گرفت .

اقترب للناس حسابهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حسابرسی آن گاه معقول و متصور است که مسؤولیت و بازخواهی در کار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۵

۵ - انسان ها پس از زنده شدن در قیامت ، بی هیچ فاصله و تأخیری برای حسابرسی به پیشگاه خداوند احضار می شوند .

فإذا هم من الأجداث إلی ربّهم ینسلون

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از حرکت سریع انسان ها به سوی پروردگار، احضار آنان برای حسابرسی است. گفتنی است که به کار رفتن <إذا>ی فجائیه، می رساند که این حسابرسی بی هیچ فاصله ای پس از نفخ صور انجام خواهد پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فإذا هم جمیع لدینا محضرون . فالیوم لاتظلم نفس شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹،۲۱

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنّه علیم بـذات الصـدور> تعلیل برای جمله <فیتبّئکم بما کنتم تعملون> است; یعنی، چون

خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

۲۱ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثمّ إلی ربّکم مرجعکم فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۱

۱ - انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلی ربّک یومئذ المساق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۶ – ۹

۹ – ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۲ –

۳،۵

۳ – رسیدگی به حال انسان ها در قیامت ، از شؤون ربوبیت خداوند است .

کلّا إذا . .. و جاء ربّک

۵ – فرشتگان ، مأمور رسیدگی به امور انسان ها در قیامت

و الملک صفًّا صفًّا

از جمله <یومئذ یتذکّر الإنسان> در آیه بعد، معلوم می شود که حضور فرشتگان در قیامت در رابطه با کار انسان ها است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۲ – ۵

۵– قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۳ – ۲

۲– تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

حسابرسی اخروی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۵

۵ – آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم

برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط <ربّکما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم . .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

حسابرسی اخروی سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) إذا نشرت الدواوین و نصبت الموازین لم ینصب لأهل البلاء میزان و لم ینشر لهم دیوان ثمّ تلا هذه الأیه < إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های

اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب>.

حسابرسی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

حسابرسی اخروی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است; یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۶

۶ - انسان ، مسؤول اندیشه ها و گرایش های خویش و مورد بازخواست از سوی خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی الذین کنتم تزعمون

حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردشان را به آنان نشان خواهد داد .

إلی اللّه

مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۶

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا اللّه . .. یوم یجمع اللّه الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم . ..> پس از <اتقوا اللّه> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷،۸

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا . .. ألا له الحکم و هو أسرع الحسبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است; یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که

<الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- خداوند ، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت إن الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنسئلنّهم . .. عمّا کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اَعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیّت خدا است .

و وضع الکتب . .. و لایظلم ربّک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اَعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اَعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند،

هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۶

۶ - رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه... إنّ ذلک فی کتب إنّ ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳

۳ - وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موزینه

<موازین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، در قیامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسی خواهد کرد .

و اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۶ – ۱۰،۱۵

۱۰ – حساب رسی خداوند از اَعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه

از این که به جای <یعلمها اللّه> فرموده است <یأت بها اللّه> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اَعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل

مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ – علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او بر گردآوری اَعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبّه . .. یأت بها اللّه إنّ اللّه لطیف خبیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۵ – ۴

۴ – هر کسی در قیامت پاسخگوی کردار و عمل خویش است .

لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۷

۷ – خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت . .. إنّ اللّه سریع الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۱ – ۱۰

۱۰ – بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

یوم یقوم الأشهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۷ – ۱۶

۱۶ – قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللّه الذی . .. المیزان و ما یدریک لعلّ الساعه قریب

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۷

۷ - تمامی اعمال انسان ها در دادگاه الهی ، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ثمّ تردّون إلی . .. فیتبّئکم بما کنتم تعملون

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۷ – ۵

۵ – تمامی رفتار ها و کرده های انسان ها در قیامت ، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت .

ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می کند. با خبر کردن انسان ها از تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۸ – ۲

۲ – قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۹ – ۶

۶ – احاطه علمی خداوند به همه موجودات ، پشتوانه دقیق بودن حسابرسی اعمال در قیامت

لایرجون حسابًا . .. و کلّ شیء أحصینه کتبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۵ – ۵

۵ – انسان در دنیا ، پیش فرستنده دستاورد خویش و ذخیره سازنده آن برای صحنه حسابرسی اعمال

علمت نفس ما قدّمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۶ – ۱۰

۱۰ – حرکت ها و کردار های انسان ، نزد خداوند حسابرسی خواهد شد .

کادح إلی ربّک کدحًا فملقیه

ملاقات با خداوند، به معنای حضور در نزد او برای حسابرسی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۷ – ۳

۳ – حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی

اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۱،۵

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف یحاسب

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف یحاسب

فعل <یحاسب> به شخص استناد یافته است; نه به عمل; بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد; زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۵

۵ - مرحله سنجش اعمال ، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یکون الناس کالفراش . .. و تکون الجبال کالعهن المنفوش . فأمّا من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فأمّا> بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه . .. و أمّا من خفّت موزینه

چنانچه کلمه <موازین> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

حسابرسی اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۳،۶

۳ - محاسبه اعمال ناروا در

قیامت

و أمّا من خفّت موزینه

۶ - کردار های ناروا ، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفّت موزینه

جمع بودن <موازین>; بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

حسابرسی اخروی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون . .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

حسابرسی اخروی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

حسابرسی اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

حسابرسی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرءان عضين . فوربّك لنسئلنّهم أجمعين . عمّا كانوا يعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب . .. و وجد اللّه عنده فوفّیه حسابه

<توفیه> (مصدر <وفّی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنّهم إلی نصب یوفضون

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلّا

حسابرسی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و یخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت

به موصوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسئلنّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسئل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری]کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۵

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذين ءامنوا . .. و أمّا الذين كفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که

تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون . .. إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

حسابرسی اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقواپیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه

حسابرسی اخروی معرضان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر . .. یوم یدع الداع إلی شیء نکر

حسابرسی اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۲

۲ - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن يحور . بلى إنّ ربّه كان به بصيرًا

حسابرسی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه فیما بینه و بینه فیقول : عبدی ! فعلت کذا . . . قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً > ;

قاسم بن محمد از علی [بن أبی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ . .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزّوجلّ است <فأمّا من اُوتی کتابه بیمینه . فسوف یحاسب حساباً یسیراً>».

حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۲

۲ - آگاهی تمام مردم ، از بی پایه بودن امتیازات مادی ، هنگام حسابرسی نعمت ها در قیامت

ثمّ کلّا سوف تعلمون

آخرین آیه سوره، بیانگر زمانی است که مفاد <سوف تعلمون> تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن

النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترونّ الجحیم . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

حسابرسی اخروی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

دقت در حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷ - علم خداوند ، پشتوانه دقّت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

دلایل حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت . .. و إنّ الدین لوقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند; به طریق اولی حیات انسان بی

فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

زمان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف یحاسب حسابًا یسیرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقاییس اللغه)

زمینه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سهولت حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۷

۷ - برانگیختن انسان ها و حسابرسی از آنان در قیامت ، کاری سهل و آسان برای خداوند

لتبعثنّ ثمّ لتنبّؤنّ بما عملتم و ذلک علی اللّه یسیر

عدالت در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۲،۴،۵

۲- حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهیم.

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خُرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه . .. من خردل

<حبّه> به معنای یک دانه از گندم، جُو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذرهای بسیار ریز است. <مثقال حبّه من خردل> مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . .. فلاتظلم نفس شیئًا

عقیده به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

عمومیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- یس - ۳۶ - ۳۲ - ۱

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إن کلّ لمّا جمیع لدینا محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

عوامل سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹،۱۰

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون . .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . .. و یخافون سوء الحساب

غافلان از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

غفلت از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

- ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند; یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

قانونمندی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر

حسابرسی اعمال در قیامت

أُوتی کتبه بیمینه

گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

مدت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۵،۷

۵ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن ، بسیار طولانی است .

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۷ - < روی عن أبی عبداللّه (ع) أنّه قال : لو ولی الحسابَ غیرُ اللّه لمکثوا فیه خمسین ألف سنه من قبل أن یَفْرُغُوا و اللّه سبحانه یفرغ من ذلک فی ساعه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اگر حساب رسی قیامت را کسی غیر خدا به عهده گیرد، هر آینه [مردم]در آن جا پنجاه هزار سال باید توقف کنند; قبل از این که از حساب فارغ شوند; ولی خدای سبحان در کمتر از ساعتی از [حساب رسی] آنان فارغ می شود>.

مدت حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۴

۴ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق ، پنجاه هزار سال به طول می انجامد .

فی یوم کان مقداره خمسین ألف سنه

مکذبان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۱۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

نفی <امید>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

ملاک حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- < عن هشام بن سالم قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < ونضع الموازین القسط لیوم القیامه فلاتظلم نفس شیئاً > قال : هم الأنبیاء و الأوصیا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزّوجلّ <ونضع الموازین القسط لیوم القیامه. ..> پرسیدم فرمود: موازین قسط، پیامبران و اوصیا هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که

جمله <إنّه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فینبّئکم بما کنتم تعملون> است; یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان بپردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۳

۳ - انسان در قیامت ، بر باور ها و ملکات نفسانی خویش ، مؤاخذه خواهد شد .

یوم تبلی السرائر

مراد از آزمودن سریره ها، حسابرسی و سنجش میزان کیفر آنها است.

موانع ذکر حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجّه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیکم التکاثر

آیه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

نزدیکی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان

وضوح حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است:

<خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

وعده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

ویژگیهای حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

يوم يخرجون من الأجداث سراعًا كأنّهم إلى نصب يوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۵

۵ - انسان ها در قيامت ، تنها و دور از خويشاوندان ، مورد حسابرسى قرار خواهند گرفت .

فسوف يحاسب . .. و ينقلب إلى أهله

هشدار به حسابرسى اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ -

۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حسابًا . و کذّبوا بایتنا کذّابًا

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حسادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۳،۵

۳ حسد و عداوت برخی اهل کتاب ، نسبت به مؤمنان

ان تمسسکم . .. و ان تصبکم سیّئه یفرحوا بها

۵ بدخواهی و حسادت منافقان با اهل ایمان *

اذا لقوکم قالوا امنّا . .. ان تمسسکم حسنه تسؤهم و ان تصبکم سیّئه یفرحوا بها

برخی برآنند که جمله <و اذا لقوکم قالوا آمنّا> درباره منافقان است. بنابر این ضمیر مفعولی <تسؤهم> نیز به آنان برمی گردد.

آثار حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۱،۶

۱ - حسادت به دیگران ، حالتی ناپسند و عملی ساختن آن ، شرّآفرین و ضربه زننده به آنان است .

و من شرّ حاسد إذا حسد

۶ - پیامبر (ص) ، در معرض ضربه خوردن از سوی فرد یا افرادی که حسادت ، آنان را به تلاش های شرّآفرین وادار می

ساخت .

قل . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

نکره بودن <حاسد> در مقابل معرفه بودن <النفاثات> می تواند بیانگر ناشناخته بودن حسودانی باشد که درصدد ضربه زدن به پیامبر(ص) بودند و ممکن است مراد از آن جنس باشد; در آن صورت بر همه

حسودان تعمیم خواهد یافت.

آثار حسادت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبراسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبراسلام(ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

حسادت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۳

۳ حسد و عداوت برخی اهل کتاب ، نسبت به مؤمنان

ان تمسسکم . .. و ان تصبکم سیّئه یفرحوا بها

حسادت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

حسادت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ -

۶،۷،۸

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۲

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف

حسادت بربرادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب (ع) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب وحد . .. و ما أُغنی عنکم من الله من

شیء

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

حسادت لبید بن اعصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۷

۷ - تلاش شدید فردی حسود ، برای رساندن شرّ به پیامبر (ص)

و من شرّ حاسد إذا حسد

چنانچه آمدن <حاسد>، برای بیان شدت حسدی باشد که از فرد حسود سر زده بود، ناشناخته بودن او از آیه استفاده نمی شود; مؤید این احتمال شأن نزول آیه شریفه است که در آن آمده: آن فرد <لَبید بن اَعْصَم> نام داشته است.

حسادت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

حسادت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۵

۵ بدخواهی و حسادت منافقان با اهل ایمان *

اذا لقوکم قالوا امنّا . .. ان تمسسکم حسنه تسؤهم و ان تصبکم سیّئه یفرحوا بها

برخی برآننـد که جمله <و اذا لقوکم قـالوا آمنّـا> دربـاره منافقان است. بنابر این ضـمیر مفعولی <تسؤهم> نیز به آنان برمی گردد.

حسادت یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

ناپسندی حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۱

۱ - حسادت به دیگران ، حالتی ناپسند و عملی ساختن آن ، شرّآفرین و ضربه زننده به آنان است .

و من شرّ حاسد إذا حسد

حسد

آثار حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - حسادت ، از رذایلی است که آدمی را به گناهان بزرگ و حتی کفر می کشاند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵،۷

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشد; یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت

حسادت ایشان بود.

۷ – حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۲۹،۳۲،۳۸

۲۹ نکوهش شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ،

از سر تجاوزگری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً بینهم

<بغی> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

۳۲ حَسَد و خودخواهی (بَغیِ) عالمان ناشایسته ، ریشه اختلافات دینی

و ما اختلف . .. بغیاً بینهم

۳۸ حَسَد و سرکشی (بَغی) مانع پذیرش بیّنات و هدایت الهی

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه بغیاً

<بغیاً> (حَسَد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ; یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۱،۱۰،۹،۸،۷

۷ اختلافات دینی ، نشأت یافته از ناحیه عالمان متجاوز و حسود

و ما اختلف . .. الاّ من بعد ما جاءهم العلم بغیاً

کلمه <بغیاً>، به معنای تجاوز است و به معنای حسد نیز آمده است (مجمع البیان.)

۸ حسادت و نارسایی های اخلاقی ، از عوامل ستیز عالمان

و ما اختلف . .. بغیاً بینهم

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدیدکننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

۱۱ ستیز عالمان حسود با یکدیگر ، نشان بی دینی و تسلیم نبودن آنان در برابر خداست .

انّ الدین عنداللّه الاسلام و ما اختلف الذین . .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۶،۷،۹

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

۷ حسادت ، خطری برای ایمان و اعتقاد و عاملی برای گرایش به شرک و کفر

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

<ام یحسدون>، چنانچه گذشت، بیان علت مسائلی است که در آیه ۵۱ مطرح شد که از جمله آنها، گرایش و ایمان برخی از یهودیان به کفر و شرک است. یعنی حسادت باعث شد تا به <جبت> و <طاغوت> ایمان بیاورند.

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ حسد و خودخواهی ، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

۱۷ حسد ، زمینه ساز سستی مناسبات و روابط عاطفی در میان انسانها

نبأ ابنی ءادم . .. قال لاقتلنک

با توجه به اینکه حسادت قابیل، باعث نادیده گرفتن عاطفه برادری خود نسبت به هابیل شد.

۱۸ حسد ، زمینه ساز قتل و جنایت

قال لاقتلنک

برداشت فوق را فرمایش منقول از

امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . .. فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ حسد و هوای نفس آدمی ، جلوگیر وی از پندپذیری و عاقبت اندیشی

انی اخاف اللّه رب العلمین انی ارید . .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۸

۱۸ حسادت ، زمینه ای مناسب برای بروز دشمنی شیطان با انسان

فیکیدوا لک کیدًا إن الشیطن للإنسن عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۲،۳

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا یوسف

۳ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب . .. اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به

محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

آثار حسد مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشد; یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

آثار حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها

بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <ودّ کثیراً . ..> می باشد; یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

انصار و حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۷

۷ - انصار ، به دور از کمترین حسد و چشمداشت نسبت به اموال عطا شده به مهاجران از < فیء >

و لایجدون فی صدورهم حاجه ممّا أُوتوا

با توجه به این که حسد مسبوق به چشمداشت است و انصار هیچ گونه چشمداشتی نسبت به اموال عطا شده به مهاجران نداشتند; از آیه شریفه نفی هرگونه حسادت استفاده می شود.

اهمیت اجتناب از حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ < عن جعفربن محمد (ع) انه قال : قال والدی . . . و ما أنزل الله سوره یوسف إلّا أمثالاً لکی لایحسد بعضنا بعضاً کما حسد یوسف إخوته و بغوا علیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدارکننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نورزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند>.

اهمیت رفع حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۳

۳ لزوم تلاش در جهت آرام نمودن خشم و حسادت بر افروخته

دیگران در رویارویی با آنان

لئن بسطت . .. ما إنّا بباسط یدی إلیک

بیان نحوه برخورد هابیل با برادرش، می تواند درسی آموزنده برای همگان در موارد مشابه با آن باشد.

ترک زمینه حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۱

۱۱ لزوم پرهیز از نقل و ارائه مسائل غیرضروری که سبب برانگیختن حسادت دیگران می شود .

لاتقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیدًا

تهمت حسد به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

حسد اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۶

۶ - حسادت اهل کتاب بر مسلمانان ، ریشه در اعماق جان ایشان داشت .

حسداً من عند أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . ..) بنابراین مراد از <النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. >

بیـان علتی برای مسائـل عنوان شـده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنهـا، قضـاوت ظالمـانه و همسویی بـا کـافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقـد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبسـتند و به آنان ضـرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد به عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۸

۸ - ایمان و عقاید دینی ، در گستره حسدورزی انسان

ودّ کثیر من أهل الکتب . .. حسداً من عند أنفسهم

حسد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

عبـارت <أن ینزل اللّه . ..> به تقـدیر <لام> بیـانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن یکفروا ... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدنـد و منشأ حسادتشان این بود که خـدا محمـد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (

ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

حسد به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . و نوح (ع) حسده قومه فقالوا : < ما هذا إلاّ بشر مثلکم یأکل ممّا تأکلون و یشرب ممّا تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلکم إنّکم إذاً لخاسرون > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: . .. و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلاّ بشر مثلکم...>.

حسد علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۹،۳۲

۲۹ نکوهش شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ، از سر تجاوزگری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه من بعد ما جاءتهم البیّنات بغیاً

بینهم

<بغی> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

۳۲ حَسَد و خودخواهی (بَغیِ) عالمان ناشایسته ، ریشه اختلافات دینی

و ما اختلف . .. بغیاً بینهم

حسد قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۵،۲۳

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۳ قابیل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک . .. قال انما یتقبل اللّه من المتقین

حسد قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . و نوح (ع) حسده قومه فقالوا : < ما هذا إلاّ بشر مثلکم یأکل ممّا تأکلون و یشرب ممّا تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلکم إنّکم إذاً لخاسرون > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: . .. و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلاّ بشر مثلکم...>.

حسد مسیحیان

صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصارای عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتاب> به دلیل <و قالوا لن یدخل . ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

حسد منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رفاه و امکانات مادی مسلمانان ، غیر قابل تحمل برای منافقان صدر اسلام و برانگیزنده آنان به ستیزه جویی و کینهورزی

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت <أن ینزل اللّه . ..> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن یکفروا ... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من

عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . ..) بنابراین مراد از <النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می

باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصارای عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتاب> به دلیل <و قالوا لن یدخل . ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

شومی حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قابیل ، درسی برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم . .. فاصبح من الندمین

با توجه به اینکه ضمیر در <علیهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن آنان خواهد بود.

عوامل حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۳،۴،۱۰

۳ مقام پیامبری

و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۱۰ خاندان رسالت به علت بهره مندی از داده ها و فضل خداوند ، مورد حسادت

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

امام صادق (ع) فرمود: . .. نحن النّاس المحسودون الّذین قال اللّه: ام یحسدون النّاس ... .

کافی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۶ ; و ص ۲۰۵، ح ۱، ص ۲۰۶، ح ۲، ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۵۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ رد قربانی قابیل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قابیل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل اللّه قربان هابیل فحسده قابیل فقتله ... .

تفسیر عیاشی، ج

۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

فرجام حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قابیل ، درسی برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم . .. فاصبح من الندمین

با توجه به اینکه ضمیر در <علیهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن آنان خواهد بود.

فسق حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ – هواپرستی ، حسد ، نژادپرستی ، خود بزرگ بینی

و خویشتن را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن ، از مصادیق فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

محدوده حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۸

۸ - ایمان و عقاید دینی ، در گستره حسدورزی انسان

ودّ کثیر من أهل الکتب . .. حسداً من عند أنفسهم

حسودان

{حسودان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت <أن ینزل اللّه . ..> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن یکفروا ... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . ..) بنابراین مراد از

<النّاس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان

به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

آسیب پذیری از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۶

۶ - پیامبر (ص) ، در معرض ضربه خوردن از سوی فرد یا افرادی که حسادت ، آنان را به تلاش های شرّآفرین وادار می ساخت .

قل . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

نکره بودن <حاسد> در مقابل معرفه بودن <النفاثات> می تواند بیانگر ناشناخته بودن حسودانی باشد که درصدد ضربه زدن به پیامبر(ص) بودند و ممکن است مراد از آن جنس باشد; در آن صورت بر همه حسودان تعمیم خواهد یافت.

استعاذه از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۲،۸

۲ - لزوم پناه بردن به خداوند ، هنگام تلاش های حسادت آمیز دیگران

و من شرّ حاسد إذا حسد

۸ - خداوند ، پیامبر (ص) را به پناه خواستن و امداد طلبیدن از او ، در برابر آثار حسادت مردم فرمان داد .

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

برخورد با حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۳

۳ لزوم تلاش در جهت آرام نمودن خشم و حسادت بر افروخته دیگران در رویارویی با آنان

لئن بسطت . .. ما إنّا بباسط یدی إلیک

بیان نحوه برخورد هابیل با برادرش، می تواند درسی آموزنده برای همگان در موارد مشابه با آن باشد.

زمینه مصونیت از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۵ – ۴

۴ – پناه بردن به خداوند و به زبان جاری ساختن استعاذه به درگاه او ،

زمینه ساز دور ماندن انسان از آسیب های حسودان

أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

منشأ مصونیت از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۳،۵

۳ - خداوند ، بر بی اثر کردن حسد دیگران و مصون ساختن انسان در برابر تلاش های عملی حسودان ، توانا است .

أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ بربّ الفلق . .. و من شرّ حاسد إذا حسد

حسرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۲۱

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۲۱ هجوم پی در پی غم ها و حسرت ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (ص)

اذ تصعدون . .. فاثابکم غمّا بغمّ

برخی از مفسران برآنند که <باء> در <بغمّ> الصاقیّه است و مراد، غمهای فراوانی است که یکی پس

از دیگری در آن نبرد به مسلمانان وارد می شد و همه آنها پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (ص) بود. در برداشت فوق <اثابکم> به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکونوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد; یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدّر نبود، کشته نمی شدند.

انذار از حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- انذار غافلان و منکران قیامت و بیم دادن آنان از زمینه های حسرت در آن از وظایف پیامبر (ص) است .

و أنذرهم یوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

بی تأثیری حسرت اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۹

۹ - بی اثر بودن اعتراف مشرکان به وجود رستاخیز و اظهار تأسف و حسرت آنان به حال زار خویش در روز قیامت

قالوا یویلنا هذا یوم الدین . .. احشروا الذین ظلموا ...فاهدوهم إلی صرط الجحیم

حسرت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۱

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

حسرت اخروی بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۷

۱۷ - < فی الخبر النبویّ (ص) أنّه یُفتَح للعبد یوم القیامه علی کلّ یوم من أیّام عمره أربعه و عشرون خزانهً . . . یُفتَح له خزانهٌ . . . فیراها فارغهً لیس فیها ما یسرّه و لا ما یسؤوه و هی الساعه التی نام فیها أو اشتغل فیها بشیء من مباحات الدنیا فیناله من الغبن و الأسف علی فواتها . . . ما لایُوصَف و من هذا قوله تعالی : < ذلک یوم التغابن > ;

در روایتی از پیامبر(ص) آمده که برای بنده در قیامت، برای هر روز از ایام عمرش ۲۴ خزانه باز می شود . .. خزانه ای برای او بازمی گردد که آن را خالی می بیند و چیزی که او را خوشحال یا ناراحت کند در آن نیست. این همان ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول کارهای مباح دنیا بوده است. پس غبن و تأسف بر از دست دادن آن ساعت، به او دست می دهد ... به اندازه

ای که قابل توصیف نیست و در همین باره است سخن خدای تعالی: و ذلک یوم التغابن>.

حسرت اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جاْیء یومئذ بجهنّم . .. یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

حسرت اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

حسرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در

قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۶،۱۱

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسو

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلی ربّهم ینسلون . قالوا یویلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ -

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

حسرت اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱

۱ - انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حتّی إذا جاءنا قال یلیت بینی و بینک بعد المشرقین

حسرت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۶

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

حسرت اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۰ - ۲

۲ - حسرت مشرکان در قیامت ، بر نداشتن شفاعت کننده و مددکار

إذ نسوّیکم بربّ العلمین . .. فما لنا من شفعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۱

۱ - حسرت مشرکان ، بر نداشتن کمترین دوست دلسوز در قیامت

و لاصدیق حمیم

<حمیم> به

معنای نزدیک است و <صدیق حمیم> (دوست نزدیک) می تواند کنایه از فرد مشفق، مهربان و دلسوز باشد.

حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۱

۱ - اظهار تأسف و حسرت منکران معاد بر حال زار خود ، پس از برانگیخته شدن در قیامت

فإذا هم ینظرون . و قالوا یویلنا

<ویل> واژه ای است که برای اظهار تأسف و حسرت به کار می رود و ضمیر متکلم مع الغیر (نا) برای تأکید و اهتمام به این امر است.

حسرت باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۴

۴- مرد ثروت مند ، بادیدن باغ فرو ریخته بر سقف ها و تباهی تمامی محصول و سرمایه های خویش به حسرت شدید فرو رفت .

و أُحیط بثمره فأصبح یقلّب کفّیه. .. و هی خاویه علی عروشها

<کفّ> یعنی دست و <کفّیه> تثنیه آن و به معنای دو دست او است. جمله <یقلّب کفّیه> یعنی، دو دست اش را زیر و رو می کرد (گاهی کف یک دست را بر پشت دست دیگر و گاه عکس آن را انجام می داد). این حرکت، بازتابی از اندوه و حسرت شدید آدمی است. <خاویه> یعنی، فرو ریخته و منهدم شده و <عروش> به معنای سقف ها و یا داربست هایی است که برای برخی درختانِ میوه برپا می گردد. <خاویه علی عروشها> یعنی: <درختان و یا بناهای باغ، بر سقف های خود فرو ریخته بود.>.

حسرت تارکان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون

- ۶۳ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - تأسف عمیق دریغ کنندگان از انفاق ، به هنگام فرارسیدن مرگ

فیقول ربّ لولا أخّرتنی . .. و أکن من الصلحین

حسرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ عن النبی(ص) فی قوله: <یا حسرتنا> قال: یری أهل النار منازلهم من الجنه فیقولون: <یا حسرتنا>.

رسول خدا(ص) درباره قول خداوند <یا حسرتنا> فرمود: جهنمیان جایگاه خودشان را در بهشت می بینند آنگاه می گویند: <ای افسوس>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> برای تعجب و تحسر است.

حسرت حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس

- ۳۶ - ۲۶ - ۹

۹ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلیت قومی یعلمون

جمله <یا لیت قومی. ..> برای استئناف بیانی است; یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۴

۴ - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدن ، از آگاه نبودن مردم از مورد غفران قرار گرفتن و عزیز شدنش در پیشگاه الهی ، تأسف خورد .

قال یلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین

حسرت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی

حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیّت عوامل مادّی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسّران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران

- ۳ - ۳۰ - ۷،۱۱

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء تودّ لو اَنّ بینها و بینه امداً بعیدا

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷،۸

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعه> باشد. و مراد از <الساعه> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱- پیامبراکرم (ص) مأمور انذار و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم یوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگذشته خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده

است.

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم یوم الحسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنّی له الذکری . یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

حسرت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۸

۸ - اظهار حسرت و دریغ از سوی دنیاطلبان غافل ، به هنگام مشاهده قارون در تجمل ویژه خود

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون

حسرت دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

حسرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

حسرت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت

طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا. ..> برای تعجب و تحسر است.

حسرت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلمّا أحسّوا بأسنا . .. قالوا یویلنا إنّا کنّا ظلمین

حسرت عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیّت عوامل مادّی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسّران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

<نفحه> در لغت

به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است; ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد; ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

حسرت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۳

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومیدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . .. فیقولوا هل نحن منظرون

با توجه به تعبیر <هل نحن. ..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند; بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش

بیان می دارند.

حسرت متخلفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۹،۱۰

۹ متخلفان از جهاد ، بیگانه با جامعه ایمانی و پیوند های مودّت آمیز آن

و انّ منکم لمن لیبطّئنّ . .. کان لم تکن بینکم وبینه مودّه

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسرت متخلّفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ . .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسرت مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکونوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد; یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدّر نبود، کشته نمی شدند.

حسرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر

حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

۱۴ - حسرت و اندوه شدید و همه جانبه پیامبر (ص) ، بر انحراف و گمراهی مردم کافر

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

آمدن <حسرات> به صورت جمع به جای <حسرت>، بر کثرت و چند جانبه بودن آن دلالت می کند.

حسرت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلمّا أحسّوا بأسنا . .. قالوا یویلنا إنّا کنّا ظلمین

حسرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۲۱

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فاثابکم غمّا بغمّ لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ; چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا . .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۲۱ هجوم پی در پی غم ها و حسرت ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (ص)

اذ تصعدون . .. فاثابکم غمّا بغمّ

برخی از مفسران برآنند که <باء> در <بغمّ> الصاقیّه است و مراد، غمهای فراوانی است که یکی پس از دیگری در آن نبرد

به مسلمانان وارد می شد و همه آنها

پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (ص) بود. در برداشت فوق <اثابکم> به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

حسرت مشرکان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

حسرت مکذّبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

حسرت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۸

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعه> باشد. و مراد از <الساعه> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

حسرت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۵

۵ اظهار حسرت و اندوه منافقان بر کشته شدن بستگان خویش

در پیکار احد

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

گفته شده مراد از <لاخوانهم>، خویشان نسبی است. و جمله <قالوا لاخوانهم> یعنی: <درباره آنها گفتند>; نه <به آنها گفتند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۳،۱۶

۱۳ حسرت منافقان برای از دست دادن اموال و فرزندان خویش به هنگام مرگ

فلا تعجبک أمولهم و لا أولدهم . .. لیعذبهم ... و تزهق أنفسهم

<زهوق نفس> به معنای خروج جان بر اثر تأسف و حسرت است. (مفردات راغب).

۱۶ جان کندن دشوار و حسرت بار منافقان و کفر نهایی آنان ، پیامد کثرت مال و اولاد و نمودی از عذاب الهی

فلا تعجبک أمولهم . .. یرید اللّه لیعذبهم بها ... و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۲،۱۵

۱۲ حسرت منافقان برای از دست دادن اموال و فرزندان خویش به هنگام مرگ

أن یعذبهم . .. و تزهق أنفسهم

<زهوق> به معنای مفارقت جستن از امری که همراه با تأسف و حسرت است (مفردات راغب).

۱۵ کثرت مال و اولاد منافقان نمودی از عذاب الهی و زمینه ساز جان کندن دشوار و حسرت بار آنان

أن یعذبهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

با توجه به اینکه <تزهق أنفسهم> می تواند عطف تفسیری برای <أن یعذبهم> باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

حسرت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۹

۹ بی اعتنایی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجادکننده حسرت

در دل های ایشان

لا تکونوا کالّذین کفروا . .. لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به <لا تکونوا> باشد.

حسرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲۳

۲۳ ناپسندی حسرت و اندوه بر زوال منفعت های مادی و نیز حسرت بر کشته های راه خدا

لکیلا تحزنوا علی مافاتکم و لا ما اصابکم

چون خداوند با مرحمت خویش غمی را بر آنان وارد کرد تا اندوه از دست دادن غنایم و کشته های جنگ را نادیده انگارند، بنابراین اگر چنین اندوهی پسندیده بود از یاد بردن آن، پاداش و مرحمت محسوب نمی شود.

زمینه حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۸

۸- انسان نباید مرتکب عملی شود که مورد سرزنش قرار گیرد و از کرده خود پشیمان گشته و بر آن حسرت بخورد .

و لاتجعل یدک . .. فتقعد ملومًا محسورًا

زمینه حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۹

۹ - بی توجّهی به فرصت های مناسب و از کف دادن آنها ، امری ناپسند و مایه افسوس خوردن بر آن در آخرت

علمت نفس ما . .. أخّرت

بیـان آگاهی به آنچه از دست رفته (ما أخّرت)، نظر به نـدامتی دارد که پس از آگاهی پیـدا می شود; زیرا آیه شـریفه در مقام هشدار است و صرف <آگاه شدن از چیزی> هشدار نمی خواهد.

شدت حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹

- ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنّی سلطنیه

عوامل حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۹،۱۰

۹ بی اعتنایی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجادکننده حسرت در دل های ایشان

لا تکونوا کالّذین کفروا . .. لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به <لا تکونوا> باشد.

۱۰ ضرورت هشیاری آدمی ، در پرهیز از گرایش های حسرت آفرین

لا تکونوا کالّذین کفروا . .. لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۴،۵

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۶

۶- بخل ، باعث سرزنش و زیاده روی در انفاق ، عامل ناتوانی و حسرت انسان در زندگی است .

و لاتجعل

یدک . .. و لاتبسطها کلّ البسط فتقعد ملومًا محسورًا

برداشت فوق بنابراین نکته است که <ملوماً> به <لاتجعل یدک مغلوله> و <محسوراً> به <لاتبسطها> نظر داشته باشد و نیز بنابراین است که <محسوراً> به معنای جدا شدن شخص از امکانات خویش باشد و مایه حسرت او گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۶

۶ - ضییع عمر و از دست دادن فرصت های زندگی دنیوی ، مایه حسرت انسان به هنگام مرگ

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۳

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومیدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . .. فیقولوا هل نحن منظرون

با توجه به تعبیر <هل نحن. ..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند; بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش بیان می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۲،۵

۲ - برخورد استهزاگرانه مردم با پیامبران الهی ، بس حسرت آور و اندوه بار بود .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

۵ - استهزای رسولان الهی ، رفتاری بس حسرت آور و اندوه بار است .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

تنوین <حسره> بر تکثیر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۱

۱

- کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یاحسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فرّطت>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فرّطت فی جنب اللّه>; یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۵

۵ - تقواپیشگان ، دارای مقام و جایگاهی حسرت برانگیز در قیامت

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

از این که کافران می گویند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد از تقواپیشگان بودیم، به دست می آید که افراد با تقوا، از چنان مقامِ والایی برخورداراند که کافران درباره آنان غبطه خورده و آرزو می کنند که ای کاش از زمره آنان بودند.

عوامل حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده : < کذلک یریهم اللّه اعمالهم حسرات علیهم > روایت شده : < هو الرجل یدع المال لاینفقه فی طاعه اللّه بخلا ثم یموت فیدعه لمن هو یعمل فی طاعه اللّه او فی معصیته فان عمل به فی طاعه اللّه رأه فی میزان غیره فزاده حسره و قد کان المال له و

ان کان عمل به فی معصیه اللّه قواه بذلک المال حتی عمل به فی معصیه اللّه ;

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتر می شود; چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۹،۱۰

۹ پشیمانی، اندوه و حسرت در آخرت، پیامد تباه کردن فرصت دنیا و کوتاهی در انجام تکالیف

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

ضمیر <ها> در <علی ما فرطنا فیها>، به <ما بر می گردد و معنا چنین می شود: <یا حسرتنا علی تفریطنا>. و چون متعلق تفریط محذوف است، بر اطلاق متعلق تفریط دلالت دارد.

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا . .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵،۷،۸

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم

یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

۷- اعتقاد به فرزندی عیسی (ع) برای خداوند ، مایه دریغ و حسرت در قیامت

فاختلف الأحزاب . .. و أنذرهم یوم الحسره

۸- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله و هم لایؤمنون

ضمیر <هم> به <الظالمون> در آیه قبل بازمی گردد و جمله <هم فی. ..> حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- ظلم و غفلت در دنیا ، موجب حسرت و ندامت انسان در قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا بل کنّا ظلمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنّا. ..> برای اضراب انتقالی باشد; یعنی، سخنان کافران در قیامت دو چیز است: ۱ اعتراف به غافل بودن خود; ۲ اعتراف به ستمگربودن خویش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۲

۲ - انکار معاد ، موجب تأسف و اندوه انسان در قیامت

و قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و

حیات اخروی

و اتّبعوا أحسن ما أنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۵

۵ - اندوختن مال و ثروت بدون ایمان و مصرف آنها در جهت سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

ما أغنی عنّی مالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۵

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنّی سلطنیه

عوامل حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۴

۴ - نظامِ کیفر و پاداش الهی در روز رستاخیز ، موجب تأسف و حسرت شدید منکران معاد خواهد شد .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <هذا یوم الدین> استئنافیه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

عوامل حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲،۱۱،۹،۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرکورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او

در قیامت خواهد شد .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

۱۲ - شرکورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فمن یعمل مثقال ذرّه خیراً یره > یقول إن کان من أهل النار و کان قد عمل فی الدنیا مثقال ذرّه خیراً یره یوم القیامه حسرةً انه کان عمله لغیراللّه > ;

از امام باقر(ع)، درباره سخن خداوند <فمن یعمل مثقال ذرّه خیراً یره> روایت شده که خداوند [می فرماید]: اگر[بنده ای]از اهل آتش بوده و در دنیا به اندازه وزن یک ذره، کار خوب انجام داده باشد، در قیامت آن را می بیند تا حسرت بخورد که چرا این عمل را برای غیر خدا انجام داده بود>.

عوامل حسرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و

حیات اخروی

و اتّبعوا أحسن ما أنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

غفلت از حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۹

۹- باور نداشتن قیامت و غفلت از حسرت باربودن آن ستم گری است .

لکن الظلمون . .. هم فی غفله و هم لایؤمنون

موانع حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذین کذبوا . .. و ما الحیوه الدنیا إلا ... أفلا تعقلون

ناپسندی حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۹

۹- مورد سرزنش قرار گرفتن و حسرت خوردن بر از دست داده ها ، اموری ناخوشایند بر انسان ها و ناسازگار با طبع آنها

فتقعد ملومًا محسورًا

از اینکه خداوند پیامد افراط و تفریط در انفاق را مورد سرزنش قرار گرفتن و حسرت خوردن ذکر کرده است تا به این وسیله

انسان برای دچار نشدن به آن از افراط و تفریط پرهیز کند، به دست می آید که چنین حالاتی برای انسان ناخوشایند است.

حسن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسن

آثار حسن پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۷

۷ حسن سابقه افراد از نشانه های بی گناهی آنان است .

لقد علمتم . .. و ما کنا سرقین

آثار حسن نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲،۱۴

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

ارزش حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۹

۹- فرجام نیک و پایان خوش ، ملاکی مهم در ارزش گزاری امور است .

خیر عقبًا

امیدواری به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۲

۲- مؤمن ، به آینده و پایانی بهتر از امکانات مادّی دنیاداران ، امیدوار است .

فعسی ربّی أن یؤتین خیرًا

منظور مرد مؤمن از <عسی ربّی. ..> ممکن است انتظار ثواب آخرت باشد. ترک آرزوی اولاد بیشتر و نیز جمله <هنالک الولایه للّه> و عبارت <خیر عقباً> در آیه چهل و چهارم، این معنا را محتمل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۲

۲۲ - ضرورتِ

دل بستن به عاقبت نیک و دل خوش نبودن به لذت های زودگذر

والعقبه للتّقوی

امیدواری به حسن فرجام انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۷

۷- نگرش مثبت و امیدوارانه اندیشه مذهبی ، نسبت به فرجام جامعه بشری

و لقد کتبنا فی الزبور . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا

امیدواری به حسن فرجام انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۷

۷- نگرش مثبت و امیدوارانه اندیشه مذهبی ، نسبت به فرجام جامعه بشری

و لقد کتبنا فی الزبور . .. أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا

اهمیت حسن ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲

۲ - لزوم حاکمیت روح خوشبینی ، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ

اهمیت حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۹،۱۰

۹ فرجام نیک از آن پیامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن می باشند.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار إنه لایفلح الظلمون

۱۰ فرجام نیک، رستگاری است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۰،۲۴

۲۰ تسلیم خدا بودن تا پایان عمر ، از نعمت های بزرگ الهی است .

توفنی مسلمًا

جمله <مرا در حال تسلیم بمیران> (توفنی مسلماً) کنایه از این

است که من همواره تسلیم تو باشم به گونه ای که در هر لحظه و شرایطی که جان دادم ، با این وصف قرین بوده باشم.

۲۴ انسان باید برای تسلیم بودن در برابر خدا و عاقبت به خیر شدن و زیستن با صالحان در سرای آخرت ، دعا کرده و به درگاه خدا نیایش کند .

توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۶

۶ - حسن عاقبت و نیک فرجامی ، امری بس مهم در زندگی بشر

و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۳

۳ - حسن عاقبت و نیک فرجامی ، امری بس مهم در زندگی بشر

و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۸

۸ - اهمیت حسن عاقبت *

و جاء بقلب منیب

برداشت بالا بدان احتمال است که <جاء بقلب> اشاره به پایان کار و حسن عاقبت داشته باشد.

بشارت به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۶

۶ پیامبر (ص) ، وظیفه دار مژده دادن به موحدان و بشارت دادن آنان به عاقبتی خوش

ألاّ تعبدوا إلاّ الله إننی لکم منه . .. بشیر

بشارت حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۳

۳ خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان را به فرجامی نیکو بشارت داد .

و قل . .. إنا منتظرون

تشخیص حسن

عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۸

۸- بعضی از افعال ، دارای حسن و قبح ذاتی و کافران گرفتار انحراف در تشخیص آن *

زیّن له سوء عمله

در آیه شریفه میان بینش فرد کافر و ارزش واقعی اعمال، تفکیک شده است; یعنی، در متن واقع عمل او حقیقتاً بد است; ولی کافر آن را زیبا می بیند و این می نمایاند که واقعیت هر عمل، بدون داوری انسان ها، دارای ارزشی مستقل و اصیل است.

تضمین حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۲ - ۲،۳

۲ - اخلاص و عمل نیک ، تضمین کننده فرجامی نیک است .

و من یسلم وجهه إلی اللّه و هو محسن فقد استمسک . ..و إلی اللّه عقبه الأُمور

۳ - تسلیم محض شدن در برابر خدا و اطاعت بی چون و چرا از او ، تضمین کننده فرجام نیک

و من یسلم وجهه إلی اللّه . .. و إلی اللّه عقبه الأُمور

حسن پیشینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳،۶

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزه بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم . .. ما كنا سرقين

حسن پیشینه متقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۴

۴ - پیشینه درخشان تقواپیشگان و پایبندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ما ءاتیهم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک محسنین

حسن پیشینه متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . .. فما جزؤه إن کنتم کذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

حسن خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّه . .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۲ - آفرینش موجودات به صورتی نیکو و شایسته ، نشانه تدبیر و علم الهی است .

یدبّر الأمر . .. علم ... الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۳ - زیبا و نیکو آفریده شدن پدیده ها ، از جمله آیات الهی است .

اللّه الذی . .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۷ – خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گِلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

حسن سابقه مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۴،۱۰

۱۰ اهل ایمان ، دارای پیشینه ای نیک و پرونده ای درخشان در نزد پروردگار

و بشّر الذین ءامنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم

<قدم صدق> کنایه از حسن پیشینه است.

۱۴ برخورداری از جایگاه بلند و حسن سابقه در پیشگاه پروردگار ، بشارت پیامبر (ص) به مؤمنان

و بشّر الذین ءامنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم

حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۹

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

ربّنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفّر عنّا سیّئاتنا و توفّنا مع الابرار

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

حسن فرجام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ -

ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۲

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بیمینه فأُولئک یقرءون کتبهم و لایظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقنی و غیرقابل تردید است .

إنّ هذا لهو حقّ الیقین

<هـذا> به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر <حقّ الیقین> از باب اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <الیقین الحقّ> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <الیقین الحقّ>; یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

حسن فرجام الیسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ فرجام نیک از آنِ پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و

سیعلم الکَفّر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آنِ پیامبران و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

حسن فرجام انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۳

۳ - باغ های جاویدان بهشت ، فرجامی نیک برای انسان ها

لحسن مئاب . جنّت عدن

حسن فرجام انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آنِ صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا . .. و یدرءون بالحسنه السیئه أُولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ فرجام نیک حیات دنیا از آنِ خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. أُولئک لهم عقبی الدار

حسن فرجام ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ...

هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ فرجام نیک از آنِ پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آنِ پیامبران و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

حسن فرجام پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقواپیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

حسن فرجام خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب . .. أُولئک لهم عقبی الدار

حسن فرجام داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۵

۵ - داوود (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و

منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۹

۹ دنیا ، دارای عاقبت و فرجامی نیک است .

لمن عقبی الدار

<ال> در <الدار> عهد حضوری و اشاره به حیات دنیا دارد. مراد از فرجام حیات دنیا بهشت و نعمتهای آن است.

حسن فرجام دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - دنیامداران ، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

حسن فرجام ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۹ – ۷

۷ – داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام)

، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آنِ صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق

گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا . .. و یدرءون بالحسنه السیئه أُولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعم عقبی الدار

حسن فرجام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۳

۱۳- بهترین عاقبت ، در انتظار انجام دهندگان عمل صالح است .

و خیر مردًّا

<مردّاً> می تواند اسم مکان و به معنای <مرجع> باشد (البحر المحیط). در این صورت مراد از <خیر مردّاً> بهترین فرجام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا أخّرتنی . .. و أکن من الصلحین

حسن فرجام قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۵

۵ - ایمانِ ثمربخش قوم یونس و فرجام نیک آنان ، مایه عبرت

و موجب دلداری به پیامبر (ص) و مؤمنان

فَامنوا فمتّعنهم إلی حین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درصدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنانی است که در شرایط سخت و طاقت فرسای مکه قرار داشتند. در واقع این آیه، آنان را (همچون یونس(ع)) به ادامه رسالت الهی فرا می خواند.

حسن فرجام متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۶،۱۷

۱۶ فرجام نیک ، از آنِ تقواپیشگان است .

إن العقبه للمتقین

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوا پیشگانند و فرجام نیک از آنِ ایشان است .

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۹

۱۹ - فرجام نیک ، از آنِ تقواپیشگان است .

والعقبه للتّقوی

گفتن <التقوی> و اراده <أهل التقوی>، برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۷

۷ - عاقبت نیک ، ویژه تقواپیشگان است .

و العقبه للمتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۹ – ۸

۸ – تقواپیشگان ، برخوردار از فرجامی نیک

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۱۹

۱۹– فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون . .. کمن هو خلد فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۷ – ۶

۶ – مقایسه فرجام

نیک تقواپیشگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است; مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۴

۴ - ترسیم فرجام نیک متقین و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان دین ، از وظایف رهبران الهی

فذکّر

ظاهراً موضوع تذکر، مطالبی است که در آیات پیشین در مورد فرجام نیک مؤمنان و سرنوشت شوم کافران آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آنِ صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا . .. و یدرءون بالحسنه السیئه أُولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

کذلک سخّر لکم . .. و بشّر المحسنین

حسن فرجام محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۹

۹ فرجام نیک از آن پیامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن می باشند.

فسوف تعلمون من تکون

له عقبه الدار إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوا پیشگانند و فرجام نیک از آنِ ایشان است .

فاصبر إن العقبه للمتقین

حسن فرجام مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوا پیشگانند و فرجام نیک از آنِ ایشان است .

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۴

۴- مسلمان و تسلیم خدا بودن ، فرجامی نیک و پسندیده دارد .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

حسن فرجام مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۵ - ۱

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقنی و غیرقابل تردید است .

إنّ هذا لهو حقّ الیقین

<هـذا> به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر <حقّ الیقین> از باب اضافه صفت به موصوف

است; یعنی، <الیقین الحقّ> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <الیقین الحقّ>; یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

حسن فرجام مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴،۹

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

۹ فرجام نیک از آن پیامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن می باشند.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آنِ مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان ، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ - مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز ، دارای آینده ای سعادتمند

و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشّر المخبتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۲

۲ - فرجام ناگوار کافران و عاقبت نیکوی مؤمنان ، علامت برابر نبودن آنان با یکدیگر است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم ... أفمن کان مؤمنًا کم

<فاء> در <أفمن> تفریع بر آیات سابق است که در آنها از کافران و مؤمنان و فرجام و عاقبتشان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إنّا أرسلنک بالحقّ بشیرًا و نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا . .. ذلک بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حسن فرجام نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آنِ صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا . .. و یدرءون بالحسنه السیئه أُولئک لهم عقبی الدار

حسن فرجام نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقواپیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلک

من أنباء الغيب . .. فاصبر إن العقبه للمتقين

حسن فرجام یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذاالکفل (علیهم السلام) ، از تقواپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . .. إسمعیل و الیسع و ذاالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن معاشرت با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵ - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاننده اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأمّا الإنسن إذا ما ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

حسن معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵ - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاننده اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فأمّا الإنسن إذا ما

ابتلیه . .. یأیّتها النّفس المطمئنّه

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

حسن نیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مؤمن ، به دور از نیت و اندیشه سوء نسبت به دیگر مؤمنان

الذین جاءو من بعدهم یقولون . .. و لاتجعل فی قلوبنا غلّا للذین ءامنوا

آیه شریفه، در حقیقت رهنمودی است به مؤمنان که خویش را از هرگونه بدخواهی و کینه نسبت به اهل ایمان، دور نگه دارند.

زمینه حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۷

۷- تقوا ، احسان به پدر و مادر ، پرهیز از سلطه جویی و عصیان ، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است .

برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۷

۱۷ - فرجام نیک و بد انسان ها ، در گرو عقیده و عمل آنان است .

رجال لاتلهیهم

تجره و لابیع عن ذکر اللّه و إقام الصلوه . .. لیجزیهم اللّه أحسن م

تصریح خداوند بر اعمال مؤمنان (أحسن ما عملوا) و نیز اعمال کافران (أعمالهم کسراب)، حکایت از این دارد که علاوه بر عقیده انسان ها(ایمان و کفر)، اعمال آنان نیز در سرنوشت شان مؤثر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۴

۴ - فرجام نیک و بد ، در اختیار خداوند است و زمینه هر دو را او فراهم می سازد .

فسنیسّره للیسری . .. للعسری

سرزنش اطمینان به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ - غرور و اطمینان به سرنوشت نیک اخروی ، امری نکوهیده است .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

شرایط حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقین

عوامل حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۳

۱۳ استقامت در راه خدا و دستیابی به حسن عاقبت ، نیازمند امداد های خداوند است .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

عوامل حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۴

۴ پرستش خدای یکتا ، درپی دارنده فرجامی خوش و نیکوست .

إننی لکم منه . .. بشیر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۴

۴ اعمال و عقاید مؤمنان ، موجب دستیابی آنان به فرجامی نیک خواهد شد .

إنا عملون . .. إنا منتظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۴

۴- رعایت عدل و انصاف اقتصادی ، در پی دارنده عاقبت و فرجامی نیک است .

ذلک خیر و أحسن تأویلا

<تأویل> از مصدر <اَوْل> به معنای بازگشت به اصل است و مراد از آن، غایتی است که منظور و مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۷

۷- انسان ها ، برای وصول به فرجام نیک ، باید با هوشیاری کامل در پی رهبرانی صالح و شایسته باشند .

یوم ندعوا کلّ أُناس بإممهم

از اینکه خداوند قیامت را با این وصف ذکر می کند: <همه انسانها به نام رهبرانشان فرا خوانده می شوند> احتمالاً هشداری است به آنان که متوجه باشند به دنبال چه کسی حرکت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۴

۴- فرجام نیک و بد انسان ها در آخرت ، تابع عملکرد و بینش دنیوی آنان است .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالک الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر

عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۶

۶ تقواپیشگی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و سرانجامی خوش و برتر

جنّه الخلد . .. و مصیرًا

از پاداش قرارگرفتن بهشت برای متقین، استفاده می شود که بهشت را به بهای تلاش می دهند نه به بهانه و این تلاش به قرینه وصف <متّقین> تقواپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۲ - ۶

۶ - چنگ زدن به ریسمان محکم الهی ، فرجامی خوش دارد .

فقد استمسک بالعروه الوثقی و إلی اللّه عقبه الأُمور

<و إلی اللّه عاقبه الأُمور> در مقام تعلیل برای <فقد استمسک. ..> است و کنایه از فلاح و رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۹،۱۰

۹ - تقوا ، عامل نیک فرجامی انسان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب

۱۰ - نیک فرجامی ، تنها در سایه تقواپیشگی میسر است .

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام در <للمتّقین> برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۲

۲– نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا . .. ذلک بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۵

۵– عنصر ایمان و تقوا ، تغییر دهنده ماهیت پوچ زندگی دنیایی به

ماهیتی ارزشی و با فرجام

إنّما الحیوه الدنیالعب و لهو و إن تؤمنوا و تتّقوا یؤتکم أجورکم

از ارتباط <إنّما الحیاه الدنیا. ..> با <إن تؤمنوا و...>، استفاده می شود که همین زندگی لعب و لهو، اگر به عنصر ایمان و تقوا آمیخته شد; در نزد خدا ارزش می یابد و دارای پاداش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۵

۵ - انسان های برخوردار از نفس لوّامه ، دارای فرجامی نیکو در قیامت *

لاأُقسم بیوم القیمه . و لاأُقسم بالنفس اللوّامه

بیان سوگند به نفس لوّامه، پس از سوگند به روز قیامت، ممکن است بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۵

۵ - برخورداری از توجّهات و عنایت های خداوند ، مایه خشنودی انسان و دست یافتن او به فرجامی پسندیده و رضایت بخش

ابتغاء وجه ربّه . .. و لسوف یرضی

مشرکان و حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۶،۷،۹

۶- مشرکان علی رغم استناد امر ناخوشایند به خداوند ، مدعی عاقبتی نیکو برای خود بودند .

و یجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

۷- ادعای خوش عاقبتی مشرکان برای خویش ، ادعایی دروغ و دور از واقعیت

و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

<أن لهم الحسنی> بدل برای <الکذب> است.

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و یجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب

أن لهم الحسنى

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و یجعلون لله البنات . .. و لهم ما یشتهون> و <یجعلون لله ما یکرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

منشأ حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵ - انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود ، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۴

۴ - فرجام نیک و بد ، در اختیار خداوند است و زمینه هر دو را او فراهم می سازد .

فسنیسّره للیسری . .. للعسری

منشأ حسن فرجام انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲ – فراهم ساختنِ آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل ، وعده تخلّف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است .

فسنیسّره للیسری . .. فسنیسّره للعسری ... إنّ علینا للهدی

جمله <إنّ علینا للهدی>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است; یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام

مناسب برخوردشان با هدایت را فراهم می سازیم.

حسن ظن

اهمیت حسن ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲

۲ - لزوم حاکمیت روح خوشبینی ، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیرًا من الظنّ

حسن عاقبت

{حسن عاقبت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ جایگاه و فرجام نیک ، تنها نزد خداوند است .

و اللّه عنده حسن المئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۲

۱۲ مؤمنان راستین نگران حسن عاقبت خویش و باقی ماندن بر طریق ایمان تا آخرین لحظات

و توفنا مسلمین

حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۹

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

ربّنا فاغفرلنا ذنوبنا و کفّر عنّا سیّئاتنا و توفّنا مع الابرار

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

عوامل حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۳

۱۳ استقامت در راه خدا و دستیابی به حسن عاقبت ، نیازمند امداد های خداوند است .

ربنا أفرغ علینا صبراً و توفنا مسلمین

حسن عقلی

{حسن عقلی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ وجود کارهای پسندیده و ناپسند،

بدون امر و نهی خداوند

إن الله لا یأمر بالفحشاء

۱۰ عقل آدمی توانا بر درک کردارهایی پسندیده و ناپسند، مستقل از امر و نهی خداوند

قل إن الله لا یأمر بالفحشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

حسن نیت

آثار حسن نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲،۱۴

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

حسن نیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹

- ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مؤمن ، به دور از نیت و اندیشه سوء نسبت به دیگر مؤمنان

الذین جاءو من بعدهم یقولون . .. و لاتجعل فی قلوبنا غلّا للذین ءامنوا

آیه شریفه، در حقیقت رهنمودی است به مؤمنان که خویش را از هرگونه بدخواهی و کینه نسبت به اهل ایمان، دور نگه دارند.

حسنات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسنات

آثار حسنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیرالمؤمنین(ع) . .. و اما قوله: < فمن ثقلت موزینه ...> فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان ... .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: . .. مراد از آیه <فمن ثقلت موازینه>، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ... .

حسنات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۵

۵- کسب فضایل معنوی و کوشش خود انسان ، مؤثر در برخورداری او از مواهب و نیکی ها در دنیا و مقامات عالی در آخرت

إن إبرهیم کان أُمّه قانتًا لله . .. و إنه فی الأخره لمن الصلحین

زمینه حسنات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دین ، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است .

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الأخره لمن الصلحین

زمینه حسنات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دین ، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است .

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه

فی الأخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰- پیروی از مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی ، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الأخره لمن الصلحین . .. اتّبع ملّه إبرهیم حنیف

موارد حسنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.

إن الذین فرقوا دینهم . .. من جاء بالحسنه ... و من جاء بالسیئه

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای <الحسنه> ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق <السیئه> تفرقه در دین است.

حسنه

تبدیل سیئه به حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۴،۶،۱۰

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱ تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک; به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنه> نوشته

شود. ۲- تبـدیل آثار و پیامـدهای <سـیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسـنات> که ثواب است . گفتنی اسـت برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ توبه ، ایمان و عمل صالـح ، موجب محو شـدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلاّ من تاب و ءامن و عمل عملاًصلحًا فأُولئک یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت

۱۰ تبـدیل بـدی هـای مردم توبه کـار ، مؤمن و نیکوکار به خوبی ها و جایگزین کردن ثواب به جای عقاب آنان ، برخاسـته از غفران و مهربانی خداوند

إلاّ من تاب . .. فأُولئک یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت و کان اللّه غفورًا رحیمًا

یادآوری دو صـفت غفران و رحمت خداونـد، پس از وعده تبدیل بدی های مؤمنان به خوبی ها، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

حسنه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۶

۶ حسنه در دنیا ، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت ، رضوان الهی و بهشت است .

ربّنا اتنا فی الدنیا حسنه

امـام صـادق (ع) دربـاره آیه <ربّنا اتنا . ..>، فرمود: رضوان اللّه و الجنه فی الاخره و السـعه فی الرزق و المعاش و حسن الخلق فی الدنیا

معانی الاخبار، ص ۱۷۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۷۲۵ و ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ آنان که خواهان حَسَنه دنیوی و اُخرویند ، از آنچه انجام داده

اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من یقول ربّنا اتنا . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <ممّا کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

حسنه دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۶

۶ حسنه در دنیا ، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت ، رضوان الهی و بهشت است .

ربّنا اتنا فی الدنیا حسنه

امام صادق (ع) درباره آیه <ربّنا اتنا . ..>، فرمود: رضوان اللّه و الجنه فی الاخره و السعه فی الرزق و المعاش و حسن الخلق فی الدنیا

معانی الاخبار، ص ۱۷۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۷۲۵ و ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ آنان که خواهان حَسَنه دنیوی و اُخروینـد ، از آنچه انجام داده اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من یقول ربّنا اتنا . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <ممّا کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

سنت های حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۷

۷ مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر

مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل . .. و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

مراد از حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۹

۹ عن علی(ع) فی قوله تعالی . .. <من جاء بالحسنه فله عشر امثالها>، الحسنه حبنا أهل البیت و السیئه بغضنا ... .

از امیرالمؤمنین(ع) درباره آیه <من جاء بالحسنه . .. > روایت شده است: <حسنه> دوستی ما اهل بیت و <سیئه> دشمنی ماست ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۸

۸ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه > : اما الحسنه فالغنیمه و العافیه و اما المصیبه فالبلاء و الشده ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدا <ان تصبک حسنه . ..> روایت شده است: <حسنه> غنیمت و سلامتی و <مصیبت> بلا و سختی است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۸

۸ - < عن أبی عبداللّه (ع) . . . قال الحسنه التقیه و السیّئه الإذاعه . و قوله عزّوجلّ < ادفع بالتی هی أحسن السیّئه > قال : التی هی أحسن التقیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: <حسنه> تقیه است و <سیئه> شایع کردن [اسرار] است.

[در باره]قول خدای عزّوجلّ نیز <ادفع بالتی هی أحسن السیّئه> فرمود: آنکه احسن است، همان تقیه می باشد ...>.

موارد حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا . .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

حضور قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حضور قلب

آثار حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۷

۲۷- کسانی که یاد خداوند در قلب آنان حضور ندارد ، شایسته رهبری نیستند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نهی از اطاعت غافلان، نفی شایستگی آن ها برای فرمان دادن و ارائه پیشنهاد است.

اهمیت حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۸

۲۸- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

حضور قلب در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱

- ۵ - ۸

۸ - احساس حضور در پیشگاه خداوند از آداب عبادت است .

إیاک نعبد

از جمله نکته های التفات از غیبت به خطاب در سوره حمد، بیان ادب عبادت و دعاست; یعنی، شایسته است انسان به هنگام پرستش و دعا احساس کند که در پیشگاه خداوند حاضر است.

حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۸،۹

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه . .. حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا . .. > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتی تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

نشانه های حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربّهم بالغدوه و العشیّ . .. و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

حفصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حفصه

افشاگری حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۲،۹

۲ - یکی از همسران پیامبر (ص) (حفصه) ، سخن محرمانه و سرّی آن حضرت را [برای عایشه] فاش ساخت .

و إذ أسرّ النبیّ إلی بعض أزوجه حدیثًا فلمّا

نبّأت به

مفسران، براساس شأن نزول ها، ماجرای نقل شده در آیه شریفه را مربوط به حفصه و عایشه دانسته اند.

۹ - هیچ کس ، جز خداوند ، از افشا شدن راز پیامبر (ص) از سوی همسرش (حفصه) آگاه نبود .

قالت من أنباک هذا قال نبّأنی العلیم الخبیر

از این که پیامبر(ص) آگاهی خود را از ناحیه خداوند دانسته است، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

پرسش حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۷

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلمّا نبّأها به قالت من أنباک هذا

توصیه توبه به حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱

۱ - توصیه خداوند به دو همسر خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، به توبه و دست برداشتن از خطاکاری

إن تتوبا إلی اللّه

جواب شرط <إن تتوبا إلی اللّه>، محذوف و تقدیر آن چنین است: <فهو خیر لکما>. این جمله در حقیقت، تشویق و توصیه به توبه و تکرار نکردن اشتباهات گذشته است.

حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{حق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۸

۸ مقابله با پیامبر (ص) و جبهه حقّ ، به منزله مقابله با خداوند است .

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً

مستند نمودن نفی ضرر به خداوند، با وجود اینکه مراد، نفی ضرر از دین و پیامبر (ص) و مسلمانان

است، اشاره به این معنا دارد که مقابله با دین و پیامبر (ص)، به منزله مقابله با خداوند است.

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

آثار اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - استفاده از آیه های خدا ، برای رهیافت به خداشناسی ، منوط به حفظ بی طرفی و دست کشیدن از دغلکاری و حق ناپذیری است .

و ما یجحد بأیتنا إلّا کلّ ختّار کفور

آثار اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم

و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، درپی دارنده عذاب آتش دوزخ

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

آثار اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۹ - ۶

۶ عدول از حق در بینش و اعتقادات، زمینه تکذیب آیات الهی

و الذین کذبوا بأیتنا یمسهم العذاب بما کانوا یفسقون

جمله <بما کانوا یفسقون> می تواند بیان علت تکذیب منجر به عذاب باشد. یعنی چون آنان فاسق بودند، تکذیب می کردند. و چون سوره انعام مکی است و آیات قبل هم بحث از اعتقادات می باشد، به نظر می رسد این فسق، فسق اعتقادی باشد، نه فسق عملی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۵

۵ اختلافات دینی و مذهبی و دور شدن از حق به خاطر آن ، مانع نیل انسان ها به هدف خلقتشان است .

و لایزالون مختلفین. إلّا من رحم ربک و لذلک خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقانیّت حق ، بی تأثیر است .

الحقّ من ربّکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلاّکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶ - جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه مستمر اهل باطل

فلمّا جاءهم بایتنا إذا هم منها یضحکون

آثار اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقًا

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

آثار انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به

عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرین

با این که قرآن دربردارنـده هر دو بعد انذار و تبشـیر است; اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذارگر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگذارد <انذار> است.

آثار پیروی از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا . .. ذلک بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

آثار تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق ، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت . .. و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

ذکر <إنی لأظنّک یافرعون مثبوراً> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شـدن از در تهدیـد برای اصلاح باشد.

آثار ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج

حق و صبر ، زیان کاری است .

لفی خسر . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- برخورداری از روحیه تسلیم در برابر حق ، شرط بهرهوری از هدایت و بشارت قرآن

و هدًی و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق و داشتن روحیه حق پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلم

اسلام در این آیه می تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

آثار تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۶

۶- شناخت حق ، درپی دارنده تکلیف و مسؤولیت فزون تر ، برای انسان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی لن یضرّوا اللّه شیئًا

تصریح به <من بعد ما تبیّن لهم الهدی>، می رساند که آشکار شدن حق بر انسان، تأثیر عمده ای در برطرف کردن کفر، داشته باشد.

آثار تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودررویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و ما تأتیهم . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق

<فاء> در <فقد کذبوا> می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله <فقد کذبوا . .. > بیانگر سبب و زمینه اعراض

مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالمودّه و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت <و قد کفروا. ..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتّخذوا عدوّی) است.

آثار تنفر از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

آثار توبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

آثار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۸

۸ - وجود حق و مظاهر آن ، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حتّی أنسوکم ذکری

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند; ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

آثار

حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهرهوری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا علیک الکتب . .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۴

۴ - داشتن استعداد و روح حق پذیری ، شرط بهره مند شدن و تأثیر پذیرفتن از گفته های رسولان

ربّ السموت و الأرض و ما بینهماإن کنتم موقنین

جمله <إن کنتم موقنین> در حقیقت به معنای <إن کنتم مستعدین للإیقان و طالبین لمعرفه الحقایق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۶،۷

۶ - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إن تسمع إلاّ من یؤمن بایتنا

مراد از <من یؤمن> کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کری و کوری نشده است.

۷ - بی تأثیر بودن هدایت گری پیامبر (ص) در محرومان

از روحیه تسلیم و حق پذیری

إن تسمع إلاّ من یؤمن بایتنا فهم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۴

۴ - آمادگی برای پذیرش حق ، شرط بهره گرفتن از قرآن است .

هدًی و رحمه للمحسنین

بی شک قرآن کریم، کتاب هدایت برای همه است. اختصاص یافتن هدایت آن به گروهی خاص، در این آیه، به معنای محدودیت هدایت قرآن نیست، بلکه به معنای بهره بردن کسانی است که آمادگی لازم را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهرهوری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه . .. و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمیً

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۱

۱ - راه یابی به بهشت ، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین . ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۴

۴ - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جئنكم بالحقّ و لكنّ

أكثركم للحقّ كرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۷

۷- تقوای عملی ، زاییده هدایت و ره یابی اندیشه به حق

زادهم هدًی و ءاتیهم تقویهم

از ارتباط <آتاهم تقواهم> با <زادهم هدیً> و عطف آن دو که مستلزم تغایر و دوگانگی است می توان استفاده کرد که: اولاً هدایت امری روحی و فکری و تقوا مقوله ای عملی است و ثانیاً تقوا مترتب بر ازدیاد هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۳

۳ - دریافت پیام های نهفته در متن تاریخ ، نیازمند قلبی آگاه یا گوشی شنوا و حق پذیر

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع و هو شهید

عبارت <لمن کان له قلب أو ألقی. ..> می رساند که برای فهم صحیح تاریخ، یکی از دو شرط لازم است: یا خردمندی و تیزهوشی در درک و تحلیل و یا حق شنوی از اهل خرد و اندیشه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوشی شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أُذن وعیه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <اُذن>، اسناد

مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۲

۱ - تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إنّ الإنسن لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصو

۲ - ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی ، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است .

لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إن فی ذلک لأیه للمؤمنین

آثار حق پذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۲

۲ - توجه به تأثیر حق در نفوس مستعد ، به رغم عناد کافران ، مشوق رهبران الهی به تداوم تبلیغ

إنّا کنّا من قبل ندعوه . .. فذکّر فما أنت ... بکاهن

فاء در <فذکّر>، تکلیف تذکر را متفرع بر آیات پیشین کرده است. در آن آیات سخن از حق ناپذیری برخی از مردم و حق پذیری و قدرشناسی گروهی دیگر به میان آمده بود.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۳

۳ صبر

و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

آثار حق پذیری مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - روحیه حق پذیری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، عامل گرویدن آنان به اسلام

قالوا ءامنّا به إنّه الحقّ

جمله <إنّه

الحقّ> به منزله تعلیل برای <آمنّا به> است; یعنی، ما بدان جهت به قرآن ایمان آوردیم که آن را حق یافتیم.

آثار حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودررویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و ما تأتیهم . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق

<فاء> در <فقد کذبوا> می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله <فقد کذبوا . .. > بیانگر سبب و زمینه اعراض مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم . ... فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فى ءاذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستيزى> از جملات ديگر آيه، مانند

<کل ءایه . .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی ، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد ، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است .

و لم یجعلنی جبّارًا شقیًّا

<شقیّاً> می تواند صفت توضیحی برای <جبّاراً> باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتب . .. أهدی منهما... فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را درپی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أرءیتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل

برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۶

۶- عزت ها و شرافت های دنیوی ، متکی به گناه و حق ستیزی ، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است .

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۸

۸ - روحیه انکار و عناد در برابر حق ، مانع بهرهوری معنوی و عرفانی انسان از ژرف کاوی در نظام طبیعت

إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

وصف <للمؤمنین> این مفهوم را می رساند که کافران و یا غافلانی که انگیزه حق جویی را ندارند، با ژرف کاوی در نظام آسمان ها و زمین، بهره ای بایسته از آن نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۵

۵ تعارض و نابسامانی در روح و اندیشه ، نتیجه حق ستیزی است .

کذّبوا بالحقّ . .. فهم فی أمر مریج

<فا>ی تفریع، این نتیجه کلی را به دست می دهد که انکار حق آشکار، فرد را گرفتار بحران روحی و تناقض گویی می سازد; زیرا از یک سو وضوح حق را در می یابد و از سوی دیگر، تلاش می کند تا بر آن سرپوش نهاده و عقیده باطل خود را

توجیه کند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بدان احتمال است که ترتیب میان صفات کفّار، عنید و. ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیدایش وصف متأخر آن، داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیّام اللّه> داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذّبت قبلهم . .. فحقّ وعید

آثار حق ستیزی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . ..

و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار حق ستیزی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۲

۲ - خوی سرکشی ، تکبر ، حق ناپذیری و ستیزه جویی ، عامل نابودی بسیاری از امت ها و ملت های گذشته

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق . کم أهلکنا من قبلهم من قرن

آیه شریفه، درصدد بیان این حقیقت است که آنچه موجب ایمان نیاوردن کافران صدراسلام شد، همان سبب کفر بسیاری از امت ها و ملت های گذشته گردید.

آثار حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۲

۲ - هلاکت قوم ثمود ، بازتاب ظلم و حق ستیزی خود آنان

فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا

قید <بما ظلموا> بیان علت هلاکت قوم ثمود است; یعنی، آنان بدان سبب که ستم کردند. .. .

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است ; نه نامعقول بودن آن .

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد; یعنی، اینان در همان آغاز

نشانه های حق را دیدنـد و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

آثار حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۴

۴ هدایت و شناخت حق ، مسؤولیت آفرین است .

من بعد ما تبیّن له الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۶

۶ - عبودیت و بندگی ، نماد و نتیجه حق شناسی انسان در برابر پروردگاری خداوند است .

إنّ الله هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

از تفریع <فاعبدوه> بر <إن اللّه ربّی و ربّکم> می توان استفاده کرد که باور به ربوبیت یگانه الهی، آدمی را به مسؤولیت و وظیفه عبودیت و بندگی رهنمون می سازد.

آثار حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوشی شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أُذن وعیه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <اُذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

آثار حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۸

۸ حرف شنوی و خردورزی ، از ملاک های ارزیابی شخصیت و ارزش انسان ها

أم تحسب أنّ أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلّا كالأنعم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إن فی ذلک لأیه لقوم یسمعون

آثار حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۶

۶ - روحیه حق طلبی ، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لأیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۲

۲ انسان ، با روحیه تواضع و حقّ جویی ، بهره مند از درس های توحیدی و رهنمود های نهفته در هستی

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

واژه <عبد>، اشاره به روحیه تواضع و <منیب> اشاره به حقّ جویی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لأیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۷

۷ - سبقت در ایمان و قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان و حق گرایان ، موجب جلب آمرزش الهی

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا أن کنّا أوّل المؤمنین

برداشت یاد شده از تعلیل قرار گرفتن جمله <أن کنّا أوّل المؤمنین> برای جمله قبل (إنّا نطمع. ..) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵ - برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهرهوری از

پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین . هدًی و بشری للمؤمنین

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنین> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهرهوری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۳

۳ - حق گرایی و حق یابی ، نشان بینایی حقیقی در بینش الهی

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

خداوند، به کسانی که چشم ظاهر دارند; ولی فاقد زمینه شناخت حق و گرایش به آن هستند، عنوان <نابینا> داده است و این بدان معنا است که بینایی در این بینش، به چشم ظاهر نیست; بلکه به حق یابی و حق گرایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

آثار حق گرایی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۹ – ۸،۱۰

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی . .. حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنای حنیف می گوید: <حنف> تمایل به استقامت و دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ... > محسوب می شود.

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حقگرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی . .. حنیفا و ما أنا من المشرکین

آثار حق گرایی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۱ – ۵۳

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲۲ – ۳

۳– نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا ، حق گرایی ، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) ، در برخورداری او از نیکی ها و نعمت های الهی در دنیا و منزلت والا در آخرت

إن إبرهیم کان أُمّه قانتًا لله . .. و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الأخره لمن

آثار حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۱۰

۱۰– انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماردلی مشارالیه <أولئک. ..> قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این

ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

آثار حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل ، گردن فرازی و حق ناپذیری ، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الذین کفروا . .. > بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۷،۸

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

۸ حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

کما لم یؤمنوا به أول مره و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۶،۱۲

۶ ضیق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن

یضله یجعل صدره ضیقا حرجا

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: <الحرج أضیق الضیق>.

۱۲ ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله . .. کذلک یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۷،۱۹

۱۷ پیمان شکنی ، کرداری برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه . .. و أکثرهم فسقون

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً . .. و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقانیّت قرآن

ذلک من أنباء الغیب . .. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقانیّت قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و

ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱،۳

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم

وقرً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ; بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۴

۴- کفر و حق ناپذیری ، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است .

عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعًا

مفاد <کانوا لایستطیعون. ..> ماضی استمراری است; یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسّی آن مراد نیست، بلکه بیانِ این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ; نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أُنذرکم بالوحی و لایسمع الصمّ الدعاء إذا ماینذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق ، مصداق بارز ظلم است .

أبصر الذین کفروا . .. بل کنّا ظلمین

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر

کافری در حقیقت ظالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۳

۳ - حق ناپذیری ، تعصب و جمود بر فرقه گرایی ، گردابی است هلاکت بار .

فتقطّعوا أمرهم بینهم . .. فذرهم فی غمرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۳

۳ - عوامل انحراف و حق ناپذیری ، سبب مخفی بودن روشن ترین حقایق (یگانگی خدا) بر گمراهان در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

با این که پوچی شرک و یگانگی خدا، امری روشن است; مشرکان، تنها پس از گرفتار شدن به آتش دوزخ، وضوح آن را درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ - روحیه عناد و حق ناپذیری ، مانع از درک صحیح حقایق و تصمیم گیری به موقع

فعقروها فأصبحوا ندمین

ثمودیان تا قبل از کشتن ناقه، به امکان نزول عذاب نیندیشیدند; چرا که کفر و عنادشان مانع از درک این حقیقت بود; ولی به مجرد کشتن ناقه و مشاهده نشانه های عذاب، آثار پشیمانی آنان را فرا گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از احراز تأثیرناپذیری آنان در قبال حق

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است؛ پس بیش از این تلاش

مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهرهوری انسان از آیات الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷ - عناد و حق گریزی موجب محرومیّت انسان از هدایت الهی است .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

۱۰ - هدایت نشدن برخی انسان ها ، معلول هدایت ناپذیری خود آنان است و نه نارسایی مفاهیم دینی و یا نارسایی تبلیغی .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۵

۵ - تعلّق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از انسان ها ، ناشی از روحیه حق ناپذیر آنها است .

و لو شئنا لأتینا کلّ نفس هدیها . .. إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بها خرّو

احتمال دارد که این آیه درصدد تبیین آیه <و لو شئنا. ..> باشد; یعنی، فلسفه عدم شمول هدایت خداوند به همه انسان ها در این جا بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۲

۲ - تکذیب پیامبران از سوی ملت های گذشته ، ناشی از روحیه

حق ناپذیری آنان بوده است .

و کذّب الذین من قبلهم . .. فکذّبوا رسلی

تکرار ماده <کذب> (کذّب و کذّبوا) ممکن است به خاطر این باشد که <کذّب> برای تکثیر و <کذّبوا> برای تعدیه است. بنابراین استفاده می شود که آنان تکذیب پیامبران را دنبال کردند و همواره در پی آن بودند، تا حدی که جزء اخلاقیاتشان شد و از آن پس، براساس این خصلت، هر پیامبری را انکار می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً ... فهم مقمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

فهم لایؤمنون . .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذار ها و اخطار های پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۳

۳ - انکار لجوجانه معاد و روح حق ناپذیر ، موجب خواری و ذلت آدمی در قیامت است .

و أنتم دخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷

- ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳ - روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کژی منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۲

۲ - شرک به خدا ، تکذیب رسالت پیامبران و استکبار در برابر حق ، موجب عذاب دردناک اخروی

و إذا قیل لهم لا إله إلاّ اللّه یستکبرون . .. إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴ – ۲

۲ – کفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی

ما یجدل فی ءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۷ –

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است .

ألم تر إلی الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جمله <الذین کذّبوا بالکتاب . ..> بدل برای <الذین یجادلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنّکم مکثون . .. أکثرکم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر

سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی مردمان و حق ناپذیری ایشان ، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنّهم کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۲،۱۴

۱۲- روحیه حق ناپذیری ، مانع بهرهوری صحیح انسان از ابزار شناخت

فما أغنی عنهم سمعهم . .. إذ کانوا یجحدون بایت اللّه

<إذ. ..> در عین حالی که ظرف <ما أغنی...> است، بیانگر علت نیز هست و تعبیر <کانوا یجحدون> رساننده استمرار است که در پرتو آن، افعال تبدیل به خصلت و روحیه می شود.

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ کانوا یجحدون بایت اللّه و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

<کانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین . ..أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توبیخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۱ – ۴،۵

۴

- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

۵ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۲

۲ - کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۲

۲ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب عذاب سخت و طاقت فرسا

سأُرهقه صعودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکّر . .. إلاّ من تولّی و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین

لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لایؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جلمه <هم لایؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵،۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالذین> برای تفریع است و دلالت می کند که توحید اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذين

لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون . .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

آثار حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار حق ناپذیری امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۳،۴

۳- دشمنی با حق و سرسختی در برابر آن ، مایه هلاکت بسیاری از جوامع و تمدن های پیشین

و تنذر به قومًا لدًّا . و کم أهلکنا قبلهم من

قرن

وصف <لـدّاً> بر شدت سرسختی و خصومت دلالت دارد، بیان هلاکت جوامع به دنبال مطرح ساختن سرسختی مردم عصر بعثت، نشان از تأثیر بسزای این خصلت در نابودی اقوام پیشین دارد.

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

آثار حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۳

۳ - قوم ثمود ، گرفتار عذاب الهی ، در پی درس نگرفتن از انذار های مکرر پیامبر خویش

کذّبت ثمود بالنّذر . .. فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نـذر> بر <عـذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق ثمودیان، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم . .. معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۲

۲ - رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی

درآنان

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به كارگيرى تهديد از سوى خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثيرناپذيرى كافران از آن

فارتقب يوم تأتى السماء بدخان مبين

<فاء> تفريع، تهديد را متفرع بر حق ستيزى كافران و عدم تأثير منطق و برهان بر آنان كرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتيجه تضاد و بحران درونى كافران ، در انكار حق و مشاهده نفوذ آيات وحى *

قال الذين كفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذيرى و هدايت گريزى كافران ، منتهى به دروغ شمردن پيام راستين وحى

و إذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم

<فاء> در <فسيقولون>، بيانگر ترتّب و نتيجه است; يعنى، اتهام آنان به قرآن، نتيجه حق ناپذيرى و هدايت گريزى آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جويانه كافران ، درباره زمان برپايى قيامت ، ناشى از خوى لجاجت ، استكبارى و حق گريزى آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

آثار حق ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت

، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین. ..> برای اضراب انتقالی است; بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۵

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد ءاتینا موسی . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ،

عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قوما طاغین> باشد; یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما بپردازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۷

۷ - دلجویی خداوند از پیامبراکرم (ص) ، در قبال حق ناپذیری مشرکان

فاصفح عنهم . .. فسوف یعلمون

آثار حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه ، فلسفه و دلیل ردّ شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (ص)

فليأتنا بايه . .. أفهم يؤمنون

آثار دشمنی با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و

ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را درپی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

آثار دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت الهی را در پی خواهد داشت .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

آثار دنیوی حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حق ستیزی ، دارای پیامد ناگوار دنیوی برای انسان

ذاقوا وبال أمرهم

آیه شریفه در مورد کافرانی سخن می گوید که در برابر اسلام، به ستیز برخاسته بودند.

آثار شرک حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار شناخت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۴

۴- معرفی حق و ارائه ارزش های واقعی ، راه مبارزه با ضد ارزش ها و جریان های باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

از تقدم <جاء الحق> می توان استفاده کرد که باطل در پرتو ظهور حق، رنگ می بازد و در صورتی که راه صحیح و حق ارائه نگردد، باطل همچنان میدان دار خواهد بود.

آثار صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ -

یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۷

۷ صبر در مسیر حق ، وسیله جلب حمایت الهی است .

و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

آثار ظهور حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۳

۳- اضمحلال و نابودی باطل ، تنها در پرتو ظهور و به میدان آمدن حق میسر است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

احتمال دارد تقدم <جاء الحق> بر <زهق الباطل> از آن جهت باشد که باید با میدان آوردن حق، باطل را از میان برد و جمله <إن الباطل کان زهوقاً> (باطل طبیعتاً نابود شدنی و رفتنی است) مؤید برداشت فوق است.

آثار عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبهم مصیبه . .. فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

آثار عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

آثار عمل حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حقْ ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا ... فی ءاذانهم وقرًا

آثار کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۸،۱۰

۸ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

إن الذین یکتمون . .. أولئک یلعنهم اللّه

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹

۱۳ محرومیت از هدایت الهی، نتیجه حق پوشی و مغالطه کاری خود انسان

و للبسنا علیهم ما یلبسون

تلبیس خداوند (للبسنا)، از نظر رتبه، پس از تلبیس خود آدمی (ما یلبسون) قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۵

۵ سرپوش گذاشتن بر حق و مداومت بر آن ، پدید آورنده روحیه عناد و دشمنی عمیق با ارزش ها *

کلّ کفّار عنید

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم <کفّار> بر <عنید>، اشاره به تقدم رتبی و علّی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقانیّت پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی اللّه قوماً . .. و اللّه لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقّانیّت آن حضرت، منکر حقّانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار گرایش به حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقانیّت حق ، بی تأثیر است .

الحقّ من ربّکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

آثار گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۴

۴ شهادت به حق و برای خدا ، زمینه تأمین عدالت اجتماعی است .

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء للّه

ظاهراً <شهداء للّه>، که در حقیقت شهادت دادن به حق است، به عنوان راهی برای دستیابی به اقامه قسط معرفی شده است.

آثار لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أرءیتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

آثار مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت وکیفر الهی

قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

آثار مبارزه با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت

الهی را در پی خواهد داشت .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

آثار مجادله با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۸

۸ - استکبارپیشگی و جدال با حق ، در پی دارنده خواری و رسوایی دنیوی است .

و من الناس من یجادل فی اللّه . ..ثانی عطفه ... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را درپی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

آثار وصول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۷

۷ - دریافت سخن حق و تکلیف آور ، شرط تکلیف و وظیفه مندی

و کذّب بالصدق إذ جاءه

آثار وضوح حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذين كفروا و صدّوا . .. و شاقّوا ... من بعد ما تبيّن لهم الهدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - نكوهش مضاعف هواپرستى و پيروى از حدس و گمان ، در شرايط وضوح و تجلى حقيقت

إن يتّبعون . .. و لقد جاءهم من ربّهم الهدى

ضميمه شدن ذيل آيه شريفه، مى تواند بيانگر اين باشد

که هواپرستی و متابعت مشرکان از حدس و گمان در شرایط وضوح حقیقت، دارای زشتی فزون تری است.

آثار هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون . فاصفح عنهم

آثارحق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثمّ یطمع أن أزید . کلّا إنّه کان لأیتنا عنیدًا

جمله <إنّه کان لآیاتنا عنیداً> تعلیل برای ردع (کلّا) است; یعنی، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد); چون او نسبت به آیات ما عناد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الـذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است

که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لایؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جلمه <هم لایؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵،۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالذین> برای تفریع است و دلالت می کند که توحید اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذين لايؤمنون بالأخره قلوبهم منكره و هم مستكبرون . .. و

إذا قيل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

آفات حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۷

۷- ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا . .. و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

آمرزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ آمرزش گناه ستیزه جویان علیه دین ، پس از گرایش آنان به اسلام ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خدا نسبت به انسانهاست .

و یغفر لکم و اللّه غفور رحیم

آمرزش حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده

است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

ابزار تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - خداوند ، به جز تورات حقایق دیگری را - که وسیله تمییز حق از باطل بود - در اختیار موسی (ع) قرار داد .

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

عطف <الفرقان> بر <الکتاب> می تواند عطف صفتی بر صفت دیگر گرفته شود و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات باشد; یعنی، ما به موسی (ع) چیزی را عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد; یعنی، به موسی کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا مراد از <فرقان> معجزات، براهین و مانند آن خواهد بود. (اقتباس از الکشاف)

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان>; یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

ابزار مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستیزه با

حق بر خاستند تا آن را از بین ببرند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای ابطال و از بین بردن است.

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

جواب <لولا> در <لولا أن تصیبهم مصیبه. ..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا أن تصیبهم مصیبه ... لمّا أرسلناک إلیهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگراز هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴

- ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ; نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع <تولّ عنهم> بر <ما تغن النذر> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

اثبات حق بر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۲

۱۲- < ناقه > معجزه ای روشنگر و اثبات کننده حق برای قوم ثمود بود .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره

<مبصره> به صیغه اسم فاعل و متعدی است و معنای آن چنین است: ناقه ثمود برای ایجاد بینش و بصیرت در مردم بود.

اجابت دعای حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۴

۴- دعای شکرگزاران تائب و تسلیم در برابر حق ، مورد استجابت خداوند *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر . .. نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

از ارتباط این آیه با آیه پیشین، چنین استفاده می شود که <نتقبّل> پاسخی است برای دعا و التجای انسان به رشد رسیده ای

که می گوید: <ربّ أوزعنی أن أشکر. ..>.

اجابت دعای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن

پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیبت دعوتکما فاستقیما

اجتناب از کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کتمان نکردن حقایق ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و لاتلبسوا . .. و تکتموا الحق

کتمان (مصدر تکتموا) به معنای مخفی کردن است. فعل <تکتموا> عطف بر <تلبسوا> می باشد; یعنی: <و لاتکتموا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ - ضرورت پرهیز از کتمان حقایق دینی

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

احکام احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهاد و توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، پس از بیان حقایق دینی و کارساز نبودن آن ، امری جایز

و مشروع است .

فإن تولّوا فقل ءاذنتكم على سواء

احكام حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه يوم حصاده>

قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده علیک واجب و لیس من الزکاه . . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است . . . .

اختلاف در دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۸

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربّک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

ادراک حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۸

۸- آیت خداوند بودن آب باران و حیات موجودات ، برای مردم حق شنو قابل درک است .

و الله أنزل من السّماء ماء . .. إن فی ذلک لأیه لقوم یسمعون

اذن اخروی به حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن

سخن نخواهد داد .

و قال صوابًا

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن. ..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

اذیتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشنده در برابر تهدید ها ، رجزخوانی ها و نسبت های ناروای مشرکان و کافران حق ستیز

و ربّنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

مقصود از توصیف در <ماتصفون>، ممکن است دوچیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می شمردند. ۲ نسبت های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می دادند.

ارائه حق در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - در تبلیغ ، تنها ، به نفی باطل نباید پرداخت ، بلکه باید راه درست را نیز معرفی کرد .

إنّ الذین تعبدون من دون اللّه لایملکون لکم رزقًا فابتغوا عند اللّه الرزق و اعبدو

ارزش تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۴

۴ - اعلان موضع حق و ترویج توحید در مجامع شرک ، دارای ارزشی والا

إنّ الذين قالوا ربّنا اللّه

واژه <قالوا> می تواند اشاره به این داشته باشد که موحدان، به صرف اعتقاد به توحید بسنده نمی کنند; بلکه آن را در مجامع شرک و کفر اعلان می دارند.

ارزش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ حقّ ، ملاک و معیار ارزشها

نتلوها علیک بالحق

ارزش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

ارزش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

ارزیابی با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۸

۸ - تمامی رفتار و کردار آدمی در دنیا ، باید بر پایه حق و مطابق با عدل باشد .

و قضی بینهم بالحقّ

تـذکر خداونـد بر این که داوری میان مردم در قیامت بر پایه حق و عـدل خواهـد بود; در واقع توصـیه ای است به بنـدگان که رفتار خود را مطابق عدل و بر پایه حق بنا نهند; زیرا در قیامت رفتار آنان بر همین اساس سنجیده و جزا داده خواهد شد.

استحکام حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

- ۳ - ۱۷۶ - ۷

۷ آسیب ناپذیری جبهه حق در برابر شتابگران در کفر

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً

در برداشت فوق، ضرر زدن به خدا کنایه از ضرر زدن به دین او گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۷

۷- حق ، دارای صلابت و استحکام و باطل ، پوچ و سست است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

از این که خداوند <حق> را از بین برنده و درهم کوبنده باطل دانسته، صلابت حق استفاده می شود. و از این که باطل ناگهان و بلافاصله از بین رفته است، میان تهی و پوچ بودن آن به دست می آید. گفتنی است تعبیر <قذف> که به معنای انداختن با قدرت و قوت است مؤید برداشت یاد شده است.

استقامت در برابر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

استمرار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱ سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشاندن حق است

.

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

استمرار گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز ، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است .

و من یضلل اللّه فما له من هاد . و من یهد اللّه فما له من مضلّ ألیس اللّه بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استواری عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۴

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

از معناهایی که مفسران، از صحابه و تابعان تاکنون، برای <شجره طیبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلاّ الله> است که عقیده حق می باشد.

استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۹

۱۹ - < فی مجمع البیان : و روی . . . عن أبی عبداللّه (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به . . . ;

در مجمع البیان

[ذیل آیه] <و من الناس من یشتری لهو الحدیث> آمده است: از امام صادق(ع) روایت شده که گفت: لهوالحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. ..>.

استهزای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

اصالت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۷،۸،۱۱

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدًا رابیًا . .. کذلک یضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله کذلک یضرب الله الحق و البطل

۱۱ باطل بر محور حق خودنمایی کرده و بر آن تحمیل می شود .

فاحتمل السیل زبدًا رابیًا

اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیّام اللّه> داشته باشد.

اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن باوجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است .

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنّا بکلٍّ کفرون

اصلاح مفاسد کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

اضطرار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

اضطرار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند

.

بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۴

۴ قرآن ، بیانگر حقایق ; حتی در مواردی که نتیجه آن به ضرر برخی از مسلمانان باشد .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

برخی از مسلمانان در ماه رجب به عده ای از کافران حمله بردند و آنان را کشته یا اسیر کردند. پس از این واقعه، آیه مزبور نازل شد و حکم به تحریم قتال در ماههای حرام کرد; هر چند بیان این حقیقت، به ضرر آن گروه از مسلمانان تمام شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۳،۴

۳ بیان حقایق ، پرتویی از ربوبیّت خداوند

الحق من ربّک

۴ تربیت و سازندگی ، در گرو بیان حقایق

الحق من ربّک

از آنجا که خداوند، <ربّ> (تربیت کننده) است، حق را بیان می کند. بنابراین ارتباط تربیت و حق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۵

۵ اظهار حق و نیامیختن آن به باطل ، از وظایف عالمان و آگاهان

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

اگر کتمان حق حرام باشد، لزوماً اظهار آن ضرورت دارد؛ چون شقّ سوّمی تصوّر نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرک و به وجود آوردن صحنه مبارزه ،

از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته

خداونـد در برابر مؤمنـان که خواهـان هجوم به کاروان تجاری قریش بودنـد، خواست تا آنان با لشـکریان کفر درآویزنـد و به جهـاد بـا آنـان بپردازنـد و همـان را نیز مقـدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت خداوند ، مقتضی اظهار حق برای بندگان

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۷

۷- امکان روی گردانی انسان از حق و حقایق دینی علی رغم روشن بودن آنها

فإن تولّوا فإنما علیک البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا . .. و ما على الرسول إلاّ البلغ المبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق

گریزی کافران است.

اعراض از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون. .. إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تـذکر خداونـد به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مبلغان دین ، موظّف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما یقولون . .. فذکّر بالقرءان من یخاف وعید

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبراکرم(ص) استفاده می شود.

اعراض از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۶

۶- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتوگو با بهانه جویان و حق ناپذیران

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که

انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

اعراض حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۶

۶- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص) ، برای نگران نبودن از روی گردانی حق ناپذیران

فإن تولّوا فإنما علیک البلغ المبین

اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

افساد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

اقرار اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۱

۱ - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

أین ما کنتم تشرکون . من دون اللّه قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

جمله <ضلّوا عنّا> (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن

معبودهـای ادعـایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله <بل لم نکن نـدعوا...> می توانـد به معنای بی اثر بودن حاجت خـواهی از معبودهـا باشـد; زیرا چیزی که بی فایـده است ماننـد این است که وجود نـدارد. هم چنین می توانـد گویـای انکـار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۶

۲۶ پیامبران الهی پیشتاز در ایمان به حقایق و اقرار به آن

و أنا أول المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۳

۳- اعتراف به سخن حق ، اگر چه دشمن آن را گفته باشد ، مطلوب و پسندیده است .

قالوا إن أنتم إلاّ بشر مثلنا . .. قالت ... إن نحن إلاّ بشر مثلکم

اینکه انبیای الهی در مقام پاسـخ گویی به مخالفان، کلام آنها را درباره بشـر بودن خود مورد تأییـد قرار می دادنـد، حکایت از پسندیده بودن اعتراف به سخن مطابق با واقع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۵

۲۵- اعتراف به حق در قیامت ، رهایی بخش از عذاب نیست .

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب ألیم

برداشت فوق بر این اسـاس است که <إن الظـالمین لهم عـذاب ألیم> کلام خداونـد باشـد. از اینکه خداونـد ماجرای برخورد مستکبران و پیروانشان و نیز برخورد آنها با شیطان و اعتراف شیطان به خطای خود در قیامت

را بیان می کند و آن گاه می فرماید که برای ستمگران عذابی دردناک در نظر گرفته شده است، نکته فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۹

۹ - ایمان و اعتراف به حق ، در شرایط اضطرار و ناگزیری ، فاقد ارزش و اصالت است .

قال ربّ ارجعون . .. کلّا إنّها کلمه هو قائلها

اقرار به حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

اقرار به حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

امتحان حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها

است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه>

به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

چنان که گفته شد <آیه> به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إنّ فی ذلک لأیه

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار عادیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فأهلکنهم إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۸ – ۴

۴ – نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به

حق و سرکوب باطل

فأخذهم العذاب إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۲

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار مردم ایکه ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم عذاب یوم الظلّه . .. إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت مردم ایکه، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - حمایت از حق در برابر باطل ، سنّت الهی است .

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین

خداوند پیامبرش را به این دلیل که بر حق است به توکل فراخوانده است. از این استفاده می شود که بنای خداوند و سنّت او،

بر حمایت از راه حق و راهیان آن است.

امداد به حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۶،۷

۶ - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

۷ - دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

امداد به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در روی گردانی از ایمان و هدایت

و أملی لهم

مفاد <أملی> ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امکانات دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه . .. متع إلی حین

انتقام از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۷

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. فإمّا نذهبنّ ... أو نرینّک الذی وعدنهم

۷ - خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستیزان چه در دنیا و چه در آخرت توانا است .

فإنّا علیهم مقتدرون

انتقام از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۲،۴

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نرینّک الذی وعدنهم

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک . .. فإنّا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است; ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸- پیامبر (ص) ، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

و لاتحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

و لاتحزن علیهم

انذار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، انذاری به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا . .. إلّا بالحقّ ... و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عمّا اُنـذروا. ..>، انذار صـریحی در این آیه و آیه قبل نیامده است، احتمال می رود که نفس تذّکر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ تعهّدی در برابر ارزش ها ندارند.

انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

انذار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۹ – ۱۷

۱۷– بیم دادن انسان ها از حق ناپذیری ، تنها هدف خداوند از فرستادن معجزات

و ما نرسل بالأیت إلّا تخویفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۶ – ۴

۴– مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو

، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۰،۱۱

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون>، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۱

۱ - هشدار شعیب (ع) به مردم حق ناپذیر < اَیکه > ، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربّی أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲

۸ - انذارگری و هشداردهی ، موضع پیامبر (ص) در برابر گمراهان حق ناپذیر

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۳

۳ - تکلیف مؤمنان و مبلغان دینی ، در برابر انسان های لجوج و حق ناپذیر ، تنها انذار و هشدار است .

إن أنت إلاّ نذیر

انذار کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۲

۲ - آیات و نشانه های الهی در پهنه طبیعت ، معرفت بخش انسان ها و انذاردهنده حق پوشان

و من ءایته . .. و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا

اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۴،۸

۴ - گروهی از اهل کتاب علی رغم شناخت حقیقت (پیامبری رسول اکرم) آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. لم تکفرون بایات

اللّه

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحیط.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۹

۹ مبارزه عالمان اهل کتاب با اسلام ، با علم و آگاهی به حقّانیّت آن

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل اللّه . .. و انتم شهداء

مقصود از <سبیل اللّه>، اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ -

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۷

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۷ چشمپوشی پیامبر (ص) ، از افشا و بیان حقایق مخفی شده توسط اهل کتاب

یبین لکم . .. و یعفوا عن کثیر

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <کثیر>، به قرینه فراز پیشین، حقایق مخفی شده باشد. بنابراین عفو به معنای فاش نساختن و مسکوت گذاشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶،۷،۱۲

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. فهم لا یؤمنون

اهمیت ابلاغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر

(ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی به مردم مبنی بر آمدن حق برای آنان

قل جاء الحقّ

اهمیت احترام حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

اهمیت استقامت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۸

۸ ضرورت صبر و مقاومت حق پویان در برابر استهزا و آزار دشمنان

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

جمله <و یصنع الفلک و کلما مرّ . ..> بیانگر صبر و مقاومت حضرت نوح(ع) و پیروان اوست و هدف از نقل آن ، ایجاد روحیه مقاومت در حق پویان و درس صبر و استقامت به آنان است.

اهمیت استقامت در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۹

۹ - ناخوشایندی کافران و دگراندیشان ، نباید مانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

اهمیت تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: درصورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۱

۱۱- تبیین و ارائه حق لازم است ، هر چند مخاطبان آن را نپذیرند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

اینکه خداوند می فرماید: <ما آیات خود را گوناگون و متنوع بیان کردیم، اما آنان نپذیرفتند> استفاده می شود که باید حق را به هر صورت بیان کرد; هر چند شنوندگان و مخاطبان، آن را قبول نکنند.

اهمیت تذکر به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

اهمیت تشخیص حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۵

۱۵- شناخت حق و جستوجو برای فهم صحیح حقایق دینی ، امری است لازم و بایسته .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

آیه بالا صرفاًبرای حکایت از وضعیت مشرکان نیست; بلکه علاوه براین درصدد محکومیت و سرزنش آنان نیز هست و این می رساند که شناخت حق، امری لازم است; زیرا سرزنش بر امر غیر لازم معقول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۸

۸ - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذاالأید إنّه أوّاب . .. و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

اهمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۷

۷ لزوم محور قرار دادن حق ، در عقاید و گفتار

و لاتقولوا علی اللّه الا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۶

۶ حق ، پایه و محور احکام و قوانین

دین اسلام

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۵،۶

۵ حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله <فما بعد الحق . ..> دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: <فماذا بعد الحق الذی هو الهدی إلا الباطل الذی هو الضلال>.

۶ ورای حق و حقیقت جز گمراهی و ضلالت نیست .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۶

۶- ارزشمندی ابزار و امکانات معرفتی انسان ، در گرو به کارگیری آن در طریق حق است .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی

از اینکه خداوند، انسانی را که بیناست ولی بینش درست نیافته <أعمی> خوانده است، استفاده می شود که چشم به عنوان وسیله معرفت آن گاه ارزشمند به حساب می آید که در مسیری بایسته و شایسته به کار گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۷

۷ - توکل بر خداوند تنها در مسیر حق ، دارای معنا و ثمربخش است .

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین

از تعلیل <إنّک علی الحقّ> استفاده می شود که توکل بر خدا، تنها در حرکت های درست و حقّانی، معنادار است; نه در هر

تلاشِ مشکوک و نادرست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۳

۱۳ - تمامی رفتار و کردار آدمی در

دنیا ، باید برپایه حق و مطابق با عدل باشد .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

تـذکر خداوند به این که داوری میان مردم در قیامت، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود، در واقع توصیه ای است به بندگان که رفتار خود را مطابق عدل و برپایه حق بنا نهند; زیرا در قیامت رفتار آنان بر همین اساس سنجیده و جزا داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۳

۳- حق ، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

اهمیت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ روحیه حرف شنوی و حق پذیری ، شرط بهره مندی از آیات الهی است .

إن فی ذلک لأیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم تسلیم بودن در برابر حق پس از ثبوت آن

لقد جاءک الحق . .. فلاتکونن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر

حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهرهوری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

اهمیت حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءکم الحق من ربکم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۳

۳ حق شنوی و خردورزی ، دو عنصر تعیین کننده و اساسی برای شناخت حق و پیمودن راه آن

أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

از این که خداوند برای هواپرستان، دو صفتی را ذکر می کند که آنان فاقد آن دو بودند، حکایت از آن دارد که آن دو، نقش تعیین کننده در شناخت و پذیرش راه پیامبر(ص) و تعالیم قرآن داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۴

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ،

ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أولئک کالأنعم

اهمیت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهرهوری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

اهمیت حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۴

۴ - تکذیب و نپذیرفتن گروهی ، نباید مانع از اظهار سخن حق و تبلیغ دین از سوی منادیان حق و مبلّغان دین گردد .

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با آن که از تکذیب گروهی از مردم آگاهی کامل دارد و این مطلب را نیز اعلام می کند; در عین حال پیام های خود (وحی) را بهوسیله پیامبراسلام(ص)، پیاپی ابلاغ می فرماید.

اهمیت دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۲

۲ - نفوذ و راه یافتن به مراکز قدرت و حکومت های استکباری ، به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع کردن از حق ، کاری روا و پسندیده است .

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون ... فلمّا جاءهم بالحقّ من عندنا

اهمیت روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در

آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

اهمیت صبر در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸،۱۱،۱۴،۲۰

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <و لو علی انفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

۱۱ لزوم شهادت به حق ، بدون در نظر گرفتن فقر و غنای افراد

کونوا قومین

بالقسط شهداء للّه . .. ان یکن غنیاً او فقیراً فاللّه اولی بهما

۱۴ ترحم به فقیران و بیزاری از ثروتمندان و یا بی اعتنایی به فقیران و طمع به ثروتمندان ، نباید مؤمنان را از شهادت به حق بازدارد .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه . .. ان یکن غنیاً او فقیراً فاللّه اولی بهما

شهادت درباره فقیر و ثروتمند چهار صورت دارد: یا شهادت علیه ثروتمند است به خاطر گرایش ضد استکباری، یا به نفع اوست به خاطر طمع یا ترس، یا علیه فقیر است به خاطر بی اعتنایی به او، و یا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرایش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن این موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم . .. فلاتتبعوا الهوی

ایجاد زمینه حق شناسی در برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

ایفای حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۵

۵ - حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران

و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است; به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

ایمان به پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجّه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

ایمان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کأنما یصعد فی السماء

باطل نمایی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن

حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال> و <إزاله> است. <لیدحضوا به الحقّ> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

برپایی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۱،۳

۱ پیاده شدن حق و نابودی باطل ، هدف از تشریع جهاد و مبارزه در اسلام

إذ یعدکم . .. یرید اللّه .. لیحق الحق ... و لو کره المجرمون

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یقطع . .. > در آیه قبل باشد.

بشارت به حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۰

۲۰ - بشارت خداوند به حق پذیران و صاحبان عقل و خردناب ، به داشتن آینده سعادتمندانه

فبشّر عباد . الذين يستمعون القول ... و أَولئک هم أَولوا الألبب

بشارت پیروزی

حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

بنی اسرائیل و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

بهانه جویی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

بی ارزشی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶ - انسانِ بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> دربردارنده معنای تحقیر است.

بی ارزشی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳ - کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این

که خداونـد به پیامبر(ص) توصـیه می کنـد که بر بـدبختی کافران غم و انـدوه بر خود راه ندهـد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماردلی مشارالیه <أولئک. ..> قرار گرفته انـد به ظاهر گوش و چشم دارنـد اما خداونـد در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۵

۵ انسانهایی که حقایق دینی را نپذیرند ، فاقد ارزش انسانی هستند .

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

بی ارزشی مکذّبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۵

۲۵ کسانی که آگاهانه و از سر عناد و لجاجت حقایق را منکر شوند، فاقد ارزش هستند.

ما أنزل الله علی بشر . .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

کاربرد واژه <ذر> درمواردی است که چیزی را به جهت حقارت و بی ارزشـی آن رها کرده و از آن بگذرند. آیه شریفه نیز در مقام فرمان به ترک مخاصـمه با یهودیانی که به جهت عناد با پیامبر(ص) اصل نزول وحی بر بشر را منکر شده اند، این واژه را به کار برده است.

بی استعدادی

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

بی تأثیری انذار بر حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۵

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و کذّبوا. .. و کلّ أمر مستقرّ

بی منطقی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

بی منطقی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۷

۷ - دشمنان دیانت و ستیزه جویان با آیات الهی ، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت اللّه بغیر سلطن أتیهم

برداشت یادشده بر این اساس است که <بغیر سلطان . ..> قید توضیحی باشد; یعنی، همواره چنین است که

مجادله گران با آیات الهی، بدون حجت و برهان به مجادله می پردازند.

بی مهری با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۳

۳- برای کسانی که حق گریز و هدایت ناپذیرند ، نباید دل سوزاند و سرمایه گذاری کرد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

بیان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۳،۲۵

۲۳ - خداوند ، هیچ گونه ملاحظه ای برای بیان حق ندارد .

و اللّه لایستحیی من الحقّ

۲۵ - در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

و اللّه لایستحیی من الحقّ

بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین . .. لایکلمهم اللّه> استفاده شده است.

بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

پاداش حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش

و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

پاداش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجری إلا علی اللّه

پاداش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

پایان حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و

حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پایان حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۳،۲۸

۲۳ انسان های برخوردار از نعمت های بیشتر الهی ، سزاوارتر به درک و پذیرش ربوبیّت الهی

الم تر . .. ان اتیه اللّه الملک

گفته شده جمله <ان اتیه اللّه . .. > به قرینه سیاق آیه به این معناست که نمرود به خاطر برخورداری از نعمت خدادادی ملک و سلطنت، باید بهتر از دیگران به ربوبیّت الهی اذعان کند. چرا که ملک و سلطنت نیز پرتویی از ربوبیّت و الوهیّت خداست.

۲۸ پذیرش دلایل روشن و هدایت یافتن آدمی ، منوط به تعلّق اراده خداوندی است .

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۳ – ۳

۳ – پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۷

۱۷

پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم و یرید اللّه . .. و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۵،۶،۹

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنه . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان ، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه

۹ جبهه حق ، علی رغم میل منافقان ، دارای روندی رو به پیروزی و موفقیت

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۶

۶- مکر ها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود .

و قد مکروا مکرهم و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۱۲،۳،۲،۱

۱– در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ

علی البطل

۲- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء . .. لعبین ... بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

۳- پیروزی حق بر باطل ، جلوه ای از هدف داری نظام آفرینش است .

و ما خلقنا السماء. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، سخن از آفرینش جهان براساس حق و هدفمند به میان آورد و دراین آیه، پیروزی حق بر باطل را یادآور شد. ارتباط میان این دو گفتار بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۲- < عن أبی عبداللّه (ع) : ما من أحد إلاّ و قد برز علیه الحقّ حتی یصدع ، قبله أم ترکه و ذلک أنّ اللّه یقول فی کتابه : < بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هیچ فردی نسیت، مگر آن که حق تا روشن شدن کامل، بر او ظاهر شده است; این سخن خداوند است که در کتابش می فرماید: <بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق. ..>».

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آنِ جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون . .. قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

پیروزی دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ < عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : . . الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کلّه > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی ارسل رسوله . .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... >.

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءکم یوسف من قبل . .. فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به حتّی إذا هلک قلتم لن یبع

تأخیر کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

تبعیت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

تبلیغ عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱۱

۱۱ - تبلیغ اعتقادات حق و ترغیب دیگران به مقاومت در برابر منکرات

، خصلتی ستوده و مایه کامیابی انسان

لفی خسر . إلاّ الذین ... تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۳

۳ مسؤولیّت سنگین عالمانِ به کتاب های آسمانی در بیان حقایق آن برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۲

۲ - انذار ، پس از تبیین حق و ارائه دلیل ، شیوه ای بایسته در هدایت خلق

فقل أنذرتکم صعقه

برداشت بالا- بر این اساس است که مسأله انذار در این آیه، پس از تبیین مسأله توحید و دلایل آن در آیات پیشین، صورت گرفته است و فرمان <فقل أنذرتکم . ..> بایسته بودن را می فهماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۶

۶ - روح تبلیغ دین ، تبیین حق برای مردم است ; نه اکراه ایشان به ایمان .

و ما أنت علیهم بوکیل

تبیین حق در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۶

۶ ارائه راه حق و تفسیر حقیقت ، در برابر سخنان باطل و شبهه انگیز ، شیوه پسندیده در تبلیغ و ارائه تعالیم دین

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

تبیین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت

و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

تثبیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۱

۳۱ تثبیت حق ، هدف دعای شعیب پیامبر

ربنا افتح . .. بالحق

شعیب(ع) در دعای خویش با اینکه اذعان به حقانیت خویش داشت، نگفت که خدایا به سود ما داوری کن، بلکه گفت خدایا حق را به کرسی بنشان ; و این اشاره به این حقیقت دارد که پیامبران هدفی جز تثبیت حق نداشته اند.

تحقیر حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۳

۳ - حقیر و ناچیز جلوه دادن قدرت و توانایی های جبهه مخالف و حق طلب ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونی

إنّ هؤلاء لشرذمه قلیلون

تحقیر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونی و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

تحمیل باطل بر حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ باطل بر محور حق خودنمایی کرده و بر آن تحمیل می شود .

فاحتمل السیل زبدًا رابیًا

تحیر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تداوم حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۲

۲ - استمرار مواضع خصمانه و حق ستیزانه فرعونیان در مقابل موسی (ع) ، حتی پس از گرفتار آمدن آنان به عذاب الهی

إذا هم منها یضحکون . .. و أخذنهم بالعذاب ... و قالوا یأیّه الساحر

فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب های متعدد، همچنان راه کج خویش را ادامه داده و موسی(ع) را ساحر می نامیدند.

تداوم عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ترک مجادله با حق ناپذیران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۴

۴ لزوم تسلیم در برابر حق و پرهیز از بحث جدال آمیز

فان حاجّوک فقل اسلمت

تشبیه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۷،۸،۲۲

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودیه بقدرها فاحتمل السیل زبدًا رابیًا . .. کذلک یضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله کذلک یضرب الله الحق و البطل

۲۲ همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی

باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

کذلک یضرب الله الحق و البطل . .. کذلک یضرب الله الأمثال

تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۲،۳

۲ رعایت تقوا و ترس از خداوند ، موجب بهره مند شدن از بصیرتی ویژه و خدادادی برای شناخت حق و باطل

یأیها الذین ءامنوا إن تتقوا اللّه یجعل لکم فرقانا

نکره آمدن کلمه <فرقانا> حکایت از آن دارد که این بصیرت خدادادی بصیرتی ویژه و غیر از عقل و فطرت و مانند آن است که خداوند به عموم انسانها عطا فرموده است.

۳ انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا اللّه یجعل لکم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (ص)

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر(ص) و دین اسلام.

۱۶ تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی

از قدرت مطلقه او

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و اللّه علی کل شیء قدیر

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <و اللّه . .. > ناظر به <یوم الفرقان> بودنِ جنگ بدر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع) ، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی <فرقان> (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند به داوود (ع) ، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و ءاتینه . .. فصل الخطاب

<فصل> مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب> به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب> سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب> به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب> رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، < کلمه

فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه . .. و ما له فی الأخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان <کلمه الفصل> بر این معنا منطبق است; یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند; ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

تشخیص حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸ - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا ، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می پنداشتند واین پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

تشویق به حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

تضاد حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۳

۳ – التزام به دو امر حق و باطل ، در یک زمان ، ممکن نیست .

و لاتطع الکفرین

. .. و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک ... ما جعل اللّه لرجل من قلبی

احتمال دارد ذکر <ما جعل اللّه لرجل. ..>برای تبیین امر لزوم تبعیت از وحی و نهی از اطاعت از کافران و منافقان باشد; یعنی، آیه می گوید تبعیت همزمان از تعالیم وحی و خواسته های کافران، قابل جمع نیست; چون انسان دارای دو قلب نیست که با یکی، این و با دیگری، آن را قبول کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - راه حق و باطل ، غیرقابل جمع باهم

و إنّا أو إیّاکم لعلی هدًی أو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۶

۶ - حق و باطل ، باهم قابل جمع نیستند .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

تفاوت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۶

۶ - حق ناپذیران ، گونه ها و رتبه های متفاوت دارند . *

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ. .. و ما أنت بهد العمی

ذکر صفات <موتی>، <صمّ>، <عمی> برای حق ناپذیران، احتمال دارد به خاطر وجود حقیقت خارجی آنان باشد که دارای تفاوت هایی نیز هستند.

تفویض حق تشریع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۶

۶ - حق تشریع و قانون گذاری ، قابل تفویض از سوی خداوند

شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به اللّه

از مفهوم <ما لم یأذن به اللّه> مطلب

بالا استفاده می شود.

تقدس حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۶

۶ - حق ، امری است بس با عظمت و مقدس .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

سوگند خداوند بزرگ، به <حقّ> گویای عظمت و بزرگی آن است.

تکذیب آگاهانه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۵

۲۵ کسانی که آگاهانه و از سر عناد و لجاجت حقایق را منکر شوند، فاقد ارزش هستند.

ما أنزل الله علی بشر . .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

کاربرد واژه <ذر> درمواردی است که چیزی را به جهت حقارت و بی ارزشی آن رها کرده و از آن بگذرند. آیه شریفه نیز در مقام فرمان به ترک مخاصمه با یهودیانی که به جهت عناد با پیامبر(ص) اصل نزول وحی بر بشر را منکر شده اند، این واژه را به کار برده است.

تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ لزوم پرهیز از همنشینی با منکران و تکذیب گران حق و بدگویی کنندگان نسبت به حقگرایان

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا سمعت الرجل یجحد الحق و یکذب به و یقع فی اهله فقم من

عنده و لاتقاعده.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۹۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۵،۶

۵ تکذیب آیات الهی، تکذیب حق است.

و ما تأتیهم من ءایه . .. فقد کذّبوا بالحق

۶ رویگردانی از آیات خداوند، تکذیب حق است.

إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق

تلاش برای حق پذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . .. إن کنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن کنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تلاش برای حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . .. إن کنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن کنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تمایلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۵

۵ - امیال و خواسته های انسان دو گونه است : برخی موافق با حق و هدایت الهی وبرخی مخالف با آنها .

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

ضمیر <بغیر هدًی من اللّه> به اصطلاح می تواند احترازی باشد; یعنی، آن دسته از هواپرستان

گمراه انـد که خواسـته های آنان برخلاف هـدایت الهی باشد; وگرنه گمراه نخواهند بود; زیرا برخی از خواهش های نفسانی مطابق با هدایت است.

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

تمییز حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

یقص الحق و هو خیر الفصلین

تمییز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۵

۵ - انسان ، موجودی انتخاب گر و توانا بر تشخیص حق از باطل و پیمودن راه آن

فمنکم کافر و منکم مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق

و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۲

۲ - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۱،۲،۴

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنّه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنّه> قرآن است. <فصل>; یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند: مراد از ضمیر در <إنّه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان

و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

۴ - < [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] < إنّه لقول فصل > یعنی إنّ القرآن یفصل بین الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] <إنّه لقول فصل> [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۲

۲ - پرندگان حملهور به اصحاب فیل ، دارای شعور و قدرت تمییز بین نیرو های حق و باطل *

ترمیهم بحجاره من سجّیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرندگان است.

تناقض گویی مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید; این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تواضع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

توبه کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱،۳،۸

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أولئک یلعنهم اللّه . .. إلا الذین تابوا

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و یلعنهم اللعنون. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

تورات و تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - خداوند ، به جز تورات حقایق دیگری را - که وسیله تمییز حق از باطل بود - در اختیار موسی (ع) قرار داد .

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

عطف <الفرقان> بر <الکتاب> می تواند عطف صفتی بر صفت دیگر گرفته شود و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات

باشد; یعنی، ما به موسی (ع) چیزی را عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد; یعنی، به موسی

کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا مراد از <فرقان> معجزات، براهین و مانند آن خواهد بود. (اقتباس از الکشاف)

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان>; یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

توصیه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱

۱ - تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إنّ الإنسن لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصو

توصیه به حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۵

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن ، مصداق بارز عمل صالح است .

عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

توصیه به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۲

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و

حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

توکل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۸

۸ - خداوند ، تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان راه حق

و هو العزیز العلیم . فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ

این که خداوند قبل از تشویق به توکل، موضع قویم و شکست ناپذیر خود را بیان داشته است می تواند به این دلیل باشد که مؤمنان با اطمینان بیشتری بر او تکیه کنند.

تهدید حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر

افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود; زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

تهدید حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ - لهوگرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. ولّی مستکبرًا ...فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلداری خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس اللّه بعزيز ذى انتقام

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شـریفه که از عزت و انتقام خداوند سـخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۲

۲ - هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبراسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

تهدید کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۷

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

تهدید کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهمتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

جایگاه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۸

۸ - خداوند ، حق را در قلب های

شایسته قرار می دهد .

قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

احتمال دارد مراد از <یقذف بالحقّ> انداختن حق در قلب ها باشد. گفتنی است: ذکر صفت <علاّم الغیوب> برای خداوند پس از یادآوری ارائه شدن حق از جانب خداوند می تواند گویای این حقیقت باشد که چون خداوند به نهان های بشر آگاه است، می داند که چه کسی شایستگی آن را دارد تا حق را به قلب او القا کند.

جدایی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جوسازی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از

شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جهل حق ناپدیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

حامی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۶

۶ - دخالت خداوند در تحولات و حوادث تاریخ به نفع جریان حق

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

حتمیت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱ سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشاندن حق است .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

-۱

فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۲

۲ - غلبه حق بر باطل ، قانون مکتوب الهی است .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

حتمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۷

۷ حق ، امری گریزناپذیر ، به رغم همه تلاش های بشر برای گریز از آن *

و جاءت سکره الموت . .. بالحقّ ذلک ما کنت منه تحید

واژه <بالحقّ> قیدی است که بیانگر علت نیز می باشد; یعنی، از آن جهت که حق است، حتماً تحقق پذیر خواهد بود; هر چند آدمی از حق و حقایق پس از مرگ، همواره روی گردان و گریزان است.

حتمیت شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

حتمیّت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

حتمیت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۲

۲ - عذاب مردم حق ناپذیر و لجوج ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

أفمن حقّ علیه کلمه العذاب أفأنت تنقذ من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

۸ - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم للّه العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرينّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّينّک فإلينا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱

- ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۶

۶- امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إنّهم جند مغرقون . .. و نعمه کانوا فیها فکهین

حتمیت کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا . .. إلاّ أن تأتیهم سنّه الأوّلین

اضافه <سنه> به <الأولین> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

حتمیت هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا . .. هل من محیص

حرمت کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا

الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

حشراخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لاتقربوا مال الیتیم . .. حتی یبلغ أشدّه

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

حق اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی . .. فلاتطعهما

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظّف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق

خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

حق الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

حق امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

حق انتخاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ -

۶ – همه موجودات ، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر یسجدان . .. و وضع المیزان . ألاّتطغوا فی المیزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است; اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

حق اولویت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۵ – ۷،۸،۹،۱۳

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ... > را بیان حکم ارث دانسته اند.

۹ اولویت خویشان در ارث بردن از یکدیگر ، حکمی است ثبت شده در کتاب الهی (قرآن)

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

<فی کتب اللّه> می تواند متعلق به کلمه ثابت و مانند آن و خبر برای مبتدایی محذوف باشد ; یعنی: هذا الحکم ثابت فی کتب اللّه. همچنین می تواند متعلق به مضمون جمله <بعضهم أولی ببعض> باشد ; یعنی متعلق به نسبت خبریه در آن جمله باشد. قابل ذکر است که مآل هر دو فرض به یک معناست.

۱۳ حکم ولایت مهاجر

و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیـان احکام ذکر شـده، در این آیه و آیات پیشـین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

حق بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

حق بر فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فأرسل معنا أخانا

حق بهرهوری از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۵

۵ حق بهره وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مکنکم فی الأرض و جعلنا لکم فیها معیش

حق پذیران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۲

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

حق پذیران و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۸

۸ شب و روز ، دارای نشانه های فراوان توحید ربوبی برای شنوایان حق پذیر

هو الذی جعل لکم

الّیل . .. و النهار ... إن فی ذلک لأیت لقوم یسمعون

حق پذیری اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل سلیم و خردناب ، پندپذیر و حق جو هستند .

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

<لُبّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل خالص و خردناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل و خرد ، گروه حق جو و پندپذیراند .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جاثیه

حق پذیری

رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۷

۷ خداترسی ، انتقاد و نصیحت پذیری ، شرط لازم برای انتخاب حاکم

و اذا قیل له اتق اللّه

حق پذیری عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

یؤفک عنه من أُفک

حق پذیری علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

جمله <إنّما یتذکّر أُولوا الألباب>، در مقام تعلیل برای جمله پیشین (هل یستوی الذین یعلمون. ..) است; یعنی، عالمان با نادانان برابر نیستند; زیرا صاحبان خردناب که همان عالمان اند پندپذیر و حقیقت جو هستند.

حق پذیری علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

حق پذیری علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹،۱۱

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا إنّا نصری . .. و انهم لایستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون>

کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

حق پذیری محرومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده ، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم . .. و ءاتینهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است; نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

حق پذیری مستضعفان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۳

۳ - پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

حق پذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا إنّا نصری . .. و انهم لایستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

حق پذیری موحدان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

حق پذیری موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۴

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال . .. و أنا أول المؤمنین

متعلق <المؤمنین> به قرینه فرازهای قبل (بانک لاتری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنین> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد أول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند أول مؤمن باشد.

حق پذیری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- مؤمنان ، برخوردار از روح تسلیم در برابر حق

لیثبّت الذین ءامنوا و هدًی و بشری للمسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <للمسلمین> وصف دیگری برای <الذین ءامنوا> باشد نه بازگو کننده گروه دیگری از مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱

۱ - برخورداران از روحیه تواضع و حق پذیری ، تنها گروندگان به آیات الهی اند .

إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بها خرّوا سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱،۱۰

۱ - مؤمنان ، برخوردار از شرح صدر و روح تسلیم و انقیاد در برابر حق

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم

<شرح> به معنای بسط و سعه است و شرح صدر به معنای بسط و گشادن سینه و قلب برای تحمل و پذیرش سخن حق است. <اسلام> در دو معنا به کار می رود ۱ تسلیم و انقیاد، ۲ دین اسلام. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست اسلام است آیه شریفه نیز درصدد بیان اوصاف مؤمنان است.

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح

اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا . .. ذلک بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

حق پذیری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - بهره مندی از هدایت خاص خداوند ، در گرو تلاش و کوشش مناسب برای دریافت حقایق

الذین یستمعون القول . .. أُولئک الذین هدیهم اللّه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است; نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

حق پذیری نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و

أقاموا الصلوه

حق تشریع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۳

۳ - تعیین تکلیف برای خلق ، در حیطه اختیار خداوند

و ربّک یخلق ما یشاء و یختار

جمله <یخلق مایشاء> بیانگر مشیت و اراده تکوینی خدا و جمله <یختار> بیانگر اراده تشریعی او است; یعنی، <و یختار للخلق ما یشاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار مردمان ، دلیل انحصار حق تشریع و انتخاب پیامبر به او

و ربّک یخلق ما یشاء و یختار . .. و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه در مقام بیان علت منحصر بودن حق قانون گذاری و حق برگزیدن پیامبر به خداوند باشد که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است; یعنی، چون خداوند به نهان و آشکار انسان ها آگاهی کامل دارد; پس تنها او شایسته قانون گذاری برای ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۷

۷ - حکم و فرمان (تعیین تکلیف برای خلق و امر و نهی به آنان) ، تنها در حیطه اختیار خداوند است .

و له الحکم

تقدیم <له> (مسند) بر <الحکم> (مسندالیه) مفید حصر می باشد; یعنی، <لیس الحکم إلاّ للّه>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۱ – ۲

۲ – حق تشریع و قانون گذاری و نظام بخشی به باور ها

، تنها از آن خداوند است .

من الدین ما لم یأذن به اللّه

حق تشریع احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریع احکام است .

إن الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریعی باشد.

حق تصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لاتقربوا مال الیتیم . .. حتی یبلغ أشدّه

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

حق تمتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لکم ما فی الأرض

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا . . .) ندارد .

یأیها الناس کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶- همه انسان ها (مؤمن و کافر) دارای حق بهرهوری از طبیعت

الله الذی خلق . .. رزقًا لکم ... و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ - تمامی موجودات زمین ، دارای حقی برابر در تأمین نیازمندی های خویش از زمین

و قدّر فیها . .. سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد; یعنی، <إستوت الأقوات المقدره سواء للسائلین>. ۲ مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

حق جویی اصحاب کهف

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۹

۹- اصحاب کهف ، حقْ جویانی اقدامْ گر و متکی بر امداد الهی بودند .

إذ أوی الفتیه إلی الکهف فقالوا ربّنا ءاتنا من لدنک رحمه

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنـده به گور شـده) به جهت پیشـگیری از ارتکـاب این جنایت بوده است; و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حق در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق> خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین

دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود(قاموس المحیط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نایافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک. ..>(چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

حق دفاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳،۱۵

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت ... و

مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأُعذّبنّه . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

حق دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴،۵

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبرانِ پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت

تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلی الذین یجدلون فی ءایت اللّه أنّی یصرفون

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

حق ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ – کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب>

(مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق ستیزان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر

(ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

حق ستیزان هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

حق ستیزی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۱ - ۳

۳ - خاندان فرعون ، محور اصلی حق ستیزی و مخالفت با وحی ، در جامعه خویش

و لقد جاء ءال فرعون النّذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات گذشته، در مقام بیان سرگذشت حق ستیزان، نام اقوام آمده است; اما در این آیه مخالفان حق با عنوان <آل فرعون> مطرح شده اند.

حق ستیزی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

حق ستیزی اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۵

۱۵- اقوام کفرپیشه ، با مشاهده دلایل روشن انبیا

، تلاش گسترده ای به عمل آوردند تا آنان را به سکوت وادارند و مانع تبلیغشان شوند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که فاعل <ردّوا> اقوام یاد شده و مرجع ضمیر <أیدیهم> انبیا و یا اقوام و مرجع ضمیر <أفواههم>انبیا باشد. در این صورت به معنای این خواهد بود که: آن اقوام دستان انبیا یا دستان خود را بر دهان انبیا می گذاشتند.

حق ستیزی اکثریت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذّبت قبلهم . .. فحقّ وعید

حق ستیزی اکثریت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به مردم ایکه باز می گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

حق ستیزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۳

۳ - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

کلّ ما جاء أُمّه رسولها کذّبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستیزه با حق بر خاستند تا

آن را از بین ببرند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای ابطال و از بین بردن است.

حق ستیزی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمرًا فإنّا مبرمون

حق ستیزی دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نتربّص به ریب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

حق ستیزی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نتربّص به ریب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

کذّبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا. ..> و <کذّبوا> و <اتّبعوا> نظر به ایشان دارد.

حق ستیزی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

- ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

حق ستیزی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتمون . .. ذلك بأن اللّه

نزل الکتب بالحق

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

حق ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملإ حوله إنّ هذا لسحر علیم

حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۲

۲ – وعده خداوند ، به مجازات قوم حق ستیز ثمود و نزول عذاب استیصال بر آنان

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

<غداً> ظاهراً اشاره به هنگام نزول عذاب دنیوی دارد; و نه قیامت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۳

۳ – اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر . إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنّا مرسلوا الناقه> با آیه قبل، استفاده می شود

که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است; اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

حق ستیزی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- سرنوشت شوم حق ستیزی قوم عاد ، درسی برای مجرمان همیشه تاریخ

کذلک نجزی القوم المجرمین

تعبیر <کذلک> و به رخ کشیدن سنت، در حقیقت اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا علیهم الریح العقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۱

۱ - قوم عاد ، از جمله ملت های حق ستیز و تکذیب گر پیامبران

کذّبت عاد

حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إنّا أرسلنا عليهم حاصبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

حق ستیزی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر

- ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک . .. و منهم من ینظر إلیک ... و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال> و <إزاله> است. <لیدحضوا به الحقّ> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه

اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . .. کلّا إنّها کلمه هو قائلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجویی خدا از پیامبر (ص) در قبال حق ستیزی های کافران

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

آیه فوق در عین این که تهدیدی برای کافران و حق ستیزان است، مایه دلداری پیامبر(ص) نیز هست، چه این که توجه به مقهوریت حق ستیزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشی برای پیامبر(ص) و مؤمنان است که همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد

فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود

برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است; یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش

فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

حق ستیزی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران دربرخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن . .. بطریقتکم المثلی

حق ستیزی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و دشمنی مشرکان و تهدید آنان به کیفر و عذاب

أنت تحكم بين عبادك فی ما كانوا فيه يختلفون

از تعلیم خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر درخواست داوری از او درباره مشرکان حق ستیز، برداشت بالا به دست می آید.

حق ستیزی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۶

۶ - مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت ، مردمی پندناپذیر و کوردل

و إن يكذّبوك

. .. أفلم یسیروا فی الأرض ... القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی

میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی معرضان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۱

۱- اعراض کنندگان از دعوت پیامبران ، ناتوان از مبارزه با حق و گریز از عذاب الهی

و من لایجب داعی اللّه فلیس بمعجز فی الأرض

حق ستیزی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبرانِ پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انکارِ رسولان الهی ، بینشی متّکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

حق ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

- ۲۲ - ۴۰ - ۴

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغیر حقّ

حق شنوایی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۹

۹ - رهبران و داوران جامعه الهی ، باید نصیحت پذیر و حق شنو باشند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

حق شنوی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، بیانگر استحقاق است.

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق طلبان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۲

۲ - حضور برخی از افراد حق طلب و نصیحت پذیر در صفوف فرعونیان

فتنزعوا أمرهم بینهم

اختلاف نظر فرعونیان در باره موسی(ع)، نشان از متمایل شدن برخی از فرعونیان به موسی(ع) در روز مقابله دارد.

حق طلبان و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ – تنها اهل ایمان (دارندگان زمینه گرایش به حق) ، بهره مند از آیات گسترده الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

حق طلبان و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳ – ۸

۸ – تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین .

نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حق طلبان و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیبت دعوتکما فاستقیما

حق طلبی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۳

۳ - ارائه حق ، گوهر و قلمرو اصلی دین الهی

فلمّا جاءهم بالحقّ

مقصود از <حقّ> در آیه شریفه، دین و پیام الهی است. این تعبیر گویای مطلب یاد شده است.

حق طلبی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن

بمال . .. بل أنتم بهديّتكم تفرحون

حق طلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، منادی حق و دعوت کننده خلق به سوی خداوند

أجيبوا داعی اللّه

حق طلبی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

حق طلبی مشمولان رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱

۱ تنها مشمولان رحمت الهی ، در گیر و دار اختلافات دینی و مذهبی راه درست را می یابند و بر طریق حق گام می نهند .

و لایزالون مختلفین. إلّا من رحم ربک

حق طلبی هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۲،۶

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد ; یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

۶ عهده داران هدایت در جامعه باید خود ملازم حق باشند و با موازین و روش های حق دیگران را هدایت کنند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

حق عتق برده

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۶

۶ - خداوند ، حق آزاد شدن را از هیچ برده ای سلب نکرده و کسی را به بردگی همیشگی ، محکوم نکرده است .

فکّ رقبه

حق قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱،۱۰،۹،۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد

کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴

۴- تشریع دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریع احکام است .

إن الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریعی باشد.

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۹،۱۱

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۱،۱۶

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

۱۶- تشریع حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حق گرایان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر (ص)

فلایؤمنون إلاّ قلیلا

حق گرایی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۷

۷ - ابراهیم (ع) ، انسانی حق گرا و گریزان از باطل

مله إبرهیم حنیفاً

<حنیف> به کسی گفته می شود که از ضلالت روی برتابد و به طریق مستقیم روی آورد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۶

۶ حقگرایی و گرایش به راه راست از ویژگیهای حضرت ابراهیم(ع)

إنی وجهت وجهی للذی . .. حنیفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۶

۶- ابراهیم (ع) ، شخصیتی حق گرا و مبرّا از شرک و جدا از مرام مشرکان در همه عمر خویش

ملّه إبرهیم حنیفًا و ما کان من المشرکین

حق گویی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۲

۲ پیامبران الهی حریص بر راستگویی و حقگویی درباره خداوند

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند. گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد ; یعنی: إنی حریص علی کذا حقیقاً به.

حق گویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۲

۲ - خدا ، جز حق سخن نمی گوید .

و الحقّ أقول

<الحقّ> معمول و مفعول <أقول> است و تقدم معمول بر عاملش، مفید حصر می باشد; یعنی، <لا أقول إلاّ الحقّ; جز حق سخن دیگری نمی گویم>.

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صوابًا

<قال> در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حق گویی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- مقابله به مثل و حقیقت گویی ، از ویژگی های برخورد موسی (ع) با فرعون

إنی لأظنّک یموسی مسحورًا . .. و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۳ – ۳

۳ – حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمكم

<أنعام> (جمع <نَعَم>) به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه <نَعَم> به شتر اختصاص دارد; زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه

شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

حق مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

۲۴ - < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .أليس اللّه عزّوجلّ يقول : < لاتخرجوهنّ من بيوتهنّ و لايخرجن > قال : فقال إنّما عنی بذلك الّتی تطلّق تطيقه بعد تطليقه فتلك الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی يطلّق ها الرجل تطليقه ثمّ يدع ها حتّی يخلوا أجل ها فهذا أيضاً يقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السكنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم(ع) پرسیدم. ..[و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ

نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [دراین دستور]زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ پیمان شکنان ، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لایرقبوا فیکم . .. ذمه ... و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۱

۲۱- برخی از مردمان ، آن چنان حق ناپذیرند که هیچ سخن حقی - هر چند کلام خدا باشد - در آنان کارساز نیست .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱

۱ - برخی از مردم اصلاً ، روحیه حق پذیری ندارند و در صورت تلاوت آیات الهی بر آنان ، مستکبرانه از آن روی برمی گردانند .

و من

الناس . .. و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلی الذین یجدلون فی ءایت اللّه أنّی یصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۴

۴ - وجود انسان هایی حق ناپذیر در جامعه ، به رغم شناخت نشانه های درستی آن

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

<عنید> و <عنود> به کسی گفته می شود که حق را شناخته است; ولی عمداً و آگاهانه با آن مخالفت میورزد.

حق ناپذیران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۷

۷ - وجود افرادی لجوج و حق ناپذیر در میان اهل کتاب که سخن ملاطفت آمیز با آنها ، بی فایده است .

و لاتجدلوا أهل الکتب إلاّ بالتی هی أحسن إلاّ الذین ظلموا منهم

مراد از <ظلموا> به قرینه سیاق، کسانی اند که در حق ناپذیری، لجاجت به خرج می دهند و سخن نرم و آرام را، حمل بر

ضعف می کنند.

حق ناپذیران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ

، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للكفرين نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّى

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمالِ الذين كفروا قبلك مهطعين

حق ناپذیری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۸

۸ - اعیان و اشراف هر جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلی فرعون و ملإیه . .. إذا هم منها یضحکون

حق ناپذیری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

۱۰

تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق ناپذیری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذین کفروا

حق ناپذیری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱

۱ - موضع گیری خصمانه مردم اَیکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنّما> از ادوات قصر است; بنابراین جمله <إنّما أنت من المسحّرین> به تقدیر <ما أنت إلاّ من المسحّرین> می باشد. <مسحّر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

حق ناپذیری اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم

پیامبران

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

برداشت یاد شـده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشـده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به اسـتهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن ، جز به خاطر حق گریزی نیست .

و لقد صرّفنا . .. فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم < ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به <اصحاب الأیکه> برمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین . و لقد أرسلنا فیهم منذرین

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای

حقیقت یاد شده است.

حق ناپذیری اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم لوط

بازمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۱،۱۴

۱۱- بیشتر مشرکان صدراسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ

۱۴- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ

واژه <أکثر> افعل التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد نه قلیل و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است; یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند; ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به عادیان بازمی گردد; اما در عین حال به شرک پیشگان صدراسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به ثمودیان بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در<أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد; اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

حق ناپذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۶

۶ اختلاف انسان ها در دین و پرهیز آنان از پذیرش حق ، خارج از مشیت خداوند نیست .

و لو شاء ربک لجعل الناس أُمه وحده و لایزالون مختلفین

حق ناپذیری اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث

فرستاده شدن دو پیامبر در یک زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

حق ناپذیری اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می

باشد.

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

حق ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح . .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

حق ناپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم . .. تکذّبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم . .. تدعوا من أدبر و تولّی

حق ناپذیری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می

برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

حق ناپذیری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. قالوا أتحدثونهم

بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذین حمّلوا التوریه ثمّ لم یحملوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

حق ناپذیری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۶

۱۶ حق ناپذیری فاسقان مجوّز ترک نهی از منکر نیست .

لم تعظون قوماً اللّه مهلکهم . .. قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

موعظه گران یهود دو دلیل برای نهی از منکر اقامه کردند: داشتن عذر در پیشگاه خدا (معذره إلی ربکم)، احتمال تأثیر (لعلهم یتقون). مقتضای سخن آنان این است که نبود احتمال تأثیر نمی تواند مجوّز ترک نهی از منکر باشد و عذر پذیرفته شده ای نخواهد بود.

حق ناپذیری فاقدان استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۶

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم

معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم . .. .> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو أسمعهم ... > چنین معنا می شود: <و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ... > یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ... .

حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پیروزی موسی (ع) بر ساحران ، بی تأثیر در روحیه حق ناپذیر فرعون

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - نصیحت ها و هشدار های مؤمن

آل فرعون ، نسبت به قتل موسی (ع) ، در فرعون بی تأثیر بود .

أتقتلون رجلاً . .. قال فرعون ما أریکم إلاّ ما أری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۷

۷ - سعی فرعون ، در موجّه جلوه دادن حق ناپذیری خود

فتولّی . .. و قال سحر أو مجنون

نسبت دادن سحر و جنون از سوی فرعون به موسی(ع)، به رغم روشنی دلایل رسالت آن حضرت، نشانگر تلاشی است که او برای سرپوش گذاشتن بر حق ناپذیری خود به کار بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۷

۷ - فرجام حق ناپذیری فرعون ، فرجامی ملامت بار

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

<ملیم> بر کسی اطلاق می شود، که سزاوار سرزنش باشد.

حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری خصمانه فرعونیان در برابر آیات (معجزات) روشن الهی

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۳

۳ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از تأثیرناپذیری مردم از خیرخواهی ها و فراخوانی های او

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷ - فرعونیان در عصر موسی (ع) ، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

از مصداق های بارز <مسرفان>، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۳

۳ - هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قومش تأثیر نگذاشت .

فستذکرون ما أقول لکم

حق ناپذیری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۳

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود; چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . .. و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۶

۶ - ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بئایه إن کنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لاتمسّوها بسوء... فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۶

۶ - بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲ - قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علینا . .. من الوعظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۸

۸ - بیشتر عادیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آيات روشن الهى

أَوَلم يروا . .. و كانوا بأيتنا يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معناى انكار كردن چيزى است كه حقانيت آن براى منكر روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمى جهالت

پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ کانوا یجحدون بایت اللّه و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

<کانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

حق ناپذیری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا . .. لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار ها ; بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

حق ناپذیری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع

) به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۵،۹

۵ - قوم نوح ، مردمی حرف ناشنوا و حق ناپذیر

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استغشوا ثیابهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <و إنّی کلّما دعوتم. ..> تفسیر و تبیین برای <فرار> است و تعبیر <انگشت ها در گوش کردن و جامه بر سر نهادن>، می تواند کنایه از حرف ناشنوی و حق ناپذیری باشد.

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۳

۳ - قوم نوح ، مردمی عصیانگر و حق ناپذیر

قال نوح ربّ إنّهم عصونی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شکوائیه نوح(ع) از عصیان قوم خود، پس از دعوت و موعظه طولانی آنان بوده است.

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حقْ گریزیِ کافران و منکرانِ الهی ، در حیطه قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه

تأکید خداوند به وسیله <إنّا جعلنا. ..> بر حاکمیّت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفرِ کافران و منکرانِ آیات الهی، از قلمروِ قدرتِ الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد; زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۹

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران ، بر پایه باطل و منافع آنان ، ناسازگار با پذیرش حق

حتّی اذا أخذنا مترفیهم . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان

و آزمایش شدن آنان، می تواندبرای دلجویی از پیامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران ، اندوهگین بود .

و من کفر فلایحزنک کفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص) برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

۳ - دلداری خداوند ، پیامبر (ص) را در برابر حق ناپذیری کافران

و من کفر فلایحزنک کفره إلینا مرجعهم

جمله <إلینا مرجعهم. ..> به منزله تهدید است. چنین تهدید و هشداری، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و

از پذیرش آن سر باز می زنند .

مایجدل فیءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أنّی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد; تعبیر <و قد جائهم. ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود; یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذين كفروا و . .. من بعد ما تبيّن لهم الهدى ... و سيحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب ، حق ناپذیری و عناد کافران

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

۵ - دلایل حسّی نیز همانند برهان های عقلی ، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند; که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون كيف نذير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ١٩

ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن کان ذا مال و بنین

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست; بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است; ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

حق ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶ - ۶۷ - ۸

۸ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد; اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلّا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و

حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوُّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند; چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم>.

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

- ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپـذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسـمان به قـدرت خداونـد گشوده شود که کـافران مکه برای دریـافت حقـایق به آنجا برونـد ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسـمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سـکر> در لغت حـالتی را گفته انـد که عـارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سکّرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۵

۵– بهره

کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

حق ناپذیری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد; یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم; ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم

چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

کذلک سلکنه . .. لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الألیم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا یستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیایند .

فارجعنا نعمل صلحًا . .. إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بهاخرّوا سجّدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود>.

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیرناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه . .. قال هذه ناقه ... فعقروها

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء . .. طبع اللّه علی قلوبهم فهم

لا یعلمون

حق ناپذیری مترفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

حق ناپذیری مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۵

۵ - مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

حق ناپذیری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴ - ۳

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصفّت صفًّا . .. إنّ إلهکم لوحد

برداشت یاد شـده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن

کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أکثرهم . .. و قالوا ... فاعمل إنّنا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (<أکنّه>، <وقر> و <حجاب>) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

حق ناپذیری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انسان های مستکبر و حق ستیز ، تأثیرناپذیر از آیات اعجازی و کیفری

فلمّا جاءهم بایتنا إذا هم منها یضحکون . و ما نریهم من ءایه ... و أخذنهم بالعذ

حق ناپذیری مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

حق ناپذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

- ۴

اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - قابلیت نداشتن جامعه عصر عیسی (ع) ، برای دریافت و پذیرش تمامی حقایق *

و لأُبیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه

این سخن حضرت عیسی(ع) که: <من آمده ام تا برخی از اختلافات شما را بیان کنم>، می تواند نشانگر عدم قابلیت آنان برای دریافت تمامی حقایق باشد، زیرا محدودیتی از ناحیه خود حضرتش نمی توان فرض کرد.

حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۳

۳ یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و نقلب . .. کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض

فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواندبرای دلجویی از پیامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن نشانه های توحید در نظام شب و روز

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم النهار سرمدًا إلی یوم القیمه . .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۶

۶ - حق ناپذیری مشرکان ، پس از اقامه دلیل های گوناگون برای آنان ، عامل منفورشدن شان در پیشگاه خداوند است .

هل لکم من ما ملکت . .. بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم

التفات از خطاب <هل لکم من ما ملکت. ..> به غیبت <اتّبع الذین...> می تواند گویای این حقیقت باشد که آنان، به دلیل تداوم عقیده شرک، از مخاطب خدا شدن محروم شدند. این، نشانه منفور شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱،۳

۱ - تعجب پیامبر (ص) از مواضع انکارآمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند ; علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر(ص) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

۳ -

مشرکان به رغم مشاهده عظمت آفرینش و آیات الهی در طبیعت تعالیم قرآن (معاد و احیای مجدد انسان ها و توحید ربوبی و . . .) را به تمسخر می گرفتند .

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت و یسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۴

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۱

۱ - سرزنش شدن مشرکان ، به سبب بیدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقایق الهی

أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

جمله <أنت تحکم. ..> برای انشای دعا است که در قالب جمله خبری آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱

۱ - توطئه های پی درپی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمرًا

<إبرام> (مصـدر <أبرموا>) در اصل به معنای تابیـدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه بعد تصمیم

جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مشرکان ، گرفتار هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، به رغم تجلی انوار هدایت الهی در حق ایشان

إن یتّبعون إلاّ الظنّ و ما تهوی الأنفس و لقد جاءهم من ربّهم الهدی

حق ناپذیری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا . .. فلیأتنا بایه کما أُرسل الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۴

۴ - عدم تأثیر دعوت پیامبر (ص) بر مشرکان متعصب و متحجر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم نوح بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰

۱۳ - توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أمّن خلق السموت . .. أءله مع اللّه بل هم قوم یعدلون

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که مخاطبان نخستین آیه، مشـرکان مکه بوده انـد. گفتنی است که واژه <عدول> (مصدر <یعدلون>) به معنای میل و انحراف است; یعنی، <بل هم قوم عادتهم العدول عن طریق الحق و الإنحراف عنها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - مشرکان بهانه جو و حق گریز صدر اسلام ، عناصری مرفه و برخوردار از موهبت های دنیوی

و قالوا إن نتّبع الهدی معک . .. کمن متّعنه متع الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذکّروا لا یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مشرکان صدر اسلام ، هر معجزه ملموس و روشنی را به شدّت مورد استهزا قرار داده و ایمان نمی آوردند .

و إذا رأوا ءایه یستسخرون

مقصود از <ءایه> معجزه است و متهم کردن آن به سحر از سوی مشرکان (در آیه بعد) مؤید همین مطلب است. گفتنی است <یستسخرون> به معنای <یسخرون> است و آمدن آن با <سین> و <تا> برای مبالغه می باشد.

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا ءایه یستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری

ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲،۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

حق ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ مشرکان مکّه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا . .. و سوف یعلمون حین یرون العذاب من أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الظلمون

<جحود> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کنـد و اثبات چیزی است که دل نفی می کنـد. (مفردات راغب).
<جحود> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در

<الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۷

۷ - تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (ص)

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل. .. و کذّب الذین من قبلهم

حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۶،۷،۱۵

۶ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: ۱ به خاطر لجالت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۷ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم صحیح آن

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

حق ناپذیری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده

رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأیّ حدیث. ..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست; بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۷

۷ - تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر حق ناپذیری منکران معاد

و قالوا ما هی إلّا حیاتنا الدنیا . .. و تری کلّ أمّه جاثیه

حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه

بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۴

۴ - خداوند با سلب درک و فهم از برخی منافقان ، آنان را حق ناپذیر کرده و برخی دیگر را برای انتخاب هدایت ، مهلت می دهد .

و لو شاء اللّه لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

یأیها الرسول لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۸

۸ منافق ، دارای خصلت

حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۶،۷،۹

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف اللّه قلوبهم

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

حق ناپذیری همگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناپذیری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

یأیها الرسول لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

حق ناشنوایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۲

۲ حق ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و

لو علم اللّه فیهم خیرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

حق ناشنوایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - سرزنش مشرکان از سوی خدا به خاطر حق ناشنوایی شان

من إله غیر اللّه یأتیکم بضیاء أفلاتسمعون

حق ناشنوایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۴

۴ بیشتر مشرکان مکّه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إذا رأوک إن یتّخذونک . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است; چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت

دارای چنین خصلتی بودند.

حق ناشنوایی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۶

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

حق ناشنوایی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - منافقان ، از حق شنوی ، حق بینی و حق گویی ناتوان هستند .

صم بکم عمی

۴ - عجز و ناتوانی از شنیدن ، دیدن و گفتن حقایق ، ظلمتهایی است که منافقان در آن گرفتارند .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

آیه مورد بحث می تواند تفسیری برای کلمه <ظلمات> و جمله <لایبصرون> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۸

۸ - منافقان در برابر آوازه قرآن و گسترش اسلام ، چاره ای جز ناشنیده انگاشتن آن ندارند .

یجعلون أصبعهم فی ءاذانهم من الصوعق حذرالموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۲

۲ حق ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و لو علم اللّه فیهم خیرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

حق ناشنوایی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱،۶

۱ پندار حق

شنوی و خرد ورزی بیشتر هواپرستان ، پنداری بس واهی و به دور از واقعیت

من اتّخذ إلهه هویه . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <أم> در آیه شریفه، از نوع منقطعه و برای اضراب (مانند <بل>) و متضمن معنای استفهام انکاری است. گفتنی است مقصود از <یسمعون> شنیدن ظاهری نیست; بلکه مراد شنیدن با گوش دل و حرف شنوی است.

۶ مردمان هواپرست را ، در حق نشنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلاّ کالأنعم

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

حق نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۴

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان>; یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که

بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد .

الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حق ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پيامبران الهى ، دارای حق ولايت

و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر جمله <إنّی لکم رسول> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم; پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتقوااللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه وأطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت

حق همبستری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۳،۴،۷،۹،۱۲،۱۳

۳ - پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش ، به

اختیار خود ، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بیندازد .

ترجی من تشاء منهنّ و تئوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است .

لکیلا یکون علیک حرج . .. ترجی من تشاء منهنّ

۷ - بر پیامبر (ص) روا و جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود ، تغییر داده و آن را مقدم بدارد .

ترجی من تشاء منهنّ . .. و من ابتغیت ممّن عزلت فلاجناح علیک

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تؤوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹ - واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران ، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین

۱۲ - همسران پیامبر ، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان ، اطمینان خاطر داشتند .

ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ کلّهنّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم

گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقّی، به خاطر جلب رضایت همسران است> حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران ، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ

احتمال دارد که مشارٌالیه <ذلک> اصلِ حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حقّ پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حمایت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- دخالت های الهی ، در تاریخ به نفع جبهه حق و علیه جبهه کفر

و سیحبط أعملهم

چنانچه حبط عمل در این آیه، به معنای عقیم ساختن تلاش های ستیزه جویانه کافران علیه دین باشد; استفاده می شود که خداوند، به موقع از جبهه حق حمایت کرده و تلاش کافران را بی ثمر خواهد ساخت.

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری برخی از انسان ها

در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه فوق بـدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکارناپـذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۶

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

خداشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸

۸ - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

عبارت <قوم یؤمنون>; یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا

مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملأ الذین استکبروا من قومه

درخواست حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۷

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهدو توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد .

ربّ اشرح لی صدری

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

دشمنی با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۶

۲۶ کفر همراه با عناد و ایستادگی در برابر حق ، ستمگری است .

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۸

۸ عناد و لجاجت

آدمی در برابر حق تا مرز رضایت به نابودی خویش و گرفتار شدن به عذاب های الهی

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره . .. أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷۸

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

۸ - ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا فی الکتاب> بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۴

۴ کفر و عنادورزی در برابر حق دارای رابطه متقابل با عدم درک صحیح حقایق است.

و نقلب أفئدتهم . .. کما لم یؤمنوا به أول مره

رابطه متقابل از آن جهت که میان <عناد> و وارونگی دل و دیده پیوندی برقرار شده که هرکدام از آن دو قابلیت تأثیر در دیگری دارد. از یکسو کفر موجب وارونگی دل می شود و از سوی دیگر این

حالت نیز آدمی رابه کفر و طغیان بیشتر سوق می دهد.

دشمنی با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب . ..فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <لاتکوننّ. ..> بر صدر آیه به دست می آید.

دشمنی با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

دشمنی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است; ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبّر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبراسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر

<عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت

آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

دشمنی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

علی اللّه توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

دعوت از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولّی

دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۹

۹ - تعالیم پیامبران ، مطابق حق بوده و آنان مردم رابه سوی حق فرامی خواندند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ

دلایل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۶

۶- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، دلیل و نشان پیروزی قطعی جریان حق . به هنگام ظهور و بروزش

در صحنه پیکار

جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقًا

از اینکه خداوند ناپایداری و شکست پذیری را ذاتی باطل معرفی کرد (إن الباطل کان زهوقاً) استفاده می شود که خود همین ناپایداری، دلیل پیروزی حق است.

دلایل حاکمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۵

۵ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم حاکمیت حق بر جامعه بشری است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی . .. و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهم

یادآوری هدفمند و حق مدار بودن آفرینش، پس از توصیه به رعایت حق در داوری به داوود(ع)، می تواند حاکی از ارتباط میان این دو مطلب و گویای برداشت یاد شده باشد.

دلایل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . .. کلّا إنّها کلمه هو قائلها

دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

و قالوا . .. تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

جمله <و ما کان من المشرکین> در حقیقت بیان علت گزینش آیین ابراهیم، اعلام شایستگی آن برای پیروی و دلیل هدایت بخشی آن است; یعنی، به این دلیل که ابراهیم مشرک

نبود و آیین او به شرک آمیخته نبود، باید پیروی شود و به همین دلیل آیین او آیینی هدایت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۶

۶ شریعت اسلام ، تنها دین حق و مورد پذیرش خداوند

و لا یدینون دین الحق

مقصود از دین حق در <لایدینون دین الحق> دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۴،۵،۸

۴ اسلام ، تنها دین حق و مورد قبول خدا

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره . .. هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان ، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - تنها دین اسلام از میان دیگر ادیان الهی ، حق بوده و سزاوار پیروی کردن است .

إنّا کنّا من قبله مسلمین

از این که پیروان ادیان الهی پیشین (اهل کتاب) با آمدن دین اسلام، این دین را حق دانستند و دست از دین گذشته خود برداشته و تسلیم دین اسلام گشتند; می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

راه اثبات حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۵

۵ مباهله ، راهی نتیجه بخش برای اثبات حقّ ، پس از اقامه برهان

انّ مَثَل عیسی . .. فمن حاجّک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا

در برداشت فوق، ضمیر <فیه>، به کلمه <الحق> برگردانده شده است.

رجعت حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

رحمت بر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

رد استمهال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم یستعتبون

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳،۴

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق

و داشتن روحیه حق پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلم

اسلام در این آیه می تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

۴ حالت پذیرش در برابر معارف آسمانی اسلام نشانه شرح صدر است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلم

در برداشت فوق اسلام به معنی اصطلاحی آن که دین اسلام است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - داشتن روحیه حق پذیری ، زمینه رشد و کمال است .

إن تسمع إلّا من یؤمن بأیتنا فهم مسلمون

<مسلم> به کسی گفته می شود که تسلیم و منقاد بوده و بدون پیش داوری و موضع گیری پیشین، در مواجهه با حق، آن را بپذیرد. این که خداوند، فرموده است: <تو به دارندگان روحیه تسلیم، می توانی منظورت را تفهیم کنی و آنان نیز آن رامی پذیرند>، نشان می دهد که داشتن چنین حالتی، باعث حرف شنوی و در نتیجه، رشد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

روش اثبات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۷

۷ - معجزات پیامبران ، در جهت اثبات حق و ابطال باطل بود .

و ما كان لرسول أن يأتى بأيه إلاّ

بإذن اللّه

جمله <و خسر هنالک المبطلون> در ذیل آیه، قرینه است براین که معجزات رسولان، در راستای زیان زدن به باطل گرایان و مبارزه با جریان باطل است.

روش اثبات حق ستیزی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدّی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش اثبات حق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

روش احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۵

۵- هشدار و انذار و یا توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، باید پس از اتمام حجت و بیان حقایق دینی

باشد .

و ما أرسلنک إلاّ رحمه للعلمین . .. قل إنّما یوحی إلیّ ... فهل أنتم مسلمون . فإ

روش اصلاح حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق ، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت . .. و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

ذکر <إنی لأظنّک یافرعون مثبوراً> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شدن از در تهدید برای اصلاح باشد.

روش برخورد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۷

۷ لزوم پرهیز از بحثها و مجادله های بی ثمر با کسانی که در جستجوی حقیقت نیستند.

الذین یخوضون . .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

روش برخورد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۶

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

روش برخورد حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق

ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبی الظلمون إلاّ کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶ - جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه مستمر اهل باطل

فلمّا جاءهم بایتنا إذا هم منها یضحکون

روش تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳- لزوم به کارگیری برترین و مؤثرترین روش ها ، در جدل (مباحثه و مناظره) برای بیان مسائل دینی و احیای حقایق الهی

ادع إلی سبیل ربّک . .. و جدلهم بالتی هی أحسن

روش تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۴

۲۴ فراوانی رهروان یک راه هرگز نشانه سلامت آن راه نیست .

و کثیر منهم ساء ما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء . .. و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۲۷ – ۴

۴ – ارزیابی منطقی براساس ملاک های شناخته شده جهت تشخیص حقانیت ، شیوه ای قرآنی است .

قل أرونی الذین ألحقتم به شرکاء

درخواست پیامبر(ص) از مشرکان، برای ارائه خدایان ادعایی شان صرفاً جهت به نمایش گذاشتن آنها نیست; بلکه به منظور ارزیابی آنان است و این که آیا آنها واجد صفات الوهیت و ربوبیت هستند، یا خیر؟ بنابراین از آیه استفاده می شود که شیوه پسندیده در اثبات حقانیت و یا عدم آن، ارزیابی منطقی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۱۴

۱۴ – شنیدن سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، تنها راه مطمئن و خردورزانه برای دستیابی به حقایق الهی

الذین یستمعون القول . .. أُولئک الذین هدیهم اللّه و أُولئک هم أُولوا الألبب

روش حق ستیزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۶ – ۷

۷– انکارِ رسولان الهی ، بینشی متّکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۴ – ۳

۳ تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم و إنکم لمن المقربین

روش حق ستیزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

و

يجدل الذين كفروا بالبطل ليدحضوا به الحقّ

روش وصول به حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ نيل به حقيقت ، مولود امتزاج علم ، عبادت و اخلاق

ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً و انهم لايستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ به كارگيرى انديشه، راهى براى رسيدن به حقايق است.

قل لا أقول لكم عندى خزائن اللّه . .. أفلاتتفكرون

رؤيت عذاب حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهديد حق ستيزان از سوى خداوند ، به محاكمه نهايى و مشاهده جزاى خويش در فرجام

بلى و رسلنا لديهم يكتبون

فعل <يكتبون> از يك سو مى رساند كه خداوند، هميشه حق ستيزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمى دهد و از سوى ديگر افاده مى كند كه تأخير جزاى آنان سبب غفلت نمى شود; زيرا فرشتگان آن را ثبت مى كنند و در محاكمه نهايى مورد استفاده قرار مى گيرد.

رهبرى حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ تسلیم در برابر احکام و داوری های حاکمان حق ، از علایم ایمان است . *

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک . .. و یسلّموا تسلیماً

چون امر قضاوت همیشگی و احکام قرآن جاودانی است و پیامبر (ص) در همه ادوار حضور ندارد، بنابراین آیه مزبور شامل همه رهبران الهی و جانشینان بحق آن حضرت خواهد بود.

زمینه آمرزش

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

زمینه اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قل کفی بالله شهیدًا . .. إنه کان بعباده خبیرًا بصیرًا

اینکه خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام حجت کرده و آنگاه فرموده است: <او بر حال بندگان آگاه و بیناست> می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

زمینه استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلاّکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

زمینه اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۹

۹- جدال به باطل در برابر حق و به استهزا گرفتن آیات الهی ، زمینه ساز اِعراض از آن و بی اثر ماندن رهنمود های الهی است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ . .. و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه

ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل را می توان این چنین تصویر کرد که اِعراض کنندگان از آیات الهی، همان مجادلگرانی هستند که با جدال باطل و استهزای آیات الهی، خود را از فیض آن محروم می سازند.

زمینه اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۳

۳- تقوا ، زمینه ساز اعتراف به حقایق و تسلیم شدن در برابر آن

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

برداشت فوق با توجه به آیه ۲۳ و ۲۴ این سوره است که در آنها برخورد مستکبران را با همین سؤال مطرح کرده بود و آنان به دلیل برخورداری از روحیه استکباری، قرآن را ساخته و پرداخته انسانها دانسته بودند. اما در این جا متقین را مطرح کرده است که به دلیل داشتن تقوا در برابر واقعیت وحی، تسلیم شده اند و آن را خیر محض تلقی کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۹

۹- خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی

توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

زمینه انکار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ طغیانگری ، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیناً و کفراً

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

زمینه ایصال به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۸

۸ رسیدن به حق ، در گرو شناخت باطل و نفی آن است .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون . .. واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم

زمینه بصیرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمینه پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۱۳،۱۵

۱۳ توجه به علم کامل خداوند بر اندیشه ها ، زمینه ساز اجابت دعوت خدا و رسول و پرهیز از نفاق و دورویی

لاتکونوا کالذین قالوا سمعنا و هم لایسمعون . .. و اعلموا أن اللّه یحول

۱۵ توجه انسان ها به حشر قهری ایشان به پیشگاه الهی ، زمینه ساز گرایش آنان به اجابت دعوت خدا و رسول

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا . .. و أنه إلیه تحشرون

هدف از بیان حشر آدمیان به سوی خداوند پس از <استجیبوا . .. >، ایجاد

زمینه برای اجابت دعوت خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۷

۷- انسان ، موجودی مباحثگر و نیازمند مشاهده دلایل و بیان های مختلف برای پذیرش حق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل و کان الإنسن أکثر شیء جدلاً

بیان مجادلگری انسان، پس از اشاره به ارائه مثال ها و بیان های مختلف در قرآن، گویا به این نکته اشاره دارد که برای این موجود مجادلگر، سخن بسیار و با طرح های مختلف باید گفته شود تا او قانع شده و به راه هدایت، رهنمون گردد.

زمینه تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱۲

۱۲ - ترویج حق و تقویت روحیّه پایداری ، نیازمند مشارکت و هم یاری مردم با یکدیگر است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

زمینه تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۳

۳- تقوا ، زمینه ساز اعتراف به حقایق و تسلیم شدن در برابر آن

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا

برداشت فوق با توجه به آیه ۲۳ و ۲۴ این سوره است که در آنها برخورد مستکبران را با همین سؤال مطرح کرده بود و آنان به دلیل برخورداری از روحیه استکباری، قرآن را ساخته و پرداخته انسانها دانسته بودند. اما در این جا متقین را مطرح کرده است که به دلیل داشتن تقوا در برابر واقعیت وحی، تسلیم شده اند و آن را خیر محض تلقی کرده اند.

زمینه تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۹

۹ - ایمان و تقوا ، سبب می شود که خداوند ، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند .

و یجعل لکم نورًا تمشون به

جمله <یجعل لکم. ..> (نظیر جمله پیشین) جواب برای شرط مقدر است. تقدیر آن چنین می شود: <إن تتّقوا و تؤمنوا برسوله یجعل لکم نوراً تمشون به>.

زمینه تشخیص حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۸

۸ - وجود حق و مظاهر آن ، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حتّی أنسوکم ذکری

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند; ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

زمینه تنبه حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمینه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۷

۷ - دستیابی انسان به حق و عدل ، در پرتو بهره گیری از قرآن و

به کارگیری آن

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین که <المیزان> عبارت دیگری از <الکتاب> باشد و با توجه به این که <میزان> ابزار اجرای عدالت است، برداشت یاد شده به دست می آید.

زمینه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۸

۱۸- عبادت و پرستش خدا ، زمینه ساز پندپذیری و حق شنوی است .

ذکری للعبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵ - نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

لیجعل . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا العلم أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۳

۳ - بصیرت و روشن دلی ، زمینه ساز پذیرش سخن حق و عبرت آموزی است .

إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶ - علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

تقدیم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۹

۹ - حق پذیری ، زمینه و شایستگی و صلاحیتِ لازم را می طلبد .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا . .. کأنّ فی أُذنیه وقرًا

این که گفته است: <لهو طلبان، با شنیدن آیات الهی، روی می گردانند

به گونه ای که گویا ثقل سامعه دارند>، می رساند که پذیرفتن حق، زمینه لازم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۶

۶ - توجّه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اِعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أنّ اللّه سخّر . .. و أسبغ علیکم نعمه ... اتّبعوا ما أنزل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - < روی أنّ النبیّ (ص) قرأ < أفمن شرح اللّه صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه > فقال إنّ النور إذا وقع فی القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : یا رسول اللّه فهل لذلک علامه یعرف بها ؟ قال : التجافی عن دارالغرور و الإنابه إلی دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه> را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به بصیرت

و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان ، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّ اللّه بصیر بالعباد

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أنّ المسرفین هم أصحاب النار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند ، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إنّ ربّک لذو مغفره و ذو عقاب ألیم

چنانچه جمله <إنّ ربک . ..> مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و . .. و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشداری به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است; یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - اطاعت از خدا و رسول او و قرار گرفتن انسان در مسیر اصلی حق ، زمینه بخشش لغزش های وی

و إن تطیعوا اللّه و رسوله . .. إنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲،۴

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینه ره جویی به حق

بل کذّبوا بالحقّ . .. أفلم ینظروا إلی السماء ... و ما لها من فروج

واژه <ینظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

۴ زینت و زیبایی آسمان ، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم ینظروا . .. و زیّنّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - بیم از فرجام عمل ، نقطه آغازین حرکت انسان به سوی تعهّد و حق پذیری

فذکّر . .. من یخاف وعید

از این که خداوند، پیامبر(ص) را موظّف کرده تا <من یخاف وعید> با قرآن تذکر دهد; استفاده می شود که اعتقاد به

قیامت و بیم از فرجام عمل، نخستین مرحله ای است که فرد را مستعد پذیرش حق می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹

- نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۵

۱۵ ایمان (باور) ، زمینه ساز پذیرش معجزات الهی و بهره مندی از آن

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۵

۵ سابقه آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق ، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و <من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می شناختند، اعتراف به رسالت پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می کند.

زمینه حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلّاکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أم أبرموا أمرًا . .. أم یحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجویهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۴

۴- غوطهوری در سرخوشی ها و امکانات دنیایی ، از زمینه های حق ستیزی و هلاکت *

إنّهم جند مغرقون . کم ترکوا ... فیها فکهین

ترسیم برخورداری های فرعونیان پس از یادکرد هلاکت ایشان ممکن است از آن جهت باشد که این برخورداری ها، در حق ستیزی آنان نقش داشته است.

زمینه حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبئث إنّهم کانوا قوم سوء فسقین

جمله <إنّهم کانوا. ..> به منزله تعلیل برای جمله <تعمل الخبائث> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبائث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

زمینه حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۸

۸ - عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابکاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

إنّ فی ذلک لأیت لأُولی النهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسش ، روشی برای برانگیختن اندیشه و تفکر ، در شناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

زمینه حق شناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۲

۲ - سخنان نرم موسی و هارون (ع) ، زمینه ای مناسب برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فقولا له قولاً لیّنًا لعلّه یتذکّر أو یخشی

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی

ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعلّه...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و یالااقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

زمینه حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ - نقش اخلاص مبلغان دینی ، در گرایش مردم به تقوا و پیروی از حق

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. فاتّقوا اللّه و أطیعون

۳ - تقوای الهی ، زمینه ساز گرایش به حق و پیروی از آن

فاتّقوا اللّه و أطیعون

مقدم آمدن امر به تقوا (اتّقوا اللّه) بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا على الإنسن أعرض و نئا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶ - امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرينه ءايتنا كلّها فكذّب و أبى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۹

۹ - اشرافیت ، زمینه حق ناپذیری و استکبار در برابر پیامبران

إلى فرعون و ملإيه فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۴

۴ - برخورداری از امکانات مادی فراوان ، زمینه ساز خودپسندی و حق گریزی است .

كلّ حزب بما لديهم فرحون . .. أيحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنين

ذکر مال و فرزند، می تواند بدان جهت باشد که این دو، در پیدایش فرقه گرایی و حق ناپذیری مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ – روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلاّکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم

موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۲

۲ - جرم و گناه ، زمینه ساز حق ناپذیری

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۳

۳ - روحیه فسق و تجاوزگری ، زمینه ساز مقاومت انسان در برابر آیات روشن الهی و حقایق آشکار

إنّهم کانوا قومًا فسقین . فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷ - دلبستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نتّبع الهدی معک نتخطّف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۳

۳ - برخورداری از ثروت و رفاه ، موجب پیدایش خصلت حق ناپذیری است .

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۹

۹ - تکبر و خودبرتربینی ، زمینه حق گریزی و صفتی بس زشت و ناپسند

إلاّ إبليس استكبر و كان من الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا

هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذّبوا بالکتب . .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک الذین لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبص

هر چند فعل های <أصمّ> و <أعمی> به خداوند نسبت داده شده، امااین مستلزم جبر نیست; زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود; بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المکذّبین أُولی النعمه

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط . ..قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه حق ناپذیری مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط . ..قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

زمینه عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

زمینه علم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران

لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

زمینه غفلت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی های مادی ، زمینه ساز غفلت از حق و بهره نبردن از آیات قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

زمینه قبول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۹

۹ توجه به مرگ و نزدیک بودن پایان عمر ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انکار حق و معارف دین (توحید ، نبوت و قیامت) است .

إن هو إلا نذیر مبین . .. و أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إنّ عذاب ربّک لوقع

از اضافه <عذاب> به <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم علیه بفتنین . إلاّ من هو صال الجحیم

زمینه گواهی به حق

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۱،۲،۴

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و . . .) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد أیمن بعد أیمنهم

ضمیر در <یخافوا> و <ایمنهم> به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین <ترد أیمن) بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین <او یخافوا ان ترد...> یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

۴ رعایت تقوا و ترس از خدا ، ضامن ادای شهادت به درستی و راستی است .

ان یأتوا بالشهده علی وجهها . .. و اتقوا اللّه

زمینه هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرین

با این که قرآن دربردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است; اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذارگر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر

بگذارد <انذار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ; نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلّهم یرجعون

زیان ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کار ها است .

و أرادوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

زیانکاری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لمّا رأوا بأسنا . .. و خسر هنالک الکفرون

سختی حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی

و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

سختی عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام

گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

استفهام در <أین ما کنتم. ..> توبیخی است.

سرزنش تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۲

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف

سرزنش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود; این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است; زیرا

جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند; ولی آنان چنین نکردند.

سرزنش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز ، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است

که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونی و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۱

۱ - روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولّی

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

سرزنش کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای

ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

سرگردانی اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۵

۵- حق ناپذیران ، در صحنه آخرت متحیر و سرگردان می شوند .

و من کان فی هذه أعمی . .. أضلّ سبیلًا

سرگردانی مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

سطحی نگری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی

الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سعادتمندی حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۰

۲۰ - بشارت خداوند به حق پذیران و صاحبان عقل و خردناب ، به داشتن آینده سعادتمندانه

فبشّر عباد . الذین یستمعون القول ... و أُولئک هم أُولوا الألبب

سقوط حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آمرزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو کفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو کفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آمرزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبیّ . .. فأهلکنا أشدّ

منهم بطشًا

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حقْ ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا ... فی ءاذانهم وقرًا

سوگند برای احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۲

۲- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربّک لنسئلنّهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

سوگند برای احیای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۲

۲- سوگند یادکردن با نام مقدس < اللّه > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تاللّه لأکیدنّ

سوگند به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحقّ> مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

شرایط تشخیص

حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۴

۴- انسان ، در تشخیص میان حق و باطل ، نیازمند به رهنمود های خدا است و بدون این رهنمود ، در تشخیص خویش دچار خطا خواهد شد .

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

از این که پیامبران، قدرت تشخیص خود را از خدا گرفته اند، به طریق اولی انسان ها نیز نیازمند این جهت می باشند.

شرایط حرکت در راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

یقص الحق و هو خیر الفصلین

شرایط حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۴

۴ - وجود استعداد و قابلیت ، شرط بهره مندی از پیام حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدی العمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءی إلّا فرارًا

شرایط قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

شرح صدر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هـذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

شفاعت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳ - اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لایملک . .. الشفعه إلاّ من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ> وصف برای شافع است; نه شفاعت شونده.

شفای حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۴

۴ حق ستیزان ، همواره محکوم به شکستند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و

لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

شکست حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالتهای الهی محکوم به شکست است.

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا . .. حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

شکست حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی

است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

شگفتی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل کیف قدّر

<کیف>، در

این آیه برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثمّ قتل کیف قدّر

شگفتی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

شگفتی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

صبر بر مشکلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه

، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

ضیق صدر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

طعنه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۹

۱۹ - < فی مجمع البیان : و روی . . . عن أبی عبداللّه (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به . . . ;

در مجمع البیان [ذیل آیه] <و من الناس من یشتری لهو الحدیث> آمده است: از امام صادق(ع) روایت شده که گفت: لهوالحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. ..>.

طغیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

۱۹- حق ناپـذیران مکه در برابر انـذار و بیم خداونـد ، نه تنها تسـلیم نشدنـد ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

ظلم اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۵

۵ - حق گریزی ، ظلم و ستم آدمی به خویشتن است .

و لکن کانوا هم الظلمین . .. و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

از ارتباط آیات می توان استفاده کرد که ظلم و ستم مجرمان، چیزی جز حق گریزی آنان نیست.

ظلم تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۲

۲ - تکذیب حق ، بزرگ ترین ظلم ها است .

و من أظلم ممّن . .. أو کذّب بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۳

۳ - دروغ پنداشتن و رد کردن سخن حق (قرآن) ، بدون تأمل و اندیشه و در آغاز دریافت آن ، بزرگ ترین ظلم است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه

و کذّب بالصدق إذ جاءه

<إذ> برای ظرف زمان ماضی است و گویای آن است که انکار و تکذیب قرآن، مقارن و همزمان با آمدن این کتاب بود و هیچ فاصله ای میان دریافت قرآن و تکذیب آن وجود نداشت. این حقیقت می رساند که تکذیب کافران، بدون تأمل و تفکر و با شتاب بود.

ظلم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبی الظلمون إلاّ کفورًا

ظلم حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شرک ، حق ناپذیری و تکذیب پیامبران ، ظلمی است هلاکت بار .

فقال الملؤا الذین کفروا . .. و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنّهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلمّا جاءهم الحقّ . .. قالوا سحران تظهرا ... إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

ظلم کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۸

۸- کافران حق ناپذیر ، مردمانی ظالم و ستم پیشه اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. إذ یقول الظلمون

ظلم کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۷

۷ - ظالمترین مردم کسی است که حقایق دینی و معارف الهی را کتمان کرده و از ارائه آنها به دیگران خودداری کند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

<من اللّه> همانند <عنده> صفت برای <شهاده> است. بنابراین <شهاده عنده من اللّه>; یعنی، شهادتی که در نزد اوست از ناحیه خدا دریافت کرده است. مقصود از شهادت که از ناحیه خدا در اختیار انسان می باشد، حقایق دینی و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب . .. و من أظلم ممن افتری علی اللّه کذبا أو کذب بایته

در آیه قبل سخن از تکذیب پیامبر(ص) بود و این آیه در مقام هشدار به تکذیب کنندگان آن حضرت است. چرا که وی مصداقی روشن برای آیات الهی است.

عبرت از کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف>

استفاده می شود.

عبرت پذیری حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

عجز حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۵

۵ - حق ستیزان در اوج اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با عظمت و کبریایی خداوند

و له الکبریاء فی السموت و الأرض

یادکرد جلال و قدرت یگانه و برتر خداوند، در پی ذکر حق ستیزان کافر و ناباور به معاد، می تواند پیامی هشداردهنده برای آنان و نویدی آرامش بخش برای پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

عجز حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۱ – ۱،۲،۳

۱ – کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ – کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه

ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

عذاب اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

عذاب اخروی کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۵،۸

۵ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق ، عذابی تخفیف ناپذیر است .

لایخفف عنهم العذاب

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ینظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد; یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

عذاب استیصال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و

تهدید است.

عذاب استیصال حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۵

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر ، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصیبهم مصیبه

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجّون فی اللّه . .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۸

۸ - عذاب الهی ، بر جوامع حق ستیز فراگیر و گسترده است .

فأغرقنهم أجمعین

عذاب حق

ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۴

۴ - عده ای از مردم آن چنان لجوج و حق ناپذیراند که تنها با مشاهده عذاب الهی راه درست را می پیمایند .

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۲

۲ – کافران حق ناپذیز و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدّر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گریز به بزرگ ترین عذاب های الهی است .

العذاب الأکبر

به قرینه آیه بعد، مراد از <العذاب الأکبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عصیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹

۱۹- حق ناپـذیران مکه در برابر انـذار و بیم خداونـد ، نه تنها تسـلیم نشدنـد ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

عظمت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۶

۶ - حق ، امری است بس با عظمت و مقدس .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

سوگند خداوند بزرگ، به <حقّ> گویای عظمت و بزرگی آن است.

عفو حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۵

۵- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و نتجاوز عن سیّئاتهم

عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۲

۲- پیروزی عقیده

و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء . .. لعبین ... بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

عقیده حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۶

۶ اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبیل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

علم اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز

حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

علمای اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ - عالمان اهل کتاب ، مورد تهدید خداوند به خاطر کتمان حقایق آسمانی

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه و ما اللّه بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی خدا و غفلت نداشتن از رفتار عالمان اهل کتاب، تهدید کردن آنان به کیفر و مجازات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۹

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

علمای دنیا طلب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ – ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتمون . .. و یشترون ... ذلک

بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون . ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک]الکتمان[بأن اللّه نزل الکتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قلیلا در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

علمای دین و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۵

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فریق

من الذين أوتوا الكتب كتب اللّه وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹،۱۱

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

لحن جمله <إن فریقاً . ..> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

علمای مسیحیت و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

علمای یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - پیشوایان

و عالمـان یهود ، اعتراف به حقـایق دینی و معـارف الهی را ، در صورتی که مخـدوش کننـده منـافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ - علمـای یهود و نصـارا به خـاطر کتمـان حقایق و معارف کتب آسـمانی از رحمت خـدا محروم شـده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۳ تورات مشتمل بر حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده

است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلاتخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <فلاتخشوا . ..> مضمونی باشد که از <کانوا علیه شهداء> به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

عوامل اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - تکبر و تجاوزگری ، موجب پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است .

من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت اللّه ... کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار> درصدد بیان علت

اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

عوامل اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۳

۳- گرفتاری ها و شداید ، عامل تنبّه و اعتراف انسان ها به حق

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا

عوامل بشارت به حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

عوامل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یقطع . .. > در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و یحق اللّه الحق بکلمته

عوامل تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۹

۹- تبیین نهایی حق و باطل و فیصله دادن به اختلافات بشری ، مقتضای ربوبیت الهی

و إن ربّک لیحکم . .. فیما

كانوا فيه يختلفون

عوامل تحكيم حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - وحى الهى (قرآن) ، موجب تحكيم حق و نابودى باطل

يمح اللّه البطل و يحقّ الحقّ بكلمته

<كلمات> مى تواند اشاره به وحى و آيات الهى داشته باشد.

عوامل تذكر حق شنوايان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاكت بار قدرت هاى حق ستيز تاريخ ، مايه تذكر خردمندان و مردمان حق شنو

إنّ فى ذلك لذكرى لمن كان له قلب أو ألقى السمع

عوامل تكذيب حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۷

۷ - حسد از عوامل انكار حق و عاملى براى مبارزه با آن

لو يردونكم من بعد إيمنكم كفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۶

۶- لجاجت و تعصب ، عامل انكار حقايق عينى و محسوس

و لو فتحنا عليهم بابًا من السّماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكّرت أبصرنا ب

عوامل تنبه حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - كافران و حق ستيزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهى متنبه شده و به ارزش تعاليم پيامبران پى مى برند .

أن تصيبهم مصيبه . .. فيقولوا ربّنا لولا أرسلت إلينا رسولاً

عوامل حق پذيرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ -

۵ – باور به معاد و توجه به آن ، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنریهم ءایتنا فی الأفاق . .. ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۷

۷– نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پرودگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

عوامل حق پذیری گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۷ – ۲

۲ – آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

عوامل حق ستیزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۹ – ۷

۷ – حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱

۱۶ جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما کانوا لیؤمنوا . .. و لکن أکثرهم یجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک . .. و منهم من ینظر إلیک ... و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۸

۸ - تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

یقوم . .. و إنّ الأخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۷

۷ - دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لمّا جاءهم الحقّ . .. لولا نزّل هذا القرءان على رجل

با توجه به توضیح برداشت

قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشرکان مکه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

عوامل حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲- توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشداری به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایی و روی آوردن آنان به حقایق دین *

ما خلقنا. ..إلاّ بالحقّ وأجل مسمًّی و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجل مسمّی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشداری باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

عوامل حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۷

۷– ذهنیت

ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا . .. و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۹

۹- اسراف کاری ، زمینه ساز حق ناپذیری و مخالفت با پیامبران و از موجبات هلاکت و نابودی است .

و أهلکنا المسرفین

توصیف هلاک شدگان به <مسرفان>، می تواند مشعر به علیت و تأثیر این وصف در هلاکت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- جهل و ناآگاهی ، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۹

۹- ستم پیشگی ، عامل اصلی دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا بل کنّا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنّا. ..> اضراب ابطالی باشد; یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم; بلکه حقیقت این است که

ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست; بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۳

۳ - پیروی از هوای نفس ، از عوامل انکار توحید و گریز از پذیرش حق است .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم . .. بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۷

۱۷ – خودبرتربینی ، غرور و

غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

تـذکر <فأهلکنا أشـد. ..> در حقیقت هشـدار به کسانی است که با احساس توانمنـدی، پنداشـته اند که می توانند از مجازات حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

یسمع ءایت اللّه تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا کأن لم یسمعها

تعبیر <مسـتکبراً کأن لم یسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر رد آیات روشن الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - روح استکبار و خودبرتربینی ، از عوامل حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و

استکبروا استکبارًا

عوامل حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها. .. ظلمًا و علوًّا

عوامل حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۵

۵ - قدرت و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الأرض بغیر الحقّ و قالوا من أشدّ منّا قوّه

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است; یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفک> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۳

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطّور . .. إنّ عذاب ... ما له من دافع

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد

انکار یا غفلت باشد.

عوامل حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۳

۳ - کثرت مال و اولاد ، باعث ایجاد خصلت حق ناپذیری در مترفان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون . و قالو

عوامل حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

عوامل رحمت بر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

عوامل زیان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

عوامل کتمان حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن <لا-ی ناهیه در <تکتموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتمون . .. و یشترون ... ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون . ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک]الکتمان[بأن اللّه نزل الکتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قلیلا در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس . .. و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۹

۹ اختلاف انسان ها در دین ، مایه پوشیده شدن حقیقت بر عموم آنان می شود .

و لایزالون مختلفین

چون <إلاّ من رحم> در آیه بعد استثنا از <لایزالون مختلفین> است معلوم می شود همه اختلاف کنندگان در دین جز کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد بر طریق ناصوابند بنابراین اختلاف در دین باعث می شود که حق بر همه گروهها پوشیده بماند و همگان بیراهه بروند.

عوامل هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزّلنا علیک الکتب . .. و هدًی و رحمه و بشری للمسلمین

فاقدان درک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

فرجام استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد

كذبوا بالحق ... ألم يروا كم أه

فرجام اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاكت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تكذيب و استهزاى آن)

ما تأتيهم من ءايه . .. إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق ... ألم يروا كم أه

فرجام تكذيب حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاكت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تكذيب و استهزاى آن)

ما تأتيهم من ءايه . .. إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذبوا بالحق ... ألم يروا كم أه

فرجام حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ درخشش نهايى از آنِ حق است .

الئن حصحص الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۸ - ۱

۱- در نزاع ميان جبهه حق و باطل ، پيروزى نهايى از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ على البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آنِ جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون . .. قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

فرجام

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷

۷ - قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بنابراین که مراد از <یومهم. ..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا . .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ -

فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع

فرجام حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ألم یروا کم أه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إنّکم لفی قول مختلف

مخاطب <إنّکم>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان، منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

فرجام حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

فضایل بیان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت

.

إن الذین یکتمون . .. لایکلمهم اللّه

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذین . .. لایکلمهم اللّه> استفاده شده است.

فضایل حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزّل من القرءان ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۸

۸- انسان های خردمند و روی آورده به خدا ، با روحیه شکر و توبه و تسلیم ، دارای ارج و منزلت

و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی أن أشکر . .. إنّی تبت إلیک و إنّی من المسلمین .

<بلغ أربعین> اشاره به رسیدن به سن خردمندی است و <اُولئک> بیانگر نوعی تعظیم و ارجمندی است که با تعابیر <نتقبّل> و <نتجاوز> و <فی أصحاب الجنّه> تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان و دارندگان روحیه حق پذیری و ایمان ، بهره مند از آیات و نشانه های الهی

و لتکون ءایه للمؤمنین

لام در <للمؤمنین> برای انتفاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۲

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

فضایل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ،

زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۴

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق

بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

فضایل حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد .

و قال صوابًا

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن. ..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

فطرت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

فطریت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - فطرت اولیه انسان ها ، توحید ، خداپرستی و حق پذیری است .

لعلّهم یرجعون

از سیاق آیات پیشین که درباره توحید و شرک است و نیز از واژه <رجوع> استفاده می شود که انسان ها به توحید گرایش

فطری دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله

ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحیّات منفی او ، عامل جمود آن

طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

از تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است; ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

فطریت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۴

۴- حق جویی و حقیقت پذیری ، طبیعت و فطرت انسانی است .

أجئتنا بالحقّ

از این که مشرکان و بت پرستان، پذیرش <حق> را اصلی مفروض می دانستند و تردید آنان تنها در حقانیت دعوت ابراهیم(ع) بود، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۲

۱۲ - قلب آدمی ، دارای تمایل فطری به حق و حرکت در راه مستقیم است

.

فلمّا زاغوا أزاغ اللّه قلوبهم

منحرف شدن قلب بر اثر گناه، موقوف بر آن است که پیش از آن متمایل به حق بوده و به اصطلاح مصداق <قلب سلیم> باشد.

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه . .. متع إلی حین

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۵

۵- تبیین حق و راستی برای انسان ها ، در جهت رشد و تربیت آنها است .

الحقّ من ربّکم

گزینش کلمه <ربّ> حاکی از نکته بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بیان حق از سوی خدا برای رفع اختلافات فکری و سرگردانی های عقیدتی ، هدایت و رحمتی است بزرگ .

إنّ هذا القرءان یقصّ . ..

و إنّه لهدًی و رحمه

با توجه به ارتباط این آیه به آیه قبل که در زمینه رفع اختلافات بنی اسرائیل است و نیز با توجه به این که نکره آمدن <هدًی> و <رحمه> عظمت و بزرگی آن دو را می رساند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

فلسفه تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

فلسفه کیفرهای دنیوی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ; نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلّهم یرجعون

فلسفه مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

فلسفه مهلت به حق

ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک . .. فإنّا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است; ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

فواید عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲- اعتقادات حق با اذن پروردگار ، دارای ثمردهی مداوم بوده و محدود به زمانی نیست .

مثلاً کلمه طیّبه . .. تؤتی أکلها کلّ حین بإذن ربّها

احتمال دارد که <تؤتی أکلها کلّ حین> ادامه مشبه باشد که به تناسب موضوع همواره بار و ثمر می دهد و منوط به زمان خاصی نیست.

۳- اعتقادات حق ، دارای ثمر های فراوان بوده و همه آنها مفید است .

مثلاً کلمه طیّبه . .. تؤتی أکلها کلّ حین

آوردن جمع مضاف <أکل> (خوردنیها)، که مفید عموم است، برای توصیف مشبه (کلمه طیبه)، به جای <فواکه> و <ثمرات>، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

فهم حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۵ – ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه

<ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است;

ولی بـا تـوجه به این که کـافران، همـواره درصـدد تضـعیف جبهه حـق و دین الهی انـد، مقصود از آن نیروی الهی و جبهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲ - ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی ، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

تعـبیر <لاتحسـبنّ> (گمـان مبر) بـا آن که گمـان امری غیر اختیـاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصـیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲ - وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنّکم و ما تعبدون

قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱،۱۵

۱۱ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۵ - داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان ، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود .

و وضع الکتب و جایء بالنبیّین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۷،۱۰

۷ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهندپرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. ازاین رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱،۳،۴

۱ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و اللّه یقضی بالحقّ

۳ - قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و اللّه یقضی بالحقّ و الذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (اللّه) به دست می آید.

۴ - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

یعلم خائنه الأعین . .. و اللّه یقضی بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا

بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۷،۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

قضاوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به یعدلون

<به> متعلق به <یعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

۵ - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند

، حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

۷ - حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحکم بین الناس بالحقّ

قیام علیه رهبران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۹

۱۹ - < عن ابی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عز و جل : < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد > قال : الباغی الذی یخرج علی الأمام و العادی : الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیته . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> روایت شده است: مراد از باغی کسی است که علیه امام]حق[خروج کرده و مراد از عادی کسی است که راهزنی می کند که در]حال اضطرار هم [خوردن مردار بر آنان حلال نیست . .. >.

کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز ، زیانکاران واقعی هستند .

أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

انتهاء به معنای پذیرش

نهی است ; یعنی انجام نـدادن کاری بر اثر نهی شـدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شـرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطا های گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف

دربـاره متعلـق <إن ینتهـوا> دو نظر ابراز شـده اسـت: یکی کفر و دیگری اعمـالی کـه در آیـه ۳۶ مطرح شـد ; یعنی سـرمایه گذاریها و شـرارتهای علیه اسـلام. جمله <إن یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

۵ خداوند ، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی خواند .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا . .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشـمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا . .. ما کانوا لیؤمنوا ... و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیطین الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و

<عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله

<تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما کانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل

و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الـذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

کتمان حق مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۰

۴۰- کشف ماجرای اصحاب کهف ، عامل تقویت موضع موحّدان و معتقدان به معاد بود .

إذ یتنزعون . .. قال الذین غلبوا علی أمرهم

در بیـان آنچه مورد نزاع و اختلاـف مردم بود، دو احتمـال بیان شـد: اگر <إذ یتنازعون. ..> نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشـته باشـد، <الـذین غلبوا...> آن دسـته از مردم خواهنـد بود که معاد را پـذیرا بودنـد و با بیداری اصـحاب کهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

کتمان حق مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۲

۲- حق پوشی ، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی ، ویژگی مشرکان عصر نزول

إنّ الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه و شاقّوا الرسول

کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۴

۴ - مشرکان ، مستورسازنده حقیقت اند .

قل یأیّها الکفرون

به کار بردن عنوان <کافر> که به معنای پوشاننده و انکارکننده امری معلوم است تعریض به مخاطبان است که بین من و شما، این شما هستید که حقیقت را پوشانده اید.

کتمان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۸ – ۱۰

۱۰ – در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و . . .) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بأیتی . .. و أقیموا الصلوه ... واتقوا یوماً لاتجزی نفس

عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون>; یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد>.

کری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فاء> در <فإنّک> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کرند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کفر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّه . .. أو کذّب بالحقّ... أليس فی جهنّم مثوًی للکفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث

قرار گرفته اند.

کمی حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - انسان های طرفدار حق و هدایت پذیر ، همواره در تاریخ کم بوده اند .

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

با توجه به این که <کثیر> در مقابل <قلیل> قرار دارد; تقدیر آیه شریفه چنین می شود: <فقلیل منهم مهتد و کثیر منهم فاسقون>.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا . .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیدیهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <. ..فأغشیناهم> روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

کوری مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیـدیهم سـدّاً و من خلفهم سـدّاً فأغشـیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <. ..فأغشیناهم> روایت شده: که خدا می

فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر استهزاگران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفر اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا

و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت وکیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فکیف کان عذابی . .. إنّا أرسلنا علیهم ریحًا صرصرًا

کیفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و

زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للكفرين نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان،

مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ -

۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

کیفر حق ناپذیری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۶

۶ - درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم . ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست; یعنی، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴

- حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولّی

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا . .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و إن یعودوا فانتقمنا منهم کما انتقمنا من الأولین ... .>

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۶

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند ، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت

پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۰،۱۳

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و . . .)

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

کیفر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

کیفر مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کیفر

مکذّبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

گرایش به عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۳

۳- عقیده حق ، دلپذیر و مطابق طبع آدمی بوده و عقیده باطل منفور است .

مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه . .. و مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه

<طیب> درلغت به چیزی معنا شده است که مطابق طبع و میل آدمی می باشد و <خبث> چیزی است که مورد کراهت و نفرت می باشد. برداشت فوق، با توجه به معنای یاد شده، بنابر احتمالی است که مراد از <کلمه طیبه> عقیده حق و <کلمه خبیث> عقیده باطل باشد.

گمراهی از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۲

۲۲ لزوم ریشه یابی و تحلیل زمینه های گریز از حق و گرایش به عقاید شرک آلود و انحرافی

انظر کیف نبین لهم الایت ثم انظر انی یؤفکون

کلمه <انی> گاه به معنای <من این> بکار می رود، بنابراین جمله <ثم انظر . ..> می تواند فرمان به تأمل و اندیشه در منشأ انحراف بنی اسرائیل باشد.

گمراهی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن

به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هـذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توانِ بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

گمراهی کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۲

۱۲ خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر(ص) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

گناه اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از

حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

گناه کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب

گناه کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه . .. لایزکیهم

گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱،۱۸

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

یأیها الذین ءامنوا کونوا

قومین للّه شهداء بالقسط

<قوّام> صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و <قسط> به معنای عدل و حق است.

۱۸ قیام برای خدا ، شهادت به حق و برپا داشتن قسط ، نشانه و جلوه ای از تقوا

کونوا قومین للّه شهداء بالقسط . .. و اتقوا اللّه

لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

لجاجت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و

تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۵

۵ - برخی از مردم ، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزاند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست .

أفأنت تنقذ من فی النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون رسول اللّه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لجاجت معرضان از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲- < عن أبی جعفر (ع) قال : < العنید > المعرض عن الحق ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: [مراد] از <عنید> کسی است که از حق روی گردان است>.

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۳،۱۴

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

لعن بر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئک . .. یلعنهم اللعنون

تکرار فعل <یلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۸

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و یلعنهم اللعنون. إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئک یلعنهم اللّه . .. أولئک علیهم لعنه اللّه

جمله <أولئک یلعنهم اللّه> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذین تابوا . ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئک علیهم لعنه اللّه> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۲

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذین یکتمون . .. أولئک علیهم لعنه اللّه ... خلدین فیها

مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحره فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۶

۶ - توجه به مخالفت

و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

مبارزه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ درگیری حق و باطل در سراسر تاریخ انبیا جریان داشته است.

و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱،۴،۵

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

۴- درگیری و ستیز مداوم حق و باطل در طول تاریخ

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

۵- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

<باء> در <بالحقّ> برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: <ما به کمک حق بر باطل می کوبیم و نابودش می سازیم>. این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده; بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۸

۸ - جامعه بشری ، از دیرباز عرصه درگیری حق

و باطل بود .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - حق و باطل ، جریانی مستمر در تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۳

۱۳ رویارویی و برخورد مداوم حقّ و باطل

و لتسمعنّ من الّذین اوتوا الکتب من قبلکم و من الّذین اشرکوا اذًی کثیراً

مبلغان و حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه . .. علیه توکلت

مبین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ خداوند بهترین جدا کننده حق از باطل است.

یقص الحق و هو خیر الفصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

مثل عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۴

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

کلمه

طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء

از معناهایی که مفسران، از صحابه و تابعان تاکنون، برای <شجره طیبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلاّ الله> است که عقیده حق می باشد.

مجاری کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در کیفر حق ستیزان

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

مجرمیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

محاکمه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود; زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

محاکمه حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت

کافران عصر بعثت نیز دارد.

محدوده حق تصمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - مردم ، حق ندارند که تصمیم هایی بگیرند که با حکم ها وفرمان های خدا و پیامبرش مخالف باشد .

و ما کان لمؤمن و لامؤمنه إذا قضی اللّه و رسوله أمرًا أن یکون لهم الخیره من أمرهم

۴ - صِرف صاحب اختیار بودن در چیزی ، حقِّ تصمیم گیری را درباره آن نمی آورد .

و ما کان لمؤمن و لامؤمنه إذا قضی اللّه و رسوله أمرًا أن یکون لهم الخیره من أمرهم

مرجع ضمیر <أمرهم> عبارت <مؤمن و مؤمنه> است که به اعتبار نکره بودن آنها و در سیاق نفی واقع شدن، افاده عموم می کند. اضافه <أمر> به ضمیر <هم> می تواند برای القای این نکته باشد که در صورتی که خداوند و پیامبرش، حتی درباره امور مربوط به مؤمنان، اعلام نظر کرده اند، آنان حق تصمیم دیگری ندارند.

محرومان از حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳،۶

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا

یعقلون

محرومیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

محرومیت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱

۱ - معاندانِ حق گریز ، از هدایت و ارشاد پیامبر (ص) تأثیرناپذیرند .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

<إذا ولّوا> (آنان، آنگاه که روی برمی گردانند) قرینه است بر این که مراد از <الموتی> کسانی اند که از حق گریزان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در

آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً. .. فهم مقمحون

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان و کافرانِ لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد بصیرت و بینایی

فأغشینهم فهم لایبصرون

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است; یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

محرومیت کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

محرومیت مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۳ - ۷

۷- منکران حق ، از محبت خداوند محرومند .

فالذین لایؤمنون بالأخره

قلوبهم منکره و هم مستکبرون . .. إنه لایحبّ المستکبرین

محمد(ص) و حق ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال حق ستیزی و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه

محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به شکوه پیامبر (ص) از قوم حق ناپذیر خویش

و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

<قیل>، مصدر برای <قال> و عطف بر <الساعه> است; یعنی، <و عنده علم قیله>.

محمد(ص) و حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱

۱ رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در اتکای آن حضرت بر خداوند یکتا و اندوهگین نبودن بر حق ناپذیری و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه . .. علیه توکلت

مخالفت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

مراتب حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که

در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

مراد از دعوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۹

۹ < عن علی بن أبی طالب (ع) فی قوله : < له دعوه الحق > قال : التوحید ، لا إله إلاّ الله ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده که درباره قول خدا: <له دعوه الحق> فرمود: مقصود توحید و لا إله إلاّ الله است>.

مراد از دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ < عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : . . . الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کلّه > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی ارسل رسوله . .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... >.

مردگی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم

- ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فاء> در <فإنّک> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

مسؤولیت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۲

۲ دعوت کنندگان به سوی حق در صورت مواجه شدن با پافشاری مردم بر انکار حق ، باید با اعلان تبری از باطل ، آنان را به حال خود ر ها کنند .

و إن کذبوک فقل . .. و انا بریء ممّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

مسیحیان حق پذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

مسیحیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - یهود و نصارای عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

مسیحیان و کتمان حق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن <لا-ی ناهیه در <تکتموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا ، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ -

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۴

۴ محرومیت مشرکان حق ناپذیر از فهم حقایق و معارف الهی نتیجه عملکرد خود آنهاست.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

توصیف مشرکان به <فی ءاذانهم وقرا و إن یروا . .. یجادلونک ... > گویای نقش و تأثیر این عوامل در مهر خوردن به دلهای آنان است. چنانکه موصول <یقول الذین کفروا> به جای ضمیر برای اشاره به همین جهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۶

۶- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر ، در میان مشرکان و منکران معاد

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

بنابراین که ضمیر <هم> به مشرکان مکه بازگردد; از مفهوم <أکثرهم> استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقانیت معاد، به انکار آن می پرداختند.

مشرکان و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از

جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

مشرکان و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

مشکلات تبعیت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق ، ملازم با سختی ها و مشکلات است .

قد جاءکم الحق من ربکم . .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّه

مصایب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مظهر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۷

۷ - خداوند ، مظهر حق است

.

قال فالحقّ و الحقّ أقول

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <فالحقّ> خبر برای مبتدای محذوف (أنا) باشد; یعنی، <فأنا الحقّ>.

معجزه برای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل . .. و ما نرسل بالأیت إلّا تخویفًا

عبارت <و ما نرسل بالأیات إلّا تخویفاً>(ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی امتها آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

معروفیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۴

۴ - حق و حقیقت ، امری شناخته شده و قابل قبول برای مردم است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

قید <بالحقّ> با توجه به این که خداوند، خود به حقانیّت خلق اش اذعان دارد و در عین حال، آن را برای مخاطبان اش بازگو می کند، نشانه این حقیقت است که حق، امری شناخته شده برای مردم است و آن را به راحتی می پذیرند.

مغضوبیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار

غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجّون فی اللّه . .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

مقایسه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء . .. و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

مکذبان حق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّه . .. أو کذّب بالحقّ... ألیس فی جهنّم مثوًی للکفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

ملاک ارزیابی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۸

۸ - فرجام امور ، ملاک ارزیابی حق و باطل است ; نه جلوه های ناپایدار مادی .

قال مترفوها . .. فانظر کیف کان عقبه المکذّبین

ملاک تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۶

۱۶

کتاب های آسمانی ، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۶

۶ اکثریت نه ملاک حقانیت چیزی است و نه نشانه ارزش و برتری آن

لایستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۴

۴ - سخنان خداوند ، معیار شناخت حق از باطل است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

تصریح به این حقیقت که سخنان خداوند سراسر حق است، می تواند برای به دست دادن معیاری برای شناخت حق از باطل باشد که بیشتر انسان ها از شناخت آن بدون رهنمود الهی ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ - عقل و خرد ناب ، از ابزار و راه های شناخت حقایق

الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۶

۶ - رسولان الهی ، پیام آوران عدالت برای جوامع و ارائه دهندگان موازین و معیار های حق و باطل

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان

<میزان> اسم آلت و ابزار سنجش اشیا است. فرستادن میزان از سوی خداوند، به معنای ارائه معیارها و ملاک ها، برای رعایت حق و عدل می باشد.

ملاک تشریع حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۸

۱۸ - احکام ،

وقتی شرعی و قابل عمل اند که خداوند ، آنها را تشریع و یا امضا کرده باشد .

و ما جعل أزوجکم الّی تظهرون منهنّ أمّهتکم و ما جعل أدعیاءکم أبناءکم ذلکم قول

ملاک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ کثرت رهروان یک راه ، دلیل حقانیت آن نیست .

ثم عموا و صموا کثیر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۲

۲- دین اسلام و راه پیامبر (ص) حق ، و هر جریانی به جز آن باطل و نابود شونده است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

به دلیل مکی بودن سوره چنان که مفسّران نیز گفته اند احتمال دارد مراد از حق دین اسلام و شریعت محمدی و مراد از باطل عقاید موجود در آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۳

۳ - قرآن ، معیار و میزان حق (در میدان باور ها ، روش ها و عملکرد ها)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

برداشت یاد شده بر این پایه است که <المیزان> عطف تفسیری بر <الکتاب> و تعبیر دیگری از قرآن باشد.

ملاکهای تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمییز حق از باطل

الذی أنزل فیه القرءان . .. بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته

می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمییز داد.

ممانعت از حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

<إلحاد> به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن <إلحاد> و <ظلم> استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

ممیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۲

۲- تورات ، جدا کننده حق از باطل

ءاتینا موسی و هرون الفرقان

و ضیاءً و ذکرًا

واژه <فرقان> به هر چیز جدا کننده حق از باطل اطلاق می شود. توصیف کتاب آسمانی تورات به <فرقان> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقصُّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست; بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلمّا جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار

خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنّا أنزلنا إليک الکتب بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۵

۵ - برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السّماء رفعها و وضع المیزان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <وضع المیزان> برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد نه آسمان ها ; آن گونه که در آیه ۲۵ سوره <حدید> آمده است (و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۲،۳

۲ - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

<فرق> به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و. ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از

باطل اند .

فالفرقت فرقًا

منافقان و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۲

۲ - منافقان ، از حق شنوی ، حق بینی و حق گویی ناتوان هستند .

صم بکم عمی

منشأ اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۶

۶ - خداوند ، آشکار کننده حق برای مردم

ربّی یقذف بالحقّ

<قذف>، می تواند استعاره برای اظهار حق باشد. <با> در <بالحقّ> نیز برای ملابسه است.

منشأ پیروزی بر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

منشأ پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۹ – ۵

۵– مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحقّ . .. و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات. ..> عطف بر جمله <لو أردنا ... بل نقذف بالحقّ...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد; زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروزکردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۴

۴ – در

صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح اللّه البطل . .. إنّه علیم بذات الصدور

جمله <إنّه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح اللّه الباطل> باشد.

منشأ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۲،۸

۲ خداوند ، سرچشمه هر حقی است .

الحق من ربّک

۸ توجه به این که تمامی حق از ناحیه پروردگار است ، برطرف کننده زمینه های تردید نسبت به معارف و تعالیم الهی

الحق من ربّک فلا تکن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۹

۹ خداوند نازل کننده حق و سرچشمه آن

أنزل من السماء ماء . .. کذلک یضرب الله الحق و البطل

منشأ حق امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - ولیّ نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

منشأ حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۴

۴ - خداوند ، هرکس را که بخواهد شنوا و

حق پذیر می سازد .

إنّ اللّه یسمع من یشاء

منشأ حق پذیری عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۶

۶- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

و لم یجعلنی جبّارًا شقیًّا

منشأ حق پذیری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لک صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر> اعم از <قلب> است; زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

منشأ حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار ، ریشه بسیاری از انکار ها و حق ستیزی ها

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

تعبیر <و إذ لم یهتـدوا. ..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیب ها و انکارها در بسـیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

منشأ حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۵۰ – ۱۰

۱۰ – انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلمّا جاءهم الحقّ . .. قالوا سحران تظهرا ... إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۹ – ۶

۶ – خود برتربینی و بزرگ منشی ، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکفرین

<إستکبار> (مصدر <استکبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۵ – ۱

۱– روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم . .. الشیطن سوّل لهم

منشأ حق نهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۱۰

۱۰ – ولیّ نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

منشأ فواید عقیده حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۵ – ۴

۴- ثمربخشی اعتقادات حق برخاسته از ربوبیت خداوند است .

تؤتی أکلها کلّ حین بإذن ربّها

منشأ مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت

و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشداری است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ; نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

۴ - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ; نه برخاسته از ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان صدر

اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۴

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده; نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت

و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۸

۸ - هدایت انسان های حق پذیر و دارای شرح صدر ، مقتضای ربوبیت الهی است .

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه

موارد پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۸

۸- هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

موارد حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سکره الموت بالحقّ . .. ذلک یوم الوعید

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سکرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از

همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

موارد حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱

۲۱ عن النبی(ص) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

موانع اجرای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - پیروی از هوای نفس ، مانع اجرای حق است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتبع الهوی

نهی از پیروی هوای نفس، پس از فرمان به داوری به حق میان مردم، می تواند به منظور بیان حقیقت یاد شده باشد.

موانع پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۷

۲۷ کفر و ستمگری ، مانع پذیرش حقّ و خضوع در برابر دلایل روشن آن

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

موانع تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۹

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فریقاً کذبوا و فریقاً یقتلون . .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا . ..> است می تواند متفرع بر جمله <فریقاً کذبوا ...> نیز باشد.

موانع تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده – ۵ – ۱۰ – ۴

۴ انذار و تهدید ، از روش های قرآن برای بازداشتن انسان ها از کفر و انکار حقایق و تکذیب آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

موانع حق پذیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۰ – ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در نپذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۵ – ۸

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۲ – ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۶،۱۰

۶- غوطهوری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقایق دینی

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

فراز <ذرهم یأکلوا و یتمتعوا و . ..> که درصدد بیان حالات کفار است می تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه: چرا آنان اسلام نمی آورند و سرانجام نادم و پشیمان می شوند؟

۱۰- سرگرم شدن به آرزو های واهی ، مانع هدایت پذیری

و تسلیم شدن در برابر حق است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین . ذرهم ... و یلههم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ - غلبه رذایل اخلاقی بر روح انسان ، مانع حق پذیری او

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۳

۳ - اندیشه سودجویانه ، مانع از پذیرش حق است .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون . و إن یکن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود برتربینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًّا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۴

۴ هواپرستی ، مانع اصلی حق پذیری و هدایت است .

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۳

۳ - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلاّ كانوا عنه معرضين . فقد كذّبوا ... و ما كان أكثرهم مؤمنين

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۷ - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۳

۳ - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است; یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق

و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم . .. فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخورداراند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

کذلک یضلّ اللّه . .. کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۵

۵ - تقلید کورکورانه و تعصبات قومی ، سدی در برابر حق گرایی است .

أمّه و إنّا علی ءاثرهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطهوری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أنّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۷

۷ - تکبر و غرور ، مانع از دریافت حقیقت

ثمّ يصرّ مستكبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- كفر ، مانع

درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

<ماذا قال. ..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۲

۲- شیطان ، از موانع جدی گرایش آگاهان ، به حق و هدایت

من بعد ما تبیّن لهم الهدی الشیطن سوّل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکّر بالقرءان من یخاف وعید

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود; <من یخاف وعید> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۳،۴

۳ سرسختی ، غرور و تکبّر برخاسته از گناه ، مانع نصیحت پذیری حاکمان مفسد

و اذا قیل له اتق اللّه اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <بالاثم>، متعلق به <العزّه> باشد.

۴ سرسختی ، تکبّر و غرور ، مانع اصلاح و نصیحت پذیری

اخذته

العزّه بالاثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۸

۳۸ حَسَد و سرکشی (بَغی) مانع پذیرش بیّنات و هدایت الهی

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه بغیاً

<بغیاً> (حَسَد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ; یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۷

۷ اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح (ع) و عدم پذیرش توحید ، برخاسته از افساد و تباهیگری *

فان تولّوا فانّ اللّه علیم بالمفسدین

احتمال دارد کلمه <بالمفسدین>، اشاره به علت و زمینه شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۹

۹ ایجاد ترس ، از شگرد های شیطانی برای جلوگیری مردم از گرایش به حقّ

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸،۹

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر

(یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول ... تفیض من الدمع

موانع حق ستیزی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴ – ۶

۶- توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أسرّوا النجوی . .. قال ربّی یعلم القول فی السماء والأرض و هو السمیع العلیم

خداوند در پاسخ به توطئه ها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . .. لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و. .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

موانع حق شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۱ – ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون

موانع حق شنوایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی

أبصرهم

موانع حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۲

۲ هواپرستی ، مانع حق شنوی و خردورزی است .

من اتّخذ إلهه هویه . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

موانع حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - حق پرستی و حق مداری ، در تضاد با هواپرستی است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

موانع حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۸

۸ - آگاهی و ایمان به علم همه جانبه خداوند ، به تمامی حقایق عالم و راز های دل آدم ، بازدارنده انسان از حق گریزی و ستم کاری

إنّ اللّه علم غیب السموت . .. علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند در این آیه پس از نقل سرگذشت ستم کاران دوزخی و کافران حق ناپذیر در آیات پیشین می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۸

۸ - توجه و اعتقـاد به آگاهی خداونـد به تمامی رفتار ها و حرکت های پنهانی و آشـکار انسان ها ، بازدارنـده آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّا نعلم ما یسرّون و ما یعلنون

برداشت بالاـ از این رو است که آیه شـریفه در مقـام تهدیـد به کـافران و مشـرکان حق ناپـذیر است. بنابراین یادآوری آگاهی مطلق خداوند به رفتار نهان و آشکار انسان ها در شرایط تهدید،

می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع درک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدیدکننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذین اوتوا الکتاب . .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درک و پذیرش حق است.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۸

۸ - اندیشه های خرافی ، مانع از درک واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک . .. بل أنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درک ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند; در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

موانع فهم حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر

پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

موانع قبول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درک و پذیرش حق است.

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۳

۳ - گرایش های شدید نژادی و قومی ، مانع از پذیرش حق

و لو نزّلنه علی بعض الأعجمین . .. ما کانوا به مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۲

۲ - تبختر و خودبینی ، از موانع پذیرش حقایق الهی

و لکن کذّب و تولّی . ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

توصیف کافران تکذیب گر، به انسان های خودبین و مغرور، می تواند اشاره به علّت تکذیب آنان داشته باشد.

موانع کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۵

۵ - باور به یگانگی خدا ونبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. و إلهکم إله وحد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای

بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجّه به مالکیّت و فرمانروایی مطلق خداوند ، زمینه پرهیز از شکستن میثاق ، کتمان حقایق ، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه . .. و لا تکتمونه ... و اشتروا

موانع ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۸

۸- به کارگیری نیرو های ناصالح ، ناسازگار با ولایت دل سوزانه و بر حق است .

و ما کنت متّخذ المضلّین عضدًا

موانع هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا و أجل مسمًّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است; یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی. ... دراین که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

موانع یأس حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۶

۶ - توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

موجبات استمرار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و یحق اللّه الحق بکلمته

موجبات گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۵،۶

۵ اجرای عدالت و شهادت به حق ، مقتضای ایمان است .

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء للّه

۶ تحقق شهادت به حق در گرو داشتن ملکه عدالتخواهی

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء للّه

برداشت فوق بر این اساس است که نظر اصلی آیه بر شهادت دادن به حق باشد، بنابراین اقامه قسط به منزله مقدمه ای برای رسیدن به شهادت به حق، خواهد بود. یعنی شهادت به حق در صورتی میسر است که ملکه قیام به قسط، در وجود آدمی ایجاد شده باشد.

موضعگیری علیه حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۶

۶ - لزوم موضع گرفتن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمنان دیانت و ستیزه جویان حق ناپذیر

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. کبر مقتًا ... عند الذین ءامنوا

مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

نشانه های توصیه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند; زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

نشانه های حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱

۱- نزول آیات قرآن از جانب خداوند ، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل . .. و ننزل من القرءان

ذکرِ <و ننزّل من القرآن> پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

نشانه های حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و

تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند; زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

نشانه های حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند ، در عین مشاهده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او ، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل . .. ذلکم اللّه ربّکم ... فأنّی تؤفکون . کذلک یؤفک الذی

نشانه های حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳

۳ - نپذیرفتن معارف اسلام ، پس از آگاهی به آنها ، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است .

قولوا ءامنا باللّه . .. فإن ءامنوا ... و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکورزی ، نشانه کری و حق ناشنوایی است .

قل أرءیتم . .. أفلاتسمعون

نشانه های حق ناپذیری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ – محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه . .. و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا

نشانه های حق ناپذیری

مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۲

۲ - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص) ، نمودی از حق گریزی آنان

أکثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمرًا

نشانه های ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵- محبت و دل سوزی ، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی و هم لکم عدوٌّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینهوزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نصرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ اللّه من ینصره إنّ اللّه لقویّ عزیز

نفرین بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ – کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرّصون

نفرین بر حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای

الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ; بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنانِ اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

ربّ اغفر لی . .. و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نقش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۵

۵ حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله <فما بعد الحق . ..> دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: <فماذا بعد الحق الذی هو الهدی إلا الباطل الذی هو الضلال>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۲ – ۲

۲– داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است

که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۵

۵ - با نبود حق ، باطل امکان ظهور و تجلی می یابد .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

نقش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۸

۱۸- سرسختی برخی از افراد در برابر حق ، نباید مایه دل سردی و نگرانی پیشوایان و مبلّغان دین گردد .

و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذًا أبدًا

نگرانی از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا . .. و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گریزی کافران است.

نگرانی از حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إنّنا نخاف أن يفرط علينا أو أن يطغى

واقعیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- حق ، درستی و راستی ، مفاهیمی واحد در فرهنگ جن و انس و نه اموری اعتباری و نسبی *

قالوا یقومنا إنّا

سمعنا کتبًا . .. یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

قرآن، گرچه بر انس نـازل شـده و هـدایت گر انسان به سوی حق و راه مسـتقیم است; اما جنیان نیز همان پیام، مفاهیم و تعالیم را، حق و راه مسـتقیم دانسـته اند. از این مطلب استفاده می شود که حق و راه مستقیم، در بینش جن و انس و در فهم و ادراک آنان واحد است.

وحدت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۳ - ۷

۷ - راه های باطل ، پراکنده و مختلف ، و راه حق ، یکی است .

لیخرجکم من الظلمت إلی النور

مراد از <ظلمت> و <نور> در این آیه، معنوی است و منظور از آن دو به قرینه این که خداونـد، بـا اعطای رحمت، خواسـته است تا مؤمنان را از ظلمت ها به نور رهنمون سازد بردن آنان از باطل و بی راهه ها به حق و راه خـدا است. لازم به ذکر اسـت که جمع آورده شدن <ظلمات> دلالت بر تعدد راه های باطل، و مفرد آورده شدن <نور>، دلالت بر یکی بودن راه حق می کند.

وحدت راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ راه حق یکی است و بیراهه های باطل متعدد است .

أم هل تستوی الظلمت والنور

جمع آوردن <ظلمات> و در مقابل مفرد آوردن <نور> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۹

۹ - هر یک از حق و باطل ،

یک راه بیشتر ندارد .

و إنّا أو إیّاکم لعلی هدًی أو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۴

۴ - راه حق و هدایت ، یکی است و راه باطل و گمراهی متعدد و گوناگون .

و لا الظلمت و لا النور

جمع آوردن <ظلمات> و مفردآوردن <نور>، گویای برداشت یاد شده است.

وضوح حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ درخشش نهایی از آنِ حق است .

الئن حصحص الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۵

۵ - مصمم بودن بر حق ناپذیری ، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إنّک علی الحقّ المبین . .. و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

قید <إذا ولّوا مدبرین> بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است; یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۴

۴ حقیقت ، قابل شهود در دنیا ; اما آدمی گرفتار غفلت و سطحی نگری

لقد کنت فی غفله من هذا

<غفلت> در جایی صادق است که حقیقت قابل شهود باشد; ولی آدمی به دلایلی از مشاهده آن محروم بماند. تعبیر <کشفنا...> می رساند که آدمی در دنیا، گرفتار سطحی نگری است و چشمانش در حجاب دنیاگرایی قرار دارد.

وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و

مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

ویژگیهای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸ - پیام قرآن برای همگان است ; ولی بهرهوری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

هدایت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۹،۱۱

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتبًا . .. مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

واژه <مصدّقاً> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این

هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱،۳،۵،۶

۱ - قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلی الرشد

<رشد> (ضد <غی>) به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحیط)

۳ - قرآن ، راهنمای انسان ها به راه حق و درستی

یهدی إلی الرشد

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنّا به

<فا> در <فآمنّا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است; یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلی الرشد فامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۴

۴ هدف از خلقت انسانها ، هدایت کردن ایشان به طریق حق و نزول رحمت بر آنان است .

إلاّ من رحم ربك و

لذلک خلقهم

مشارالیه <ذلک> رحمتی است که از جمله <رحم ربک> استفاده می شود.

هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هـذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

هدایت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۷،۸

۷ ارشاد مردمی که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، عملی بی نتیجه است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۸ هیچ کس حتی پیامبر (ص) ، نمی تواند

مردمی را که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، ارشاد کند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

هدایت ناپذیری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۵

۵ - بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

هدایتگران و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۴

۴ هدایتگران باید خود ملازم حق و پیرو حقیقت باشند .

یهدون بالحق

هشدار به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

شعراء – ۲۶ – ۱۰ – ۶

۶ – تاریخ گذشتگان و سرگذشت مبارزه رسولان الهی ، تسکینی برای رهبران دینی و هشداری به حق ستیزان

لعلّک بخع نفسک . .. و إذ نادی ربّک موسی أن ائت القوم الظلمین

پرداختن به سرگذشت موسی و فرعون و فرجام بدِ فرعونیان، پس از بیان موضع گیری حق ستیزانه مشرکان با پیامبراکرم(ص)، دربردارنده دلداری به پیامبر(ص)است و نیز هشداری به کافران است که از عاقبت بدِ فرعونیان درس بگیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶۷ – ۶

۶ – انتقام الهی از فرعونیان ، هشداری جدّی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۱ – ۶

۶ – فرجام هلاکت بار قوم نوح ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

إنّ فی ذلک لأیه

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم نوح، این بوده که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۹ – ۱۰

۱۰ – سرنوشت شوم قوم عاد ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

إنّ فی ذلک لأیه

لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند

از عادیان، این مطلب بود که بیشتر آنان از پذیرش ایمان سرباز زدند، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۸

۸ - فرجام هلاکت بار ثمودیان ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

فأخذهم العذاب إنّ فی ذلک لأیه

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از ثمودیان، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند (و ما کان أکثرهم مؤمنین)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۵

۵ - فرجام هلاکت بار قوم لوط ، هشداری جدی است به همه حق ستیزان .

ثمّ دمّرنا الأخرین . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم لوط، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم < ایکه > ، هشداری جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند; برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۷

۷ – علم خداوند ، به آشکار و

نهان آدمیان ، هشداری است به حق ستیزان .

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

با توجه به بُعد هشداری و تهدیدی آیات پیشین، تذکر دادن به علم خداوند می تواند هشدار دیگری به مجرمان و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار امت های کفرپیشه تاریخ ، به رغم شوکت مندی آنان ، هشداری به همه ملت های حق ستیز

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

هشدار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

هشدار به حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۳

۳- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشداری به مکیان حق ناپذیر

و لقد أهلکنا ما حولکم من القری

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷،۱۰

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

۱۰ - زوال قدرت ها و سلطه های حق ستیز ، سنتی الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن . .. هل من محیص

هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت و نابودی اند .

إنّه فکّر و قدّر . فقتل کیف قدّر

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۵ – ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی

، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

همنشینی با منکران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ لزوم پرهیز از همنشینی با منکران و تکذیب گران حق و بدگویی کنندگان نسبت به حقگرایان

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا سمعت الرجل یجحد الحق و یکذب به و یقع فی اهله فقم من عنده و لاتقاعده.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۹۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۲۷.

هواپرستی و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۷

۷ - تمایلات و هوس های نفسانی ، در ضدیت با حق

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

یأس از هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

یگانگی حق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۵

۵ وحدت راه حق و تشتت و پراکندگی راه های باطل

من الظّلمات الی النّور

مفرد آوردن کلمه <نور>، حاکی از وحدت نور و حقّ و در مقابل، جمع آوردن کلمه <ظلمات>، حاکی از تعدّد و تشتت ظلمت و باطل است.

یهود حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند ، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت ، گرفتارشان کرد .

بل لعنهم اللّه بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - یهود و نصارای عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

یهود صدر اسلام و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ - از امام باقر (ع) روایت شده که : < انه قال کان قوم

من الیهود لیسوا من المعاندین المتواطئین إذا لقوا المسلمین حدثوهم بما فی التوراه من صفه محمد (ص) فنهاهم کبرائهم عن ذلک ، و قالوا : لا تخبروهم بما فی التوراه ، من صفه محمد (ص) فیحاجوکم به عند ربکم فنزلت هذه الآیه ;

گروهی از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند; بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد]ص[- که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا ، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه

علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأْتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم

رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

حق الحصاد

{حق الحصاد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

احکام حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده علیک واجب و لیس من الزکاه . . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است

. .. .

موارد حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱

۲۱ عن النبی(ص) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

حق الله

{حق الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۹

۹ حج گزاردن ، حق خداوند بر توانمندان

و للّه علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظّف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

حق پذیری

آثار حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إن فی ذلک لأیه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهرهوری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا علیک الکتب . .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۴

۴ - داشتن استعداد و روح حق پذیری ، شرط بهره مند شدن و تأثیر پذیرفتن از گفته های رسولان

ربّ السموت و الأرض و ما بینهماإن کنتم موقنین

جمله <إن کنتم موقنین> در حقیقت به معنای <إن کنتم مستعدین للإیقان و طالبین لمعرفه الحقایق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۶،۷

۶ - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إن تسمع إلاّ من یؤمن

بایتنا

مراد از <من یؤمن> کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کری و کوری نشده است.

۷ - بی تأثیر بودن هدایت گری پیامبر (ص) در محرومان از روحیه تسلیم و حق پذیری

إن تسمع إلاّ من یؤمن بایتنا فهم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۴

۴ - آمادگی برای پذیرش حق ، شرط بهره گرفتن از قرآن است .

هدًی و رحمه للمحسنین

بی شک قرآن کریم، کتاب هدایت برای همه است. اختصاص یافتن هدایت آن به گروهی خاص، در این آیه، به معنای محدودیت هدایت قرآن نیست، بلکه به معنای بهره بردن کسانی است که آمادگی لازم را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهرهوری انسان از هدایت وحی

و لو جعلنه . .. و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمیً

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۱

۱ - راه یابی به بهشت ، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الذین ءامنوا بایتنا و کانوا مسلمین . ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۸ – ۴

۴ – حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جئنکم بالحقّ و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۷ – ۷

۷– تقوای عملی ، زاییده هدایت و ره یابی اندیشه به حق

زادهم هدًی و ءاتیهم تقویهم

از ارتباط <آتاهم تقواهم> با <زادهم هدیً> و عطف آن دو که مستلزم تغایر و دوگانگی است می توان استفاده کرد که: اولاً هدایت امری روحی و فکری و تقوا مقوله ای عملی است و ثانیاً تقوا مترتب بر ازدیاد هدایت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۷ – ۳

۳ – دریافت پیام های نهفته در متن تاریخ ، نیازمند قلبی آگاه یا گوشی شنوا و حق پذیر

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع و هو شهید

عبارت <لمن کان له قلب أو ألقی. ..> می رساند که برای فهم صحیح تاریخ، یکی از دو شرط لازم است: یا خردمندی و تیزهوشی در درک و تحلیل و یا حق شنوی از اهل خرد و اندیشه.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۲ – ۲

۲ – داشتن گوشی شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه های

درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أُذن وعیه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <اُذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۲

۱ - تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إنّ الإنسن لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصو

۲ - ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی ، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است .

لفی خسر . إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار حق پذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۲

۲ - توجه به تأثیر حق در نفوس مستعد ، به رغم عناد کافران ، مشوق رهبران الهی به تداوم تبلیغ

إنّا کنّا من قبل ندعوه . .. فذکّر فما أنت ... بکاهن

فاء در <فذکّر>، تکلیف تذکر را متفرع بر آیات پیشین کرده است. در آن آیات سخن از حق ناپذیری برخی از مردم و حق پذیری و قدرشناسی گروهی دیگر به میان آمده بود.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام

تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

آثار حق پذیری مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - روحیه حق پذیری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، عامل گرویدن آنان به اسلام

قالوا ءامنّا به إنّه الحقّ

جمله <إنّه الحقّ> به منزله تعلیل برای <آمنّا به> است;

یعنی، ما بدان جهت به قرآن ایمان آوردیم که آن را حق یافتیم.

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون . فاصفح عنهم

آفات حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۷

۷- ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا . .. و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

ارزش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

اهمیت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهرهوری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ روحیه حرف شنوی و حق پذیری ، شرط بهره مندی از آیات الهی است .

إن فی ذلک لأیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم تسلیم بودن در برابر حق پس از ثبوت آن

لقد جاءک الحق . .. فلاتکونن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم

مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

پاداش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

تلاش برای حق پذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . .. إن کنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن کنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تلاش برای حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن

اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . .. إن کنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن کنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

توصیه به حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۵

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن ، مصداق بارز عمل صالح است .

عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

حق پذیری اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل سلیم و خردناب ، پندپذیر و حق جو هستند .

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

<لُبّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل خالص و خردناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل و خرد ، گروه حق جو و پندپذیراند .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر

از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری کلّ أمّه جاثیه

حق پذیری رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۷

۷ خداترسی ، انتقاد و نصیحت پذیری ، شرط لازم برای انتخاب حاکم

و اذا قیل له اتق اللّه

حق پذیری عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يؤفك عنه من أَفك

حق پذیری علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هل يستوى الذين يعلمون و الذين لايعلمون إنّما يتذكّر أُولوا الألبب

جمله <إنّما يتذكّر أُولوا الألباب>، در مقام تعليل براى جمله پيشين (هل يستوى الذين يعلمون. ..) است; يعنى، عالمان با نادانان برابر نيستند; زيرا صاحبان خردناب كه همان عالمان اند پندپذير و حقيقت جو هستند.

حق پذیری علمای دینی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

حق پذیری علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹،۱۱

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا إنّا نصری . .. و انهم لایستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

حق پذیری محرومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده ، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم . .. و ءاتینهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است; نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

حق پذیری مستضعفان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۳ - پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون

حق پذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا إنّا نصری . .. و انهم لایستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

حق پذیری موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

حق پذیری موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۴

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال . .. و أنا أول المؤمنين

متعلق <المؤمنين> به قرینه فرازهـای قبـل (بانـک لاـتری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنین> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص

بخواهـد أول مؤمن باشـد، به این است که بی درنـگ حقیقت رخ نموده را بـاور کنـد و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند أول مؤمن باشد.

حق پذیری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- مؤمنان ، برخوردار از روح تسلیم در برابر حق

لیثبّت الذین ءامنوا و هدًی و بشری للمسلمین

برداشت فـوق، مبتنی بر این نکته است که <للمسـلمین> وصـف دیگری برای <الـذین ءامنوا> باشـد نه بـازگو کننـده گروه دیگری از مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱

۱ - برخورداران از روحیه تواضع و حق پذیری ، تنها گروندگان به آیات الهی اند .

إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بها خرّوا سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱،۱۰

۱ - مؤمنان ، برخوردار از شرح صدر و روح تسلیم و انقیاد در برابر حق

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم

<شرح> به معنای بسط و سعه است و شرح صدر به معنای بسط و گشادن سینه و قلب برای تحمل و پذیرش سخن حق است.
<اسلام> در دو معنا به کار می

رود ۱ تسلیم و انقیاد، ۲ دین اسلام. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست اسلام است آیه شریفه نیز درصدد بیان اوصاف مؤمنان است.

۱۰ – وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۲

۲– نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا . .. ذلک بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۷ – ۹

۹ – معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایی و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

حق پذیری مهتدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۸ – ۱۵

۱۵ – بهره مندی از هدایت خاص خداوند ، در گرو تلاش و کوشش مناسب برای دریافت حقایق

الذين يستمعون

القول . .. أولئک الذین هدیهم اللّه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است; نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

حق پذیری نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳،۴

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق و داشتن روحیه حق پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلم

اسلام در این آیه می تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

۴ حالت پذیرش در برابر معارف آسمانی اسلام نشانه شرح صدر است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلم

در برداشت فوق اسلام به معنی اصطلاحی آن که دین اسلام است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ -

۱۲ - داشتن روحیه حق پذیری ، زمینه رشد و کمال است .

إن تسمع إلاّ من یؤمن بأیتنا فهم مسلمون

<مسلم> به کسی گفته می شود که تسلیم و منقاد بوده و بدون پیش داوری و موضع گیری پیشین، در مواجهه با حق، آن را بپذیرد. این که خداوند، فرموده است: <تو به دارندگان روحیه تسلیم، می توانی منظورت را تفهیم کنی و آنان نیز آن رامی پذیرند>، نشان می دهد که داشتن چنین حالتی، باعث حرف شنوی و در نتیجه، رشد می شود.

زمینه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۵

۱۵ ایمان (باور) ، زمینه ساز پذیرش معجزات الهی و بهره مندی از آن

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۵

۵ سابقه آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق ، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و <من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می شناختند، اعتراف به رسالت پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۸

۱۸- عبادت و پرستش خدا ، زمینه ساز پندپذیری و حق شنوی است .

ذکری للعبدین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵ - نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

لیجعل . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا العلم أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۳

۳ - بصیرت و روشن دلی ، زمینه ساز پذیرش سخن حق و عبرت آموزی است .

إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶ - علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

تقدیم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۹

۹ - حق پذیری ، زمینه و شایستگی و صلاحیتِ لازم را می طلبد .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا . .. کأنّ فی أُذنیه وقرًا

این که گفته است: <لهو طلبان، با شنیدن آیات الهی، روی می گردانند به گونه ای که گویا ثقل سامعه دارند>، می رساند که پذیرفتن حق، زمینه لازم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۱ – ۶

۶ – توجّه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اِعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أنّ اللّه سخّر . .. و

أسبغ علیکم نعمه ... اتّبعوا ما أنزل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - < روی أنّ النبیّ (ص) قرأ < أفمن شرح اللّه صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه > فقال إنّ النور إذا وقع فی القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : یا رسول اللّه فهل لذلک علامه یعرف بها ؟ قال : التجافی عن دارالغرور و الإنابه إلی دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه> را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به بصیرت و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان ، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّ اللّه بصیر بالعباد

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أنّ المسرفین هم أصحاب النار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ -

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند ، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إنّ ربّک لذو مغفره و ذو عقاب أليم

چنانچه جمله <إنّ ربک . ..> مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و . .. و عنده علم الساعه و إليه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشداری به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إنّ فی السموت و الأرض لأيت للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد اللّه حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است; یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - اطاعت از خدا و رسول او و قرار گرفتن انسان در مسیر

اصلی حق ، زمینه بخشش لغزش های وی

و إن تطیعوا اللّه و رسوله . .. إنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲،۴

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینه ره جویی به حق

بل کذّبوا بالحقّ . .. أفلم ینظروا إلی السماء ... و ما لها من فروج

واژه <ینظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

۴ زینت و زیبایی آسمان ، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم ینظروا . .. و زیّنّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - بیم از فرجام عمل ، نقطه آغازین حرکت انسان به سوی تعهّد و حق پذیری

فذکّر . .. من یخاف وعید

از این که خداوند، پیامبر(ص) را موظّف کرده تا <من یخاف وعید> با قرآن تذکر دهد; استفاده می شود که اعتقاد به قیامت و بیم از فرجام عمل، نخستین مرحله ای است که فرد را مستعد پذیرش حق می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم

برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

سختی حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

شرایط حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۴

۴ - وجود استعداد و قابلیت ، شرط بهره مندی از پیام حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدی العمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن

باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

عوامل حق پذیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۵

۵ – باور به معاد و توجه به آن ، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنریهم ءایتنا فی الأفاق . .. ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳ – ۷

۷– نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پرودگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحقّ> به <من ربّهم> و مقابله <الحقّ من ربّهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

عوامل حق پذیری گمراهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۹۷ – ۲

۲ – آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

فطریت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - فطرت اولیه انسان ها ، توحید ، خداپرستی و حق پذیری است .

لعلّهم یرجعون

از سیاق آیات پیشین که درباره توحید و شرک است و نیز از واژه <رجوع> استفاده می شود که انسان ها به توحید گرایش فطری دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحیّات منفی او ، عامل جمود آن

طبع اللّه علی قلوبهم واتّبعوا أهواءهم

از تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است; ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

منشأ حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۴

۴ - خداوند ، هرکس را که بخواهد شنوا و حق پذیر می سازد .

إنّ اللّه یسمع من یشاء

منشأ حق پذیری عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۶

۶- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

و لم یجعلنی جبّارًا شقیًّا

منشأ حق پذیری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لک صدرک

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر> اعم از <قلب> است; زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

موانع حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۳،۴

۳ سرسختی ، غرور و تکبّر برخاسته از گناه ، مانع نصیحت پذیری حاکمان مفسد

و اذا قیل له اتق اللّه اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <بالاثم>، متعلق به <العزّه> باشد.

۴ سرسختی ، تکبّر و غرور ، مانع اصلاح و نصیحت پذیری

اخذته العزّه بالاثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۸

۳۸ حَسَد و سرکشی (بَغی) مانع پذیرش بیّنات و هدایت الهی

و ما اختلف فیه الاّ الذین اوتوه بغیاً

<بغیاً> (حَسَد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ; یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش

هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۷

۷ اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح (ع) و عدم پذیرش توحید ، برخاسته از افساد و تباهیگری *

فان تولّوا فانّ اللّه علیم بالمفسدین

احتمال دارد کلمه <بالمفسدین>، اشاره به علت و زمینه شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۹

۹ ایجاد ترس ، از شگرد های شیطانی برای جلوگیری مردم از گرایش به حقّ

انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸،۹

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول ... تفیض من الدمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در نپذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ،

مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤُنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۶،۱۰

۶- غوطهوری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقایق دینی

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

فراز <ذرهم یأکلوا و یتمتعوا و . ..> که درصدد بیان حالات کفار است می تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه: چرا آنان اسلام نمی آورند و سرانجام نادم و پشیمان می شوند؟

۱۰- سرگرم شدن به آرزو های واهی ، مانع هدایت پذیری و تسلیم شدن در برابر حق است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین . ذرهم ... و یلههم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ - غلبه رذایل اخلاقی بر روح انسان ، مانع حق پذیری او

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۳

۳ - اندیشه سودجویانه ، مانع از پذیرش حق است .

و إذا دعوا إلی اللّه و رسوله لیحکم بینهم إذا فریق منهم معرضون . و إن یکن لهم الح

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۱ – ۱۳

۱۳ روحیه خود برتربینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استکبروا فی أنفسهم و عتو عتوًّا کبیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۳ – ۴

۴ هواپرستی ، مانع اصلی حق پذیری و هدایت است .

أرءیت من اتّخذ إلهه هویه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸ – ۳

۳ – عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلّا کانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... و ما کان أکثرهم مؤمنین

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۷ – ۷

۷ – سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علینا أَوَعظت . .. إن هذا إلّا خلق الأوّلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۳ – ۳

۳ – عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است; یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت،

به آن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل یرید أن یصدّکم عمّا کان ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم . .. فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخورداراند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

كذلك يضلّ اللّه . .. كذلك يطبع اللّه على

كلّ قلب متكبّر جبّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۵

۵ - تقلید کورکورانه و تعصبات قومی ، سدی در برابر حق گرایی است .

أمّه و إنّا علی ءاثرهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطهوری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أنّ هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۷

۷ - تکبر و غرور ، مانع از دریافت حقیقت

ثمّ یصرّ مستکبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

<ماذا قال. ..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۲

۲- شیطان ، از موانع جدی گرایش آگاهان ، به حق و هدایت

من بعد ما تبیّن لهم الهدی الشیطن سوّل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ،

عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکّر بالقرءان من یخاف وعید

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود; <من یخاف وعید> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

نشانه های حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند; زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

حق ستیزان

آثار انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرین

با این که قرآن دربردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است; اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها

موظف به بیـان بُعـد انـذارگر قرآن بود و این بـدان جهت است که تنهـا عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگـذارد <انـذار> است.

آثار توبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

آثار عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبهم مصیبه . .. فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

آثار مبارزه با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت الهی را در پی خواهد داشت .

و أرادوا به کیدًا . .. و نجّینه و لوطًا إلی الأرض التی برکنا فیها

آثار هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان

و مردمان حق شنو

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع

آمرزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ آمرزش گناه ستیزه جویان علیه دین ، پس از گرایش آنان به اسلام ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خدا نسبت به انسانهاست .

و یغفر لکم و اللّه غفور رحیم

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

جواب <لولا> در <لولا أن تصیبهم مصیبه. ..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا أن تصیبهم مصیبه ... لمّا أرسلناک إلیهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگراز هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ; نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع <تولّ عنهم> بر <ما تغن النذر> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳

- نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنّا بکلٍّ کفرون

اضطرار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

اعراض از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون. .. إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تذکر خداوند به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۵ – ۱۱

۱۱ – مبلغان دین ، موظّف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما یقولون . .. فذکّر بالقرءان من

یخاف وعید

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبراکرم(ص) استفاده می شود.

افساد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

انتقام از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۷

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. فإمّا نذهبنّ ... أو نرینّک الذی وعدنهم

۷ - خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستیزان چه در دنیا و چه در آخرت توانا است .

فإنّا علیهم مقتدرون

انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

اهمیت تذکر به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع

عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

بهانه جویی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

بی ارزشی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶ - انسانِ بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> دربردارنده معنای تحقیر است.

بی منطقی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

تأخیر کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل

عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

توصیه به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۲

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

تهدید حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی

دهـد و از سـوی دیگر افـاده می کنـد که تـأخیر جزای آنـان سـبب غفلت نمی شـود; زیرا فرشـتگان آن را ثبت می کننـد و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

تهدید حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

جوسازی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

حتمیت شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

حتمیّت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرمایـد: همه جوامع بشـری قبل از قیامت یا هلاک می شونـد و یا دچار عـذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها>

هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۶

۶- امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إنّهم جند مغرقون . .. و نعمه کانوا فیها فکهین

حتمیت هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا . .. هل من محیص

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴،۵

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون .

.. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداونـد ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبرانِ پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صـفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلی الذین یجدلون فی ءایت اللّه أنّی یصرفون

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۳ – ۶

۶ – اسراف گران و افراط کنندگان در گناه

و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

حق ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین

یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون

غدًا من الكذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق ستیزان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

حق ستیزان هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

دشمنی با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب . ..فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <لاتکوننّ. ..> بر صدر آیه به دست می آید.

رجعت حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۳ – ۱۲

۱۲ – تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

رد استمهال حق ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۵ – ۶

۶ – کافران حق ستیز ، فاقد هر

گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم یستعتبون

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

روش برخورد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۶

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لمّا جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

رؤیت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود; زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

زمینه آمرزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط

توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

زمینه تشخیص حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۸

۸ - وجود حق و مظاهر آن ، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حتّی أنسوکم ذکری

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند; ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

زمینه عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا علیهم . .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنّذر

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إنّ عذاب ربّک لوقع

از اضافه <عذاب> به <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما

أنا من المنذرين

با این که قرآن دربردارنـده هر دو بعد انذار و تبشـیر است; اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذارگر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگذارد <انذار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ; نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلّهم یرجعون

سختی عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصـیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصـیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو

از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

استفهام در <أین ما کنتم. ..> توبیخی است.

سرزنش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود; این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است; زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند; ولی آنان چنین نکردند.

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۴

۴ حق ستیزان ، همواره محکوم به شکستند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام

مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

شگفتی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عجز حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۵

۵ - حق ستیزان در اوج اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با عظمت و کبریایی خداوند

و له الکبریاء فی السموت و الأرض

یادکرد جلال و قدرت یگانه و برتر خداوند، در پی ذکر حق ستیزان کافر و ناباور به معاد، می تواند پیامی هشداردهنده برای آنان و نویدی آرامش بخش برای پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ،

به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

عذاب استیصال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد،

برای شر و تهدید است.

عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجّون فی اللّه . .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۸

۸ - عذاب الهی ، بر جوامع حق ستیز فراگیر و گسترده است .

فأغرقنهم أجمعین

علم اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

عوامل تنبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۷ – ۷

۷ – کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبهم مصیبه . .. فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

فرجام حق ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ –

اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷

۷ - قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بنابراین که مراد از <یومهم. ..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا . .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان

و مردمان حق شنو

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع

فلسفه کیفرهای دنیوی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ; نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلّهم یرجعون

فلسفه مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می

تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت وکیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فکیف کان عذابی . .. إنّا أرسلنا علیهم ریحًا صرصرًا

کیفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

- ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

گمراهی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مجاری کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در کیفر حق ستیزان

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

مجرمیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

محاکمه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان

سبب غفلت نمی شود; زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

محاکمه حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

محرومیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مخالفت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

مصایب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از

آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مغضوبیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجّون فی اللّه . .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

منشأ مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشداری است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ; نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست; بلکه از باب رحمتی است که او

بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

۴ - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ; نه برخاسته از ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۴

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده; نه از باب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

موانع هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا و أجل مسمًّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است; یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی. ... دراین که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

نفرین بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرّصون

هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم . .. و ذکّر

هشدار به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۶

۶ - تاریخ گذشتگان و سرگذشت مبارزه رسولان الهی ، تسکینی برای رهبران دینی و هشداری به حق ستیزان

لعلّک بخع نفسک . .. و إذ نادی ربّک موسی أن ائت القوم الظلمین

پرداختن به سرگذشت موسی و فرعون و فرجام بدِ فرعونیان، پس از بیان موضع گیری حق ستیزانه مشرکان با پیامبراکرم(ص)، دربردارنده دلداری به پیامبر(ص)است و نیز هشداری به کافران است که از عاقبت بدِ فرعونیان درس بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۶

۶ - انتقام الهی از فرعونیان ، هشداری جدّی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان

أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار قوم نوح ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

إنّ فی ذلک لأیه

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم نوح، این بوده که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ - سرنوشت شوم قوم عاد ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

إنّ فی ذلک لأیه

لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از عادیان، این مطلب بود که بیشتر آنان از پذیرش ایمان سرباز زدند، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۸

۸ - فرجام هلاکت بار ثمودیان ، هشداری جدی به همه حق ستیزان

فأخذهم العذاب إنّ فی ذلک لأیه

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از ثمودیان، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند (و ما کان أکثرهم مؤمنین)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۵

۵ - فرجام هلاکت بار قوم لوط ، هشداری

جدی است به همه حق ستیزان .

ثمّ دمّرنا الأخرین . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم لوط، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم < ایکه > ، هشداری جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند; برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۷

۷ - علم خداوند ، به آشکار و نهان آدمیان ، هشداری است به حق ستیزان .

و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

با توجه به بُعد هشداری و تهدیدی آیات پیشین، تذکر دادن به علم خداوند می تواند هشدار دیگری به مجرمان و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار امت های کفرپیشه تاریخ ، به رغم شوکت مندی آنان ، هشداری

به همه ملت های حق ستیز

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷،۱۰

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا . .. أشدّ ... منهم بطشًا ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

۱۰ - زوال قدرت ها و سلطه های حق ستیز ، سنتی الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن . .. هل من محیص

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی

بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

حق ستیزی

آثار اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم اللّه یوم القیمه . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودررویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و ما تأتیهم . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق

<فاء> در <فقد کذبوا> می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله <فقد کذبوا . .. > بیانگر سبب و زمینه اعراض مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم . ... فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۲۵ - ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل ءایه . .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی ، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد ، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است .

و لم یجعلنی جبّارًا شقیًّا

<شقیّاً> می تواند صفت توضیحی برای <جبّاراً> باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عـدم وجود کتابی هـدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای

نفس دارد .

قل فأتوا بكتب . .. أهدى منهما... فاعلم أنّما يتّبعون أهواءهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را درپی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أرءیتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۶

۶- عزت ها و شرافت های دنیوی ، متکی به گناه و حق ستیزی ، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است .

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۸

۸ - روحیه انکار و عناد در برابر حق ، مانع بهرهوری معنوی و عرفانی انسان از ژرف کاوی در نظام طبیعت

إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

وصف <للمؤمنین> این مفهوم را می رساند که کافران و یا غافلانی که انگیزه حق جویی را ندارند، با ژرف کاوی در نظام آسمان ها و زمین، بهره ای بایسته از آن نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۵ – ۵

۵ تعارض و نابسامانی در روح و اندیشه ، نتیجه حق ستیزی است .

کذّبوا بالحقّ . .. فهم فی أمر مریج

<فا>ی تفریع، این نتیجه کلی

را به دست می دهـد که انکار حق آشـکار، فرد را گرفتار بحران روحی و تناقض گویی می سازد؛ زیرا از یک سو وضوح حق را در می یابد و از سوی دیگر، تلاش می کند تا بر آن سرپوش نهاده و عقیده باطل خود را توجیه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بـدان احتمال است که ترتیب میان صـفات کفّار، عنیـد و. ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیـدایش وصـف متأخر آن، داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیّام اللّه> داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذّبت قبلهم . .. فحقّ وعید

آثار حق ستیزی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی

، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار حق ستیزی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۲

۲ - خوی سرکشی ، تکبر ، حق ناپذیری و ستیزه جویی ، عامل نابودی بسیاری از امت ها و ملت های گذشته

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق . کم أهلکنا من قبلهم من قرن

آیه شریفه، درصدد بیان این حقیقت است که آنچه موجب ایمان نیاوردن کافران صدراسلام شد، همان سبب کفر بسیاری از امت ها و ملت های گذشته گردید.

آثار حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۲

۲ - هلاکت قوم ثمود ، بازتاب ظلم و حق ستیزی خود آنان

فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا

قید <بما ظلموا> بیان علت هلاکت قوم ثمود است; یعنی، آنان بدان سبب که ستم کردند. .. .

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق

- ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است ; نه نامعقول بودن آن .

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد; یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدنـد و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

آثار دنیوی حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حق ستیزی ، دارای پیامد ناگوار دنیوی برای انسان

ذاقوا وبال أمرهم

آیه شریفه در مورد کافرانی سخن می گوید که در برابر اسلام، به ستیز برخاسته بودند.

اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیّام اللّه> داشته باشد.

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۵

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و کذّبوا. .. و کلّ أمر مستقرّ

پایان حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ -

لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پایان حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

تداوم حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۲

۲ - استمرار مواضع خصمانه و حق ستیزانه فرعونیان در مقابل موسی (ع) ، حتی پس از گرفتار آمدن آنان به عذاب الهی

إذا هم منها یضحکون . .. و أخذنهم بالعذاب ... و قالوا یأیّه الساحر

فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب های متعدد، همچنان راه کج خویش را ادامه داده و موسی(ع) را ساحر می نامیدند.

حق ستیزی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۱ - ۳

۳ - خاندان فرعون ، محور اصلی حق ستیزی و مخالفت با وحی ، در جامعه خویش

و لقد جاء ءال فرعون النّذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات گذشته، در مقام بیان سرگذشت حق ستیزان، نام اقوام آمده است; اما در این آیه مخالفان حق با عنوان <آل فرعون> مطرح شده اند.

حق ستیزی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

حق ستیزی اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۵

۱۵- اقوام کفرپیشه ، با مشاهده دلایل روشن انبیا ، تلاش گسترده ای به عمل آوردند تا آنان را به سکوت وادارند و مانع تبلیغشان شوند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که فاعل <ردّوا> اقوام یاد شده و مرجع ضمیر <أیدیهم> انبیا و یا اقوام و مرجع ضمیر <أفواههم>انبیا باشد. در این صورت به معنای این خواهد بود که: آن اقوام دستان انبیا یا دستان خود را بر دهان انبیا می گذاشتند.

حق ستیزی اکثریت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

كذّبت قبلهم . .. فحقّ وعيد

حق ستیزی اکثریت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

و ما

كان أكثرهم مؤمنين

گرچه ضمير <هم> در <أكثرهم> به مردم ايكه باز مى گردد; اما در عين حال تعريض به مشركان صدر اسلام نيز دارد.

حق ستيزى امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۳

۳ - حق ستيزى و سركشى در برابر پيامبران الهى ، خصيصه حاكم بر جوامع بشرى در طول تاريخ

كلّ ما جاء أُمّه رسولها كذّبوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستيزه با حق بر خاستند تا آن را از بين ببرند .

كذّبت قبلهم قوم نوح . .. و جدلوا بالبطل ليدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معناى ابطال و از بين بردن است.

حق ستيزى دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمايت هاى جدى و مكرر خداوند از پيامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختى و حق ستيزى دشمنان

أم أبرموا أمرًا فإنّا مبرمون

حق ستيزى دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نتربّص به ریب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

حق ستیزی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر

و حق ستیز

نتربّص به ریب المنون . .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

کذّبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا. ..> و <کذّبوا> و <اتّبعوا> نظر به ایشان دارد.

حق ستیزی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلاّ صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلاّ صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است

که آنان

از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

حق ستیزی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

حق ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملإ حوله إنّ هذا لسحر علیم

حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۲

۲ - وعده خداوند ، به مجازات قوم حق ستیز ثمود و نزول عذاب استیصال بر آنان

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر

<غداً> ظاهراً اشاره به هنگام نزول عذاب دنیوی دارد; و نه قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سیعلمون غدًا من الکذّاب الأشر . إنّا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنّا مرسلوا الناقه> با آیه قبل، استفاده می شود که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است; اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

حق ستیزی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- سرنوشت شوم حق ستیزی قوم عاد ، درسی برای مجرمان همیشه تاریخ

کذلک نجزی القوم المجرمین

تعبیر <کذلک> و به رخ کشیدن سنت، در حقیقت اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا علیهم الریح العقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۱

۱ - قوم عاد ، از جمله ملت های حق ستیز و تکذیب گر پیامبران

کذّبت عاد

حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

حق ستیزی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليک . .. و منهم من ينظر إليک ... و لکن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شيوه های تبليغاتی کفرپيشگان است .

و يجدل الذين کفروا بالبطل ليدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال>

و <إزاله> است. <ليدحضوا به الحقّ> يعنى: <كفرپيشگان، با مجادله باطل، سعى در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است كه حق، قابل ابطال نيست، لذا تعبير <خروج از صحنه> و <باطل نمايى> در برداشت به كار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بى دادگران كفرپيشه تاريخ ، مردمانى حق ستيز و غير قابل آشتى با آيات وحى و رسولان الهى

و إنّ الظلمين لفى شقاق بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستيزى ، انگيزه اصلى بيشتر كافران منكر قرآن و پيامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانيت آن دو براى آنها .

أم يقولون به جنّه . .. و أكثرهم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستيزى كافران در دنيا ، گواه حق گريزى آنان پس از بازگشت دوباره به دنيا

قال ربّ ارجعون . .. كلّا إنّها كلمه هو قائلها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجويى خدا از پيامبر (ص) در قبال حق ستيزى هاى كافران

إنّ ربّك يقضى بينهم بحكمه و هو العزيز العليم

آيه فوق در عين اين كه تهديدى براى كافران و حق ستيزان است، مايه دلدارى پيامبر(ص) نيز هست، چه اين كه توجه به مقهوريت حق ستيزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشى براى پيامبر(ص) و مؤمنان است كه

همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از

<خوض>، نقـد و انتقادهایی باشـد که کافران از سـر تکذیب نسـبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است; یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

بـا توجه به این که <شـیعه> به معنـای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشـته انـد; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از

سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

حق ستیزی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران دربرخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن . .. بطریقتکم المثلی

حق ستیزی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و دشمنی مشرکان و تهدید آنان به کیفر و عذاب

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

از تعلیم خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر درخواست داوری از او درباره مشرکان حق ستیز، برداشت بالا به دست می آید.

حق ستیزی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۶

۶ - مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت ، مردمی پندناپذیر و کوردل

و إن یکذّبوک . .. أفلم یسیروا فی الأرض ... القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته

اند; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی معرضان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۱

۱- اعراض کنندگان از دعوت پیامبران ، ناتوان از مبارزه با حق و گریز از عذاب الهی

و من لایجب داعی اللّه فلیس بمعجز فی الأرض

حق ستیزی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبرانِ پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند

.

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انکارِ رسولان الهی ، بینشی متّکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

حق ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

روش اثبات حق ستیزی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدّی با منکران قرآن ، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۳

۳ تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم و إنکم لمن المقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انکارِ رسولان الهی ، بینشی متّکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

روش حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

زمینه حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلاّکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أم أبرموا أمرًا . .. أم يحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجويهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۴

۴- غوطهوری در سرخوشی ها و امکانات دنیایی ، از زمینه های حق ستیزی و هلاکت *

إنّهم جند مغرقون . کم ترکوا ... فیها فکهین

ترسیم برخورداری های فرعونیان پس از یادکرد هلاکت ایشان ممکن است از آن جهت باشد که این برخورداری ها، در حق ستیزی آنان نقش داشته است.

زمینه حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبئث إنّهم کانوا قوم سوء فسقین

جمله <إنّهم کانوا. ..> به منزله تعلیل برای جمله <تعمل الخبائث> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبائث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

شکست حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۱۷

۱۷ جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالتهای الهی محکوم به شکست است.

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا

. .. حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

عوامل حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۷

۷ - حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو یردونکم من بعد إیمنکم کفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما کانوا لیؤمنوا . .. و لکن أکثرهم یجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک . .. و منهم من ینظر إلیک ... و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۸

۸ - تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ

اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

یقوم . .. و إنّ الأخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۷

۷ - دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لمّا جاءهم الحقّ . .. لولا نزّل هذا القرءان علی رجل

با توجه به توضیح برداشت قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشرکان مکه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

فرجام حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ألم یروا کم أه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إنّکم لفی قول مختلف

مخاطب <إنّکم>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان،

منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

محمد(ص) و حق ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال حق ستیزی و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه

مراتب حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از ایـن که در این آیه و در آیه قبـل، سه تعـبیر مختلـف دربـاره کـافران به کـار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشـنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل

متفاوت آن داشته باشد.

منشأ حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار ، ریشه بسیاری از انکار ها و حق ستیزی ها

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

تعبیر <و إذ لم یهتدوا. ..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیب ها و انکارها در بسیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

موانع حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۶

۶- توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أسرّوا النجوی . .. قال ربّی یعلم القول فی السماء والأرض و هو السمیع العلیم

خداوند در پاسخ به توطئه ها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . .. لو یعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و. .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق

ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

نشانه های حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداونـد ، در عین مشاهـده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او ، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل . .. ذلکم اللّه ربّکم ... فأنّی تؤفکون . کذلک یؤفک الذی

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

حق شناسی

آثار حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۴

۴ هدایت

و شناخت حق ، مسؤولیت آفرین است .

من بعد ما تبیّن له الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۶

۶ - عبودیت و بندگی ، نماد و نتیجه حق شناسی انسان در برابر پروردگاری خداوند است .

إنّ الله هو ربّی و ربّکم فاعبدوه

از تفریع <فاعبدوه> بر <إن اللّه ربّی و ربّکم> می توان استفاده کرد که باور به ربوبیت یگانه الهی، آدمی را به مسؤولیت و وظیفه عبودیت و بندگی رهنمون می سازد.

اهمیت حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۴

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ، ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أولئک کالأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءکم الحق من ربکم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۳

۳ حق شنوی و خردورزی ، دو عنصر تعیین کننده و اساسی برای شناخت حق و پیمودن راه آن

أم تحسب أنّ أكثرهم يسمعون أو يعقلون

از این که خداوند برای هواپرستان، دو صفتی را ذکر می کند که آنان فاقد آن دو بودند، حکایت از آن دارد که آن دو، نقش تعیین کننده در شناخت و پذیرش راه پیامبر(ص) و تعالیم قرآن داشته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۳ – ۶

۶ – لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

ایجاد زمینه حق شناسی در برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۲ – ۶

۶ یوسف (ع) با باز گردانـدن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسـی و سـپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها . .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

زمینه حق شناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۸

۸ – عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابکاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

إنّ فی ذلک لأیت لأُولی النهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسـش ، روشـی برای برانگیختن انـدیشه و تفکر ، در شـناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

زمینه حق شناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۲

۲ - سخنان نرم موسی و هارون (ع) ، زمینه ای مناسب

برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فقولا له قولاً لیّنًا لعلّه یتذکّر أو یخشی

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعلّه...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و یالااقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

موانع حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون

حق شنوایان

ادراک حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۸

۸- آیت خداوند بودن آب باران و حیات موجودات ، برای مردم حق شنو قابل درک است .

و الله أنزل من السّماء ماء . .. إن فی ذلک لأیه لقوم یسمعون

عوامل تذکر حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقی السمع

حق شنوایی

آثار حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوشی شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه

های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أُذن وعیه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <اُذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

حق شنوایی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۹

۹ - رهبران و داوران جامعه الهی ، باید نصیحت پذیر و حق شنو باشند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لاتشطط

محرومان از حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳،۶

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

موانع حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمى أبصرهم

حق شنوی

آثار حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إن فی

ذلک لأیه لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۸

۸ حرف شنوی و خردورزی ، از ملاک های ارزیابی شخصیت و ارزش انسان ها

أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلّا کالأنعم

تشویق به حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذکّروا بأیت ربّهم لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

حق شنوی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخرّوا علیها صمًّا و عمیانًا

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

واللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برخی از مفسران برآنند که یادآوری سمیع و بصیربودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

کافران و حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور)

می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

ممانعت از حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

موانع حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۲

۲ هواپرستی ، مانع حق شنوی و خردورزی است .

من اتّخذ إلهه هویه . .. أم تحسب أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون

حق طلبان

آمرزش حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

اجابت دعای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد

أجيبت دعوتكما فاستقيما

امداد به حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۶،۷

۶ - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

۷ - دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیدًا فجعلنهم الأسفلین

اهمیت استقامت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۸

۸ ضرورت صبر و مقاومت حق پویان در برابر استهزا و آزار دشمنان

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

جمله <و یصنع الفلک و کلما مرّ . ..> بیانگر صبر و مقاومت حضرت نوح(ع) و پیروان اوست و هدف از نقل آن ، ایجاد روحیه مقاومت در حق پویان و درس صبر و استقامت به آنان

است.

تحقیر حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۳

۳ - حقیر و ناچیز جلوه دادن قدرت و توانایی های جبهه مخالف و حق طلب ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونی

إنّ هؤلاء لشرذمه قلیلون

توکل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۸

۸ - خداوند ، تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان راه حق

و هو العزیز العلیم . فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ

این که خداوند قبل از تشویق به توکل، موضع قویم و شکست ناپذیر خود را بیان داشته است می تواند به این دلیل باشد که مؤمنان با اطمینان بیشتری بر او تکیه کنند.

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۶ – ۴

۴ – تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۱ – ۱

۱ – قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان

آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق طلبان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۲

۲ - حضور برخی از افراد حق طلب و نصیحت پذیر در صفوف فرعونیان

فتنزعوا أمرهم بینهم

اختلاف نظر فرعونیان در باره موسی(ع)، نشان از متمایل شدن برخی از فرعونیان به موسی(ع) در روز مقابله دارد.

حق طلبان و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - تنها اهل ایمان (دارندگان زمینه گرایش به حق) ، بهره مند از آیات گسترده الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

حق طلبان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حق طلبان و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیبت دعوتکما فاستقیما

خداشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸

۸ - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

عبارت <قوم یؤمنون>; یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

زمینه بصیرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب

بالا قابل برداشت است.

زمینه تنبه حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

شفاعت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳ - اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لایملک . .. الشفعه إلاّ من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ> وصف برای شافع است; نه شفاعت شونده.

عبرت پذیری حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نبإِ موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

عقیده حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۶

۶ اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبیل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

فضایل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴

- تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۴

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجره من یقطین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و

عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

فهم حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است; ولی با توجه به این که کافران، همواره درصدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جیهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این

ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲ - ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی ، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

تعبیر <لاتحسبنّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲ - وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنّکم و ما تعبدون

مسؤولیت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۲

۲ دعوت کنندگان به سوی حق در صورت مواجه شدن با پافشاری مردم بر انکار حق ، باید با اعلان تبری از باطل ، آنان را به حال خود ر ها کنند .

و إن کذبوک فقل . .. و انا بریء ممّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

موانع یأس حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۵ – ۶

۶ – توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس

و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

نصرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ اللّه من ینصره إنّ اللّه لقویّ عزیز

ویژگیهای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸ - پیام قرآن برای همگان است ; ولی بهرهوری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

هدایت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهرهوری از قرآن را ندارند.

حق طلبی

{حق طلبی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۶،۷

۶ برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

الّا مادُمت علیه قائماً

جمله <مادمت . .. >، کنایه از مطلب فوق است.

۷ قیام مداوم علیه تضییع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤدّه الیک الّا مادمت علیه قائماً

آثار حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لأیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۷

۷ - سبقت در ایمان و قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان و حق گرایان ، موجب جلب آمرزش الهی

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا أن کنّا أوّل المؤمنین

برداشت یاد شده از تعلیل قرار گرفتن جمله <أن کنّا أوّل المؤمنین> برای جمله قبل (إنّا نطمع. ..) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵ - برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهرهوری از پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین . هدًی و بشری للمؤمنین

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنین> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهرهوری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۳

۳ - حق گرایی و حق یابی ، نشان بینایی حقیقی در بینش الهی

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

خداوند، به کسانی که چشم ظاهر دارند; ولی فاقد زمینه شناخت حق

و گرایش به آن هستند، عنوان <نابینا> داده است و این بدان معنا است که بینایی در این بینش، به چشم ظاهر نیست; بلکه به حق یابی و حق گرایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

إنّما یتذکّر أُولوا الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّ فی ذلک لذکری لأُولی الألبب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۶

۶ - روحیه حق طلبی ، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لأیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۲

۲ انسان ، با روحیه تواضع و حقّ جویی ، بهره مند از درس های توحیدی و رهنمود های نهفته در هستی

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب

واژه <عبد>، اشاره به روحیه تواضع و <منیب> اشاره به حقّ جویی دارد.

اهمیت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهرهوری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

حق طلبی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۳

۳ - ارائه حق ، گوهر و قلمرو اصلی دین الهی

فلمّا جاءهم بالحقّ

مقصود از <حقّ> در آیه شریفه، دین و پیام الهی است. این تعبیر گویای مطلب یاد شده است.

حق طلبی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال . .. بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

حق طلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، منادی حق و دعوت کننده خلق به سوی خداوند

أجیبوا داعی اللّه

حق طلبی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

حق طلبی مشمولان رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱

۱ تنها مشمولان رحمت الهی ، در گیر و دار اختلافات دینی و مذهبی راه درست را می یابند و بر طریق حق گام می نهند .

و لایزالون مختلفین. إلّا من رحم ربک

حق طلبی هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۲،۶

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد ; یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

۶ عهده داران هدایت در جامعه باید خود ملازم حق باشند و با موازین و روش های حق دیگران را هدایت کنند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

درخواست حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۷

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهدو توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد .

ربّ اشرح لی صدری

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

زمینه حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ - نقش اخلاص مبلغان دینی ، در گرایش مردم به تقوا و پیروی از حق

و ما أسئلکم علیه من أجر . .. فاتّقوا اللّه و أطیعون

۳ - تقوای الهی ، زمینه ساز گرایش به حق و پیروی از آن

فاتّقوا اللّه و أطيعون

مقدم آمدن امر به تقوا (اتّقوا اللّه) بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقیما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

عوامل حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲- توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشداری به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایی و روی آوردن آنان به حقایق دین *

ما خلقنا. ..إلّا بالحقّ وأجل مسمًّی و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجل مسمّی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشداری باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

فطرت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

فطریت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۲

۱۲ - قلب آدمی ، دارای تمایل فطری به حق و حرکت در راه مستقیم است .

فلمّا زاغوا أزاغ اللّه قلوبهم

منحرف شدن قلب بر اثر گناه، موقوف بر آن است که پیش از آن متمایل به حق بوده و به اصطلاح مصداق <قلب سلیم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۴

۴- حق جویی و حقیقت پذیری ، طبیعت و فطرت انسانی است .

أجئتنا بالحقّ

از این که مشرکان و بت پرستان، پذیرش <حق> را اصلی مفروض می دانستند و تردید آنان تنها در حقانیت دعوت ابراهیم(ع) بود، برداشت یاد شده به دست می آید.

موانع حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ – حق پرستی و حق مداری ، در تضاد با هواپرستی است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

حق گویان

اذن اخروی به حق گویان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۸ – ۱۳

۱۳ – خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد

.

و قال صوابًا

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن. ..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

فضایل حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد .

و قال صوابًا

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن. ..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

حق گویی

اهمیت حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۴

۴ - تکذیب و نپذیرفتن گروهی ، نباید مانع از اظهار سخن حق و تبلیغ دین از سوی منادیان حق و مبلّغان دین گردد .

و إنّا لنعلم أنّ منكم مكذّبين

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با آن که از تکذیب گروهی از مردم آگاهی کامل دارد و این مطلب را نیز اعلام می کند; در عین حال پیام های خود (وحی) را بهوسیله پیامبراسلام(ص)، پیاپی ابلاغ می فرماید.

حق گویی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۲

۲ پیامبران الهی حریص بر راستگویی و حقگویی درباره خداوند

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند.

گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد ; یعنی: إنی حریص علی کذا حقیقاً به.

حق گویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۲

۲ - خدا ، جز حق سخن نمی گوید .

و الحقّ أقول

<الحقّ> معمول و مفعول <أقول> است و تقدم معمول بر عاملش، مفید حصر می باشد; یعنی، <لا أقول إلّا الحقّ; جز حق سخن دیگری نمی گویم>.

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت ، رخصت سخن گفتن یافته اند ، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صوابًا

<قال> در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حق گویی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- مقابله به مثل و حقیقت گویی ، از ویژگی های برخورد موسی (ع) با فرعون

إنی لأظنّک یموسی مسحورًا . .. و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

کافران و حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین

کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

حق ناپذیران

{حق ناپذیران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۶

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم . .. .> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو أسمعهم ... > چنین معنا می شود: <و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ... > یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۲

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۳

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری

آنان بود; چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها

معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

آثار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماردلی مشارالیه <أولئک. ..> قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

آثار شرک حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن

کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

آثار عمل حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حقْ ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا ... فی ءاذانهم وقرًا

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می

آوردند.

اذیتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و

اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشنده در برابر تهدید ها ، رجزخوانی ها و نسبت های ناروای مشرکان و کافران حق ستیز

و ربّنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

مقصود از توصیف در <ماتصفون>، ممکن است دوچیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می شمردند. ۲ نسبت های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می دادند.

استقامت در برابر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

استمرار گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز ، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است .

و من یضلل اللّه فما له من هاد . و من یهد اللّه فما له من مضلّ ألیس اللّه بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استهزای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به

بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

اضطرار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

اعراض از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۶

۶- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتوگو با بهانه جویان و حق ناپذیران

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

اعراض حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۶

۶- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص) ، برای نگران نبودن از روی گردانی حق ناپذیران

فإن تولّوا فإنما علیک البلغ المبین

اقرار اخروی حق ناپذیران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۱

۱ - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

أین ما کنتم تشرکون . من دون اللّه قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

جمله <ضلّوا عنّا> (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله <بل لم نکن ندعوا...> می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد; زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

امتحان حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در

روی گردانی از ایمان و هدایت

و أملی لهم

مفاد <أملی> ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

امکانات دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه . .. متع إلی حین

انتقام از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۲،۴

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نرینّک الذی وعدنهم

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک . .. فإنّا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است; ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

انذار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، انذاری به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا . .. إلاّ بالحقّ ... و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عمّا اُنذروا. ..>، انذار صریحی در این آیه و آیه قبل

نیامده است، احتمال می رود که نفس تذّکر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ تعهّدی در برابر ارزش ها ندارند.

انذار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷- بیم دادن انسان ها از حق ناپذیری ، تنها هدف خداوند از فرستادن معجزات

و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۰،۱۱

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون>، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۱

۱ - هشدار شعیب (ع) به مردم حق ناپذیر < اَیکه > ، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربّی أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۸

۸ - انذارگری و هشداردهی ، موضع پیامبر (ص) در برابر گمراهان حق ناپذیر

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۳

۳ - تکلیف مؤمنان و مبلغان دینی ، در برابر انسان های لجوج و حق ناپذیر ، تنها انذار و هشدار است .

إن أنت إلاّ نذیر

ایمان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کأنما یصعد فی السماء

بی ارزشی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۵

۵ انسانهایی که حقایق دینی را نپذیرند ، فاقد ارزش انسانی هستند .

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳ - کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این که خداوند به پیامبر(ص) توصیه می کند که بر بدبختی کافران غم و اندوه بر خود راه ندهد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماردلی مشارالیه <أولئک. ..> قرار گرفته انـد به ظاهر گوش و چشم دارنـد اما خداونـد در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

بی استعدادی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صـلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

بی تأثیری انذار بر حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

بی منطقی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۷

۷ - دشمنان دیانت و ستیزه جویان با آیات الهی ، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت اللّه بغیر سلطن أتیهم

برداشت یادشده بر این اساس است که <بغیر سلطان . ..> قید توضیحی باشد; یعنی، همواره چنین است که مجادله گران با آیات الهی، بدون حجت و برهان به مجادله می پردازند.

بی مهری با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۳

۳- برای کسانی که حق گریز و هدایت ناپذیرند ، نباید دل سوزاند و سرمایه گذاری کرد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

تحقیر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونی و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی

اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

تداوم عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ترک مجادله با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

تفاوت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۶

۶ - حق ناپذیران ، گونه ها و رتبه های متفاوت دارند . *

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ. .. و ما أنت بهد العمی

ذکر صفات <موتی>، <صمّ>، <عمی> برای حق ناپذیران، احتمال دارد به خاطر وجود حقیقت خارجی آنان باشد که دارای تفاوت هایی نیز هستند.

تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شـده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسـران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به

جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ - لهوگرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. ولّی مستکبرًا ...فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلداری خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

ألیس اللّه بعزیز ذی انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۲

۲ - هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبراسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

تهمتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

حتمیت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۲

۲ - عذاب مردم حق ناپذیر و لجوج ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

أفمن حقّ علیه کلمه العذاب أفأنت تنقذ من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

۸ - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم للّه العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حتمیت کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . .. إلاّ أن تأتيهم سنّه الأوّلين

اضافه <سنه> به <الأولين> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

حشراخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ پیمان شکنان ، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لایرقبوا فیکم . .. ذمه ... و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۱

۲۱- برخی از مردمان ، آن چنان حق ناپذیرند که هیچ سخن حقی - هر چند کلام خدا باشد - در آنان کارساز نیست .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱

۱ - برخی از مردم اصلاً ، روحیه حق پذیری ندارند و در صورت تلاوت آیات الهی بر آنان ، مستکبرانه از آن روی برمی گردانند .

و من الناس . .. و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی مستکبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلی الذین یجدلون فی ءایت اللّه أنّی یصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۴

۴ - وجود انسان هایی حق ناپذیر در جامعه ، به رغم شناخت نشانه های درستی آن

إنّه کان لأیتنا عنیدًا

<عنید> و <عنود> به کسی گفته می شود که حق را شناخته است; ولی عمداً و آگاهانه با آن مخالفت میورزد.

حق ناپذیران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۷

۷ - وجود افرادی لجوج و حق ناپذیر در میان اهل کتاب که سخن ملاطفت آمیز با آنها ، بی فایده است .

و لاتجدلوا أهل الکتب إلّا بالتی هی أحسن إلّا الذین ظلموا منهم

مراد از <ظلموا> به قرینه سیاق، کسانی اند که در حق ناپذیری، لجاجت به خرج می دهند و سخن نرم و آرام را، حمل بر ضعف می کنند.

حق ناپذیران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های

گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری برخی از انسان ها در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه فوق بـدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکارناپـذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۶

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

دشمنی با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

- ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

دشمنی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است; ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبّر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبراسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

دعوت از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشيطن يدعوهم إلى عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج -

۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولّی

روش اصلاح حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق ، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت . .. و إنی لأظنّک یفرعون مثبورًا

ذکر <إنی لأظنّک یافرعون مثبوراً> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شدن از در تهدید برای اصلاح باشد.

روش برخورد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۷

۷ لزوم پرهیز از بحثها و مجادله های بی ثمر با کسانی که در جستجوی حقیقت نیستند.

الذین یخوضون . .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

روش برخورد حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبی الظلمون إلاّ کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶ - جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه

مستمر اهل باطل

فلمّا جاءهم بایتنا إذا هم منها یضحکون

زمینه علم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

زمینه گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمینه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم علیه بفتنین . إلّا من هو صال الجحیم

زیانکاری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لمّا رأوا بأسنا . .. و خسر هنالک الکفرون

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز

، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبّرون القرءان

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبّرون القرءان أم علی قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونی و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۱

۱ - روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولّی

سرگردانی اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۵

۵- حق ناپذیران ، در صحنه آخرت متحیر و سرگردان می شوند .

و

من کان فی هذه أعمی . .. أضلّ سبیلاً

سطحی نگری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبیّ . .. فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حقْ ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا ... فی ءاذانهم وقرًا

شکست حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن

أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

شگفتی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل کیف قدّر

<کیف>، در این آیه برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثمّ قتل کیف قدّر

شگفتی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

ضیق صدر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم

پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هـذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشـته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شـرح صدر و ضیق صدر و ... است.

طغیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

۱۹- حق ناپـذیران مکه در برابر انـذار و بیم خداونـد ، نه تنها تسـلیم نشدنـد ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

ظلم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۱۱

۱۱– تنها شیوه حق ناپذیران ستم

پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبی الظلمون إلاّ کفورًا

عبرت از کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عجز حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

عذاب اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

عذاب استیصال حق

ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۵

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر ، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصیبهم مصیبه

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر

و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۴

۴ - عده ای از مردم آن چنان لجوج و حق ناپذیراند که تنها با مشاهده عذاب الهی راه درست را می پیمایند .

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیز و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گریز به بزرگ ترین عذاب های الهی است .

العذاب الأکبر

به قرینه آیه بعد، مراد از <العذاب الأکبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عصیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹

۱۹- حق ناپـذیران مکه در برابر انـذار و بیم خداونـد ، نه تنها تسـلیم نشدنـد ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و

ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

عوامل زیان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

فرجام حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه . .. متع إلی حین

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم

بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

فلسفه مهلت به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإمّا نذهبنّ بک . .. فإنّا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است; ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

کری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنـان که حقـایق دینی را ناشـنیده گیرنـد ، کرنـد و آنـان که حقایق دینی را بازگو نکننـد ، لالنـد و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فـاء> در <فإنّک> فصـیحه است و بر کلام مقـدری دلالت می کنـد که می توانـد چنین باشـد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظـاهراً تـذلیلی برای تمـامی آیه است. یعنی هم پاسـخ دهنـدگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره

ضیقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

- ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که

عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . .. هذا صرط ربک مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توانِ بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

لجاجت

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۵

۵ - برخی از مردم ، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزاند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست .

أفأنت تنقذ من فی النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که

هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون

رسول اللّه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ; و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

وصف <کفّار> و <عنید> مشعر به علیت است; یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق; گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

محرومیت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل

مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱

۱ - معاندانِ حق گریز ، از هدایت و ارشاد پیامبر (ص) تأثیرناپذیرند .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

<إذا ولّوا> (آنان، آنگاه که روی برمی گردانند) قرینه است بر این که مراد از <الموتی> کسانی اند که از حق گریزان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً. .. فهم مقمحون

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان و کافرانِ لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد بصیرت و بینایی

فأغشینهم فهم لایبصرون

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است; یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به شکوه پیامبر (ص) از قوم حق ناپذیر خویش

و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

<قیل>، مصدر برای <قال> و عطف بر <الساعه> است; یعنی، <و عنده علم قیله>.

مردگی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فاء> در <فإنّک> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

معجزه برای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل . .. و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

عبارت <و ما نرسل بالأیات إلاّ تخویفاً>(ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند

از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی امتها آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

موضعگیری علیه حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۶

۶ - لزوم موضع گرفتن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمنان دیانت و ستیزه جویان حق ناپذیر

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. کبر مقتًا ... عند الذین ءامنوا

نفرین بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۸ – ۱۷

۱۷ – مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ; بلکه باید برای

دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنانِ اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

ربّ اغفر لی . .. و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نقش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۸

۱۸- سرسختی برخی از افراد در برابر حق ، نباید مایه دل سردی و نگرانی پیشوایان و مبلّغان دین گردد .

و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذًا أبدًا

وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر

مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۷،۸

۷ ارشاد مردمی که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، عملی بی نتیجه است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۸ هیچ کس حتی پیامبر (ص) ، نمی تواند مردمی را که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، ارشاد کند .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

هدایت ناپذیری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ -

۵ – ۵۳

۵ – بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

هشدار به حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۲

۲– کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

هشدار به حق ناپذیران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۷ – ۳

۳– تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشداری به مکیان حق ناپذیر

و لقد أهلکنا ما حولکم من القری

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

هلاکت حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۱ – ۵

۵ – تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت

و نابودی اند .

إنّه فکّر و قدّر . فقتل کیف قدّر

یأس از هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

حق ناپذیران مکّه

بی تأثیری انذار بر حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلّا طغیًا کبیرًا

طغیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

۱۹- حق ناپـذیران مکه در برابر انـذار و بیم خداونـد ، نه تنها تسـلیم نشدنـد ; بلکه جز سرکشـی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که

مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا کبیرًا

عصیان حق ناپذیران مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ; بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوّفهم فما یزیدهم إلاّ طغیًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

حق ناپذیری

آثار اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - استفاده از آیه های خدا ، برای رهیافت به خداشناسی ، منوط به حفظ بی طرفی و دست کشیدن از دغلکاری و حق ناپذیری است .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختّار کفور

آثار اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، درپی دارنده عذاب آتش دوزخ

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

آثار حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الـذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لا یؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جلمه <هم لا یؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند

که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵،۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالـذین> برای تفریع است و دلالت می کنـد که توحیـد اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورنـد) حکایت از حق ناپـذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون . .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل ، گردن فرازی و حق ناپذیری ، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . ..

و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الـذین کفروا . .. > بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۷،۸

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

۸ حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

کما لم یؤمنوا به أول مره و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۶،۱۲

۶ ضیق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقا حرجا

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: <الحرج أضیق الضیق>.

۱۲ ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله . .. کذلک یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۷،۱۹

۱۷ پیمان شکنی ، کرداری برخاسته از روحیه فسق

و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه . .. و أکثرهم فسقون

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً . .. و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقانیّت قرآن

ذلک من أنباء الغیب . .. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقانیّت قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و

فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می توانـد لجاجت و روح حق ناپـذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشـد. با توجه به این نکته، تنفر مشـرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱،۳

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ; بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۱۰۱ - ۴

۴- کفر و حق ناپذیری ، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است .

عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعًا

مفاد <کانوا لایستطیعون. ..> ماضی استمراری است; یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسّی آن مراد نیست، بلکه بیانِ این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ; نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أُنذرکم بالوحی و لایسمع الصمّ الدعاء إذا ماینذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق ، مصداق بارز ظلم است .

أبصر الذین کفروا . .. بل کنّا ظلمین

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر کافری در حقیقت ظالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۳

۳ - حق ناپذیری ، تعصب و جمود بر فرقه گرایی ، گردابی است هلاکت بار .

فتقطّعوا أمرهم بینهم . .. فذرهم فی غمرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۳

۳ - عوامل انحراف و حق ناپذیری

، سبب مخفی بودن روشن ترین حقایق (یگانگی خدا) بر گمراهان در دنیا

تاللّه إن کنّا لفی ضلل مبین

با این که پوچی شرک و یگانگی خدا، امری روشن است; مشرکان، تنها پس از گرفتار شدن به آتش دوزخ، وضوح آن را درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ - روحیه عناد و حق ناپذیری ، مانع از درک صحیح حقایق و تصمیم گیری به موقع

فعقروها فأصبحوا ندمین

ثمودیان تا قبل از کشتن ناقه، به امکان نزول عذاب نیندیشیدند; چرا که کفر و عنادشان مانع از درک این حقیقت بود; ولی به مجرد کشتن ناقه و مشاهده نشانه های عذاب، آثار پشیمانی آنان را فرا گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از احراز تأثیرناپذیری آنان در قبال حق

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است; پس بیش از این تلاش مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهرهوری انسان از آیات الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار

و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷ - عناد و حق گریزی موجب محرومیّت انسان از هدایت الهی است .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

۱۰ - هدایت نشدن برخی انسان ها ، معلول هدایت ناپذیری خود آنان است و نه نارسایی مفاهیم دینی و یا نارسایی تبلیغی .

فإنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۵

۵ - تعلّق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از انسان ها ، ناشی از روحیه حق ناپذیر آنها است .

و لو شئنا لأتینا کلّ نفس هدیها . .. إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بها خرّو

احتمال دارد که این آیه درصدد تبیین آیه <و لو شئنا. ..> باشد; یعنی، فلسفه عدم شمول هدایت خداوند به همه انسان ها در این جا بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۲

۲ - تکذیب پیامبران از سوی ملت های گذشته ، ناشی از روحیه حق ناپذیری آنان بوده است .

و کذّب الذین من قبلهم . .. فکذّبوا رسلی

تکرار ماده <کذب> (کذّب و کذّبوا) ممکن است به خاطر این باشد که <کذّب> برای تکثیر و <کذّبوا> برای تعدیه است. بنابراین استفاده می شود که آنان تکذیب پیامبران را دنبال کردند و همواره در پی آن بودند، تا حدی که جزء اخلاقیاتشان شد و از آن پس، براساس این خصلت، هر پیامبری را انکار

می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً ... فهم مقمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و بینایی

فهم لایؤمنون . .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذار ها و اخطار های پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۳

۳ - انکار لجوجانه معاد و روح حق ناپذیر ، موجب خواری و ذلت آدمی در قیامت است .

و أنتم دخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳ - روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کژی منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۲

۲ - شرک به خدا ، تکذیب رسالت پیامبران و استکبار در برابر حق ، موجب عذاب دردناک اخروی

و إذا قیل لهم لا إله إلاّ اللّه یستکبرون . .. إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۲

۲ - کفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی

ما یجدل فی ءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی

و فرستادگان الهی ، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است .

ألم تر إلی الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جمله <الـذین کـذّبوا بالکتاب . ..> بـدل برای <الذین یجادلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنّکم مکثون . .. أکثرکم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیـانگر این نکته است که کـافران، علاـوه بر سـست اندیشـی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبسـتگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی مردمان و حق ناپذیری ایشان ، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنّهم کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۲،۱۴

۱۲- روحیه

حق ناپذیری ، مانع بهرهوری صحیح انسان از ابزار شناخت

فما أغنی عنهم سمعهم . .. إذ کانوا یجحدون بایت اللّه

<إذ. ..> در عین حالی که ظرف <ما أغنی...> است، بیانگر علت نیز هست و تعبیر <کانوا یجحدون> رساننده استمرار است که در پرتو آن، افعال تبدیل به خصلت و روحیه می شود.

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ کانوا یجحدون بایت اللّه و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

<کانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءایت للموقنین . ..أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توبیخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۴،۵

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

۵ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۲

۲ - کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۲

۲ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب عذاب سخت و طاقت فرسا

سأُرهقه صعودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکّر . .. إلاّ من تولّی و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثمّ یطمع أن أزید . کلاّ إنّه کان لأیتنا عنیدًا

جمله <إنّه کان لآیاتنا عنیداً> تعلیل برای ردع (کلاّ) است; یعنی، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد); چون او نسبت به آیات ما عناد دارد.

آثار حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار حق ناپذیری امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۳،۴

۳- دشمنی با حق و سرسختی در برابر آن ، مایه هلاکت بسیاری از جوامع و تمدن های پیشین

و تنذر به قومًا لدًّا . و کم أهلکنا قبلهم من قرن

وصف <لـدّاً> بر شدت سرسختی و خصومت دلالت دارد، بیان هلاکت جوامع به دنبال مطرح ساختن سرسختی مردم عصر بعثت، نشان از تأثیر بسزای این خصلت در نابودی اقوام پیشین دارد.

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

آثار حق ناپذیری قوم

ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۳

۳ - قوم ثمود ، گرفتار عذاب الهی ، در پی درس نگرفتن از انذار های مکرر پیامبر خویش

کذّبت ثمود بالنّذر . .. فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق ثمودیان، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم . .. معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۲

۲ - رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی درآنان

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریع، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتّب و نتیجه است; یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

آثار حق ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین. ..> برای اضراب انتقالی است; بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۵

۵– عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد

ءاتینا موسی . .. فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا لولا أن صبرنا علیها

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . .. فأغوینکم

برداشت یاد شده از آن جا

است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قوما طاغین> باشد; یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما بپردازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۷

۷ - دلجویی خداوند از پیامبراکرم (ص) ، در قبال حق ناپذیری مشرکان

فاصفح عنهم . .. فسوف یعلمون

آثار حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه ، فلسفه و دلیل ردّ شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (ص)

فلیأتنا بایه . .. أفهم یؤمنون

اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن باوجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است .

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

اقرار به حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیـامبر (ص) ، مـأمور اقرار گرفتن از بنی اسـرائیل نسـبت به حـق ناپـذیری فرعـون و پیروان او ، علی رغم اعطـای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

اقرار به حق ناپذیری فرعونیان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت فسئل بنی إسرءیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸- پیامبر (ص) ، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

و لاتحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

و لاتحزن علیهم

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءکم یوسف من قبل . .. فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به حتّی إذا هلک قلتم لن یبع

حق ناپذیری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۸

۸ - اعیان و اشراف هر

جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلی فرعون و ملإیه . .. إذا هم منها یضحکون

حق ناپذیری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق ناپذیری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذین کفروا

حق ناپذیری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱

۱ - موضع گیری خصمانه مردم اَیکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسحّرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنّما> از

ادوات قصر است; بنابراین جمله <إنّما أنت من المسحّرین> به تقدیر <ما أنت إلاّ من المسحّرین> می باشد. <مسحّر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

حق ناپذیری اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم پیامبران

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده و کفرنا بما کنّا به مشرکین

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن ، جز به خاطر حق گریزی نیست .

و لقد صرّفنا . .. فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم < ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به

<اصحاب الأیکه> برمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین . و لقد أرسلنا فیهم منذرین

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای حقیقت یاد شده است.

حق ناپذیری اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۱،۱۴

۱۱- بیشتر مشرکان صدراسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ

۱۴- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ

واژه <أکثر> افعل التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد نه قلیل و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است; یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند; ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به عادیان بازمی

گردد; اما در عین حال به شرک پیشگان صدراسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به ثمودیان بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در<أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد; اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

حق ناپذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۶

۶ اختلاف انسان ها در دین و پرهیز آنان از پذیرش حق ، خارج از مشیت خداوند نیست .

و لو شاء ربک لجعل الناس أُمه وحده و لایزالون مختلفین

حق ناپذیری اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث

فرستاده شدن دو پیامبر در یک زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

حق ناپذیری اهل کتاب

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

حق ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ; نه حقیقت طلب .

لن نبرح . .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

حق ناپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .

.. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم . .. تکذّبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

یودّ المجرم . .. تدعوا من أدبر و

تولّی

حق ناپذیری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

حق ناپذیری علمای یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹،۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <و قد کان . ..> و یا عطف بر جمله <یسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذین حمّلوا التوریه ثمّ لم یحملوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

حق ناپذیری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۶

۱۶ حق ناپذیری فاسقان مجوّز ترک نهی از منکر نیست .

لم تعظون قوماً اللّه مهلكهم . .. قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

موعظه گران یهود دو دلیل برای نهی از منکر اقامه کردند: داشتن عذر در پیشگاه خدا (معذره إلی ربکم)، احتمال تأثیر (لعلهم یتقون). مقتضای سخن آنان

این است که نبود احتمال تأثیر نمی تواند مجوّز ترک نهی از منکر باشد و عذر پذیرفته شده ای نخواهد بود.

حق ناپذیری فاقدان استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۶

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم . .. .> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو أسمعهم ... > چنین معنا می شود: <و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ... > یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ... .

حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین

كذّبوا بأيتنا فدمّرنهم تدميرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پيروزى موسى (ع) بر ساحران ، بى تأثير در روحيه حق ناپذير فرعون

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنّه لكبيركم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - نصيحت ها و هشدار هاى مؤمن آل فرعون ، نسبت به قتل موسى (ع) ، در فرعون بى تأثير بود .

أتقتلون رجلاً . .. قال فرعون ما أريكم إلاّ ما أرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۹ - ۷

۷ - سعى فرعون ، در موجّه جلوه دادن حق ناپذيرى خود

فتولّى . .. و قال سحر أو مجنون

نسبت دادن سحر و جنون از سوى فرعون به موسى(ع)، به رغم روشنى دلايل رسالت آن حضرت، نشانگر تلاشى است كه او براى سرپوش گذاشتن بر حق ناپذيرى خود به كار بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۴۰ - ۷

۷ - فرجام حق ناپذيرى فرعون ، فرجامى ملامت بار

فنبذنهم فى اليمّ و هو مليم

<مليم> بر كسى اطلاق مى شود، كه سزاوار سرزنش باشد.

حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم

تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری خصمانه فرعونیان در برابر آیات (معجزات) روشن الهی

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۳

۳ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از تأثیرناپذیری مردم از خیرخواهی ها و فراخوانی های او

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷ - فرعونیان در عصر موسی (ع) ، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أنّ المسرفین هم أصحب النار

از مصداق های بارز <مسرفان>، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۳

۳ - هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قومش تأثیر نگذاشت .

فستذکرون ما أقول لکم

حق ناپذیری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۳

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ،

مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود; چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . .. و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۶

۶ - ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بئایه إن کنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لاتمسّوها بسوء... فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۶

۶ - بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲ - قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علينا . .. من الوعظين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۸

۸ - بیشتر عادیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أَوَلم یروا . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار کردن چیزی است که حقانیت آن برای منکر روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمی جهالت پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ کانوا یجحدون بایت اللّه و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

<کانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

حق ناپذیری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا . .. لتکوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدار ها و هدایت گری های او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا

ءال لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذار ها ; بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم . .. فتماروا بالنّذر

حق ناپذیری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءی إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۵،۹

۵ - قوم نوح ، مردمی حرف ناشنوا و حق ناپذیر

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استغشوا ثیابهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <و إنّی کلّما دعوتم. ..> تفسیر و تبیین برای <فرار> است و تعبیر <انگشت ها در گوش کردن و جامه بر سر نهادن>، می تواند کنایه از حرف ناشنوی و حق ناپذیری باشد.

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۳

۳ - قوم نوح ، مردمی عصیانگر و حق ناپذیر

قال نوح ربّ إنّهم عصونی

برداشت یاد

شده، با توجه به این نکته است که شکوائیه نوح(ع) از عصیان قوم خود، پس از دعوت و موعظه طولانی آنان بوده است.

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حقْ گریزیِ کافران و منکرانِ الهی ، در حیطه قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه

تأکید خداوند به وسیله <إنّا جعلنا. ..> بر حاکمیّت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفرِ کافران و منکرانِ آیات الهی، از قلمروِ قدرتِ الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد; زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۹

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران ، بر پایه باطل و منافع آنان ، ناسازگار با پذیرش حق

حتّى اذا

أخذنا مترفيهم . .. و أكثرهم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پيامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر كارشكنی ها و حق ناپذيری كافران و مشركان

و جعلنا بعضكم لبعض فتنه أتصبرون و كان ربّك بصيرًا

يادآوری خداوند به بصيرت و بينايی خود، به پيامبر(ص) پس از ياد كردن از مشركان و آزمايش شدن آنان، می تواندبرای دلجويی از پيامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پيامبر (ص) از حق ناپذيری كافران ، اندوهگين بود .

و من كفر فلايحزنك كفره

توصيه خداوند به پيامبر(ص) برای پرهيز از اندوه درباره كفر كافران، اين نكته را می رساند كه آن حضرت، در قبال كفر آنان، اندوهناك بوده است.

۳ - دلداری خداوند ، پيامبر (ص) را در برابر حق ناپذيری كافران

و من كفر فلايحزنك كفره إلينا مرجعهم

جمله <إلينا مرجعهم. ..> به منزله تهديد است. چنين تهديد و هشداری، می تواند به منظور دلداری به پيامبر(ص) بيان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذير و نرم دل با كافر حق ناپذير و سنگدل ، از نظر شخصيت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف

می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مایجدل فیءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أنّی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد; تعبیر <و قد جائهم. ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود; یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان

راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی ... و سیحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب ، حق ناپذیری و عناد کافران

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

۵ - دلایل حسّی نیز همانند برهان های عقلی ، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند; که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن کان ذا مال و بنین

تردیـدی نیست که اجـابت خواسـته هـای کـافران و یـا سـازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسـلامی، به جهت طمع شخصـی نیست; بلکه برای در اختیـار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صـرف آنها در جهت مصالـح و منافع مسـلمین است; ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و

یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

حق ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد; اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلاّ کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

۲

- کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوُّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند; چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم>.

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سکّرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

حق ناپذیری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری

تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد; یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم; ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

کذلک سلکنه . .. لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الألیم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا یستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیایند .

فارجعنا نعمل صلحًا . .. إنّما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذکّروا بهاخرّوا سجّدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود>.

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیرناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه . .. قال هذه ناقه ... فعقروها

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء . .. طبع اللّه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

حق ناپذیری مترفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لكنّ أكثركم للحقّ كرهون

حق ناپذیری مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۵

۵ - مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إنّه كان لأيتنا عنيدًا

حق ناپذیری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصفّت صفًّا . .. إنّ إلهکم لوحد

برداشت یاد شـده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أکثرهم . .. و قالوا ... فاعمل إنّنا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (<أکنّه>، <وقر> و <حجاب>) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

حق ناپذیری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انسان های مستکبر و حق ستیز ، تأثیرناپذیر از آیات اعجازی و کیفری

فلمّا جاءهم بایتنا إذا هم منها یضحکون .

و ما نریهم من ءایه ... و أخذنهم بالعذ

حق ناپذیری مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زیّن للمسرفین ما کانوا یعملون

حق ناپذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - قابلیت نداشتن جامعه عصر عیسی (ع) ، برای دریافت و پذیرش تمامی حقایق *

و لأُبیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه

این سخن حضرت عیسی(ع) که: <من آمده ام تا برخی از اختلافات شما را بیان کنم>، می تواند نشانگر عدم قابلیت آنان برای دریافت تمامی حقایق باشد، زیرا محدودیتی از ناحیه خود حضرتش نمی توان فرض کرد.

حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ –

۱۱۰ - ۳

۳ یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و نقلب . .. کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواندبرای دلجویی از پیامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن نشانه های توحید در نظام شب و روز

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم النهار سرمدًا إلی یوم القیمه . .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۶

۶ - حق ناپذیری مشرکان ، پس از اقامه دلیل های گوناگون برای آنان ، عامل منفورشدن شان در پیشگاه خداوند است .

هل لکم من ما ملکت . .. بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم

التفات از خطاب <هل لکم من ما ملکت. ..> به غیبت <اتّبع الذین...> می تواند گویای این حقیقت باشد که آنان، به دلیل تداوم عقیده شرک، از مخاطب خدا شدن محروم شدند. این، نشانه منفور شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱،۳

۱ - تعجب پیامبر (

ص) از مواضع انکارآمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند ; علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر(ص) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

۳ - مشرکان به رغم مشاهده عظمت آفرینش و آیات الهی در طبیعت تعالیم قرآن (معاد و احیای مجدد انسان ها و توحید ربوبی و . . .) را به تمسخر می گرفتند .

إنّ إلهکم لوحد . .. فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجبت و یسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۴

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا یوم الفصل الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۱

۱ - سرزنش شدن مشرکان ، به سبب بیدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقایق الهی

أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

جمله <أنت تحکم. ..> برای انشای دعا است که در قالب جمله خبری آمده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱

۱ - توطئه های پی درپی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمرًا

<إبرام> (مصدر <أبرموا>) در اصل به معنای تابیدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه بعد تصمیم جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مشرکان ، گرفتار هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، به رغم تجلی انوار هدایت الهی در حق ایشان

إن يتّبعون إلاّ الظنّ و ما تهوى الأنفس و لقد جاءهم من ربّهم الهدى

حق ناپذیری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا . .. فليأتنا بايه كما أُرسل الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۴

۴ - عدم تأثیر دعوت پیامبر (ص) بر مشرکان متعصب و متحجر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم نوح بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أمّن خلق السموت . .. أءله مع اللّه بل هم قوم یعدلون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان نخستین آیه، مشرکان مکه بوده اند. گفتنی است که واژه <عدول> (مصدر <یعدلون>) به معنای میل و انحراف است; یعنی، <بل هم قوم عادتهم العدول عن طریق الحق و الإنحراف عنها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - مشرکان بهانه جو و حق گریز صدر اسلام ، عناصری مرفه و برخوردار از موهبت های دنیوی

و قالوا إن نتّبع الهدی معک . .. کمن متّعنه متع الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذکّروا لا یذکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴ – ۱،۲

۱ – مشرکان صدر اسلام ، هر معجزه ملموس و روشنی را به شدّت مورد استهزا قرار

داده و ایمان نمی آوردند .

و إذا رأوا ءایه یستسخرون

مقصود از <ءایه> معجزه است و متهم کردن آن به سحر از سوی مشرکان (در آیه بعد) مؤید همین مطلب است. گفتنی است <یستسخرون> به معنای <یسخرون> است و آمدن آن با <سین> و <تا> برای مبالغه می باشد.

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا ءایه یستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲،۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

حق ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ مشرکان مکّه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن کاد لیضلّنا عن ءالهتنا . .. و سوف یعلمون حین یرون العذاب من أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت

- ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الظلمون

<جحود> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب). <جحود> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۷

۷ - تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (ص)

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قالوا ما هذا إلاّ رجل. .. و کذّب الذین من قبلهم

حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۶،۷،۱۵

۶ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: ۱ به خاطر لجالت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۷ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم

صحیح آن

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

حق ناپذیری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون

خداونـد با تعبیر <فبأیّ حدیث. ..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضـی به کافران نیز

دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست; بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۷

۷ - تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص)

، در برابر حق ناپذیری منکران معاد

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و تری کلّ أمّه جاثیه

حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۴

۴ - خداوند با سلب درک و فهم از برخی منافقان ، آنان را حق ناپذیر کرده و برخی دیگر را برای انتخاب هدایت ، مهلت می دهد .

و لو شاء اللّه لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

یأیها الرسول لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان

رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپـذیر ، آن قدر بی ارزشـند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۸

۸ منافق ، دارای خصلت حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۶،۷،۹

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سوره . .. ثم انصرفوا

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف اللّه قلوبهم

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثمّ أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

حق ناپذیری همگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناپذیری هواپرستان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن . ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

یأیها الرسول لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس

عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . .. و انهم لایستکبرون

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملأ الذین استکبروا من قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

دلایل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . .. کلّا إنّها کلمه هو قائلها

زمینه اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قل کفی بالله شهیدًا . .. إنه کان بعباده خبیرًا بصیرًا

اینکه

خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام حجت کرده و آنگاه فرموده است: <او بر حال بندگان آگاه و بیناست> می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

زمینه حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶ - امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۹

۹ - اشرافیت ، زمینه حق ناپذیری و استکبار در برابر پیامبران

إلی فرعون و ملإیه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۲۳ – ۵۵ – ۴

۴ – برخورداری از امکانات مادی فراوان ، زمینه ساز خودپسندی و حق گریزی است .

کلّ حزب بما لدیهم فرحون . .. أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین

ذکر مال و فرزند، می تواند بدان جهت باشد که این دو، در پیدایش فرقه گرایی و حق ناپذیری مؤثر بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۶ – ۲

۲ – روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلاّکانوا عنه معرضین . فقد کذّبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذّبوا. ..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۰۰ – ۲

۲ – جرم و گناه ، زمینه ساز حق ناپذیری

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۳ – ۳

۳ – روحیه فسق و تجاوزگری ، زمینه ساز مقاومت انسان در برابر آیات روشن الهی و حقایق آشکار

إنّهم کانوا قومًا فسقین . فلمّا جاءتهم ءایتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۷

۷ - دلبستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نتّبع الهدی معک

نتخطّف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۳

۳ - برخورداری از ثروت و رفاه ، موجب پیدایش خصلت حق ناپذیری است .

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۹

۹ - تکبر و خودبرتربینی ، زمینه حق گریزی و صفتی بس زشت و ناپسند

إلاّ إبلیس استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذّبوا بالکتب . .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک الذین لعنهم اللّه فأصمّهم و أعمی أبص

هر چند

فعل های <أصمّ> و <أعمی> به خداوند نسبت داده شده، امااین مستلزم جبر نیست; زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود; بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المکذّبین أُولی النعمه

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط . ..قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه حق ناپذیری مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط . ..قیل ادخلا النار مع

الدخلین

زیان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کار ها است .

و أرادوا به کیدًا فجعلنهم الأخسرین

ظلم حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شرک ، حق ناپذیری و تکذیب پیامبران ، ظلمی است هلاکت بار .

فقال الملؤا الذین کفروا . .. و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنّهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلمّا جاءهم الحقّ . .. قالوا سحران تظهرا ... إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

عوامل اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - تکبر و تجاوزگری ، موجب پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است .

من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت اللّه ... کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار> درصدد بیان علت اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

عوامل حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس -

۱۰ – ۷۵ – ۱۰

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . .. موسی و هرون إلی فرعون و ملإیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۷

۷– ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا . .. و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹ – ۹

۹– اسراف کاری ، زمینه ساز حق ناپذیری و مخالفت با پیامبران و از موجبات هلاکت و نابودی است .

و أهلکنا المسرفین

توصیف هلاک شدگان به <مسرفان>، می تواند مشعر به علیت و تأثیر این وصف در هلاکت آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۴ – ۱۳

۱۳– جهل و ناآگاهی ، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أکثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۹

۹- ستم پیشگی ، عامل اصلی

دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا بل کنّا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنّا. ..> اضراب ابطالی باشد; یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم; بلکه حقیقت این است که ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست; بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۳

۳ - پیروی از هوای نفس ، از عوامل انکار توحید و گریز از پذیرش حق است .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم . .. بل اتّبع الذین ظلموا أهواءهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأمّا عاد فاستکبروا فی الأرض . .. و کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فأهلکنا أشدّ منهم بطشًا

تذکر <فأهلکنا أشد. ..> در حقیقت هشدار به کسانی است که با احساس توانمندی، پنداشته اند که می توانند از مجازات حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

یسمع ءایت اللّه تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا کأن لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً کأن لم یسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر رد آیات روشن الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به

نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - روح استکبار و خودبرتربینی ، از عوامل حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی

و إنّی کلّما دعوتهم . .. و استکبروا استکبارًا

عوامل حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها. .. ظلمًا و علوًّا

عوامل حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۵

۵ - قدرت و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الأرض بغیر الحقّ و قالوا من أشدّ منّا قوّه

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<كذلك> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است; یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <يؤفكون> <إفك> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <يؤفكون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش

یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۳

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطّور . .. إنّ عذاب ... ما له من دافع

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد انکار یا غفلت باشد.

عوامل حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۳

۳ - کثرت مال و اولاد ، باعث ایجاد خصلت حق ناپذیری در مترفان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون . و قالو

عوامل حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

کیفر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۶

۶ – درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم . ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست; یعنی، بدان جهت خداوند

آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولّی

مبلغان و حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه . .. علیه

توکلت

محمد(ص) و حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱

۱ رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در اتکای آن حضرت بر خداوند یکتا و اندوهگین نبودن بر حق ناپذیری و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبی اللّه . .. علیه توکلت

منشأ حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلمّا جاءهم الحقّ . .. قالوا سحران تظهرا ... إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۶

۶ - خود برتربینی و بزرگ منشی ، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکفرین

<إستکبار> (مصدر <استکبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱

۱- روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إنّ الذين ارتدّوا على أدبرهم . .. الشيطن سوّل لهم

موانع حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۸

۸ - آگاهی و ایمان به علم همه جانبه خداوند ، به تمامی حقایق عالم و راز های دل آدم ، بازدارنده انسان از حق گریزی و ستم کاری

إنّ

اللّه علم غیب السموت . .. علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند در این آیه پس از نقل سرگذشت ستم کاران دوزخی و کافران حق ناپذیر در آیات پیشین می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۸

۸ - توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به تمامی رفتار ها و حرکت های پنهانی و آشکار انسان ها ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّا نعلم ما یسرّون و ما یعلنون

برداشت بالا- از این رو است که آیه شریفه در مقام تهدید به کافران و مشرکان حق ناپذیر است. بنابراین یادآوری آگاهی مطلق خداوند به رفتار نهان و آشکار انسان ها در شرایط تهدید، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

نشانه های حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳

۳ - نپذیرفتن معارف اسلام ، پس از آگاهی به آنها ، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است .

قولوا ءامنا باللّه . .. فإن ءامنوا ... و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکورزی ، نشانه کری و حق ناشنوایی است .

قل أرءیتم . .. أفلاتسمعون

نشانه های حق ناپذیری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر

بودن دهریون

و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه . .. و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا

نشانه های حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۲

۲ - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص) ، نمودی از حق گریزی آنان

أکثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمرًا

نگرانی از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا . .. و ما علی الرسول إلاّ البلغ المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گریزی کافران است.

نگرانی از حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إنّنا نخاف أن یفرط علینا أو أن یطغی

حق و باطل

{حق و باطل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۶

۶ قرآن ، جداکننده حق و باطل از یکدیگر ، در زمینه هدایت انسانها

هدی للنّاس و انزل الفرقان

به گفته مجمع البیان <الفرقان> یعنی چیزی که حق را از باطل متمایز نماید و <هدی للنّاس> قرینه حمل آن بر موارد هدایتی است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹،۱۲،۱۳،۱۹

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حقّ و باطل

ان یمسسکم قرح . .. و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا

در برداشت فوق، کلمه <تلک>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است ; نه خصوص پیروزی و یا شکست.

۱۲ گردش شکست و پیروزی بین جبهه حق و باطل ، عرصه و زمینه مناسبی برای ظهور ایمان مؤمنان

و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا

در برداشت فوق، <و لیعلم> به معنای <لیحقق> (تا به وجود آورد) گرفته شده است، چون علم خداوند به اشیا، همان تحقق اشیاست ; بنابراین علم خداوند به ایمان مؤمنان، تحقق ایمان آنان است. و چون فرض شده است که آنان ایمان دارند (امنوا، با صیغه ماضی)، مراد از تحقق ایمان ظهور آن خواهد بود.

۱۳ برگزیدن زبدگان امت از سوی خداوند ، از اهداف رخداد های رنج آور تاریخی در مبارزه حق و باطل

و تلک الایّام نداولها . .. و یتّخد منکم شهدآء

<شهداء> به معنی گواهان است و گواهان هر امت، زبدگان آنان هستند.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق،

متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۳

۳ رویارویی حقّ و باطل ، در طول تاریخ

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر

تبیین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

تشخیص حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸ - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا ، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می پنداشتند واین پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

تضاد حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۳

۳ – التزام به دو امر حق و باطل ، در یک زمان ، ممکن نیست .

و لاتطع الکفرین . .. و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک ... ما جعل اللّه لرجل من قلبی

احتمال دارد ذکر <ما جعل اللّه لرجل. ..>برای تبیین امر لزوم تبعیت از وحی و نهی از اطاعت از کافران و منافقان باشد; یعنی، آیه می

گوید تبعیت همزمان از تعالیم وحی و خواسته های کافران، قابل جمع نیست; چون انسان دارای دو قلب نیست که با یکی، این و با دیگری، آن را قبول کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - راه حق و باطل ، غیرقابل جمع باهم

و إنّا أو إیّاکم لعلی هدًی أو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۶

۶ - حق و باطل ، باهم قابل جمع نیستند .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

تمییز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۵

۵ - انسان ، موجودی انتخاب گر و توانا بر تشخیص حق از باطل و پیمودن راه آن

فمنکم کافر و منکم مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنّا سمعنا قرءانًا عجبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت

شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل است .

هذا یوم الفصل

<فصل>به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحیط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلایق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلایق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا یوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۲

۲ - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۱،۲،۴

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنّه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنّه> قرآن است. <فصل>; یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند:

مراد از ضمیر در <إنّه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . .. و الأرض ... إنّه لقول فصل

۴ - < [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] < إنّه لقول فصل > یعنی إنّ القرآن یفصل بین الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] <إنّه لقول فصل> [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۲

۲ - پرندگان حملهور به اصحاب فیل ، دارای شعور و قدرت تمییز بین نیرو های حق و باطل *

ترمیهم بحجاره من سجّیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرندگان است.

جدایی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۴

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان>; یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن اللّه سیبطله إن اللّه لایصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد .

الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه

دشمنی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

علی اللّه توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۷،۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

مبارزه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۳

۱۳ رویارویی و برخورد مداوم حقّ و باطل

و لتسمعنّ من الّذین اوتوا الکتب من قبلکم و من الّذین اشرکوا اذًی کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ درگیری حق و باطل در سراسر تاریخ انبیا جریان داشته است.

و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱،۴،۵

۱- در نزاع میان جبهه حق و

باطل ، پیروزی نهایی از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

۴- درگیری و ستیز مداوم حق و باطل در طول تاریخ

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

۵- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

<باء> در <بالحقّ> برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: <ما به کمک حق بر باطل می کوبیم و نابودش می سازیم>. این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده; بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۸

۸ - جامعه بشری ، از دیرباز عرصه درگیری حق و باطل بود .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - حق و باطل ، جریانی مستمر در تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

مبین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ خداوند بهترین جدا کننده حق از باطل است.

یقص الحق و هو خیر الفصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

مقایسه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء . .. و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

ممیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۲

۲- تورات ، جدا کننده حق از باطل

ءاتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاءً و ذکرًا

واژه <فرقان> به هر چیز جدا کننده حق از باطل اطلاق

می شود. توصیف کتاب آسمانی تورات به <فرقان> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقصُّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست; بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلمّا جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنّا أنزلنا إليك الكتب بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۵

۵ - برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السّماء رفعها و وضع الميزان

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <وضع الميزان> برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد نه آسمان ها ; آن گونه که در آیه ۲۵ سوره <حدید> آمده است (و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۲،۳

۲ - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

<فرق> به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و. ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

حقارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقارت

پیروان نوح(ع) و حقارت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع) ، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلاّ الذین هم أراذلنا بادی الرّأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی>ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد; یعنی ، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

حقارت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ; است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیماردلی آنان است.

حقارت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۲

۲ - ظالمان و منحرفان از حق ، مردمی حقیر و فاقد ارزش های انسانی در پیشگاه خداوند

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

<حطب>، به معنای چوب خشک و هیزم است. تشبیه ظالمان و منحرفان از حق به آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

حقارت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۱

۱ - فرعون و سپاهیان وی ، عناصری پست و حقیر در پیشگاه خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

در تعبیر آمده فرعون و سپاهیانش، به مشتی ریگ تشبیه شده اند که کسی آنها را از زمین برمی گیرد و در آب می اندازد. این تشبیه هم بیانگر حقارت و پستی آنان در پیشگاه الهی و هم نشان دهنده ناچیز بودن قدرت آنان در برابر عظمت قدرت الهی است. برداشت یاد شده بر پایه بیان نخست می باشد.

حقارت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۱

۱ - فرعون و سپاهیان وی ، عناصری پست و حقیر در پیشگاه خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیمّ

در تعبیر آمده فرعون و سپاهیانش، به مشتی ریگ تشبیه شده اند که کسی آنها را از زمین برمی گیرد و در آب می اندازد. این تشبیه هم بیانگر حقارت و پستی آنان در پیشگاه الهی و هم نشان دهنده ناچیز بودن قدرت آنان در برابر عظمت قدرت الهی است. برداشت یاد شده بر پایه بیان نخست می باشد.

حقارت منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۲

۲ - ظالمان و منحرفان از حق ، مردمی حقیر و فاقد ارزش های انسانی در پیشگاه خداوند

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

<حطب>، به معنای چوب خشک و هیزم است. تشبیه ظالمان و منحرفان از حق به آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع حقارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ آگاهی مؤمنان به ارزش ایمان ، مانع خودکم بینی

یا ایّها الّذین امنوا . .. و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

چون فرض شده که مخاطبین آیه مؤمن هستند و مؤمن برتر است و نباید در مقابل کافران احساس ضعف کند (و لا تهنوا . ..) ; بنابراین ضعف و اندوه مؤمنان، ناشی از غفلت آنان به ارزش ایمان خواهد بود.

حقانیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقانیت

{حقانیت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۲۲

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقّانیّت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه . .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۲ انکار حقانیّت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

آثار تذکر حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، انذاری به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا . .. إلّا بالحقّ ... و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عمّا اُنـذروا. ..>، انذار صـریحی در این آیه و آیه قبل نیامده است، احتمال می رود که نفس تذّکر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ

تعهّدی در برابر ارزش ها ندارند.

آثار حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۷

۷- حق بودن (هدفدار و حکیمانه بودن) نظام آفرینش ، مقتضی برپایی قیامت

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جمله <إن الساعه لأتیه> به منزله نتیجه استدلال به آیه <و ما خلقنا السموات . .. إلاّ بالحق> است; یعنی، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إلیه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

آثار حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالک الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱

۱ – اداره نظام عالَم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه ، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل . .. ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

آثار حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۵

۵- ارشاد و راهنمایی در پرتو قوانین حق ، دارای ثمربخشی *

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره

برداشت بالا بدان احتمال است که هدایت امری علاوه بر دین حق باشد; یعنی، هدایت، راهنمایی و ارشاد در کنار قوانین حق، مکمل یکدیگر بوده و آثار بایسته را در پی دارند.

آثار حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک . ..> می باشد.

آثار ذکر حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۴

۴ - توجّه به حقانیت قیامت ، زمینه ساز جهت دادن تلاش ها و حرکت ها به سوی خداوند

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه مابًا

<فاء> در <فمن شاء. ..> برای تفریع است. مفاد آیه شریفه این است که چون قیامت حق است، بنابراین باید مقصد را به گونه ای برگزید که به سوی خدا باشد.

آثار شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۴

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شک در

حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۴

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شک در حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع) و تردید در حقانیت آن

کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف مرتاب

ابزار تشخیص حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۵

۵ - عقل به تنهایی ، برای قضاوت در حقانیت تعالیم آسمانی و یا عدم آن ، کافی نیست .

و ما ءاتینهم من کتب یدرسونها

اثبات حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

ادعای حقانیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- طه - ۲۰ - ۶۴ - ۷

۷ - فرعونیان ، در سخنان و تبلیغات خویش ، سِحر برتر و بی رقیب را ، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می کردند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

بسیج ساحران برای ابطال ادعاهای موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

اطمینان به حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۶

۶ - اطمینان از حقانیت راه ، مقتضی اقدام و توکل بر خدا و نهراسیدن از مشکلات

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین

<إنّک. ..> در مقام تعلیل است; یعنی، چون تو بر حقی، پس بر خدا توکل کن و از توطئه های دشمنان نهراس.

اعلام حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام در دست داشتن دلایل و برهان های روشن بر بطلان عقیده شرک آلود و درستی آیین توحیدی

إنّی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه لمّا جاءنی البیّنت

اقرار به حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱ - عوام ، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام (ص) و انطباق نشانه های پیامبر موعود ، بر آن حضرت اعتراف

می کردند .

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

جمله <أتحدثونهم . ..; چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به

مسلمانان باز می گویید؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمنا> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمنا>; یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ < عن ابی جعفر (ع) فی قول اللّه < لیظهره علی الدین کله . . . > یکون ان لا یبقی أحد إلا أقرّ بمحمد (ص) ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدا <لیظهره علی الدین کله . .. > روایت شده: [زمانی] خواهد بود هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه به حضرت محمد (ص) اقرار می کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أکثرهم للحقّ کرهون

عبارت <أکثرهم للحقّ کارهون>; یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند; بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

اقرار به حقانیت تهدیدهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض

. .. أليس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

اقرار به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أکثرهم للحقّ کرهون

عبارت <أکثرهم للحقّ کارهون>; یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند; بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳ - اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا یتلی علیهم قالوا . .. إنّه الحقّ من ربّنا

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . .. إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اهل کتاب و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

اهمیت تدبر در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱ - لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ

ایمان به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک . ..> تک تک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ لزوم ایمان به قرآن ، الهی بودن و پیراستگی آن از هر گونه باطل

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند

، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ اللّه ما یلقی الشیطن . .. و لیعلم الذین أُوتوا العلم ... فتخبت له قلوبهم

ضمیر در <أنّه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبت>) مشتق از <خَبْت> است. <خَبْت> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>; یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ اللّه ما یلقی الشیطان...> است; یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارانند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

ایمان به حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۵

۵ - ساحران به جهت تخصص در سِحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سِحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

بی اعتنایی به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

بی اعتنایی به حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توبیخ مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

تبیین حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یأیها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

تکذیب حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

جهل به حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأُولی . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

از ارتباط میان <إنّ هؤلاء لیقولون> با <و لکنّ أکثرهم لایعلمون> استفاده می شود که انکار

معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلّا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلّا أنا> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان ، امری است بایسته ، به اندازه و به جا .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

<حقّ> کاری است که انجامش ضروری بوده و به اندازه لازم و در زمان خودش تحقق یابد (مفردات راغب) و باطل نقیض حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۳،۵

۳ - برابر انگاشتن مؤمن و کافر در پیشگاه خداوند ، پنداری مغایر با هدفمندی و حقانیت نظام جهان

أم حسب الذین اجترحوا

. .. و خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

خداونـد، هدفمنـدی و حقانیت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوی صالح و ناصالح در پیشـگاه داوری حق، یاد کرده و از یک مقوله و معنا دانسته است. بر این اساس آیه شریفه را می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

۵ – هدفمندی و حقانیت نظام جهان ، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق . .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون

در آیه شـریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عـدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته اسـتفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳ – ۳،۴،۹

۳- کتاب تشریع و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقـانیت آفرینش آسـمان و زمین و نظـام تکوین در پی بیـان نزول کتاب از سوی خداونـد عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتابِ تشریع با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

۴ – نزول کتاب آسمانی ، لازمه حقانیت آفرینش و عبث نبودن آن *

تنزیل الکتب . .. ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

از ارتباط <تنزیل الکتاب . ..> با <و ما خلقنا السماوات ...إلاّ بالحقّ>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

۹ – لازمه حقانیت آفرینش ، وجود معاد و عالمی دیگر

، غیر از جهان مادی دنیوی

خلقنا . .. إلاّ بالحقّ و أجل مسمًّی و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

چنانچه زندگی انسان، محدود به حیات دنیوی وی باشد، بسیاری از نابرابری ها و بی عدالتی ها جبران نشده و حق حاکم نمی گردد. از این بیان می توان استفاده کرد که لازمه حق بودن آفرینش، وجود جهان دیگری پس از این جهان است.

حقانیت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۲

۲ - آیات الهی ، حق و پیراسته از هرگونه باطل و بیهودگی

نتلوها علیک بالحقّ

برداشت بالا، بر این پایه است که <بالحقّ> حال برای مفعول <نتلو> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۴

۴- تأثیر آیات الهی در قلب ها ، نتیجه حقانیّت و روشنی آنها است ; نه معلول سحر بودن .

ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

حقانیت آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب أُحکمت ءایته

اِحکام (مصدر اُحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آیات قرآن ، منطبق با حقیقت و واقعیت هستی و به دور از

هرگونه کذب و افترا

تلک ءایت اللّه نتلوها علیک بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تلک>، اشاره به آیات قرآن باشد و <بالحقّ> حال برای مفعول <نتلو> و نیز <حقّ> به معنای مطابق با واقع باشد.

حقانیت آیات منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

حقانیت آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

حقانیت ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - بی پایه و اساس خواندن ادیان الهی ، سخنی برخاسته از جهل است .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

توصیف مشرکان به بی دانشی، پس از بیان ادعای آنان (بی اساس بودن دین یهود و نصارا) اشاره به این حقیقت دارد که: بی پایه شمردن ادیان الهی، ریشه در جهل و نادانی دارد.

۱۳ – تمامی ادیان آسمانی ، دارای اساسی استوار هستند .

و قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب کذلک قال الذین لایعلمون

حقانیت ادیان آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۳ – ۷

۷ – قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق

با واقع و حق و حقیقت

و الذی جاء بالصدق

حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ - حقانیت اسلام ، حتی در نظر یهودیان و مسیحیان امری روشن و تردیدناپذیر بود .

من بعد ما تبین لهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۲،۴

۲ - معارف و احکام ارائه شده به پیامبر (ص) ، سراسر حق است .

إنا أرسلنک بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <باء> در <بالحق> به معنای <مع> و حال برای ضمیر (ک) باشد. بر این مبنا مقصود از <الحق> احکام و معارفی است که پیامبر به ابلاغ آنها مأمور بود. بنابراین جمله <إنا أرسلناک بالحق>; یعنی، ای پیامبر! تو را همراه با احکام و معارفی که سراسر حق، است به سوی مردم فرستادیم.

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون. إنا أرسلنک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او

. .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ نگاه به دین اسلام با دیدی منطقی و عقلی ، مایه اطمینان به حقانیت ، شایستگی و بایستگی آن

اتخذوها هزواً و لعباً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۶

۶ شریعت اسلام ، تنها دین حق و مورد پذیرش خداوند

و لا یدینون دین الحق

مقصود از دین حق در <لایدینون دین الحق> دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۴،۵،۶

۴ اسلام ، تنها دین حق و مورد قبول خدا

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۵ آمدن پیامبر (ص) ، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست .

و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره . .. هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۶ حق ، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۲

۲- دین اسلام و راه پیامبر (ص) حق ، و هر جریانی به

جز آن باطل و نابود شونده است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

به دلیل مکی بودن سوره چنان که مفسّران نیز گفته اند احتمال دارد مراد از حق دین اسلام و شریعت محمدی و مراد از باطل عقاید موجود در آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۵

۵ - شریعت و راه و رسم پیامبر (ص) ، حقی آشکار و انکارناپذیر

إنّک علی الحقّ المبین

بر حق بودن حضرت رسول(ص) نظر به دو بعد دارد: حقانیت رسالت او و حقانیت راه او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - تنها دین اسلام از میان دیگر ادیان الهی ، حق بوده و سزاوار پیروی کردن است .

إنّا کنّا من قبله مسلمین

از این که پیروان ادیان الهی پیشین (اهل کتاب) با آمدن دین اسلام، این دین را حق دانستند و دست از دین گذشته خود برداشته و تسلیم دین اسلام گشتند; می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۲

۲ - آنچه پیامبر اسلام (ص) به عنوان دین به مردم ارائه فرموده ، صددرصد حق است .

بل جاء بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام

و قرآن است .

أم يقولون افترى على اللّه . .. و يمح اللّه البطل و يحقّ الحقّ بكلمته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۲

۱۲- حق و حقيقت ، منحصر در معارف نازل شده بر پيامبر (ص) است .

و هو الحقّ من ربّهم

از تقديم <هو> بر <الحقّ> انحصار و از الف و لام <الحقّ> استغراق و تماميت استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۳

۳- حق ، پايه و محور احكام و قوانين دين اسلام

أرسل رسوله بالهدى و دين الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۵

۲۵ - احكام اسلام ، داراى ملاك هاى واقعى و انسانى ; نه صرفاً در جهت منافع پيروان خود

و سئلوا ما أنفقتم و ليسئلوا ما أنفقوا

با اين كه قبلاً لزوم پراخت مخارج مردان كافر در <آتوهم ما أنفقوا> بيان شده، تكرار آن در <و ليسئلوا ما أنفقوا> و نيز طرح حقوق متقابل مؤمن و كافر در مسأله مورد نظر، بيانگر مطلب ياد شده، است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۷،۸

۷ - اسلام ، تنها دين حق و مورد قبول خداوند

هو الذی أرسل رسوله . .. و دین الحقّ

۸ - پیامبر (ص) ، آورنده دین حق از سوی خداوند

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۳

۱۳ - برخی

از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند; ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است; ۳. تعبیر <منفکّین> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند; ۴. آیه شریفه در مقام توبیخ کسانی است که به رغم پیدایش <بیّنه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

حقانیت افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۲

۲- تمامی افعال خداوند ، حکیمانه ، شایسته و مطابق با حق است .

لایسل عمّا یفعل

مورد سؤال قرار نگرفتن خداوند، ممکن است به این خاطر باشد که تمامی افعال او شایسته، حکیمانه و مطابق با حق است و جایی برای سؤال و بازخواست وجود ندارد; زیرا سؤال از چرایی اعمال کسی روا است که او خطاکار باشد و یا احتمال خطا از او ممکن باشد و خداوند چنین نیست.

حقانیت الوهیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۳ - ۵

۵ - توصیف خداوند به معبود حقیقی و شایسته مردم ، از آداب استعاذه به درگاه او است .

قل أعوذ . .. إله الناس

حقانیت انبیا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۶

۱۶ - ادعای نبود نشانه ای بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران ، ادعایی گزاف و دروغین است .

لولا . .. تأتینا ءایه ... قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

جمله <قد بیّنّا الأیات> پاسخ به ادعایی است که جمله <لولا . .. تأتینا ءایه> آن را بیان می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۷

۷ وحی پشتوانه حقانیت پیامبران (ع) در ادعای پیامبری

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ از امام هادی (ع) روایت شده است : < . . . قالت الجهله : کیف لایبعث إلینا نبیاً من الملائکه ؟ . . . فأوحی اللّه عزوجل إلی نبیه (ص) : فاسئل الذین یقرؤن الکتاب من قبلک . .

. هل یبعث اللّه رسولا قبلک إلا و هو یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق و لک بهم أسوه ;

. .. جاهلان گفتند: چرا برای ما پیامبری از فرشتگان مبعوث نمی شود ...؟ پس خداوند به پیامبر خود وحی نمود: از کسانی که پیش از تو کتاب می خواندند، بپرس آیا چنین نیست که قبلا خداوند هیچ پیغمبری نفرستاد مگر اینکه او طعام می خورده و در بازارها راه می رفته؟ و آنان برای تو اسوه و مقتدا هستند>.

حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۷

۷ - تأکید سه رسول الهی ، بر رسالت و درستی ادعا های خویش برای مردم انطاکیه

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث فقالوا إنّا إلیکم مرسلون

حقانیت انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵،۷،۹

۵ گواهی قرآن بر حقانیّت تورات و انجیل

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

۷ نزول قرآن ، دلیل و گواه حقانیّت تورات و انجیل

نزّلنا مصدقاً لما معکم

مصدق بودن قرآن می تواند به این معنا باشد که آمدن قرآن از جمله دلایل حقانیّت تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیّت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیّت قرآن و لزوم

ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۸

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

۸ قرآن ، نگهبان حقایق و معارف تورات و انجیل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً . .. و مهیمناً علیه

<مهیمن> به معنای مراقب و محافظ است.

حقانیت انذارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سرگذشت قوم نوح ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان هلاکت قوم نوح، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <آنان ببینند چگونه عذاب ها و انذارهای ما تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداوند، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

حقانیت انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به . ..

و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشداری به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

حقانیت انذارهای موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۸

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی(ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او باایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی(ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

حقانیت اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۷،۹

۷ فرمان خداوند بر پدیدار شدن هر چیزی بر اساس حق و به دور از بیهودگی و بطلان است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جمله <قوله الحق> می تواند مبتدا و خبر و <یوم> ظرف مقدم شده برای مضمون جمله <قوله الحق> باشد. در این صورت مفاد جمله چنین می شود: روزی که او فرمان به ایجاد چیزی دهد، گفتار او حق است.

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی

حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۵،۸

۵ فرمان ها و رهنمود های خداوند ، همواره بر اساس حق و مصلحت است .

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

کلمه <کما> بیانگر این است که حقانیت خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر نمونه و مثالی است از حقانیت تمامی کارها و فرمانهای خداوند.

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

حقانیت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۹

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

حقانیت بعثت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ شعیب برخوردار از بینه و دلیلی روشن بر حقانیت بعثت و پیام های خویش

قد جاءتکم بینه من ربکم

حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه

ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت پیدایش موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۷

۷ فرمان خداوند بر پدیدار شدن هر چیزی بر اساس حق و به دور از بیهودگی و بطلان است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جمله <قوله الحق> می تواند مبتدا و خبر و <یوم> ظرف مقدم شده برای مضمون جمله <قوله الحق> باشد. در این صورت مفاد جمله چنین می شود: روزی که او فرمان به ایجاد چیزی دهد، گفتار او حق است.

حقانیت تشریع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۵

۱۵ - تشریع و گفتار خداوند ، مطابق با حق و واقعیت است .

و اللّه یقول الحقّ

حقانیت تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۹

۹- معارف و احکام ارائه شده به پیامبران ، سراسر حق است .

و ما نرسل المرسلین . .. و یجدل ... لیدحضوا به الحقّ

توصیف برنامه پیامبران و بشارت و انذار آنان به <الحقّ> گویای آن است که آنچه آنان می گویند، همه، از حقّانیّت و تطبیق با واقعیّت های هستی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵ – ۹

۹ – تعالیم پیامبران ، مطابق حق بوده و آنان مردم رابه سوی حق فرامی خواندند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ

حقانیت تعالیم دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ –

۴۵ - ۲۴

۲۴ احکام قضایی و قوانین الهی ، عادلانه و به دور از هرگونه ستم

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلی ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

حقانیت تعالیم دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقانیت تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۷،۸،۱۰

۷ سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایقی پیراسته از هر گونه باطل

و جاءک فی هذه الحق

مشارالیه <هذه> سوره هود

و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. <ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین <الحق>; یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری

حقانیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همهء آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبرّاست .

کتب اُحکمت ءایته

اِحکام (مصدر اُحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((اُحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

حقانیت تعالیم محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱

۱ پیامبر (ص) فرستاده ای از جانب خدا به همراه رسالت و معارفی سراسر حق

قد جاءکم الرسول بالحق

در برداشت فوق <باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت گرفته شده است و مراد از آن می تواند تعالیم و معارف الهی که همان رسالت پیامبر(ص) است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۴،۵

۴ - محتوای رسالت پیامبر (ص) ، پیام ها و رهنمودهایی

بود سراسر حق و مبرا از هر سخن یاوه و نادرست

بل جاءهم بالحقّ

عبارت <جاءهم بالحقّ>; یعنی، حق را برای آنان آورد.

۵ - حقانیت سخنان پیامبر (ص) (پیام ها و رهنمود های او) ، گواه برخورداری آن حضرت از روح و اندیشه ای سالم

أم یقولون به جنّه بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۲

۲ - تعالیم ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، سراسر حق است .

إنّا أرسلنک بالحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <باء> در <بالحقّ> به معنای <مع> و حال برای ضمیر (ک) باشد. بر این مبنا، مقصود از <الحقّ> تعالیمی است که پیامبر(ص) به ابلاغ آنها مأمور بود. بنابراین جمله <إنّا أرسلناک بالحقّ>; یعنی، ای پیامبر! تو را همواره با تعالیمی که سراسر حق است، به سوی مردم فرستادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۲

۲ - آنچه پیامبر اسلام (ص) به عنوان دین به مردم ارائه فرموده ، صددرصد حق است .

بل جاء بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۲

۱۲- حق و حقیقت ، منحصر در معارف نازل شده بر پیامبر (ص) است .

و هو الحقّ من ربّهم

از تقدیم <هو> بر <الحقّ> انحصار و از الف و لام <الحقّ> استغراق و تمامیت استفاده می شود.

حقانیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۹،۲۰

۱۶

- عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما یعملون

جمله <و ما اللّه . ..> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶،۷

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

۷ - اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربک

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

حقانیت

توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲۱

۲۱ تذکر و زدودن غفلت، برای درک حقانیت توحید و بطلان شرک کافی است.

قال أتحجونی فی الله و قد هدین . . أفلا تتذکرون

به کار رفتن <تتذکرون> به جای <تتفکرون> و مانند آن، بیانگر این نکته است که تذکر و زدودن غبار غفلت برای اقرار به توحید کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۴

۴ - پیام توحید ، پیامی حق و منطبق با واقعیت های عالم هستی

بل أتینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۷

۷ - آشکار نشدن حقیقت توحید برای مشرکان در عالم برزخ *

و یوم . .. و ظنّوا ما لهم من محیص

برداشت یاد شده بدین احتمال است که روشن شدن حقیقت توحید برای مشرکان در روز قیامت، اشعار به این دارد که حتی پس از مرگ و در برزخ نیز حقایق برای آنان روشن نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۵

۵ - وحدانیت خداوند ، حقیقتی ثابت و واقعیتی انکارناپذیر است .

هو اللّه أحد

ترکیبی که بسیاری از ادیبان و مفسران برای آیه شریفه پذیرفته اند، این است که: <هو> ضمیر شأن و جمله <اللّه أحد> مفسر آن باشد که در حقیقت مرجع ضمیر خواهد بود. آوردن ضمیر شأن، بیانگر عظمت مطلب و تثبیت آن است; یعنی، حقیقت و واقعیت این است که خداوند یکتا است.

حقانیت توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۳

۳ توحید (اعتقاد به ربوبیت بی همتای خدا) آیینی حق و یکتاپرستی سلوک راه هدایت است .

فذلکم اللّه ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

حقانیت توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۶

۶ - توحید و یکتاپرستی ، عقیده ای کاملاً حق

إذا قیل لهم لا إله إلاّ اللّه یستکبرون . .. بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

حقانیت تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ -

۳ - پیامبر (ص) ، آسمانی بودن تورات را تأیید و حقانیت آن را تصدیق می کرد .

مصدق لما معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵،۷،۹

۵ گواهی قرآن بر حقانیّت تورات و انجیل

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

۷ نزول قرآن ، دلیل و گواه حقانیّت تورات و انجیل

نزّلنا مصدقاً لما معکم

مصدق بودن قرآن می تواند به این معنا باشد که آمدن قرآن از جمله دلایل حقانیّت تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیّت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما معکم

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیّت قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان ، گواهان حقانیت تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقانیت تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

چون جمله <کانوا . ..> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۶،۷،۹،۱۲،۱۳

۶ گواهی و تأیید عیسی (ع) بر راستی و درستی تورات موجود در عصر خویش

و قفینا . .. بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۷ بعثت عیسی (ع) ، گواه و تأییدی بر حقانیت تورات

و قفینا . .. بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

با در نظر گرفتن اینکه در تورات نوید بعثت عیسی(ع) داده شده بود، بعثت عیسی(ع) خود گواه راستی و درستی تورات خواهد بود.

۹ گواهی تمامی پیامبران یهود بر حقانیت تورات

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف عیسی(ع) به تصدیق کننده تورات، پس از بیان پیروی آن حضرت از پیامبران یهود، بیانگر آن است که آنان نیز مصدق تورات بوده اند.

۱۲ گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینه الانجیل . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۱۳ وجود انجیل ، گواه بر راستی و درستی تورات

و ءاتینه الانجیل . .. و مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۸

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

۸ قرآن ، نگهبان حقایق و معارف تورات و انجیل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً . .. و مهیمناً

علیه

<مهیمن> به معنای مراقب و محافظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۳

۳ - قوم موسی ، گرفتار اختلاف در پذیرش تورات و حقانیت آن

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

حقانیت جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۴

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرنه بلسانک لعلّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه. ..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۷

۷ – نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند وحقانیت او

و کذلک أنزلنه . .. فتعلی اللّه الملک الحقّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن، نتیجه توجه به ما قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۶ – ۱

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند

رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است; زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است; چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آنِ خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۷

۷ - فرمان روایی خداوند ، حقیقی است و از غیر او ، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است .

له الملک

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می کند; یعنی، فرمان روایی تنها از آنِ خداوند است. وجود فرمان روایی های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می باشد.

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

حقانیت حکم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۶

۱۶ حکمهای صادره از جانب خداوند بر اساس حق است.

إن الحکم إلا للّه یقص الحق

حقانیت حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۶

۶ - حکومت حق ، مخصوص خداوند است .

الملک الحقّ

حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

حقانیت حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷ - وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۳

۳- حقّانیّت و ثبات ، از جمله ویژگی های ذات یگانه خداوند است .

للّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۳

۳ - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی اللّه الملک الحقّ

<حقّ> نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حق و پروردگار شایسته پرستش است .

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

<ذلک>

در این جا به دو چیز اشاره دارد: ۱ به قدرت نمایی های خدا در آفرینش انسان از خاک بی جان و مراحل رشد او در رحم و خارج از آن (فإنّا خلقناکم من تراب. ..) ۲ به جلوه های قدرت خدا در رویش و رشد انواع گیاهان در زمین (و تری الأرض هامده...). <باء> در <بأنّ الله> سببیه است. <ال> در <الحق> جنسیه و مفید حصر می باشد و روی سخن با مردمی است که گرفتار پندارهای شرک آمیز بودند و گمان می کردند که غیر از خدا، خدایان دیگری نیز در سرنوشت آنها تأثیر می گذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < اللّه > در قیامت برای همگان

یومئذ . .. یعلمون أنّ اللّه هو الحقّ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۲،۳،۴،۷

۲ - نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اَعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل . .. و یولج النهار ... و سخّر الشمس و ... و أنّ اللّ

<ذلک بأنّ اللّه. ..> می تواند در جایگاه نتیجه

برای دلیل های یاد شده باشد.

۳ - لازمه حقانیت خدا ، آگاهی وی بر اَعمال انسان ها است .

ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

۴ - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . ..للّه ما فی ... إنّ اللّه عز

مشارالیه <ذلک> می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

۷ - خداوند ، تنها حقیقت ثابت و زوال ناپذیر است .

بأنّ اللّه هو الحقّ

<حقّ> به چیزی اطلاق می شود که ثبات داشته باشد و هیچ گونه بطلانی در آن راه پیدا نکند. لازم به ذکر است که تأکید جمله با <أنّ> و آوردن ضمیر فصل <هو> و معرفه شدن خبر با <ال>، حصرِ مبتدا در خبر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۷

۷ - خداوند ، مظهر حق است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <فالحقّ> خبر برای مبتدای محذوف (أنا) باشد; یعنی، <فأنا الحقّ>.

حقانیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

۵ – خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّه السموت و الأرض . .. إنّ فی ذلک لأیه للمؤمنین

حقانیت خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلّا بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعبین ... إلّا بالحقّ

۳- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلّا موتتنا الأُولی . .. ما خلقنهما إلّا بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و

موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۳

۳ - عالَم ، حق و هدف دار خلق شده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲،۱۱

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إلیه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّه السموت و الأرض . .. إنّ فی ذلک لأیه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلّا بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعبین ... إلّا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و

فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

حقانیت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۱

۱ خواندن خدا و دعا کردن به درگاه او امری حق و بجاست .

له دعوه الحق

<دعـوه> به معنـای خوانـدن و نیز درخواست کردن می باشـد. این کلمه در آیه شـریفه موصوفی است که به صـفتش (الحق) اضافه شده است ; یعنی: <الدعوه الحقه>.

حقانیت دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی ، غیرقابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد

جئتکم بالحکمه

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حقانیت دعوت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی ، غیرقابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد جئتکم بالحکمه

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حقانیت دعوتهای موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۸

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه . .. فمن ینصرنا من بأس اللّه إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی(ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او باایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی(ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من

الحکمه

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۹

۹- معارف و احکام ارائه شده به پیامبران ، سراسر حق است .

و ما نرسل المرسلین . .. و یجدل ... لیدحضوا به الحقّ

توصیف برنامه پیامبران و بشارت و انذار آنان به <الحقّ> گویای آن است که آنچه آنان می گویند، همه، از حقّانیّت و تطبیق با واقعیّت های هستی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۵

۵ - بنیان دین ، نهاده شده بر شالوده حق و نه تمایلات هوس آلود کافران

و أکثرهم للحقّ کرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریع و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتابِ تشریع با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۴

۴- قوانین حق شریعت ، تبلور هدایت الهی نسبت به خلق

أرسل . .. بالهدی و دین الحقّ

عطف <دین

الحقّ> بر <الهدی> ممکن است عطف تفسیری باشد.

حقانیت دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۵،۷

۵ - آیین ابراهیم ، آیینی نیکو و منزه از هرگونه شائبه باطل و ناهنجار

إن اللّه اصطفی لکم الدین

<اصطفاء> به معنای گزینش صفوه (خالص و نیکوی) هر چیزی است. <ال> در <الدین> عهد ذکری و اشاره به آیین ابراهیم دارد.

۷ - منزه بودن آیین ابراهیم از هرگونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها إبرهیم . ... یبنی إن اللّه اصطفی لکم الدین فلاتموتن

تفریع جمله <لاتموتن . ..> بر <إن اللّه ...> به وسیله حرف <فاء> گویای برداشت فوق است.

حقانیت دین محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند ، فرستنده رسول خویش (محمد (ص)) ، با دو ارمغانِ هدایت و دین حق

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

حقانیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

حقانیت رسالت انبیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۵

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

حقانیت رسالت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۲

۲ - معجزات موسی (ع) ، هر یک به تنهایی آیتی بزرگ و کافی برای اثبات حقانیت رسالت آن حضرت *

و ما نریهم من ءایه إلاّ هی أکبر من أُختها

جمله <هی أکبر من أختها> ممکن است کنایه از اهمیت و بزرگی هر یک از معجزات باشد (بدون در نظر گرفتن ترتیب در بزرگی)؛ چنان که در فارسی نیز برای بیان کامل بودن افراد گفته می شود: <یکی از دیگری برتر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۳،۵

۳ - بنی اسرائیل ، به حقانیت موسی (ع) معرفت و آگاهی داشتند .

و قد تعلمون أنّی رسول اللّه

۵ - بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار

قرار می دادند .

لم تؤذونني و قد تعلمون أنّي رسول اللّه إليكم

حقانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۸

۱۸ - راه خدا ، راهی است برپایه حق .

فاحكم بين الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوى فيضلّك عن سبيل اللّه

فرمان حق مداری به داوود(ع) در داوری و سپس توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس، به خاطر ضرر گمراه شدن از راه خدا، حاکی از این نکته است که راه خدا راهی است برپایه حق.

حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۲،۱۰

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربّكم قالوا الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربّكم قالوا الحقّ

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

حقانیت سخنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۳

۳ سخنان رسولان الهی درباره خداوند و هر آنچه به وی نسبت می دهند ، سراسر حق و حقیقت است .

حقیق علی أن لا أقول علی اللّه إلا الحق

حقانیت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۳

۳ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، امری بایسته در روند تجدید حیات ، و نه گزاف و بیهوده

یسمعون الصیحه بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد; تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

حقانیت عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷ - وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

حقانیت عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن ، امری است ممکن و دارای حقیقت .

و نریه قریبًا

حقانیت عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضى بالحقّ

برداشت یـاد شـده بر این احتمـال است که مقصود از <أمر اللّه> عـذاب دنیوی (استیصال) باشـد; چنان که موارد بسـیاری در قرآن به همین معنا آمـده است; ماننـد عـذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم الیوم من أمر اللّه . ..>، (هود، آیه ۴۳).

حقانیت عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۳

۳- عذاب قوم لوط ، عذابی بر اساس

حق بود .

و أتینک بالحقّ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از <بالحق> عذاب باشد و از عذاب به <به حق> تعبیر آوردن، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

حقانیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال ، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

حقانیت عذابهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سرگذشت قوم نوح ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان هلاکت قوم نوح، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <آنان ببینند چگونه عذاب ها و انذارهای ما تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداوند، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و

انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱۶

۱۶- لزوم استوار سازی عقاید ، بر میزان حق و عدل و پرهیز از هرگونه گرایش به باطل

لن ندعوا من دونه إلهًا لقد قلنا إذًا شططًا

در آیه شریف و

در گفتار اصحاب کهف، سخنی که متمایل به باطل و دور از حق باشد، محکوم و مردود شمرده شده است. این بیان، در حقیقت، برای گزینش عقاید ملاکی را ارائه کرده است.

حقانیت عقیده به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۷

۷ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او ، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إلاّ أن یؤمنوا باللّه . .. الذی له ملک السموت و الأرض و اللّه علی کلّ شیء شهید

<سماوات و أرض>، کنایه از تمام هستی است و <الذی . ..> وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان اشاره دارد. تصریح به کلمه <اللّه> و نیاوردن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است نه خصوص مؤمنان ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

حقانیت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۸

۸ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا . .. أنزل علینا مائده من السماء

حقانیت غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

کما أخرجک

ربک من بیتک بالحق

برخی برآننـد که <کما . .. > متعلق به <یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند ; همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

حقانیت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۸

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال للّه و الرسول . .. کما أخرجک ربک من بیتک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

در وجه ترکیبی <یجدلونک> چند نظر ایراد شده است ; از جمله اینکه <یجدلونک> حال برای فاعل <لکرهون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ -

۲،۳

۲ - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . .. و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

۳ - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

کلمه <ءایه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳ - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

حقانیت قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳ - قرآن کتابی متقن و منزه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<ریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است.

بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷،۱۳

۷ - قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب . .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است; یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون . ..; اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق

و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ حقّانیّت آیات الهی (قرآن)

تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الکتب . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشنی حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۹

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیّت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزّلنا مصدقاً لما

معکم

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیّت قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۶

۶ حقانیّت قرآن و پیامبر اسلام ، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله . .. انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۸،۱۱

۸ محتوای قرآن ، شاهد حقانیت آن

افلا یتدبّرون القران و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف ، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۳

۳ حقانیت همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۵،۷،۱۳

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک . .. و الملئکه یشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملئکه یشهدون> عطف بر <اللّه یشهد> گرفته

شده است و در نتیجه متعلق <یشهدون> نیز <بما انزل الیک> خواهد بود.

۵ تجلی علم الهی در قرآن ، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است .

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند تفسیری برای <یشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهری از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

۷ گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

۱۳ شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است .

لکن اللّه یشهد بما أنزل . .. و کفی باللّه شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۴

۴ قرآن ، کتابی از جانب خدا و سراسر حق

قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

در برداشت فوق کلمه <الحق> به قرآن تفسیر شده است و <من ربکم> حال برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲

۲ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

و انزلنا إلیک الکتب بالحق

در برداشت فوق <بالحق> حال برای <الکتب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۶

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

یقولون . .. لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۴

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید ، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فاثبهم اللّه بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحی إلیّ هذا القرءان . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <یعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و توحید ذکر گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و کذّب به قومک و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إنی علی بینه> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹،۱۰

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از

جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

۱۰ نزول قرآن بر اساس حق، جلوه ربوبیت الهی نسبت به پیامبر(ص) است.

أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۳ قرآن ، کتابی سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إ کان هذا هو الحق من عندک

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو

ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۲

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن ، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی ، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر . .. و ما كان اللّه ليعذبهم و أنت فيهم

جمله <و ما كان . .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی مپندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

۸ قرآن ، کتابی حق ، مبرا از پندار ها ، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرّا از هرگونه پندار ها و تخیلات باطل است .

قد جاءكم الحق من ربكم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است; به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقانیّت قرآن

ذلک من أنباء الغیب . .. و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقانیّت قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أُنزل إلیک من ربک الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ; یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل و ناروا

أنما أُنزل إلیک من ربک الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلنه . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

لقد أنزلنا. .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و مبرا از هر گونه باطل .

أنّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶ - قرآن ، کتابی آمیخته با حق و مبرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه آموزه های باطل

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرا از هرگونه باطل

إنّه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سراسر حق است .

أو کذّب بالحقّ لمّا جاءه

برداشت بالا براساس این احتمال است که <ال> در <الحقّ> عهد بوده و به قرینه <لمّا جاءه>

اشاره به قرآن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۴،۶

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أم یقولون افتریه بل هو الحقّ

۶ - قرآن ، حقّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بل هو الحقّ من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

مراد از <الذی أُنزل إلیک> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۹

۱۹ - قرآن ، کتابی حق است و ساخته و پرداخته [دست] بشر نیست .

و قالوا ما هذا إلاّ إفک . .. و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلاّإفک مفترًی . .. قل إنّ ربّی یقذف بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با

مشرکان با آن است، <ال> در <الحقّ> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحقّ> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است; یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۳،۱۱

۳ - قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمنه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود; زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱ - محتوا ، شیوه و نظم موجود در قرآن ، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلاّ ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواهِ الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن

، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>)؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إنّا أنزلنا إليک الکتب بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذّب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد؛ یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الذی جاء بالصدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إنّا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۷

۷ - انکار قرآن ، با وجود درک حقانیت آن دشمنی با خدا است .

ذلک جزاء أعداء اللّه . .. جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آیات قرآن و معارف آن ، حقایقی استوار و تردید ناپذیر

و إنّه لکتب عزیز

<عزیز> به معنای شکست ناپذیر است که مراد از آن در آیه شریفه، استحکام و خلل ناپذیری قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۳،۴،۱۲

۳ - معارف و آموزه های قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لایأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۲ - < فی المجمع : فی قوله تعالی < لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه > ، قیل فیه أقوال : . . .ثالثها : معناه انّه لیس فی أخباره عمّا مضی باطل و لا فی إخباره عما یکون فی المستقبل باطل بل إخباره کلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروی عن أبی جعفر و عن أبی عبداللّه (ع) . . . ;

در مجمع البیان در مورد قول خدا <لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه> آمده است: اقوالی در تفسیر این

آیه گفته شده که سوم آن این است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آینده خواهد آمد، هیچ باطلی نیست; بلکه خبرهای قرآن همه مطابق با واقع است و این معنا از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۶ - حقانیت محتوای قرآن ، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (اللّه)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خدااست و جز او نمی تواند باشد; نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی اللّه . .. و یمح اللّه البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۷

۷ - قرآن ، سخنی سراسر حق و

حقیقت

حتّی جاءهم الحقّ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <حقّ> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۵

۵ - محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

آیه شریفه از یک سو نزول قرآن را به خداوند نسبت می دهد و از سویی دیگر او را به وصف عزت توصیف می کند. تناسب بین نزول قرآن و صفت عزت، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز همچون نازل کننده آن، عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل; از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۷،۹،۱۰

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نزّل علی محمّد و هو

الحقّ من ربّهم

تصریح به <نزّل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن راابداع نکرده; بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

۹- قرآن ، حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزّل. ..> (قرآن) بازمی گردد; از تعبیر <من ربّهم> استفاده می شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل انسان ها است.

۱۰- مفاهیم و معارف قرآن ، حق ، و به دور از پوچی و تضاد با ارزش ها و واقعیت های هستی

و ءامنوا بما نزّل علی محمّد و هو الحقّ

از اطلاق واژه <حقّ> بر قرآن (مانزّل علی محمّد)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۶

۶- پیام های پروردگار (آیات قرآن) ، سراسر حق و به دور از بطلان و پوچی

الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

از مقابله حق و باطل و این که <حقّ> مقید به <من ربّهم> شده; استفاده می شود که <ما نزّل علی محمّد> جز حق چیزی نیست و باطل به خداوند انتساب ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل کذّبوا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۵۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرّا از هرگونه باطل

و ما نزل من الحقّ

در صورتی که <حقّ> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - قرآن ، کتابی است سراسر حق .

و إنّه لحقّ الیقین

۲ - حقانیت قرآن و درستی تعالیم آن ، امری است یقینی و تردیدناپذیر .

و إنّه لحقّ الیقین

۳ - وجود مسائل و معارف یقینی و تردیدناپذیر در قرآن

و إنّه لحقّ الیقین

حقانیت قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۶

۶ - < و قال الصادق (ع) : ما تقارع قوم ، ففوّضوا أمرهم إلی اللّه تعالی إلاّ خرج سهم المحق و قال : أیّ قضیه أعدل من القرعه إذ فوّض الأمر إلی اللّه ؟ أليس اللّه تعالی یقول : < فساهم فکان من المدحضین > ;

امام صادق(ع) فرمود: هیچ قومی قرعه نزدند و امر خود را به خداوند تعالی واگذار نکردند; مگر این که سهم کسی که صاحب حق است از آن بیرون آمد. امام فرمود: چه قضیه ای به عدالت نزدیک تر از قرعه است، آن گاه که کار به خدا واگذار شود؟ آیا خداوند تعالی نفرموده است: <فساهم فکان من المدحضین>؟

حقانیت قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۹

۹ - نقل های تاریخی قرآن ، سراسر حقیقت است و افسانه سرایی در آن

راه ندارد .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۴

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

ربّ احکم بالحقّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحقّ> توضیحی باشد.

۴- داوری عادلانه و برحق خداوند ، از شؤون ربوبیت او است .

ربّ احکم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶

۶ - قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

با این که واژه <یقضی> معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید <بحکمه> نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

۵ - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱

۱ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و اللّه یقضی بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

- ۱۱

حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر اللّه قضی بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر اللّه> عذاب دنیوی (استیصال) باشد; چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است; مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم الیوم من أمر اللّه . ..>، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحکم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد; یعنی، <أقضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد; یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است; گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

حقانیت قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلى اللّه و رسوله ليحكم بينهم . .. و إن يكن لهم الحقّ

حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۴

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۸،۱۶

۸- برپایی قیامت

، حقیقتی تردیدناپذیر است .

و أنّ الساعه لاریب فیها

جمله <لاریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شـده است; یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد; چه این که در موضوع قیامت، جایی برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلّف ناپذیر الهی است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لاریب فیها

عبارت <أنّ الساعه. ..> ممکن است تفسیر کننده <أنّ وعد اللّه حقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکرانِ قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶ - اهل ایمان ، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و یعلمون أنّها الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۲،۵

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

عطف جمله <الساعه. ..> بر جمله <إنّ وعد اللّه حقّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به

حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

برداشت بالا بـدان احتمال است که <إنّ وعـد اللّه حقّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سکره الموت بالحقّ . .. ذلک یوم الوعید

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعـدیه و مرگ و سـکرات آن زمینه آشـکار شـدن حقایق باشـد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و مبرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می توانـد مصـدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است; یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن ، امری است ممکن و دارای حقیقت .

و نریه قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۲

۲ - برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزّه از هر گونه باطل است .

ذلک الیوم الحقّ

درباره <حقّ>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این

که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه مقابل باطل را <حقّ> گویند (مصباح). هر گاه مصدری صفت قرار گیرد، بر مبالغه دلالت دارد; بنابراین <روز حق>; یعنی، روزی سراسر حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین . کلّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۱

۱ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذّبون بیوم الدین . .. قال أسطیر الأوّلین ...کلّا

حرف <کلّا> یا به معنای حقّا و یا برای <ردع> است و مخاطب را از پذیرش گفتار قبل، پرهیز می دهد.

حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۷۶ - ۳

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۵

۱۵ حقانیّت محتوای کتاب های آسمانی

و انزل معهم الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به عامل مقدر و حال از <الکتاب> باشد ; یعنی کتابی که مصاحب حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۶

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم . .. بالکتب المنیر

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می توانـد برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

حقانیت کلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۵

۱۵ - تشریع و گفتار خداوند ، مطابق با حق و واقعیت است .

و اللّه یقول الحقّ

حقانیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است; یعنی، جزای عادلانه و به حق.

حقانیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب

خداوند است .

فیعلمون أنه الحق من ربهم

۷ - اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذین ءامنوا فیعلمون أنه الحق من ربهم

حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۲

۲ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به حقانیت رسالت پیامبر و انطباق علایم پیامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذین ءامنوا قالوا ءامنا . .. قالوا أتحدثونهم بما فتح اللّه

عبارت <لیجاجوکم به . ..; تا به استناد آن حقایق در پیشگاه خدا علیه شما استدلال کنند.> می رساند که مصداق مورد نظر از <ما فتح اللّه> حقانیت اسلام و رسول اکرم(ص) است که در تورات بیان شده است. بنابراین همه یهودیان - چه عالمان و چه عوام ایشان - به رسالت پیامبر(ص) اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر (ص) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا . ..> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹،۱۶

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الـذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشـرکان با همان تعبیر در قبال <الـذین من قبلهم> قرار گرفته انـد. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الـذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

۱۶ - ادعای نبود نشانه ای بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران ، ادعایی گزاف و دروغین است .

لولا . .. تأتینا ءایه ... قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

جمله <قد بیّنّا الأیات> پاسخ به ادعایی است که جمله <لولا . .. تأتینا ءایه> آن را بیان می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۳،۴

۳ - ارسال محمد (ص) به پیامبری ، ارسالی بجا و بایسته ، در نظام هدایتی بشر

إنا أرسلنک بالحق

برداشت فوق بر این اسـاس است که <بـالحق> قیـد برای ارسـال باشـد; یعنی، <إنا أرسـلنک بالحق; ای پیامبر تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختم و این ارسال، بحق و بایسته بود>.

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون. إنا أرسلنک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۹

۹ بیان بحقّ تاریخ گذشتگان توسط پیامبر (ص) ،

نشانه ای بر حقانیّت رسالت وی

تلک ایات اللّه . .. و انّک لمن المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۲۰

۲۰ به گواه گرفتن انبیا بر حقانیّت پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند ، و گواهی خداوند همراه آنان بر این حقانیّت

ثم جاءکم رسول . .. قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۴

۴ آگاهی و شهادت اهل کتاب ، بر حقانیّت پیامبر اکرم (ص) و اسلام

و شهدوا انّ الرسول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۲۲

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقّانیّت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه . .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۲ انکار حقانیّت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الکتب . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً

قلیلا

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیـده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشـنی حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۶

۶ حقانیّت قرآن و پیامبر اسلام ، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله . .. انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۲

۲ قرآن ، دلیل حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للنّاس رسولا و کفی باللّه شهیداً . .. افلا یتدبّرون القران

در آیه ۷۹ بیان شد که خدا، شاهد حقانیت رسالت پیامبر (ص) است و در این آیه چگونگی شـهادت را این چنین توضـیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (ص) فرستاد تا شاهد حقانیّت او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۵

۵ گرفتاری مخالفان رسول خدا به عذاب جهنم ، مشروط به آگاهی آنان به حقانیت رسول خداست .

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبیّن له الهدی . .. نصله جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۵

۵ تجلی علم الهی در قرآن ، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است .

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند

تفسیری برای <یشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهری از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۶

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل ، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتب

جمله <یبین لکم> پس از <قد جاءکم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <کنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله

<یبعثهم اللّه>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب

است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (ص)

یوم الفرقان یوم التقی الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر(ص) و دین اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

لقد أنزلنا. .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ - تأیید حقانیت و روشنی راه پیامبر (ص) از سوی خداوند

إنّک علی الحقّ المبین

۵ - شریعت و راه و رسم پیامبر (ص) ، حقی آشکار و انکارناپذیر

إنّک علی الحقّ المبین

بر حق بودن حضرت رسول(ص) نظر به دو بعد دارد: حقانیت رسالت او و حقانیت راه او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۳

۳ - سوگند خداوند به قرآن ، مبنی

بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام (ص)

و القرءان

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرءان) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إنّک لمن المرسلین> در سوره <یس> و. .. مربوط به رسالت پیامبراسلام(ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرءان ذی الذکر إنّک لمن المرسلین یا إنّک صادق>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تأیید پیامبر (ص) و درستی راه و حرکت آن حضرت از سوی خداوند

إنّک علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱

۱- تذکر خدا ، به حقانیت راه پیامبر (ص) و لزوم استواری آن حضرت بر صراط توحید

فاعلم أنّه لا إله إلاّ اللّه

با توجه به این که خطاب <فاعلم> به پیامبر(ص) است و آن حضرت خود در رأس یکتاپرستان قرار دارد; تعبیر <فاعلم> در حقیقت تأیید راه پیامبر(ص) و تشویق ایشان به استوار ماندن در راه توحیدی خود و نیندیشیدن به حرکت های کفرآمیز مخالفان است.

حقانیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۴

۴ پدیده مرگ در زندگی انسان ، براساس حکمت و به دور از پوچی و بیهودگی

و جاءت سکره الموت بالحقّ

مراد از <بـالحقّ> می توانـد ایـن باشـد که پدیـده مرگ اصولاً ـ پدیـده ای است به حـق و بایسـته و این گـونه نیست که فـاقد حکمت باشد.

حقانیت مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱

- بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۹

۹ - جاهلان (مشرکان و صاحب های آیین های غیر الهی) دین یهود و نصارا را بی پایه و اساس می شمردند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

مقصود از <الذین لایعلمون>]به گفته مفسران[مشرکان و معتقدان به ادیان غیر الهی هستند.

حقانیت مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۱۰

۱۰ - مشیت های خداوند ، گزاف و ناپسند نبوده و متکی به علم همه جانبه او است .

إلّا ما شاء اللّه إنّه یعلم الجهر و ما یخفی

حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز

قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۶

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلّف ناپذیر الهی است .

لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لاریب فیها

عبارت <أنّ الساعه. ..> ممکن است تفسیر کننده <أنّ وعد اللّه حقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواهند یافت .

کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۵ – ۴

۴ – منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

حقانیت معبودیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۰ – ۹

۹

- معبودیت خداوند ، حق ، و معبودیت غیر او ، باطل است .

ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ و أنّ مایدعون من دونه البطل

به قرینه <ما یدعون. ..> مراد از <حق>، حق بودن در معبودیت است. بنابراین که <ما> در <مایدعون> موصول باشد، عبارت چنین خواهد بود <الذی یدعون من دونه الباطل>.

حقانیت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۳

۳ - معجزه ، امری واقعی ، و سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فألقی موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إفک> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفک> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

حقانیت معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع) ، معجزه ای بزرگ که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱

۱- تذکر موسی (ع) به آگاهی و اعتقاد درونی فرعون به حقانیت معجزات او علی رغم سحر خواندن آنها

إنی لأظنّک یموسی مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلّا ربّ السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۵

۵

- وجود نشانه هایی تردیدناپذیر در تفاوت معجزه موسی با هرگونه افسون ، در نظر سحرشناسان

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده از سجده بی درنگ ساحران، در پی مشاهده معجزه موسی استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

<جَحْد> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <إستیقنت>) معادل <إیقان> و جمله <استیقنتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است; یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

حقانیت معجزه هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع) ، معجزه ای بزرگ که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۳

۳- مخالفت فرعون با دعوت موسی (ع) ، از روی لجاجت و با آگاهی کامل از حقانیت او بود .

فقال له فرعون إنی لأظنّک یموسی مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلّا ربّ ا

حقانیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ

بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءکم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۲

۲ - نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجّه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

حقانیت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۱۰

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک . .. و الملئکه یشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملئکه یشهدون> عطف بر <اللّه یشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <یشهدون> نیز <بما انزل الیک> خواهد بود.

۱۰ قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (ص)

لکن اللّه یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

<باء> در <بما انزل الیک> می تواند سببیه باشد ; در این صورت متعلق شهادت به قرینه آیات گذشته رسالت پیامبر(ص) خواهد بود ; بنابراین مبنا مفاد جمله <یشهد بما انزل . ..> این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر(ص)، نزول

قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر(ص) شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۳ - ۱۷۴

۳ پیامبر (ص) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءکم برهن من ربکم

مصداق بارز و مورد نظر از <برهان> پیامبر اکرم(ص) است. که با توجه به آیه ۱۷۰ و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق(ع) است که درباره <برهان> در آیه فوق فرمود البرهان، محمد(ص) ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۹، ح ۷۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۳

۳ - فرستادن حضرت محمد (ص) به پیامبری ، ارسالی به جا و بایسته در نظام هدایتی بشر

إنّا أرسلنک بالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بالحق> قید برای ارسال باشد; یعنی، <إنّا أرسلناک إرسالاً بالحقّ; ای پیامبر! تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختیم و این ارسال بحق و بایسته بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۲

۲ تأکید خداوند ، بر حقانیت رسالت پیامبراسلام

ق و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر

سوگند به قرآن در حقیقت تثبیت حقانیت آن و در نتیجه تأکید بر حقانیت رسالت پیامبراسلام(ص) و نوعی تأیید غیرمستقیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۵ – ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل کذّبوا بالحقّ

حقانیت نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <أُلقی> بر آیه پیش به دست می آید.

حقانیت نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدّلنا ءایه مکان ءایه . .. قل نزّله روح القدس من ربّک بالحقّ

حقانیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۱

۱- فرو فرستادن قرآن از سوی خدا و رسیدن آن به دست پیامبر (ص) و آدمیان ، بر اساس حق و به دور از کمترین خلل و باطلی

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۱،۷

۱ – عالمان (آشنایان به معارف آسمانی) ، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (ص) نازل شده است ، حق می دانند .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو الحقّ

۷ – لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیک من ربّک هو

الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدًی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند; از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقانیت ورود شیاطین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعین

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم. ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد; یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

حقانیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۹

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلّف ناپذیر است .

وعد اللّه حقّاً و من اصدق من اللّه قیلا

حقانیت وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۴

۴ مشرکان مکه به زودی حقانی وعده های عذاب الهی را درخواهند یافت.

علی أن یبعث . .. لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون

پس از تهدید مشرکان مکه در آیات قبل به عذاب الهی، گویا از سوی آنان سؤالی مطرح شد که چرا عذاب تحقق نمی یابد.

این آیه بدین گونه پاسخ می دهد که وقوع عذاب، حتمی، ولی منوط به زمان مناسب و شرایط خاص است.

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان خواهد داد. و چون این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد اللّه حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد اللّه حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر ، حق و تخلف ناپذیر است .

یقولون متی هذا الوعد . .. ألا إن وعد اللّه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ -

۵- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان ، زمینه ساز آگاهی مردم بر حقّانیّت وعده های خداوند بود .

و کذلک أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ

مراد از ضمیر فاعل در <لیعلموا> همان مفعول محذوفی است که برای <أعثرنا> درنظر گرفته شده است; یعنی: <أعثرنا الناس لیعلموا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر ، نمود حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أنّ وعد اللّه حقّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وعد اللّه> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی(ع) به دامان مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب ألیم . .. لهم جنّت النعیم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

۲ -

وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

عطف جمله <الساعه. ..> بر جمله <إنّ وعد اللّه حقّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إنّ وعد اللّه حقّ و الساعه لاریب فیها

برداشت بالا بـدان بـدان احتمال است که <إنّ وعـد اللّه حقّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنّ

المسجد الحرام . .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه; بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت وعیدهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

حقانیت وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

برخی از مفسـران بر این باورانـد که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است; اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

حقانیت هشدارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سکره الموت بالحقّ . .. ذلک یوم الوعید

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سکرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

حقانیت یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۹

۹ - جاهلان (مشرکان و صاحب های آیین های غیر الهی) دین یهود و نصارا را بی پایه و اساس می شمردند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

مقصود از <الذین لایعلمون>]به گفته مفسران[مشرکان و معتقدان به ادیان غیر الهی هستند.

درخواست دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. هل ینظرون إلّا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

دلایل حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۳

۳ گریه و ناله ، نمی تواند دلیل صداقت و حقانیت باشد .

و جاءو أباهم عشاءً یبکون

دلایل حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۵،۶

۵ - تورات و انجیل ، حاوی شواهد و نشانه هایی بر حقانیت پیامبر (ص) و احکام و معارف اسلام هستند .

من بعد ما بینه للناس فی الکتب

برخی بر آنند که مراد از <الکتاب> تورات و انجیل و مقصود از <البینات و الهدی> دلایل و رهنمودهایی است که مردم را به حقانیت نبوت و احکام اسلام هدایت می کنند. آیات گذشته - که درباره کتمان حقانیت تغییر قبله بود - مؤید این احتمال است.

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتمون

ما أنزلنا من البينت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ حقانیت اسلام ، متکی بر برهان و دلایل روشن

لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۷

۷ - فتح مکه ، نشانه حقانیت اسلام و حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در دیدگاه مردم عصر بعثت

إذا جاء نصر اللّه . .. یدخلون فی دین اللّه أفواجًا

دلایل حقانیت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۶

۶- بهره مندی از نعمت های دنیایی و عمرِ طولانی جوامع و تمدن ها ، دلیل بر حقانیت و موفقیت آنان نیست .

بل متّعنا هؤلاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم العمر . .. أفهم الغلبون

دلایل حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ نابودی اقوام مشرک و فسادگر

پیشین ، روشنگر حقانیت توحید و رسالت پیامبران الهی است .

قد جاءتکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۳

۳ معجزه ، نشان صداقت انبیا در ادعای رسالتشان

إن کنت جئت بئایه فأت بها إن کنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۴

۴ معجزه پیامبران در راستای اثبات حقانیت آنان و خنثی کردن عملکرد مخالفان دین است .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۵

۵ پیامبران الهی ، دارای دلایل روشن و براهین غیر قابل انکار بودند .

جاءتهم رسلهم بالبینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۳

۳ پیامبرانِ بعد از حضرت نوح (ع) پس از رو به رو شدن با ایستادگی و تکذیب قومشان ، معجزات و براهین روشنی که شاهد صدق ادعایشان بود به مردم ارائه کردند .

ثم بعثنا من بعده رسلا إلی قومهم فجاءوهم بالبینت

<بینات> در این آیه می تواند شامل معجزات نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۷

۷ - معجزه ، راهی برای اثبات حقانیت رسالت و نبوت پیامبران

اذهب أنت و أخوک بَایتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۳،۶

۳ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ،

دو ملاک و معیار برای سنجش درستی ادعای رسالت و پیامبری در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حبیب نجار)

اتّبعوا المرسلین . اتّبعوا من لایسئلکم أجراً و هم مهتدون

۶ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ، دلیل درستی إدعای رسالت و پیامبری

اتّبعوا المرسلین . اتّبعوا من لایسئلکم أجراً و هم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۳

۳ - پیامبران ، دارای معجزات و دلایل روشن بر حقانیت رسالت خویش

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۳

۳ - رسولان الهی ، خود برهانی روشن بر حقانیّت مکتب خویش اند .

البیّنه . رسول من اللّه

دلایل حقانیت انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

دلایل حقانیت انذارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۲

۲ - سرگذشت هلاکت بار قوم ثمود ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

کذّبت ثمود بالنّذر . . . فکیف کان عذابی و نذر

کذّبت ثمود بالنّذر . .. فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان موضع تکذیب گرانه ثمودیان نسبت به

هشدارهای الهی; انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که <ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

دلایل حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شديدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دلایل حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ نابودی اقوام مشرک و فسادگر پیشین ، روشنگر حقانیت توحید و رسالت پیامبران الهی است .

قد جاءتکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۱،۱۳

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی اللّه . .. لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلک> متعلق به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ

بدر این بود که ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۶

۶ - نیایش شرک پیشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتاری و مصیبت ها ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت عقیده توحیدی

فإذا مسّ الإنسن ضرّ دعانا

برداشت یاد شده از آن جا است که مخاطبان آیه شریفه، مشرکان مکه هستند و این آیه، در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

دلایل حقانیت توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۶

۶ نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصایب ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا

روی سخن در این سوره با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلیلهای روشن توحید ربوبی و پوچی اندیشه شرک است.

دلایل حقانیت تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ،

از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصدقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوئیهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷،۸

۷ - قرآن ، محتوای تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصدقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصدقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهدی بر حقانیت تورات است . *

مصدقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصدقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است; یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

دلایل حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شديدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دلایل حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

دلایل حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۲ - خداوند ، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای

دلایل روشن است و مراد از آن

در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

دلایل حقانیت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

دلایل حقانیت عذابهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۲

۲ - سرگذشت هلاکت بار قوم ثمود ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

کذّبت ثمود بالنّذر . . . فکیف کان عذابی و نذر

کذّبت ثمود بالنّذر . .. فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان موضع تکذیب گرانه ثمودیان نسبت به هشدارهای الهی; انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که <ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید>.

دلایل حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۴

۴- فراوانی پیروان و سابقه تاریخی یک اندیشه ، دلیل حقانیت آن نیست .

قالوا وجدنا ءاباءنا . .. أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا به دست می آید که مردم بت پرست در پاسخ به اعتراض حضرت ابراهیم(ع)، مسأله سابقه تاریخی اندیشه بت پرستی

و فزونی پیروان اندیشه شرک را مطرح کردند; ولی حضرت ابراهیم(ع) با گمراه خواندن آنان و اجدادشان چنین استدلالی را مردود دانست.

دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدًی للمتقین

<هدًی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر (ص)

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

مقصود از <ءایات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلک

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

کلمهء ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیهء خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیهء فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیهء خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱۰

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نتنزّل إلاّ بأمر ربّک . .. و ما کان ربّک نسیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۶

۶- بررسی تاریخ و پیدایش

و زوال تمدن ها ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فإنّما یسّرنه. .. لتنذر به ... و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود وپیامبراسلام (ص)

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا فیه ذکرکم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی برآوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش; یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبراسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۶

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توبیخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و

<آیه> خبر <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد; یعنی، <أوَلم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوّتک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۴

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبراکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

خداوند در این آیه به دو مطلب اشاره فرموده است: ۱ تأیید حقانیت آنچه پیامبر(ص) آورده است (قرآن); ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبراکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۱

۱ - گذشت زمان و آینده بشریت ، بستر کشف حقانیت قرآن

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

طبق نظر مفسران، ضمیر در <نبأه> به قرآن بازمی گردد و مقصود از <نبأ> خبر حق بودن قرآن است; یعنی، به زودی خواهید فهمید که قرآن و گفته های آن، حق و مطابق با واقعیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۳

۳ - نشانه ها و دلایل حقانیت قرآن ، نهفته در متن طبیعت و اسرار وجود آدمی

سنریهم ءایتنا فی الأفاق . .. أنّه الحقّ

بنابراین که ضمیر <أنّه> به قرآن باز گردد، انطباق آیات مربوط به پدیده های طبیعی با واقعیت جهان طبیعت، نشانگر حقانیت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴،۷

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن كان من عند اللّه و كفرتم به و شهد شهد من بنى إسرءيل على مثله

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن

و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن ، متجلی در متن آن برای حق جویان

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

<بل لایؤمنون>; یعنی، اینان نمی خواهند ایمان بیاورند; و گرنه حقانیت قرآن و الهی بودن آن، بدان اندازه پنهان نیست که آنها درک نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هرگونه شک و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لایرتاب الذین أُوتوا الکتب و المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امرىء منهم أن یوتی صحفًا منشّره . .. کلّا إنّه تذکره

کلمه <کلّا>، تأکید مطلبی

است که در آیه پیش (کلاّ ـ بل لایخافون. ..) بیان شـده است; یعنی، قرآن کریم تـذکره است و اگر بنا بود که کافران به سـبب آن متـذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصـی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مضامینی روشن و دلایلی گویا ، بر صدق و درستی خویش

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

از این که ایمـان نیـاوردن به قرآن، امری شـگفت آور تلقی شـده است; می توان پی برد که راسـتی و درستی قرآن، آن چنـان روشن است که به اثبات از بیرون نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۶

۶ - دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إنّه لقول رسول . .. و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۶

۶ - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگانش

و اللّه یقضی بالحقّ . .. إنّ اللّه هو السمیع البصیر

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه هو السـمیع البصـیر>، در مقـام تعلیل برای جمله < واللّه یقضـی بالحقّ> می باشد.

دلایل حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ -

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إن فی ذلک لأیه

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الأخره> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إن فی ذلک لأیه>; یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحییناها و أخرجنا منها حبًّا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

دلایل حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

دلایل حقانیت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ -

۵ - نزول کتابی آسمانی بر موسی (ع) ، دلیلی بر حقانیت و تحقق لقاءاللّه است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا. .. و لقد ءاتینا موسی الکتب فلاتکن فی مریه من

احتمال دارد به قرینه سیاق مراد از <لقاء>، روز قیامت و معاد باشد و مرجع ضمیر در <لقائه> واژه <بعث> باشد که مستفاد از آیه های ده و چهارده است. بنابراین، معنا چنین می شود: <تو در لقای ربّ که قرآن درباره آن سخن گفته تردیدی به خود راه نده! چرا که قرآن حاوی مسأله لقای ربّ نازل شده از ناحیه کسی است که تورات را به موسی(ع) داده است.

دلایل حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از دلایل و معجزاتی روشن بر حقانیت رسالت خویش

و لقد أنزلنا إلیک ءایت بینت

چون سخن در این بخش از سوره درباره دعوت به رسالت پیامبر(ص) و قرآن است، می توان گفت متعلق <آیات بینات> (نشانه های روشن) راستی و درستی قرآن و رسالت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۴،۱۸،۱۹

۱۴ - خداوند ، نشانه های بسیاری را برای اثبات حقانیت پیامبر (ص) در اختیار مردم قرار داده است .

قد بیّنّا الأیت

<ال> در <الأیات> برای استغراق و شمول است و مقصود از آن در آیه شریفه، کثرت و فراوانی است.

۱۸ - آیات قرآن ، نشانه هایی روشن بر حقانیت پیامبر (ص) است .

قد بیّنّا الأیت

مراد

از <الأیات> می تواند همه نشانه هایی باشد که گواه بر راستی و درستی نبوت پیامبر(ص) است که بارزترین آنها، آیات قرآن می باشد و نیز منظور از آن می تواند خصوص آیات قرآن باشد.

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لایعلمون لولا . .. تأتینا ءایه ... قد بیّنّا الأیت لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۷،۸

۷ - تغییر یافتن قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نشانه های بیان شده در ادیان پیشین برای حقانیت پیامبر موعود

فول وجهک شطر المسجدالحرام . .. لئلا یکون للناس علیکم حجه

تعلیل <لئلا یکون . ..> گویای این است که: استمرار مسلمانان بر قبله سابق (بیت المقدس) موجب می شد که مخالفان اسلام علیه حقانیت پیامبر(ص) و مسلمانان احتجاج کنند. بنابراین باید تغییر قبله از نشانه های مطرح شده در کتابهای آسمانی پیشین، به عنوان نشانه ای بر حقانیت پیامبر موعود شمرده شده باشد.

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنائیه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند; بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل

می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشـمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۵،۶

۵ - تورات و انجیل ، حاوی شواهد و نشانه هایی بر حقانیت پیامبر (ص) و احکام و معارف اسلام هستند .

من بعد ما بینه للناس فی الکتب

برخی بر آنند که مراد از <الکتاب> تورات و انجیل و مقصود از <البینات و الهدی> دلایل و رهنمودهایی است که مردم را به حقانیت نبوت و احکام اسـلام هدایت می کنند. آیات گذشـته - که درباره کتمان حقانیت تغییر قبله بود - مؤید این احتمال است.

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۶

۶ کفرورزی، موجب انکار هر گونه معجزه و آیه (گواه حقانیت پیامبر) هر چند ملموس و قابل حس باشد.

و لو نزلنا علیک . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ عن أبی عبـداللّه(ع) قـال: هـذه الآـیه نزلت فی الیهود و النصـاری یقول اللّه تبـارک و تعـالی: <الـذین آتیناهم الکتاب یعنی التوراه و الإنجیل یعرفونه یعنی

رسول اللّه(ص) . .. لأن اللّه عز و جل قد أنزل علیهم فی التوراه و الإنجیل و الزبور صفه محمّد(ص) ... و مبعثه ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشرکان صدر اسلام دلیل روشن حقانیت پیامبر(ص) (قرآن) را تکذیب می کردند.

قل إنی علی بینه من ربی و کذبتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۵،۱۲

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانیت پیامبر(ص)

أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب مفصلا

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱

۱ آیات قرآن نشانه و معجزه ای برای حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و إذا لم تأتهم بایه

کلمه <آیه> به معنای نشانه و دلیل است و مراد از آن آیات قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۷

۷ قرآن ، معجزه و سند حقانیت پیامبر (ص) است .

أم یقولون افتریه . .. فإلّم یستجیبوا لکم فاعلموا أنما أُنزل بعلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود وپیامبراسلام (ص)

لقد أنزلنا إلیکم کتبًا فیه ذکرکم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد

به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی برآوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش; یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبراسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۶ - ۳

۳ - هماهنگی عمیق گفتار و کردار پیامبر (ص) ، نمود اصالت پیام های آن حضرت

و أنّهم یقولون ما لایفعلون

خداوند تبارک و تعالی در مذمت شاعران، سرگردانی و دوگانگی گفتار و رفتار آنان را مطرح ساخته است; تا انسان ها در پیام وحی و سخنان و کردار پیامبر(ص) بیندیشند و از هماهنگی گفتار و کردار آن حضرت، به واقعیت و اصالت آن پیام پی برده و دریابند که قرآن وحی آسمانی است، نه بافته هایی شعرگونه و وهمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۲

۲ - قرآن ، دلیل صدق و گواه راستی رسالت پیامبراسلام است .

و القرءان الحکیم . إنّک لمن المرسلین

برخی از مفسران برآنند که میان آیه شریفه و آیه قبل، ارتباط نزدیکی وجود دارد; بدین صورت که هر دو آیه درصدد اثبات راستی رسالت پیامبراسلام(ص) از راه قرآن می باشند; منتها این حقیقت در قالب سوگند بیان شده است و انتخاب این قالب، صرفاً برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به این امر مهم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۴

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبراکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

خداوند در این آیه به دو مطلب اشاره فرموده است: ۱ تأیید حقانیت آنچه پیامبر(ص) آورده است (قرآن); ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبراکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبراکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بیّنت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبراکرم(ص) باشد; که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۴

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران پیشین ، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد; یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است; بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد; یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست; بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۷

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن ، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إلیک . .. یستمعون القرءان ... إنّا سمعنا کتبًا أُنزل من بعد موسی ... یهدی

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیر استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند; نه بر معجزه و نظائر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۷ - ۸

۸ - دعوت مردم از سوی پیامبر (ص) به تسلیم و انقیاد در برابر خداوند و نه فراخوانی آنان به اطاعت خویش نشانه حقانیت او است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّه . .. و هو

يدعى إلى الإسلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۲

۲ - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل يريد كلّ امرىء منهم . .. كلّا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل يريد كلّ امرىء منهم أن يوتى صحفًا منشّره . .. كلّا إنّه تذكره

کلمه <کلّا>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلّا بل لایخافون. ..) بیان شده است; یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

دلايل حقانيت معجزه موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۷

۷ - بلعیده شدن سِحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سِحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فى يمينك تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا كيد سحر

جمله <إنّما صنعوا. ..> تعلیل برای <تلقف> است; یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

دلايل

حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ موسی (ع) ، برخوردار از دلایلی فراوان بر حقانیت رسالت خویش

ثم بعثنا من بعدهم موسی بئایتنا

کلمه <آیات> به معنای علامتها و نشانه هاست و از مصادیق آن به قرینه <بعثنا>، نشانه های راستی و درستی بعثت موسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ موسی (ع) برای اثبات رسالت الهی خویش برخوردار از دلیلی روشن بود .

قد جئتکم ببینه من ربکم

<با> در <ببینه> به معنای مصاحبت است. بنابراین جمله <قد جئتکم ببینه> یعنی من با دلیلی روشن به سوی شما آمدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ سفید گشتن دست موسی (ع) پس از نمایان ساختن آن ، دومین معجزه موسی و آیتی برای حقانیت رسالت او

و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۲

۲- دعوت حضرت موسی (ع) ، همراه با دلایل روشن (معجزات گویا) بر حقانیت رسالتش بود .

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۴

۴ - بینات (دلایل روشن) موسی (ع) ، برهان هایی واضح بر حقانیت او و باطل بودن ادعا های فرعون

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البیّنت

دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۷

۷ - مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ینطق علیکم بالحقّ إنّا کنّا نستنسخ

<إنّا کنّا. ..> در مقام تعلیل است و تکرار ضمایر متکلم و نیز تأکید به وسیله <إنّ>، مطلب بالا را افاده می کند.

دلایل حقانیت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن کان کبر علیکم مقامی . .. فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلی اللّه توکلت> بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم> بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

دلایل حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ أَوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء

دلایل حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل راه نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون

تعبیر <مثل أنّکم تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را در حقیقت می بیند; پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

دلایل حقانیت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۵

۵ عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان ، برای از میان بردن هود (ع) ، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فکیدونی جمیعًا ثم لاتنظرون

<فاء> در <فکیدونی> فصیحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه <إن نقول إلاّ اعتریک ...> چنین است: <إن کان کما تقولون فکیدونی ...; اگر بتها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید>.

ذکر حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۴

۴ - توجّه به حقانیت مواضع

عقیدتی خویش ، موجب تقویت روح صبر و بردباری در مسیر عقیده و دفاع از آن

فاصبر . .. إنّهم یرونه بعیدًا . و نریه قریبًا

از یادآوری مسأله حقانیت معاد برای پیامبر(ص) پس از توصیه به ایشان مبنی بر صبر و مقاومت در انجام رسالت مطلب یاد شده، استفاده می شود.

رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵،۱۷

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک . ..> تک تک انسانهاست.

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند ، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات ، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است .

أفمن کان علی بیّنه . .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

زلیخا و حقانیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست .

قالت امرأت العزیز الئن حصحص الحق

<حصحصه> (مصدر حصحص)

به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زمینه ظهور حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۶

۶- تاریخ ، بستری برای ظهور و تجلی حقانیت دین الهی است .

فتربّصوا فستعلمون من أصحب الصرط السویّ

مطرح ساختن آینده به عنوان زمان ظهور قطعی حقایق، بیانگر این نکته است که بستر تاریخ ظرفی مناسب برای احقاق حق است که حقایق را به تناسب حوادث، به منصه ظهور می رساند.

زمینه فهم حقانیت انذارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۳

۳ - تفکر در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راهگشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۵

۵ - اندیشه در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راه گشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۴

۴ - تفکر در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راه گشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

زمینه فهم حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۵

۵ - دانش بشر و دریافت های علمی او ، در پهنه طبیعت و وجود انسان ، هموارکننده راه درک حقانیت

پیام وحی

سنریهم ءایتنا فی الأفاق و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

خداوند حقایقی را در قرآن در مورد انسان مطرح نموده است. از انطباق آن با واقعیت وجودی انسان، حقانیت قرآن آشکار می گردد.این برداشت در صورتی است که ضمیر در <أنّه>، به قرآن باز گردد.

سوگند بر حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبراسلام

إنّک لمن المرسلین

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . فَوَربّ السّماء و الأرض إنّه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنّه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

شک در حقانیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجئتنا بالحقّ أم أنت من اللّعبين

شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳ - منافقان صدراسلام ، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام ، در شک و تردید به

سر می بردند .

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شک در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیراً. ..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ اللّه من یشاء و یهدی من یشاء

شک در حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳ - منافقان صدراسلام ، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام ، در شک و تردید به سر می بردند .

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شناخت حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه .

.. و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

شناخت حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ آگاه شدن از قرآن و محتوای آن ، آدمی را به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) راهنمایی می کند .

کفی بالله شهیدًا . .. و من عنده علم الکتب

ظهور حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اِخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یودّ الذین کفروا . .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۹

۹- حقانیت اسلام و وعده های الهی ، برای همیشه مخفی نمی ماند و در آینده نزدیک برای همگان روشن خواهد شد .

فتربّصوا فستعلمون من أصحب الصرط السویّ

علم به حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت

خداوند است .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ و یعلمون أنّ اللّه ه

جمله <و یعلمون. ..> عطف بر <یوفّیهم> است و مقصود از <یومئذ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد ...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند.

بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

علم به حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

علمای اهل کتاب و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیدًا . .. و من عنده علم الکتب

فرعون و حقانیت مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۷

۷ فرعون ، هنگام غرق شدن ، به حقانیت دین موسی (ع) و بنی اسرائیل و باطل بودن آیین خود ، اعتراف کرد .

حتی إذا أدرکه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذی ءامنت به بنوا إسرءیل

فرعون

و حقانیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۷

۷ فرعون ، هنگام غرق شدن ، به حقانیت دین موسی (ع) و بنی اسرائیل و باطل بودن آیین خود ، اعتراف کرد .

حتی إذا أدرکه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذی ءامنت به بنوا إسرءیل

کافران و حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اِخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یودّ الذین کفروا . .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

کتمان حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۷،۱۲

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. فهم لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب . .. و من أظلم ممن افتری علی اللّه کذبا أو کذب بایته

در آیه قبل سخن از تکذیب پیامبر(ص) بود و این آیه در مقام هشدار به تکذیب کنندگان آن حضرت است. چرا که وی

مصداقی روشن برای آیات الهی است.

گواه حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ أَوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء

گواهان حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدّق المرسلین

گواهان حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعا های خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

جمله <ربّنا یعلم> (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند <شهد اللّه> و <علم اللّه>) در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

گواهان حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامد های این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

و أناْ علی ذلکم من الشهدین

گواهان حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲،۵،۱۱

۲ قرآن ،

خود دلیل و شاهدی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربک> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوّ> (مصدر یتلو) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَن> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه>; یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بیّنه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه . .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از

بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، خود گواه حقانیت خویش *

و القرءان المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهدبود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهان حقانیت محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . .. ان یدخلنا ربنا مع القوم

الصلحین

جمله <نطمع ان یدخلنا . ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهان حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۲

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳،۴

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

۴ ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی ربک

<إتیان> در جمله <یأتی ربک> به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۷

۷ برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ،

به خوبی درمی یابند .

أفمن کان علی بیّنه من ربه. ..ومن قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

گواهی بر حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۷،۱۶

۷ گواه طلبی مشرکان از پیامبر(ص) در تأیید رسالت آن حضرت*

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه شهید بینی و بینکم

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل اللّه شهید بینی و بینکم و أوحی إلیّ هذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا

<قبلا> در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۶

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر

(ص)

أو تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

<قبیلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

محمد(ص) و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهدی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن کان علی بیّنه من ربه . .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من کان علی بیّنه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتک ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

مسیحیان و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

مسیحیان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الـذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فاثبهم اللّه بما قالوا جنت

مشرکان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱،۲،۶،۹

۱ - مشرکان ، خواهان گفتگوی مستقیم خداوند با آنان درباره حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه

آیه بعد (انا ارسلنا بالحق . ..) دلالت بر آن دارد که پیشنهاد اعتراض آمیز مشرکان (لولا یکلمنا اللّه; چرا خدا با ما سخن نمی گوید) درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۲ - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر (ص) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذین لایعلمون لولا . .. أو تأتینا ءایه

۶ - مشرکان ، آیات و نشانه های رسالت پیامبر را نادیده گرفته مدعی نبودن هیچگونه نشانه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذین لایعلمون لولا . .. أو تأتینا ءایه

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

مکذبان حقانیت محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعیِ نبود معجزه و آیتی بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

مکذبان حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

ملاک حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حقّانیّت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظنّ الجاهلیّه . .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۵

۱۵ گرایش و عدم گرایش اکثریت مردم به چیزی ، ملاک حقانیّت یا عدم حقانیّت آن نیست .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۳

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) الگو و مقتدای انسان ها و سیر و سلوک او ، معیار حق و درستی رفتار آنهاست .

فمن تبعنی فإنه منّی و من عصانی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) اطاعت و عصیان از فرمانهای خود را ملاک ارزش و خوبی قرار داد و خداوند نیز این نکته را در مقام

تحسین از او بیان فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقانیّت حق ، بی تأثیر است .

الحقّ من ربّکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ - فرجام امور ، از ملاک های درستی و نادرستی آنها است .

أوَ لو کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب السعیر

توجه دادن به فرجام راه شیطان و طرح آن با استفهام انکاری، نشان دهنده این نکته است که بدی و یا خوبی عاقبت کار، خود ملاکی بر درستی و یا نادرستی آن کار است.

ملاک حقانیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۷

۱۷ - گفتار ها و اظهار نظر ها ، وقتی متقن و پذیرفتنی است که مطابق با واقع و حق باشد .

ذلکم قولکم بأفوهکم و اللّه یقول الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۴

۴ - باید قسط و عدالت ، ملاک اظهار نظر و سخن گفتن باشد .

ادعوهم لأباءهم هو أقسط عند اللّه

ملاک حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۴

۴ مطابقت اعمال و عقاید آدمی با حق نشانه وزین و ثقیل بودن آن عقاید است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه فأولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - تعالیم دین ، معیار حقانیت و بطلان باور ها و اعمال است .

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین احتمال که عطف <المیزان> بر <الکتاب> تفسیری بوده و مراد از <الکتاب> دین باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ملاک حقانیت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۴

۴ مطابقت اعمال و عقاید آدمی با حق نشانه وزین و ثقیل بودن آن عقاید است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه فأولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - تعالیم دین ، معیار حقانیت و بطلان باور ها و اعمال است .

أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

بنابراین احتمال که عطف <المیزان> بر <الکتاب> تفسیری بوده و مراد از <الکتاب> دین باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ملاکهای حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۳

۱۳ زیبا جلوه کردن کارها نشانه حقانیت و درستی آنها نیست.

فیسبوا الله عدوا بغیر علم کذلک زینا لکل أمه عملهم

جاهلانه بودن اعمال مشرکان، در عین زیبا جلوه نمودن آن برای آنها، نشانگر آن است که جلوه های زیبا نشان حقانیت و درستی چیزی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۳،۱۱

۳ ممنوعیت اطاعت رهبران دینی در آنچه بیرون از فرمان و رضایت خداست .

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه

۱۱ اطاعت از رهبران دینی ،

درآنچه بیرون از فرمان و رضایت خدا باشد ، شرک است .

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون اللّه . .. سبحنه عما یشرکون

خداونـد اهل کتاب را به خاطر اینکه رهبران دینی خود را به جای خـدا <رب> قرار می دادنـد و از آنان اطاعت می کردنـد، محکوم کرده و آنان را مشرک خوانده است. بنابراین رب قرار دادن رهبران دینی و اطاعت از آنان به جای اطاعت از فرمانهای الهی، شرک خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۶

۶ حق ، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

ملاکهای حقانیت احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد .

الحق من ربک

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد، مقصود اصلی احکام و معارف است.

ملاکهای حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هوا های نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند .

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءک من العلم إنک إذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد

.

الحق من ربک

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد، مقصود اصلی احکام و معارف است.

ملاکهای حقانیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۶

۶ - حق و باطل ، ملاک گزینش و یا عدم گزینش معبود است .

ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ و أنّ ما یدعون من دونه البطل

تعلیل در آیه، به این که <خداوند حق است و معبودان دیگر، باطل اند>، نشان دهنده این است که حق و باطل، ملاک و معیارند.

منافقان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۳

۳ حقانیت پیامبر (ص) و ارتباط او با وحی ، امری ثابت شده برای منافقان

یحذر المنفقون أن تنزل علیهم سوره تنبئهم بما فی قلوبهم

بیم منافقان از افشای اسرارشان به وسیله قرآن، تلویحاً می رساند که آنان ارتباط پیامبر(ص) با وحی را امری مسلّم می شمردند.

منشأ حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۲

۲ - حقانیّت دین ، وابسته به انتساب آن به خداوند است .

البیّنه . .. من اللّه

نشانه های حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۴

۴ حشر آدمیان به سوی خداوند، نشانه ای از حقانیت آفرینش و راه نداشتن بیهودگی در آن است.

و هو الذی إلیه تحشرون. و هو الذی خلق السموت و الأرض بالحق

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۷

۷ – آفرینش انسانِ زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم

نشانه های حقانیت اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۵ – ۵

۵ – هم آوایی و هماهنگی ادیان آسمانی در دعوت به توحید ، از نشانه های صدق مکتب توحیدی اسلام

و سئل من أرسلنا

نشانه های حقانیت انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۸ – ۱۹

۱۹ ایمان و اعتقاد پیامبران به خدا و محتوای پیام های خویش ، نشانه صداقت آنان در ادعای نبوت و رسالت است .

رسوله . .. الذی یؤمن باللّه و کلمته

توصیف پیامبر(ص) به اینکه خود به محتوای پیامهای خویش ایمان داشت، می تواند به منظور دلیلی بر صدق رسالت او ایراد شده باشد.

نشانه های حقانیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۳ – ۷

۷ – جهان آفرینش و دنیای درون انسان ، کانون تجلی حقانیت خداوند است .

سنریهم ءایتنا . .. و فی أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی براین است که ضمیر <أنّه> به خداوند باز گردد.

نشانه های حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

و قالوا .

.. تهتدوا قل بل مله إبرهيم حنيفاً و ما كان من المشركين

جمله <و ما كان من المشركين> در حقيقت بيان علت گزينش آيين ابراهيم، اعلام شايستگى آن براى پيروى و دليل هدايت بخشى آن است; يعنى، به اين دليل كه ابراهيم مشرك نبود و آيين او به شرك آميخته نبود، بايد پيروى شود و به همين دليل آيين او آيينى هدايت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- پيشرفت اقتصادى و اجتماعى و بهبود آن ، الزاماً نشانه حقانيت يک انديشه و آيين نيست .

أىّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

نشانه های حقانيت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ - بهترين و برترين سخن ، نشانه حقانيت آن و الزام آور براى انسان

الذين يستمعون القول فيتّبعون أحسنه . .. و أُولئک هم أُولوا الألبب

توصيه خداوند به اهل ايمان مبنى برگزيدن و پيروى كردن بهترين سخن، بيانگر اين حقيقت است كه هرگاه مؤمنان به چنين سخنى دست يافتند، براى آنان حجت و الزام آور خواهد بود.

نشانه های حقانيت عقيده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- پيشرفت اقتصادى و اجتماعى و بهبود آن ، الزاماً نشانه حقانيت يک انديشه و آيين نيست .

أىّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

نشانه های حقانيت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۷

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی ، تبلور حقانیت

بی چون آن است .

قل جاء الحقّ . .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لایأتون بمثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا . .. حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <أنّه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ امی بودن پیامبر (ص) (درس نخواندن و خط ننوشتن) نشانه حقانیت رسالت او و علامتی پیشاروی اهل کتاب برای شناسایی او به پیامبری و رسالت

الرسول النبی الأمّی الذی یجدونه مکتوبا عندهم

جمله <یجدونه . .. > راهنمای این معناست که صفات ذکر شده در آیه، نشانهایی است که خداوند برای اهل کتاب بیان داشته تا به وسیله آنها پیامبر موعود را شناسایی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۷

۱۷ امی بودن (درس نخواندن و خط ننوشتن) پیامبر ، نشان صداقت وی در ادعای رسالت

فامنوا باللّه و رسوله النّبیّ لامّی

بر اساس این احتمال که توصیف پیامبر(ص) به امی بودن به منظور استدلال بر حقانیت او ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸۶ – ۱۰

۱۰ – نداشتن چشمداشت مادی از مردم

در امر رسالت و بی تکلف و تصنع بودن پیامبراسلام (ص) ، نشانه حقانیت آن حضرت است .

قل ما أسئلکم علیه من أجر و ما أنا من المتکلّفین

از آیه بعد که قرآن را تنها مایه ذکر برای جهانیان معرفی می کند (إن هو إلاّ ذکر للعالمین)، استفاده می شود که آیه مورد بحث با طرح مسأله نداشتن چشم داشت مادی و بی تکلف بودن پیامبر اسلام(ص) درصدد اثبات رسالت و راستی آن حضرت است.

نشانه های حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۳،۶

۳ هر یک از عذاب های نازل شده بر فرعونیان به تنهایی آیت و نشانی بر حقانیت رسالت موسی بود .

فأرسلنا علیهم . .. ءایت مفصلت

جمع آوردن کلمه <ءایت> دلالت دارد که هر کدام از عذابهای ذکر شده به تنهایی آیت و نشان حقانیت موسی بوده است.

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۴

۴ - < معجزه > نشانه ای الهی بر حقانیت رسالت و پیام توحیدی موسی (ع)

فلمّا جاءهم بایتنا

در قرآن به جای واژه <معجزه>، <آیت و نشانه> به کار رفته است که بیانگر مطلب یاد شده است.

وضوح حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ،

علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم . .. الشیطن سوّل لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الذین ارتدّوا. ..> اهل کتاب باشند; زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسمانی و وعده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقانیت اسلام و قرآن بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - دین اسلام ، استوار بر برهانی روشن ، رسالتی الهی و کتابی آسمانی و پاک

تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

وضوح حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا باللّه و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

وضوح حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان

به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب . ..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۷

۷ حقانیّت قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

نابینا خواندن کسانی که حقانیّت قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقانیّت قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است ; چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

وضوح حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۳

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

ألیس اللّه بأحکم الحکمین

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد

آیه است.

وضوح حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب . ..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق ، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون . .. إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون

بنابراین که ضمیر <إنّه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- یقین به حقانیّت وعده های خداوند و باور به معاد ، تکلیفی

الهی و معرفتی ارجمند است .

أعثرنا علیهم لیعلموا أنّ وعد اللّه حقّ و أنّ الساعه لا ریب فیها

یهود و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الـذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الـذین من قبلهم> قرار گرفته انـد. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الـذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

حقایق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقایق

آثار حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۹

۹ حقایق پیراسته از هر گونه باطل ، استوار سازنده دل و آرامش دهنده خاطر است .

ما نثبت به فؤادک و جاءک فی هذه الحق

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان عبارت <ما نثبت به فؤادک> و جمله <جاءک فی هذه الحق> است.

آثار درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتیِ گناه ،

باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و . . .) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار ذکر حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶،۱۷

۱۶ - ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ اللّه من یشاء و یهدی من یشاء

۱۷ - ازدیاد و تقویت ایمان اهل کتاب و مؤمنان ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از هدایت گری خداوند

کذلک . .. و یهدی من یشاء

آثار ذکر ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۴

۴ - توجّه به ظهور حقایق در قیامت ، بازدارنده انسان از تلاش برای پیروزی بر حریفان ، در مسابقه ثروت و مقام

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ کلّا سوف تعلمون

آثار ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

جمله <تستجیبون بحمده> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست; بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

آثار یقین به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۳

۳

- شناخت حقایق در حد یقین ، مانع سرگرمی به تفاخر و برتری جویی

کلّا لو تعلمون علم الیقین

به قرینه آغاز سوره، می توان گفت: جواب <لو> محذوف است. در نتیجه مفاد آیه این می شود که اگر به حد <علم الیقین> عالم می شدید، آن دانش، مانع فخرفروشی و مباهات شما می شد; بلکه اگر جمله <لترونّ الجحیم> (در آیه بعد) را جواب <لو> بدانیم، بازهم می توانیم این نکته را از آیه شریفه به دست آوریم.

ابزار درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- تفکر ، از ابزار شناخت و درک حقایق است .

و لعلّهم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ - تفکر و اندیشه وسیله درک درست حقایق الهی

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

ابزار کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۵

۵ تفکر ، روشی ارزشمند در راهیابی به حقایق

أو لم یتفکروا

ابلاغ حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، معارف غیبی را در انحصار خود قرار نمی داد و از آموختن آن به دارندگان شرایط ، امتناع نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

اختفای حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۵

۵ - در قیامت نیز برخی حقایق برای گروهی از مردم مخفی می

ماند .

يتخفتون بينهم إن لبثتم إلّاعشرًا

جمله <يتخافتون> دلالت می کند که مفاد <إن لبثتم إلّا عشراً> محور صحبت مجرمان بوده است; نه این که بر آن اتفاق نظر داشته باشند و ارائه نظرهای گوناگون، حاکی از مشخص نبودن حقیقت برای برخی از آنان است.

ادراک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۳

۳ - اندیشه بشر ، ناتوان از درک برخی حقایق عالم

إذ يغشى السدره مايغشى

از این که پوشش <سدره المنتهی>، به صورت مبهم (آنچه می پوشاند) آمده است; مطلب بالا استفاده می شود.

ادراک حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۶

۶ - وجود حقایقی در عالم ، فراتر از فکر و اندیشه آدمی

بل أحياء و لكن لاتشعرون

ارزش علم به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۸

۸ علم به حقایق هستی از ارزش های والاست .

إنى أعلم مالاتعلمون. و علّم ءادم الأسماء كلها

اظهار حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

اهمیت تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۵

۵- تبیین حقایق ، امری بس مهم و شایسته اقدام

لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

از

اینکه خداوند از جمله دلایل وقوع قیامت را تبیین حقایق معرفی می کند، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۴

۴ - ضرورت تبیین و توضیح حقایق ، قبل از تهدید و انذار

قل أئنّکم لتکفرون . .. فإن أعرضوا فقل أنذرتکم

اهمیت درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۹

۱۹- انسان ، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <إنه کان حلیماً غفوراً> تهدید مشرکان به خاطر نیندیشیدن درباره تسبیح موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اِشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

اهمیت درک حقایق اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ خداوند ، خواهان درک عمیق انسان ها نسبت به حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

برداشت فوق مستفاد از به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است می باشد.

اهمیت شناخت حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

اهمیت ظهور حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۷

۷- آشکار شدن حق در امور اختلافی و برطرف شدن اختلاف ها ، از جمله حکمت های بعثت

انبیا

و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

برداشت یاد شده بر این اساس است که <لام> تعلیل در <لیبیّن> تعلیل آیه <و لقد بعثنا فی کلّ أُمّه رسولاً> باشد. فعل مضارع <یختلفون> که دلالت بر زمان حال می کند می تواند قرینه ای باشد بر اینکه تبیین در همین دنیاست.

بیان حقایق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۸

۸ - بیان حقایق کتاب های آسمانی ، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است .

إن الذین یکتمون . .. أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

پوچ انگاری حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۳

۳- جدی نگرفتن پیام های وحی و بازی انگاشتن حقایق ، درپی دارنده کیفری سخت و حتمی

بل هم فی شکّ یلعبون . .. یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۹

۹ قرآن ، روشن و روشنگر و بیان کننده حقایق است .

قد جاءکم من اللّه نور و کتب مبین

بنابر اینکه مراد از نور و کتاب، قرآن باشد. ارجاع ضمیر مفرد <به> در آیه بعد، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۴

۴ عدم تبیین برخی حقایق از سوی خداوند ، به مصلحت جامعه انسانی است .

لاتسئلوا عن

اشیاء ان تبدلکم تسؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ بیانگر حق و پندآموز بودن و یادآور شدن حقایق و معارف الهی ، معیار ارزشمندی داستان ها و سرگذشت پیشینیان

جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری للمؤمنین

تبیین حقایق بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۸

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءک فی هذه الحق

تحقیق از حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- لزوم کنکاش برای به دست آوردن ویژگی های انبیا و حقایق دین

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

متعلق <لاتعلمون> محذوف است و به قرینه صدر آیه، می تواند انبیا و ویژگیهای آنان باشد و چون بحث از انبیا و عقیده به آن، از جمله معارف دینی است، می توان استفاده کرد که سایر مسائل دینی هم مشمول آن است.

تشبیه حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۰

و أحيينا به . .. كذلك الخروج

مسأله معاد از امور غیبی است; یعنی، حقیقت آن اکنون بر بشر نامعلوم است. ولی خداوند برای نزدیک کردن این معرفت غیبی به ذهن بشر، نمونه های مثالی از آن را در جهان طبیعت قرار داده

است تا راه درک آن را هموارتر سازد.

تعلیم روش کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۳

۳ خداوند ، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

تمثیل در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

تنوّع بیانی در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۲

۲ نقش مهم تنوّع و گوناگونی بیان در تبیین حقایق

و کذلک نصرف الأیت . .. لنبینه لقوم یعلمون

تنوع در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۴

۴- تبیین حقایق و تفهیم آنها به توده های بشری ، نیازمند بهره گیری از بیان ها و شیوه های گوناگون است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

تهمت کتمان حقایق به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

تکویر - ۸۱ - ۲۶ - ۳

۳ - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهّماتی باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

جایگاه درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۷

۷ - قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۳

۳ - قلب ، جایگاه رؤیت حقایق نامحسوس

ما کذب الفؤاد مارأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ - دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جهل به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و

دستیابی به همه حقایق عالم

فلیرتقوا فی الأسبب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <لیرتقوا> در تعجیز به کار رفته است; یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید; ولی هرگز نمی توانید.

حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷ - وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۷

۷ جهان آفرینش ، افزون بر موجودات آشکار و شهودی ، دارای حقایق نهان و غیبی

یعلم السرّ فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۹

۹ - جهان هستی ، متشکل از حقایق غیبی و ناشناخته و امور محسوس و شناختنی

علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۳

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر

انسان ها است .

إنّه علیم بذات الصدور . ألا یعلم من خلق

عبارت <ألا یعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان

ها است; یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - وجود پدیده ها و حقایق نادیدنی و شناخته نشدنی در جهان برای بشر

و ما لاتبصرون

۳ - جهان هستی ، دارای پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی و ناپیدا و ناشناختنی

فلاأُقسم بما تبصرون . و ما لاتبصرون

حقایق تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۱

۱ خداوند ، بیانگر راستین حقایق تورات ، در مورد خوردنی های حلال و حرام

کلّ الطعام کان . .. قل صدق اللّه

حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۲،۶

۲ - وجود حقایقی پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

۶ - آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم بـذات الصدور> در مقام تعلیل برای <إنّ اللّه عالم غیب. ..> می باشد; یعنی، چون خداوند به

نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

حقایق غیر قابل ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۵،۶

۵ - اندیشه ها ، از درک زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحیاء و لکن لاتشعرون

۶ - وجود حقایقی در عالم ، فراتر از فکر و اندیشه آدمی

بل أحیاء و لکن لاتشعرون

حقایق ناشناخته آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - وجود پدیده ها و حقایق نادیدنی و شناخته نشدنی در جهان برای بشر

و ما لاتبصرون

۳ - جهان هستی ، دارای پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی و ناپیدا و ناشناختنی

فلاأقسم بما تبصرون . و ما لاتبصرون

حقایق نامرئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۳

۳ - نیروی نگهدارنده آسمان ها (جاذبه) نمونه ای از حقایق موجود ، اما نامرئی برای بشر است .

بغیر عمد ترونها

قید <ترونها> می تواند احترازی باشد. در این صورت، عبارت اِشعار دارد به این که نیرویی (ستون مانند) آسمان ها را نگه می دارد و لکن قابل مشاهده نیست.

حیا در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۴

۴ - شرم و حیا نباید آدمی را از بیان حقایق دینی باز دارد .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه

افعال خداوند از منبع لایزال علم و حکمت، صادر گردیده است و آنچه از افعال خداوند در قرآن بیان گردیده برای ماقابل تأسی است (جز مواردی که ممکن نیست مانند <خلق>). بر این اساس از جمله <لایستحیی> می توان این درس را گرفت که: در بیان حقایق نباید از چیزی شرم کرد.

خفای حقایق در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۶

۱۶- مخفی ماندن برخی از حقایق و مسائل مورد اختلاف انسان ها ، در دنیا

و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

تردیدی نیست که حق در پاره ای از مسائل مورد اختلاف مردم در دنیا روشن است. بنابراین تبیین حقایق مورد اختلاف در قیامت، مربوط به مسائلی است که حق در آنها روشن نیست.

درک حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸- چشم های نابینا در برابر حق

، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنّم . .. الذین ... کانوا لایستطیون سمعًا

دعوت به درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۶

۶ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن معارف و حقایق و توجه داشتن به آنها

أفلاتذکّرون

متعلق <تذکّرون> می تواند مطلق حقایق و معارف باشد و می تواند خصوص حقایقی باشد که در آیه مورد بحث بود. برداشت فوق براساس احتمال اول است. قابل ذکر است که استفهام در <أفلاتذکّرون> به داعی امر و ترغیب ایراد شده است; یعنی، حقایق را بفهمید و بدانها توجه داشته باشید.

ذکر حقایق تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۱،۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین أنها لکم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد

که مشرکان پیروز شوند ; ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد ; و چنین شد.

۱۱ لزوم یادآوری حقایق آموزنده تاریخ

إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین

روش اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۷

۷- سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

روش تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۲،۳

۲ - خداوند ، در تبیین برخی حقایق ، حشره ای چون پشه و بزرگتر از آن را در مثل های قرآنی به کار برده است .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه فما فوقها

گفتنی است که در لسان العرب آمده است: بعوض از خانواده مگسهاست و بعوضه مفرد آن است.

۳ - خداوند در تبیین حقیقت از تمثیل به حشره ای همانند پشه ، پروا و شرمی ندارد .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه فما فوقها

<استحیاء> از <حیاء> به معنای خجالت کشیدن و شرم کردن است و <بعوضه> به معنای پشه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای

هدایتی قرآن

قل أغیر اللّه . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۸

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ خداوند برای تبیین حقایق مثل های فراوان می آورد .

کذلک یضرب الله الأمثال

ادات عموم مانند <کل>، <ال> جنس که بر جمع داخل شود و . .. گاهی برای استغراق حقیقی است و گاهی حاکی از کثرت و فراوانی است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود. به نظر می رسد معنای دوم از <الأمثال> اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۳

۱۳- مردم ، باید برای فهم و کشف حقایق به پیامبراکرم (ص) مراجعه کنند .

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون . .. و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۹ – ۴

۴- تبیین حقایق و تفهیم آنها به توده های بشری ، نیازمند بهره گیری از بیان ها و

شیوه های گوناگون است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۲

۱۲- تفهیم حقایق غیبی با بهره گیری از امور حسی ، سبکی مفید و اسلوبی قرآنی است .

أعثرنا علیهم لیعلموا . .. أنّ الساعه لاریب فیها

آموختن حقانیّت معاد با نشان دادن بیداری اصحاب کهف پس از خوابی دراز مدّت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱

۱- پیامبر ، وظیفه دار استفاده از تمثیل برای بیان حقیقت زندگی دنیا و ناپایداری آن است .

و اضرب لهم مثل الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۲

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبیه و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده

است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <و اضرب لهم مثلاً رجلین> در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکرِ شبیه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

- ۳۴ - ۵

۵ - بهره گیری از حوادث و نمونه های تاریخی به منظور قابل فهم کردن حقایق ، روشی در تبلیغ و هدایت

و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم

تردیدی نیست که یاد کردن حوادث و نمونه های تاریخی در قرآن، برای درک بهتر حقایقی است که خداوند در صدد بیان آنهاست. بنابراین می توان از این یاد کرد، روش تبلیغ و هدایت مردم به حقایق را آموخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶ - استفاده از تشبیه ، برای بیان کردن حقایق ، از روش های بیانی قرآن است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۴

۱۴ - انتخاب ملموس ترین مثال ، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی ، شیوه بیانی قرآن کریم است .

ألم تر أنّ اللّه یسبّح له . .. و الطیر صفّت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه شریفه، پرندگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و اندامشان، مورد تمثیل قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۴

۴ قرآن ، حاوی دلایل گوناگون و همراه با اسلوب ها و شیوه های مختلف بیانی در ارائه حقایق به مردم

و لقد صرّفنه بینهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر مفرد غایب در <صرّفناه> به قرینه آیات متعددی که در این سوره، از جمله آیه

نخست و دو آیه بعد (و جاهدهم به جهاداً کبیراً) آمده است قرآن باشد. بر این اساس مقصود از <صرّفناه> یا تغییرات موجود در اسلوب بیانی و شیوه ارائه مطالب قرآن است یا مراد دلایل گوناگونی است، که قرآن بر اثبات ادعاهای خود آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۸

۸ - طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۸

۸ - تبیین حقایق و معارف والا ، با بیانی ساده و همه فهم ، روش هدایتی قرآن

و الذی نزّل . .. فأنشرنا به بلده میتًا کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۶

۶ - روش وحی ، تبیین حقایق با منطق و دلیل روشن و نه الزاماً ارائه نمود های حسّی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت . .. قالوا ائتوا بابائنا

از این که خداوند، پس از بیان دلایلی روشن، به درخواست مشرکان مبنی بر ارائه نمودهای محسوس ترتیب اثر نداده است، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۲

۲ - لزوم استفاده از شیوه های مختلف تمثیلی و داستانی ، برای تفهیم حقایق به مردمان

إنّه لحقّ مثل ما أنّکم تنطقون . هل أتیک حدیث ضیف إبرهیم

برداشت

یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه قبل، از تمثیل و در این آیه از بیان سرگذشت میهمانان گرامی ابراهیم(ع) در جهت حقانیت وعده های خویش بهره جسته است.

روش درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۱

۲۱- تفکر و اندیشهورزی در طبیعت ، از راه های خداشناسی و درک حقایق هستی است .

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - اندیشه و فکر از راه های رسیدن به حقیقت است .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه

روش فهم حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۷

۷ - پرسش و جستجو از حقیقت ، راهی برای درک آن است .

بکم . .. فهم لایعقلون

روش کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

زمینه تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۷

۷ - استفاده از پرسش برای ایجاد ذهنیت مساعد جهت تفهیم حقیقت به مخاطب ، از روش های تربیتی قرآن کریم

قل من یرزقکم من السموت و الأرض قل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۱

- ۲۱

گذشت زمان ، روشنگر برخی از حقایق و حل کننده بعضی از مشکلات ناپیدا برای بشر

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در فرصت عدّه، حقایقی همچون بدی ها و ضررهای جدایی و تنهازیستی روشن می شود و نیز همسران به عیب های خویش پی می برند و همین موجب رجوع و بازگشت به زندگی مشترک و حل مشکل طلاق گردد.

زمینه درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إن فی ذلک لأیه لقوم یسمعون

زمینه فهم حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۲

۲- بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم . .. لاهیه قلوبهم

زمینه محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۲

۲ - مصروف داشتن همه تلاش های علمی و فکری در امور دنیایی درپی دارنده خطر محروم شدن از درک حقایق اخروی

بل ادّرک علمهم فی الأخره

کافران بدان علت از فهم و درک امور اخروی ناتوان شدند که تمام توان علمی خود را خرج دنیایشان کردند.

سوگند برای اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۳

۳ - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القرءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از

سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبراسلام(ص) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷ - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلّم

و الصفّت صفًّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّليت ذكرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۵

۵ - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر(ص) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۵

۵ - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۶

۶ - جواز سوگند برای اثبات حقیقت ، پس از اثر نداشتن دلایل و براهین روشن

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۳

۳ - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . .. و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۶

۶ -

سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و المرسلت عرفًا . .. فالملقیت ذکرًا

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

سوگند به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۸ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی جهان هستی

فلاأُقسم بما تبصرون

درباره <لا> در <لاأُقسم> و امثال آن، مفسران توجیهات چندی ذکر کرده اند; از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <اُقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق ناشناخته و دیده نشده جهان هستی

فلاأُقسم بما . .. و ما لاتبصرون

سوگند در اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۴

۴ < سوگند به خدا > برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل إی و ربی إنه لحق

شرایط درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۹

۱۹- تفکر و اندیشیدن ، شرط درک صحیح حقایق و بهره گیری از آیات الهی است .

إن فی ذلک لأیه لقوم یتفکّرون

ظهور حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۸،۹

۸ با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی

خواهند برد.

و ما نری معکم شفعاءکم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکؤا . .. و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی <ضل>، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله <و ضل عنکم ... >، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

۹ چشمان آدمی با مرگ به روی حقایق گشوده خواهد شد.

و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۵

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از <یوم یلقونه> می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

ظهور حقایق در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهان آخرت ، روز عیان شدن سود و زیان واقعی انسان

لاجرم أنهم فی الأخره هم الخسرون

تذکر به خسران اخروی کافران و تأکید بر آن، می تواند ناظر به این باشد که دنیا مجال بروز همه خسرانها نیست و این آخرت است که زیان زیانکاران را حتماً نمایان خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۵

۵ - جهان آخرت ، صحنه آشکار شدن سود و زیان انسان ها

و هم فی الأخره هم الأخسرون

ظهور حقایق در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴

بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

ظهور حقایق در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۴

۴- ظهور کامل حقیقت امور اختلافی ، در دنیا امکان پذیر نیست .

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

با اینکه برای خداوند امکان تبیین حقایق در دنیا هم وجود دارد، اما از جمله دلایل وقوع حتمی قیامت را ظهور حقایق در آن معرفی می کند و این نشان دهنده آن است که علت فاعلی تبیین حقایق، مشکل ندارد; بلکه ظرف، قابلیت چنان امری را دارا نیست.

ظهور حقایق در رؤیای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۹،۱۱،۱۴

۹- برخی حقایق ، برای پیامبر (ص) در عالم رؤیا ، نمایانده و کشف می شد .

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه للناس

۱۱- حقیقتی که پیامبر (ص) در عالم رؤیا دید ، با اراده و خواست خداوند بود .

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک

۱۴- ارائه حقایقی در عالم رؤیا به پیامبر (ص) ، جلوه ای از احاطه علمی خداوند است .

إن ربّک أحاط بالناس و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه للناس

ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۹

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فاللّه یحکم بینهم یوم

القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ یرون العذاب أن القوه للّه جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۵

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

کذلک یریهم اللّه أعملهم حسرت

فعل <یری> می توانـد از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <کذلک ...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواپیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا

باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۶،۷

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برچیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است; نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق ، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد .

قل ان تخفوا . .. یعلمه اللّه ... و اللّه علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه اللّه> و <قدیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۸

۸ آخرت ، عرصه ظهور واقعی نتایج عقاید و اعمال

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

قید <فی الاخره>، نفی زیان در دنیا نیست; لذا حمل بر ظهور زیان در آخرت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۲

۲

قیامت ، عرصه آشکار شدن اعمال انسان ها در چهره های آنان

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۷

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست ; بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسّم می یابد و خیانتکار همراه آن گناهِ مجسّم در صحنه قیامت حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۹،۲۹

۱۹ قیامت ، صحنه ظهور خیر و شرّ واقعی

و لا یحسبنّ . .. هو شرّ خیراً لهم بل هو شرّ سیطوّقون ... یوم القیمه

۲۹ آویخته شدن اموال مانعان زکات به گردنشان در قیامت ، به صورت اژدهایی از آتش

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

از امام صادق (ع) درباره <سیطوّقون ما بخلوا به . .. > سؤال شد، آن حضرت فرمود: ما من احد یمنع من زکاه ماله شیئاً الّا جعل اللّه عزّوجلّ ذلک یوم القیمه ثعباناً من نار مطوّقاً فی عنقه.

کافی، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۴۴۹ و ۴۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۹،۱۰

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول لو تسوّى بهم الارض

<لو> در <لو تسوّى> به معنای لیت (ای

کاش) است، و جمله <لو تسوّی . .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۹ مردم در قیامت ، هیچ حقیقتی را از خداوند پنهان نخواهند ساخت .

و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه جمله <و لا یکتمون> عطف بر <یودّ> باشد، نه عطف بر <تسوّی>.

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتمون> عطف بر <یودّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلی یوم القیمه و سوف ینبئهم اللّه بما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إنّ الذین کفروا لو أنَّ لهم ما فی الارض جمیعاً و مثله معه . .. ما تقبل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم . .. حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

لیجمعنکم إلی یوم القیمه لا ریب فیه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از

آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۷،۱۱

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذین أشرکوا أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴،۷

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم . .. و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین

مشرکان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳،۴،۶

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشیء إذا ضاع>

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرک در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۳۱ - ۶

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <یبعثهم اللّه>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴،۱۶

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

۱۶ قیامت، روزِ بُروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إلیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداونـد است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور

این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیتهای اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷،۱۹

۱۷ بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

کذلک زینا لکل . .. فینبئهم بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلافکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۳،۱۲،۱۱،۱۰

۱۰ خداوند آگاه

کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلی ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء . .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بأیتنا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۲،۳،۴،۵،۱۱

۲ قیامت ، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

۴ منکران قیامت با

برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۴

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست .

إنا کنا هذا غفلین

اشاره به ربوبیت خدا با کلمه <هذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشگاه خداوند حاضر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴

۲۱ قیامت ، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلی علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کنتم تعملون

مراد از <ما کنتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ; چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشر هم جمیعاً . .. و ردوا إلی اللّه مولیهم الحق و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نظنکم کذبین . .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلاّ بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لاتکلم نفس

إلاّ بإذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵،۶

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا . .. قال الشیطن ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جمیعًا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ... إنّ الله وعدکم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۹

۹- ظهور و بروز حقیقت انسان و نهان و آشکار وی به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در روز رستاخیز

یوم تبدّل الأرض . .. و برزوا لله الوحد القهّار

یکی از معانی <بروز> کشف و ظهور حقیقتی است که قبلاً پنهان و در خفا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۷

۷- کیفر دادن خداوند در قیامت ، عینیت یافتن رفتار خود آدمی و آینه تمام نمای آن است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

آمدن جمله <ما کسبت> به جای <بما کسبت> (در مقابل کسب و تلاش)، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که میان کیفرهای الهی و رفتار آدمی وحدت کامل وجود داد و بلکه می توان گفت که عین یکدیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

- ۹۶ - ۴

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذین یجعلون مع الله إلهًا ءاخر فسوف یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان <دانستن>، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۸

۸- در قیامت ، پوچی و بطلان خدایان مشرکان برملا می شود .

یقول أین شرکاءی الذین کنتم تشقّون فیهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... ما کنّا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱،۲،۳،۸

۱- خداوند ، انسان ها را پس از مرگ زنده می کند تا حقایق را برای آنان تبیین نماید .

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۲- ظهور حقیقت امور اختلافی ، از دلایل زنده شدن انسان

ها در قیامت است .

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. لیبیّن لهم الذی یختلفون فیه

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزها و . .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۲

۲- لزوم توجه انسان ها ، به حقایقی که ناگزیر در قیامت با آن رو به رو خواهند شد .

و یوم نبعث فی کلّ أُمّه شهیدًا

مقصود از <یوم> روز قیامت است،توصیه خداوند به یادآوری این روز که از امر<اذکر> مقدر به دست می آید، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و لیبیّننّ لکم یوم القیمه ما کنتم فیه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲- منکران معاد ، با مشاهده

حضور خود در صحنه قیامت ، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند .

بل زعمتم ألّن نجعل لکم موعدًا

تعبیر <بل زعمتم. ..> در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۹

۹- در قیامت ، کارامد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعینهم فی غطاء . .. کفروا بأیت ربّهم و لقائه

مقصود از لقای پروردگار، مسلّماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقّانیّت یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن کان یرجو لقاء ربّه

مسلّم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسّی با او نیست; چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فلیعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷

۶- در قیامت ، گواهانی بر بطلان پندار فرزندی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۴

۲- قیامت ، روز ظهور و بروز حقایق است .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوتنا

۴- روبه رو شدن با حقایق و درک و لمس آن ، از جمله عذاب های کافران در روز قیامت است .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم . أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا

در آیه قبل، دشواری و سنگینی روز قیامت برای کافران مطرح گردید. دراین آیه یکی از عوامل آن دشواری ها مطرح گردیده که همان درک و فهم حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قیامت ، روز ظهور حقایق

و إمّا الساعه فسیعلمون من هو شرّ مکانًا و أضعف جندًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۲،۷

۲- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن برائت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

در مورد ضمیرهای موجود در آیه، احتمالاتی ذکر شده است; از جمله آن که ضمیر <یکفرون> و <یکونون> به <ءالهه> بازمی گردد و ضمیر <بعبادتهم> و <علیهم> به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی براین وجه است. گفتنی است که

<کفر> در معانی مختلفی از جمله انکار و برائت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه <و یکونون

علیهم ضدّاً> به معنای برائت جستن و سلب مسؤولیت است.

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عزًّا . .. سیکفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر . .. و نسوق المجرمین إلی جهنّم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷ - ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ یقول أمثلهم طریقه

<أمثلهم طریقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۴،۷

۴ – ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتّبعون الداعی

۷ –

قیامت ، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان>; یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۷

۷ - حقایق در قیامت ، آشکار خواهد شد .

و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵،۱۰

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبود ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۱۰ - انسان در قیامت ، به خاطرات زندگانی خود در دنیا و ویژگی های جسمی خویش در آن دوران آگاه خواهد بود .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۷

۷- اعمال آدمیان حتی خُردترین آنها در روز قیامت ، حضور و بروز پیدا خواهند کرد .

و إن کان مثقال حبّه من خردل أتینا بها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که از عبارت <أتینا بها> معنای ظاهری آن اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ – قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إنّ اللّه یفصل بینهم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۳ – ۴

۴ – دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۴

۴ - پی بردن دوزخیان در قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی ، امری بی ثمر به حال آنان

إن لبثتم إلاّ قليلاً لو أنّكم كنتم تعلمون

<لو> در عبارت <لو أنّكم كنتم تعلمون> برای تمنی است; یعنی، ای کاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا کارتان به دوزخ نمی کشید; اما اکنون که در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۵،۷،۹

۵ - تمامی رفتار و گفته های آدمی در دنیا ، در روز رستاخیز آشکار و بر ملا خواهد شد .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم . .. بما كانوا يعملون

با شهادت و گواهی اعضا و جوارح انسان بر گفته ها و رفتارهای او، تمامی آنها در روز قیامت برملا و آشکار خواهد شد.

۷ - جهان آخرت ، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشکار شدن حقایق ناشناخته دنیا

يوم تشهد عليهم ألسنتهم . .. بما كانوا يعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود که اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک کرده و با خود نگه می دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

۹ - تهدید شدن سازندگان < افک > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إنّ الذين يرمون المحصنت .

.. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما کانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < اللّه > در قیامت برای همگان

یومئذ . .. یعلمون أنّ اللّه هو الحقّ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۹،۱۰

۹ - خداوند ، انسان را از نتیجه و حقیقت کارهایی که در دنیا انجام می دهد آگاه خواهد ساخت .

و یوم یرجعون إلیه فیتبّئهم بما عملوا

۱۰ - قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و یوم یرجعون إلیه فیتبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است; زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از

بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است; چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آنِ خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۵

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزنی یوم یبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۳

۳ - ظهور ارزش تقوا و مقام متقین در رستاخیز

و أُزلفت الجنّه للمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برّزت الجحیم للغاوین

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . و برّزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قیل لهم أین ما کنتم . ..

هل ینصرونکم أو ینتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلّنا إلاّ المجرمون . .. و لاصدیق حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۳

۳ - ظهور ارزش واقعی ایمان و مؤمنان در صحنه قیامت

فلو أنّ لنا کرّه فنکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرک و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و یوم ینادیهم . .. قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا

اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۵ – ۹

۹ – برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فعلموا أنّ الحقّ للّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۳ – ۹

۹ – قیامت ، روز ظهور و تجلی حقایق است .

و یوم تقوم الساعه . .. و کانوا بشرکائهم کفرین

ذکر کفر مشرکان به معبودان خویش در قیامت، به عنوان یکی از رخدادهای آن، می تواند به

جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۷

۷ - خصلت های تثبیت شده انسان ها ، در روز قیامت بروز می کند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکرانِ قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۱،۱۶،۱۷،۱۸

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون . .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

۱۶ – در قیامت ، اهمیت عمل صالح برای همه انسان ها ، آشکار می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۷ – مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا

أبصرنا و سمعنا . .. إنّا موقنون

۱۸ – قیامت ، عرصه کشف و بروز حقایق است .

ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صلحًا إنّا موقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۸ – ۳

۳ – کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ءاتهم ضعفین من العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۶ – ۴

۴ – تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربّنا ثمّ یفتح بیننا بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ – قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول . .. لولا أنتم لک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۰ – ۱

۱ – در روز قیامت ، همه مشرکان به منظور مؤاخذه و روشن شدن حقایق گردآوری خواهند شد .

و یوم یحشرهم جمیعًا ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵،۹

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف

خواهند کرد .

قالوا یویلنا . .. و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إنّ للمتّقین لحسن مئاب . .. هذا و إنّ للطغین لشرّ مئاب

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانری رجالاً کنّا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق و رخداد های بس بزرگ و هولناک

عذاب یوم عظیم

توصیف روز قیامت به عظیم بودن، می تواند به

خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقایق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳،۱۰

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۹

۹ - نتیجه و پیامد اصلی عقاید باطل و رفتار زشت انسان ، در قیامت ظهور و بروز پیدا خواهد کرد .

و لعذاب الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

<عذاب> نتیجه طبیعی عقاید باطل و کردار ناپسند انسان است. بر این اساس بزرگ تر بودن عذاب اخروی در مقایسه با عذاب دنیایی، بیانگر این حقیقت است که نتیجه اصلی عقاید و رفتار زشت، در آخرت ظاهر خواهد شد و آنچه در دنیا مشاهده می شود تنها ظهور بخشی از آن است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۷ – ۵

۵ – پی بردن مشرکان و ظالمان به بی ارزشی دنیا ، هنگام روبه رو شدن با عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . .. لَافتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان و ستمگران، بیشتر برای تقویت دنیای خود از آخرت روی گردان هستند و در صورت مشاهده عذاب الهی حاضر می شوند تمامی دنیا را فدای نجات خود کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۸ – ۱،۳

۱ – ظهور و بروز تمامی اعمال و دستاورد های بد و زشت ستمگران در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

۳ – تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیر ، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۷ – ۱

۱ – ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۵

۵ – ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۶

۶ - ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان

در قیامت

و الأرض جمیعًا قبضته یوم القیمه و السموت مطویّت بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۲،۴،۶

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقت الأرض بنور ربّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیزناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقت الأرض بنور ربّها

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است; نه ظاهر شدن جسم آنان; مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۵

۵ - قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به

عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید < درست و نادرست > و < حق و باطل >

قالوا ضلّوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالک المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا ، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار فهم یوزعون

<یوم> مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکّرهم> یا <أنذرهم> و امثال آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۷

۷ - آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف

و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستی است .

و یوم یناديهم أین شرکاءی قالوا ءاذنّک ما منّا من شهید

بنابراین که جمله <آذنّاک> برای انشا و ایجاد اعلام باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما کانوا یدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه إلی اللّه

برداشت یاد

شـده بنابر این نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه عینی و واقعی داشـته باشـد; یعنی، آشـکارکردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای کافران ، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز . .. و ما له فی الأخره من نصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه . .. و ما له فی الأخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جـا که محور این چنـد آیه، مسـأله ایمـان به قیـامت و محاسـبه آن در معادلاـت رفتـاری و اعتقادی است، عنوان <کلمه الفصـل> بر این معنـا منطبق است; یعنی، اگر قیـامتی نبود می بـایست دنیامـداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسـیدند; ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۸

۸ - تجسم اعمال انسان در قیامت

ممّا کسبوا و هو واقع بهم

بنابراین که مراد از <ما> عمل باشد و <هو> به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت ،

آشکار و نمایان است .

و تری الظلمین . .. یقولون

از واژه های <تری> و <یقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما کان لهم من أولیاء ینصرونهم من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لکم من نکیر

<نکیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۶،۷

۶ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و یحسبون . .. حتّی إذا جاءنا قال یلیت

۷ - قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و یحسبون أنّهم مهتدون . حتّی إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴ - آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلّا المتّقین

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که

چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۸

۸ - قیامت ، صحنه حقیقت و واقعیت است ; نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنّا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ أکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إنّ هذا ما كنتم به تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای

آدمیان در قیامت

و للّه ملک السموت و الأرض . .. و تری کلّ أمّه جاثیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهورِ قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

۴ - اضطرار و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ أمّه جاثیه

تعبیر <تری> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جاثیه> می تواند کنایه از اضطرار و ناتوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیّئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیّئات. ..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۰ – ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار

ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبیت انکارناپذیر الهی ، متجلّی برای همگان در قیامت

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

التجای قرین کافران به ربوبیت عام الهی در روز قیامت، می رساند که ربوبیت خداوند در آن روز، چنان آشکار است که هیچ کس، قادر به نادیده گرفتن آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۱

۱ - مواجه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۳

۳ - تجلی توحید و ظهور حاکمیت یگانه حق ، در صحنه قیامت

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: ۱ <یوم لایغنی. ..> نظر به قیامت داشته باشد ۲ این که هیچ نیرویی در قبال نیروی حق، کارساز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

ليس لها من دون اللّه كاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهيت زشت حق ستيزان منكر پيامبران ، در روز قيامت *

سيعلمون غدًا من الكذّاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قيامت داشته

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و . .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶ - ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما . .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۲،۳

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ . .. یعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

یعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنای فرود آوردن و به زیر کشیدن و <رفع> به معنای بالا- بردن و برافراشتن است; یعنی، واقعه قیامت، به زیرآورنده اقوامی و بالاآورنده اقوامی دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت

نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۶

۶ - تک تک اعمال انسان با وجود این که خود وی آنها را فراموش می کند در نزد خداوند محفوظ بوده و در قیامت به او ارائه خواهد شد .

فینبّئهم بما عملوا أحصیه اللّه و نسوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . .. یوم القیمه یفصل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فینبّئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۳ – ۱

۱ – ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۸ – ۳،۴

۳ – قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

۴ – بروز و به نمایش در آمدن شخصیت حقیقی

و واقعی انسان ها (نقص و کمال و خوبی و بدی آدمیان)

لاتخفی منکم خافیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۳

۳ - لحظه مرگ و جهان پس از آن ، زمان کشف حقایق الهی برای بشر

حتّی أتینا الیقین

برداشت یاد شده، براساس این احتمال است که نام گذاری مرگ به <یقین>، ممکن است به این لحاظ باشد که پس از مرگ، حقایق بسیاری از جمله وجود معاد و. .. برای بشر روشن و عینی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

ینبّؤا الإنسن یومئذ بما قدّم و أخّر

مفسران در تبیین <بما قدّم و أخّر> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از<بما قدّم> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <أخّر>انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قدّم> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <أخّر> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قدّم> اقدام به عمل و مراد از <أخّر> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۳

۳ - مجموعه رفتار ها و کردار های هر انسانی در قیامت

، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بل الإنسن علی نفسه بصیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۳

۳ - ظهور ناتوانی کامل بشر ، در برابر خداوند در عرصه قیامت

فإن کان لکم کید فکیدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳،۶

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواهند یافت .

کلّا سیعلمون

۶ - جهان آخرت ، جایگاه کشف حقایق و رفع اختلافات است .

مختلفون . .. سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳،۴،۵

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون . .. ثمّ کلّا سیعلمون

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عمّ یتساءلون . .. ثمّ کلّا سیعلمون

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

يتساءلون . .. ثمّ كلاّ سيعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - ظهور سلطه كامل خداوند بر تمام موجودات ، در قيامت

لايتكلّمون إلاّ من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۹،۱۰،۱۳،۱۶

۹ - قيامت ، روز تجسم اعمال و ظهور

دست مایه ها و تلاش های انسان

یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه

۱۰ - انسان ، خود ناظر دسترنج خویش در قیامت

یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند; می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک إذًا کرّه خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۱

۱ - تمام انسان ها ، در صحنه قیامت حاضر شده ; کردار های فراموش گشته خویش و اهداف آن تلاش ها را به خاطر خواهند آورد .

یوم یتذکّر الإنسن ما سعی

<ما> در <ما سعی> موصول و عائد آن حذف شده است; یعنی، <ما سعی له>. این تعبیر بر اهدافی منطبق است که سعی

انسان، برای دستیابی به آن بوده است. ممکن است <ما> مصـدریه باشد; یعنی، <سـعیه>. در این صورت آنچه به یاد انسان خواهد آمد، نفس سعی و

تلاش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنّهم یوم یرونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنّ هؤلاء لضالّون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا. ..> مفعول دوم برای <ثوّب> است; یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۴

۴ - حقایق کتمان شده ، در قیامت آشکار خواهد شد و مخفی نگه داشتن آن امکان پذیر نیست .

یوم تبلی السرائر

گرچه <ابلاء> به معنای آشکار ساختن نیست; ولی لازمه اختبار و آزمایش سریره ها، بر ملا شدن ویژگی های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکّر

الإنسن

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکّت الأرض . .. یومئذ یتذکّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکّت الأرض. ..> و جمله <یتذکّر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۶

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

کلاّ سوف تعلمون

وعده <سوف تعلمون> به قرینه <لتسئلنّ یومئذ عن النعیم> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت کنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با کیفر اخروی تأکید کرده است .

ثمّ کلاّ سوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون . .. لترونّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ – دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار اللّه

استناد <نار> به <اللّه>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های

دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

ظهور حقایق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۲،۵

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن ، تحقق تهدید ها و بروز حقایق آن است .

و لقد جئنهم بکتب . .. هل ینظرون إلا تأویله

ضمیر در <تأویله> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ینظرون ... > با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۲ قیامت ، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به<کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

ظهور حقایق معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۴

۴ لحظه مرگ ، زمان آشکار شدن حقایق معنوی برای تمامی انسانها *

و إن من أهل الکتب إلّا لیؤمننّ به قبل موته

ظهور حقایق هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

ظهور حقایق هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷ - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۳

۳ سکرات مرگ ، زداینده ابهام از چهره حقایق هستی

و جاءت سکره الموت بالحقّ

بنابراین که باء در <بالحقّ> برای تعدیه باشد، برداشت بالا به دست می آید; یعنی، سکرات مرگ حق را می آورد و حقایق را خواه نا خواه بر انسان آشکار می سازد.

عاجزان از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق

است .

و جعلنا فی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا و . .. إذ یقول الظلمون إن

عجز از حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۳

۳ - انسان ، بدون روشنگری های وحی ، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

علم به حقایق پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند نوح (ع) رابه حقایقی پوشیده بر مردم آگاه ساخت .

و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

من در <من اللّه> می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت <أعلم من اللّه ... > یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایقی آشنا کرده است. و نیز می تواند <من اللّه> به معنای <درباره خدا> باشد. یعنی من حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من اللّه> به معنای <درباره خدا> باشد.

علمای اهل کتاب و کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۰

۱۰ - عالمان اهل کتاب ، بخشی از احکام تورات و انجیل (حلیت برخی خوراکی ها و حرمت برخی دیگر) را کتمان می کردند .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب

مفسران مصداق مورد نظر برای <الذین

یکتمون . ..> را علمای یهود و نصارا دانسته اند.

عوامل تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- علم ، عامل هوشیاری انسان و آگاه شدن وی به حقایق

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

<ذکر> در لغت بودن چیزی (صورت علمی) در قلب است و طبق این معنا <ذکر> ضد غفلت و نسیان خواهد بود. مراد از <أهل الذکر>» به قرینه <لاتعلمون» اهل علم است. با توجه به اینکه از علم به <ذکر» تعبیر شده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً نوحی إلیهم . .. و أنزلنا إلیک الذکر لتبیّن للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکّرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- کاربرد اعجاز در راستای روشن سازی حقایق ، حتی برای پیامبران

ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال

عوامل تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱۲

۱۲- جهل و نادانی ، عامل انکار حقایق

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه حقًّا و لکنّ أکثر الناس

عوامل ظهور حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- اعراف - ۷ - ۵ - ۵

۵ ظهور بطلان ولایت غیر خدا برای مشرکان با آمدن عذاب الهی

و لاتتبعوا . .. فما کان دعویهم إذ جاء بأسنا إلا ان قالوا إنا کنا ظلمین

با توجه به جمله <و لاتتبعوا من دونه أولیاء> معلوم می شود که مشرکان با نزول عذاب استیصال، حقیقت امر را دریافته و خود را به سبب پذیرش ولایت غیر خدا ستمگر خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۴

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۴

۱۴- مرگ ، عامل کشف حقایقی برای انسان

الذین تتوفّهم الملئکه . .. فألقوا السلم ما کنّا نعمل من سوء

عوامل کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۵

۵- گذشت زمان و مشاهده فرجام مؤمنان و کافران ، تنها راه کشف حقایق برای برخی از کفرپیشگان است .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

فرمان به <انتظار> نشانگر از آن دارد که دیگر امیدی به تنبّه یافتن مخاطبان نیست و تنها گذشت زمان، می تواند حقیقت را برای آنان آشکار سازد.

عوامل محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۲

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت

آنان از درک حقایق معنوی است .

من کفر بالله . .. بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا ... أُولئک الذین طبع الله علی قل

الـذین طبع الله . ..> در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبـل از آن سـخن به میـان آمـده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب مجازات <طبع قلب> می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۸

۸ - کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و پندپذیری

أفلم یسیروا . .. فإنّها لاتعمی الأبصر و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

کذلک یضلّ اللّه . .. کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار

عوامل مؤثر در تشخیص حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۹

۹ - امیال و خواسته های انسان ، در تشخیص درستی و نادرستی واقعیت ها تأثیر دارد .

کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

برداشت فوق از آن جا اسـتفاده شده است که انسان تشـنه، برای سـیراب شدن که از خواسـته های او است دچار خطا شده و به جای رفتن به طرف آب واقعی، به سوی سراب حرکت می کند.

فلسفه ظهور حقایق در رؤیای

محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۲،۱۸

۱۲- حقیقت نمایانده شده در رؤیا به پیامبر (ص) ، وسیله آزمایش مردم بود .

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه للناس

۱۸- حقیقتی که در رؤیا به پیامبر (ص) ارائه شد و نیز طرح شجره ملعونه در قرآن ، به منظور انذار و ترساندن مردم است .

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه . .. و الشجره الملعونه فی القرءان و نخوّ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول بیواسطه ای برای <نخوّفهم> در تقدیر باشد همانند <بذلک>. بنابراین معنا چنین می شود: ما به وسیله اینها، مردم را انذار می کنیم.

فلسفه ظهور حقایق در محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (ص) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه للناس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <رؤیا> به معنای خواب نباشد; بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر(ص) داشته باشد.

فلسفه ظهور حقایق در معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (ص) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرءیا التی أرینک إلاّ فتنه للناس

برداشت

فوق، مبتنی بر این نکته است که <رؤیا> به معنای خواب نباشد; بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر(ص) داشته باشد.

قبول حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

قرآن و تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

تصریف به معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایتهای قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثّر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت انگیز

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

کتمان حقایق انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۴،۶

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه

به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۴ پیامبر (ص) ، بیانگر بسیاری از حقایق مخفی شده از تورات و انجیل

رسولنا یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل ، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتب

جمله <یبین لکم> پس از <قد جاءکم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <کنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

کتمان حقایق تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۴،۶

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۴ پیامبر (ص) ، بیانگر بسیاری از حقایق مخفی شده از تورات و انجیل

رسولنا یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل ، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتب

جمله <یبین لکم> پس از <قد جاءکم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <کنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

کیفر کفر به حقایق

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم . .. و من شاء فلیکفر إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

محرومان از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران ، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند .

والذین کفروا أعملهم . .. أو کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج یده لم یکد یرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحیط).

محرومان از درک حقایق اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ منافقان ، مردمانی محروم از درک حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است حکایت از آن دارد که منافقان از درک حقایق اخروی ناتوانند.

محرومیت از حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۵

۵ عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴۳

مرکز درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۵

۵ - قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذّب . .. قال أسطیر الأوّلین . کلّا بل ران علی قلوبهم

ملاکهای تشخیص حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ - محک زدن باور ها با دلیل و برهان ، راه شناسایی حقایق دینی از خیالات و آرزو های وارده شده در حوزه عقاید دینی

تلک أمانیّهم قل هاتوا برهنکم

ملائکه و

کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

۱۳ - فرشتگان ، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

منافقان و درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۷

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع . .. فهم لایفقهون

منشأ تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۰

۱۰- ارشاد مردم به ترک اظهارنظر های بی پایه در باره حقایق و احاله علم آن به خداوند ، وظیفه ای است برعهده رهبران الهی .

سیقولون . .. قل ربّی أعلم بعدتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۵

۵ - بعثت پیامبراکرم (ص) ، در ادامه تبیین حقایق و زدایش اختلافات دیرین دینی *

فما اختلفوا إلاّ من بعد . .. ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر

طرح رسالت پیامبر(ص) (جعلناک علی شریعه) در پی یادکرد اختلاف بنی اسرائیل، می تواند پیامدار این معنا باشد که: پیدایش و گسترش آن اختلاف ها، مقتضی آمدن رسول جدید و به منظور تبیین حقایق و پایان بخشیدن به تفرقه ها بوده است.

منشأ حقایق

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱

۱- تنها ، خداوند سرچشمه حقایق و معارف صحیح است .

الحقّ من ربّکم

<من ربّکم> خبر است برای <الحقّ> و برخی گفته اند که <الحقّ> خبر برای مبتدای محذوف است. <ال> در <الحقّ> برای استغراق است، یعنی: <تمامی حقایق. بنابراین جمله <الحقّ من ربّکم> در حقیقت، دلالت بر حصر می کند. این حصر، در برابر رهنمودهای هواپرستان است که آیه قبل اطاعت آنان را ناروا دانست.

منشأ ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی ، به اراده الهی در قیامت

فکشفنا عنک غطاءک

موانع درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۶

۶- درک حقایق معنوی و ارزش های الهی با کفر به آخرت ، امکان پذیر نیست .

و جعلنا بینک و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

ذکر صفت <لایؤمنون> برای <الذین> مشعر به این معناست که آنان، شایستگی درک و فهم آیات قرآن را نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - انگیزه های ناخالص نفسانی و جوّ ناسالم فکری جامعه ، از موانع شناخت درست حقایق

أن تقوموا للّه مثنی و فردی ثمّ تتفکّروا

توصیه به قیام برای خدا، حاکی از رد انگیزه های ناخالص است و <مثنی و فرادی> دعوت به پرهیز از جوّ زدگی است. این می رساند که ناخالصی و غوغاسالاری، به فهم درست

آسیب می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶،۹

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

<ماذا قال. ..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

۹- هواپرستی و ناتوانی از درک حقایق معنوی ، دو عنصر به هم پیوسته

طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

عطف دو جمله، ارتباط و پیوستگی تنگاتنگ میان محتوای آن دو را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸

۸ - مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

ناپسندی تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۹

۹ - انکار اموری که احتمال حقانیت آن می رود امری ناروا است .

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ

نشانه های حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۵

۵- وجود علایمی برای رهیافت انسان به حقایق غیبی ، در متن جهان طبیعت و عالم محسوسات

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

آسمانها و زمین (عالم طبیعت)، همان آیاتی است که با دقت در آنها، اعجاب انسان نسبت به حقایق غیبی و از جمله حیات دوباره انسان رفع

می شود.

وارونه نمایی حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۷

۷ وارونه جلوه دادن واقعیت های اجتماعی ، نشانه فتنه انگیزی است .

لقد ابتغوا الفتنه من قبل و قلبوا لک الأمور

یعقوب(ع) و کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) برای کشف حقیقت آنچه فرزندانش درباره یوسف (ع) ابراز می کردند ، از خداوند کمک خواست .

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران یوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی ، به معنای کمک گرفتن از او در کشف حقیقت است.

یقین به حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۳

۳- انسان ، پس از مرگ به حقایق آشنا شده و به آنها یقین پیدا می کند .

و اعبد ربّک حتی یأتیک الیقین

برداشت فوق، از وجه تسمیه مرگ به <یقین> استفاده می شود; یعنی، از این رو به مرگ <یقین> گفته می شود که حقایق برای انسان آشکار شده و او به آنها یقین پیدا می کند.

یهود و کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن <لا>ی ناهیه در <تکتموا> به این

معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

حقایق غیبی

ابلاغ حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، معارف غیبی را در انحصار خود قرار نمی داد و از آموختن آن به دارندگان شرایط ، امتناع نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

تشبیه حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ معارف دین در زمینه مسائل و مصادیق < غیب > ، دارای مثال های عینی در جهان محسوس

و أحیینا به . .. کذلک الخروج

مسأله معاد از امور غیبی است; یعنی، حقیقت آن اکنون بر بشر نامعلوم است. ولی خداوند برای نزدیک کردن این معرفت غیبی به ذهن بشر، نمونه های مثالی از آن را در جهان طبیعت قرار داده است تا راه درک آن را هموارتر سازد.

حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۲،۶

۲ - وجود حقایقی پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض

۶ - آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إنّ

اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم بذات الصدور> در مقام تعلیل برای <إنّ اللّه عالم غیب. ..> می باشد; یعنی، چون خداوند به نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

نشانه های حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۵

۵- وجود علایمی برای رهیافت انسان به حقایق غیبی ، در متن جهان طبیعت و عالم محسوسات

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

آسمانها و زمین (عالم طبیعت)، همان آیاتی است که با دقت در آنها، اعجاب انسان نسبت به حقایق غیبی و از جمله حیات دوباره انسان رفع می شود.

حقایق معنوی

ظهور حقایق

معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۴

۴ لحظه مرگ ، زمان آشکار شدن حقایق معنوی برای تمامی انسانها *

و إن من أهل الکتب إلاّ لیؤمننّ به قبل موته

حقوق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقوق

{حقوق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیامبر (ص) موظّف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

۱۵ پیامبر (ص) دارای حقوقی بر مردم و آنان وظیفه دار رعایت آن حقوق هستند .

فاعف عنهم و استغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۵،۱۸

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

آثار تفریط در حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۱،۶ - ۵۶

۱ - کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یاحسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فرّطت>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فرّطت فی جنب اللّه>; یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

احسان در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

کتب علیکم القصاص . .. فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسن

احقاق حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۴

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فاخران یقومان مقامهما من الذین استحق علیهم الأولین

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقا اثماً> گفته

شده <من الذین استحق ...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

اخلاق و حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۸

۱۸ نظام اخلاقی ، پایگاه و پشتوانه برای عمل به نظام حقوقی ، در اسلام

حقّاً علی المحسنین

با توجّه به اینکه خداوند، احسان که از مقوله اخلاق است را زمینه پذیرش احکام حقوقی و عمل به آنها قرار داده است.

ادای حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۶

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

ادای حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

و ءات ذاالقربی حقّه

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذاالقربی حقّه . .. و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

ادای حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذاالقربی حقّه . .. و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴ - انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به بهشت

إلّا المصلّین . .. و الذین فی أموالهم حقّ ... و الذین یصدّقون بیوم الدین ... أُول

ادای حقوق متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴ - انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به بهشت

إلّا المصلّين . .. و الذين فی أموالهم حقّ ... و الذين يصدّقون بيوم الدين ... أول

ادای حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۷۸

۷

تقواپیشگی اجرا کنندگان احکام شهادات و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

و اتقوا اللّه و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان <اتقوا و اسمعوا> شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

۸ تعهد در برابر احکام الهی ، هموار سازنده جریان صحیح اثبات و ایفای حقوق اجتماعی

و اتقوا اللّه و اسمعوا

ادای حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۶

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

ادای حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۸

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلّقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ . .. و أقیموا الشهده للّه ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

اعتدال در ادای حقوق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

اولویتها در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا . .. و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان <ذاالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت ترک تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - توصیه به ایمان و عمل صالح و پرهیز از تجاوز به حقوق یکدیگر ، از بهترین رهنمود ها به بشر

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

اهمیت حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۲

۲ – حقوق تمامی انسان ها حتی غیرمؤمنان محترم است .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون الناس

از ذکر <الناس> به جای <الذین آمنوا>، می توان استفاده کرد که تجاوز به انسان های

غیر مؤمن نیز مطرود و ناروا است.

اهمیت حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۹

۹ رعایت حقوق خویشاوندان اگر چه دشمن باشند لازم است .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

خداوند مشرکان را به خاطر رعایت نکردن حق خویشاوندی خود با مسلمانان که درحال ستیز و دشمنی با آنان بودند محکوم کرد و آنها را متجاوز خواند (هم المعتدون)؛ این می رساند که حق خویشاوندی را در هر شرایط (جنگ و دشمنی و . ..) باید رعایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا . .. و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان <ذاالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق

مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلّقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

اهمیت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است; ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

اهمیت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسؤولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلّماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۱۴

۱۴ – رعایت انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت حقوق مطلقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۷ – ۱۴

۱۴ – اهتمام اسلام به حقوق زنان مطلّقه و دفاع از آنان در استیفای آن

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. فأمسکوهنّ بمعروف ... أسکنوهنّ ... فأنفقوا علیهنّ ... سیج

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، آخرین آیه ای است که درباره زنان مطلّقه و تکالیف شوهرانشان در برابر آنها می باشد و در تمام آیات گذشته، مردان مورد خطاب قرار گرفته اند و از آنان خواسته شده که حقوق همسران خود را (از قبیل مسکن، نفقه و اجرت شیردادن و . ..) پرداخت نمایند و نیز با آنان به طور شایسته و مطابق با موازین عقل و شرع رفتار کنند.

اهمیت حقوق مظلوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۳ – ۶

۶– خداوند ولی کسی را که به ناحق و مظلومانه کشته شود ، بر قاتل او ، سلطه بخشیده است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

اهمیت حقوق والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۶

۶- پدر و مادر ، دارای بالاترین و مهم ترین حق ، در میان مجموعه حقوق انسان ها بر یکدیگر

و قضی ربّک . .. بالولدین إحسنًا

از اینکه خداوند در مقام بیان حقوق متقابل گروههایی از انسانها، حق والدین را مقدم

بر همه آنها و پس از حق خویش قرار داده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا . .. و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان <ذاالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴،۶

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصّینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست; بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحساناً>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحساناً> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

اهمیت حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۲

۱۲ - اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و . . .) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طلّقتم النساء . .. اتّقوا اللّه ... من يتّق

اللّه ... یعظم له أجرًا

اهمیت حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱

۱ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النّساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنابر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه مناسب به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۰

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن ، وظیفه ای همگانی

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

اهمیّت رعایت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- رعایت عـدالت ، احسان ، ادای حق خویشاوندان و دوری از فحشا ، اعمال زشت و سـتم ، از موعظه های خداوند به انسان است .

إن الله یأمر بالعدل . .. و ینهی عن الفحشاء ... یعظکم

اهمیت مراعات حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۳

۳ - مراعات و حقوق مردم ، در برخورد

اخلاقی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و لاتصعّر خدّک للناس

<لام> در <للناس> برای تعلیل است; یعنی، روی خود را متکبرانه به خاطر اعراض از مردم، برنگردان. چنین دستوری حکایت از آن دارد که مردم، در برخورد اخلاقی، دارای حقوق لازم الرعایه اند.

برتری حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر . ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

بنی اسرائیل و حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

بی اعتنایی به حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً . .. و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱

۱ شرک پیشگان صدر اسلام ،

درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إلّ> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إلّ> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند; یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

پاسداری از حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام . .. و أنتم تعلمون

تأمین حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۷

۷ - نقش سازنده خداترسی و تقواپیشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طلّقتم النساء . ..و اتّقوا اللّه ربّکم

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقواپیشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

تجاوز به حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - تجاوز به حقوق و مزایای دیگران ، از جلوه های فسادگری است .

کلوا و اشربوا . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

تجاوز به حقوق حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکّه ، تجاوز به حقّی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدّون

. .. الذی جعلنه للناس

تجاوز به حقوق در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵،۶

۵ بنی اسرائیل در عین برخورداری از زندگی مناسب ، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسرائیل ، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

<إلحاد> به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن <إلحاد> و <ظلم> استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبراکرم (ص

) ، از القائات شیطان است .

إنّما النجوی من الشیطن

الف و لام <النجوی> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إثم>، <عدوان> و <معصیت الرسول> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۳

۳ - برخورداری از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الذین طغوا فی البلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۲

۲ - تجاوز به حق ارث دیگران ، ناروا و نکوهیده است .

و تأکلون التراث أکلاً لمّا

تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب ألیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

تجاوز به حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۳۸

۳۸ هشدار خداوند به مردان ستمکار و متجاوز به حقوق همسران خویش

فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً انّ اللّه کان علیّاً کبیراً

جمله <انّ اللّه . .. > در مقام تهدید شوهران ستمکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم

، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۷

۷ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوه من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

تجاوز به حقوق شریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - رواج ستم و تجاوز به حق ، در میان بسیاری از شریکان در عصر داوود (ع)

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی بعضهم علی بعض

۵ - بسیاری از شریکان ، آلوده به اجحاف و تجاوز به حقوق یکدیگراند .

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی بعضهم علی بعض

آنچه از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، این نکته است که کلام داوود(ع) یک قانون کلی است و شامل تمامی شرکا می شود و منحصر به شریکان عصر او نیست.

تجاوز به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۶،۱۵،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۸،۷

۷ قیام مداوم علیه تضییع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤدّه الیک الاّ مادمت علیه قائماً

۸ تضییع حقوق دیگران توسط برخی از اهل کتاب (یهود) ، ناشی از روحیه خودبرتربینی آنان

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۰ عدم احساس مسؤولیت برخی از اهل کتاب در برابر حقوق غیر همکیشان خود

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرّف در اموال دیگران

و تضییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۲ نژادپرستی و خودبرتربینی ، زمینه ای برای تضییع حقوق دیگران

و منهم من ان تأمنه . .. ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۳ اهل کتاب به دروغ ، برتری خویش را بر غیر همکیشان خود و نیز جواز تصرّف در اموال آنان را به خدا نسبت می دادند .

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل و یقولون علی اللّه الکذب

۱۵ نسبت دادن برتری نژادی و مشروعیّت تضییع حقوق دیگران به خدا ، نسبتی دروغ و نارواست .

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل و یقولون علی اللّه الکذب و هم یعلمون

۱۶ بدعتگذاری ، وسیله ای برای توجیه ستم و نقض تعهّدات اجتماعی

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیک . .. و یقولون علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنّا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقواپیشگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . .. و اتقوا اللّه و اسمعوا

تجاوز به حقوق مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۴

۴ - توصیه به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی از پیامبراکرم (ص) ، محتوای نجوا های منافقان

و یتنجون بالإثم و العدون و معصیت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۳

۳ - نهی خداوند ، از نجوای آلوده به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (ص)

فلاتتنجوا بالإثم و العدون و معصیت الرسول

تجاوز به حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۸

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

تجاوز به حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به کسانی که نسبت به پرداخت حقوق ورثه کوتاهی می نمایند .

و لکل جعلنا موالی . .. انّ اللّه کان علی کل شیء شهیداً

جمله <ان اللّه> می تواند به منظور تهدید کسانی باشد که احکام الهی

را عمل نمی کنند و حقوق بیان شده در آیه شریفه را به اهل آن نمی رسانند.

تجاوز به حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۲

۲۲ رعایت نکردن حقوق شوهر از سوی همسر ، نشوز است .

الرّجال قوّامون . .. قانتات ... و الّتی تخافون نشوزهنّ

تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۵،۱۳

۵ هشدار خداوند نسبت به عدم رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً . .. فلیتّقوا اللّه

۱۳ حکمت حرمت اجحاف در مال یتیم ، ادامه حیات و استقلال وی و مصون ماندن نسل انسان از آثار سوء آن اجحاف

ولیخش الّذین

امام رضا (ع) فرمود: . .. ففی تحریم مال الیتیم استبقاء الیتیم و استقلاله بنفسه و السلامه للعقب ان یصیبه ما اصابهم ... .

عیون اخبار الرّضا (ع)، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱، ب ۳۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۷۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم

، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

تساوی حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

تساوی حقوق مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکّی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخورداراند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس>است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکّه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند; یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکّی و آفاقی برابراند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

تساوی حقوق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ – تمامی موجودات زمین ، دارای حقی برابر در

تأمین نیازمندی های خویش از زمین

و قدّر فیها . .. سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد; یعنی، <إستوت الأقوات المقدره سواء للسائلین>. ۲ مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

تساوی حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۷

۱۷- حضور هر یک از پدر و مادر سالخورده به تنهایی و یا هر دوی آنها نزد فرزند ، تأثیری در مقدار احترام به آنها نداشته و هر دو از حقوق مساوی برخوردارند .

و بالولدین إحسنًا إمّا یبلغنّ عندک الکبر أحدهما أو کلاهما

تساوی در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۳،۵

۳ مسلمانان ، برادران دینی یکدیگر بوده و از حقوق و مزایای اجتماعی برابر برخوردارند .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

۵ کفار محارب با گرویدن به اسلام ، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از حقوق و مزایای اجتماعی مساوی برخوردار می شوند .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

تشویق به رعایت حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۳

۳ - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن آنان از محصولات باغ

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. قال أوسطهم ألم أقل لکم لولا تسبّحون

تضییع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۱۳ ضایع کردن کار دیگران ، نارواست . *

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

چون خداوند ضایع نکردن اعمال نیک را به عنوان خویی پسندیده مطرح کرده است.

تضییع حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۷

۷ شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

تضییع حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - حق مادر ، در معرض تضییع از سوی فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن . .. أن اشکرلی و لولدیک

این که خداوند، در ضمن توصیه به رعایت حقوق پدر و مادر، تنها مشقّات و زحمت های مادر را در دوران بارداری و شیر دادن یادآوری می کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۵،۲۶

۲۵ تضییع حقوق مردمان ، بدون هیچ تردید گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

۲۶ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

تضییع حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲

- بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

تضییع حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین احساناً . .. ثم تولیتم إلا قلیلا منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین ونیازمند به تذکر است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. أن اشکرلی و لولدیک

۱۸ - هشدار الهی به انسان ها ، درباره تصییع حقوق والدین

أن اشکرلی و لولدیک إلیّ المصیر

جمله <إلیّ المصیر> پس از توصیه به رعایت حال والدین و فرمان به سپاسگزاری از آنها، ناظر به این نکته است که انسان ها، در صورت رعایت نکردن توصیه و فرمان یاد شده، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

تضییع حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع

ساختند .

لاتعبدون إلا اللّه و بالولدين احساناً . .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

تفويض حق تشريع

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۶

۶ - حق تشریع و قانون گذاری ، قابل تفویض از سوی خداوند

شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به اللّه

از مفهوم <ما لم یأذن به اللّه> مطلب بالا استفاده می شود.

تقدم حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - حقِّ مبدأ فیض (خداوند) ، مقدَّم بر حق مجاری فیض است .

أن اشکرلی و لولدیک

مقدم داشتن شکر خدا بر تشکر از والدین، در یک فرمان، احتمال دارد به خاطر حقیقت بالا باشد.

تقصیر در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ . .. ربّکم أعلم ... إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوّبین غفو

توصیه به ترک تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق

یکدیگر

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا ... و قلیل ما هم

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند>; می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به

دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلی سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

حفظ حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۴،۱۹،۲۱

۱۴ همسران شایسته ، حافظ حقوق شوهران خویش در غیاب آنان

فالصّالحات . .. حافظات للغیب

در برداشت فوق مفعول <حافظات> به مناسبت حکم و موضوع حقوق شوهران و لام در <للغیب> به معنی <فی> گرفته شده است.

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوّامون . .. و بما انفقوا ... فالصّالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّ

مراد از <بما حفظ اللّه>، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

۲۱ مسؤولیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او ، در چهارچوب قوانین الهی است . *

قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّه

بر این مبنا که مراد از <ما حفظ اللّه> قوانین الهی و <باء> در <بما حفظ اللّه> برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک

حق مالکیت از حق تصرف

و لاتقربوا مال الیتیم . .. حتی یبلغ أشدّه

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

حق اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی . .. فلاتطعهما

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظّف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

حق امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴

امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

حق انتخاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۶

۶ - همه موجودات ، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر یسجدان . .. و وضع المیزان . ألاّتطغوا فی المیزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است; اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

حق بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

حق تشریع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۳

۳ - تعیین تکلیف برای

خلق ، در حیطه اختیار خداوند

و ربّک یخلق ما یشاء و یختار

جمله <یخلق مایشاء> بیانگر مشیت و اراده تکوینی خدا و جمله <یختار> بیانگر اراده تشریعی او است; یعنی، <و یختار للخلق ما یشاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار مردمان ، دلیل انحصار حق تشریع و انتخاب پیامبر به او

و ربّک یخلق ما یشاء و یختار . .. و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه در مقام بیان علت منحصر بودن حق قانون گذاری و حق برگزیدن پیامبر به خداوند باشد که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است; یعنی، چون خداوند به نهان و آشکار انسان ها آگاهی کامل دارد; پس تنها او شایسته قانون گذاری برای ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۷

۷ - حکم و فرمان (تعیین تکلیف برای خلق و امر و نهی به آنان) ، تنها در حیطه اختیار خداوند است .

و له الحکم

تقدیم <له> (مسند) بر <الحکم> (مسندالیه) مفید حصر می باشد; یعنی، <لیس الحکم إلاّ للّه>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۲

۲ - حق تشریع و قانون گذاری و نظام بخشی به باور ها ، تنها از آن خداوند است .

من الدین ما لم یأذن به اللّه

حق تصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لاتقربوا مال الیتیم . .. حتی یبلغ أشدّه

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

حق تمتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لکم ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا . . .) ندارد .

یأیها الناس کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶- همه انسان ها (مؤمن و

کافر) دارای حق بهرهوری از طبیعت

الله الذی خلق . .. رزقًا لکم ... و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ - تمامی موجودات زمین ، دارای حقی برابر در تأمین نیازمندی های خویش از زمین

و قدّر فیها . .. سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد; یعنی، <إستوت الأقوات المقدره سواء للسائلین>. ۲ مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است; و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حق دفاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳،۱۵

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأُعذّبنّه . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قابیل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغیر حقّ

حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام>

به <مسکین>، بیانگر استحقاق است.

حق عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۶

۶ - خداوند ، حق آزاد شدن را از هیچ برده ای سلب نکرده و کسی را به بردگی همیشگی ، محکوم نکرده است .

فکّ رقبه

حق قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱،۱۰،۹،۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ – ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت

از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴

۴- تشریع دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریع احکام است .

إن الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریعی باشد.

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۹،۱۱

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولیّ مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۱،۱۶

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

۱۶- تشریع حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حق مالکیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> (جمع <نَعَم>) به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه <نَعَم> به شتر اختصاص دارد; زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

حق مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

۲۴ - < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .أليس اللّه عزّوجلّ يقول : < لاتخرجوهنّ من بيوتهنّ و لايخرجن > قال : فقال إنّما عنی بذلک الّتی تطلّق تطيقه

بعـد تطليقه فتلك الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقـد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أیضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعـدبن ابی خلف گویـد: از امـام کـاظم(ع) پرسـیدم. ..[و]گفتم: آیـا خداونـد عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضـرت فرمود: خداونـد [دراین دسـتور]زنی را قصـد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نبایـد در زمـان عـدّه] از خانه خارج شود و نبایـد شوهر او را خارج کنـد تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شـد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

حق نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف

و ینهون عن المنکر

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزینند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حق ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر جمله <إنّی لکم رسول> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم; پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتقوااللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این

حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه وأطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام،

بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و

اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت

حق همبستری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۳،۴،۷،۹،۱۲،۱۳

۳ - پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش ، به اختیار خود ، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بیندازد .

ترجی من تشاء منهنّ و تئوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است

.

لکیلا یکون علیک حرج . .. ترجی من تشاء منهنّ

۷ - بر پیامبر (ص) روا و

جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود ، تغییر داده و آن را مقدم بدارد .

ترجی من تشاء منهنّ . .. و من ابتغیت ممّن عزلت فلاجناح علیک

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تؤوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹ - واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران ، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین

۱۲ - همسران پیامبر ، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان ، اطمینان خاطر داشتند .

ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ کلّهنّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقّی، به خاطر جلب رضایت همسران است> حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران ، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و

لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ

احتمال دارد که مشارٌالیه <ذلک> اصلِ حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حقّ پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۹

۹ - مسکنت و در راه ماندن ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای مساکین و در راه ماندگان است .

فأَت . .. و المسکین و ابن السبیل

حقوق اجتماعی برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ لزوم حفظ حقوق اقتصادی و اجتماعی بردگان

بعضکم من بعض . .. اتوهُنّ اجورهنّ

حقوق اجتماعی تازه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۵

۵ کفار محارب با گرویدن به اسلام ، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از حقوق و مزایای اجتماعی مساوی برخوردار می شوند .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

حقوق اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

یأیّها النبیّ إذا جاءک المؤمنت یبایعنک . .. فبایعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

حقوق اجتماعی مسلمانان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۳

۳ مسلمانان ، برادران دینی یکدیگر بوده و از حقوق و مزایای اجتماعی برابر برخوردارند .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

حقوق اقتصادی برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ لزوم حفظ حقوق اقتصادی و اجتماعی بردگان

بعضکم من بعض . .. اتوهُنّ اجورهنّ

حقوق اقتصادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۴

۲۴ اهتمام اسلام به رعایت حقوق اقتصادی زنان

إذا ءاتیتموهن اجورهن

حقوق انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر جمله <إنّی لکم رسول> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین

هستم; پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتقوااللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <فاتّقوا اللّه وأطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه و أطیعون> بر آیه قبل (إنّی لکم رسول أمین)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است

که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۷

۷ - < فیء > حق منصب رسالت است ; نه ملک شخصی پیامبر (ص) . *

و ما أفاء اللّه علی رسوله

ذکر عنوان رسالت برای پیامبر(ص)، می تواند بدان منظور باشد که پیامبر(ص) از آن جهت که عهده دار منصب رسالت است، <فیء> به آن حضرت تعلق دارد.

حقوق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۲

۱۲ - اعتبار مالکیت شخصی در اسلام و پذیرش تفاوت در مقدار مالکیت

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی . .. و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ انسان ها ، دارای منزلتی برابر در برخورداری از حق حیات

من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

جزای یکسان برای کشتن هر فرد و پاداش مساوی برای احیای وی، حاکی از برابری تمامی انسانها در حق حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۵

۵ اصل مالکیت مردم بر اموال ، اصلی پذیرفته شده در اسلام

لیأکلون أمول الناس

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶- همه انسان ها (مؤمن و کافر) دارای حق بهرهوری از طبیعت

الله الذی خلق . .. رزقًا لکم ... و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲،۳

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نَعَم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود; هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۹ – ۴

۴ – همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لکم ما فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۵

۵ - حضور در خانه خدا (کعبه) حقی برای عموم مردم است .

إذ جعلنا البیت مثابه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا . . .) ندارد .

یأیها الناس کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴،۱۵

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغیر حقّ

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۴

۴ - آزادی در انتخاب راه و عقیده ، حق مسلم هر انسان است .

فما أرسلنک علیهم حفیظًا

این که حتی پیامبر(ص) وظیفه ای جز تبلیغ دین ندارد و در فرض روی گردانی باید

مشرکان را به حال خود واگذارد، نشان می دهد که انسان در انتخاب عقیده آزاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است; و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حقوق اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۲

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حقّ اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبةً مؤمنه ففیما بینه و بین اللّه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

تفسیر عیاشی، ج ۱،

ص ۲۶۲، ح ۲۱۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۶،۷،۸،۱۰،۱۱،۱۶

۶- خداوند ولی کسی را که به ناحق و مظلومانه کشته شود ، بر قاتل او ، سلطه بخشیده است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

۷- ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است .

و لاتقتلوا . .. إلّا بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

۸- تصمیم گیری درباره قاتل ، مخصوص اولیای مقتول است و باید در جهت منافع آنان باشد .

فقد جعلنا لولیّه سلطنًا

برداشت فوق، با توجه به لام در <لولیّه> است که اختصاص و منفعت را افاده می کند.

۱۰- زیاده روی اولیای مقتول ، در انتقام گیری از قاتل ، ممنوع و حرام است .

فلایسرف فی القتل

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیّه سلطنًا فلایسرف فی القتل

۱۶- تشریع حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیّه سلطنًا . .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حقوق اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۸

۸ – حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتب . .. ذلک بأنّهم شاقّواالله و رسوله

از تعلیل <ذلک بأنّهم.

..> استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضه با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

حقوق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالك اش را قبول داشتند .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیه سواء

حقوق بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۳

۳ سکونت قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، حقی برای ایشان از جانب خداوند

التی کتب اللّه لکم

حقوق بین الملل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ جایگاه مهمّ حفظ روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق . .. و القوا الیکم السلم فما جعل ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۹

۹ جایگاه مهم روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

فان لم یعتزلوکم و یلقوا الیکم السّلم . .. فخذوهم و اقتلوهم

حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به

فرزندان خویش

فأرسل معنا أخانا

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های

پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر . ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است; ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

حقوق ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۵

۱۵ قوانین الهی ، حامی و تأمین کننده حقوق فقیران و ثروتمندان

ان یکن غنیاً او فقیراً فاللّه اولی بهما

هـدف از ایراد جمله <فـاللّه اولی بهما> (خداونـد به رعایت حال آنان سـزاوارتر است) پس از الزام اهل ایمان به اقامه قسط و شهادت به حق،

می تواند این معنا باشد که تنها با رعایت قوانین الهی، حقوق انسانها چه غنی و چه فقیر تأمین خواهد شد.

حقوق جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۲،۳

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حقوق حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالک اش را قبول داشتند .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء فی ما رزقنکم فأنتم فیه سواء

حقوق خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۳،۱۶

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعایت احکام

الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم . .. و اتّقوا اللّه و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشداری باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۶ پیامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم . .. و اعلموا انّکم ملاقوه و بشّر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۶

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلّا یقیما حدود اللّه

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۷

۷ تأمین نیاز ها و پوشاک مادران به مقدار متعارف ، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات . .. > نتیجه ای است مترتب بر

جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۲

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حقّ اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبهً مؤمنه ففیما بینه و بین اللّه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۱۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریع احکام است .

إن الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴،۶،۷

۴- تشریع دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

۶- یگانگی خداوند ، مستلزم اختصاص یافتن حق تشریع دین به او

إنما هو إله وحد . .. و له الدين واصبًا

اینکه خداوند در پی دستور به اجتناب از عقیده به ثنویت، برخی ویژگیها و اختصاصات خود، از جمله اختصاص داشتن دین را یادآوری می کند؛ احتمال دارد برای بیان نکته یاد شده باشد.

۷- جزا دادن به بندگان (کیفر و پاداش) ، حق اختصاصی و دائمی خداوند

است .

و له الدین واصبًا

<دین> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این معنا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، دارای حق بر انسان ها است و آنان در برابر آن مسؤول اند .

یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۱،۲

۱ لزوم بهره مند ساختن نزدیکانِ نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمه اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر <اولوا القربی> در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از <اولوا القربی> خویشان نیازمند هستند نه خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطوفت و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه . .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

حقوق خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۱۵

۲- پیامبر (ص) موظف به

ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۱۵- < عن أبی الحسن موسی (ع) : . . . ان الله تبارک و تعالی لمّا فتح علی نبیه (ص) فدک . . . فأنزل الله علی نبیه (ص) < و ءات ذاالقربی حقّه > فلم یدر رسول الله (ص) من هم . . . فأوحی الله إلیه أن ادفع فدک إلی فاطمه (ع) . . . ;

از ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) روایت شده است:. .. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: <و ءات ذاالقربی حقّه>. پس رسول خدا(ص) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ - < فی مجمع البیان : روی أبوسعید الخدری و غیره أنّه لمّا نزلت هذه الأیه علی النبیّ (ص) أعطی فاطمه (س) فدکاً و سلّمه إلیها . و هو المرویّ عن أبی جعفر و أبی عبداللّه (ع) . . . ;

در مجمع البیان آمده است که ابوسعید خدری و دیگران، روایت کرده اند که هنگامی که این آیه بر

پیغمبر نازل گشت <فآت ذا القربی حقّه> آن حضرت، فدک را به فاطمه (علیهاالسلام) داد و آن را به وی تسلیم کرد. همین مطلب، از امام باقر و امام صادق(ع) نیز روایت شده است>.

حقوق خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۸

۸ - خویشاوندان نَسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذاالقربی حقّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶ - پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فأت ذا القربی حقّه

آوردن <حقّه> پس از <ذا القربی> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به

خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریع قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

حقوق دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۳۷

۳۷ خداترسی و توجّه به نظارت او بر اعمال ، عامل رعایت حقوق متقابل مادر ، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه و اعلموا ان اللّه بما تعملون بصیر

حقوق دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۲،۱۴،۱۵

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون . ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله < لا تؤتونهن ما کتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . ..>، عطف به <فیهن> است; یعنی <للّه یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

حقوق در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

حقوق دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶،۲۸،۴۴

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

۲۸ حرمت تجاوز و تعدی ، حتی به دشمنان

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم . .. ان تعتدوا

۴۴ ضرورت رعایت تقوا حتی نسبتِ به دشمنان

لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم عن المسجدالحرام ان تعتدوا . .. واتقوا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱۰،۲۲

۱۰ اهتمام اسلام به لزوم اجرای عدالت و قسط ، حتی در مورد دشمنان

شهداء بالقسط و لایجر منکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

۲۲ هشدار الهی به مؤمنان نسبت به عدم اجرای عدالت ، حتی در مورد دشمنان

اعدلوا . .. و اتقوا اللّه إنّ اللّه خبیر بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۳

۳ انکار لزوم برپایی عدالت و عدم اجرای آن ، حتی نسبت به دشمنان ، از مصادیق کفر و تکذیب آیات الهی است . *

و لایجر منکم شنئان . .. و الذین کفروا و کذبوا

حقوق دشمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴،۸

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در

جنگ با آنان

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

۸ - مجاهـدان ، در صورتی که از حـدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشـمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّه لایحب المعتدین

حقوق دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

حقوق ذوی القربای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۷

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص) باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و . .. جانشین مضاف إلیه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۱۳

۱۳ دفاع اسلام از حقوق زنان

للذین یؤلون من نسائهم تربص اربعه اشهر فان فاءو فان اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۴،۱۷،۲۱

۱۴ رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلّقه اش باشد ، بی اثر و فاقد اعتبار است .

و بعولتهن احق بردّهن فی

ذلک ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است; بنابر مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقانیّت و اعتبار آن سلب می شود.

۱۷ دفاع اسلام از حقوق زنان

و بعولتهنّ احق بردّهنّ ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهن بالمعروف

بی اعتباری رجوع مرد بدون قصد اصلاح زندگی و نیز شناسایی حقوق زنان همانند حقوق مردان، خاصّه با در نظر گرفتن محیط جاهلی، نشانگر دفاع اسلام از حقوق زنان است.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقیّد کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلّقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲،۴،۶،۷،۹،۱۲،۱۴،۲۴

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیّت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجّه به شأن نزول: کان الرجل فی الجاهلیّه اذا طلّق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضی عِدّتها . .. و إن طلقها الف مرّه ... فذکرت ذلک لرسول اللّه (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان ... >. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

۴ لزوم تعهّد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلّقه ای

است که شوهرش به او رجوع کرده بود; ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق ، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

۷ رجوع مرد در ایّام عدّه ، نباید به قصد اضرار به زن باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان

۹ ر ها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او ، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد .

او تسریح باحسان

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>; یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

۱۲ هنگام طلاق ، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریّه و . . .) بازپس گیرد .

و لا یحل لکم أن تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مَهریّه) و گرفتن طلاق ، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است .

و لا یحل لکم ان تأخذوا مما اتیتموهنّ شیئاً الّا ان یخافا الّا یقیما حدود اللّه

۲۴ حمایت و دفاع اسلام از حقوق زنان

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم . .. فاولئک هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲

۲ لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فامسکوهنّ بمعروف او سرِحوهن بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۵

۵ شوهر ، حقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلّقه خویش را پس از انقضای عِدّه ندارد .

و اذا طلّقتم النّساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ

بنابراینکه <فلا تعضلوهنّ> خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از <ازواجهن> نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۹،۱۲

۹ تأمین مخارجِ متعارف زنان مُطلّقه در زمان شیردهی به نوزاد ، بر عهده پدر است .

و علی المولود له زرقهنّ

بنابراینکه مراد از <والدات> به قرینه آیات قبل و بعد، زنان مطلّقه باشند.

۱۲ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله <لا تُکلّف . .. > تبیین کلمه <معروف> باشد; یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۸،۹،۱۰،۱۱

۸ پس از عدّه وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف

۹ عدم لزومِ نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عدّه وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلنَ

۱۰ جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده مانند ازدواج پس از انقضای عدّه وفات ، جایز نیست .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۱۱ پس از عدّه وفات

، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ

مراد از <فیما فعلن>، به قرینه جمله <یتربّصن> که ممنوعیت ازدواج در زمان عدّه است، انتخاب شوهر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۶،۷،۱۴،۱۵

۶ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریّه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ . .. متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در <متّعوهنّ>، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد; یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

۷ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طلّقتم النساء . .. و متّعوهنّ ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در <متّعوهنّ>، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

۱۴ پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلّقه ، حقّی ثابت بر عهده نیکوکاران

حقّاً علی المحسنین

۱۵ پرداخت کالای مناسب به زنان مطلّقه ، نشانه احسان و نیکوکاری مرد

حقّاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱،۳،۴،۷،۱۰،۱۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریّه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسّران برآنند که جمله <اَن تمسّوهنّ>، کنایه از آمیزش جنسی است ; نه مُجرّد لمس.

۳ سقوط

وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند ، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طلّقتموهنّ من قبل . .. إلاّ ان یعفونَ

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مَهر تعیین شده از سوی شوهر ، در صورت گذشتن ولیّ زن از حقّ وی

او یعفوا الّذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلقه است، ظاهر این است که <الاّ>، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی . .. > حمل بر ولیّ زن شود; نه شوهر.

۷ چشمپوشی زن ، شوهر و ولیّ زن از حقوق خویش (مهریّه) ، به تقوا نزدیکتر است .

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <اَن تعفوا> به کلیّه افراد اعم از زن و مرد و ولیّ باشد.

۱۰ استحباب پرداخت تمامی مهریّه معین شده به زنی که قبل از آمیزش طلاق داده شود .

و ان طلّقتموهنّ . .. و ان تعفوا اقرب للتقوی

۱۱ ولیّ زن مطلّقه می تواند از حقّ وی (نصف مَهر) ، صرفنظر کند .

او یعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <اَلذی . .. > ولیّ زن است ; البته این حکم در صورتی است که زن، ولیّ شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ لزوم وصیّت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین یتوفّون منکم و یذرون ازواجاً وصیةً لازواجهم متاعاً الی

الحول

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال ، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیةً لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر ، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع.) یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

۷ جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته ، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

۸ جواز هر گونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهنّ من معروف

برخی برآنند که مراد از <من معروف> ازدواج است ; بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میّت می توانند از ازدواج زن به مدّت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفّی، ممانعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۱،۲،۴،۶،۷

۱ لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلّقه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

۲ شؤون اجتماعی زن و مرد ، تعیین کننده مقدار و خصوصیّات متاعی که باید به زن مُطلّقه پرداخت شود . *

متاع بالمعروف

به نظر

می رسد بدون در نظر داشتن شؤون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیّات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

۴ پرداخت کالای مناسب و شایسته به زنان مطلّقه ، وظیفه تقواپیشگان و نشانه تقواست .

و للمطلّقات . .. حقّاً علی المتّقین

۶ تقواپیشگان ، رعایت کنندگان حقوق زنان مُطلّقه در میان افراد جامعه

حقّاً علی المتّقین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است ; ولی حکم را بر متّقین بار نموده است.

۷ ارزش والای توجّه به مسائل حقوقی زنان مطلّقه

حقّاً علی المحسنین . .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقّاً علی المتّقین

از مجموع آیات درباره زنان مطلّقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل <حقّاً علی المتّقین>، <حقّاً علی المحسنین>، <و ان تعفوا اقرب للتقوی> و . .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۵،۱۸

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹،۱۵

۱ وجوب پرداخت مهریّه زنان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

کلمه <صدقات> جمع <صدقه>، به معنای مهریّه است.

۲ زنان ، مالک مهریه خویش هستند .

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

۳ استقلال مالی زن در

نظام خانواده

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

۴ لزوم پرداخت مهریّه به خود زنان ، نه به فردی دیگر

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

از اینکه فرمود: <و اتوا النساء صدقاتهن> و نفرمود: <اتوا صدقات النساء>، معلوم می شود که مهریّه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و . .. ، بر خلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است.

۶ مهریّه ، دینی است برای زنان بر عهده مردان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ نحله

<نحله> بنابر گفته برخی از مفسران به معنای فریضه است که در برداشت فوق از آن تعبیر به دین شده است ; زیرا فریضه مالی در حقیقت دَین است.

۹ حرمت تصرف شوهران در مهریّه زنان ، بدون جلب رضایت کامل آنان

و اتوا النّساء . .. فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه

از مفهوم جمله <فان طبن لکم . .. > (اگر رضایت داشتند از مهریّه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

۱۵ شوهر ، مجاز به استفاده از دارایی زن ، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لکم عن شیء منه

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۳،۴،۵،۶،۸،۱۸

۳ لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد . *

لا

یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

۲ <کرهاً> به معنای <کارهات>، حال برای <النساء> باشد. گفتنی است که <ان ترثوا> می رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

۴ به ارث بردن زنان ، حرام و امری ناخوشایند است . *

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

در برداشت فوق <النّساء> به معنای زنان، نه همسران، و <کرهاً>، مفعول مطلق برای فعلی مقدّر گرفته شده است ; مثل <اکرهوه کرها>. یعنی چنین کاری (به ارث بردن زنان) را ناپسند بشمارید.

۵ حرمت به ارث بردن زنان ، به دلیل کراهت آنان

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

بنابر اینکه <کرهاً> به معنای <کارهات> و حالِ برای <النساء> باشد. یعنی زنان را به ارث نبرید در حالی که آنان از این کار کراهت دارند. لازم به ذکر است که بر این مبنا، <کرهاً> قید توضیحی غالبی است. یعنی زنان غالباً از این کار کراهت دارند.

۶ حرمت منع کردن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از آنان *

لا یحلّ لکم ان ترثوا النّساء کرهاً

این برداشت بر این اساس است که مراد از <النّساء>، مطلق زنان باشد. (مانند دختر و خواهر و ...) نه همسران. و مقصود از <اَنْ ترثوا> به ارث بردن اموال ایشان باشد. بنابراین معنای آیه، حرمت بازداشتن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از اموال ایشان است. زیرا در صورت ازدواج، اکثر اموال زن با مرگ او، به فرزندان و شوهرش منتقل می شود.

۸ حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

و لا تعضلوهنّ

لتذهبوا ببعض ما اتیتموهنّ

<لا ـ تعضلوهنّ> از <عضل> به معنای سختگیری است. مراد از <ما اتیتموهنّ>، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

۱۸ حرمتِ نگهداشتن و آزار رساندن به همسری که برای ادامه زندگی مورد نیاز مرد نیست ، به منظور گرفتن بخشی از اموال وی .

و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما اتیتموهنّ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: انّه الزّوج امره اللّه بتخلیه سبیلها اذا لم یکن له فیها حاجه و ان لا یُمسکها اضراراً بها حتی تفتدی ببعض ما لها.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۰ - ۵

۵ کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر ، مجوّز پس گیری حتّی اندکی از مهریّه به هنگام طلاق نمی شود .

فان کرهتموهنّ . .. و ان اردتم استبدال ... فلا تأخذوا منه شیئاً

جمله <ان اردتم> پس از جمله <فان کرهتموهنّ>، اشاره به این دارد که هر چند دلیل <استبدال> ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوّز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۱،۲،۱۱

۱ بازپس گیری مهریّه زنان ، دور از انسانیّت و خلاف انصاف است .

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت برمی انگیزاند.

۲ حرمت بازپس گیری حتی اندکی

از مهریّه زنان ، پس از آمیزش

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

بنابر اینکه <و قد افضی>، کنایه از آمیزش باشد.

۱۱ مهریّه ، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضی

جمله <و قد افضی>، که کنایه از آمیزش است، و جمله <اخذن منکم>، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ حمایت اسلام از حقوق اقتصادی زنان

ان تبتغوا باموالکم . .. فاتوهُنَّ اجورهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹،۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهرهوری از کار و تلاش خویش

للرّجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن

۱۳ زن و مرد ، دارای حق کسب و کار

للرّجال نصیب . .. و للنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۰،۲۵،۳۴

۲۰ خداوند ، حافظ حقوق زنان ، با جعل قوانین خانواده

بما حفظ اللّه

مراد از <ما>، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و . .. آن را حفظ کرده است.

۲۵ همخوابگی ، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجروهنّ فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله <فلا تبغوا ... >، پس از فرض اطاعت زنان،

لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

۳۴ مرد ، هیچ حقی در آزار دادن همسر صالح و مطیع خویش ندارد .

و اضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲،۵،۸،۹،۱۲،۱۴،۱۵،۲۱،۲۳،۲۴

۲ حقوق زن ، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

و یستفتونک فی النساء قل اللّه یفتیکم فیهنّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و گفتگوی مسلمانان بوده است.

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ

۸ اهمیت حقوق زن در اسلام و اهتمام خداوند نسبت به آن

و یستفتونک فی النساء قل اللّه یفتیکم فیهنّ . .. ما کتب لهن

تصریح به تبیین احکامی درباره زنان از سوی خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

۹ زن ، دارای حقوقی ویژه در اسلام

ما کتب لهن

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشـد، جمله <و ترغبون . ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله < لا تؤتونهن ما کتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به

اینکه <و ان تقوموا . ..>، عطف به <فیهن> است; یعنی <للّه یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۵،۶،۲۰

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در

پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هـذا تکون عنده المراه لاتعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لک ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۵،۱۸

۵ بلاتکلیف ر ها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

۱۸ حرمت بلاتکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای <کالمعلقه> در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التی هی لا ذات زوج و لا ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو یرثها . .. فلهما الثلثان مماترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۰،۲۲،۲۳

۲۰ حلیت ازدواج با زنان ، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل . .. و المحصنت من الذين اوتوا الكتب من قبلكم إذا ءاتيتموهن اجورهن

۲۲ مهریه از آنِ خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست

.

ءاتیتموهن اجورهن

۲۳ لزوم مراعات حقوق زنان اهل کتاب

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا . .. سیجزیهم وصفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۱

۱ - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

حقوق سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان کان الّذی علیه الحقّ . .. فلیملل ولیّه بالعدل

حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

یأیّها النبیّ إذا جاءک المؤمنت یبایعنک . .. فبایعهنّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

حقوق شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب -

۳۳ - ۴۹ - ۴

۴ - عدّه نگه داشتن زنان مطلّقه ، به نفع مردان ، و از حقوق آنان است .

فما لکم علیهنّ من عدّه

مخاطب <لکم> در آیه، مردانی انـد که زنانی را به ازدواج درآورده و آنها را مطلّقه کرده انـد. قرار دادن عـدّه برای آنان، به مصلحت و سود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده تقواپیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طلّقتم النساء . .. و اتّقوا اللّه ... من یتّق ... یعظم له أجرًا

برداشت یـاد شـده، از آن جـا است که خداونـد در ضـمن پنـج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

حقوق صاحب قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۹،۲۵

۹ صاحبان حق قصاص ، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو کفاره له

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند ، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو کفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو کفاره له> فرمود: یکفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا . .. .

کافی، ج ۷، ص ۳۵۸، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۳۷، ح ۲۲۶ و ۲۲۷

حقوق ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر

سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان کان الّذی علیه الحقّ . .. فلیملل ولیّه بالعدل

حقوق غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم . .. و ما تنفقوا من خیر

حقوق فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۴۲،۳۹،۳۶،۲۶،۲۵،۲۴،۲۲،۲۰،۱۹،۱۸،۱۷،۱

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یُرضعن اولادهنّ

جمله <یرضعن . .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

۱۷ پدر و مادر ، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند . حتی بر فرض وقوع طلاق .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ> به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . .. لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۰ خودداری پدر از تأمین مخارج مادر ، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقهنّ . .. لا تضارّ ... و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره

به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجرّ به زیان کودک خواهد شد.

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او ، موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ . .. و لا مولود له بولده

۲۴ وارثان پدر باید تأمین مخارج زنیکه فرزند میّت را شیر می دهد ، بر عهده بگیرند .

و علی الوارث مِثل ذلک

ظاهر این است که مراد از <وارث>، وارثان پدر کودک هستند.

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورّث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرطِ رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد; لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۳۶ لزوم رعایت تقوا در حقوق نوزادان و آنچه مربوط به شیردهی آنان است .

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

محور اصلی آیه، تأمین حیات و رشد نوزادان است. بنابراین مصداق بارز تقوا درآیه شریفه، رعایت حقوق آنان خواهد بود.

۳۹ خداترسی

و توجّه به آگاهی او ، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر ، مادر ، وارثان پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جُدا کردن طفل از مادر ، به مادر زیان رساند .

و علی الوارث مِثل ذلک

امام صادق (ع): . .. لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لاادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۵

۱۵ قوانین الهی ، حامی و تأمین کننده حقوق فقیران و ثروتمندان

ان یکن غنیاً او فقیراً فاللّه اولی بهما

هدف از ایراد جمله <فاللّه اولی بهما> (خداوند به رعایت حال آنان سزاوارتر است) پس از الزام اهل ایمان به اقامه قسط و شهادت به حق، می تواند این معنا باشد که تنها با رعایت قوانین الهی، حقوق انسانها چه غنی و چه فقیر تأمین خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . و لکنّ الله عزّوحلّ فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه . . . و قد قال الله عزّوحلّ : < ینفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیه > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. ولی خداوند عزّوحلّ در اموال ثروتمندان، حقوقی را به غیر از زکات واجب

کرده است ... و خداوند عزّوحلّ فرموده: ینفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۳

۳ - نیازمندان سائل و محرومان ، دارای حق در مال ثروتمندان جامعه

و فی أموالهم حق للسّائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال إنّ اللّه عزّوجلّ . . .فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه فقال عزّوجلّ : < . . .أقرضوا اللّه قرضاً حسناً > و هذا غیر الزکاه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خدای عزّوجلّ . ..در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: <...أقرضوا اللّه قرضاً حسناً> و این <قرض حسن> غیر از زکات است...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۸

۸ - گرسنگان و بینوایان ، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان

و لایحضّ علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۲،۵

۲ - نیازمندان ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم

تعبیر <حق>، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۵ - < عن محمّد بن مروان عن جعفر بن محمّد (ع) قال : إنّی لأطوفُ بالبیت مع أبی (ع) إذ أقبل رجلٌ . . . فقال : . .

.فأخبرنى عن قوله : < و فى أموالهم

حق معلوم > ما هذا الحقّ المعلوم ؟ قال : هو الشیء یخرجه الرجلُ من ماله لیس من الزّکاه فیکون للنّائبه و الصّله . . . ;

محمدبن مروان از امام صادق(ع) روایت نموده است که فرمود: با پدرم در حال طواف خانه خدا بودیم که مردی به طرف ما آمد . .. و گفت: ... مرا از سخن خداوند: <و فی أموالهم حقّ معلوم> آگاه کن که این <حق معلوم> چیست؟ فرمود: آن حق چیزی است که شخص از مال خود، خارج می کند و جزء زکات نیست; بلکه آن را برای رفع گرفتاری ها و پیشامدها و بخشش و احسان، از مال خود جدا می کند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۲

۲ - سائلان و محرومان جامعه ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أمولهم حقّ معلوم . للسائل و المحروم

حقوق فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۲

۲ حمایت اسلام از حقوق طبقات ضعیف اجتماع

و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره

حقوق کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ ندادن اجر کامل در برابر عمل ، ظلم است .

و اللّه لا یحبّ الظالمین

بنابراینکه جمله <و اللّه لا یحب الظالمین>، تعلیل برای جمله <فیوفّیهم اجورهم> باشد.

حقوق کافر ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۸

۸ - کافران غیرحربی ، برخوردار از

حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم

حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵،۲۴

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است; چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

۲۴ - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیسئلوا ما أنفقوا

حقوق کلیدداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ - استفاده کلید داران از خوراکی های موجود در منازل ، بدون اجازه خواستن از صاحبان آنها ، حقی است برای آنان .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۱۸ - سپردن کلید های خانه ها به هر شخصی ، منشأ پیدایش حق برای آن شخص

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

حقوق کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۱،۱۴

۱۱ مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با

آنان

من فتیاتکم المؤمنات . .. بعضکم من بعض

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریّه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

و اتوهُنّ اجورهنّ بالمعروف

حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . .. و المستضعفین من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۶

۶ - دوران شیرخوارگی کودک ، تا دو سال است .

و فصله فی عامین

<فصال> در لغت، به معنای <جدا کردن کودک از شیر> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <فی> (حرف ظرف) دلالت می کند بر این که مدّت شیرخوارگی، دو سال است و جدا کردن کودک از شیر، می تواند در خلال آن دو سال باشد.

حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ -

بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۴،۱۴،۲۹،۳۰،۴۱

۴ عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر *

لمن اراد ان یتمّ الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد; اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

۱۴ مادر ، دارای حق حِضانت و شیردهی کودک خویش حتی در دوران جدایی و طلاق از همسر .

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

مخاطب جمله <والوالدات . .. > علاوه بر مادران، پدران نیز می باشند; یعنی پدران نیز نباید ارضاع را از عهده مادران خارج کنند; و لازمه این معنا، حق اولویّت مادر در شیر دادن و حضانت کودک است.

۲۹ جواز گرفتن دایه برای فرزند ، به شرط عدم تضییع حق اولویّت مادر در شیر دادن فرزند

و الوالدات یُرضعن . .. و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح

با توجّه به اینکه صدر آیه حق اصلی شیر دادن را از مادر می داند، معلوم می گردد که دایه گرفتن پدر در صورتی جایز است که این حق ضایع نشود و ثانیاً بازداشتن مادر از شیر دادن کودک منوط به رضایت اوست و دایه گرفتن مصداقی از این بازداشتن است. پس باید با رضایت او، یعنی مراعات حق اولویّت او، به سراغ دایه رفت.

۳۰ پرداخت کامل حقوق مادر ، شرط جواز دایه گرفتن برای کودک

و ان اردتم ان تسترضعوا . .. اذا سلّمتم ما اتیتم بالمعروف

بنابراینکه مراد از <اذا سلمتم . .. > تسلیم اُجرت به مادر باشد; یعنی آنگاه که حقوق مادر را پرداختید، سراغ دایه روید.

۴۱ اولویّت

زن مُطلّقه در شیر دادن به فرزندش و دریافت اُجره المثل از پدر

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

امام صادق (ع): الحبلی المُطلّقه . .. و هی احق بولـدها ان ترضـعه بما تقبله امرأه اخری انّ اللّه عزّ و جل یقول: <لا تضار والـده بولدها ... >

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

حقوق مالی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - بستگان نزدیک ، در اموال و دارایی انسان دارای حقوق شرعی اند .

فأَت ذا القربی حقّه

امر <ءاتِ> و نیز اضافه شدن <حق> به ضمیر <ه>، دلالت بر نکته بالا می کند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . *

فأَت ذا القربی حقّه

حقوق مالی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۸

۸ - زنان با عقد ازدواج ، حقّ مالی به عهده شوهر پیدا می کنند ، و لو با آنان آمیزشی صورت نگیرد .

إذا نکحتم المؤمنت ثمّ طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ . .. فمتّعوهنّ

حقوق متقابل همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۵،۱۶،۲۰،۲۳،۲۹

۱۵ برخورداری زنان و شوهران از حقوقی متقابل و همانند ، به صورت معروف و متعارف (بر اساس موازین عقلی و شرعی)

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

۱۶ لزوم تعهّد زنان و شوهران نسبت به رعایت حقوق متقابل و همانند یکدیگر

و لهنّ مثل الذی علیهنّ

بالمعروف

۲۰ عدالت ، اساس وضع قوانین الهی برای زندگی زناشویی

و لهن مثل الذی علیهنّ بالمعروف و للرجال علیهنّ درجه

جمله <للرجال . .. >، قیدی است متمّم <لهنّ ... > یعنی حقوق همانند زن و شوهر به معنای تساوی مطلق نیست; چون مردان بر حسب آفرینش ویژگیهایی دارند که بر اساس آن، حقوقی ویژه خواهند داشت. بر این اساس، عدالت فیمابین رعایت می شود.

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلّقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء . .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

۲۹ هشدار و تهدید الهی به همسرانی که حقوق یکدیگر را نادیده می انگارند .

و المطلقات . .. و لهنّ مثل الذی ... و اللّه عزیز حکیم

تذکر به <عزیز> بودن خداوند پس از بیان احکام، می تواند به منظور تهدید متخلّفان باشد.

حقوق متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۳

۳ - نیازمندان سائل و محرومان ، دارای حق در مال ثروتمندان جامعه

و فی أموالهم حق للسّائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۲

۲ - سائلان و محرومان جامعه ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم . للسائل و المحروم

حقوق متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

حقوق مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱ خداونـد از انصـار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینـده ایمان می آورنـد و هجرت می کننـد و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبـان آیه، انصـار و مهاجران نخستین هسـتند. مضاف إلیه کلمه <بعـد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولی> است. جمله <فأولئـک منکم> اشـاره به این دارد که تمـام قوانین و حقـایقی که دربـاره انصـار و مهاجران نخستین بیان شـده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

حقوق محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱،۲۰،۱۹،۱۷

۱۷ عن أبی عبـدالله(ع): لاتصـرم باللیل و لاتحصد باللیل . .. و إن حصدت باللیل لم یأتک السؤال و هو قول الله تعالی: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ... .

از امام صادق(ع) روایت شـده است: میوه را در شب نچین و شـبانه درو نکن . .. زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سـخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو بپردازید> ... یعنی هنگام درو، دسـته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت بپردازید ... .

۱۹ عبدالله بن سـنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع)

درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده علیک واجب و لیس من الزکاه . . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است . . . .

۲۱ عن النبی(ص) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

حقوق محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیامبر (ص) موظّف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

۱۵ پیامبر (ص) دارای حقوقی بر مردم و آنان وظیفه دار رعایت آن حقوق هستند .

فاعف عنهم و استغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۴

۴ - مقام نبوّت ، برای پیامبر (ص) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبراکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت

حقوق مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۸

۸- عامل های رشد و تربیت انسان ، حقی بزرگ بر گردن او دارند .

و قضی ربّک ألّاتعبدوا إلّا إیّاه و بالولدین إحسنًا

ذکر احسان به پدر و مادر پس از موضوع ربوبیت یگانه خدا (و قضی ربک . ..) می تواند از آن جهت باشد که آنان نیز در رشد و تربیت انسان مؤثرند.

حقوق مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۱

۱ تصمیم در طلاق ، با مرد است .

و ان عزموا الطلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۹،۱۰،۱۳،۱۸،۱۹

۹ حق رجوع شوهر به زن مُطلَقه خویش در مدت عدّه

و بعولتهنّ احق بردّهن فی ذلک

ذلک،

اشاره به تربّص است; یعنی سه طُهری که زمان عدّه می باشد.

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلّقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلاـ در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۳ حق رجوع مرد به همسر مطلّقه خود ، با انقضای مدّت عدّه ساقط می شود .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک

از مفهوم کلمه <فی ذلک> استفاده می شود.

۱۸ برتری مردان بر همسران خویش

و للرجال علیهنّ درجه

۱۹ مردان ، دارای امتیاز حقوقی بر همسران خویش هستند . *

و للرجال علیهنّ درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۵

۵ حق طلاق و رجوع ، با مرد است .

فامساک بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۳

۳ اختیار طلاق با مرد است .

فان طلّقها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹،۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیّت و بهرهوری از کار و تلاش خویش

للرّجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن

۱۳ زن و مرد ، دارای حق کسب و کار

للرّجال نصیب . .. و للنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۶

۱۶ نیکوکاران (محسنین) ، موظّف به رعایت حقوق دیگران

متّعوهنّ . .. حقاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۵

۵ رعایت حقوق دیگران ، وظیفه تقواپیشگان و نشانه تقواست .

و للمطلّقات . .. حقّاً علی المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۵،۳۶،۳۹

۱۵ تقوای الهی عاملی برای رعایت حقوق افراد جامعه و مانعی در برابر تضییع حقوق آنان

و لیتّق اللّه ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۳۶ رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد ، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند اللّه

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی ، از عوامل مفسده انگیز در روابط

اجتماعی

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده و ادنی الاّ ترتابوا

چون <ذلکم اقسط . .. > بیان علّت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلّی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات حدود و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ -

نساء - ۴ - ۵۸ - ۸

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۵

۵ - هشدار الهی به مؤمنان ، نسبت به رعایت تقوا ، در زمینه ادعا های مالی خویش و پرداخت حقوق دیگران

فاتوا الذین ذهبت أزوجهم . .. و اتّقوا اللّه

امر <اتّقوا اللّه. ..> احتمالاً نظر به دو زمینه دارد: ۱ مؤمنی که می بایست مهریه صرف کرده برای همسر کافرش را از غنایم بردارد. در این صورت او نباید بیش از آنچه خرج کرده ادعا کند. ۲ مجموعه مؤمنان اند که در پرداخت حق مؤمن از غنایم، کوتاهی نورزند.

حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۹

۹ - مسکنت و در راه ماندن ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای مساکین و در راه ماندگان است .

فأَت . .. و المسکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۸

۸ - گرسنگان و بینوایان ، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان

و لایحضّ علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال

مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، بیانگر استحقاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷،۲۱،۲۳،۲۴

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . .. و المستضعفین من الولدن

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن . .. و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

حقوق مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکّی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخورداراند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس>است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی

است که بیرون مکّه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند; یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکّی و آفاقی برابراند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

حقوق مسلمانان مکه مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکّی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخورداراند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس>است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکّه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند; یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکّی و آفاقی برابراند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۷

۷ ارزش والای توجّه به مسائل حقوقی زنان مطلّقه

حقّاً علی المحسنین . .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقّاً علی المتّقین

از مجموع آیات درباره زنان مطلّقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل <حقّاً علی المتّقین>، <حقّاً علی المحسنین>، <و ان تعفوا اقرب للتقوی> و . .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۰،۱۱،۱۵،۲۴

۱۰ - مردان ، حق ندارند زنان مطلّقه خود را در ایّام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

انتساب

خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلّقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

۱۱ - محل سکونت زنان مطلّقه در ایّام عدّه ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

۱۵ - احکام مربوط به زنان مطلّقه ، از حدود الهی است .

تلک حدود اللّه

۲۴ - < عن سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .أليس اللّه عزّوجلّ يقول : < لاتخرجوهنّ من بيوتهنّ و لايخرجن > قال : فقال إنّما عنى بذلک الّتی تطلّق تطيقه بعد تطليقه فتلک الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی يطلّق ها الرجل تطليقه ثمّ يدع ها حتّی يخلوا أجل ها فهذا أيضاً يقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم(ع) پرسیدم. ..[و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [دراین دستور]زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا

این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱

۱ - احکام طلاق و عدّه زنان مطلّقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۷،۱۲،۶،۵،۴،۳،۲،۱

۱ - مسکن زنان مطلّقه در ایّام عدّه ، برعهده همسرانشان است .

أسکنوهنّ

۲ - مسکن زنان مطلّقه ، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد ; نه در منزل و محل دیگر .

أسکنوهنّ من حیث سکنتم

گفتنی است <من> در <من حیث سکنتم> برای تبعیض است; یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

۳ - مسکن زنان مطلّقه از نظر کمیت و کیفیت ، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد ; نه کمتر از آن .

أسکنوهنّ من حیث سکنتم من وجدکم

<وجد>، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

۴ - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن ، عرصه را بر زنان مطلّقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود ، غیر قابل تحمل کنند .

و لاتضارّوهنّ لتضیّقوا علیهنّ

۵ – نفقه (هزینه زندگی) زنان مطلّقه تا وقت تولد فرزند ، برعهده همسرانشان است .

و إن كنّ أُولت حمل فأنفقوا عليهنّ

حتّی یضعن حملهنّ

۶ – مردان باید به زنان مطلّقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت بپردازند .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ

۱۲ – زنان مطلّقه ، دارای حق تقدّم و اولویت در شیردادن به نوزادان خود

فإن أرضعن لکم . .. و إن تعاسرتم فسترضع له أُخری

برداشت یاد شده، با توجه این نکته است که صورت شیردادن مادران مطلّقه به نوزادان خود، در آغاز مطرح شده است. سپس صورت اختلاف و دایه گرفتن برای نوزادان، بیان گردیده است.

۱۷ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : لایضارّ الرجل امرأته إذا طلّقها فیضیّق علیها حتّی تنتقل قبل أن تنقضی عدّتها ، فإنّ اللّه عزّوجلّ قد نهی عن ذلک فقال : < و لاتضارّوهنّ لتضیّقوا علیهنّ > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلّقه خود ضرر برساند و او را[از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد; زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لاتضارّوهنّ لتضیّقوا علیهنّ>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۷ – ۱،۲،۳،۴،۱۰

۱ – مردان متمکّن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخْ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلّقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلّقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت

یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ – مردان متمکن و توانا ، باید به میزان توانایی و فراخْ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلّقه خود را در دوران عدّه بپردازند .

لینفق ذو سعه من سعته

۳ – مردان تنگ دست ، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلّقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

۴ – مردان تنگ دست ، باید به میزان توانایی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلّقه را در ایّام عدّه بپردازند .

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا ءاتیه اللّه

۱۰ – نوید خداوند به امکان رفع مشکل زنان مطلّقه و همسرانشان ، در صورت رعایت تعالیم و رهنمود های الهی

لینفق ذو سعه من سعته . .. سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

حقوق مظلوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۸ – ۵،۶

۵ مظلوم ، مجاز به دشنام دادن ظالم و افشاگری علیه اوست .

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

۶ مظلوم ، مجاز به هتک حرمت ظالم و آشکار ساختن خصلت های ظالمانه وی ، برای مردم

لایحب اللّه الجهر بالسوء من القول إلاّ من ظلم

مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند که گفته شود مراد از اظهار عیوب ظالم گفتاری است که مظلوم به وسیله آن ستمگریِ ظالم را نسبت به خودش بیان کند، بنابراین مظلوم حق ندارد بدیهای ظالم را که هیچ رابطه ای با وی ندارد، افشا کند.

حقوق مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أُذن للذین یقتلون . .. الذین أُخرجوا من دیرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۱،۲،۴

۱ - انتقام گرفتن از متجاوزان و ستمگران ، حق مشروع و مسلّم انسان های ستمدیده است .

و لمن انتصر بعد ظلمه فأولئک ما علیهم من سبیل

۲ - مظلومانی که از حق مشروع مقابله به مثل نمی گذرند ، سزاوار ملامت و سرزنش نیستند .

و لمن انتصر . .. ما علیهم من سبیل

۴ - یاری خواستن ستمدیده ، برای انتقام از ستمگر ، حق مشروع او است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

گروهی از مفسران <إنتصار> را به معنای یاری طلبیدن گرفته اند.

حقوق منعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - ولیّ نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

حقوق موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۶

۶ - مسجدالحرام ، از آن

عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

الذی جعلنه للناس

حقوق مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إلیه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولی> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۴

۴ از حقوق مؤمنان بر خداوند ، نجات آنان از عذاب های دنیوی است .

کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۳

۳ - مؤمنان ، دارای ولایت و حق تصمیم گیری درباره امور مختلف خودند .

النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - < عن أبی عبـداللّه (ع) . . . ان جمیع ما بین السـماء و الأرض للّه عزّوجلّ و لرسوله و لأتباعهما من المؤمنین فما کان من الدنیا فی أیدی المشرکین و الکفار .

. . ظلموا فيه المؤمنين و غلبوهم عليه فما أفاء اللّه على رسوله ، فهو حقّهم أفاء اللّه عليهم و ردّه إليهم . . . فما رجع إلى مكانه . . . فقد فاء ;

از امام صادق(ع) روایت شده . .. تمام آنچه بین آسمان و زمین هست، از آنِ خدای عزّوجلّ و رسول او و پیروان مؤمنشان است ... پس هر چه از [اموال] دنیا در دست مشرکان و کافران هست ... ظلمی است که آنان بر مؤمنان روا داشته و [در استیلا بر آن اموال] بر مؤمنان غلبه کرده اند ... پس آنچه را خداوند به رسول خود برگردانده، حق آنها بوده که او به آنها رد کرده است ... چیزی را که به مکان خود برگردد [می گویند] <قد فاء>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - مرد مؤمن ، دارای حق مطالبه مهر همسرش از کافران ، در صورت پیوستن همسرش به جمع کافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان که از سیاق آیه استفاده می شود، مؤمن در صورتی مهریه همسر خویش را از کافران طلب می کند که همسر وی به جمع آنان پیوسته و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۱

۱ - پیش بینی قوانین اسلامی ، نسبت به حقوق مردان مؤمنی که به حکم اسلام ، همسر کافر خود را ر ها کرده اند .

و إن فاتكم شيء من أزوجكم

حقوق مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۷۵ - ۱

۱ خداونـد از انصـار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینـده ایمان می آورنـد و هجرت می کننـد و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبـان آیه، انصـار و مهاجران نخستین هسـتند. مضاف إلیه کلمه <بعـد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولی> است. جمله <فأولئـک منکم> اشـاره به این دارد که تمـام قوانین و حقـایقی که دربـاره انصـار و مهاجران نخستین بیان شـده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۸،۹

۸ سهام تعیین شده در میراث ، حقّ وارثان است ; چه ما ترک میّت اندک باشد و چه فراوان

للرّجال نصیب . .. ممّا قلّ منه او کثر نصیباً مفروضاً

۹ لزوم دقت در تقسیم ارث و پرهیز از تضییع حقوق وارثان

للرّجال نصیب . .. و للنّساء نصیب ... ممّا قلّ منه او کثر نصیباً مفروضاً

تصـریح به اینکه هر چند مال اندک باشد، وارثان باید در آن سـهیم باشند و بهره خویش را ببرند، دلالت بر اهمیت مسأله ارث و لزوم دقّت در پرداخت سهام دارد.

حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸ - ابی ولاد حناط می گویـد : < سألت ابا عبـداللّه (ع) عن قول اللّه عز و جل < و بالوالـدین احساناً > ما هـذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان

ان تحسن صحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین . . . ;

از امام صادق(ع) از آیه <و بالوالدین احساناً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان]به پدر و مادر[آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی . .. فلاتطعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۲

۲ - پدر و مادر ، حقّی الهی بر گردن فرزند دارند .

و وصّینا الإنسن بولدیه

توصیه خداوند به انسان ها، برای رعایت حال والدین، می تواند گویای این حقیقت باشد که رعایت حال والدین، امری الهی است و خدا خواهان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۵

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فی الدنیا معروفًا

حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۵

۵ زن باید در تمتّعات جنسی مرد ، تسلیم او باشد . *

نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم

از اینکه برای مردان در تمتّع از زنان، نوعی آزادی (أنّی شئتم) قائل شده است، چنین استفاده می شود که زن نیز باید در این محدوده تسلیم شوهر باشد و در غیر این صورت، کلام لغو می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۴،۶

۴ ایلاءکننده ، نمی تواند بیش از چهارماه همسر خود را بلاتکلیف بگذارد .

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

۶ لزوم آمیزش مردان با همسران خویش در هر چهار ماه *

للذین یؤلون من نسائهم تربّص اربعه اشهر

به نظر می رسد که اگر ترک آمیزش در بیشتر از چهار ماه جایز بود، به همان مقدار، حکم ایلاء از نظر زمان افزایش می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۴،۵،۶

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال ، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است .

وصیةً لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۵ زنان شوهر مرده نباید تا مدّت یکسال در غیر از خانه شوهر سکونت گزینند . *

متاعاً الی الحول غیر اخراج

برخی برآنند که کلمه <غیر اخراج>، بیان وظیفه زنان است ; بنابراینکه فاعل <اخراج>، ازواج باشد; یعنی زنان

نباید خود را از خانه شوهر خارج سازند. قابل ذکر است که مراد از ترک اخراج و یا خروج، سکونت گزیدن است، نه محبوس شدن در منزل.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر ، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع.) یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۳

۳ متارکه زنان و ترک همبستری با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<من دون النساء> حکایت از آن دارد که قوم لوط ازدواج با زنان و زناشویی با همسران خویش را ترک کرده بودند. بنابراین نکوهشی که از استفهام توبیخی <أتأتون ... > استفاده می شود، دلالت بر ناروایی ترک ازدواج و متارکه زناشویی با همسران نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده تقواپیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طلّقتم النساء . .. و اتّقوا اللّه ... من یتّق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

حقوق همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱

۳،۴،۷،۹،۱۲،۱۳ -

۳ - پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش ، به اختیار خود ، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بیندازد .

ترجی من تشاء منهنّ و تئوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است .

لکیلا یکون علیک حرج . .. ترجی من تشاء منهنّ

۷ - بر پیامبر (ص) روا و جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود ، تغییر داده و آن را مقدم بدارد .

ترجی من تشاء منهنّ . .. و من ابتغیت ممّن عزلت فلاجناح علیک

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تؤوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹ - واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران ، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین

۱۲ - همسران پیامبر ، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان ، اطمینان خاطر داشتند .

ذلک أدنی أن تقرّ

أعينهنّ و لايحزنّ و يرضين بما ءاتيتهنّ كلّهنّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقّی، به خاطر جلب رضایت همسران است> حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران ، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است .

ترجی من تشاء منهنّ . .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ

احتمال دارد که مشارٌالیه <ذلک> اصلِ حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حقّ پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حقوق همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۶،۳۵،۳۷،۴۰

۱۶ پدر و مادر نباید فرزند را وسیله تضییع حقوق یکدیگر قرار دهند .

لا تُضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تُضارّ>، مجهول و باء، سببیّه باشد; یعنی نباید به بهانه فرزند، پدر و مادر به دیگری ضرر رسانند.

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر ، پدر ، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات یرضعن . .. و

اتقوا اللّه

خطاب اصلی در<اتقوا اللّه>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلّف کرد; یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۷ خداترسی و توجّه به نظارت او بر اعمال ، عامل رعایت حقوق متقابل مادر ، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه و اعلموا ان اللّه بما تعملون بصیر

۴۰ ممنوعیّت محروم نمودن همسر (مرد یا زن) از آمیزش جنسی ، به بهانه وجود فرزند و شیرخوارگی او

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود بولده

امام صادق (ع): کانت المرأه منّا ترفع یدها الی زوجها اذا اراد مجامعتها فتقول: لا اَدعک لانّی اخاف ان احمل علی ولدی و یقول الرجل لا اجامعک انی اخاف ان تعلقی فاقتل ولدی فنهی اللّه عزّ و جل اَن تضارّ المرأه الرّجل و ان یضارّ الرّجل المرأه . ..

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریّه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسّران برآنند که جمله <اَن تمسّوهنّ>، کنایه از آمیزش جنسی است ; نه مُجرّد لمس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ مرد نباید با همسر خویش ، هر چند مورد پسند او نباشد ، بدرفتاری کند .

و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهن

جواب

جمله شرطیه <فان کرهتموهن> حذف شده و <عسی ان تکرهوا> جانشین آن شده است. یعنی <فان کرهتموهنّ فایضاً عاشروهنّ بالمعروف عسی ... >.

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فالصّالحات قانتات حافظات للغیب

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات . .. > نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲،۴،۵،۱۹

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً . .. ان يصلحا بينهما

صلحاً و الصلح خير

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خير . .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه كان بما تعملون خبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱،۴،۵،۸،۱۸

۱ مردان ، ناتوان از رعایت عدالت کامل میان همسران متعدد خویش

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء

۴ شوهران نباید به بهانه امکان نداشتن رعایت عدالت کامل بین همسران به برخی همسران خویش گرایش کامل و از دیگری اعراض کنند .

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء . .. فلاتميلوا كل الميل

۵ بلاتکلیف ر ها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقه

۸ لزوم رعایت عدالت در حد توان ، میان همسران

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء و لو حرصتم فلاتميلوا كل الميل

۱۸ حرمت بلاتکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای <کالمعلقه> در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التی هی لا ذات زوج و لا ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره -

۲ - ۲۲۹ - ۴،۶

۴ لزوم تعهّد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلّقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود; ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق ، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

حقوق همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۴،۶

۴ لزوم تعهّد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلّقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود; ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق ، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد .

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۶،۳۵،۳۷،۴۰

۱۶ پدر و مادر نباید فرزند را وسیله تضییع حقوق یکدیگر قرار دهند .

لا تُضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تُضارّ>، مجهول و باء، سببیّه باشد; یعنی نباید به بهانه فرزند، پدر و مادر به دیگری ضرر

رسانند.

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر ، پدر ، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

خطاب اصلی در<اتقوا اللّه>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلّف کرد; یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۷ خداترسی و توجّه به نظارت او بر اعمال ، عامل رعایت حقوق متقابل مادر ، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه و اعلموا ان اللّه بما تعملون بصیر

۴۰ ممنوعیّت محروم نمودن همسر (مرد یا زن) از آمیزش جنسی ، به بهانه وجود فرزند و شیرخوارگی او

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود بولده

امام صادق (ع): کانت المرأه منّا ترفع یدها الی زوجها اذا اراد مجامعتها فتقول: لا اَدعک لانّی اخاف ان احمل علی ولدی و یقول الرجل لا اجامعک انی اخاف ان تعلقی فاقتل ولدی فنهی اللّه عزّ و جل اَن تضارّ المرأه الرّجل و ان یضارّ الرّجل المرأه . ..

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریّه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسّران برآنند که جمله <اَن تمسّوهنّ>، کنایه از آمیزش جنسی است ; نه مُجرّد لمس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

- ۱۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ مرد نباید با همسر خویش ، هر چند مورد پسند او نباشد ، بدرفتاری کند .

و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهن

جواب جمله شرطیه <فان کرهتموهن> حذف شده و <عسی ان تکرهوا> جانشین آن شده است. یعنی <فان کرهتموهنّ فایضاً عاشروهنّ بالمعروف عسی ... >.

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فالصّالحات قانتات حافظات للغیب

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات . .. > نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲،۴،۵،۱۹

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن

از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱،۴،۵،۸،۱۸

۱ مردان ، ناتوان از رعایت عدالت کامل میان همسران متعدد خویش

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء

۴ شوهران نباید به بهانه امکان نداشتن رعایت عدالت کامل بین همسران به برخی همسران خویش گرایش کامل و از دیگری اعراض کنند .

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء . .. فلاتمیلوا کل المیل

۵ بلاتکلیف ر ها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

۸ لزوم رعایت عدالت در حد توان ، میان همسران

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلاتمیلوا کل المیل

۱۸ حرمت بلاتکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای <کالمعلقه> در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التی هی لا ذات زوج و لا

ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۲

۲ رعایت حقوق ایتام ، از مصادیق تقواست .

و اتّقوا اللّه . .. و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً . .. و کفی باللّه حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱،۳،۷،۸،۱۲

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۳ عواطف انسانی ، از زمینه های ایجاد انگیزه برای رعایت حقوق یتیمان جامعه

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم

۷ بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتام دیگران ، زمینه ساز پایمال شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لیخش ان

اخلفه فی ذریّته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۳۸.

۸ هشدار خداوند نسبت به کسانی که یتیمان را از ارثشان محروم می کنند .

للرّجال نصیب . .. و للنّساء نصیب ... ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً

به مقتضای ارتباط این آیه با آیه قبل، مصداق مورد نظر از ترس و وحشت درباره یتیمان، محروم کردن آنان از ارث است.

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورتِ رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الّذین . .. ذریّه ضعافاً ... ولیقولوا قولا سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۵،۲۱،۲۳،۲۴

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . ..>، عطف به <فیهن> است; یعنی <للّه یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ . .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفين من الولدن . .. و ما تفعلوا من خير فإنّ اللّه كان به عليماً

خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

رعایت حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۹

۹ - فرزند ، به صورت عادی و طبیعی ، حال و حقوق پدر را بیش تر رعایت می کند . *

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن. .. أن اشکر ... لولدیک

توصیه به رعایت حال والدین با یادآوری مشقاتی که مادر می کشد، ممکن است از این جهت باشد که فرزند ، حیات و معاش خود را مرهون پدر می داند و طبیعتاً، در مقابل او احساس وظیفه می کند و درباره مادر چنین احساسی ندارد، لذا این توصیه برای ایجاد انگیزه در فرزند جهت رعایت حقوق هر دوی آنها است.

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

رعایت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۳۱ - ۱۴ - ۷،۸

۷ - شیر دادن به فرزند ، به مدّت دو سال ، از سوی مادر ، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و فصله فی عامین

۸ - تحمل ضعف متزایدِ دوران بارداری از سوی مادر ، برای سالم رساندن کودک به دوره زایمان ، عاملِ لزوم رعایت حق مادر از سوی فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. حملته أُمّه وهنًا علی وهن ... أن اشکر لی و لولدیک

رعایت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی باللّه حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱،۴،۱۰

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۴ تحریک عواطف ، از روش های قرآن برای ترغیب به رعایت حقوق دیگران

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم

۱۰ توجه به کیفر الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق دیگران

و

لیخش . .. فلیتّقوا اللّه

رعایت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱،۱۶

۱ - سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر و مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه

۱۶ - تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها ، نباید انسان را از شکرگزاری به درگاه خداوند ، باز دارد .

أن اشکرلی و لولدیک

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی از آنها، یادآوری می کند که <مرا سپاس بگویید!>،احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱

۱ - فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان ، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و إن جهداک علی أن تشرک بی ... فلاتطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

زمینه تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۱

۱ - دل خوشی به ثروت زیاد ، مایه روی آوردن انسان به طغیان و شکستن حریم دیگران

أن رءاه استغنی

<أن رءاه. ..> به تقدیر لام تعلیل مفعول له و بیانگر سبب طغیان است.

زمینه تجاوز به حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ -

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه تضییع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی مختلط و شراکت در امور اقتصادی ، زمینه ساز تضییع حقوق و لغزشگاه بسیاری از مردم

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا ... و قلیل ما هم

زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه سلب حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلّقه ، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است .

و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفحشه مبیّنه

زمینه های حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱۶ - ۹۰ - ۴

۴- پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله یأمر . .. و إیتایءِ ذی القربی

سوگند برای اثبات حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷ - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلّم

و الصفّت صفًّا . فالزّجرت زجرًا . فالتّلیت ذکرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

عدالت در اعطای حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۵

۵ عدل الهی در اعطای حق به صاحبان آن

نوفّ إلیهم أعملهم و هم فیها لایبخسون

عدالت در حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

عدالت در حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

عدالت در حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۹،۲۸

۱۹ لزوم رعایت قسط

، درباره یتیمان

و إن تقوموا لليتمى بالقسط

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خير فإنّ اللّه كان به عليماً

عفو از حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰،۱۰

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خير و احضرت الانفس الشح

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فيريد طلاقها فتقول له: امسكني و لاتطلقني و ادع لك ما على ظهرك و اعطيك من مالي و احللك من يومي و ليلتي فقد طاب ذلك له كله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

عواطف در ادای حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۵

۵- دستورات دین در ادای حقوق دیگران ، همخوان و همسو با عواطف طبیعی انسان است .

و بالولدين إحسنًا . .. و ءات ذاالقربى حقّه

مقدم شـمردن حق پدر و مادر و خویشان و رسـیدگی به مشکلات آنان، گرایش طبیعی انسان است و خدا همین را مورد تأیید قرار داده است.

عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۷

۷

زیر پا نهادن حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روح تجاوزپیشگی است .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً و لاذمه و أولئک هم المعتدون

<أولئک> اشاره به مشرکان است با اوصافی که برای آنان ذکر شده است و از جمله آنهاست وصف <لا یرقبون . .. > یعنی، اینان که نه به رعایت حقوق خویشاوندی و نه به عهد و پیمان ملتزمند، مردمانی تجاوزپیشه اند.

عوامل تفریط در حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۲

۲ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، کوتاهی کردن در حق خداوند است .

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <أن تقول. ..> یا مفعول له برای جمله <اتّبعوا> است و یا با تقدیر لام تعلیل و لای نافیه تعلیل برای جمله های پیشین (<أنیبوا>، <أسلموا> و <اتّبعوا أحسن ما أُنزل>) می باشد. در هر صورت پیام این آیه چنین می شود: توبه کنید، تسلیم شوید و از تعالیم قرآن پیروی کنید، تا دچار حسرت نشوید و احساس نکنید که حق خدا را ضایع کردید.

فرصت جبران حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۴

۴ - جبران کوتاهی کردن در حق خدا ، پس از آمدن عذاب الهی ممکن نیست .

من قبل أن یأتیکم العذاب بغته . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

کتابت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۵

۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده

کیفر تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم . .. فلیتّقوا اللّه

جمله <ولیخش . .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا اللّه> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

گناه تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب أليم> کیفر دنیوی نیز باشد.

مبانی حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸

- ۱۵،۲۰

۱۵ برخورداری زنان و شوهران از حقوقی متقابل و همانند ، به صورت معروف و متعارف (بر اساس موازین عقلی و شرعی)

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

۲۰ عدالت ، اساس وضع قوانین الهی برای زندگی زناشویی

و لهن مثل الذی علیهنّ بالمعروف و للرجال علیهنّ درجه

جمله <للرجال . .. >، قیدی است متمّم <لهنّ ... > یعنی حقوق همانند زن و شوهر به معنای تساوی مطلق نیست; چون مردان بر حسب آفرینش ویژگیهایی دارند که بر اساس آن، حقوقی ویژه خواهند داشت. بر این اساس، عدالت فیمابین رعایت می شود.

متجاوزان به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ زیرپاگذارندگان حقوق خویشاوندی ، مردمانی تجاوزپیشه اند .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً و لاذمه و أولئک هم المعتدون

متجاوزان به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغیر الحقّ . .. و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یق

محدوده حق تصمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - مردم ، حق ندارند که تصمیم هایی بگیرند که با حکم ها وفرمان های خدا و پیامبرش مخالف باشد .

و ما کان لمؤمن و لامؤمنه إذا قضی اللّه و رسوله أمرًا أن یکون لهم الخیره من أمرهم

۴ - صِرف صاحب اختیار بودن در چیزی ، حقِّ تصمیم گیری را درباره آن نمی

آورد .

و ما کان لمؤمن و لامؤمنه إذا قضی اللّه و رسوله أمرًا أن یکون لهم الخیره من أمرهم

مرجع ضمیر <أمرهم> عبارت <مؤمن و مؤمنه> است که به اعتبار نکره بودن آنها و در سیاق نفی واقع شدن، افاده عموم می کند. اضافه <أمر> به ضمیر <هم> می تواند برای القای این نکته باشد که در صورتی که خداوند و پیامبرش، حتی درباره امور مربوط به مؤمنان، اعلام نظر کرده اند، آنان حق تصمیم دیگری ندارند.

مشورت در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۶

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرطِ رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد; لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

مصالحه حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴،۵،۷،۱۹

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .

.. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۷ حقوق شخصی ، قابل مصالحه و چشم پوشی است .

خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

منابع تشریع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریع قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

منشأ پیدایش حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذاالقربی حقّه

منشأ حق امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - ولیّ نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

منشأ حق نهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - ولیّ نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص

را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

منشأ حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۷،۱۸

۱۷ - رابطه خویشاوندی و دوستی ، منشأ پیدایش حق است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

۱۸ - سپردن کلید های خانه ها به هر شخصی ، منشأ پیدایش حق برای آن شخص

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

منشأ حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۷

۷- فقر و در راه ماندگی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای فقرا و در راه ماندگان

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

منشأ حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۷

۷- فقر و در راه ماندگی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای فقرا و در راه ماندگان

و ءات . .. و المسکین و ابن السبیل

منشأ حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۵،۷

۵ - تحمل ناتوانی های روز افزون ، از سوی مادر ، در دوران بارداری ، در پی دارنده حقوقی بر گردن فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن

<وهناً علی وهن> دلالت بر افزایش ضعف و ناتوانی مادر در دوران بارداری می کند.

۷ -

شیر دادن به فرزند ، به مدّت دو سال ، از سوی مادر ، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. و فصله فی عامین

موانع تجاوز به حقوق شریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۸

۸ - ایمان و عمل صالح ، مانع از تجاوز به حقوق دیگران و ستم در حق شریکان

و إنّ کثیرًا من الخلطاء لیبغی . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

موانع تضییع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۴

۴- تقوای الهی ، مانع از تضییع حقوق ، ریختن آبرو و هتک حرمت دیگران

و اتقوا الله و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۸

۸- نقش اساسی ثبت و بایگانی عملکرد ها ، در ضایع نشدن حقوق افراد

فمن یعمل . .. إنّا له کتبون

تأکید خداوند بر تضمین پاداش مؤمنان نیکوکار با ثبت و نوشتن تمامی رفتارها، افاده کننده برداشت بالا است.

نظام حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

کتب علیکم القصاص . .. فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسن

ویژگیهای حقوق اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

کتب علیکم القصاص . .. فمن عفی له

من أخيه شيء فاتباع بالمعروف و أداء إليه بإحسن

حقوق مردم

{حقوق مردم}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۳

۳ امانتداری و حقوق اجتماعی ، عهد الهی است . *

و منهم من ان تأمنه بدينار لا يؤدّه اليك . .. انّ الّذين يشترون بعهد اللّه

ادای حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۷،۸

۷ تقواپیشگی اجرا کنندگان احکام شهادات و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

و اتقوا اللّه و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان <اتقوا و اسمعوا> شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

۸ تعهد در برابر احکام الهی ، هموار سازنده جریان صحیح اثبات و ایفای حقوق اجتماعی

و اتقوا اللّه و اسمعوا

اهمیت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسؤولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راكعًا و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلّماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت

انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت مراعات حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۳

۳ - مراعات و حقوق مردم ، در برخورد اخلاقی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و لاتصعّر خدّک للناس

<لام> در <للناس> برای تعلیل است; یعنی، روی خود را متکبرانه به خاطر اعراض از مردم، برنگردان. چنین دستوری حکایت از آن دارد که مردم، در برخورد اخلاقی، دارای حقوق لازم الرعایه اند.

پاسداری از حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لاتأکلوا أمولکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلی الحکام . .. و أنتم تعلمون

تجاوز به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۶،۱۵،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۸،۷

۷ قیام مداوم علیه تضییع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤدّه الیک الاّ مادمت علیه قائماً

۸ تضییع حقوق دیگران توسط برخی از اهل کتاب (یهود) ، ناشی از روحیه خودبرتربینی آنان

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۰ عدم احساس مسؤولیت برخی از اهل کتاب در برابر حقوق غیر همکیشان خود

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرّف در اموال دیگران و تضییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلک بانّهم قالوا

لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۲ نژادپرستی و خودبرتربینی ، زمینه ای برای تضییع حقوق دیگران

و منهم من ان تأمنه . .. ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

۱۳ اهل کتاب به دروغ ، برتری خویش را بر غیر همکیشان خود و نیز جواز تصرّف در اموال آنان را به خدا نسبت می دادند .

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل و یقولون علی اللّه الکذب

۱۵ نسبت دادن برتری نژادی و مشروعیّت تضییع حقوق دیگران به خدا ، نسبتی دروغ و نارواست .

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل و یقولون علی اللّه الکذب و هم یعلمون

۱۶ بدعتگذاری ، وسیله ای برای توجیه ستم و نقض تعهّدات اجتماعی

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیک . .. و یقولون علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنّا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

۳ پرهیز شاهدان

وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقواپیشگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . .. و اتقوا اللّه و اسمعوا

تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۵،۲۶

۲۵ تضییع حقوق مردمان ، بدون هیچ تردید گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

۲۶ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۶

۱۶ نیکوکاران (محسنین) ، موظّف به رعایت حقوق دیگران

متّعوهنّ . .. حقاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۵

۵ رعایت حقوق دیگران ، وظیفه تقواپیشگان و نشانه تقواست .

و للمطلّقات . .. حقّاً علی المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۵،۳۶،۳۹

۱۵ تقوای الهی عاملی برای رعایت حقوق افراد جامعه و مانعی در برابر تضییع حقوق آنان

و لیتّق اللّه ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۳۶ رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد ، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند اللّه

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی ، از عوامل مفسده

انگیز در روابط اجتماعی

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده و ادنی الاّ ترتابوا

چون <ذلکم اقسط . .. > بیان علّت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلّی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات حدود و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۸

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۵

۵ - هشدار الهی به مؤمنان ، نسبت به رعایت تقوا ، در زمینه ادعا های مالی خویش و پرداخت حقوق دیگران

فاتوا الذین ذهبت أزوجهم . .. و اتّقوا اللّه

امر <اتّقوا اللّه. ..> احتمالاً نظر به دو زمینه دارد: ۱ مؤمنی که می بایست مهریه صرف کرده برای همسر کافرش را از غنایم بردارد. در این صورت او نباید بیش از آنچه خرج کرده ادعا کند. ۲ مجموعه مؤمنان اند که در پرداخت حق مؤمن از غنایم، کوتاهی نورزند.

خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی

الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

رعایت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی باللّه حسیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱،۴،۱۰

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۴ تحریک عواطف ، از روش های قرآن برای ترغیب به رعایت حقوق دیگران

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم

۱۰ توجه به کیفر الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق دیگران

و لیخش . .. فلیتّقوا اللّه

متجاوزان به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغیر الحقّ . .. و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یق

حکمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکمت

{حکمت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۶،۷

۶ قرآن

، کتابی سراسر حکمت (مُتقن و خلل ناپذیر)

و الذکر الحکیم

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکّر است .

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ عزّت و حکمت مطلق ، معیار الوهیّت است .

و ما من اله الا اللّه و انّ اللّه لهو العزیز الحکیم

جمله <و ان الله . .. >، تعلیلی برای <ما من اله ... > است.

آثار حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ - صدور خیر ها و برکت ها و جوشش علم و حکمت ، نشانه منزه بودن قلب از قساوت و کدورت است .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۴

۴ حکمت ، خیرآفرین است .

و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۴

۴ - دستیابی به اوج صلاح ، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

مقدم آوردن <حکمًا> می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - التزام به حقایق حکمت آمیز و دست برداشتن از اختلافات ،

جلوه ای از تقوای الهی است .

قد جئتکم بالحکمه و لأُبیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه فاتّقوا اللّه و أطیعون

آثار حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

چنانچه <یعذب . .. و یغفر> اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از <فاقطعوا> و ذکر غفران و رحمت او پس از <فان اللّه یتوب علیه> در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳،۵،۶

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما یعذبهم و إما یتوب علیهم و اللّه علیم حکیم

۵ مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران ، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر اللّه . .. و اللّه علیم حکیم

۶ اتخاذ عکس العمل های مختلف در برابر خطاکاران گوناگون ، مبتنی بر علم و حکمت الهی است .

و ممن حولکم . .. سنعذبهم ... و ءاخرون مرجون ... و اللّه علیم حکیم

برداشت فوق بر این پایه است که ذکر <علیم حکیم> نظر به عالمانه شمردن برخوردهای متفاوت خداوند در برابر خطاکاران مختلفی داشته باشد که در آیات قبل از آنان یاد شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲ حمایت خداوند از پیامبران در برابر دشمنان آنان ، مقتضای ربوبیت او و پایه قرار دادن افعالش بر حکمت و صواب است .

إنی توکلت علی الله ربی و ربکم . .. إن ربی علی صرط مستقیم

<إنی توکلت . ..> متضمن حمایت خداوند از هود پیامبر می باشد و جمله <إن ربی ...> تعلیل برای این معناست. بنابراین راستی و درستی کارهای خداوند ، اقتضا می کند که هود(ع) را در برابر دشمنانش ، حمایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۲،۲۴،۲۵

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب . .. إن ربک علیم حکیم

۲۵ تفاوت های بشر در برخورداری از نعمت های الهی ، برخاسته از حکمت خداست .

یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - رحمت ، فضل ، توبه پذیری و حکمت خداوند ، جلوگیر مؤمنان از سقوط بر اثر لغزش ها و نادانی هایشان

و لولا فضل اللّه علیکم و

رحمته و أنّ اللّه توّاب حکیم

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند محذوف باشد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۲۱ همان مضمونی است که در برداشت یاد شده آمده است.

۶ - قوانین اسلامی ، احکامی سنجیده ، بی عیب و نقص و برخاسته از علم و حکمت الهی

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته و أنّ اللّه توّاب حکیم

برداشت فوق از وصف <حکیم> برای خداوند، پس از بیان یک سلسله از احکام و قوانین در آیات گذشته، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۲ - ۵

۵ - عزت و حکمت خداوند ، دلیل شایستگی او ، برای بودنش به عنوان معبودی یکتا است .

إنّ اللّه یعلم ما یدعون من دونه من شیء و هو العزیز الحکیم

این برداشت، بنابر حال بودن جمله <و هوالعزیز. ..> برای ضمیر <من دونه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - آفرینش نخست انسان ها و بازآفرینی آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده . .. و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۶،۷

۶ - عزت و حکمت خداوند ، منشأ تخلّف ناپذیری وعده های او است .

وعد اللّه حقًّا و هو العزیز الحکیم

۷ - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... و هو العزيز

الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - فرمان به پیامبر (ص) برای رعایت تقوا ، برخاسته از علم و حکمت الهی است .

یأیّها النبیّ اتّق اللّه . .. إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا

جمله <إنّ اللّه. ..> می تواند تعلیل برای فرمان به رعایت تقوا باشد; یعنی، چون خداوند، دارای آگاهی فراوان و صاحب حکمت است، چنین فرمانی را صادر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - عزت و حکمت خداوند ، مقتضی نداشتن هرگونه شریکی است .

کلّا بل هو اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲ - ۶

۶ - گشایش رحمت و امساک آن از سوی خداوند ، ناشی از حکمت او است .

ما یفتح اللّه للناس من رحمه فلاممسک لها . .. و هو ... الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳،۳

۳ - انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت

آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز

عالمانه و حکیمانه می باشد; مثل آیه شریفه: <اللّه أعلم حیث یجعل رسالته> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

۳ - انتخاب پیامبر برای هـدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربّنا یعلم إنّا إلیکم لمرسلون

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودنـد، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسـی است که عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد; مثل آیه شریفه: <اللّه أعلم حیث یجعل رسالته> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۴ - عزت و حکمت بی ماننـد خداوند ، مقتضـی دل بسـتن و امید داشـتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسـران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّت . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّک أنت العزیز الحکیم> تعلیل برای جمله های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲

۱۰ - حکمت الهی ، تضمین کننده مصونیت قرآن از تحریف و دستبرد مخالفان

لایأتیه البطل . .. تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۸

۸ - تحولات پیچیده شکوفه ها و جنین ، بنا به مقتضای علم و حکمت خداوندی است .

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها . .. إلاّ بعلمه

چنانچه <باء> در <بعلمه> برای سببیت باشد، مفاد آیه شریفه، این خواهد بود که همه این رخدادها براساس علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۸،۹،۱۰

۸ - معارف والای کتاب های آسمانی ، برخاسته از حکمت گسترده و عزت خداوندی است .

یوحی إلیک . .. العزیز الحکیم

ذکر صفت عزت و حکمت برای خداوند و ارتباط صدر و ذیل آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

۹ - انتخاب پیامبران از میان مردم ، براساس حکمت الهی است . *

کذلک یوحی إلیک . .. الحکیم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر وصف حکمت برای خداوند در مقام بیان این نکته باشد که خداوند بر اساس حکمت خویش، پیامبران را بر می گزیند و به آنان وحی می کند.

۱۰ - تحقق وحی در نظام طبیعت و انتخاب آن به عنوان راه ارتباط خداوند با خلق ، متکی به عزت و حکمت او است .

کذلک یوحی إلیک . .. اللّه العزیز الحکیم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف عزیز و حکیم نظر به توجیه و تبیین اصل وحی داشته و پاسخی به دو پرسش

باشد: الف) آیا راستی وحی امری ممکن

است ؟ ب) چرا شیوه وحی به عنوان راه ارتباط خدا با خلق انتخاب شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ - وحی و شیوه های گوناگون آن ، متکی بر حکمت و کاردانی خداوند است .

و ما کان لبشر أن . .. إنّه علیّ حکیم

<حکیم> در جمله <إنّه علیّ حکیم>، می تواند مرتبط با وحی و گزینش نوع آن باشد.

۱۶ - مشیت الهی در تعیین محتوای وحی ، متکی به علو مرتبه و حکمت او است .

فیوحی بإذنه ما یشاء إنّه علیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۷

۷ - نزول قرآن در قالب واژگان عرب ، متکی به حکمت خداوند است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. لعلیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحکیم العلیم . و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۸

۸ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریع و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز

الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتابِ تشریع با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۹

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

و للّه جنود السموت و الأرض و کان اللّه علیمًا حکیمًا

تعبیر <و کان اللّه علیماً حکیماً> در پایان آیه شریفه، می رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره گیری از جنود آسمان ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می گیرد; زیرا نفس تکوّن جنود و نیز بهره گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۳

۳ - علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و کان اللّه علیمًا حکیمًا . لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (کان اللّه. ..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۵

۵ - شکل گیری و پیدایش قوانین و قوای هستی ، در پرتو عزّت و حکمت ازلی خداوند *

و للّه جنود السموت و الأرض و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط

دو بخش آیه (و للّه جنود. ..) با (و کان اللّه...)، می توان به مطلب بالا ره یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- اراده و تدبیر الهی ، متکی به علم و حکمت او

فعلم ما لم تعلموا

خداوند، با تعبیر <فعلم. ..> این واقعیت را به مؤمنان یادآور شده که کارها و تدابیر او، متکی به علم و آگاهی است; نه گزاف و بی حساب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۸،۹

۸ - نعمت ها و تفضلات الهی بر خلق ، متکی به علم و حکمت او است ; نه بدون ملاک و گزاف .

فضلاً من اللّه و نعمه و اللّه علیم حکیم

۹ - افعال الهی ، براساس علم و حکمت

و لکنّ اللّه حبّب . .. و کرّه إلیکم ... فضلاً... و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۶،۷

۶ - اعطای فرزند به همسر پیر و عقیم ابراهیم (ع) ، متکی بر حکمت و علم الهی بود .

و قالت عجوز عقیم قالوا کذلک . .. إنّه هو الحکیم العلیم

تصریح به علم و حکمت الهی، در پی نوید به اعطای فرزند، بیانگر مطلب بالا است.

۷ - معجزات الهی ، متکی به علم و حکمت گسترده او

و قالت عجوز عقیم . قالوا کذلک ... إنّه هو الحکیم العلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که باروری پیرزنی فرتوت و نازا، طبق عوامل طبیعی صورت نمی گیرد و آن گونه

که به همسر ابراهیم(ع) بشارت داده شد، قطعاً امری اعجازی بوده است و این اعجاز بی دلیل نمی باشد; بلکه نشأت یافته از علم و حکمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۸

۸ - عزّت و حکمت خداوند ، نشانه منزّه بودن او از هر عیب و نقص (همچون داشتن شریک و . . .)

ما فی السموت و الأرض و هو العزیز الحکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> بودن پس از یادآوری تسبیح همه موجودات برای خداوند حکایت از آن دارد که حقیقتی مانند خداوندِ عزیز و حکیم، از هر عیب و نقصی (مانند داشتن شریک) مبرّا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۷

۷ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، معلول حکمت و مصلحت سنجی خداوند است ; نه عجز و ناتوانی او .

و هو العزیز الحکیم . .. و لولا أن کتب اللّه علیهم الجلاء لعذّبهم فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۹

۲۹ - احکام و داوری های خداوند میان خلق ، متکی به علم و حکمت گسترده او است .

یحکم بینکم و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۳

۱۳ - تنگدستی یاران پیامبر (ص) ، ناشی از حکمت الهی بود .

لاتنفقوا . .. و للّه خزائن السموت و الأرض و لکنّ المنفقین لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقواپیشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فاتّقوا اللّه . .. اسمعوا و أطیعوا و أنفقوا ... و اللّه شکور حلیم ... العزیز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر اوصاف خداوند در دو آیه پایانی، با فرمان الهی به تقواپیشگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تشریع خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او است .

قد فرض اللّه لکم . .. و هو العلیم الحکیم

یادآوری علم و حکمت خداوند پس از تشریع قانون شکستن سوگند می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

آثار درک حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۹

۹ - درک عزت و حکمت مطلق خداوند ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح و تنزیه او

سبّح للّه

. .. و هو العزیز الحکیم

جمله <و هو العزیز الحکیم> بیانگر دلیل تسبیح گویی مخلوقات است; یعنی، آنها بدان جهت خداوند را تسبیح می گویند که او را عزیز و حکیم می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درک فرامانروایی ، قداست ، عزّت و حکمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسبّح للّه . .. الملک القدّوس العزیز الحکیم

ذکر اوصاف <ملک>، <قدّوس> و. .. پس از <یسبّح للّه ...>، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد; یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار دوری از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۲

۲ - شرک و اعتقاد به ربوبیت جز خداوند ، نتیجه سست اندیشی و دور ماندن از حکمت

قد جئتکم بالحکمه . .. إنّ اللّه هو ربّی و ربّکم

آثار ذکر حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف (ع) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت فراگیر خداوند ، خویشتن را در محضر او احساس کرد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم. رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق ; یعنی، التفات از غیبت (إن ربی . .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه

یوسف(ع) با یاد کردن از نعمتهای

خدادادی و توجه به ربوبیّت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ - ۷

۷ - توجه به حکمت و علم گسترده خدا ، مستلزم بی نیاز شمردن او از شریک و مشاور

و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله و هو الحکیم العلیم

تذکر به حکمت و علم گسترده خدا، در پایان جمله ای که نفی کننده شرک و اثبات کننده توحید است، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲۰

۲۰ - توجّه به قدرت ، علم و حکمت گسترده خداوند ، مایه اطمینان قلب مؤمنان در طریق ایمان .

أنزل السکینه . .. و للّه جنود السموت و الأرض و کان اللّه علیمًا حکیمًا

<للّه جنود. ..> دال بر حاکمیت و قدرت خداوند است و این که خداوند در پایان آیه به قدرت مطلقه و علم و حکمت گسترده خود اشاره کرده است; می تواند از آن جهت باشد که نفس توجّه مؤمنان به این حقیقت، خود وسیله ازدیاد ایمان و آرامش قلب آنان است.

آثار عقیده به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲- عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت ، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و

نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

<فا> در <فاصفح> تفریع است و جمله <فاصفح . ..> را بر جمله <و ما خلقنا السموات ... إلاّ بالحق و إن الساعه لأتیه> عطف کرده است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریده شدن جهان اقتضا دارد تا انسانِ حق طلبی همچون رسول الله(ص) در مسیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

ارزش تعلم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ - زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشتن ، فراگیری قرآن و آموختن حکمت ، احکام و معارف دین ، دارای جایگاهی رفیع و ارزشمند

کما أرسلنا فیکم رسولا . .. و یعلمکم الکتب و الحکمه

ارزش تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۹

۹ - آموزش کتاب آسمانی ; یادگیری حکمت ، احکام و معارف الهی و زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشتن ، دارای جایگاهی رفیع و ارجمند در دیدگاه پیامبران الهی

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا . .. یزکّیهم

ارزش حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ کمال و ارزش والای علم در همراهی و آمیختگی آن با حکمت است .

و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ -

۸- حکمت (دلایل عقلی و علمی) ، اساسی ترین و ارزشمندترین وسیله تبلیغ دین *

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جدلهم

برداشت فوق، بدان احتمال است که تقدم <حکمه> بر <موعظه> و <جدل>، معلول اهمیت و ارزش برتر آن باشد. به علاوه مطلق آمدن <حکمت> و مقید شدن <موعظه> به <حسنه> و <جدل> به <أحسن>، می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۵

۵ - حکمت و سنجیده کاری ، خصلتی پسندیده و ارجمند در پیشگاه خداوند

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۴

۴ - شناختن هستی ، آن گونه که هست و تشخیص کار خیر و انجام دادن آن (حکمت) ، امری بس مهم و ارزش مند است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

حکمت در لغت، به معنای <معرفت پیدا کردن به موجودات> و نیز <انجام دادن کارهای خیر> است. (مفردات راغب)

ازلیت حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۶

۶ - خداوند ، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

اصول حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۷

۷ - شکرگزاری به درگاه خداوند ، اصلی از اصول حکمت است .

ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر للّه

<أن> در <أن اشکر> تفسیری بوده و حکمت را تفسیر کرده است.

اعطای حکمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱

۱ حکمت ، موهبت الهی است که خداوند به هر کس خواهد ، عطا می کند .

یؤتی الحکمه من یشاء

اعطای حکمت به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) از سوی پروردگار در پی فرار او از نظام فرعونی

ففررت منکم . .. فوهب لی ربّی حکمًا

واژه <حکم> می تواند مرادف <حکومت> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) باشد و نیز می تواند معادل <حکمه> و به معنای دانش و معرفت باشد. برداشت یاد شده بر پایه معنای دوم است.

۵ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) ، زمینه ساز نایل آمدن او به مقام رسالت

فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

جدا بودن <وهب> و <جعل> و مقدم آمدن اعطای حکمت، نشان دهنده تمایز میان آن دو و قرار داشتن <جعل رسالت> در طول اعطای حکمت است.

اهمیت تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۷

۷ - هدف بعثت پیامبر (ص) تعلیم کتاب و حکمت به همه انسان های عصر خود و نسل های بعد است .

و یعلّمهم الکتب . .. و ءاخرین منهم

اهمیت حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس

از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرّمت . .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ بهره وری صحیح از امکانات ، نیازمند به حکمت و کاردانی است .

و کان اللّه وسعاً حکیماً

توصیف خداوند به حکیم بودن پس از توصیف او به <واسع> بودن، اشاره به این است که چون توانمندی حکیم است، می تواند امور انسانها را تدبیر کند. بنابراین قدرت و امکانات بدون حکمت، کارساز نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلک حجتنا . .. إن ربک حکیم علیم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۶

۲۶ علم و حکمت شرط لازم برای ربوبیت است.

إن ربک حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

- ۲۶ - ۸۳ - ۳

۳ - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی، این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حکمت کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۷

۷ - هر کتابی ، شایسته است که استوار و متقن و حکیمانه باشد .

الکتب الحکیم

وصف قرآن کریم به عنوان کتاب حکیم، می تواند رهنمودی به نکته یاد شده باشد.

ایمان به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۸

۸ باور و ایمان به شکست ناپذیری و حکیم بودن خداوند ، زمینه ساز توکل و اتکا بر وی

و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

آوردن جمله <فان اللّه . .. > به جای جواب شرط و یادآوری عزت و حکمت مطلق الهی، اهدافی را تعقیب می کند که از جمله آنها ایجاد روح توکل در مؤمنان به خداوند است. یعنی اگر خداوند را عزیز و حکیم بدانید بر او توکل خواهید کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۰،۲۱،۲۲،۲۴،۲۶

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب (ع) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسى الله أن يأتينى بهم جميعًا إنه هو العليم الحكيم

جمله <إنه هو . ..>

تعلیل برای <عسی الله ...> می باشد.

۲۱ باور به علم خدا و حکیمانه بودن افعال او ، زمینه ساز امید و اتکا به اوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

۲۲ باور و توجه به انحصار علم و حکمت در خداوند ، زمینه ساز قطع امید از غیر اوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

هر چند جمله <عسی الله . ..> حاوی حصر نیست، ولی می توان گفت حصری که از تعلیل (إنه هو ...) استفاده می شود به آن جمله نیز سرایت می کند. بنابراین مفاد (عسی الله ...) چنین می شود: من تنها به خدا امید دارم و به غیر او امیدی ندارم ; زیرا تنها او دانا و حکیم مطلق است.

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو. ..> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله ...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیّت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو

العلیم الحکیم

پاداش حکمت به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

پرسش از حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۲،۷

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و . . .) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یزکّیهم

۷ - تلاوت آیات خدا ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت و پاکسازی مردم از آلودگی ها ، از وظایف پیامبران و از اهداف بعثت ایشان است .

یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یزکّیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۸

۸ - تعلیم حقایق و معارف قرآن و آموزش حکمت

به مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های رسالت اوست .

و یعلمکم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۴

۴ خداوند به عیسی (ع) ، کتاب (قوانین الهی) ، حکمت (معارف الهی) ، تورات و انجیل را آموخت .

و یعلّمه الکتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۷،۹

۷ تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، سرلوحه برنامه ها و مسؤولیت های پیامبر (ص)

اذا بعث فیهم رسولا . .. یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانشِ کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

تلاوت حکمت در خانه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

جایگاه حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ - قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی

بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر و إن منها لما یشقق فیخرج منه الماء

حکمت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۸

۸ اعطای کتاب و حکمت (پیامبری) و ملک عظیم به آل ابراهیم (ع) ، از تفضّلات الهی

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً

برخی از مفسران برآنند که مراد از حکمت، نبوت و پیامبری است.

حکمت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، خواستار دانش و شایستگی از درگاه پروردگار

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

<حکم> می تواند مرادف <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) و یامعادل <حکمت> (دانش و معرفت) باشد. برداشت یاد شده، بر پایه معنای دوم است.

حکمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۵۸

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۸ تعلق نصرت الهی به پیکارگران اهل صبر و تقوا ، برخاسته از حکمت خداوند

ان تصبروا و تتّقوا . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

حکمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۵،۹

۵ کتاب و حکمت ، عطیّه الهی به انبیا

ان یؤتیه اللّه الکتاب و الحکم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکمت باشد.

۹ ناسازگاری

مقام نبوّت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۳،۸

۳ کتاب و حکمت ، عطیّه الهی به انبیا

لما اتیتکم من کتاب و حکمه

۸ میثاق الهی از انبیا ، قبل از دادن کتاب و حکمت به آنها

و اذ اخذ اللّه میثاق النّبیّن لما اتیتکم من کتاب و حکمه

بنابراینکه <لما>، شرطیه باشد.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۶،۹

۶ - خداوند ، تنها حقیقتی که دارای علم و حکمت مطلق است .

إنک أنت العلیم الحکیم

مقرون بودن خبر (العلیم الحکیم) به <ال> و نیز وجود ضمیر فصل <أنت> در جمله، دلالت بر حصر دارد.

۹ - هـدف از فرمان خدا به فرشـتگان (در بیان نام های حقایق) ، یادآوری عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی و آگاه ساختن آنان به برتری علمی آدم (ع) بود .

أنبئونی بأسماء هؤلاء . .. قالوا سبحنک ... إنک أنت العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳

- تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹،۱۲

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادلّه روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاءتکم البیّنات . .. ان اللّه عزیز حکیم

۱۲ آگاهی از عزت و حکمت الهی ، زمینه تسلیم در برابر خداوند و دوری از متابعت شیطان

ادخلوا فی السلم . .. و لا تتبعوا ... ان اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۲۰،۲۱،۲۴

۲۰ تشریع احکام ، بر اساس حکمت الهی

و یسئلونک عن الیتامی . .. ان اللّه عزیز حکیم

۲۱ عزّت و نفوذناپذیری خداوند در انجام خواسته های حکیمانه خویش

و لو شاء اللّه لاعنتکم ان اللّه عزیز حکیم

۲۴ حکمت الهی مانع از اراده و جعل احکام دشوار و مشقت آمیز

و لو شاء اللّه لاعنتکم انّ اللّه عزیز حکیم

جمله <انّ اللّه . ..> دلیل است برای <لو شاء ...> یعنی حکمت او مانع است از اینکه احکامی دشوار و مشقت آمیز جعل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۴

۲۴ احکام و قوانین الهی ، از جمله قوانین مربوط به زندگی زن و شوهر ، حکیمانه و برخاسته از حکمت خداوند است .

و المطلّقات یتربصن . .. و اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۲

۱۲ تشریع احکام بر اساس حکمت الهی

و اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۲۱

۲۱ خواسته ها و مشیّت های الهی ، بر اساس ملاک و حکمت است ; نه گزاف و بیهوده

و زاده بسطه فی العلم و الجسم و اللّه یؤتی ملکه من یشاء

خداوند از یک سو اعطای ملک را برخاسته از مشیّت خویش شمرده، و از سوی دیگر ملاک انتخاب طالوت را بیان می کند; بنابراین مشیّت الهی بر اساس ملاک و حکمت است; نه بی حساب و گزاف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۳،۲۵

۲۳ جمع میان اجزای پراکنده مردگان و احیای آنان ، بر اساس حکمت خداوندی

ثمّ اجعل . .. ثمّ ادعهنّ ... انّ اللّه عزیز حکیم

۲۵ توجّه به عزّت و حکمت الهی ، هموارکننده شناختِ چگونگیِ زنده شدن مردگان

و اعلم انّ اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۴،۶

۴ شکل گیری انسان در رَحِم ، نشانه اقتدار و حکمت خداوند است .

هو الّذی یصورکم . .. لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

۶ مشیّت و خواسته های خداوند ، بر اساس حکمت است .

کیف یشاء لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ اقتدار و حکمت الهی ، اساس قسط و عدل اوست .

قائماً بالقسط

لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

۱۴ نظام عادلانه آفرینش ، نشان وحدانیّت ، اقتدار و حکمت الهی است .

قائماً بالقسط لا اله الاّ هو العزیز الحکیم

گویا جمله <لا اله الاّ هو . .. >، بیان نتیجه ای است برای <قائماً بالقسط>. یعنی نظام عادلانه دلالت می کند بر توحید، عزّت، اقتدار و حکمت خداوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۲

۲ عدالت ، یکتایی ، اقتدار و حکمت خداوند مقتضی تسلیم شدن انسان ، تنها در برابر او

قائماً بالقسط لا اله الاّ هو العزیز الحکیم. انّ الدّین عند اللّه الاسلام

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث با آیه پیشین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۳

۳ تبدیل تدریجی شب و روز ، به یکدیگر (فاصله بین الطلوعین و غروب) به قدرت و حکمت الهی

انّک علی کل شیء قدیر. تولج الّیل فی النهار

بنابراینکه <ولوج> به معنای تبدیل تدریجی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۳

۳ تعلیم و تعلّم کتاب الهی و حکمت ، ارزشی والا

و یعلّمه الکتاب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۴،۳۵

۳۴ سهم تعیین شده در ارث ، نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند

یوصیکم اللّه فی اولادکم . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

۳۵ نظام حقوقی اسلام ، نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند

یوصیکم اللّه فی اولادکم . ..

انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۹

۹ علم و حکمت الهی ، اساس پذیرش توبه گنهکاران

انّما التّوبه علی اللّه . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۹،۲۰

۱۹ احکام و قوانین ازدواج و مسائل جنسی برخاسته از علم و حکمت خداوند

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

۲۰ تشریع ازدواج موقّت و مقررات آن ، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فما استمتعتم به منهنّ . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ تبیین احکام و ارائه سنن پیشینیان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او

یرید اللّه . .. و اللّه علیم حکیم

۱۲ بازگشت خداوند به بندگان خویش ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و یتوب علیکم و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ اِعمال قدرت خداوند ، حکیمانه است .

انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکّر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا . ..

انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ اللّه . .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۹،۳۰

۲۹ خداوند ، دانایی با حکمت است .

و کان اللّه علیماً حکیماً

بنابر اینکه <حکیماً> صفت <علیماً> باشد.

۳۰ تشریع قانون دیه و کفّاره در مورد قتل خطائی ، بر اساس علم و حکمت گسترده خداوند است .

و من قتل مؤمناً خطاً . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ خداوند ، دانایی کاردان است .

کان اللّه علیماً حکیماً

۱۴ فرمان خداوند به مسلمانان در مورد تعقیب دشمنان ، فرمانی حکیمانه و با آگاهی کامل به مصالح آنان است .

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۸

۸ خداوند ، دانایی کاردان است .

و کان اللّه علیماً حکیماً

بنابر اینکه <حکیما>، صفت <علیما> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۱،۱۳

۱۱ تشریع طلاق از جانب خداوند ، برای زندگی های مسالمت ناپذیر ، حکمی حکیمانه است .

و إن یتفرقا . .. و کان اللّه وسعاً حکیماً

۱۳ گستردگی فضل خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

و إن یتفرقا یغن اللّه کلا من سعته و کان اللّه وسعاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۸ - ۶،۷

۶ معراج حضرت مسیح (ع) امری حکیمانه و پرتوی از عزتمندی خداوند

بل رفعه اللّه إلیه و کان اللّه عزیزاً حکیماً

بیان عزتمندی و کاردانی خداوند پس از جمله <بل رفعه اللّه الیه> برای اشاره به این است که بالا بردن عیسی(ع) برخاسته از حکمت و عزت خداوند بوده است.

۷ عزت ، قهر و غلبه خداوند ، آمیخته با حکمت است .

کان اللّه عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ فرستادن پیامبران مقتضای عزتمندی و حکمت خداوند

رسلا مبشرین و منذرین . .. و کان اللّه عزیزاً حکیماً

۱۲ غلبه خداوند در احتجاج و استدلال ، برخاسته از حکمت بی پایان اوست . *

لئلا یکون للناس علی اللّه حجه . .. و کان اللّه عزیزاً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۶،۱۷

۱۶ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن برخاسته از علم و حکمت خداوند

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

۱۷ اختیار انسان ها در انتخاب ایمان و کفر ، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

یادآوری علم و حکمت خداوند در ذیل آیه اشاره به این است که تمامی معارف یاد شده در آیه و از جمله آنها اختیار آدمی، عالمانه و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

- ۳۸ - ۱۱،۱۲،۱۳

۱۱ خداوند ، مقتدر و کاردان است .

و اللّه عزیز حکیم

۱۲ خداوند ، مقتدری کاردان است .

و اللّه عزیز حکیم

بنابر اینکه <حکیم> صفت برای <عزیز> باشد.

۱۳ تشریع حد سرقت ، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

فاقطعوا ایدیهما . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریع آن حد نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، توانایی حکیم است . *

و اللّه علی کل شیء قدیر

<قدیر> به کسی گفته می شود که بر هر کاری توانا باشد و آن را بر اساس حکمت انجام دهد. (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ تمامی افعال خداوند و حتی آمرزش مشرکان ، بر اساس حکمت است .

و إن تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم

۱۳ عذاب های خداوند ، برخاسته از عزت و حکمت اوست .

و إن تعذبهم . .. فانک انت العزیز الحکیم

جمله <فانک انت . ..> همانگونه که جزای مقدر در <ان تغفر لهم> را بیان کرده است می تواند به جزای تقدیری <ان تعذبهم> نیز نظر داشته باشد در این صورت مفاد آیه این می شود: هیچ جای اعتراضی بر خداوند نیست زیرا وی اولا عزیز است و محکوم هیچ حکمی نخواهد شد و ثانیاً حکیم است و افعال وی و ازجمله عذاب و مغفرت بندگان همواره بر اساس حکمت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۳،۴

۳ تنها خداوند، حکیم (کاردان) و خبیر (آگاه به دقایق امور) است.

و هو الحکیم الخبیر

معرفه بودن مبتدا (هو) و خبر (الحکیم الخبیر) بیانگر حصر است.

۴ قهر و غلبه خداوند بر اساس حکمت و آگاهی کامل و دقیق اوست.

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ ارتقای درجه پیامبران و اعطای حجت به آنها، جلوه ای از حکیمانه و عالمانه بودن افعال الهی است.

تلک حجتنا . .. نرفع درجت ... إن ربک حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۴،۲۵

۲۴ افعال خداوند بر اساس علم و حکمت اوست.

قال النار مثویکم . .. إن ربک حکیم علیم

۲۵ مشیت الهی سرچشمه گرفته از علم و حکمت اوست.

إلا ما شاء الله إن ربک حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶،۸

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به

واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

۸ - خداوند ، غالب و پیروز در انجام هر کار

، و تمام افعال وی بر اساس حکمت است .

إن اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷،۱۲

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کار های آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

جواب شرط <و من یتوکل علی اللّه> حذف شده و جمله <فان اللّه . .. > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من یتوکل علی اللّه ینصره و یحکم أمره فان اللّه ... .

۱۲ قدرت و غلبه خداوند با حکمت و کاردانی است .

فإن اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

إنه عزیز حکیم

۱۳ ایجاد الفت و محبت بین مؤمنان ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند

و ألف بین قلوبهم . .. و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

و اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۹،۱۰

۹ خداوند ، بسیار دانا و کاردان است .

و اللّه علیم حکیم

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن

منهم و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۶،۷

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم . .. و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۹،۲۱

۱۹ ممنوعیت مشرکان از نزدیک شدن به مسجدالحرام ، حکمی است مبتنی بر علم و حکمت گسترده خدا .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام . .. إنّ اللّه علیم

۲۱ علم و حکمت گسترده خداوند ، پایه و اساس مشیت و اراده او

إن شاء إنّ اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۸

۱۸ علم خداوند ، آمیخته با حکمت است .

و اللّه علیم حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم>، صفت <علیم> باشد نه خبر دوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۴،۲۵

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئک سیرحمهم اللّه إن اللّه عزیز حکیم

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از

افاضه رحمت فعلی .

أولئک سیرحمهم اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه . .. > می توانـد تعلیلی برای پرسـش مقـدر باشـد، که چرا خداونـد نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۷

۷ برخورد شدید خداوند با بناکنندگان مسجد ضرار ، متکی بر علم و حکمت او بود .

و الذین اتخذوا . .. لا تقم فیه ... فانهار به فی نار جهنم ... و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ افعال خداوند و تدبیرات او ، به تمامی براساس حکمت و بر طریق صواب است .

إن ربی علی صرط مستقیم

بر صراط مستقیم بودن شخص ، به معنای راستی و درستی کارهای اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱،۲

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

۲- نظام آفرینش (آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا) ، نظامی هدفدار و حکیمانه است .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

واژه <حق> در مقابل <باطل> است و باطل; یعنی، پوچ و بی هدف. بنابراین لغت <حق> که متضمن معنای حکمت و مصلحت است می تواند بیانگر هدف داری باشد. مؤید آن آیات متعددی است که بطلان و پوچی در آفرینش جهان را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱۲،۱۳

۱۲- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

و لله المثل الأعلی و هو العزیز الحکیم

۱۳- عزّت و حکمت خداوند ، ناسازگار با اسناد دختر به او

و یجعلون لله البنت . .. و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱،۲،۴

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

مشارالیه <ذلک> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه

قبل آمده است.

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

۴- ارائه تعالیمی حکیمانه از سوی خداوند برای بشر ، مقتضای ربوبیت اوست .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۴

۴ - افعال خداوند و آفرینش موجودات ، حکیمانه و خردمندانه است .

الحقّ

<حقّ> به کسی گفته می شود که براساس حکمت، چیزی را ایجاد کند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۹

۹- رام کردن تندباد ها و به فرمان درآوردن آنها برای سلیمان (ع) ، کاری حکیمانه و عالمانه از سوی خداوند بود .

و لسلیمن الریح عاصفه . .. و کنّا بکلّ شیء علمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۳

۳ - پذیرش توبه بندگان از سوی خداوند ، توأم با حکمت او است .

أنّ اللّه توّاب حکیم

برداشت یاد شده، از آمدن وصف <حکیم> پس از وصف <توّاب> و ارتباط میان آن دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲۱،۲۲

۲۱ - تبین و تشریح آیات الهی از سوی خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

کذلک یبیّن اللّه لکم الأیت و اللّه علیم حکیم

جمله <و اللّه علیم حکیم> جمله ای معترضه و یا حالیه

است که در هر صورت، بیانگر این نکته است که تبیین و تشریح آیات از سوی خدای علیم و حکیم است و همه کارهای او عالمانه و حکیمانه می باشد.

۲۲ - احکام و قوانین الهی ، عالمانه ، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. کذلک یبیّن اللّه لکم الأیت و اللّه علیم حکیم

آمدن جمله <و اللّه علیم حکیم>; یعنی، یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان احکام مربوط به روابط فرزندان با پدر و مادرشان، می تواند به منظور حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۶،۷

۶ - تبیین و تشریح آیات الهی از سوی خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

کذلک یبیّن اللّه لکم ءایته و اللّه علیم حکیم

۷ - احکام و قوانین الهی ، عالمانه ، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت است .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا . .. کذلک یبیّن اللّه لکم ءایته و اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ اعطای گنج و ثروت فراوان به پیامبر (ص) ، بر خلاف حکمت الهی و مصلحت او بود .

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه . .. إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت ... و یجع

خداوند در آیه شریفه، به انتظار کافران از پیامبر(ص) مبنی بر داشتن باغ های پرثمر پاسخ گفت; ولی نسبت به داشتن گنج و ثروت فراوان پاسخ نفرمود. از این نکته می توان استفاده کرد که داشتن

گنج و ثروت بسیار بر خلاف حکمت الهی و مصلحت است و این امر، چنان روشن است که نیاز به پاسخ گویی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۶

۶ - خداوند ، حکیمی بی مانند و دانایی بی همتا است .

من لدن حکیم علیم

تنکیر در <حکیم> و <علیم> برای بیان تفخیم است; یعنی، <حکیم أیّ حکیم> و <علیم أیّ علیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۶

۶ - تأمین تمام نیاز های روحی و جسمی انسان ، در پرتو تدبیر حکیمانه خداوند

جعلنا الّیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

از این که خداوند شب را برای آرامش بشر قرار داده و برای حرکت و تلاش وی روز را آفریده است، استفاده می شود که نیازهای بشر حتی استراحت وی از دید خداوند پنهان نبوده و آن را تأمین کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - اتکای حضرت ابراهیم (ع) به عزت و حکمت خداوند در هجرت خویش

إنّی مهاجر إلی ربّی إنّه هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱۱،۱۲

۱۱ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

و هو العزیز الحکیم

۱۲ - عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

و له المثل الأعلی . .. و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۸

۸ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته به حکمت و رعایت مصالح است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدّرات او است .

ما نفدت کلمت اللّه إنّ اللّه عزیز حکیم

جمله <إنّ اللّه عزیز حکیم> به منزله تعلیل برای <مانفـدت. ..> است. بنابراین، معنا چنین می شود: <کلمات خداوند، پایان ناپذیر است; چون او حکیم و عزیز است>.

۷ - عزت الهی ، آمیخته به حکمت (کاردانی) او است .

إنّ اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ - فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

یأیّها النبیّ . .. و لاتطع الکفرین و المنفقین إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۸

۸ - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او ، جلوه ای از کمال های او است .

الحمد للّه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض. .. و هو الحکیم الخبیر

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت -

۴۱ - ۴۲ - ۶

۶ - قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۶

۶ - عزت و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

اللّه العزیز الحکیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکیم> صفت <عزیز> باشد; نه وصف دوم <اللّه> البته درصورت دوم نیز مطلب قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۹

۹ - تفاوت سطح معیشت و جایگاه اجتماعی انسان ها ، مبتنی بر حکمت و تدبیر الهی است .

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجت لیتّخذ بعضهم بعضًا سخریًّا

بیان تفاوت سطح زندگی انسان ها همراه با فلسفه آن، نشانگر آن است که این کار از روی حکمت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ - ۶

۶ - الوهیت یگانه و بی شریک خداوند ، بر هستی ، همراه با کاردانی و آگاهی ژرف

و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله و هو الحکیم العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۸

۸ - عزت و اقتدار الهی ، عزتی آمیخته به حکمت

اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریع (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر

و حکیم

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لأیت

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریع> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است; همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند بر هستی ، متکی بر حکمت و کاردانی او

ربّ العلمین . .. و هو العزیز الحکیم

از ارتباط واژه <حکیم> با <ربّ العالمین>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱۲

۱۲- عزّت و قدرت شکست ناپذیر خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

العزیز الحکیم

از کنار هم آمدن وصف <عزیز> و <حکیم>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۶

۶ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۳

۲۳- افعال الهی ، دارای فلسفه و حکمت

و لولا رجال مؤمنون . .. لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

تعبیر <لیدخل. ..>، بیانگر فلسفه و حکمت صلح حدیبیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴

۴ - خداوند جهان آفرینِ حکیم و قادر ، بی نیاز از گزافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریت ذروًا .

فالحملت وقرًا . فالجريت يسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما. ..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۵

۵ - مرگ ، نشانه ناتوانی خداوند از زنده نگه داشتن مردم نیست ; بلکه تقدیری حکیمانه است .

نحن قدّرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین

آیه شریفه درصدد بیان این حقیقت است که وجود مرگ در میان انسان ها، نشانگر این نیست که عواملی بیرون از اراده الهی آنان را از میان می برد و خداوند با این که می خواهد که آنها را زنده نگه دارد، آن عوامل بر اراده او غلبه پیدا می کنند. خدا مغلوب چیزی واقع نمی شود; بلکه مرگ تقدیری حکیمانه از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۱

۱ - کار های خداوند ، دارای هدف و حکمت است .

نحن جعلنها تذکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۷

۷ - عزّت و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت (کاردانی و مصلحت سنجی) است .

و هو العزیز الحکیم

قرار گرفتن صفت <حکیم> پس از صفت <عزیز>، بیانگر آمیختگی حکمت و عزت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۳،۱۴

۳ - آفرینش الهی ، متکی به تقدیر و سنجشی حکیمانه و مبرّا از هرگونه ضعف

و کاستی

هو اللّه الخلق البارئ

برخی از مفسران، برآنند که در معنای <خالق> آفرینش همراه با تقدیر و حکمت نهفته است و <بارئ> می تواند دربردارنده معنای <پیراستن> باشد.

۱۴ - اقتدار و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و مصلحت دانی او

العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۹

۹ - پیروزمندی و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت او است .

إنّک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۸

۸ - عزت و حکمت ، تنها از آنِ خداوند است .

و هو العزیز الحکیم

مسند در <هو العزیز. ..> همراه با الف و لام جنس و مفید حصر است; یعنی، <ما العزیز إلّا هو و ما الحکیم إلّا هو>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۴

۴ - رهنمود ها و فرمان های خداوند ، حکیمانه است .

فاتّقوا اللّه. .. واسمعوا و أطیعوا و أنفقوا... و اللّه... الحکیم

توصیف خداوند به <حکیم> بودن در پایان سوره، به دنبال یک سلسله از رهنمودها و فرمان های الهی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۲

۱۲ - احکام و رهنمود های الهی درباره طلاق ، مبتنی بر تقدیر حکیمانه خداوند است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . ..فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ ...قد جعل اللّه لکلّ شیء قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۴،۵

۴ - افعال

الهی ، دارای حکمت است .

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلًا فجاجًا

۵ - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلًا فجاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - عذاب و کیفر الهی در دنیا حکمت آمیز است .

ممّا خطیتهم أُغرقوا . .. ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا . إنّک إن تذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۸

۸ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، حکیمانه و هدفمند و به دور از پوچی و بیهودگی است .

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه . .. نبتلیه

تأکید خداوند بر آزمایش شدن انسان از آغاز خلقت وی، می تواند برای نفی توهّم پوچی و بی هدف بودن آفرینش انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۵

۵ - مشیّت و خواست خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

أن یشاء اللّه إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا

حکمت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <للسائلین> لام انتفاع است

و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

حکمت خدا در هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

حکمت خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

حکمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه اللّه الملک و الحکمه و علّمه ممّا یشاء

حکمت در آیات خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۵

۳۵ - آیات خداوندی و احکام الهی ، عمیق ، حکیمانه و شایسته هر گونه تعقل و اندیشه کردن انسان در آنها است .

لیس علی الأعمی حرج . .. کذلک یبیّن اللّه لکم الأیت لعلّکم تعقلون

حکمت در افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۵

۵ نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

و إن یمسسک اللّه بضر فلا کاشف له إلا هو . .. هو الحکیم الخبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ افعال الهی ، دارای علت و حکمت

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۶

۶- افعال خداوند ، حکمت آمیز است .

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . .. سبلاً لعلّهم یهتدون

از این که خداوند فرمود: ما کوه ها را به منظور محافظت زمین از لرزش و اضطراب و راه های فراخ را برای راه یابی انسان آفریدیم، به دست می آید که کارهای خداوند هدف دار و حکمت آمیز است.

حکمت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الکتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب

عطف فرد بر جنس است.

حکمت در اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ رهنمود ها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ ، حکیمانه و به کارگیری آنها زمینه ساز پیروزی است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

مشارالیه <ذلک> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

حکمت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۶،۸،۱۵

۶- آشنایی با حکمت ، موعظه و برترین روش های جدلی ، نیاز ضروری مبلغان دین

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جدلهم بالتی هی أحسن

امر الهی به تبلیغ دین از طریق حکمت، موعظه و جدل برتر نشانگر این معناست که فاقدان این ابزار، از کارآیی لازم و شایسته در امر تبلیغ برخوردار نیستند.

۸- حکمت (دلایل عقلی و علمی) ، اساسی ترین و ارزشمندترین وسیله تبلیغ دین *

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جدلهم

برداشت فوق، بدان احتمال است که تقدم <حکمه> بر <موعظه> و <جدل>، معلول اهمیت و ارزش برتر آن باشد. به علاوه مطلق آمدن <حکمت> و مقید شدن <موعظه> به <حسنه> و <جدل> به <أحسن>، می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

۱۵- بهره

گیری از حکمت ، موعظه نیکو و جدل بهترین در تبلیغ دین ، روشی ابراهیمی است .

اتّبع ملّه إبرهیم . .. ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جدلهم بالتی

حکمت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الکتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

حکمت در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه>; یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

حکمت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلک حجتنا . .. إن ربک حکیم علیم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

حکمت در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۸

۸ - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذاالأید إنّه أوّاب . .. و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

حکمت در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جميل . .. إنه هو العليم الحكيم

حكمت در قانونگذاری

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم اللّه فی اولادکم . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ اللّه کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگـذاران باید دارای علم و حکمت باشـند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حرّمت . .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و اللّه علیم حکیم

حکمت در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

ءایت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

مراد از <ما> به قرینه <یُتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

حکمت در قضاوت خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲،۳،۵،۴،۶

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحکم>، ممکن است از <حُکم> به معنای قضاوت باشد; یعنی، <أقضی> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد; یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است; گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس اللّه بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۵ - توجّه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دین> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دین> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۶ - سرآمدبودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

حکمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۹ – ۱

۱ – روز قیامت ، روزی

عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذلک الیوم الحقّ

<ذلک> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست; بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حقّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

حکمت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- < علیّ بن اسباط قال : رأیت أباجعفر (ع) . . . فقال یا علیّ إنّ اللّه إحتج فی الإمامه بمثل ما احتّج به فی النبوّه فقال : < و آتیناه الحکم صبیّاً > . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبیّ . . . ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

حکمت در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلک حجتنا . .. إن ربک حکیم علیم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

حکمت در

مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

حکمت در نواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلک ممّا أوحی إلیک ربّک من الحکمه

مشارالیه <ذلک> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

حکمت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۶،۱۸

۱۶ حضرت مسیح عالمِ به کتاب ، حکمت ، تورات و انجیل

و اذ علمتک الکتب و الحکمه و التوریه و الانجیل

۱۸ آگاهی مسیح به کتاب و حکمت و تورات و انجیل ، از نعمت های خاص خدا به آن حضرت

و اذ علمتک الکتب و الحکمه و التوریه و الانجیل

حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی حکیمانه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

وصف <حکیم>، برای قرآن، می تواند به معنای <دارای حکمت> باشد و می تواند به معنای مفعول، یعنی محکَم باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است آمیخته با حکمت .

و القرءان الحکیم

<حکیم> می توانـد به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحْکَم> (فعیل به معنای <مُفْعَل>) باشد; چنان که در قرآن هم به همین معنـا به کـار رفته است: <کتـاب اُحکمت آیـاته. ..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق برپایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و . . . پیروزِ شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

برداشت بالاـ به خـاطر این نکته است که چون خداونـد، عزیز (پیروز شـکست ناپـذیر) و حکیم است; بنـابراین سـخن او نیز در عرصه خاصِ خود (فکر، اندیشه و. ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۶

۶ - برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی

تنزیل الکتب من اللّه . .. الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸- برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۱

۱ - قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه>; یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <مافیه مزدجر> است; یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای

لقمـان! آیـا دوست داری که خداونـد، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهـد تـا در میـان مردم، به حق قضـاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صـدا گفت: اگر پروردگـارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

۱۸ - < عن هشام بن الحکم قال : قال لی أبوالحسن موسـی بن جعفر (ع) : . . . یا هشام ! إنّ اللّه یقول فی کتابه . . . < و لقد آتینا لقمان الحکمه > قال : الفهم و العقل . . . ;

هشـام بن حکم گویـد: امـام کاظم (ع) به من گفت: . ..ای هشام! خداونـد که در کتاب اش می گویـد:... <و لقـد آتینا لقمان الحکمه> می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]...>.

حکمت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کـذلک نجزی المحسـنین> حاکی از اسـتمرار است ، و در برداشت از آن به سـنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۷

۷ - اعطای حکمت و علم به محسنان از سوی خداوند ، پاداشی در برابر نیکوکاری آنان است .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

حکمت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ برخورداری پیامبر (ص) از وحی ، حکمت و علم لدنی ، زمینه مصونیت آن حضرت از خطا و مایه عصمت وی از گناه

و لولا فضل اللّه . .. أنزل اللّه علیک الکتب و الحکمه و علمک ما لم تکن تعلم

جمله <و انزل اللّه> بیانگر علت جمله پیشین است. یعنی چون قرآن و حکمت را بر تو نازل کردیم، تلاش آنان برای انحراف تو بی اثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۳

۳ - کلمات و سخنان پیامبر (ص) ، سراسر ، حکمت است .

و اذکرن ما یتلی . .. و الحکمه

حکمت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اعطای حکمت و دانشی گسترده از سوی خدا به موسی (ع) هم زمان با رسیدن او به مرحله جوانی

و لمّا بلغ أشدّه و استوی ءاتینه حکمًا و علمًا

نکره آمدن <حکماً> و <علماً> بیانگر عظمت حکمت و دانشی است که از سوی خدا به موسی(ع) داده شده بود.

حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۹

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشدّه ءاتينه حكمًا و علمًا

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده

بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود ; زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ < عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأی یوسف] : انه النبوه المانعه من إرتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده]روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد>.

درخواست حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، خواستار دانش و شایستگی از درگاه پروردگار

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

<حکم> می تواند مرادف <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) و یامعادل <حکمت> (دانش و معرفت) باشد. برداشت یاد شده، بر پایه معنای دوم است.

درک حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳ - ۵

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است وصف <المؤمنین> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستوجوی آنند.

دلایل حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۹

۹ - هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر ، گواه وجود مدبری حکیم برای آفرینش

جعلنا الّیل لیسکنوا فیه . .. إنّ فی ذلک لأیت

از این که خداوند برای شب و روز حکمت هایی را برشمرده که در خدمت منافع انسان است و پس از آن، از این امور به عنوان آیه و نشانه یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۴،۵

۴ - نمود های هستی و نماد های جهان طبیعت ، خود بیانگر قدرت و حکمت آفریدگار خویش اند .

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض و هو العزیز الحکیم

ارتباط عبارت <سبّح للّه. ..> با <و هو العزیز الحکیم> می تواند بیانگر این معنا باشد که تسبیح و تنزیه پروردگار، نشانه اتقان و بی عیب و نقص بودن ذات و افعال او است. آفرینش نیز، با این عظمت و استحکام خود نمایانگر قدرت و عزت او است.

۵ - مطالعه

طبیعت و نظام هستی ، زمینه خداشناسی و پی بردن به اقتدار و کاردانی آفریدگار جهان

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض و هو العزیز الحکیم

خبر دادن خداوند از تسبیح موجودات، در حقیقت توجه دادن انسان ها به حقایق نهفته در متن طبیعت است که هر یک با زبان حال، وجود خدا و صفات کمالی او را نجوا می کنند. گوش فرادادن به این نجوا، زمینه ساز ادراک عزت و حکمت خداوندی است.

ذکر حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۱،۵

۱ - همسران پیامبر ، مکلف بودند که هر آنچه در خانه هایشان ، از آیات خداوند و حکمت تلاوت می شود یادآوری کنند و به یاد داشته باشند .

ینساء النبیّ . .. و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

۵ - به خاطر داشتن آیات خدا و حکمت ، امری شایسته و بایسته است .

و اذکرن ما یتلی . .. من ءایت اللّه و الحکمه

ذکر حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۶

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل . .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیّت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربى لطيف

لما يشاء إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تين - ۹۵ - ۸ - ۵

۵ - توجّه به حكمت برتر خداوند ، زمينه ساز پذيرش معاد

فما يكذّبك بعد بالدين . أليس اللّه بأحكم الحكمين

زمينه تعليم حكمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۷

۷ - خداشناسى ، زمينه لازم براى تزكيه و تعليم كتاب و حكمت

يتلوا عليهم ءايته و يزكّيهم و يعلّمهم الكتب و الحكمه

تقدم ذكرى <يتلوا عليهم آياته> بر <يزكّيهم و يعلّمهم الكتاب و الحكمه> احتمالاً اشاره به مطلبى دارد كه در اين برداشت آمده است.

زمينه حكمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ احسان و نيكوكارى ، زمينه برخوردار شدن از علم و حكمت است .

ءاتينه حكمًا و علمًا و كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۶،۹

۶ - نيكوكاران ، زمينه دار بهره مند شدن از حكمت و دانش خدادادى

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

۹ - تشویق انسان ها به احسان و نیکوکاری از سوی خداوند ، به منظور دستیابی به حکمت و دانش است .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

زمینه حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۳

۳ - مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پشتوانه عزت (قاهربودن) و حکمت (کاردانی) خداوندی است .

اللّه العزیز الحکیم . له ما

فی السموت و ما فی الأرض

زمینه حکمت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حنانًا من لدنّا و زکوه و کان تقیًّا

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیّاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم. ..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زمینه حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف (ع) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشدّه ءاتینه حکمًا و علمًا

زمینه درک حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۱

۱۱ - مطالعه در موجودات هستی ، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزّت و حکمت او

سبّح للّه ما فی السموت . .. و هو العزیز الحکیم

شرایط اعطای حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۲،۱۳

۱۲- اعطای حکمت و مقام معنوی و اجتماعی از سوی خداوند به انسان ، به سنّی خاص مشروط نیست .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

۱۳- تدبر و تأمل در کتاب های آسمانی ، زمینه و

شرطی لازم برای برخورداری از حکمت و علم

ییحیی خذ الکتب بقوّه و ءاتینه الحکم صبیًّا

جمله و <آتیناه> نمی تواند بدون ارتباط معنایی با <خذ الکتاب بقوّه> باشد. بعید به نظر نمی رسد که مفاد <خذ الکتاب> زمینه ای برای <آتیناه الحکم> باشد.

عبرت از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۵

۵ تنها صاحبان خرد ، پندپذیر از حکمت های خداوند هستند .

و ما یذّکّر الاّ اولوا الالباب

علم و حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ کمال و ارزش والای علم در همراهی و آمیختگی آن با حکمت است .

و کان اللّه علیماً حکیماً

عوامل زوال حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ،

سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

۲۰ گناه ، موجب سلب علوم خدادادی و موهبتی است .

و ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

فلسفه اعطای حکمت

به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۸

۸ - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر للّه

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان الحکمه للشکر للّه>; ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند>.

کفر به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ یقول المنفقون و الذین . .. فإن اللّه عزیز حکیم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن اللّه عزیز حکیم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

محرومان از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اختلافات و ناهمگونی ها ، شاخص جوامع محروم از حکمت و آگاهی

قال قد جئتکم بالحکمه و لأُبیّن لکم بعض الذی تختلفون فیه

حضرت عیسی(ع) می فرماید: من با حکمت آمدم و به دنبال آن در جهت رفع اختلافات شما قدم برمی دارم. این گفتار نشان

می دهد که جامعه اختلاف زده یهودیان آن روز فاقد حکمت بوده اند.

مظاهر حکمت خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ - بعثت پیامبران ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند است .

ربنا وابعث فیهم رسولا . .. إنک أنت العزیز الحکیم

منشأ تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده حکمت به آنان است .

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی (خدایی) نازل گشته که دارای عزت و حکمت است، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و حکمت آموز برای بشر است.

منشأ حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۶

۶ - دریافت حکمت الهی و نیل به مقام رسالت ، موهبتی خدا دادی است ، نه اکتسابی .

فوهب لی ربّی حکمًا و جعلنی من المرسلین

منشأ حکمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند ، به داوود (ع) حکمت آموخت .

و ءاتینه الحکمه

منشأ حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، عطاکننده حکمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

منشأ حکمت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱

۱- حضرت لوط (ع) ، از علم و

حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی براین معنا است.

منشأ حکمت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطًا ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و نوحًا إذ نادی

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد; یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و. .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

منشأ حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف (ع)

ءاتینه حکمًا و علمًا

موارد حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ درک معارف و حقایق دینی و عمل به مقتضای آن ، حکمتی خدادادی است .

یؤتی الحکمه من یشاء

بـا در نظر گرفتن ارتباط این آیه با آیات سابق (که درباره لزوم انفاق، مصالـح و پیامـدهای نیک آن و نیز عوامل ترک انفاق و پیامـدهای شوم آن بود که یکسـره دربـاره احکـام و معـارف دینی است)، می توان گفت که مراد از حکمت، معارف و حقایق دینی است.

۱۰ اطاعت از خداوند و شناخت امام (ع) ، حکمت

است .

و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً

امام صادق (ع): <و من یؤت الحکمه . .. > طاعه اللّه و معرفه الأمام

کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۰.

۱۱ شناخت و تفقه در دین ، حکمت است .

و من یؤت الحکمه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: ان الحکمه المعرفه و التفقه فی الدین

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۴۹۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۵.

۱۲ شناخت امام و پرهیز از گناهان کبیره ، حکمت است .

و من یؤت الحکمه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: معرفه الامام و اجتناب الکبائر الّتی اوجب اللّه علیها النّار

کافی، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۲۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۱۱۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۳

۳ - هجرت به منظور حفظ جان ، کاری حکیمانه است .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. فخرج منها خائفًا یترقّب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۳ – ۹

۹ – موعظه انسان ها با منطق و برهانی محکم ، برای توجه دادن آنان به توحید عملی حکیمانه است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال لقمن لإبنه... لاتشرک باللّه إنّ الشرک لظل

موانع حکمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۹ – ۸

۸ نابخردان ، بی بهره از حکمت و معارف دینی

یؤتی الحکمه من یشاء . .. و ما یذّکّر الاّ اولوا الالباب

نزول حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ قرآن و حکمت فرو فرستاده شده بر رسول خدا (ص) و الهامات مستقیم به او ، رحمت و فضل عظیم الهی بر آن حضرت

و لولا فضل اللّه علیک و رحمته . .. و کان فضل اللّه علیک عظیماً

ظاهراً کتاب و حکمت و علوم پیامبر(ص) که در جمله <و انزل اللّه علیک . ..> آمده، مصداقی از فضل و رحمت خاص خداوند است که در جمله <لولا فضل اللّه ...> بیان شده است.

نشانه های حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۴

۴ - قبول نصیحت ناصحان ، نشانه حکمت و دانایی است .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. فاخرج إنّی لک من النصحین . فخرج منها

نشانه های حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لکن اللّه ألف بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه اللّه ، جلوه عزّت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. كلمه اللّه هى العليا و اللّه عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ -

۱۹ منحصر شدن مصارف صدقات از سوی خداوند در موارد هشتگانه (فقرا و . . .) نشأت گرفته از علم و حکمت اوست .

إنما الصدقت للفقراء . .. و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . .. ما خلق اللّه ذلک إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ; یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۹

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند است .

کتب أُحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۳

۲۳ پرورش انبیا ، تبلور حکمت و علم الهی است .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۱

۱ داستان یوسف و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

<آیات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقد کان .

..> بیان نشده است که داستان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یا حقایقی می تواند باشد و به عبارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربک علیم حکیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجکم من بطون أمّهتکم لاتعلمون شیئًا

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸ - آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقی الشیطن . .. و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - قوانین و احکام خداوند ، جلوه ای از علم و حکمت او است .

و یبیّن اللّه لکم الأیت و اللّه علیم حکیم

۵ - قرآن ، کتابی روشن و به

دور از هرگونه ابهام و جلوه ای از علم و حکمت خداوند

و یبیّن اللّه لکم الأیت و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، جلوه علم و حکمت خداوند

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، جلوه عزت و حکمت خداوند

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

آمدن دو صفت عزت و حکمت خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۸

۸ - قرآن ، مظهر حکمت و کاردانی خداوند است .

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸ - پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < اُمّ الکتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إنّا جعلنه قرءانًا عربیًّا . .. و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا لعلیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵ - ۲

۲- حقایق نازل شده از جانب خداوند ، برخوردار از استحکام و نمود کاردانی و حکمت

یفرق کلّ أمر حکیم . أمرًا من عندنا

<أمراً> می تواند به فعل مقدر (مانند <أعنی>) منصوب شده باشد و یا حال برای <أمر> و یا ضمیر <أنزلناه> در آیات قبل به شمار آید. در هر صورت از ارتباط دو

آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۲

۲ - نمود های اقتدار و کاردانی خداوند ، نمایان در نظام آسمان ها و زمین

العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لأیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۷

۷- عزّت و حکمت الهی ، متجلی در قرآن و مضامین عالی آن

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

ارتباط <تنزیل الکتاب> با وصف <العزیز الحکیم>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّابالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۷

۷ - فرستادن رسول و هدایت خلق ، با بشارت و انذار و نه قوای قهری طبیعت ، نمودی از حکمت خداوند است . *

و للّه جنود . .. و کان اللّه عزیزًا حکیمًا . إنّا أرسلنک شهدًا و مبشّرًا

از آیه قبل، استفاده شد که خداوند مالک یگانه هستی و حاکم مطلق و شکست ناپذیر است و می تواند خلق را به اجبار به

سوی اهداف بایسته وا دارد; اما در این آیه، خداوند یادآوری کرده که حکمت او، اقتضا می

کند که این هدایت، را از طریق فرستادن رسول و ارائه الگو و بشارت و انذار، انجام پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۴

۴ - وزش باد ها ، تشکیل توده های ابر و حرکت آنها و ریزش باران ، از مظاهر حکمت و تدبیر الهی در نظام طبیعت

و الذریت ذروًا . فالحملت وقرًا . فالجریت یسرًا . فالمقسّمت أمرًا

خداوند، با برشمردن بخشی از امور دقیق طبیعت و مهم دانستن آنها با سوگند خوردن، در حقیقت تدبیر و حکمت خویش را به آدمیان یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۷

۷ - جهان آفرینش ، جلوه عزّت و حکمت خداوند

ما فی السموت و الأرض و هو العزیز الحکیم

تکیه بر دو وصف <عزیز> و <حکیم>، پس از ذکر آسمان ها و زمین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲

۲ - شکست یهود بنی نضیر ، نمودی از شکست ناپذیری و حکمت خداوند

و هو العزیز الحکیم . هو الذی أخرج الذین کفروا

ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (و

هو العزیز الحکیم) بیانگر ارائه نمونه و مصداق، پس از بیان یک حقیقت کلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

یسبّح له . .. العزیز الحکیم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ - جهان آفرینش ، جلوه عزت و حکمت همه جانبه خداوند

سبّح للّه ما فی السموت . .. و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۴

۴ - تجلی عزّت و حکمت خداوند در بعثت پیامبر (ص)

العزیز الحکیم . هو الذی بعث فی الأُمّیّن رسولاً منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۳

۳ - برانگیختن هادیان خلق و احیاگران دین ، نمودی از عزّت و حکمت خداوند

بعث فی الأُمّیّن رسولاً . .. و ءاخرین منهم لمّا یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم

نشانه های حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّه العزیز الحکیم

<تنزیل> می تواند اشاره به تنزّل یافتن معارف بلند وحی، در

مرتبه فهم بشر باشد و نه تنزّل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الکتاب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزّل آن دلیل حکمت او است.

نشانه های حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد ءاتینا لقمن . .. و إذ قال لقمن لإبنه ... لاتشرک باللّه

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۹

۹ - متوجّه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشیِ قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... یبنیّ إنّها إن تک مثقال حبّه ... یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۲

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... یبنیّ أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه . .. إذ قال ... و لاتصعّر خدّک للناس

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

نعمت حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت اللّه علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوّم (و ما انزل . ..)، عطف تفسیری برای <نعمت اللّه> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

نقش حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۶

۱۶ خداوند به وسیله < کتاب > و < حکمت > ، مردم را موعظه می کند .

و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمه یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۹

۱۹ ارزشمندی مالکیت و ثمردهی آن در گرو علم و حکمت

فان للّه ما فی السموت و الارض و کان اللّه علیماً حکیماً

یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان مالکیت مطلق خداوند، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ قدرت و حکمت ، دو شرط لازم برای برخورد با مجرمان

و متخلفان *

فاقطعوا . .. و اللّه عزیز حکیم

<عزیز> به معنای پیروزمندی است که هیچگاه مقهور نمی شود و جمله < و اللّه عزیز حکیم> پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به این باشد که تنها کسانی که عزت و حکمت دارند می توانند با مجرمان برخورد لازم و متناسب داشته باشند.

نقش حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۳،۱۵

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۶

۶- حشر و رستاخیز انسان ها ، برخاسته از حکمت و علم خداوند است .

و إن ربّک هو یحشرهم إنه حکیم علیم

وسعت حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۶

۶ - خداوند ، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

وعده حکمت به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و کذلک نجزی المحسنین

حکومت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۲

۲۲ نظام اسلامی ، نظامی مردمی و دور از

استبداد رهبران است .

و شاورهم فی الامر

آثار حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ حکومت و حاکمیت ، دلبستگی آور است .

و تنزع الملک ممن تشاء

<نزع>، به معنای کندن است و کندن، مسبوق به اتصال دو چیز با یکدیگر است که در مورد حکومت، از آن تعبیر به <دلبستگی> می شود.

آثار حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب . .. و فضّلنهم علی العلمین

<فضّلناهم. ..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار حکومت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنّهم کانوا قومًا فسقین . .. إنّه لایفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۱۴

۱۴ فساد در زمین ، نتیجه اعمال انسان ها و حکومت های فاسد

و اذا تولی . .. لیفسد فیها

آثار حکومت فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ،

پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنّهم کانوا قومًا فسقین . .. إنّه لایفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنّهم کانوا قومًا فسقین . .. إنّه لایفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنّهم کانوا قومًا فسقین . .. إنّه لایفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار علاقه به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفتگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

آرزوی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا ، برای هدایت و تدبیرامور مردم

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

آرزوی حکومت بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۶

۶ - آرزوی به دست گرفتن حکومت و مدیریت جامعه ایمانی و درخواست آن از خداوند ، امری پسندیده و شایسته

ربّ هب لی حکمًا

آسیب شناسی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

اختلاف طبقاتی در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۲

۲ - جامعه فرعونی ، دارای نظامی طبقاتی و مبتنی بر اشرافی گری

أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین

اختناق در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۹ – ۹

۹ – نبودن آزادی عقیده و بیان و حاکمیت جو اختناق و خشونت در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنّک من المسجونین

وجود زندان مشقت بار و زندانیان بسیار سیاسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ – مردم در نظام فرعونی ، فاقد آزادی عقیده و بیان

قال ءامنتم

له قبل أن ءاذن لکم . .. لأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف

اختیارات حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۸

۸ حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرّف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

اختیارات حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۲

۱۲ - < فیء > ، در اختیار حکومت اسلامی ، برای به کارگیری در مصارف تعیین شده آن *

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پیامبر(ص)، در این آیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار <فیء> شناخته شده باشد; زیرا عمر شخص پیامبر(ص) محدود است; ولی مسأله <فیء> همچنان استمرار دارد. پس باید تفویض اختیار به منصب باشد (کسانی که اهلیت حکومت را دارند).

ارزش حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۵

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لأجر الأخره خیر

اشرافیت در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۶

۶ - حکومت فرعونی ، حکومتی اشرافی و مبتنی بر اقتدار اشراف

إلی فرعون و ملإیه

کلمه <ملأ> در قرآن مجید،

معمولاً به طبقه اشراف و ثروتمندان اطلاق می شود.

اطاعت از حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۷

۷ لزوم پیروی از حکومت حق

و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم

اقتدار حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . .. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

اقدامات امنیتی در حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۴

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و . .. به

مصر وارد شده باشند.

امانتداری کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب

، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی . .. مکین أمین

انقراض حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۱،۲،۵

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونی ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسراءیل . .. یرید أن یخرجکم من أرضکم

۲ فرعون و درباریان او آگاه به توان و اقتدار موسی (ع) برای برچیدن نظام حکومتی آنان

یرید أن یخرجکم من أرضکم

تشکیل جلسه مشورتی از سوی سران حکومت مصر برای ارزیابی روشهای مبارزه با موسی بدین سبب که وی در صدد برچیدن حکومت است، نشانگر این نکته است که فرعونیان به توانایی و اقتدار موسی پی برده و سخت بیمناک بودند.

۵ انتخاب روش مبارزه با موسی پس از تصمیم به ساحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعونی) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ اشراف دربار فرعون بیمناک از برچیده شدن نظام فرعونی و به قدرت رسیدن موسی (ع) و قوم او

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرک و ءالهتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعونی و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال

موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض . .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن إخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

انقراض حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

اهل کتاب در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

اهمیت تقویت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۴

۴ - تقویت بنیه حکومتی جامعه اسلامی به وسیله انفاق ، سفارش خدا به مؤمنان صدراسلام

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه . .. و أنفقوا من مّا رزقنکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در مورد منافقان و جلوگیری آنان از انفاق در راستای براندازی حکومت اسلامی و.

.. است; برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت تقویت حکومت اولیاء الله

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۹

۹ - لزوم تقویت و تثبیت حکومت مردان الهی و رهبران صالح

و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخطاب

از این که خداوند پس از ذکر اوصاف معنوی داوود(ع) (واذکر عبدنا داود ذاالأید إنّه أوّاب)، مسأله تقویت و استحکام بخشیدن حکومت آن حضرت را مطرح کرده است، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

اهمیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۳،۲۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۲۳ ضرورت قانون و حکومت ، برای جامعه انسانی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ اللّه یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۲۱

۲۱ ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر

و لو لا فضل اللّه علیکم و رحمته لاتّبعتم الشّیطان

بنابر اینکه مراد از <فضل> و <رحمه>، رسول خدا (ص) و اولواالامر (حاکمان صالح) باشد، خداوند هدایت اکثریت مردم را در گرو

رسالت و حکومت صالح می داند. بنابراین برای تأمین هدایت بشر، چاره ای جز حکومت صالح نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۳

۳ - حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است; ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد; ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست; بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

اهمیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷ - لزوم کار بنیادی ، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

ایصال به حکومت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لایبلی> مالکیت و حاکمیتی است که

زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

بازدید از کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

برپایی حکومت صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند ، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

برتری حکومت امام عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۶

۶ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال : قوله عزّوجلّ < خیر من ألف شهر > هو سلطان بنی امیّه و لیله من امام عدل خیر من ألف شهر ملک بنی امیّه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: سخن خداوند عزّوجلّ <خیر من ألف شهر> آن [هزار ماه، دوران]سلطنت بنی امیّه

است و یک شب از [حکومت]امام عادل، بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیّه است>.

بشارت حکومت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۷

۷ - مؤمنان در شرایط دشوار مکه ، مورد نوید خداوند به برخورداری از اقتدار و حکومت *

و لقد ءاتینا . .. الحکم

برداشت بالا با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) <الحکم> ممکن است به معنای حکومت و اقتدار باشد; ب) در آیات پیشین خداوند از مؤمنان مکه خواست تا در برابر مشکل آفرینی های مشرکان صبر پیشه کنند و در پی آن، سرگذشت بنی اسرائیل و برخورداری آنان از حکومت الهی را یاد آور شده است تا مؤمنان را امیدوار سازد که پس از تحمل مشکلات، نوبت حکومت فرا می رسد.

بی ارزشی حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

فعل <تقضی> خطاب به فرعون و <هذه الحیاه> مفعول فیه آن است; یعنی، <إنّما تقضی مده هذه الحیاه الدنیا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

بی نظیری حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۶

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیسر برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۱،۲

۱ - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و

هب لی ملکًا . .. هذا عطاؤنا

اضافه <عطا> به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

۲ - امتنان خداوند بر سلیمان (ع) ، به خاطر اعطای حکومت عظیم و بی نظیر به ایشان

هذا عطاؤنا

تاریخ حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۴

۴ - حکومت الهی ، دارای دیرینه در تاریخ بشر

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم

بنابراین که واژه <الحکم> به معنای حکومت و فرمانروایی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

تثبیت حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ - فرعون ، مصمم بر نابود ساختن و از بین بردن موسی (ع) و پیروان او ، و پایدار نشان دادن حکومت خود

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

وعده عذاب و قتل مؤمنان و نیز ادعای باقی تر بودن (أبقی) از سوی فرعون، بیانگر این نکته است که وی به نابود کردن مؤمنان مصمم شده بود. گفتنی است در این برداشت، تمیز <عذاباً> به کلمه <أشدّ> اختصاص یافته و کلمه <أبقی> خالی از تمیز، لحاظ شده است.

تشکیل حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین

را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

تقوا در حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی حکومت مداران تنها در گرو تقواپیشگی آنان است .

و العقبه للمتقین

چنانچه مراد از <العقبه> عاقبت نیک باشد، هدف از آوردن جمله <العقبه للمتقین> پس از اشاره به اینکه مؤمنان بنی اسرائیل به حکومت خواهند رسید، بیان این حقیقت است که حاکمیت یافتن مؤمنان برای آنان سعادت آفرین نیست، مگر اینکه اهل تقوا باشند و در حاکمیت خویش تقوا را رعایت کنند.

توطئه براندازی حکومت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۲

۲ - منافقان ، درصدد براندازی حکومت پیامبر (ص)

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

تهمت حکومت طلبی به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۳

۳ - برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

جن در حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به

واژه <عفریت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود.
برداشت یاد

شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۵

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قَرَنَه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

حرمت حکومت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل . ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

حرمت حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ -

۷ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت آنان

إنّ المنفقین . .. لاتتخذوا الکفرین أولیاء

حرمت دشمنی با حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ - حرمت مخالفت و معارضه با حکومت های الهی

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

حقانیت حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۶

۶ - حکومت حق ، مخصوص خداوند است .

الملک الحقّ

حکومت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۸

۸ اعطای کتاب و حکمت (پیامبری) و ملک عظیم به آل ابراهیم (ع) ، از تفضّلات الهی

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً

برخی از مفسران برآنند که مراد از حکمت، نبوت و پیامبری است.

حکومت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا ، برای هدایت و تدبیرامور مردم

ربّ هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

حکومت اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۱

۱ - ابرار ، برخودار از نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ و چشم گیر در بهشت

وإذا رأیت ثَمّ رأیت نعیمًا و ملکًا کبیرًا

<ثَمّ> (آن جا) مفعول <رأیت> و اشاره به

بهشت ابرار است. گفتنی است تنکیر <نعیماً> بر عظمت و تفخیم دلالت دارد.

حکومت استبدادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۷

۷- حکومت ، در زمان زندگی اصحاب کهف ، حکومتی مستبد و ظالم بود .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

حکومت استبدادی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

یسومونکم سوء العذاب . .. و فی ذلکم بلاء من ربّکم عظیم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلکم> شکنجه های فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۳،۴

۳ - نظام فرعونی ، نظامی سرکوبگر و متکی به اشراف

إلی فرعون و ملإیه . .. و کانوا قومًا عالین

۴ - حاکمیت سرکوبگر فرعون ، مانع از آزادی مردم و روی آوردن موسی به هدایت آنان ، در مرحله نخست

ثمّ أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و ملإیه

با توجه به این که در آیات پیشین، وقتی سخن از <انبیا> به میان می آمد، رسالت آنان به سوی توده های مردم مد نظر بود; ولی در مورد موسی(ع) سخن از رسالت او به سوی فرعون به میان آمده است، می توان گفت که حرکت حضرت موسی به

سوی فرعون، بدان جهت بود که نظام فرعونی، مانع از آزادی مردم و گرایش آنان به موسی و به عبارت

دیگر سدی میان او و مردم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۷

۷ - حکومت فرعونی در عصر موسی (ع) ، حکومتی فردی و استبدادی بود .

أليس لی ملك مصر

با توجه به این که فرعون خود را فرمانروای مطلق و بی چون و چرای مصر می داند، مطلب بالا استفاده می شود.

حکومت استبدادی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۹

۹ نظام حاکم بر قوم عاد ، نظامی ظالمانه و استبدادی

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

حکومت استبدادی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود .

و لئن لم یفعل . .. لیکونًا من الصغرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۸

۸ وحدت نظام سیاسی و قضایی حکومت استبدادی مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت لیسجننه

حکومت استثماری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، تحت بردگی و استثمار شدید نظام فرعونی

أن عبّدتّ بنی إسرءیل

حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۵

۵ اهل ایمان ، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

چنانچه <ولیّ> به

معنای سرپرست باشد، جمله <لاتتخذوا . ..>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

حکومت اشرافی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۳

۳ - نظام فرعونی ، نظامی سرکوبگر و متکی به اشراف

إلی فرعون و ملإیه . .. و کانوا قومًا عالین

حکومت امام مهدی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - < عن علی بن الحسین (ع) انه قرء الآیه < و عداللّه الذین آمنوا منکم . . . > و قال : هم واللّه شیعتنا أهل البیت یفعل اللّه ذالک بهم علی یدی رجل منّا و هو مهدی هذه الاُمّه . . . ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد اللّه الذی آمنوا منکم. ..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

حکومت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۶

۶ حکومت ، عطیّه الهی

به انبیا

ان یؤتیه اللّه الکتاب و الحکم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکومت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۲

۲ کتب آسمانی ، نبوّت و حکومت پیامبران ، از آیات خداوند

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً. .. انّ الذین کفروا با

با توجه به آیه ۵۴ می توان گفت: کتاب، حکمت و ملک عظیم از مصادیق <بآیاتنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ شیاطین و طاغوت ها ، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی

الم تر الی الّذین یزعمون . .. و یرید الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۶

۶ پیامبران(ع) دارای حق حکومت و قضاوت در میان مردم هستند.

أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

از جمله معانی مذکور برای واژه <حکم> قضاوت و همچنین حکومت است، لازم به ذکر است این دو معنی در طول یکدیگر و با هم متقاربند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ پیامبران تا پیش از استقرار دین و حکومتشان بر زمین ، از گرفتن اسیر در میدان نبرد پرهیز داشته و آن را ناروا می دانستند .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <دینه> و یا <حکومته> باشد. بر این مبنا اثخان به معنای تثبیت و محکم کردن است. بنابراین جمله <ما کان لنبی ...

> می رسانـد که پیـامبران تـا زمـانی که حکومت و دینشان در زمین تثبیت نمی شـد، از اسـیر گرفتن در میـدان نبرد امتناع می کردنـد. قابل ذکر است اگر مجاهـدا از این امر تخلف کننـد و اسـیر بگیرنـد، به دلیل آیه ۷۰، نمی توان گفت باید آن اسـیران کشته شوند.

حکومت اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۴

۴ - در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی ، امری شایسته و بایسته برای مردان الهی

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۹

۹ - در دست داشتن قدرت سیاسی و رهبری جامعه ، امری پسندیده و شایسته برای مردان الهی

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

حکومت ایده آل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۳

۳ تشکیل حکومت واحد جهانی در پرتو ایمان و جهاد ، ایده ای الهی

قتلوا الذین یلونکم من الکفار

فرمان خـدا به پیکار با کافران مجاور و تسـخیر پیاپی سـرزمینهای کفر می توانـد بیانگر ایده ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

حکومت باطل و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحره فرعون

حکومت بر پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت

و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ; بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

حکومت بر مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ; بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتم من بعد ذلک

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکنتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۷،۸،۹،۱۲

۷ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ،

در برهه ای از تاریخ حیات خویش

و جعلکم ملوکاً

۸ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، نعمتی الهی بر آنان

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. و جعلکم ملوکاً

۹ سروری قوم موسی (ع) بر دیگر اقوام در گذشته تاریخ خویش

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ . .. جعلکم ملوکاً

<ملوک> در برداشت فوق، کنایه از سیادت و سروری گرفته شده است.

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکا>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

حکومت بنی امیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۶

۶ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال : قوله عزّوجلّ < خیر من ألف شهر > هو سلطان بنی امیّه و لیله من امام عدل خیر من ألف شهر ملک بنی امیّه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: سخن خداوند عزّوجلّ <خیر من ألف شهر> آن [هزار ماه، دوران]سلطنت بنی امیّه است و یک شب از [حکومت]امام عادل، بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیّه است>.

حکومت پادشاهی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

حکومت جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقه لنا الیوم بجالوت

حکومت جهان دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۳

۳ تشکیل حکومت واحد جهانی در پرتو ایمان و جهاد ، ایده ای الهی

قتلوا الذین یلونکم من الکفار

فرمان خدا به پیکار با کافران مجاور و تسخیر پیاپی سرزمینهای کفر می تواند بیانگر ایده ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

حکومت جهانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

حکومت جهانی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون

حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰،۱۵،۲۶

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه اللّه الملک و الحکمه و علّمه ممّا یشاء

۱۵ داود ، حاکم الهی بنی اسرائیل ، پس از طالوت

انّ اللّه قد بعث لکم طالوت ملکاً . .. و قتل داود جالوت و اتیه اللّه الملک

کاربرد <واو> عاطفه به جای <فاء>، با وجود اینکه اعطای ملک به <داود> مترتب بر کشته شدن جالوت است، می تواند اشاره به فاصله این دو امر

باشد، و این فاصله ظاهراً مدّت زمان زمامداری طالوت است.

۲۶ کشته شدن جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داوُد جالوت و اتیه اللّه الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۲

۲ - داوود (ع) ، در دوران رسالت خویش رهبری جامعه و مدیریت اجتماعی را در دست داشت .

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

حکومت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۳

۳ انجیل ، در بردارنده قوانین حکومتی و قضایی

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

حکومت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۸

۸ تورات ، در بردارنده احکام قضایی و حکومتی

يحكم بها النبيون الذين اسلموا للذين هادوا

حکومت در شرایط بحرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع ارزاق در شرایط بحرانی ، امری ضروری است .

تزرعون سبع سنين . .. إلّا قليلاً مما تأكلون

التفات از خطاب به غیبت در آیه ۴۹ ; یعنی ، آوردن <یغاث الناس> به جای <تُغاثَون> و نیز

<یعصرون> به جای <تعصرون> گویای این است که مخاطبان <تزرعون> و <ذروه> و مانند اینها سران حکومتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۸

۸ حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرّف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض یتبوّأ منها حیث یشاء

حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

حکومت دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۷

۷- حکومت ، در زمان زندگی اصحاب کهف ، حکومتی مستبد و ظالم بود .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

حکومت دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينه غصبًا

<وراء> به هر مكان مستور و پوشيده اى گر چه روبه رو باشد، اطلاق مى گردد. (قاموس) بنابراين، سلطان غاصب، يا پشت سر مساكين و در تعقيب كشتى داران بوده است و يا در پيش روى

آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

حکومت دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- حکومت ذوالقرنین ، حکومتی دینی و الهی بود .

قال . ..ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

ذوالقرنین، مجازات ستم پیشگان را به دست خود، در طول مجازات و عذاب خداوند در آخرت دانسته است،$بنابراین، حکومت ذوالقرنین، برپایه موازین الهی تأسیس شده و با آن منطبق بود.

حکومت دینی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱۰

۱۰- < عن أبی جعفر (ع) قال : إنّ اللّه لم یبعث

أنبياء ملوكاً فی الأرض إلاّ أربعه بعد نوح : أوّلهم ذوالقرنین ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خدا در زمین، پیامبران را پادشاه قرار نداد، مگر چهار پیامبر را که بعد از نوح بودند: نخستین آنان، ذوالقرنین بود>.

حکومت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعونی و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض . .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن إخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱،۴،۵۱

۱ - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملک سلیمن

۴ - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است; یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

۵۱ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : < . . . فلما هلک سلیمان وضع ابلیس السحر و کتبه فی کتاب ثم طواه و کتب علی ظهره < هذا ما وضع آصف بن برخیا لملک سلیمان بن داود من ذخایر کنوز العلم من أراد کذا و کذا فلیفعل کذا و کذا >

ثم دفنه تحت السرير ثم استثاره لهم فقرأه فقال الكافرون ما كان سليمان (ع) يغلبنا إلا بهذا و قال المؤمنون بل هو عبداللّه و نبيّه فقال اللّه جلّ ذكره < واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر ; . . .

آن هنگام كه سليمان (ع) وفات يافت ابليس سحر را پايه گذارى كرد و در كتابى نوشت; سپس آن را پيچيده و بر روى آن چنين نوشت: اين چيزى است كه آصف بن برخيا ساخته است براى برپايى حكومت سليمان بن داود(ع) كه در آن ذخيره هاى علم انباشته شده است. هر كس چنين مى خواهد چنان كند. سپس ابليس آن را زير تخت سليمان(ع) پنهان نمود; سپس آن نامه را بيرون آورده براى آنان خواند. پس كافران در آن جلسه گفتند: سليمان بر ما چيره نگشت و حكومت نيافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز اين چنين نيست; بلكه او بنده و پيامبر خدا بود. خداوند مى فرمايد: واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۴

۴ - سليمان (ع) ، داراى حكومت و تخت فرمانروايى

و لقد فتّنا سليمن و ألقينا على كرسيّه جسدًا

حكومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ ممنوعيّت سلطه جابرانه بر ضعيفان

و المستضعفين . .. اخرجنا من هذه القريه الظّالم اهلها

<استضعفه>، يعنى ا

را ضعیف یافت و بر او سلطه افکند. و چون استضعاف کنندگان، ظالم شمرده شده اند، حرمت و ممنوعیّت این عمل به دست می آید.

حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

یأتوک بکل سحر علیم

فعل <یأتوک> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرطِ مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرین یأتوک بکل ساحر علیم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۵

۵ روآوردن موسی (ع) و قومش به فسادگری علیه نظام فرعونی ، هشدار اشرافیان به فرعون

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض

<لام> در <لیفسدوا> در اصطلاح اهل ادب لام عاقبت می باشد. بنابراین مقصود اشراف از جمله <أتذر ... > این است که ترک مجازات موسی(ع) و قومش به فسادگری آنان می انجامد. قابل ذکر است که مراد از فسادگری، به قرینه <و یذرک و ءالهتک>، شورش کردن علیه نظام فرعونی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۵

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال

موسی لقومه . .. إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۲ - ۳

۳ - حکومت فرعون ، حکومتی مقتدر و تثبیت شده بود .

و فرعون ذوالأوتاد

<وَتَد> (مفرد <أوتاد>) به معنای <میخ> است. توصیف فرعون به <ذوالأوتاد> (صاحب میخ ها) بدان معنا است که وی از تمام وسایل لازم، برای تثبیت حاکمیت و اقتدار خویش برخوردار بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۵

۵ - اقتدار حکومت فرعون ، اغواگر او و بازدارنده وی از پذیرش پیام روشن موسی (ع)

فتولّی برکنه

در صورتی که <باء> برای بیان سببیت یا استعانت و <رکن> کنایه از ارکان اقتدار حکومت فرعونی باشد، استفاده می شود که فرعون به اتکای همین نیروها، به مبارزه با موسی(ع) پرداخت و از پذیرش دعوت او سر بر تافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۵

۵ - فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

<أوتاد> (جمع <وتـد>) به معنای میخ ها است. توصیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از استحکام قدرت او است; همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه استحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

حکومت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۲

۲

خلافت قوم ثمود در زمین و سکونت گزیدن آنان در سرزمین حجر ، نعمتی الهی بر آنان

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

حکومت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

اطیعوا اللّه و اطیعوا الرّسول

تکرار کلمه <اطیعوا> دلالت بر این دارد که مراد از اوامر رسول خدا (ص)، آن اوامری نیست که از طریق وحی خداوند ابلاغ شده، بلکه دستوراتی است که از ناحیه رسول خدا صادر می شده که همان اوامر حکومتی و ولایتی آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۸،۹،۱۰

۸ گذشت از گناه نقض حاکمیّت پیامبر (ص) ، در گرو پذیرفتن حاکمیّت کامل آن حضرت است .

یریدون ان یتحاکموا . .. و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا اللّه

مراجعه منافقان به طاغوت، نقض حاکمیّت پیامبر (ص)، و جمله <جاؤک . .. >، کنایه از پذیرفتن حاکمیّت پیامبر است ; چون ظاهراً صرف آمدن نزد رسول خدا، موضوعیّت ندارد.

۹ گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیّت پیامبر (ص) ، در گرو توبه آنان به درگاه خدا و قبول آنان از سوی پیامبر (ص) است .

یریدون ان یتحاکموا . .. و لو انّهم اذ ظلموا ... لوجدوا اللّه توّاباً

جمله <و استغفر لهم الرّسول> می تواند کنایه از این باشد که قبول توبه آنان <لوجدوا اللّه توّاباً> در صورتی است که پیامبر (ص) بازگشت آنان را بپذیرد.

شرط گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیّت پیامبر (ص) ، استغفار پیامبر (ص) برای آنهاست .

و لو انّهم اذ ظلموا . .. و استغفر لهم الرّسول ... لوجدوا اللّه توّاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۶

۶ ربوبیّت الهی ، منشأ تربیت پیامبر (ص) برای تصدّی مقام قضاوت و حکومت

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک

برداشت فوق از کاربرد کلمه <ربّ> و اضافه آن به ضمیر خطاب استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

و أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <أطیعوا الرسول>، اطاعت در امور حکومتی و ولایی است; زیرا اگر مراد احکام و اوامر الهی باشد، ذکر <أطیعوا اللّه> کافی است و تکرار <أطیعوا> درباره پیامبر(ص)، مؤید همین برداشت است.

حکومت مصرباستان در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حکومتی مصر در زمان عزیز ، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود .

و لئن لم یفعل . .. لیکونًا من الصغرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

حکومت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ -

نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنّی وجدت امرأه تملکهم

<مُلْک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است; یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۱،۱۳

۱ تلاش منافقان برای فساد در زمین و نابودی حرث و نسل ، در صورت به حکومت رسیدن

و اذا تولّی سعی فی الأرض . .. الحرث و النسل

بنابراینکه <تولّی>، به معنای حکومت باشد.

۱۳ از وظایف حکومت ، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست .

و اذا تولی سعی فی الأرض

حکومت نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۹

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان ، به جز ولایت خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، حکومت و ولایتی نامشروع و غیر قانونی

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

درخواست حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۳۸ - ۳۵ - ۶،۷،۱۰

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیسر برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

۷ - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باوراند که جمله <لاینبغی لأحد من بعدی> کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من غیری> خواهد بود; مثل <فمن یهدیه من بعد اللّه> که به معنای <غیر اللّه> است.

۱۰ - دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن ، امری پسندیده برای مردان الهی است .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

درخواست حکومت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۸

۸ - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

درخواست شغل از حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست شغل از حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست نابودی حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - همسر فرعون ، از خداوند خواستار نابودی فرعون و حکومت ستم پیشه او

نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظلمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آسیه، نجات خود را با نابودی فرعون و حکومت وی از خداوند خواستار شده باشد.

رد حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ پذیرش توبه نقض کنندگاان حاکمیّت اسلامی ، در صلاحیّت رهبری است .

و لو انّهم . .. جاؤک فاستغفروا اللّه و استغفر لهم الرّسول

۱۲ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیّت اسلامی ، در گرو بیعت مجدّد با رهبری است .

و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا اللّه و استغفر لهم الرّسول

روش برخورد با کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدیـد از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جسـتوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشـتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

روش حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۲،۳

۲ - تقسیم

مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو ، نمود سیاست خودکامه و سلطه جویی فرعون

إنّ فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعًا

جمله <جعل أهلها شیعاً> عطف تفسیری بر <علا فی الأرض> و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که <شیع> جمع <شیعه> است و <شیعه> به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین <جعل أهلها شیعاً>; یعنی، مردم آن سرزمین را به چند دسته پیرو درآورده بود.

۳ – اقدام فرعون به دسته دسته کردن مردم سرزمین مصر و ایجاد تفرقه میان آنان

و جعل أهلها شیعًا

روش حکومت فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۶ – ۱۷

۱۷ – فرعونیان ، به صرف ترس و احساس از به خطر افتادن حکومت و اقتدارشان ، اقدام به کشتن و اعدام مخالفان می کردند .

أقتل موسی . .. إنّی أخاف أن یبدّل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد

زمینه انحطاط حکومت فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۲۱

۲۱ – پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أیّنا أشدّ عذابًا و أبقی

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

زمینه بقای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - فرعون

، منافع و بقای اقتدار خود را در حفظ آیین گذشته مردم و نگه داری وضعیت اجتماعی موجود می دید .

إنّی أخاف أن یبدّل دینکم أو أن یظهر فی الأرض الفساد

زمینه حکومت استبدادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ نپذیرفتن ربوبیت خداوند و مخالفت با پیامبران و برنامه های ایشان ، زمینه ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم . .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که ترتیب ذکری جمله <اتبعوا . ..> بر جمله های سابق ، حاکی از ترتب خارجی آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۴

۴ - فقر فرهنگی ، مایه ترویج و پایداری حکومت های استبدادی

فاستخفّ قومه فأطاعوه

زمینه حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل . .. ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن

مواهب خواهد بود.

زمینه حکومت اسلامی در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- حشر - ۵۹ - ۹ - ۳

۳ - < انصار > ، بنیانگذار جامعه ایمانی در مدینه قبل از هجرت

و الذین تبوّءو الدار و الإیمن من قبلهم

<تبوّء> چنانچه مفردات و المیزان اشاره کرده اند به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. در این صورت <تبوّءو الدار و الإیمان> کنایه از فراهم سازی محیط اجتماعی و دینی و <من قبلهم> به حذف مضاف و تقدیر <من قبل هجرتهم> است.

زمینه حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۵

۵- تحقق حکومت جهانی صالحان ، در پرتو دین اسلام و رسالت پیامبراکرم (ص) است .

و لقد کتبنا فی الزبور . .. و ما أرسلنک إلاّ رحمه للعلمین

با توجه به ارتباط دو آیه که در آیه اوّلی حکومت جهانی و در این آیه رسالت جهانی پیامبر(ص) را مطرح می کند برداشت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکّنّا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکّنّا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زنان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونی و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسی و اجتماعی

و استحیوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسی(ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد; زیرا اگر زنان برای آنان خطرآفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت; قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

شخصیتهای مؤثر در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۴

۴ - نقش کلیدی و کارساز هامان و قارون ، در دستگاه حکومتی فرعون

إلی فرعون و همن و قرون

یاد شدن هامان و قارون در کنار فرعون (بدون ذکر دیگر اقشار جامعه)، حاکی از مطلب یاد شده است.

شرایط حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم اللّه و رسوله و الذین ءامنوا الذین . .. و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

شرایط گزینش کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه

لنفسی . .. مکین أمین

صالحان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

ظالمان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

ظلم ستیزی حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن

مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرًا

عجز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونی ، امری ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فنبذنهم فی الیمّ

عزیزی در حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ منصب عزیزی از مناصب حکومت پادشاهی مصر باستان

و قال الملک . .. قالت امرأت العزیز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان <عزیز> در آیه ۸۸، نشان می دهد که <عزیز> در <امرأت العزیز> نام همسر زلیخا نبوده ; بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

عوامل بحران در حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

عوامل بقای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۴

۴ - ماندن بنی اسرائیل در مصر و جدا نشدن آنان از دیگران ، امری حیاتی برای فرعون و فرعونیان

أسر بعبادی . .. فأتبعهم فرعون بجنوده

تعقیب بنی اسرائیل و تلاش برای جلوگیری از هجرت آنان، نشانگر این نکته است که جداشدن بنی اسرائیل از جامعه مصر، خسارت و عواقب سنگینی برای آنان به همراه داشت.

عوامل بقای حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۴

۴ - جلب افکار عمومی ، دارای نقش تعیین کننده در بقا و موفقیت حکومت ها

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

فراخواندن مردم برای حضور و دیدن صحنه شکست موسی(ع) و پیروزی ساحران بر او، نشانگر این حقیقت است که جلب افکار عمومی حتی برای حکومت های ستمگر و ضد مردمی چون فرعون مهم و سرنوشت ساز است.

عوامل سلطه حکومت های ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ ظلم انسانها عامل تسلط حکومتهای ظالمانه بر آنان می گردد.

و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

تعلیق حکم بر وصف اشعار به علیت دارد. در آیه شریفه تعلیق حکم <نولی> بر وصف <الظالمین> اشاره به نقش و تأثیر وصف ظلم در جریان یافتن فعل دارد.

فرار از حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۲

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لن نعجزه هربًا

فرعونیان و حفظ حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۵

۵ اشراف و بزرگان قوم فرعون در تلاش برای حفظ نظام فرعونی

قال الملأ . .. إن هذا لسحر عليم

فساد حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از

نظام فاسد فرعونی ، از وظایف الهی موسی (ع)

فأرسل معی بنی إسراءیل

تفریع جمله <فأرسل . .. > بر <إنی رسول ... > حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالتهای الهی موسی بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

۱۲ بنی اسرائیلِ زمان موسی (ع) در سیطره نظام فاسد فرعونی

فأرسل معی بنی إسراءیل

فساد در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۹

۹ - فسق و فساد ، دارای ریشه مستحکم و دیرینه در جامعه فرعونی

إنّهم کانوا قومًا فسقین

واژه <کانوا> بیانگر آن است که قوم فرعون، دارای پیشینه دیرین فسق بوده اند.

فسق در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۹

۹ - فسق و فساد ، دارای ریشه مستحکم و دیرینه در جامعه فرعونی

إنّهم کانوا قومًا فسقین

واژه <کانوا> بیانگر آن است که قوم فرعون، دارای پیشینه دیرین فسق بوده اند.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . .. مکین أمین

قطع پا در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونی برای مخالفان

لأُقطّعنّ أیدیکم

و أرجلکم من خلف

قطع دست در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونی برای مخالفان

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف

کافران در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

گرمسیری مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلّبنّکم فی جذوع النخل

گسترش حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۲

۲- ذوالقرنین در ادامه سفرهایش ، از امکانات خویش در جهت گسترش حکومت و دین الهی ، بهره گرفت .

ثمّ أتبع سببًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۲ - ۳

۳- ذوالقرنین ، از دانش استفاده از اسباب و ابزار در جهت گسترش حکومت خود ، برخوردار بود .

ثمّ أتبع سببًا

مبانی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۵

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من اللّه حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد ءاتینا . .. و الحکم و النبوّه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل، <حکم> دانسته شده است; آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤون خداوند است.

محدوده حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا داود فملک ما بین الشامات إلی بلاد الإصطخر و کذلک کان ملک سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...>.

محدوده حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۴

۴ - حکومت عظیم سلیمان در آغاز ، محدود به منطقه ای خاص بود ، نه گسترده در همه سرزمین ها .

إنّی وجدت امرأه تملکهم . .. و لها عرش عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - < عن

أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا داود فملک ما بین الشامات إلی بلاد الإصطخر و کذلک کان ملک سلیمان . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . ..محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...>.

محدوده حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ; بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

محدوده حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۳

۳ - مدین ، سرزمین بیرون از قلمرو حکومت فرعون

و لمّا توجّه تلقاء مدین

انتخاب مدین به عنوان پناهگاه، نشانگر آن است که آن سرزمین از محدوده حکومت فرعون بیرون بوده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - مدین ، سرزمینی خارج از قلمرو حکومت فرعون

لاتخف نجوت من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۲

۲ - سرزمین مصر تحت سلطه نفس گیر سپاهیان سرکش فرعون

و استکبر هو و جنوده فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۲

۲ - مباهات فرعون ، به قلمرو قدرت و میزان مکنت و دارایی خویش

و نادی فرعون فی قومه قال یقوم ألیس لی ملک مصر. .. أفلاتبصرون

محدوده حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

محدوده حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۳

۳ سرزمین کنعان ، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع) *

و جاء إخوه یوسف

بعید به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد ; زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان

که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف(ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

محدوده حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۶

۶ قلمرو حکومتی یوسف (ع) محدود بود و فراگیر همه سرزمین ها نمی شد .

قد ءاتیتنی من الملک

برداشت فوق با توجه به اینکه <من> در <من الملک> برای تبعیض است ، استفاده شده است.

مستضعفان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

مستکبران در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

مسؤولیت پذیری در حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷،۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مسؤولیت پذیری در حکومت

کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷،۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مسؤولیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۶،۱۳

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولی . .. لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و . .. را از کارهای حکومتی منافقان می داند; معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

۱۳ از وظایف حکومت ، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست .

و اذا تولی سعی فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۱،۲۲

۲۱ عفو و عطوفت از وظایف مدیران و والیان جامعه

و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا و انت مولینا

چون جمله <انت مولینا> به منزله علّت برای جمله سابق است، می توان نتیجه گرفت که هر کس نسبت به دیگری نحوی از ولایت را به اذن خداوند دارا باشد، باید عفو و . .. را نسبت به او اعمال کند.

۲۲ متولّیان جامعه نباید وظایفی خارج از توانِ معمولی افراد ، به آنان تحمیل کنند .

لا یکلّف اللّه نفساً الاّ وسعها . .. انت مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۶ نکوهش خداوند از حکومت ها و حاکمان بی توجه به وضع اقتصادی مردم

فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

جمله <فاذاً . .. > در مقام مذمت و نکوهش چنین روشی است.

۸ سخاوتمندی و رسیدگی به وضع اقتصادی مردم ، از وظایف حکومت و حاکمان

ام لهم نصیب . .. فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ ایجاد و حفظ وحدت جامعه ، از وظایف حکومت اسلامی

اطیعوا اللّه . .. فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع ارزاق در شرایط بحرانی ، امری ضروری است .

تزرعون سبع سنین . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

التفات از خطاب به غیبت در آیه ۴۹ ; یعنی ، آوردن <یغاث الناس> به جای <تُغاثَون> و نیز <یعصرون> به جای <تعصرون> گویای این است که مخاطبان <تزرعون> و <ذروه> و مانند اینها سران حکومتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ لزوم نظارت دولت بر امور اقتصادی (تولید ، توزیع و . . .) در شرایط بحرانی

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

مسؤولیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹،۱۳

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت

فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

۱۳ بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب ها و متمایل ساختن انسان ها به اسلام ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

با توجه به اینکه صدقات در اختیار حکومت می باشد و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

مسؤولیت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا یسرًا

مشاوره در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۶

۶ فرعون برای اداره امور مملکتی از مشورت با دیگران ابایی نداشت .

یرید أن یخرجکم من أرضکم فماذا تأمرون

مشاوره در حکومت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۴

۴ - مشورت با بزرگان دربار ، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور ، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتونی فی أمری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

<قطع> (مصدر <قاطعه>) در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. <أمراً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. <شهاده> (مصدر

<تشهدون>) معادل حضور است; یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

مفسدان و حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۲

۲۲ مفسدان شایسته حکومت بر مردم نیستند .

و لا تتبع سبیل المفسدین

مقهوریت حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونی ، امری ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فنبذنهم فی الیمّ

ملاک ارزش حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی حکومت مداران تنها در گرو تقواپیشگی آنان است .

و العقبه للمتقین

چنانچه مراد از <العقبه> عاقبت نیک باشد، هدف از آوردن جمله <العقبه للمتقین> پس از اشاره به اینکه مؤمنان بنی اسرائیل به حکومت خواهند رسید، بیان این حقیقت است که حاکمیت یافتن مؤمنان برای آنان سعادت آفرین نیست، مگر اینکه اهل تقوا باشند و در حاکمیت خویش تقوا را رعایت کنند.

ملاک مشروعیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۵

۵ هیچ حکومتی جز در چارچوب قوانین الهی ، مشروعیّت ندارد .

و ما ارسلنا من رسول الّا لیطاع باذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۸

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الفسقون

مناصب

حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ منصب عزیزی از مناصب حکومت پادشاهی مصر باستان

و قال الملک . .. قالت امرأت العزیز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان <عزیز> در آیه ۸۸، نشان می دهد که <عزیز> در <امرأت العزیز> نام همسر زلیخا نبوده ; بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

منافقان در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

منشأ استحکام حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، به حکومت داوود (ع) استحکام و استواری بخشید .

و شددنا ملکه

منشأ پیدایش حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۱

۱ - طلوع و غروب حکومت ها ، نمود های اراده خداوند

و جعلنهم أئمه

در این آیه به قدرت رسیدن فرعون و در آیه پیش غرق شدن وی و سپاهیانش به خدا نسبت داده شده است. این بیانگر این حقیقت است که ظهور و افول تمدن ها و پیدایش و نابودی حکومت ها چه خوب و چه بد همگی تحت اراده خدا و به اذن او بوده و تاریخ دراز بشر عرصه گاه جریان پرفراز و نشیب اراده الهی است.

منشأ حکومت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۵

۱۵ حکومت از آنِ خداوند است و به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و اللّه یؤتی ملکه من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه اللّه الملک و الحکمه و علّمه ممّا یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۹،۲۰،۲۱

۹ خداوند به هر کس که بخواهد مُلک (قدرت و حاکمیّت) می دهد و از هر کس بخواهد ، بازمی ستاند .

تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممّن تشاء

۲۰ قدرت مطلق خداوند ، منشأ اعطای حاکمیّت و عزّت

تؤتی الملک من تشاء . .. تعزّ من تشاء ... انّک علی کل شیء قدیر

۲۱ اعطای حاکمیّت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملک . .. انّک علی کل شیء قدیر

از اینکه قبل از یادآوری عزّتها و قدرتهای خدادادی، مالکیّت خدا ذکر شده; و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۷

۲۷ - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲،۴

۲ - مقام خلافت (تدبیر امور مردم به جای خدا) ، موهبتی است الهی که باید تنها از سوی خدا به فردی واگذار شود .

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض

استناد تعیین خلیفه به خدا، همراه با تأکید (إنّا) گویای برداشت یاد شده است.

۴ - تدبیر امور جامعه انسانی اصالتاً از آن خدا است نه بشر .

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض

تعیین خلیفه از ناحیه خدا که با تأکید بیان گردیده حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

منشأ حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

منشأ حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است; یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

منشأ حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۸

۸ - پادشاهی بی نظیر و پهناور سلیمان (ع) ، موهبتی الهی بود .

و هب لی ملکًا

منشأ

حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵

۵ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف (ع)

رب قد ءاتیتنی من الملک

منشأ قدرت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلمّا رءاه. .. قال هذا من فضل ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد; یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

موقعیت جوی مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلّبنّکم فی جذوع النخل

مؤمنان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن

را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

نجات از حکومت ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۶

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّنا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

نجات از حکومت فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ رهاسازی انسان ها از اسارت نظام های فسادگر و غیر توحیدی ، ارزشی الهی

فأرسل معی بنی إسراءیل

نجات از حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۲

۲- زندگی بدون آرامش بنی اسرائیل تا قبل از رهایی از حکومت فرعون *

فأراد أن یستفزّهم من الأرض . .. و قلنا من بعده لبنی إسرءیل اسکنوا الأرض

احتمال دارد که <اسکنوا الأرض> به معنای آرام گرفتن در زمین و بیرون آمدن از اضطرابی باشد که قبلاً گریبانگیر آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۲،۳

۲ - تعلق اراده الهی بر تغییر تحولات مصر به نفع بنی اسرائیل و رهانیدن آنان از استضعاف فرعون

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

۳ - نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نرید أن نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض

<نمنّ> از ریشه

<منّه> مشتق شده است و <منّه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

نخلستان در مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلّبنّکم فی جذوع النخل

نشانه های اقتدار حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۴

۴ - جلوگیری از فعالیت نیرو های مخرب و اخلال گر ، از مقتضیات حکومت مقتدر و آرمانی *

هب لی ملکًا . .. و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

برداشت یاد شده از آن جا است که سلیمان(ع) از خداوند خواستار حکومت مقتدر و بی نظیر شد و خداوند به این منظور، شیاطین اخلال گر و مخرب را در بند قرار داد. این نکته می رساند که برای اقتدار و موفقیت حکومت خوب و آرمانی، مبارزه با فعالیت نیروهای مخرب و اخلال گر و سد راه آنان شدن، امری لازم و ضروری است.

نشانه های اقتدار حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع)

اخلال و فساد ایجاد می کردند.

نظارت بر کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

نظام حکومت فرعونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۴،۵

۴ - ایمان به موسی (ع) در حکومت فرعون ، کاری غیر قانونی و ممنوع بوده است .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

نیاز به اذن فرعون در ایمان به موسی(ع)، نشان از ممنوعیت و غیرقانونی بودن ایمان به آن حضرت در آن عصر دارد.

۵ - وجود خفقان فکری و سلب شدن آزادی عقیده در نظام حکومت فرعونی

ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

نیاز داشتن <اعتقاد> به اجازه فرعون، نشان از استبداد و خفقان کامل فکری در حکومت فرعون دارد.

نعمت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ فرمانروایی ، سروری و استقلال امت ها ، از نعمت های بزرگ خداوند

اذکروا نعمه اللّه علیکم اذ . .. جعلکم ملوکاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکنت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قد ءاتیتنی من الملک

از آن جا که یوسف(ع)

در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

نعمت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد; از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت نجات از حکومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

نعمت نجات از حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد منّنا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

نفوذ در حکومت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۲

۲ – نفوذ و راه یافتن به مراکز قدرت و حکومت های استکباری ، به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع کردن از حق ، کاری روا و پسندیده است .

و لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون ... فلمّا جاءهم بالحقّ من عندنا

نقش حکومت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۱۳

۱۳ – حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۶ – ۸

۸ – نقش مؤثر حاکمان و نظام حکومتی ، در تغییر و تحول باور ها و شیوه رفتار مردم

و لقد أرسلنا موسی بایتنا إلی فرعون و ملإیه

مبعوث شدن موسی(ع) برای هدایت فرعون و درباریان وی، ممکن است از آن جهت باشد که تغییر اعتقادی و رفتاری آنان، می توانست تحول گسترده ای در جامعه عصر موسی ایجاد کند.

نقش حکومت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۱ – ۳

۳ – نقش حکومت ها و نظام اجتماعی در ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه

و جعلنهم أئمه یدعون إلی النار

برداشت یاد شـده از آن جا است که فرعون با ادعای خدایی خویش و مبارزه با پیام موسـی(ع)، بر فرهنگ و عقیده مردم چنان تأثیر گذاشته بود که آنان را دوزخی و

بدبخت ساخت.

نیاز به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۰

۱۰ نیاز دائمی انسان به رهبری و ولایت

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

خارج نبودن هر انسانی از تحت ولایت و سرپرستی به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر، بیانگر این معناست که آدمی همواره نیازمند رهبری و ولایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۳

۳ - حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است; ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد; ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست; بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

وسعت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۷

۷ - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باورانـد که جمله <لاـینبغی لأحـد من بعـدی> کنـایه از وسـعت و پهنـاوری حکـومت عصـر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من غیری> خواهد بود; مثل <فمن یهدیه من بعد اللّه> که

به معنای <غیر اللّه> است.

ویژگیهای حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۶

۶- حاکمیّت ذوالقرنین ، در جهت ظلم زدایی و کفرستیزی بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۳

۳- حاکمیّت ذوالقرنین ، در جهت ترویج ایمان و عمل صالح بود .

قال . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

ویژگیهای حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷ - قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۶

۶ - دستگاه حکومت سلیمان ، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱،۴

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجابت خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح

از فای تفریع <فسخّرنا. ..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۴،۶

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکًا . .. فسخّرنا له ... الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطین کلّ بنّاء و غوّاص

ویژگیهای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۳

۲۳ - اتهام ، توجیهی برای خشونت و کیفر های ظالمانه ، در رژیم فرعون

ءامنتم . .. إنّه لکبیرکم ... فلأقطّعنّ ... أشدّ عذابًا و أبقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۶ – ۳

۳ – نظام فرعونی ، نظامی سرکوبگر و متکی به اشراف

إلی فرعون و ملإیه . .. و کانوا قومًا عالین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء –

۲۶ - ۲۹ - ۹

۹ - نبودن آزادی عقیده و بیان و حاکمیت جو اختناق و خشونت در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنّک من المسجونین

وجود زندان مشقت بار و زندانیان بسیار سیاسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۴

۴ - فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی بانفوذ در سرزمین مصر

یأتوک بکلّ سحّار علیم

فعل<یأتوک> جزای شرط مقدر (إن تبعثهم یأتوک بکلّ سحّار علیم) است. این ترکیب حاوی این نکته است که فرستادن نیروها برای جذب ساحران، مساوی با آمدن آنان بدون تعلل است و این مطلب، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین مصر در عصر فرعون ، برخوردار از تمدن و اقتصادی نیرومند

فأخرجنهم من جنّت و عیون . و کنوز و مقام کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - وجود استبداد و خودکامگی ونبود آزادی بیان در جامعه فرعونی عصر موسی

أتقتلون رجلاً أن یقول ربّی اللّه و قد جاءکم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۶

۶ - حکومت فرعونی ، حکومتی اشرافی و مبتنی بر اقتدار اشراف

إلی فرعون و ملإیه

کلمه <ملأ> در قرآن مجید، معمولاً به طبقه اشراف و ثروتمندان اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۷

۷ - حکومت فرعونی در عصر موسی

(ع) ، حکومتی فردی و استبدادی بود .

أليس لی ملك مصر

با توجه به این که فرعون خود را فرمانروای مطلق و بی چون و چرای مصر می داند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۲

۲ - جامعه فرعونی ، دارای نظامی طبقاتی و مبتنی بر اشرافی گری

أم أنا خير من هذا الذی هو مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۲

۲- نظام فرعونی ، نظامی استبدادی و متکی به رأی فرد

من العذاب المهين . من فرعون

از این که شخص فرعون، به عنوان عامل اصلی عذاب و خواری بنی اسرائیل معرفی شده، استفاده می شود که حضور فرعون و تصمیم گیری او، بر همه شؤون جامعه سیطره داشته و از این رو، خطاهای فرعونیان تنها به او نسبت داده شده است.

ویژگیهای حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۶

۱۶ - حکومت فرعون ها در مصر ، آمیخته با فساد ، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود .

إنّه كان من المفسدين

ویژگیهای حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، درصورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالا بنابر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن

بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

ویژگیهای حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار ، محدودیت و مشکلی نداشت .

وأتونی بأهلکم أجمعین

یژگیهای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مردم در نظام فرعونی ، فاقد آزادی عقیده و بیان

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم . .. لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أبًا شیخًا کبیرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یوسف(ع) و حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت اسلامی

اختیارات حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۲

۱۲ - < فیء >

، در اختیار حکومت اسلامی ، برای به کارگیری در مصارف تعیین شده آن *

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پیامبر(ص)، در این آیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار <فیء> شناخته شده باشد; زیرا عمر شخص پیامبر(ص) محدود است; ولی مسأله <فیء> همچنان استمرار دارد. پس باید تفویض اختیار به منصب باشد (کسانی که اهلیت حکومت را دارند).

اهل کتاب در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

اهمیت تقویت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۴

۴ - تقویت بنیه حکومتی جامعه اسلامی به وسیله انفاق ، سفارش خدا به مؤمنان صدراسلام

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه . .. و أنفقوا من مّا رزقنکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در مورد منافقان و جلوگیری آنان از انفاق در راستای براندازی حکومت اسلامی و .. است; برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷ - لزوم کار بنیادی ، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

كما أرسلنا إلى فرعون رسولاً

حكومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۵ اهل ایمان ، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

چنانچه <ولیّ> به معنای سرپرست باشد، جمله <لاتتخذوا . ..>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

رد حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ پذیرش توبه نقض کنندگاان حاکمیّت اسلامی ، در صلاحیّت رهبری است .

و لو انّهم . .. جاؤک فاستغفروا اللّه و استغفر لهم الرّسول

۱۲ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیّت اسلامی ، در گرو بیعت مجدّد با رهبری است .

و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا اللّه و استغفر لهم الرّسول

زمینه حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل . .. ثمّ جعلنک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن مواهب خواهد بود.

زمینه حکومت اسلامی در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۳

۳ - < انصار

> ، بنیانگذار جامعه ایمانی در مدینه قبل از هجرت

و الذین تبوّءو الدار و الإیمن من قبلهم

<تبوّء> چنانچه مفردات و المیزان اشاره کرده اند به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. در این صورت <تبوّءو الدار و الإیمان> کنایه از فراهم سازی محیط اجتماعی و دینی و <من قبلهم> به حذف مضاف و تقدیر <من قبل هجرتهم> است.

کافران در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مسؤولیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹،۱۳

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

۱۳ بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب ها و متمایل ساختن انسان ها به اسلام ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقت للفقراء . .. و المؤلفه قلوبهم

با توجه به اینکه صدقات در اختیار حکومت می باشد و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

منافقان در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد

حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

حکومت دینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت دینی

تاریخ حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۴

۴ - حکومت الهی ، دارای دیرینه در تاریخ بشر

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم

بنابراین که واژه <الحکم> به معنای حکومت و فرمانروایی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

حرمت دشمنی با حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ - حرمت مخالفت و معارضه با حکومت های الهی

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمن

حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- حکومت ذوالقرنین ، حکومتی دینی و الهی بود .

قال . ..ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

ذوالقرنین، مجازات ستم پیشگان را به دست خود، در طول مجازات و عذاب خداوند در آخرت دانسته است،$بنابراین، حکومت ذوالقرنین، برپایه موازین الهی تأسیس شده و با آن منطبق بود.

حکومت دینی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثمّ أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

ظلم ستیزی حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار

ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرًا

مسؤولیت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرًا

نعمت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد ءاتينا بنى إسرءيل الكتب و الحكم و النبوّه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد; از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

حکومتها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت ها

انقراض حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

تشکیل حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض للّه یورثها من یشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

عوامل بقای حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۴

۴ - جلب افکار عمومی ، دارای نقش تعیین کننده در بقا و موفقیت حکومت ها

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

فراخواندن مردم برای حضور و دیدن صحنه شکست موسی(ع) و پیروزی ساحران بر او، نشانگر این حقیقت است که جلب افکار عمومی حتی برای حکومت های ستمگر و ضد مردمی چون فرعون مهم و سرنوشت ساز است.

منشأ پیدایش حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۱

۱ - طلوع و غروب حکومت ها ، نمود های اراده خداوند

و جعلنهم أئمه

در این آیه به قدرت رسیدن فرعون و در آیه پیش غرق شدن وی و سپاهیانش به خدا نسبت داده شده است. این بیانگر این حقیقت است که ظهور و افول تمدن ها و پیدایش و نابودی حکومت ها چه خوب و چه بد همگی تحت اراده خدا و به اذن او بوده و تاریخ دراز بشر عرصه گاه جریان پرفراز و نشیب اراده الهی است.

نقش حکومت ها

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۳

۳ - نقش حکومت ها و نظام اجتماعی در ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه

و جعلنهم أئمه یدعون إلی النار

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون با ادعای خدایی خویش و مبارزه با پیام موسی(ع)، بر فرهنگ و عقیده مردم چنان تأثیر گذاشته بود که آنان را دوزخی و بدبخت ساخت.

حلال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلال

آثار استفاده از روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع ، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است .

و ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

<فاء> در <فکلوا. ..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است; یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند; ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار تغذیه حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - تغذیه سالم و حلال ، زمینه گرایش انسان به عمل صالح

کلوا من الطّیّبت و اعملوا صلحًا

احکام تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱

۱ اهل ایمان نباید خویشتن را از بهرهوری مواهب پاکیزه و حلال الهی منع کنند .

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا

طیبت ما احل اللّه لکم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در <لا ـ تحرموا . ..>، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

ارزش حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لایستوی الخبیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

استفاده از روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ - بهره گیری از نعمت ها و روزی های حلال و پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱- بهرهوری ، از روزی های حلال و دلپذیر ، مجاز و مطلوب است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیّبًا

۲- لزوم شکرگزاری انسان ، در قبال بهرهوری از روزی های حلال و دلپذیر الهی

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیّبًا و اشکروا نعمت الله

امکانات دنیوی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۶

۶ تمامی آنچه که خداوند حلال کرده ، پاکیزه و خوشایند است .

حللا طیباً

بنابر اینکه <طیباً> صفت توضیحی برای <حللا> باشد.

اهمیّت رعایت حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام

های الهی ، تقواپیشگی است .

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

بی اعتباری سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۴

۴ - سوگند و تعهد بر محرومیت خویش از مباحات و حلال ها ، عملی بی اعتبار در نگاه وحی

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۷

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به <ما احل اللّه>، اضافه بیانیه است یعنی <ما احل . .> تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۸

۸ شیطان ، دعوت کننده آدمی به حرام کردن حلال های خداوند

و لامرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۴

۴ آرزو های شیطانی ، تحریم حلال های الهی و تغییر در آفرینش طبیعی و اولیه موجودات ، از عوامل ورود به جهنم

لامنینهم و الامرنهم فلیبتکن ءإذان الانعم . .. أولئک ماویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲،۱۴

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه ، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۴،۱۳

۴ مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه ۸۹ می توان گفت مراد از <لاتحرموا . ..> نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

۱۳ تحریم حلال ها و تغییر احکام الهی تجاوز به حدود و قوانین خداوند است .

لاتحرموا . .. و لاتعتدوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و لاتعتدوا> تأکید و تفسیری برای جمله <لاتحرموا . ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ تحریم مواهب خدادادی بر خویش و یا دیگران و بهره نجستن از آنها خلاف تقواست .

و کلوا مما رزقکم اللّه حللا طیباً و اتقوا اللّه

امر به تقوا پس از تصریح به اباحه مواهب خدادادی و نهی از تحریم حلالها می تواند اشاره به این باشد که اگر اعتقاد و یا التزام عملی بر خلاف این احکام باشد، به دور از تقواپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ حرام شمردن زینتها و روزیهای حلال و پاکیزه، افترا بر خداوند است.

قل من حرم زینه الله . .. أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

از مصادیق مورد نظر برای افترا، به قرینه آیه قبل، تحریم زینتها و روزیهای پاکیزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که فرمود : < اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون اللّه > روایت شده که فرمود : < و اللّه ما صلّوا لهم و لا صاموا و لکنهم أحلّوا لهم حراماً و حرّموا علیهم حلالا فاتّبعوهم ;

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ; ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را حرام کردند و آنان پیروی کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۹ - ۶

۶ حرام کردن حلال خدا بی اذن او ،

افترا و بدعت است .

فجعلتم منه حراماً . .. قل ءاللّه أذن لکم أم علی اللّه تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۲،۱۰

۲ تحریم حلال و تحلیل حرام ، افترا و دروغ بستن به خداوند است .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. و ما ظن الذین یفترون علی اللّه الکذب

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. إن اللّه لذو فضل علی الناس و لکن أکثرهم لایشکرون

تحریم حلال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۱۱

۱۱ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله تعالی : < یا أیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک > قال : إطّلعَتْ عائشهُ و حفصه علی النبیّ و هو مع ماریه فقال النبیّ (ص) : و اللّه ما أقربُها ، فأمره اللّهُ أن یکفّرَ [عن] یمینه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند تعالی: <یا أیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک> روایت شده که فرمود: عایشه و حفصه بر رسول خدا(ص) ظاهر شدند در حالی که آن حضرت با ماریه بود. پس فرمود: به خدا سوگند با او نزدیک نمی شوم. پس خداوند او را امر کرد تا برای سوگند خود کفّاره دهد [و حلال خدا را با قسم بر خود حرام نکند]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱،۲

۱ - توصیه خداوند به پیامبر (

ص) ، مبنی بر شکستن سوگند خود درباره محروم شدن از عملی مباح و حلال ، برای جلب رضایت همسران خود

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

۲ - سوگند پیامبر (ص) ، بر محروم کردن خود از عملی مباح و حلال ، به خاطر جلب رضایت برخی از همسران

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

ترک استفاده از روزی های حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۱

۱۱- اعراض از تشکیل خانواده ، فرزندداری ، تعاون اجتماعی و بهرهوری از روزی های حلال الهی ، شیوه ای باطل و نادرست است . *

و الله جعل لکم من أنفسکم أزوجًا . .. أفبالبطل یؤمنون

بدان احتمال که "و الله جعل لکم. .." در مقام بیان ارزش دادن به موضوع همسری و ... باشد و در پایان بیان اعتراض آمیز "أفبالباطل یؤمنون" در ردّ کسانی باشد که از پذیرش این ارزشها روی گردانند، این برداشت به دست می آید.

چهارپایان حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین

آنها

من الضأن . .. قل ءالذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين

حرمت تحريم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲

۲ حرمت بدعت در دين و تغيير حلال و حرام های الهی

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا طيبت ما احل اللّه لكم و لاتعتدوا

بدان احتمال كه تحريم حلال، به معنای حرام دانستن حلالهای الهی باشد.

حلال روزی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۳،۵

۳ جواز بهره گيری از روزی ها و امكانات مشروط به حلال و طيب بودن آنها است .

و كلوا مما رزقكم اللّه حللا طيباً

برداشت فوق بر اين اساس است كه <مما رزقكم . ..> مفعول برای <كلوا> و <حللا ـ طيباً> حال برای <رزقكم اللّه> باشد يعنی از امكانات خدادادی استفاده كنيد در صورتی كه حلال و طيب باشد.

۵ رزق و روزی های الهی ، امكاناتی پاكيزه و حلال برای انسانها

و كلوا مما رزقكم اللّه حللا طيباً

<حللا ـ طيباً> می تواند مفعول برای <كلوا>باشد و <من> در <مما رزقكم الله> بيان برای <حللا ـ طيباً> و می تواند توضيحی برای <ما رزقكم اللّه> گرفته شود. در هر صورت رسای به مطلب فوق خواهد بود.

حلال زادگی انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۸

۸- طهارت مولد از جمله شرایط احراز مقام نبوت است .

قال . .. و جعلنی نبیًّا

گرچه سخن گفتن عیسی(ع) خود معجزه ای برای اثبات طهارت مریم(س) بود; ولی در مفاد جملات نیز نوعی استدلال وجود دارد و آن

این که من پیامبرم و متولد از حرام نمی تواند پیامبر باشد، پس من طهارت مولد دارم.

حنث سوگند بر ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است .

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم . .. و هو العلیم الحکیم

حیوانات حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

خوردنیهای حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) ، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

یسئلونک ماذا احل لهم قل احل لکم الطیبت

فرازهای بعدی آیه همانند <فکلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۹۶ - ۵

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه إن کنتم بأیته مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۵

۵- اصل و قاعده اولیه در تمام خوراکی ها ، حلال بودن آنهاست .

فکلوا . .. حللاً طیبًا ... إنما حرّم علیکم المیته ... و ما أهلّ لغیر الله به

اطلاق <کلوا> و حصر مستفاد از <إنما حرم> مفید مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۶

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ; نه همه آنها .

و منها یأکلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳

- ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . .. و منها تأکلون

خیریت تجارت حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۴

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

یقوم . .. بقیّت الله خیر لکم

خیریت منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۳،۴

۳ تنها اهل ایمان ، نیکویی منافع حلال و عادلانه و نادرست بودن منافع حرام و ظالمانه را باور خواهند کرد .

بقیّت الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چون خیر بودن منافع حلال و عادلانه مشروط به ایمان نیست; یعنی، چه جامعه مؤمن باشد و چه نباشد، قسط و عدالت برای آنان خیر است، گفته شده <إن کنتم مؤمنین> شرطِ باور کردن و فهمیدن است; یعنی، اگر مؤمن شوید، می فهمید که منافع حلال خیر است و گرنه باور نخواهید کرد.

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

يقوم . .. بقيّت الله خير لكم

ربای حلال

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - < قال أبوعبداللّه (ع) : الربا رباءان : أحدهما حلال و الآخر حرام . فأمّا الحلال فهو أن يقرض الرجل أخاه قرضاً طمعاً أن يزيده و يعوضه بأكثر ممّا يأخذه بلاشرط بينهما فإن أعطاه أكثر ممّا أخذه ، على غير شرط بينهما ، فهو مباح له و ليس له عنداللّه ثواب فيما أقرضه و هو قوله < فلايربوا عنداللّه > . . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: ربا، بر دو قسم است: یکی، حلال و دیگری، حرام است; ربای حلال، آن است که کسی، به برادرش قرض دهد در حالی که امید دارد بیشتر از آنچه قرض داده، به او برگرداند، ولی هیچ گونه شرط زیاده نکرده باشد. در این صورت اگر قرض گیرنده چیزی بیشتر از آنچه گرفته است، به قرض دهنده بدهد، مباح است، ولی هیچ گونه پاداشی نزد خداوند، در قرضی که داده، برای او نیست. این همان سخن خداوند است که: فلایربوا عنداللّه...>.

۱۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : الربا رباءان : رباء يؤكل و رباء لايؤكل . فأما الذی يؤكل فهديتك إلى الرجل تطلب منه الثواب أفضل منها فذلك الربا الذی يؤكل و هو قوله عزّوجلّ < و ما ءاتيتم من رباً ليربوا فی أموال الناس فلايربوا عنداللّه > . . ;.

از امام صادق(ع) روایت شده که ربا، دو قسم است: ربایی که خوردن آن جایز است، و ربایی که خوردن اش جایز نیست. آن ربایی که خوردن اش جایز است، هدیه ای است که به کسی می دهی و

انتظار داری که او بیشتر از آن را به تو بدهد. این، اضافه ای که دریافت می کنی، ربایی است که خوردن آن جایز است و این است قول خدای عزّوجلّ که می فرماید: و ما ءاتیتم من رباً لیربوا فی أموال الناس فلایربوا عنداللّه...>.

روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۸

۸- تنها روزی های حلال و پسندیده ، روزی مقدر و خدادادی است ، نه روزی های حرام و ناپسند .

و من رزقنه منّا رزقًا حسنًا

از اینکه خداوند روزی خویش را (رزقناه) به روزی حسن و پسندیده مقید ساخته است (رزقاً حسناً) می توان به این برداشت دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲- تنها خوراکی های حلال و مطابق با طبع آدمی ، روزی خداوند برای آدمیان است نه روزی های حرام و ناپاک

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیبًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <حلالاً طیّباً> حال مؤکده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۶،۱۷

۶ - خداوند ، خواهان بهرهوری انسان ها ، از روزی های حلال و اجتناب از حرام خواری است .

یأیّها الرسل کلوا من الطّیّبت

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <طیّب> در لغت به معنای حلال به کار رود.

۱۷ - < أبان بن تغلب قال : سألت جعفربن محمد (ع) عن قول اللّه عزّ ذکره : < یاأیّها الرسل کلوا من الطّیّبات ، قال : الرزق الحلال

;

ابان بن تغلب گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّ ذکره <یا أیّها الرسل کلوا من الطّیّبات> سؤال کردم، فرمود: [مراد] روزی حلال است>.

روزی حلال در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ روزیهایی که در تهیه آن ظلم و اجحاف نشود و در فراهم کردن آن عدل و انصاف رعایت گردد ، از نظر ادیان الهی روزی حلال و نیکوست .

و رزقنی منه رزقًا حسنًا

روزی حلال شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) ، علی رغم آلودگی جامعه اش به حرام خواری ، از روزی حلال و نیکو بهره مند بود .

یقوم أوفوا المکیال و المیزان . .. و رزقنی منه رزقًا حسنًا

از اینکه شعیب(ع) مبادلات و معاملات مردم مدین را ظالمانه خواند و آن گونه درآمدها را ناپسند شمرد و سپس فرمود: من از روزی نیکو برخوردار هستم ، می توان این احتمال را موجّه دانست که مراد از <رزقاً حسناً> روزیهای مادی است.

روزی حلال عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ - < عن النبی (ص) فی قوله < یاأیّهاالرسل کلوا من الطّیّبات > (الآیه) قال : ذاک عیسی بن مریم یأکل من غزل أُمّه ;

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <یا أیّها الرسل. ..> روایت شده است که فرمود: یکی از پیامبران که از طیبات می

خورد عیسی بن مریم است. او

از دستمزد نخ ریسی مادرش ارتزاق می کرد>.

زمینه تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۹

۹ رباخواری و تصرف نابحق یهودیان در اموال مردم ، موجب تحریم برخی از حلال های پاکیزه بر ایشان

حرّمنا علیهم . .. و أخذهم الربوا و قد نهوا عنه و أکلهم أمول الناس

زمینه محرومیت از حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۷

۷ - جلب رضایت زنان ، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود .

لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک تبتغی مرضات أزوجک

سرزنش تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۲

۲ تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قل من حرم . .. والطیبت من الرزق

استفهام در جمله <من حرم . ..> استفهام انکار توبیخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۶

۶ - محروم ساختن خویش از مباحات و حلال های الهی ، برای جلب رضایت دیگران ، عملی ناپسند و شایسته سرزنش

لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک تبتغی مرضات أزوجک

سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۳،۵

۳ - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از

مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفّاره

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

۵ - وجود سنّت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدراسلام و پیش از آن

قد فرض اللّه لکم تحلّه أیمنکم

صید حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲،۳۴

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال اللّه <مکلبین>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

طعام حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۷

۷ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان *

و طعامکم حل لهم

بنـابر اینکه جمله <طعـامکم حـل لهم> اخبـار از حکمی در شـریعت آنـان باشـد. یعنی آنـان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

فلسفه تحریم حلال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۲

۲ - اظهـار ناخرسـندی خداونـد ، از این که پیـامبر (ص) ، خود را از عملی مبـاح و حلالـ ، به خـاطر جلب رضـایت برخی از همسران خویش ،

محروم کرده بود .

یأیّها النبیّ لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک تبتغی مرضات أزوجک

کسب روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول اللّه (ص) : . . . یابن مسعود قول اللّه . . . < و لنبلونکم بشیء من الخوف . . . و بشر الصابرین > قلنا یا رسول اللّه فمن الصابرون ؟ قال : الذین یصبرون علی طاعه اللّه واجتنبوا معصیه ، الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلا فافلحوا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده . .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرین>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

مشرکان و تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۹ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را که از پیش خود و بی اذن او ، بخشی از رزق حلال را بر خود حرام کرده بودند مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قل أرءیتم ما أنزل اللّه . .. فجعلتم منه حراماً و حللا قل ءاللّه أذن لکم

ملاک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰

- ۳

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لایستوی الخبیث و الطیب

ملاکهای روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ روزیهایی که در تهیه آن ظلم و اجحاف نشود و در فراهم کردن آن عدل و انصاف رعایت گردد ، از نظر ادیان الهی روزی حلال و نیکوست .

و رزقنی منه رزقًا حسنًا

منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۱،۲

۱ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف ، منافعی حلال و نیکوست .

بقیّت الله خیر لکم

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات ، می تواند قرینه بر این باشد که مراد از <بقیت> (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

۲ منافع حلال و به دست آمده از تجارت های عادلانه و خالی از ظلم و اجحاف ، عطای الهی است .

بقیّت الله خیر لکم

برداشت فوق ، از اضافه شدن <بقیّت> به <الله> استفاده می شود.

منشأ روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ روزی های حلال و نیکو از ناحیه خداوند است و فراهم آوردن آن ، به توفیق او می باشد .

و رزقنی منه رزقًا حسنًا

برداشت فوق با توجه به <منه، از ناحیه خدا> استفاده شده است.

ناپسندی ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۶

۶ - محروم

ساختن خویش از مباحات و حلال های الهی ، برای جلب رضایت دیگران ، عملی ناپسند و شایسته سرزنش

لِمَ تحرّم ما أحلّ اللّه لک تبتغی مرضات أزوجک

نعمت روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیبًا و اشکروا نعمت الله

وحوش حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حلال ها

{حلال ها}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۷

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۱

۱ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف ، منافعی حلال و نیکوست .

بقیّت الله خیر لکم

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات ، می توانـد قرینه بر این باشـد که مراد از <بقیت> (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ -

حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحلّت لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم

ارزش حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لایستوی الخبیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

اهمیّت رعایت حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام های الهی ، تقواپیشگی است .

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ -

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به <ما احل اللّه>، اضافه بیانیه است یعنی <ما احل . .> تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

حلق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلق(سرتراشی)

حلق(سرتراشی) در عمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و ناخن ، از اعمال مراسم عمره

لتدخلنّ المسجد الحرام . .. محلّقین رءوسکم و مقصّرین

حلق(سرتراشی) مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۲

۲- رؤیای پیامبر ، نمایانگر ورود مسلمانان به مسجدالحرام با امنیت و سر تراشیدن و کوتاه کردن مو

لقد صدق اللّه رسوله الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام إن شاء اللّه ءامنین محلّ

فضیلت حلق(سرتراشی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۹

۱۹- عن علیّ (ع) . . . قال اللّه تعالی < . . .محلّقین رءوسکم و مقصّرین > فبدأ بالحلق و هو أفضل ;

از علی(ع) روایت شده که خدای تعالی فرمود: <. .. محلّقین رءوسکم و مقصّرین> سر تراشیدن را اول ذکر کرد [و تقصیر را بعد] و سرتراشیدن، [از تقصیر]افضل است>.

حلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۴

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدّت للمتّقین. الّذین ینفقون ... و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس

آثار حلم ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۴

۴ بردباری ابراهیم (ع) و تأسفش بر مشکلات مردم و اعتقاد راسخش به خداوند ، برانگیزنده او به شفاعت

درباره قوم لوط

یجدلنا فی قوم لوط. إن إبرهیم لحلیم أوّه منیب

جمله <إن إبراهیم . ..> بیانگر علّت مجادله ابراهیم(ع) درباره قوم لوط و دفاع او از ایشان است.

آثار حلم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس ازقیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین یقولون ربّنا... أُولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است; زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- تحمل سخنان ناروا و سخیف مشرکان درباره خداوند ، ناشی از بردباری و آمرزندگی خداست .

إنکم لتقولون قولاً عظیمًا . .. سبحنه و تعلی عمّا یقولون علوًّا کبیرًا ... إنه

ذکر <إنه کان حلیماً غفوراً>، پس از بیان سخنان ناروای مشرکان درباره خداوند، به این معنا اشعار دارد که آن سخنان،

شایسته واکنش و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، آنها را تحمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقواپیشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فاتّقوا اللّه . .. اسمعوا و أطیعوا و أنفقوا ... و اللّه شکور حلیم ... العزیز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر اوصاف خداوند در دو آیه پایانی، با فرمان الهی به تقواپیشگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

ارزش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۷

۷ - حلم و بردباری ، از اوصاف برجسته و ارزشمند برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم

اهمیت حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۵

۵ بردباری ، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجّه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او ، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إن إبرهیم لحلیم أوّه منیب

پاداش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ،

آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

حلم ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و بردبار بود .

إن إبرهیم لأوّه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: <لأوّاه الدعاء>: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

۱۸ بردباری و شکیبایی ابراهیم (ع) در راه هدایت مردم و انجام تکالیف الهی

إن إبرهیم لأوّه حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۱

۱ ابراهیم (ع) ، پیامبری بردبار که هرگز در مؤاخذه خطاکاران تعجیل نمی کرد .

إن إبرهیم لحلیم

علل الشرایع، ص ۵۵۰، ح ۴، ب ۳۴۰؛ نورالثقلین، ج ۲، ص۳۸۴، ح۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵- شدت بردباری حضرت ابراهیم (ع) در برخورد با مخالفان خویش

و من عصانی فإنک غفور رحیم

اینکه حضرت ابراهیم(ع) تکلیف مخالفان خود را به خدا واگذاشته و او را با صفت غفران و رحمت یاد کرده است، بیانگر شدت بردباری اوست.

حلم اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۶

۶ - حلم و بردباری ، برجسته ترین صفت اسماعیل (فرزندِ بشارت داده شده به ابراهیم (ع)

)

فبشّرنه بغلم حلیم

توصیف <غلام> به <حلیم>، به جای هر صفت پسندیده دیگری، بیانگر مطلب یاد شده است.

حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۸

۸ عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حِلم پروردگار

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم . .. و اللّه غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به <لا یؤاخذ> است; نه <یؤاخذکم>. چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است; نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۸

۱۸- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات بردبارانه برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

تعلیل <إنه کان حلیماً غفوراً> دلالت می کند بر اینکه <لاتفقهون تسبیحهم> (تفقّه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

حلم در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۱۳

۱۳ لزوم بُردباری توانگرانِ انفاق کننده ، در صورت برخورد ناصواب نیازمندان با آنان *

قول معروف و مغفره . .. و اللّه غنیّ حلیم

بکارگیری صفت <حلیم> ظاهراً برای توصیه به انفاق کنندگان است که مانند خداوند بُردبار باشند تا خطای نیازمندان آنان را خشمگین نسازد.

حلم در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدّت للمتّقین. الّذین ینفقون ... و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس

حلم در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۷

۷ - حلم و بردباری ، از اوصاف برجسته و ارزشمند برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم

حلم صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸ - حلم و بردباری ، برجسته ترین نشانه صالح بودن فرزندان

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابراهیم(ع) از خداوند، فرزندی صالح درخواست کرده بود و خداوند در پاسخ فرمود: به تو فرزندی حلیم و بردبار عطا می کنم. ذکر این خصوصیت در واقع بیانگر ویژگی صالح بودن فرزند است.

۹ - حلم و بردباری ، از ویژگی های انسان های صالح

ربّ هب لی من الصلحین . فبشّرنه بغلم حلیم

حلم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد .

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرّها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرایی که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرّها ...> ; یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و

از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرّها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

سختی حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

صبر در حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا . .. و الذین لایشهدون الزور ... أُول

نشانه های حلم اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنه بغلم حلیم . .. یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء اللّه من الصبرین

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل(ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان

فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۴

۴ - تسلیم اسماعیل (ع) در برابر فرمان ذبح شدن ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنه بغلم حلیم . .. فلمّا أسلما و تلّه للجبین

نشانه های حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۵

۵ - تداوم نظم کنونی جهان و ادامه حیات در آن ، جلوه ای از حلم و غفران الهی

إنّ اللّه یمسک السموت . .. إنّه کان حلیمًا غفورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <إنّه کان حلیماً غفوراً> در مقام تعلیل برای جملات پیشین است; یعنی، خداوند آسمان ها و زمین را از فروپاشی حفظ می کند; زیرا او نسبت به بندگانش بردبار و آمرزنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۹

۹ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه قدرشناسی ، سپاسداری و حلم خداوند است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه لکم و یغفر لکم و اللّه شکور حلیم

حلیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلیت

حلیت آشامیدنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم . ..> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای

ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

حلیت جنین بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين

حليت چهارپايان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حليت چهارپايان و حرمت صيد در حال احرام) ، از شعاير

الهی است . *

أحلت لکم بهیمه الانعم . .. لاتحلوا شعر اللّه

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم . ..> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

حلیت زن موهوبه برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۲۳،۲۲،۲۱،۲۰،۱۹

۱۹ - هبه کردن زنان مؤمن ، خودشان را بر پیامبر (ص) مباح و جایز است .

إنّا أحللنا لک . .. و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبیّ

۲۰ - در صورتی که زنی مؤمن ، خود را ، بدون صداق بر پیامبر (ص) هبه می کرد ، او برای آن حضرت حلال و مباح بود .

إنّا أحللنا لک . .. و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبیّ

۲۱ - هبه کردن زنی ، خود را برای همسری پیامبر (ص) ، حکمی ویژه آن حضرت است و هیچ مؤمنی ، مشمول آن نمی شود .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبیّ . .. خالصه لک من دون المؤمنین

۲۲ - مباح و حلال شدن زنی که خود را بر پیامبر (ص) هبه کرده

، در صورتی است که آن حضرت ، او را بپذیرد .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبیّ إن أراد النبیّ أن یستنکحها

۲۳ - تنها زنان مؤمن می توانند خود را بر پیامبر (ص) هبه کنند .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبیّ إن أراد النبیّ أن یستنکحها

حلیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم . ..> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ زینتها و روزیهای پاکیزه بیرون از دایره محرومات الهی (کردار زشت و . ..)

قل من حرم زینه الله . .. قل إنما حرم ربی الفوحش

حلیت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳

۳ خوردن طیبات (چیز های پاکیزه و ملایم با طبع) حلال است .

قل احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ حکم به حلّیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (ص) و از اهداف رسالت اوست .

و یحل

لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه . .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

جمله های <یأمرهم و . .. > حال برای ضمیر مفعولی در <یجدونه> است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

حلیت غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱،۱۱

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

۱۱ حکم الهی بر حلیت غنایم و فدیه ها ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خداوند است .

فکلوا . .. إن اللّه غفور رحیم

حلیت فدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۲،۱۱

۲ فدیه های گرفته شده در قبال آزادی اسیران ، از جمله غنایم و استفاده از آنها حلال است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا و اتقوا اللّه

از مصادیق

مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل آیات گذشته که درباره اسیران جنگی بود، فدیه هایی است که در برابر آزادی آنان گرفته می شود. عطف جمله <فکلوا> به وسیله حرف فاء به جمله سابق این معنا را تأیید می کند.

۱۱ حکم الهی بر حلیت غنایم و فدیه ها ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خداوند است .

فکلوا . .. إن اللّه غفور رحیم

حلیت کنیز برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بر پیامبر (ص) غیر از همسران تعیین شده ، تنها کنیز ، حلال و مباح بود .

لایحلّ لک النساء من بعد . .. إلاّ ما ملکت یمینک

حلیت گوشت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حلیت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۵،۱۴

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرایی و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه

تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها،

معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا

ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو

و گوسفند حلال شده است.

۹ – استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحلّت

لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم

حلیت گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو

و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحلّت لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم

حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ – شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی

حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحلّت لکم الأنعم إلاّ ما یتلی علیکم

حلیت معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۹

۹ حکم به حلیّت بیع (معاملات غیر ربوی) و حُرمَت ربا (معاملات ربوی) ، از جانب خداوند

و احلّ اللّه البیع و حرّم الرّبوا

شرایط حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حلالًا طیبًا

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنما حرّم علیکم المیته . ..) درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و

غیر مجاز است.

شرایط حلیت ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۱

۱ بردن نام خدا به هنگام ذبح حیوان، شرط حلیت خوردن آن است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جمله <مما ذکر اسم . ..> گرچه بیان اباحه خوردن از گوشتی است که نام خدا به هنگام ذبح آن برده شده، در عین حال می تواند ارشاد به شرط بودن <تسمیه> هنگام ذبح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۷،۱۷

۷ واکنش شدید مشرکان مکه در قبال احکام ذبیحه و شرایط حلیت آن در اسلام

فکلوا مما ذکر اسم الله . .. و ما لکم ألا تأکلوا ... و ذروا ظهر الإثم ... و لا تأ

از تأکید خداوند بر این حکم استفاده می شود که مشرکان در قبال آن واکنش شدیدی نشان می دادند.

۱۷ محمّد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر(ع) عن الرجل یذبح و لا یسمی؟ قال: ان کان ناسیا فلا بأس إذا کان مسلما . .. .

محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره کسی که هنگام ذبح، نام خدا را نمی برد پرسیدم، فرمود: اگر مسلمان باشد و نام خدا را از روی فراموشی ذکر نکند، مانعی ندارد . .. . مفاد روایت تخصیص از حکم در آیه شریفه <و لاتأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه>، می باشد.

شرایط حلیت صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۷،۲۳

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان

شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

فلسفه حلیت آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۴

۱۴ - توالد و تناسل از حکمت های حلیت آمیزش و ترغیب نمودن خداوند به آن

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب اللّه لکم

مفسران بر آنند که مقصود از <ما کتب . ..> فرزند است. بنابراین جمله <فالآن ...>; یعنی، با همسران خویش آمیزش کنید و در پی چیزی (فرزندانی) باشید که خداوند برای شما مقرر کرده است.

فلسفه حلیت روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۳

۳- پاکیزگی و دلپذیر بودن ، راز و حکمت حلیت روزی های حلال

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیّبًا

در برداشت فوق <حلالاً> مفعولٌ به برای <فکلوا> و <طیّباً> صفت توضیحی برای آن است؛ یعنی، تنها

روزیهای حلال و مشروع قابل خوردن است و این روزی حلال، همان روزی طیب و دلپذیر است.

محدوده اصل حلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۷

۷ اصل حلیت، جز در مواردی که دلیلی بر حرمت اقامه شود، جاری است. *

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم

به احتمال اینکه مراد از <ما حرم> تمامی محرمات باشد، اعم از خوردنیها و غیر خوردنیها.

محدوده حلیت مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۲۴

۲۴ عن أبی عبدالله(ع) فی قول الله عزو جل: <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> قال: الباغی الذی یخرج علی الإمام و العادی الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیته.

از امام صادق(ع) درباره آیه <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> روایت شده است: مراد از <باغی> کسی است که علیه امام قیام کند. و منظور از <عادی>، راهزن است. برای این دو (در حال اضطرار)، مردار حلال نیست.

ملاک حلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲

۲ ملاک حلیت اشیا ، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

الیوم احل لکم الطیبت

حمایت خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمایت خدا

آثار ذکر حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور -

۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر . .. فإنّک بأعیننا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

آثار محرومیت از حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. ذلک ... و أنّ الکفرین لا مولی لهم

ابزار حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۶

۱۶ - ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هو الذی أخرج . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

از این که خداوند، پس از بیان شکست یهود به رغم برخورداری آنان از تجهیزات و استحکامات موضوع ایجاد وحشت را مطرح کرده است; مطلب یاد شده استفاده می شود.

حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۶

۶ خداوند ، پشتیبان و حامی مؤمنان ، در برابر مکر و نیرنگ منافقان

إنّ المنفقين يخدعون اللّه و هو خدعهم

بنابر اینکه مراد از مکر با خداوند، مکر با مؤمنان باشد.

شرایط حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۱

۱۱

- توکل و اعتماد به خداوند ، شرط بهره مند شدن از حمایت و یاری او است .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

کفر به حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

محرومان از حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۹

۹ - نقض کنندگان پیمان دین ، در معرض قهر الهی و محروم از حمایت او

ید اللّه فوق أیدیهم فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه

<فاء> در <فمن. ..> می رساند که لازمه <یداللّه فوق...>، این است که پیمان شکنان به خود زیان می زنند; زیرا با پیمان شکنی از سایه حمایت خدا بیرون شده، در معرض انتقام و قدرت قاهر او قرار گرفته اند.

مشمولان حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها . .. فأمّا الذین ءامنوا و عملواالصلحت فیدخلهم ربّهم ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون

افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سیهدیهم و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل اللّه> بازمی گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و أمر (مفرد اُمور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای نخست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال عداوتورزی کافران

إنّ الذین کفروا . .. و شاقّوا الرسول ... و سیحبط أعملهم

تعبیر <و سیحبط أعمالهم>، می تواند هم به معنای عقیم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نیک آنان باشد. در هر دو صورت، از این موضع گیری شدید، حمایت خداوند از پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إنّ الذین یبایعونک . .. ید اللّه فوق أیدیهم

برداشت بالا- بر این اساس است که تعبیر <ید اللّه. ..> در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد; یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۵

۵ – خداوند

، خود متکفل حمایت از مؤمنان است .

فأخرجنا من کان فیها من المؤمنین

با توجه به این که فرشتگان عذاب، مأموریت خود را در نزول عذاب با فعل مجهول بیان داشته اند (إنّا اُرسلنا)**;** ولی خداوند در این آیه نجات مؤمنان را به خود نسبت داده است. این تفاوت می تواند در جهت توجه دادن مؤمنان به حمایت ویژه الهی از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربّک فإنّک بأعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۶

۶ - اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون اللّه کاشفه . .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

چنانچه <کاشفه> در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها. ..> می توان به مطلب بالا پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان **;** و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات. ..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته

شده بود; اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، حامی مؤمنان در برابر توطئه های شیطانی منافقان

و لیس بضارّهم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأيّدنا الذين ءامنوا على عدوّهم

ملاکهای حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۴

۴- قرار گرفتن بنی اسرائیل ، تحت

حمایت ویژه خداوند در عصر موسی ، براساس ملاک هایی متکی به علم الهی

و لقد اخترنهم علی علم

برگزیدن بنی اسرائیل ممکن است به رهایی یافتن آنان از ستم فرعونیان و وراثت آنان نظر داشته باشد; یعنی، ملت های زیادی تحت ستم بوده اند، ولی از آن میان، بنی اسرائیل از این حمایت الهی برخوردار شدند.

حمایت های خدا

شرایط حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۳

۳ - ایمان ، شرط بهره مندی از حمایت و پشتیبانی خدا

إنّ اللّه یدفع عن الذین ءامنوا

محرومان از حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

مشمولان حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إنی توکلت علی الله . .. إن ربی علی صرط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۱،۳

۱- پیامبر (ص) تحت حمایت ویژه خداوند در برابر استهزا ، آزار و اذیت مشرکان و دشمنان

إنا کفینک المستهزءین

۳- حمایت خداوند از پیامبر (ص) در برابر دشمنان ، پشتوانه آن حضرت در آشکارا و علنی کردن دعوت خویش و بی اعتنایی به مشرکان و دشمنان

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشرکین . إنا کفینک المستهزءین

جمله <إنا کفیناک . ..> به

منزله تعلیل برای جمله <فاصدع بماتؤمر ...> است; یعنی، چون ما از تو حمایت می کنیم، پس به آنچه مأمور شدی عمل کن و از مشرکان اعراض نما.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۱،۲،۵،۹

۱- حمایت و لطف الهی ، همراه تقواپیشگان است .

إن الله مع الذین اتّقوا

۲- نیکوکاران ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

إن الله مع . .. الذین هم محسنون

۵- هدایت گران و مبلغان صابر دین ، در قبال مکر ها و اذیت و آزار دشمنان ، از حمایت و لطف الهی برخوردارند .

و اصبر . .. إن الله مع الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

۹- توجه به حمایت خدا از تقواپیشگان و نیکوکاران ، مانع از قرار گرفتن آنان در تنگنای روحی است .

و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون . إن الله مع الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان ، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳- حمایت خداوند از فرزندانِ یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه

ای از رحمت و ربوبیّت او بوده است .

فأراد ربّک . .. رحمه من ربّک

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است ; یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۱

۱ - مؤمنان ، برخوردار از حمایت و پشتیبانی پیوسته خداوند

إنّ اللّه یدفع عن الذین ءامنوا

<دفاع> (مصدر <یدافع>) به معنای پشتیبانی و دفع کردن شرّ دشمن است; یعنی، خداوند بی تردید مؤمنان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دهد و شرّ دشمنان دین را از آنان دفع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۶

۶ - حمایت خدا از ساحت مؤمنان در قبال کافران

فاتّخذتموهم سخریًّا . .. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امت اسلام ، تحت حمایت و یاری خداوند است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه فی الذین ءامنوا . .. و اللّه یعلم و أنتم لاتعلم

جمله <واللّه یعلم و أنتم لاتعلمون> در واقع نوعی اعلان حمایت و پشتیبانی از سوی خدا است که گر چه مسلمانان، دشمنان داخلی خود را نمی شناسند; ولی خدا آنها را به دقت زیر نظر دارد. گفتنی است آیه بعد (و لولا ـ فضل اللّه...) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه

تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، تحت تربیت خاص و حمایت ویژه خداوند

و إنّ ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - حمایت قاطع خداوند از موسی (ع) در قبال مشکلات راه رسالت .

قال کلاّ . .. إنّا معکم مستمعون

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلاّ فاذهبا بایتنا إنّا معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهو العزيز الرحيم

ذكر آيه <إنّ ربّك. ..> پس از بيان ماجراى موسى و فرعون، داراى اين پيام است كه: اى پيامبر! همان گونه كه خداوند، موسى(ع) را تحت حمايت گرفت و فرعونيان را از ميان برداشت، تو را نيز تحت حمايت ويژه خود قرار داده و دشمنانت را سركوب خواهد كرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳

- شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در برابر کافران حق ستیز

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل در باره حق ناپذیر بودن بیشتر مشرکان صدراسلام، آیه یاد شده پیامبر(ص) را بدین گونه مورد خطاب قرار می دهد که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد; چنان که دشمنان ابراهیم را ناکام کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدراسلام، این آیه پیامبر(ص) را

مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش; زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدراسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده; می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست

ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

ذکر آیه <إنّ ربّک. ..> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه،این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت; تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۳

۳ - دفاع خداوند از حریم پاکِ وحی و پیامبر (ص)

هل أءنبّئکم علی من تنزّل الشیطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع) ، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لنبیّتّه و أهله . .. و مکروا مکرًا و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۷

۷ - حمایت خدا از پیامبر (ص) در قبال توطئه اشرار قومش علیه او

فانظر کیف کان عقبه مکرهم أنّا دمّرنهم

مقصود از آیه یاد شده این است که: ای پیامبر! ناکامی مفسدان پیشین را مشاهده کن و اطمینان داشته باش که دشمنان تو نیز

فرجامی جز آن نخواهند داشت.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مورد توجه ویژه خداوند بوده است .

و لئن جاء نصر من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۴

۴ - خداوند ، از حقانیت پیامبر (ص) در برابر کافران منکر قرآن ، حمایت کرد .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و قالوا لولا أنزل علیه ءایت ... أَوَلم یکف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارعاب دشمنان

و یخوّفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۵،۱۶،۱۷

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبی اللّه

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۶ - خداوند ، شایسته ترین کفایت کننده تمامی امور بندگان و دفع کننده هر نوع شر دشمنان از آنان است .

قل حسبی اللّه

حذف متعلق <حسبی>; یعنی، ذکر نشدن موارد کفایت، دلالت بر عموم و توسعه دارد.

۱۷ - تضمین خداوند نسبت به حمایت از پیامبر (ص) ، در برابر تهدید ها و ارعاب دشمنان

و یخوّفونک . ..

قل حسبی اللّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، می تواند ناظر به دو آیه پیش باشد که در آنها مسأله تهدید و ارعاب مشرکان به پیامبر(ص) مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۷

۷ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، جلوه ای از حمایت و امداد خداوند از او

إنّی عذت بربّی و ربّکم . .. و قال رجل مؤمن من ءال فرعون یکتم إیمنه

ذکر دفاع مؤمن آل فرعون از موسی(ع) پس از پناه بردن آن حضرت به خداوند از شر فرعون می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند مؤمن آل فرعون را از آثار ناپسند مکر فرعونیان محفوظ داشت .

فوقیه اللّه سیّئات ما مکروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۱

۲۱- تعلّق مشیت الهی ، به حمایت از مؤمنان ناشناخته مکه

لیدخل اللّه فی رحمته من یشاء

تعبیر <من یشاء>، ممکن است نظر به مردان و زنان مؤمنی داشته باشد

که در جمله های پیشین آیه، از آنهایادشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - زنان مطلّقه و شوهران تنگ دست آنان در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی مورد عنایت و حمایت خدا قرار می گیرند .

سیجعل اللّه بعد عسر یسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۷

۷ - خداوند ، حامی پیامبران و مدافعان دین در برابر مخالفان

فأخذه اللّه . .. إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۷،۹

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

فعل <آوی> که مطلق است ممکن است به معنای <آواک إلی نفسه> و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر(ص) باشد.

۹ - خداوند ، با سوق دادن مردم به سوی پیامبر (ص) ، آن حضرت را از تنهایی و غربت در آورد . *

ألم یجدک یتیمًا فاوی

فعل <آوی> که مطلق است می تواند به معنای <آوی إلیک الناس> باشد. در این صورت یتیم به معنای <وحید> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۲

۲ - خداوند ، با گوشزد کردن یتیمی پیامبر (ص) و مراقبت های خویش از آن حضرت ، او را به پرهیز از سلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی .

.. فأمّا اليتيم فلاتقهر

حرف <فاء>، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین، تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إنّا أعطينك الكوثر

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ . .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

حمد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمد

آثار حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۲،۲۴

۲۲ - نیل پیامبر (ص) به مقام رضا ، درگرو صبر ، تسبیح و حمد مداوم پروردگار

فاصبر . .. و سبّح ... لعلّك ترضى

۲۴ - رضایت خاطر و آرامش درون ، از ثمرات تسبیح و تحمید خداوند در فرصت های مختلف شبانه روز *

و سبّح بحمد ربّک . .. لعلّک ترضی

ممکن است رضایت مطرح شده در این آیه، مقابل دل گیری حضرت رسول(ص) از سخنان کافران باشد که در صدر آیه مطرح بود. در این صورت مقصود، رضایت خاطر و آرام یافتن درون خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ -

۶ - تسبیح و ستایش (عبادت) پروردگار ، زمینه استواری روح و دستیابی به صبر در برابر ناگواری ها *

فاصبر علی ما یقولون و سبّح بحمد ربّک

از ارتباط <سبّح بحمد ربّک> با <فاصبر. ..>، می توان تأثیر عبادت در تکامل روح و استواری اراده را نتیجه گرفت.

۸ - کمال عبادت ، تحقق پذیر در پرتو تنزیه حق از هر کاستی و ستایش او به جهت صفات کمال *

و سبّح بحمد ربّک

در صورتی که باء در <بحمد> برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که کمال عبادت، متوقف بر دو پایه است: تنزیه حق از کاستی ها و ستایش او بر صفات وجودی و کمالی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۷،۲۲

۱۷ - توبه استغفارکنندگانی که خداوند را تسبیح و حمد کنند ، در پیشگاه خداوند پذیرفته است .

فسبّح بحمد ربّک و استغفره إنّه کان توّابًا

۲۲ - تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب

عنایت و توجّه خداوند

فسبّح بحمد ربّک و استغفره إنّه کان توّابًا

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد; به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۱

۱۱- قال أبوعبدالله (ع) : أیّما عبد أنعم الله علیه بنعمه فعرف ها بقلبه و حمدالله علی ها بلسانه لم تنفد حتی یأمر الله له بالزیاده و هو قوله : < لئن شکرتم لأزیدنّکم >

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر بنده ای که خدا به او نعمتی عطا کند، پس او با قلبش آن را بشناسد و خدا را با زبان بر آن نعمت حمد گوید، هنوز حمد او پایان نپذیرفته که خداوند امر می کند تا آن نعمت برای او، زیاد شود و این سخن خداوند است لئن شکرتم لأزیدنّکم>.

آثار عقیده به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷ - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلاّ أن یؤمنوا باللّه العزیز . .. إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است; یعنی،

تمام آن چه میسّر است. <جنّه>; یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

آداب حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۴

۱۴ در ستایش خداوند ، باید سخنی به کار رود ، یا معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی نباشد .

و نحن نسبح بحمدک

برداشت فوق مبتنی بر این وجه است که <با> برای استعانت باشد. بر این مبنا، معنای <نسبح بحمدک> چنین می شود: به وسیله حمد و ستایش، تو را تسبیح و تنزیه می کنیم. روشن است که حمد و ستایش، آن گاه در پی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده، یا معانی در نظر گرفته شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۶

۶- برشمردن و به زبان آوردن نعمت ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۱۱،۱۲

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّک> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سبّح> گرچه مربوط به

پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند; یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۶

۶ - ستایشِ خداوند ، تنها با سخنی شایسته است که کمترین شائبه عیب شماری و تنقیص در آن نباشد .

فسبّح بحمد ربّک

حمد، زمانی می تواند وسیله تسبیح باشد که در الفاظ و عبارت های برگزیده آن، منزّه دانستن خداوند از عیب ها جلوه گر باشد.

ارزش تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ - تداوم بخشیدن به تسبیح و حمد خداوند در تمامی اوقات شب و روز ، کاری ارزشمند و پسندیده

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

تسبیح و حمد خداوند در شب و روز می تواند کنایه

از تداوم و استمرار بخشیدن به آنها در همه اوقات باشد.

اعطاء سوره حمد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نوع مفسّران بر آنند که مراد از <سبعاً> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است; چنان که در سوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

اهتمام موسی(ع) به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۱

۱ - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع) ، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشرکه فی أمری . .. و نذکرک کثیرًا

فاعل <نذکرک> موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی براثر همراهی آن دو است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

اهمیت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۵،۷

۵- حمد و ستایش خداوند برای نعمت ها و بخشش های مهم و غیرمترقبه ، امری است شایسته و بایسته

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

۷- وجود فرزند ، نعمت الهی و شایسته حمد و سپاس است .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر

إسمعيل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۱

۱- توصيه خداوند به پيامبر (ص) به تسبيح همراه با حمد و ستايش خداوند .

فسبّح بحمد ربّك و كن من السجدين

<باء> در <بحمده> براى مصاحبت است; يعنى، تسبيح بايد با حمد و ستايش پروردگار قرين و همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۵

۵ - لزوم حمد و ستايش خدا و سپاس گزارى به درگاه او ، پس از رهايى از مشكلات

فإذا استويت . .. فقل الحمد للّه الذى نجّنا من القوم الظلمين

با توجه به اين كه ستايش خدا، پس از رهايى از مشكلات، به منظور سپاس گزارى به درگاه او انجام مى گيرد، گفتن <الحمد للّه> (ستايش از آن خدا است) دربردارنده شكر و سپاس گزارى نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۲

۲ - پيامبر (ص) ، موظف به ستايش پروردگار و نيايش به درگاه او

قل اللّهمّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱

۱ - لزوم تسبيح و حمد خداوند و طلب بخشش گناهان از پيشگاه او

فسبّح بحمد ربّك و استغفره

پاداش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا

و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلا تعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت خداوند ، مقتضی تسبیح و حمد پیوسته او است .

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

تداوم حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۵

۵ - فرشتگان ، همواره در حال ستایش ، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

فعل مضارع <یسبّحون> افاده استمرار می کند.

تعلیم حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱

۱ - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللّهمّ

کلمه <اللّهمّ> در زبان عرب، اختصاصاً برای ندای خداوند به وقت دعا به کارمی رود; یعنی، یا اللّه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱

۱ تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللّهم مالک الملک

تعلیم روش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۲

۲- تعلیم شیوه ستایش به انسان ها از سوی خداوند

و قل الحمد لله

الذی لم یتخذ ولدًا

توصیه به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۴

۴ - پرداختن به حمد و ستایش خدا ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

و قل الحمدللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲

۲ - تسبیح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او ، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم ، به دین ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

إذا جاء نصر اللّه و الفتح . و رأیت الناس یدخلون فی دین اللّه أفواجًا . فسبّح بحم

حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۵

۵- حضور انسان ها در صحنهء قیامت ، همراه با ستایش خداوند است .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

<بحمده> حال برای ضمیر <تستجیبون> است و معنای آن چنین است: شما دعوت خدا را اجابت می کنید در حالی که خدا را حمد می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۶

۶ - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد فی الاُولی و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۵

۵ - تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آنِ خداوند است .

و له الحمد فی الأخره

حمد اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

حمد اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۹،۱۰

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهندپرداخت .

و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهندپرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. ازاین رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

حمد بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنه و ألذّه حب اللّه و الحب فی اللّه و الحمد للّه قال اللّه عزوجل : < و آخر دعواهم ان الحمدللّه رب العالمین > . . . ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل

فرمود: آخرین دعا [و گفتار]مؤمنان در بهشت

<الحمدللّه رب العالمین> است> ... .

حمد حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱

۱ - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبّحون بحمد ربّهم

حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۱،۳،۱۰

۱ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به اصطلاح جنسیه است و مفید استغراق می باشد; یعنی، کل حمد للّه.

۳ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

۱۰ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله : < الحمد للّه > قال : الشکر للّه و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <الحمد للّه> یعنی شکر مخصوص خداست و <رب العالمین> یعنی، آفریننده مخلوقات . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۳

۳ - ستایش خدا و اظهار عبودیت به درگاه او از آداب دعاست .

الحمد للّه رب العلمین . .. إهدنا الصرط المستقیم

از اینکه دعا به درگاه خدا و درخواست از او (اهدنا الصراط المستقیم)، پس از حمد و ستایش الهی و اظهار عبودیت در پیشگاه وی ذکر شده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۲،۱۳،۱۰

۱۰ فرشتگان ،

تسبیح کننده ، ستایشگر و تقدیس کننده خدا هستند .

و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک

۱۲ خلوص فرشتگان در تسبیح و ستایش خداوند

نحن نسبح بحمدک و نقدس لک

<لک> علاوه بر تعلقش به <نقدس>، متعلق به <نسبح> نیز می باشد. خلوص از لام <لک> استفاده شده است; یعنی: نقدسک لک لا لغیرک.

۱۳ تسبیح خداوند همراه با ستایش ، روشی نیکو در تسبیح اوست .

و نحن نسبح بحمدک

<باء> در <بحمدک> به معنای مصاحبت بوده و نیز می تواند برای استعانت باشد. برداشت فوق بر اساس وجه اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث . .. إنک أنت العزیز الحکیم

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فیهم . .. إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۱

۳۱ - توجه به عظمت خدا و ستودن او به بزرگی ، از اهداف تشریع روزه است .

و لتکبّروا اللّه علی ما هدیکم

<تکبیر> (مصدر لتکبّروا) به معنای: بزرگ شمردن و با عظمت دانستن است. <لتکبّروا اللّه> علت غایی برای تشریع روزه است; یعنی، چون روزه انسانها را متوجه عظمت خدا می کند، حکم روزه برای اهل ایمان مقرر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۸،۲۰

۱۸ خداوندِ بی نیاز ، سزاوار ستایش است .

و کان اللّه غنیاً حمیداً

۲۰ خداوند ، حمید و در خور

ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱،۲،۳،۱۲

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۳ تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد للّه الذی

<ال> در <الحمدللّه> یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او بازمی گردد.

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

اگر جمله <الذین . .. > عطف بر <الحمدللّه> و <یعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۰،۱۳،۱۸

۱۰ همه ستایشها مخصوص خداوند است.

و الحمد للّه رب

العلمین

۱۳ تنها خداوند سزاوار ستایش است.

و الحمد للّه رب العلمین

۱۸ خداوند به سبب نابود ساختن امتهای ستمگر، سزاوار ستایش است.

فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد للّه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر ، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التّئبون العبدون . .. و الناهون عن المنکر

برداشت فوق بدان احتمال است که <الحامدون السائحون . .. > از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ تنها خداوند ، سزاوار هر گونه حمد و ستایش است .

أن الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ ستایش خداوند پس از اظهار امید به یاری و کمک او ، از آداب پسندیده و نیکوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱،۲۶

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتیتنی . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصلحین

۲۶ یاد کردن از نعمت های خداوند و ستایش کردن او

با صفاتی شایسته ، از آداب دعا به درگاه اوست .

رب قد ءاتیتنی من الملک . .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلمًا و ألحقنی بالصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱،۲،۶،۷،۸

۱ غرش آسمان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اوست .

و یسبّح الرعد بحمده

<رعد> به صدایی که از ابرها شنیده می شود اطلاق می گردد که در فارسی به آن تندر و یا غرش آسمان می گویند.

۲ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبّح . .. و الملئکه

<الملائکه> عطف بر <الرعد> است ; یعنی: <یسبح الملائکه بحمده من خیفته>.

۶ خداوند منزه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبّح الرعد بحمده و الملئکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

۷ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا اورا تسبیح می کنند .

و یسبّح الرعد بحمده

<باء> در <بحمده> می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

۸ تسبیح خداوند همراه ستایش او ، روشی نیکو در تسبیح خدا

و یسبّح الرعد بحمده والملئکه من خیفته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱- حضرت ابراهیم (ع) به سبب فرزنددار شدنش در سالخوردگی ، خدا را حمد و ستایش کرد .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

۲- حمد و ستایش ، مخصوص خدا و شایسته مقام اوست .

الحمد لله

۳- ستایش از هر

موجودی ، ستایش خداوند است . *

الحمد لله

الف و لام <الحمد> برای جنس است. بنابراین، می توان گفت که مقصود از حمد این است که همه ستایشها بازگشتش به ستایش خداوند است; زیرا ستایش از هر چیزی به سبب کمالی است که در آن وجود دارد و هر کمالی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۳،۱۴

۱۳- حمد و ستایش ، مخصوص خداوند است .

الحمد لله

۱۴- همه ستایش ها ، از آنِ خداوند و شایسته اوست .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه بوده و مفید استغراق (فرا گرفتن) است; یعنی: <کل حمد لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۷،۹،۱۰،۱۱،۲۲

۷- موجودات هستی ، بدون استثنا در حال تسبیح خداوند یکتا ، همراه با ستایش اویند .

و إن من شیء إلّا یسبّح بحمده

بنابر اینکه بای <بحمده> برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که موجودات، همراه با تسبیح، ثناگوی خداوندند.

۹- تسبیح موجودات برای خداوند ، از طریق حمد و سپاس آنهاست .

یسبّح بحمده

بنابر حقیقی بودن اضافه <تسبیح> به موجودات و استعانت بودن <با> در <بحمده> نکته فوق به دست می آید.

۱۰- همه موجودات ، علاوه بر تنزیه خداوند از هرگونه شریک و نقص ، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت

دارند .

یسبّح بحمده

بنابر اینکه <با> در <بحمده> مصاحبت باشد، استفاده می شود که علاوه بر <تنزیه> او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، به وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف

می کنند.

۱۱- با وجود تسبیح و ثناگویی تمامی موجودات آفرینش برای خداوند ، شرک به او و تنقیصش ، کاری ناروا و غیر منطقی است .

أفأصفکم ربّکم بالبنین . .. تسبّح له السموت السبع و الأرض

ذکر <تسبح له السماوات و الأرض> پس از <أفأصفاکم ربّکم بالبنین و اتّخذ من الملائکه إناثاً> به این معناست که: وقتی تمامی موجودات تسبیح گوی خداوندند، شریک گرفتن برای او عملی ناشایست است.

۲۲- < عن أبی الصباح عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : قول الله < و إن من شیء إلاّ یسبّح بحمده > قال : کلّ شیء یسبح بحمده و أنّا لنری أن ینقض الجدر هو تسبیحها ;

ابی الصباح گوید: به امام صادق(ع) گفتم: مراد از سخن خداوند <و إن من شیء إلاّ یسبّح بحمده> چیست؟ حضرت جواب فرمود: تمام موجودات با سپاس و ستایش، تسبیح خدا می کنند و همانا ما شکستن دیوار را تسبیح او می بینیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۲

۲- خداوند ، به هنگام برپایی قیامت ، مشرکان را به حیات مجدد فرا می خواند و آنان بی هیچ درنگ و تأملی ، به او پاسخ گفته و با ستودن او زنده خواهند شد .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر <کم> منکران معاد و مشرکان باشد که از زمان وقوع قیامت سؤال می کردند و نیز <یوم> بدل برای <قریباً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۱،۴،۶

۱- پیامبر (ص

) ، موظف به ستایش خدا و منحصر دانستن همه ستایش ها به ذات یکتای او

و قل الحمد لله

الف و لام <الحمد> برای استغراق (شمول و فراگیری) و لام <لله> برای اختصاص است.

۴- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود ، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

و قل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آنِ خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

۶- اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . .. و لم یکن له ولیّ

اگر خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد; پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱

۱- تنها ، خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

<ال>، در <الحمد> برای استغراق است <الحمد للّه>; یعنی، تمام ستایش ها از آنِ خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام

نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۴،۵

۴ - خدا ، تنها وجود غنی ، بی نیاز ، حمید و ستوده در سراسر هستی

و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

<هو> ضمیر فصل و <الغنی> خبر اول <إنّ> و <الحمید> خبر دوم است و <ال> در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است; زیرا با توجه به این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود وجود ندارد.

۵ - سراسر هستی ، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . .. و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱،۸

۱ - روی آوردن به حمد و ستایش الهی ، پس از استقرار در کشتی ، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت . .. فقل الحمد للّه

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

۸ - همه ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

فقل الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> جنسیه و مفید استغراق می باشد; یعنی:

<کلّ حمد للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۸،۹

۸ توصیه خداوند به پیامبر (ص) به تسبیح و تنزیه همراه با حمد و ستایش خداوند

و سبّح بحمده

<باء> در <بحمده> برای مصاحبت است.

۹ قرین و همراه کردن تسبیح و تنزیه خداوند به حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده

و سبّح بحمده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه

۴ - همه ستایش ها ، مخصوص خداوند است .

و قالا الحمد للّه

<ال> در <الحمدللّه> جنسیه است و افاده استغراق می کند; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱،۳،۵

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا ، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او ، رهنمود الهی به پیامبراسلام (ص)

قل الحمد للّه و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

۳ - همه ستایش ها از آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به

اصطلاح جنسیه است و افاده استغراق می کند; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۵ - تنها خدا ، شایسته ستایش است .

الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ستایش ها ، همه از آنِ خداوند است .

و قل الحمدللّه

<ال> در <الحمد للّه> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <الحمد للّه>; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۳ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش

و قل الحمدللّه

از آن جایی که خدا سرچشمه هر کمال و زیبایی است و دیگران هرچه دارند از او گرفته اند، پس تنها کسی که شایسته ستایش است، همان کمال مطلق می باشد.

۴ - پرداختن به حمد و ستایش خدا ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

و قل الحمدللّه

۵ - برخورداری پیامبر (ص) از هدایت های قرآن و مقام رسالت ، مقتضی سپاس گزاری او به درگاه الهی و ستایش ذات خدای یگانه در همه حال

و أن أتلوا القرءان . .. المنذرین . و قل الحمدللّه

آیات پیشین، در زمینه رسالت پیامبر(ص) بود و نیز آن حضرت مأموریت یافت که بر طریق تلاوت قرآن استوار بماند; بنابراین آمدن عبارت "قل الحمد للّه" در پی تلاوت آن، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۳

۳ – همه ستایش ها تنها از آنِ خداوند است .

له الحمد

<ال> در <الحمد> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <له الحمد>; یعنی، <له کلّ حمد>. گفتنی است که تقدیم <له> (مسند) بر <الحمد> (مسندالیه) مفید حصر می باشد.

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۹،۱۰،۱۲

۹ - پیامبر (ص) ، موظف به حمد و ستایش خداوند بود .

قل الحمد للّه

۱۰ - همه حمد و ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد> برای جنس و مفید استغراق است.

۱۲ - حمد خداوند ، با توجه به تمام بودن حجت برای اثبات وحدانیت خداوند ، امری لازم است .

و لئن سألتهم من نزّل من السماء ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها لیقولنّ اللّه قل

فرمان به پیامبر(ص) برای حمد و ستایش خداوند، پس از طرح این پرسش فرضی: <چه کسی نازل کننده باران از آسمان و حیات بخشیدن به زمین با آن است؟> و پاسخ گرفتن از مشرکان، دائر بر این که <منشأ همه، خدا است>، مفید حقیقت یاد شده است. به عبارت دیگر، می توان گفت، متعلق حمد، محذوف است و می تواند چیزی از قبیل <الحمدللّه علی تمام الحجّه علی التوحید> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۳

۳ - اختصاص همه حمد ها به خداوند ، دلیل لزوم تسبیح او است .

فسبحن اللّه . .. و له الحمد ... عشیًّا

جمله <و له الحمد> معترضه و <عشیّاً> عطف به محل <حین تمسون> است. لذا این دو آیه درصدد توصیه به تسبیح گویی خداوند در وقت های چهارگانه یاد شده است. ذکر جمله معترضه در بین توصیه بالا، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۴،۶،۱۰

شایسته است که پس از مجاب شدن افراد و اعتراف شان به توحید ، خداوند ، حمد و ستایش شود .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

۶ - تنها ، آفریدگارِ یک تا ، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم . .. لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

۱۰ - مشرکان ، از اختصاص داشتن همه حمد و سپاس ها به درگاه خداوند ، بی خبرند .

قل الحمد للّه بل أکثرهم لایعلمون

بنابراین احتمال که متعلق و مفعولٌ به <لایعلمون> همین فرمانی باشد که خداوند به پیامبر(ص) فرموده است (لایعلمون أنّ الحمد للّه)، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۸،۱۱

۸ - توصیه خداوند به ادای حمد به درگاه او ، به خاطر انجام دادن وظیفه انسان ها است و نه نیاز خدا به حمد .

قل الحمد للّه . .. إنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

اعلام بی نیازی مطلق خداوند در پی توصیه به حمد او، می تواند به حقیقت یاد شده، دلالت داشته باشد.

۱۱ - تنها خداوند ، شایسته و سزاوار حمد و سپاس است .

إنّ اللّه هو . .. الحمید

<الحمید> می تواند صفت مفعولی و به معنای <محمود> باشد; یعنی، کسی که مورد ستایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - تسبیح مؤمنان به درگاه خدا ، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است .

سبّحوا بحمد ربّهم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۱،۶

۱ - تمامی حمد ها و ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد> برای جنس بوده و مفید استغراق است.

۶ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش است .

و له الحمد فی الأخره

تقدیم خبر و معرفه بودن مبتدا و خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱،۳

۱ - همه ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۳ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۵،۷

۵ - همه ستایش ها از آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۷ – تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۸۲ – ۱،۳،۹

۱ – همه ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به اصطلاح، جنسیه بوده و مفید استغراق است; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۳ – تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

۹ – تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد للّه ربّ العلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <ربّ العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد

للّه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش خداوند ، از آداب دعا و عرض حاجت به درگاه او است .

ربّ اغفر لی و هب لی ملکًا . ..إنّک أنت الوهّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۳،۱۵،۱۶

۱۳ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، <کل حمد للّه>.

۱۵ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

۱۶ - ناآگاهی بیشتر مردم ، از شایستگی انحصاری حمد و ستایش برای خداوند

الحمد للّه بل أکثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که متعلق جهل، مسأله حمد و اختصاص آن به خدا باشد; یعنی، <بل أکثرهم لایعلمون أنّ الحمد للّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللّهمّ فاطر السموت . .. علم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱

۱ - سپاس گزاری تقواپیشگان از خداوند ، به خاطر وفا کردن به وعده های خود درباره آنان

و قالوا الحمد للّه الذی صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۲،۹،۱۲،۱۴،۲۰

۲ - قرین و همراه کردن تسبیح

و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده است .

یسبّحون بحمد ربّهم

<با> در <بحمد> برای مصاحبت است.

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهندپرداخت .

و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

۱۲ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

و قالوا الحمد للّه . .. و قیل الحمد للّه

<ال> در <الحمدللّه> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است; یعنی،<کلّ حمد للّه>

۱۴ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

و قالوا الحمد للّه . .. و قیل الحمد للّه

۲۰ - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد للّه ربّ العلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <ربّ العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد للّه> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱،۲

۱ - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبّحون بحمد ربّهم

۲ - همراه ساختن تسبیح و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده

یسبّحون بحمد ربّهم

<با> در <بحمد> برای مصاحبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ - همراه کردن تسبیح خداوند با حمد و ستایش او ، توصیه الهی

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۰،۱۲،۱۸،۱۹

۱۰ - همه ستایش ها ، از

آنِ خداوند است .

الحمد للّه

<ال> در <الحمد للّه> به اصطلاح جنسیه بوده و مفید استغراق است; یعنی، <کلّ حمد للّه>.

۱۲ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد للّه

۱۸ - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد للّه ربّ العلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <ربّ العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد للّه> می باشد.

۱۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد للّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۵

۵ - فرشتگان ، همواره در حال ستایش ، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

فعل مضارع <یسبّحون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولیّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولیّ> باشد; نه خبر بعد از خبر.

۱۱ - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس وناامیدی انسان ،

جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط اللّه الرزق . .. و لکن ینزّل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزّل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش بی پایان

فللّه الحمد

تقدم <للّه> بر <الحمد> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۳

۳ - تنزیه و ستایش پروردگار ، روح نماز و عبادت است . *

و سبّح . .. قبل طلوع الشمس و قبل الغروب . و من الّیل فسبّحه

در صورتی که این آیه با آیه قبل، نظر به نمازهای پنجگانه داشته باشد; از به کار رفتن تعبیر تسبیح و تحمید به جای <صلاه>، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۹،۱۱

۹ - پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و حمد پروردگار ، هم زمان با آغاز هر تلاش

و سبّح بحمد ربّک حین تقوم

درباره <حین تقوم> چندین احتمال از سوی مفسران مطرح شده است. به نظر می رسد ارتباط <و سبح> با <و اصبر لحکم ربّک> می تواند قرینه باشد بر این که مراد، هنگام برخاستن پیامبر(ص) برای انجام تبلیغ و رسالت است.

۱۱ - لزوم تنزیه خداوند از کاستی ها ، همراه با ستایش او بر جلوه های عالی پروردگاری اش

و سبّح بحمد ربّک

<باء> در <بحمد> برای مصاحبت است. از ارتباط <سبّح بحمد> با <ربّ> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۸

۸ - اعمال نیک و بد خلق ، بی تأثیر در ذات بی نیاز و ستوده خداوند

و من یتولّ فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۸،۱۰

۸ - همه ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

له الحمد

<ال> در <الحمد> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، <له کلّ حمد>.

۱۰ - تنها خداوند ، سزاوار و باسته ستایش است .

له الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ - خداوند ، مستحق ستایش و ستودنی است .

واللّه . .. حمید

۱۵ - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و اللّه غنیّ حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <حمید>، صفت برای <غنی> باشد; نه صفت مستقل برای <اللّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳،۴،۵،۱۴،۲۱

۳ – خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فسبّح بحمد ربّک

۴ – شایسته ترین سخن برای نفی عیب از خداوند ، ستایش او است .

فسبّح بحمد ربّک

<باء> در <بحمد ربّک> برای استعانت است; برخی آن را <باء> مصاحبه می دانند. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۵ – لزومِ همراه ساختن تسبیح با حمد خداوند

فسبّح بحمد ربّک

<باء> در <بحمد ربّک> ممکن است برای مصاحبه باشد.

۱۴ – ذکر صفات جلال و جمال خداوند ، پیش از درخواست

از او ، از آداب دعا و استغفار

فسبّح بحمد ربّک و استغفره

فرمان <تسبیح>، بر ذکر صفات جلالی (سلبی) و فرمان <حمد> بر ذکر صفات جمالی (ثبوتی) دلالت دارد و تقدیم آن دو بر فرمان استغفار، بیانگر برداشت یاد شده است.

۲۱ - فرمان خداوند به تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز توفیق یافتن انسان برای توبه به درگاه او است .

فسبّح بحمد ربّک و استغفره إنّه کان توّابًا

عبارت <تاب اللّه علیه>; یعنی، او را به توبه موفق ساخت (قاموس). جمله <إنّه کان توّاباً>، تعلیل است و بیان می کند که دستورهای سه گانه خداوند در این آیه، به دلیل <توّاب> بودن خداوند صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ - ستایش خداوند ، از آداب دعاست .

ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، سزاوار ستایش

اَنّ اللّه غنیّ حمید

<حمید> در برداشت فوق به معنای محمود (ستایش شده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، موظّف به ستایش پروردگار

قل اللّهم مالک الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۷

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<فإن الله لغنی حمید> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است

. در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

حمد خدا در آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۱

۱ - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

و له الحمد فی السموت و الأرض و عشیًّا و حین تظهرون

بنابراین که جمله <و له الحمد. ..> خبری باشد و <فی السماوات> متعلق به <الحمد> باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم <له> بر <الحمد> مفید حصر است و <ال> در <الحمد> برای جنس است.

حمد خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکًا و أنت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله <و أنت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

حمد خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۱

۱ - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

و له الحمد فی السموت و الأرض و عشیًّا و حین تظهرون

بنابراین که

جمله <و له الحمد. ..> خبری باشد و <فی السماوات> متعلق به <الحمد> باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم <له> بر <الحمد> مفید حصر است و <ال> در <الحمد> برای جنس است.

حمد خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۷،۱۲

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل>; یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربّک> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند; یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

حمد خدا در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۰

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان

با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبّح

حمد خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه ، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریع شده در مکه ، پیش از هجرت

و سبّح . .. قبل طلوع ... ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

این آیه، با اوقاتِ چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و عشا (من آناء اللیل). برخی با توجیه (أطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند; ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

حمد داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه

حمد در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۵

۵ - تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آنِ خداوند است .

و له الحمد فی الأخره

حمد در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۴،۱۵،۱۷

۱۴ - تسبیح خداوند (

منزه دانستن او از هر نقص) ، سزاوار است همواره با ستایش او و آراسته دانستن او به هر کمال همراه باشد .

و سبّح بحمد ربّک

چنانچه <بحمد ربّک> حال برای فاعل <سبح> باشد، مفاد جمله چنین می شود: خدا را تسبیح کن، در حالی که او را حمد و ستایش می کنی.

۱۵ - تسبیح خداوند به وسیله ستایش او بر صفات کمالی اش ، روشی نیکو در تسبیح است .

فسبّح بحمد ربّک

در برداشت یاد شده <باء> در <بحمد ربّک> برای استعانت گرفته شده است.

۱۷ - تسبیح و تنزیه پروردگار ، باید با ستایش هایی باشد که او خود را با آنها ستوده است .

فسبّح بحمد ربّک

در باره اضافه <حمد> به <ربّ>، دو وجه ادبی احتمال می رود: ۱ حمد به فاعل خود اضافه شده باشد. ۲ حمد به مفعول خود اضافه شده باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر وجه اول است و مفاد آن این است که خدای خویش را، با حمدی که او خود را به آن ستوده است تسبیح کن.

حمد در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث . .. إنک أنت العزیز الحکیم

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فیهم . .. إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به

هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

حمد در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

حمد در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . .. و سبّح بحمد ربّک حین تقوم . و من الّیل فسبّحه و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الّیل. ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

حمد در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ -

۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

حمد در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

حمد دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۶

۶ - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد فی الاُولی و الأخره

حمد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا و قالا الحمد للّه

حمد غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۳،۱۳

۳ تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد للّه الذی

<ال> در <الحمدللّه> یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او بازمی گردد.

۱۳ ستایش غیر خداوند، کفرپیشگی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

چون در صدر آیه اختصاص حمد به خداوند مطرح شده، ممکن است مراد از <الذین کفروا> کسانی باشند که با بستن چشم خود از حقیقت (کفرورزی) در ستایش برای خداوند، همسان قرار می دهند.

حمد قبل از طلوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۱۱

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّک> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سبّح> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

حمد قبل از غروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّک> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سبّح> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

حمد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. التّئبون ... و الحفظون لحدود اللّه

حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱

۱ - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و تری الملئکه حافّین من حول العرش یسبّحون بحمد ربّهم

حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۸

۱۸- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات بردبارانه

برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

تعلیل <إنه کان حلیماً غفوراً> دلالت می کند بر اینکه <لاتفقهون تسبیحهم> (تفقّه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۴

۴- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود ، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

و قل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آنِ خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

حمد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۰،۱۵

۱۰ - تسبیح مؤمنان به درگاه خدا ، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است .

سبّحوا بحمد ربّهم

۱۵ - مؤمنان ، برای تسبیح و حمد خداوند ، استکباری از خود بروز نمی دهند .

و سبّحوا بحمد ربّهم و هم لایستکبرون

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که متعلق <لایستکبرون> تسبیح و حمد باشد.

خدا و حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۴

۴ - بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم . .. أنتم الفقراء إلی اللّه و اللّه هو الغنیّ

دلایل

حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۹

۹ تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به اوست .

الحمد للّه رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۳ - ۵

۵ - رحمانیت و رحیمیت خدا ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه رب العلمین. الرحمن الرحیم

<الرحمان الرحیم> نیز مانند <رب العالمین> به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است; یعنی، چون خداوند رحمان و رحیم است، شایسته ستایشها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۶

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۵

۵ - انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربّک یخلق ما یشاء و یختار . .. یعلم ... و هو اللّه لا إله إلاّ هو له الحمد فی ا

از ارتبـاط میان آیات گذشـته که بیانگر اوصاف خداونـد بود و این آیه برداشت یاد شـده به دست می آیـد; زیرا ذکر انحصار ستایش ها به خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- فاطر - ۳۵ - ۱ - ۶

۶ - اختراع و نوآفرینی جهان از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد للّه فاطر السموت و الأرض

توصیف خداوند به <فاطر> پس از اختصاص دادن حمد به او در واقع توجیهی برای این اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۲

۲ - معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

إنّ وعد اللّه حقّ . .. و قیل الیوم ننسیکم ... فالیوم لایخرجون ... فللّه الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۴

۴- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

روحیه حمد در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱

۱ مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التّئبون العبدون الحمدون

روش حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۹

۹ در ستایش خداوند باید سخنی گفته شود و معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی برای او نباشد .

و یسبّح الرعد بحمده والملئکه من خیفته

برداشت فوق، مبتنی بر این وجه است که <باء> در <بحمده> برای استعانت باشد. بر این مبنا <یسبّح الرعد بحمده والملئکه> ; یعنی، رعد و فرشتگان به وسیله حمد و ستایش خدا

وی را تسبیح می کنند. روشن است حمد و ستایش آن گاه درپی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده و معانی قصد شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

زمینه حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ باور به خداوندِ دارنده تمام کمالات و منزه از هر نقص و عیب ، وادارکننده انسان به ستایش و پرستش اوست .

و للّه الأسماء الحسنی فادعوه بها

حرف <فاء> در <فادعوه> سببیه است و دلالت می کند که لزوم پرستش و خواندن خدا به این سبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۹

۹ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارک اللّه أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - توجه به مقام ربوبی پروردگار ، مایه تواضع و ستایش به درگاه وی و تنزیه او از هر کاستی و نقص است .

خرّوا سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم

زمینه حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۶

۱۶ - حمد و ستایش خدا ، تنها با یاری او امکان پذیر است .

الحمد للّه . .. إیاک نستعین

از وظایفی که از سوره حمد استفاده می شود، لزوم ستایش خداوند است. بنابراین می توان گفت این معنا نیز متعلق

<نستعین> است; یعنی: نستعینک علی ان نحمدک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ خوف فرشتگان از خداوند ، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد .

و یسبّح . .. والملئکه من خیفته

<من> در <من خیفته> برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۴،۱۰

۴- خداوند ، به جهت نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) سزاوار همه ستایش ها است .

الحمد للّه الذی أنزل . .. الکتب

توصیف خداوند به <الذی أنزل. ..>، گویای علّت و دلیلِ اختصاص حمدها و ستایش ها به او است.

۱۰- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد للّه الذی . .. لم یجعل له عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۶

۱۶ - توجه به تدبیر خداوند و قانون مند بودن عذاب ها و کیفر های او ، برانگیزنده انسان به تسبیح و ستایش او در همه حال

و لولا کلمه . .. بحمد ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۳

۳ - لزوم حمد و ستایش به درگاه خدا ، در مقابل برخورداری از نعمت علم و دانش

و لقد ءاتينا داود و سليمن علمًا و قالا الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۲

۲ - هلاک شرک پيشگان

مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران ، شایان سپاس گزاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد للّه و سلم علی عباده الذین اصطفی

رهنمود الهی به حمد و ستایش برای او و فرستادن درود و سلام بر بندگان برگزیده اش (پیامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۶

۶ - عظمت معنوی انسان ها ، مقتضی پرداختن به سپاس و ستایش خدا در همه حال

أُمرت أن أعبد . .. أن أكون من المسلمين . و أن أتلوا القرءان ... و قل الحمدللّه

آیه بالا نشان می دهد که حتی فردی مثل پیامبر(ص) که نزدیک ترین خلق به خدا است هیچ گاه نباید از یاد خدا و سپاس و ستایش او غافل شود; یعنی، این گونه نیست که انسان ها با رسیدن به مقامات معنوی، از عبودیت، تسلیم و ستایش خدا معاف شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به خالقیت ، رازقیت و مدیریت خدا ، زمینه ساز حمد او است .

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... اللّه يبسط الرزق ...و لئن سألتهم من نزّل ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۵،۱۱

۵ - عقیده به یک تایی خدا در خالقیّت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او

است .

و لئن سألتهم من خلق . .. ليقولنّ اللّه قل الحمد للّه

۱۱ - پیچیده نبودن فهم توحید و روشنی آن حتی در نظر مشرکان ، شایسته حمد به درگاه خدا است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه قل الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۶

۶ - توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی برپدیده های عالم ، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد للّه . .. للّه ما فی السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۹

۹ - مالکیت مطلق خداوند بر موجودات عالم ، مقتضی اختصاص همه حمد و ستایش ها به او است .

الحمد للّه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

صله موصول <الذی> که ما فی السماوات و ما فی الأرض است می تواند علت انشای ثنا و حمد برای موصول باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۵

۵ - احاطه علمی خداوند به همه جنبش ها و سکون های موجودات ، مقتضی اختصاص داشتن همه ستایش ها و حمد ها به او است .

الحمد للّه الذی له . .. یعلم ما یلج فی الأرض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء

عبارت <یعلم ما> می تواند حال برای ضمیر <له> باشد. بنابراین،

معنا چنین می شود: حمد برای کسی است که مالک همه موجودات است; در حالی که از همه چیز خبر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۸،۹

۸ - غنا و بی نیازی هیچ کس جز خداوند ، قابل ستایش و مدح نیست .

و اللّه هو الغنّی الحمید

برداشت یاد شده از آمدن صفت حمید، به دنبال صفت غنی به دست می آید.

۹ - خداوند ، دارای جود و بخشش ستایش آفرین

و اللّه هو الغنّی الحمید

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فرد غنی آن گاه ستایش می شود که جود و بخشش داشته باشد; و گرنه شایسته ستایش نخواهد بود و خداوند این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۱۱

۱۱ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد للّه ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱۰،۲۱

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهندپرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد للّه ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. ازاین رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

۲۱ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد للّه ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ -

شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۹

۹ - دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا . .. و هو الولیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۶،۱۰

۶ - رهیافت انسان به ستایش پروردگار ، در پرتو توجه به نظام عالی تدبیر او در هستی

حم . .. إنّ فی السموت و الأرض لأیت للمؤمنین... فللّه الحمد

با توجه به قرار گرفتن این آیه در بخش پایانی سوره، <فاء> در <فللّه> تفریع بر کل محتوای سوره است که درصدد نمایاندن مظاهر تدبیر والای الهی در هستی به ویژه در نظام زندگی انسان است.

۱۰ - مدیریت یگانه خداوند بر جهان ، جلوه ای از جمال هستی و شایسته حمد و ستایش

فللّه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

ذکر وصف <ربّ السماوات و. ..> در پی تأکید بر ربوبیت عام، فراگیر و یگانه خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که گردش نظام هستی با مدیریت واحد، خود جمال و زیبایی دیگری برای هستی است و در نتیجه خالق و مدیر هستی، شایسته حمد و سپاس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۷

۷ - پروردگاری خداوند ، مقتضی گرایش انسان ها ، به تنزیه و ستایش او

و سبّح بحمد ربّک

از ارتباط میان <و سبّح. ..> با وصف <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۲

۲ - آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

ألم نخلقکم من ماء مهین . .. فقدرنا فنعم القدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۹

۹ - توجّه به ربوبیت خداوند ، زمینه ساز تسبیح ، حمد و استغفار به درگاه او است .

فسبّح بحمد ربّک و استغفره

سستی در حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و عنایت مجدّد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد استغفار ویژه ای است. این استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با <توّاباً>، به معنای درخواست رجوع مجدّد و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

عوامل حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

جمله <تستجیبون بحمده> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست; بلکه ممکن است به خاطر

مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

عوامل حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ توجه به جلال و هیبت خداوند ، وادار کننده موجودات به تسبیح و ستایش او

و یسبّح الرعد بحمده والملئکه من خیفته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۵،۹

۵- حمایت خداوند از بندگان ، شایسته تسبیح ، سپاسگزاری و عبادت اوست .

و لقد نعلم أنک یضیق صدرک . .. فسبّح بحمد ربّک

<فا> در <فسبّح> تفریع بر آیه قبل است (آیه قبل درصدد دلداری به پیامبر(ص) در برابر سخنان آزار دهنده مشرکان بود). تفریع این آیه بر آن می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

۹- ربوبیت خداوند ، شایسته تسبیح ، حمد ، سجده و فروتنی انسان به پیشگاه او

فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدین

عوامل حمد غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش غیرخدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد للّه بل أکثرهم لایعلمون

متعلق <لایعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که <ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است. > و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

عوامل حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۶

۶ - عظمت وحی ، موجب

تسبیح و ستایش فرشتگان

کذلک یوحی إلیک . .. و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

جمله <و الملائکه . ..> عطف بر جمله <تکاد السماوات ...> است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

فضیلت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۱،۱۲

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند; یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

فضیلت سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱،۲،۶

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی

نوع مفسّران بر آنند که مراد از <سبعاً> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است;

چنـان که در سـوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنـوان صـفت قرآن ذکر شـده است. گفتنی است: روایـات نیز مؤیـد همین مطلب است.

۲- سوره حمد ، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان <کتاب عظیم> استفاده می شود.

۶- < عن یونس بن عبـدالرحمان . . . قال : سألت أباعبـدالله (ع) < و لقـد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سـخن خداوند <ولقد آتیناک سـبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضـرت فرمود: آن سوره حمـد است که هفت آیه دارد و از جمله آنهـا بسم الله الرّحمن الرّحیم است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

فهم حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۹

۱۹- انسان ، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

برداشـت فـوق، مبتنی بر ایـن نکتـه اسـت که <إنه کـان حلیمـاً غفـوراً> تهدیـد مشـرکان به خـاطر نیندیشـیدن دربـاره تسـبیح موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اِشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

ملاک حمد معبود

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۳

۳ - توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لکم من نصرین . .. فللّه الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض

حرف <فاء> در <فللّه الحمد> مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

منشأ حمد حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۷

۷ - مالکیت و بی نیازی مطلق خدا ، سرچسمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموت . .. و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

ذکر <حمید> در پی <مالکیت و غنای مطلق>، بیانگر مطلب بالا است.

منشأ حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۶

۱۶ - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم . .. و الملئکه یسبّحون بحمد ربّهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

موجبات حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۹

۱۹ نابود ساختن ستمکاران از زمین، کاری در خود ستایش

فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد للّه

مؤمنان و حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۸

۸ حمد و ستایش خدا ، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و ءاخر دعویهم أن الحمد للّه رب العلمین

نامهای سوره حمد

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۶

۶- < عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أباعبدالله (ع) < و لقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم > قال : هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرّحمن الرّحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یثنی فی الرکعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . .. گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <ولقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرّحمن الرّحیم است و همانا مثانی نامیده شده است; زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود>.

وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

<باء> در <بحمد ربّک> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سبّح> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآیِ الّیل فسبّح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و

<من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل>; یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربّک> در صدر آیه، قرینه براین است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبّح بحمد ربّک بالعشیّ و الإبکر

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

حمل و نقل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمل و نقل

اهمیت حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

پیشگویی وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و الأنعم خلقها لکم فیها دفءٌ و منفع . .. و لکم فیها

جمال ... لترکبوها و زینه و

متعلق <یخلق> نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهرهوری انسان است.

تاریخ حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۳

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درامد بود .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۳

۳ - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

حمل و نقل دریایی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۳

۳ - تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

فواید حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۳

۳ - تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر

است

و الأنعم خلقها لکم . .. و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنف

مراد از <بلد لم تکونوا بالغیه> جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و <أنعام> اگرچه به معنای <گاو، شتر و گوسفند> است; ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر <تحمل> به صورت <استخدام> به <شتر> که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است باز می گردد.

۲- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتی در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلی بشقّ الأنفس

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۱

۱ - امکان بهرهوری بشر از شتران و کشتی ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیر در <علیها> به أنعام بازمی گردد و مراد از آن به قرینه <تحملون> تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۵

۵ - کشتیرانی ، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر

و مواهب الهی به نقاط مختلف است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

بنابراین که <با> در <بنعمت> برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

۲ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم. ..> عطف بر جمله <حملنا ذرّیّتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه های تدبیر و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۴

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من>

در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۴ - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها . .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا. ..> آمده است; نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل لکم الأنعم . .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

وسایل حمل و نقل در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۳

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درامد بود .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

وسایل حمل و نقل در مصرباستان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۱۶

۱۶ شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نزداد کیل بعیر

وسایل حمل و نقل دریایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۰ – ۵

۵– خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملنهم فی البرّ و البحر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۵ – ۳

۳ – سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۰ – ۵

۵ – شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

وسایل حمل و نقل زمینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۰ – ۵

۵- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملنهم فی البرّ و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۵

۵ - شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

حوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حوا

آثار اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳

۳ - آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأکلا منها . .. و عصی ءادم ... قال اهبطا منها جمیعًا

<هبوط>; یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است; زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

آثار عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۲

۲ - نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منهیه ، از بهشت نخستین محروم شدند .

قلنا اهبطوا منها جمیعاً

<اهبطوا> به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم(ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

واژه <ندا> معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إنّ لک . .. لاتعری ... فبدت لهما سوءتهما

ابلیس و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱،۲،۵،۷،۱۰

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما . .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما . .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

۱۰ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما . .. إلا أن تکونا ملکین

<أن تکونا . .. > به تقدیر کراهیه، مفعول له برای <ما

نهاکما> است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما . .. فدلیهما بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلیّ>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۹،۱۰

۹ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع

. .. > حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

اجابت دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

اخراج حوا از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳،۴،۲۲

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما کانا فیه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده : < . . . فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان . . . و تسلط علی حوا . . . فأخرجهما اللّه عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلی الأرض . . . ;

. .. پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بقره - ۲ - ۳۸ - ۱،۴

۱ - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ... .

ارزش مقام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۷

۷ حضرت آدم دارای مقامی برتر در پیشگاه خداوند، نسبت به همسرش حوا

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

محور قرار گرفتن آدم در خطاب الهی، می تواند نشان برتری وی نسبت به همسرش باشد.

ازدواج آدم(ع) و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۴

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

يأدم اسكن أنت و زوجك

الجنه

استتار عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۸

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

استغاثه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا . .. لنکونن من الخسرین

اعطای فرزند به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴،۵

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلا له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ; زیرا آنان منزه

از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۴

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

۴ - آدم و حوا (ع) ، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان ، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند .

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک . .. فأکلا منها

اغوای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴،۸،۹

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتننکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۹ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

اقرار حوا به عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

امیدواری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۵

۵ آدم و حوا امیدوار به مغفرت و رحمت الهی

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

بارداری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۷،۸،۹

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشیها حملت حملا خفیفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفیفا فمرت به

ضمیر <به> به <حملا>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّه ربهما

برتری آدم(ع) بر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - آدم (ع) ، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود .

عدوّ لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم(ع) هم سرنوشت بود; ولی خداوند تنها حضرت آدم(ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم(ع) است.

برهنگی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۹

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): . .. فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع . .. > حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

بهشت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۵

۵ بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. قال اهبطوا

جمله <و لکم فی الأرض مستقر> دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن

سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه <اهبطوا> حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

پوشاک حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پیروی حوا از آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إلیه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیرپذیر بوده است.

تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا ، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثمّ> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تضرّع حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نهایت تذلل و تضرع

آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا . .. لنکونن من الخسرین

تقرّب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

واژه <ندا> معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

تکفل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - حوا در بهشت مسکونی خویش ، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عدوّ لک و لزوجک فلایخرجنّکما

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشانِ سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

تکلیف حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۵،۸،۱۲

۵ - استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیه بوده است.

۱۲

هر گونه بهره برداری از شجره منهیه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجره

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا . ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجره.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۹

۹ - آدم (ع) و حوا ، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

فلایخرجنّکما

گرچه نهی در <فلایخرجنّ> متوجه ابلیس است; ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائات او است.

توطئه علیه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جنس حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۴

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <منها> جنسیه باشد. بنابراین جمله <جعل ... > گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳

- حوا ، از جنس آدم (ع) و برابر با او ، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <و اللّه جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. ..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است; نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

حوا و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

حوا و درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۸،۹،۱۲،۱۳

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرینه <و کلا> (بخورید) می توان گفت: مراد از

<لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیه بوده است.

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجره

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی ازخوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاکلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهیه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجره

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <و لاتقربا . ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجره.

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز

می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

مراد از <لا تقربا . .. > به قرینه فراز قبل (فکلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدی لهما ما وُری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲،۳،۱۰

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا

الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۸،۹

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إلیه الشیطن . .. فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إلیه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیرپذیر بوده است.

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده

بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱،۳،۱۲

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأكلا منها . .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها . .. و عصى ءادم ... قال اهبطا منها جميعًا

<هبوط>; یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است; زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع

بهشت ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فأکلا . .. بعضکم لبعض عدوّ

حوا و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

خطای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۳

۳ - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۶،۷

۶ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من> نشویّه باشد ; یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: <من نفس> و نفرمود: <من نفسین> این معنا را تأیید می کند. مؤیّد برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: اِنّ اللّه خلق آدم من الماء و الطین ... و خلق حوّا من آدم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده

همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤیّد برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول اللّه (ص) است که درباره خلقت حوّا فرمود: اِنّ اللّه تبارک و تعالی قبض قبضهً من طین فخلطها بیمینه . .. فخلق منها آدم و فضلت فضله من الطین فخلق منها حوّا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳

۳ خداوند ، همسر آدم (حوا) را از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

خواسته های حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

دشمنان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۲،۳،۷

۲ - ابلیس ، برای بیرون راندن آدم و حوا (ع) از بهشت ، در کمین آنان بود .

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک فلایخرجنّکما

۳ - خداوند حضرت آدم (ع) را از دشمنی ابلیس با او و همسرش حوا آگاه ساخت .

اسجدوا . .. أبی فقلنا یَادم إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

۷ - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۴

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۹،۱۰

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّه ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی

خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

زمینه عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۳

۳ - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدّلک علی شجره الخلد . .. فأکلا منها

زمینه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۴

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن . .. قال اهبطا منها

زیانکاری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

ستر عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸

۸

آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۸،۱۳،۲۳

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأکلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

۲۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله : < بدت لهما سوأتهما > قال : کانت سوأتهما لاتبدو لهما ; یعنی ، کانت داخله ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <بدت لهما سوأتهما> روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان]بود>.

سرزنش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما . .. و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو

مبین

سکونت حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵،۱۹

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من أیام الدنیا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه

کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱

۱ - آدم (ع) و همسرش حوا ، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا . .. فلایخرجنّکما من الجنّه

<جنّه> به معنای باغ است و <الجنّه> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

شکر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

شیطان و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

طعام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع)

از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

ظلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

عبرت از قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتننکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند ، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند .

فأخرجهما مما کانا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۱

۱ - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶،۱۷

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما

بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما . .. و أقل لكما إن الشيطن لكما عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا . .. لنكونن من الخسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): . .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلی الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ... .

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید ; زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱

۱ - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشيطن . .. فأكلا منها

عقیده حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۹

۹ آدم و حوا آمرزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

عوامل برهنگی حوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

عوامل عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

عوامل کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۹،۱۰

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأکلا منها فبدت لهما سوءتهما

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إنّ لک . .. لاتعری ... فبدت لهما سوءتهما

عوامل محرومیت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک

آنان در بهشت شد .

إنّ لک . .. لاتعری ... فبدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأکلا منها . .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

عوامل هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما کانا فیه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۳

۳ فریبکاریهای شیطان، عامل خروج آدم و حوا از بهشت شد.

کما أخرج أبوبکم من الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳

۳ - آدم و حوا (

ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأکلا منها . .. و عصی ءادم ... قال اهبطا منها جمیعًا

<هبوط>; یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است; زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <بدت لهما سوءاتهما> قال: کانت سوءاتهما لا تبدو لهما یعنی کانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بدت لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

عهد حوا با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

عهدشکنی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵

آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

غرایز حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

فریب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱،۲،۸

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما . .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۶

۶ سقوط ابلیس در چهار مرحله به خاطر تمرد، تکبّر و تصمیم به گمراه سازی انسانها و فریب آدم و حوا بود.

قال فاهبط منها فما یکون لک أن تتکبر فیها فاخرج . .. قال اهبطوا

بدان احتمامل که تکرار چهارگانه سقوط ابلیس هر یک به دلیل گناهی باشد که مرتکب شده است:

نخست از فرمان خداوند سرپیچی کرد و به آدم سجده نکرد، آنگاه این تمرد را به اظهار برتری خویش توجیه کرد، پس از آن تصمیم خویش را به اغواگری تمامی آدمیان اعلان داشت، و سرانجام آدم و حوا را به پای شجره نهی شده کشاند و با دروغ و نیرنگ آنان را به خوردن از آن شجره ترغیب کرد.

فضایل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۱،۱۳

۱۱ - آدم (ع) ، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود .

عدوّ لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم(ع) هم سرنوشت بود; ولی خداوند تنها حضرت آدم(ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم(ع) است.

۱۳ - آدم (ع) و همسرش حوا ، نزد خداوند مقامی رفیع داشتند .

اسجدوا لأدم . .. إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

فرمان سجده بر آدم(ع) که در آیه قبل ذکر شد و هشدارهای خداوند به آدم(ع) در مورد دشمنی های ابلیس با او و حوا، نشانگر ارجمندی آن دو نزد خداوند است.

فلسفه انذار حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۷

۷ - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

فلسفه خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۵

۵ خداوند حوا را آفرید تا

آدم (ع) در کنار او آرامش یابد .

لیسکن الیها

ضمیر در <الیها> به <زوج . .. > و ضمیر در <لیسکن> به <نفس واحده> برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به <نفس واحده> به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

فلسفه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۶

۶ - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین ، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است .

قال اهبطا . .. بعضکم لبعض عدوّ فإمّا یأتینّکم

ضمیر جمع در <بعضکم> و <یأتینّکم> گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم . .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

۳ - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

يأدم اسكن أنت و زوجك الجنه

۹ - آدم (ع) و حوا در صورت نزديک شدن به شجره منهيه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار

می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجره

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی ازخوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاکلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۹،۱۳،۱۲،۷،۵،۴،۳،۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما کانا فیه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم

اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷ - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلهما الشیطن عنها

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد; تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منهیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من أیام الدنیا . . . ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و

رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما یأتینکم منی هدًی

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <یأتینّ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱،۳،۴،۵

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

مراد از <لا تقربا . .. > به قرینه فراز قبل (فکلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵،۷

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

ليبدى لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره

نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما . .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما . .. > را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲۰،۱۹،۱۶،۱۴،۱۰،۸،۷،۴،۳،۲

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن

است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما . .. فدليهما بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا يخصفان عليهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لكما إن الشيطن لكما عدو مبين

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدليهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): . .. فلما أكلا (آدم و حوا) من الشجره

طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ... .

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <بدت لهما سوءاتهما> قال: کانت سوءاتهما لا تبدو لهما یعنی کانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بدت لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فروآیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): . .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلی الأرض فإنه

لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ... .

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید ; زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع . .. > حال برای فاعل <أخرج> است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳،۴،۷،۸،۹،۱۰

۳ خداوند ، همسر آدم (حوا) را از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <منها> جنسیه باشد. بنابراین جمله <جعل ... > گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله

شد .

فلما تغشیها حملت حملا خفیفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفیفا فمرت به

ضمیر <به> به <حملا>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا اللّه ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

۴

آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلا له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ; زیرا آنان منزه از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

کشف زشتیهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۴

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۷ – ۹

۹ نشان

دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲،۲۴

۱۲ - آدم و حوا درپی مکشوف شدن عورت هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبدت لهما سوءتهما و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنّه

<طفقا>; یعنی، آغاز کردند و <خصف> هرگاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود; یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

۲۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) (فی حدیث) : فلمّا أسکن اللّه عزّوجلّ آدم و زوجته الجنّه قال لهما : . . . و لاتقربا هذه الشجره . . . فلمّا أکلا من الشجره طار الحلیّ و الحلل عن أجسادهما و بقیا عریانین ;

از امام صادق(ع) [ضمن حدیثی]روایت شده که فرمود: چون خداوند عزّوجلّ آدم و همسرش را در بهشت جای داد، به آنان گفت: . .. نزدیک این درخت نشوید ... و آنان چون از آن درخت خوردند، زیور و جامه ها از اندام آنان پرید و آنها عریان ماندند>.

کفران حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

کیفر

عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور . .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

گرایشهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۴

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلا له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند ; زیرا آنان منزه از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلّهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازلّ) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنه> برگردد; یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت

و نیز می تواند به <الشجره> برگردد; یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . .. فأزلّهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما . ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

مستوری عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدی لهما ما وُری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

مشکلات حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۷

۷ – هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که

آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

معلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۳

۱۳ - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمد های آن را به آنان آموخت .

بعضکم لبعض عدوّ . .. فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی

مکان هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < فأوحی اللّه تعالی إلی جبرئیل ان اهبطهما إلی البلده المبارکه مکه فهبط بهما جبرئیل فألقی آدم علی الصفا و ألقی حواء علی المروه . . . ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد ...>.

نسل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

کما أخرج أبویکم من الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱

۱ - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

یأیّها الناس إنّا خلقنکم من ذکر و أنثی

نگرانی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۲۲ - ۳

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

نیازهای مادی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

ویژگیهای خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳ - حوا ، از جنس آدم (ع) و برابر با او ، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <و اللّه جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. ..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است; نه این که حوا از یک تن

به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۲،۲۲،۲۴

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده : < . . . فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان . . . و تسلط علی حوا . . . فأخرجهما اللّه عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلی الأرض . . . ;

. .. پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ...>.

۲۴ رسول خدا (ص) فرموده اند : < حین أمر آدم (ع) أن یهبط . . . هبط آدم و زوجته و هبط إبلیس و لازوجه له . . . ;

آن هنگام که خداوند امر نمود به آدم که فرود آی . .. آدم همراه با همسرش فرود آمد و ابلیس]هم[فرود آمد در حالی که همسری نداشت ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۱

۱ - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا>

(آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۵

۵ عن الرضا(ع): . .. و لم یکن آدم و حوا شاهدا قبل ذلک من یحلف بالله کاذبا <فدلیهما بغرور> فاکلا منها ثقه بیمینه بالله و کان ذلک من آدم قبل النبوه و لم یکن ذلک بذنب کبیر استحق به دخول النار ... .

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. آدم و حوا قبل از سوگند ابلیس، قسم دروغ به خداوند را مشاهده نکرده بودند و <ابلیس آنها را با فریب، فرود آورد> و با اعتماد به سوگند ابلیس، از آن درخت خوردند و این کار قبل از نبوت آدم(ع) بود و گناه کبیره ای که بدان مستحق آتش شود نبود ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۴،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فروآیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور . .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

۱۰ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): . .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلی الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی

عاص و لا فی سماواتی ... .

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید ; زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد . ... .

هشدار به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۵

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴،۱۶

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۴

۴ - آدم و حوا (ع) ، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان ، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند .

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک

. .. فأكلا منها

حوادث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حوادث

آثار علم به حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ توجه به بحران های گذشته و برطرف شدن آن ، در پرتو امداد های الهی ، زمینه ساز گرایش به شکرگزاری خداوند در برابر نعمت های او

و اذكروا إذ أنتم قليل . .. فاويكم ... لعلكم تشكرون

<لعل> متعلق به <اذكروا> است و بیانگر هدف از ضرورت به یاد داشتن مطالبی است که در آیه مطرح شد. از جمله مقایسه دو حالت قبل از هجرت و بعد از آن.

استماع حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتيك حديث الغشيه

استفهام در <هل أتاك>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد; ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

انسان ها و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد; ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

اهمیت احیای حوادث دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۱ - ۳

۳ - لزوم زنده نگه داشتن یاد رویداد های خاطره انگیز دینی *

و الطّور

در صورتی که مراد از <الطور> کوه طور (محل وحی بر موسی(ع)) باشد، مورد سوگند قرار گرفتن آن در حقیقت وسیله ای برای زنده نگه داشتن این واقعیت تاریخی است.

اهمیت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ دانش و تحلیل رخداد ها و خبر ها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتنی من تأویل الأحادیث

بانک اطلاعات حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ کتاب مبین، مرکز اطلاعات جامع درباره تمامی موجودات هستی و تحولات آنهاست.

و ما تسقط . .. و لا رطب و لا یابس إلا فی کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۶

۶- اطلاعات و خبر های مربوط به حادثه ها و تحولات جوامع بشری ، دارای بانک اطلاعات و کتابی معین

و ما أهلکنا من قریه إلاّ و لها کتاب معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۳

۳ - همه امور هستی (آشکار و پنهان آن) ، ثبت شده در

کتابی روشن و خالی از ابهام در نزد خداوند

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتب مبین

بشارت تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک . .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

تبیین حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان ، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و کذلک أنزلنه . .. لعلّهم یتّقون أو یحدث لهم ذکرًا

حرف <کاف> در <کذلک> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن

از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت . .. سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

تحلیل حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۱

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی ، در تحلیل حوادث

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیون . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون <ربّیون>، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

تحلیل غلط حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الذین کفروا . .. > بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

تقدیر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که

ثبوت خبر <مفعولا-> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ حوادث و وقایع را خداوند از پیش تقدیر و تعیین کرده است .

لکل أجل کتاب

<أجل> به معنای مدت و <کتاب> مصدر و به معنای اسم مفعول (مکتوب) است و در آیه شریفه به معنای امر تقدیر شده می باشد. بنابراین <لکل أجل کتاب> ; یعنی ، برای هر زمانی تقدیری ثابت شده است.

ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲

۲ - هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و . . .) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود (مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و . . .) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلّافی کتب من قبل أن نبرأها

حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۴

۴ ضرورت کند و کاو در تحوّلات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم

سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذّبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۸

۱۸ منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی (شکست ها و پیروزی های مسلمانان) و بیانگران علل آن حوادث

و یتّخذ منکم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوا رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند، شکست خوردند.

حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلاأُقسم

جمله <إنّه لقول رسول> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تفریع کرده است که درباره حوادث قیامت بود; یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آینده

جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به مبدأ وحی مربوط بدانید.

خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضلّ من تدعون إلاّ إيّاه فلمّا نجّكم إلى البرّ . .. يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل

دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سوّلت لكم أنفسكم أمرًا

دانش تحلیل حوادث یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷،۸،۲۲

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك . .. يعلمك من تأويل الأحاديث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> ; یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> ; یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع)

به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد .

إنی رأیت أحد عشر . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک من تأویل الأحادیث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

یجتبیک ربک . .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا ، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است .

یجتبیک ربک و یعلمک . .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

برداشت فوق ، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و. ..> باشد که از جمله های <کذلک یجتبیک ربک و ...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۵،۱۶،۱۹

۱۵ خداوند ، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

۱۶ آموزش تحلیل رخداد ها و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل رخدادها ، دانشی

مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلّمه ...> ; یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۸،۹،۱۰،۱۷

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث

علمتنی من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیا ها و تحلیل حوادث و رخدادها ، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتنی من تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیا ها و حوادث

رب قد . .. علمتنی من تأویل الأحادیث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قد ءاتیتنی من الملک و علمتنی . .. أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

ذکر حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ۲۴۳ - ۱،۲،۸،۱۲،۱۷

۱ فرار هزاران تن از اقوام گذشته از دیار خویش به خاطر ترس از مرگ ، و میرانده شدن و دوباره زنده شدن آنان پس از مدّتی از سوی خداوند

الم تر الی الّذین . .. ثمّ احیاهم

۲ واقعه تاریخی آن قومی که از دیارشان خارج شدند و به امر خداوند مردند و سپس زنده شدند ، آیات الهی است .

یبین اللّه لکم ایاته . .. الم تر الی الّذین خرجوا

۸ دعوت خداوند به تعقّل در واقعه قومی که مُردند و دوباره زنده شدند . (حوادث تاریخی)

الم تر الی الّذین خرجوا من دیارهم و هم اُلوف حذر الموت

۱۲ آگاهی ساختن انسان ها از تاریخ گذشتگان ، تفضّل خداوند بر آنان

الم تر الی الّذین . .. ان اللّه لذوفضل علی النّاس

<انّ اللّه> می تواند تعلیل برای نقل داستان و تاریخ باشد که در آیه بیان شده است.

۱۷ مُردگانی که به فرمان الهی زنده شدند ، در بُرهه ای دیگر از زمان به زندگی خویش ادامه دادند .

ثمّ احیاهم انّ اللّه لذو فضل علی النّاس

آنگاه زنده شدن فضل الهی است که زنده شده برای مدّتی به حیات خویش ادامه دهد; بنابراین اگر بلافاصله پس از زنده شدن می مُردند، بعید به نظر می رسد که زنده شدن نشان تفضّلی بر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲

۲ یادآوری ماجرای ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغان ، باعث اطمینان به قدرت الهی ، بر احیای مردگان

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی

الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۲

۲ اهمیّت یادآوری روز های حساس و سرنوشت ساز

و اذ غدوت من اهلک تبوّیء المؤمنین

کلمه <اذ>، مفعول است برای کلمه ای محذوف; از قبیل <اذکر> (بیاد آور).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم یادآوری و تحلیل حوادث تاریخی (نبرد احد) و عبرت از آن

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، مفعول فعلی مقدر، همانند <اذکر> (به یاد آور) باشد; و یادآوری حوادث تاریخی، معمولا برای عبرت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص) ، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل

دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون . ..

و لئن قتلتم فی سبیل اللّه ... لقد منّ اللّه علی المؤمنی

با توجّه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ اللّه . .. و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان کانوا . .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمتِ رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ لزوم تمجید و تقدیر از مؤمنان واقعی و یادآوری فعالیت های ایشان در شرایط سخت

المؤمنین. الّذین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۵،۷

۵ قرآن ، فراخوان مردم به درس آموزی

و عبرتگیری از رخداد های تاریخی

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه . .. و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲

۲ عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگیِ زنده شدن آنان

او کالّذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسّران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است; گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۲

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه

<لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشتمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . .. . بنابر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . .. قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ تقدیر الهی بر ذلت یهودیان متمرد ، امری عبرت آموز و شایان به یاد داشتن

و إذ تأذن ربک لیبعثن

برداشت فوق با توجه به فعل مقدّر <أذکر> استفاده شده است ; یعنی: <أذکر إذ تأذن ربک . .. .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنیا . .. و

لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۸

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۵،۶

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۶ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی ، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۵،۶

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۶ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی ، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

روش تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۸

۸- روشِ آموختنِ علم تأویل حوادث و شناخت علل اصلی رخداد های هستی ، روشی تجربی و عملی است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

روش مصونیت از حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۸

۸ ضرورت عبرت گیری از حوادث گذشته برای مصون ماندن از گرفتاری در حوادثی نظیر آن

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

رؤیا و حوادث آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ

یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُری> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۹

۹ رؤیا ها می تواند بیانگر خبر ها و وقوع حوادثی از آینده باشد .

إنی رأیت أحد عشر . .. لاتقصص رءیاک علی إخوتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۸

۸ رؤیا ، می تواند صورت و نمودی از حوادث و دریچه ای برای آگاهی به آینده باشد .

فیسقی ربه خمرًا . .. فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۵،۶

۵ رؤیاها ، می تواند نمایانگر و بازگو کننده رخداد های آینده باشد .

یوسف أیّها الصدیق أفتنا . .. قال تزرعون ... ثم یأتی من بعد ذلک عام

۶ رؤیا ها می تواند دربردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

یوسف أیّها الصدیق أفتنا . .. قال تزرعون ... ثم یأتی من بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ رؤیا ها می توانند گویای واقعیتهایی بوده و کاشف حقایقی از آینده باشند .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل

رؤیت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنّهم یوم یرونها

زمان حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده; یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

شرایط پیدایش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۱

۱ هر حادثه ای در ظرف زمانی و شرایط ویژه خود حتماً اتفاق می افتد.

لکل نبإ مستقر

<نبأ> مصدر است و در این آیه ظاهراً به معنی اسم مفعول، یعنی <منبأبه>، به کار رفته است.

شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی

مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

شگفتی حوادث آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۱ - ۴

۴ - آسمان ، آفریده ای شگفت است و تجدید حوادث آن بر شگفتی اش افزوده است .

و السماء ذات الرجع

سوگند خداوند به هر چیز، حاکی از عظمت آن است.

شگفتی حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجّه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عظمت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت ، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر

قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجّه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عوامل مؤثر در حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - اعمال انسان ها ، در برخی رخداد های تکوینی عالم ، دارای نقش و تأثیر است .

تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم

قانونمندی حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۵

۵ هیچ حادثه ای در جهان به طور صدفه و خارج از نظام علیت به وقوع نمی پیوندد.

لکل نبإ مستقر

جمله <لکل نبإ> بیان یک قضیه محصوره به صورت موجبه ای کلیه است. بنابراین هیچ <مخبر عنه> از کلیت آن خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ،

زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مرفهان و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷ - رفاه زدگان و ذلّت پنداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در خواهند یافت .

فأمّا الإنسن إذا ما ابتليه . .. يومئذ يتذكّر الإنسن

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

منافقان مدینه و حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۶،۷

۶ - منافقان مدینه ، در عین ترس از حضور در مدینه ، به هنگام حمله دشمن ، دوست داشتند از اخبار مربوط به مسلمانان آگاه باشند .

و إن يأت الأحزاب يودّوا لو أنّهم بادون فى الأعراب يسئلون عن أنبائكم

۷ – منافقان مدينه ، به پى

گیری تحولات و رخداد های مدینه ، علاقه مند بودند .

یسئلون عن أنبائکم

منشأ حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۷

۲۷ - هیچ فعل و انفعالی در جهان ، خارج از خواست و اختیار خدا تحقق نمی یابد .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ نکوهش و تحقیر کسانی که خداوند را محور همه حوادث عالم نمی دانند و آن را درک نمی کنند .

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

از مصادیق مورد نظر برای <حدیثا>، خدامحوری حوادث عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۴

۴ حوادث خطرآفرین و مشکل زا ، از ناحیه خداوند است و به فرمان او جریان دارد .

یحفظونه من أمر الله

<من> در <من أمر الله> می تواند سببیه باشد. در این صورت <یحفظونه من أمر الله> ; یعنی، او را حفظ می کنند و این به خاطر فرمان خداوند به آن فرشتگان است. و می تواند به معنای <در برابر> باشد. بر این مبنا مراد از <أمر الله> حوادث و خطرهاست و چون اینها به فرمان خدا تحقق یافته اند، به آن <أمر الله> گفته شده است. بر این اساس <یحفظونه من أمر الله> ; یعنی، اورا از خطرها حفظ می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۵

۲۵- مصائب و حوادث جهان ، دارای توجیه و

تفسیر دقیق و ریشه دارند .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

مجموعِ داستان موسی وخضر(ع) این نکته را روشن می کند که حوادث غیر مترقبه و رخدادهای مثبت و یا منفی را نباید گتره ای پنداشت، بلکه دستی غیبی در کار است تا حوادث را به این شکل سامان بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۶

۶- علل و اسباب حوادث عالم ، منحصر به علل طبیعی و عادی نیست .

قال ربّک هو علیَّ هیّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث به سمت تحقق اراده خود

أوحینا إلی أُمّ موسی . .. و حرّمنا علیه المراضع... فرددنه إلی أُمّه

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی(ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید; ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی(ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۱

۳۱ - رخداد مطلَّقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (ص) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند ، تحقق پیدا کرده است .

فلمّا قضی زید منها وطرًا زوّجنکها . .. و کان أمر اللّه مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۱

۱ - هیچ حادثه ناگواری در زندگی بشر ، اتفاقی و از روی تصادف نیست .

ما أصاب

من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلاّ فی کتب

منشأ حوادث پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۹

۵ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا . .. یطیروا بموسی و من معه

جمله <فإذا جاءتهم . .. > با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم یذّکّرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث در مقام پاسخ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

۹ تحلیل فرعونیان در ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند (میمنت خویش و نحوست موسویان) ، تحلیلی جاهلانه و نادرست بود .

و لکن أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۹

منشأ نجات از حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلمّا نجّکم إلی البرّ

موانع تکرار حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۷

۷ جواز یادآوری سوء سابقه افراد به آنان

و ترتیب اثر دادن به آن ، به منظور جلوگیری از تکرار وقایع ناخوشایند

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

موسی(ع) و دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۹

۹- موسی (ع) بر روش آموختن علم تأویل حوادث ، شکیبایی نداشت .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

کذلک . .. و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتنی من تأویل الأحادیث

نقش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۶

۶- رخداد های طبیعی مرگ آفرین ، وسیله ای برای تنبه انسان ها و عاملی در جهت تربیت آنان

أفأمنتم أن يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل عليكم حاصبًا

از اینکه خداوند به کسانی که پس از رهیدن از خطر، از خدا اعراض می کنند، هشدار می دهد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، استفاده می شود که توجه به آن رخدادها، می تواند عاملی باشد برای تنبه و تربیت انسانها.

نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۴

- ۴

حوادث طبیعی ، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس ، برای جلب توجه مردم به خداوند ، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزّل من السماء ماء فأحیا به الأرض . .. لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۷،۸

۷ - آیه بودن رخداد های طبیعی ، برای کسانی قابل درک است که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من ءایته یریکم البرق . .. و ینزّل من السماء ماء فیحیی به الأرض ... إنّ فی ذلک

۸ - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

یریکم البرق . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۵

۵ - رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا علیهم سیل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

حوادث طبیعی

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با

حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حوادث طبیعی ، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس ، برای جلب توجه مردم به خداوند ، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزّل من السماء ماء فأحیا به الأرض . .. لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۴ – ۷،۸

۷ – آیه بودن رخداد های طبیعی ، برای کسانی قابل درک است

که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من ءایته یریکم البرق . .. و ینزّل من السماء ماء فیحیی به الأرض ... إنّ فی ذلک

۸ - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

یریکم البرق . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۵

۵ - رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا علیهم سیل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

حواریون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حواریون

آمادگی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۹

۹ - حواریون به دعوت عیسی (ع) ، پاسخ مثبت داده و برای یاری او اعلام آمادگی کردند .

قال الحواریّون نحن أنصار اللّه

اخلاص حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۶

۶ ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذکر نعمتی . .. و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی قالوا ءامنا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: . .. لانهم کانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغیرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر ... . >

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰، ب ۳۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۰، ح

الگو گیری از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴،۵

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه کما قال عیسی ابن مریم . .. قال الحواریّون

۵ - حواریون عیسی (ع) ، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا ، پیامبر (ص) و دین او

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه

الهام به حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده ، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند .

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً <اذ قال . ..> در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای <اوحیت> می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود: الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

۲ حواریون ، بهره مند از وحی و الهام خداوند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

تفسیر <اوحیت> در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: الهموا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۲۲۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۹، ح ۴۲۹.

امدادهای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یأیّها الذین ءامنوا

کونوا أنصار اللّه کما قال عیسی ابن مریم . .. قال الحواریّون

انقیاد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۴،۷،۸،۹

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بی و برسولی> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . .. و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۶

۶ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

انگیزه حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه

های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

۴ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف <نطمئن> بدون <ان> بر <نأکل> می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

ایمان حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریّون نحن انصار اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۴،۶،۸

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۶ ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذکر نعمتی . .. و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی قالوا ءامنا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از

سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: . .. لانهم کانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغیرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر ... . >

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰، ب ۳۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۰، ح ۴۳۵.

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . .. و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۵،۶،۷،۹

۵ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند .

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

چنانچه <اتقوا اللّه> فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> ایمان به رسالت عیسی(ع) خواهد بود.

۶ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

تبلیغ حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۵۲ - ۲۵

۲۵ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلّغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریّون نحن انصار اللّه

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمّی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: . .. لانّهم کانوا مخلَصین فی انفسهم و مخلِصین لغیرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التّذکیر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

تعداد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ حواریون حضرت عیسی (ع) دوازده مرد بوده اند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

از امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از تعداد حواریون حضرت عیسی(ع) روایت شده: . .. اما الحواریون فکانوا اثنی عشر رجلا ... . <

توحید صدوق، ص ۴۲۱، ح ۱، ب ۶۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۰، ح ۴۳۴.

تعقل حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۳

۳ حواریون عیسی (ع) در ابتدای ایمانشان بر اندیشه ای ناصواب نسبت به خداوند و توانمندی وی

اذ قال الحواریون . .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

با توجه به اینکه <اذ قال الحواریون . ..> متعلق به <اوحیت> در آیه قبل است می توان نتیجه گرفت که سخن آنان (هل یستطیع ...) در همان ابتدای گرایش آنان به مسیح و قبل از الهام خداوند به آنان بوده است.

تقوای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۹

۹

حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

تلاش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع) ، برای هدایت بنی اسرائیل

فامنت طائفه من بنی اسرءیل و کفرت طائفه

حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۳،۱۴،۱۸،۲۰،۲۲،۲۳،۲۵

۱۳ حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصاری الی اللّه قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۱۴ حواریون در پی دعوت عیسی (ع) ، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند .

من انصاری الی اللّه . .. قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۲۰ درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانّا مسلمون

۲۵ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلّغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریّون نحن

انصار اللّه

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمّی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: . .. لانّهم کانوا مخلَصین فی انفسهم و مخلِصین لغیرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التّذکیر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عیسی (ع) ، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

حواریون و عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۷،۹

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بی و برسولی> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱،۴

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <نأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع) ، پس از نزول مائده آسمانی ، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا . .. و نکون علیها من الشهدین

خواسته حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۸،۹

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . .. و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱،۲،۴،۷،۹،۱۴

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و

نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <نأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱

۱ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۲

۲ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال اللّه انی منزلها علیکم

به کارگیری <منزّل> از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

دعای حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

دعوت از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، از حواریون خواست او را در هدایت خلق به سوی خداوند یاری کنند .

کما قال عیسی ابن مریم للحواریّین من أنصاری إلی اللّه

سرزنش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۰،۱۳،۱۴

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جمله <اتقوا اللّه . ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل یستطیع ربک ...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۳ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر رعایت نکردن ادب در یادکردن از نام خدا

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه

رعایت ادب در مورد آیه این بود که حواریون به جای <ربک> (پروردگارت) بگویند: ربنا

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

طعام حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۱۳ - ۴

۴ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف <نطمئن> بدون <ان> بر <نأکل> می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

عقیده حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۸،۱۰

۸ حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . .. قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جمله <اتقوا اللّه . ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل یستطیع ربک ...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۶،۸

۶ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم <نأکل> که اشاره به جنبه مادی دارد، بر <تطمئن> و <نعلم> که از امور معنوی است، استفاده شده است.

۸ حواریون در آغاز رسالت مسیح ، محروم از ایمان راستین و گرفتار شک و تردید در حقانیت رسالت عیسی (ع)

قالوا . .. و تطمئن قلوبنا

و نعلم ان قد صدقتنا

عهد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع) ، پس از نزول مائده آسمانی ، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا . .. و نکون علیها من الشهدین

عیسی(ع) و حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۹

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

فضایل حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۲،۴،۷

۲ حواریون ، بهره مند از وحی و الهام خداوند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

تفسیر <اوحیت> در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: الهموا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۲۲۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۹، ح ۴۲۹.

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بی و برسولی> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۳

۳ تفضل خداوند بر حواریون با تکرار نزول مائده آسمانی بر ایشان *

قال اللّه انی

منزلها علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که استعمال <منزّل> از باب تفعیل برای اشاره به کثرت نزول مائده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴،۱۰

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یأیّها الذین ءامنوا کونوا أنصار اللّه کما قال عیسی ابن مریم . .. قال الحواریّون

۱۰ - توسعه و گسترش دین ، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریّون نحن أنصار اللّه

مادیگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۶

۶ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم <نأکل> که اشاره به جنبه مادی دارد، بر <تطمئن> و <نعلم> که از امور معنوی است، استفاده شده است.

مائده آسمانی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۱

۱ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

قال اللّه انی منزلها علیکم

اسم فاعل <منزّل> حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح(ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

نعمتهای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان

و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال اللّه انی منزلها علیکم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً . .. .

مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

هدایتگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع) ، برای هدایت بنی اسرائیل

فامنت طائفه من بنی اسرءیل و کفرت طائفه

حواریون عیسی(ع)

{حواریون عیسی(ع)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۵

۵ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده (کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

ربّنا امنا بما انزلت و اتّبعنا الرسول

حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۵،۲۳،۲۲،۲۰،۱۸،۱۴،۱۳

۱۳ حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصاری الی اللّه قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۱۴ حواریون در پی دعوت عیسی (ع) ، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند .

من انصاری الی اللّه . .. قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریّون نحن انصار اللّه

۲۰ درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر

مقام تسلیم آنان

امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانّا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانّا مسلمون

۲۵ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلّغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریّون نحن انصار اللّه

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمّی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: . .. لانّهم کانوا مخلَصین فی انفسهم و مخلِصین لغیرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التّذکیر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عیسی (ع) ، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

دعای حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

حواس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حواس

اهمیت حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ -

۷ شنوایی و بینایی و دیگر حواس ، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن یملک السمع و الأبصر

حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۵

۵ - حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و . . .) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۹

۹ - انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

ضعف حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۳

۳ - نارسایی حس از دریافت همه واقعیت های نظام طبیعت

تحسبها جامده و هی تمرّ

آیه بالا بیانگر این نکته است که حقایقی در جهان طبیعت وجود دارد که حس معمولی بشر از دریافت آن عاجز است; همانند حرکت کوه ها همراه حرکت زمین.

عوامل مؤثر در حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوکم . .. و إذ زاغت الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف . .. تدور

أعينهم

مالک حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۵

۵ شنوایی و بینایی و دیگر حواس انسان ، تحت مالکیت و فرمان خداست .

أمن یملک السمع و الأبصر

کلمه <یملک> می تواند از مصدر <مِلک> (مالک بودن) و نیز می تواند از <مُلک> (فرمانروایی) باشد.

محدوده حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ مشاهده خداوند با حواس ظاهری ، امری ناممکن و انتظاری بی جاست .

فقالوا أرنا اللّه جهره فأخذتهم الصعقه بظلمهم

مهمترین حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۶

۶ شنوایی و بینایی ، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن یملک السمع و الأبصر

گزینش دو قوه <شنوایی> و <بینایی>، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

نقش حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۹

۹ نقش حس و مشاهده عینی در فراگیری و شناخت

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۷

۷- حس و تجربه (شنیدن و دیدن) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر *

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

این برداشت بدان احتمال است که تقدم <السمع و الأبصار> بر <الأفئده> اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۳

۳

- دریافت های حسی ، زمینه ساز شناخت ها و ادراکات عقلانی

و هو الذی أنشأ لکم السمع و الأبصر و الأفئده

آمدن <سمع> و <أبصار> پیش از <افئده> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۶

۶ - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۴

۴ - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم . .. ما لهم بذلک من علم ... أم ءاتینهم کتبًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

حورالعین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حورالعین

آمادگی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۱

۱

- حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فجعلنهنّ أبکارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

پذیرایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

تشبیه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۳ – ۱

۱ – حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عین . کأمثل اللؤلؤ المکنون

جذابیت حورالعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵۴ – ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>); یعنی، زنانی که

سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۱

۱ - زیبایی و جذابیت حوریان ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود; چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۲

۲ - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جوانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه

در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۱،۶

۱ - تقواپیشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نورس و نار پستان

کواعب

<کاعب> (مفرد <کواعب>) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله . . . < و کواعب أتراباً > أی الفتیات الناهدات ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند . .. <و کواعب أتراباً> روایت شده که فرمود: یعنی دختران نوجوانی که پستان های آنان برآمده است>.

چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳ - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که <قاصرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشد که

در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

به کارگیری فعل ماضی <أنشأناهنّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خوش اخلاقی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - < قال رسول اللّه (ص) : . . . < فیهنّ خیرات حسان > یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . ..<...خیرات حسان>; یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خوشرویی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرُب> جمع <عَروب> است و <عروب>

به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحیط).

رنگ چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود; چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

زبان حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۵

۵ - < عن جعفربن محمد عن أبیه (رضی اللّه عنه) قال رسول اللّه فی قوله < عرباً > قال : کلامهنّ عربیّ ;

از امام صادق(ع) از پدرش(ع) از رسول خدا(ص) روایت شده که درباره <عرباً> در کلام خدا فرمود: [یعنی]سخن گفتن آنان عربی است>.

زیبایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۱

۱ - زیبایی و جذابیت حوریان ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - < قال رسول اللّه (ص) : . . . < فیهنّ خیرات حسان > یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . ..<...خیرات حسان>; یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود; چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و

نیز نکره آوردن <إنشاءً> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۲

۲ - حوریان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

<أتراب>، جمع <ترب> بر وزن <مصر> است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، <ترب> یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از <ترب> در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

سفیدی بدن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

سن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۳

۳ - حوران بهشت ، با شوهرانشان از نظر سنی برابراند .

أترابًا

برداشت بالا بر این اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

صفات حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً

مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>)؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

عفت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳ - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که <قاصرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۲،۵

۲ - حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

۵ - < عن الحلبی قال : سألت أباعبداللّه عن قول اللّه عزّوجلّ < . . .حور مقصورات فی الخیام > قال الحور هنّ البیض المضمومات [المضمرات] [المصونات] المخدّرات فی خیام الدرّ و الیاقوت و المرجان . . . ;

حلبی می گوید از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ <. ..حور مقصورات فی الخیام> سؤال نمودم، فرمود: [آن]حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۲

۲ - حوریان جذاب

و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۱،۲

۱ - حوریان عفیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۲

۲ - حوران بهشتی ، در نهایت پاکدامنی بوده و دست هیچ بیگانه ای آنان را لمس نکرده و چشم بیگانه ای آنها را ندیده است .

و حور عین . کأمثل اللؤلؤ المکنون

تشبیه حوران بهشتی به مرواریدهای نهفته در صدف، می تواند کنایه از مطلب بالا باشد.

علاقه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرُب> جمع <عَروب> است و <عروب> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحیط).

فضایل حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی

و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - < قال رسول اللّه (ص) : . . . < فیهنّ خیرات حسان > یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . ..<...خیرات حسان>; یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۲

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاءً> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

کام دهی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنّا أنشأنهنّ

إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاءً> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

مستوری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۲

۲ - حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۴

۴ - باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فجعلنهنّ أبکارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله <همواره باکره ماندن> در ذهن مخاطبان صدراسلام غیر قابل باور جلوه کند، خداوند آن را به خواست خود نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

نشاط حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۲

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

نعمت ازدواج با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۱

۱- ازدواج با حوریان بهشتی ، نعمتی الهی برای متقین

کذلک و زوّجنهم بحور عین

نعمت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۵۵ - ۷۳ - ۱

۱ - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۱

۱ - حوریان عفیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ إنس قبلهم . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

نقش حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۲

۲ - حوران بهشتی ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ . .. لأصحب الیمین

ویژگیهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۶

۶ - حوریان بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیوی بهشتیان

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

تعبیر <لم یطمثهنّ إنس. ..> می رساند که اصولاً حوریه های بهشت، سابقه ارتباط هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۵

۵ - < عن الحلبی قال : سألت أباعبداللّه عن قول اللّه عزّوجلّ < . . .حور مقصورات فی الخیام > قال الحور هنّ البیض المضمومات [المضمرات] [المصونات] المخدّرات فی خیام الدرّ و الیاقوت و المرجان . . . ;

حلبی می گوید از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ <. ..حور مقصورات فی

الخیام> سؤال نمودم، فرمود: [آن]حوریان همان سفیدانداماني هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۱،۳

۱ - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

۳ - حوران بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیایی بهشتیان

لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

تعبیر <لم یطمثهنّ إنس قبلهم. ..> می رساند که اصولاً حوریان بهشتی، سابقه ارتباط با هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، غیر از همسران دنیوی بهشتیان اند .

کأمثل اللؤلؤ المکنون

در صورتی که تشبیه به <لؤلؤ مکنون> کنایه از این باشد که هیچ بیگانه ای، حوران بهشتی را قبلاً لمس نکرده; معلوم می شود که آنها زنانی غیر از زنان دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۱

۱ - حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فجعلنهنّ أبکارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱،۳

۱ – حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرُب> جمع <عَروب> است و <عروب> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحیط).

۳ – حوران بهشت ، با شوهرانشان از نظر سنی برابراند .

أترابًا

برداشت بالا بر این

اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

همسانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۲

۲ - حوریان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

<أتراب>، جمع <ترب> بر وزن <مصر> است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، <ترب> یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از <ترب> در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

همسرداری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرُب> جمع <عَروب> است و <عروب> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحیط).

همسنی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تِرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

همنشینی با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۳

۳ - تقواپیشگان ، برخوردار از هم نشینی صمیمانه حوریان جوان در بهشت

أترابًا

در <معجم مقاییس اللغه>، <تِرْب> با <خِدْن> (دوست و همراه) به یک معنا گرفته شده است.

حیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیا

آثار حیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۱

۲۱ - حیای آدمی ، مانع انجام برخی کار ها است .

إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ فیستحیی منکم

حیا از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۱،۳،۴

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد; بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

۳ خداوند ، سزاوارترین ناظری است که هنگام گناه باید از او شرم کرد .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه و هو معهم

۴ کسانی که از مردم شرم می کنند ، ولی از خدا شرمی ندارند ، مورد سرزنش خداوند هستند .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه و هو معهم

حیا از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد; بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

۴ کسانی که از مردم شرم می کنند ، ولی از خدا شرمی ندارند ، مورد سرزنش

خداوند هستند .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه و هو معهم

حیا از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۱ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه ینهاکم عن التعرّی فاستحیوا من ملائکه اللّه الذین معکم الکرام الکاتبین الذین لایفارقونکم إلاّ عند ثلاث حاجات الغائط و الجنابه و الغسل ;

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند شما را از عریان بودن نهی فرموده است. پس حیا کنید از فرشتگان خدا که با شما هستند; همان <کرام الکاتبین> که ارجمند و نویسنده اعمال اند. آنان که از شما جدا نمی شوند; مگر در سه مورد که رفع نیاز می کنید: هنگام تخلّی، جنابت و غسل>.

حیا در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۴

۴ - شرم و حیا نباید آدمی را از بیان حقایق دینی باز دارد .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه

افعال خداوند از منبع لایزال علم و حکمت، صادر گردیده است و آنچه از افعال خداوند در قرآن بیان گردیده برای ماقابل تأسی است (جز مواردی که ممکن نیست مانند <خلق>). بر این اساس از جمله <لایستحیی> می توان این درس را گرفت که: در بیان حقایق نباید از چیزی شرم کرد.

حیای بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۵

۲۵ - در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

و اللّه لایستحیی من الحقّ

خدا و حیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱

- بقره - ۲ - ۲۶ - ۳

۳ - خداوند در تبیین حقیقت از تمثیل به حشره ای همانند پشه ، پروا و شرمی ندارد .

إن اللّه لایستحی أن یضرب مثلا ما بعوضه فما فوقها

<استحیاء> از <حیاء> به معنای خجالت کشیدن و شرم کردن است و <بعوضه> به معنای پشه می باشد.

حیات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۴،۶

۴ نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما کان لنفس ان تموت الّا باذن اللّه کتاباً مؤجّلا

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

۶ قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات ، برخاسته از اراده و حاکمیّت خداوند

و ما کان لنفس ان تموت الّا باذن اللّه کتاباً مؤجّلا

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسبابِ مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیّت عوامل مادّی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ،

به هنگام قیامت

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسّران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱،۳،۶،۸،۱۱،۱۲

۱ مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل اللّه امواتا

۳ شهیدان راه خدا ، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربّهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

نکره بودن کلمه <احیآء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

۱۱ وجود رابطه میان حیات و رزق ، حتّی در عالم برزخ

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

۱۲ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (ص) *

و لا تحسبنّ . .. عند ربّهم یرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در این آیه تنها

خطابش را متوجّه پیامبر (ص) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (ص) است.

آثار استبعاد تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۴

۴ - بعید شمردن حیات دوباره انسان ها پس از مرگ ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

آثار انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا . .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

آثار تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۲

۲ - مطالعه جریان مرگ ، حیات ، نظام آفرینش و روند تحولات تاریخ ، راهگشای انسان به سوی جهان بینی الهی

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

از ارتباط این آیه با آیات پیشین به وسیله فای تفریع مطلب بالا استفاده می شود.

آثار تفکر در پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۳

۳ - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما . .. ءایت لقوم یوقنون

طرح خلقت

انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد; چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

آثار تفکر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۳

۳ - تفکر آدمی در آفرینش حیات و مرگ خویش ، وادار کننده وی به ایمان و باور به خدای یکتاست .

کیف تکفرون باللّه و کنتم أموتاً فأحیکم

آثار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - تأثیرپذیری از آیات روشن الهی در جهان طبیعت ، مستلزم داشتن حیات و شعور انسانی است .

اللّه الذی یرسل الریح . .. فإنّک لاتسمع الموتی

آثار حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا . .. لنحیی به بلده میتًا و نسقیه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسیّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده میتاً> و <أنعاماً> بر <أناسیّ> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

آثار حیات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۳،۴

- ۳

تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

آثار حیات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۶ - ۳

۳ - زنده ماندن پیامبر (ص) پس از ادعای نبوت ، دلیل صدق رسالت و درستی ادعای آن حضرت است .

و لو تقوّل علینا . .. لقطعنا منه بالوتین

خداوند، مجازات مرگ را برای پیامبر(ص) در صورت دروغ بستن بر خدا مقرر فرمود. این مطلب می تواند گویای این حقیقت باشد که زندگانی آن حضرت پس از ادعای نبوت، گواه صدق ادعای ایشان است.

آثار ذکر استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۵

۵ - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لکم السمع . .. و هو الذی یحی و یمیت ... أفلاتعقلون ... قالوا أءذا

آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۶

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت

و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه . .. فی شقاق بعید... ألا إنّهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستوجو کرد.

آثار علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۵

۵ وابستگی به خانه و سرزمین ، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

آل یعقوب و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا ...> باشد ; زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی

و ...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

ادراک حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۵

۵ - اندیشه ها ، از درک زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحیاء و لکن لاتشعرون

ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴،۵

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

حرف <فی> در <فی الأخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است.

نکره آوردن آن برای رساندن قلّت می باشد.

۵ حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من کان یرید العاجله . .. و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ارزش حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۷

۷ - ارزش حیات و زندگی دنیوی انسان ها ، در گرو رسیدن آنان به تقواپیشگی است .

و لکم فی القصاص حیوه . .. لعلکم تتقون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که <لعلکم . ..> بیان غایت برای <حیاه> باشد; یعنی، قانون قصاص تشریع شد تا حیات جامعه را تضمین کند و حیات و زندگی به خودی خود ارزشی ندارد مگر اینکه زمینه ای برای تحصیل تقوا باشد.

ارزش حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۹

۹

نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من کان یرید العاجله . .. و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ارزش حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۴

۴ ارزش ایمان و حیات مؤمن در پیشگاه خداوند

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها

استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ – سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا و أجل مسمًّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است; یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی. ...

دراین که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - حیات و مرگ ، جریانی مستمر در سراسر گیتی

و هو الذی یحی و یمیت

حذف مفعول کلمه های <یحیی> و <یمیت>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که: قضیه مرگ و حیات منحصر در پدیده های زمین نیست; بلکه حقیقتی است که در سراسر جهان آفرینش جریان دارد. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) بیانگر استمرار این جریان عام می باشد.

۳ - جریان مستمر مرگ و حیات از جلوه های توحید ، ربوبیت و تدبیر خداوند

و هو الذی یحی و یمیت

این بخش از آیات، در مقام بیان جلوه های ربوبیت و تدبیر خداوند نسبت به جهان و انسان است در برابر این اندیشه شرک آمیز مردم صدراسلام بود که معتقد به ربوبیت غیر خدا بودند.

اقرار به تعدد حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

امتحان با حیات

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۴

۴ - تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

امکان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۹

۹ انسان ، موجودی با استعدادِ همیشه ماندن و فنا نپذیرفتن

هم فیها خلدون

انسان و حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۹

۹ انسان ، موجودی با استعدادِ همیشه ماندن و فنا نپذیرفتن

هم فیها خلدون

انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

اهمیت تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۳

۳ - اهمیت تقدیر و حساب گری در تنظیم بهینه حیات

و أنزلنا من السماء ماء بقدر

اهمیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۱

۱۱ قانون حیات و مرگ ، نشانه و پرتوِ ربوبیّت الهی

ربّی الّذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- آبرو و شخصیت انسان مهم تر از حیات و زندگی مادی او است .

یلیتنی متّ قبل هذا

این که مریم، مرگ را بر زندگی بدون آبرو ترجیح می دهد، گویای

حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی اللّه عنهم . .. جنت ... خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۸

۸- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد .

من کان یرید العاجله . .. و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکورًا

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیاطلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی وتلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است، استفاده می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء ليقولون

. .. و ما خلقنا السموت ... لعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است; یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرنیش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

اهمیت حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۷

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون. أو من کان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

بی ارزشی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴،۷

۴ حیات دنیا در قیاس

با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

حرف <فی> در <فی الأخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قلّت می باشد.

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحیوه الدنیا و . ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ; یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

پوچی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۶

۶ زندگانی دنیا بدون پایگذاری آن بر مبنای ایمان و تقوا ، بازیچه ای بیش نیست .

أن یأتیهم بأسنا ضحی و هم یلعبون

پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحیّ من المیّت و تخرج المیّت من الحیّ

۵ پیدایش مستمر حیات و مرگ به دست خدا ، نشانه قدرت اوست .

تخرج الحیّ من المیّت

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحیّ من المیّت

از تقدیم <تخرج الحیّ . .. > بر <تخرج المیّت ... > استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی

جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

پیدایش حیات از موجودات بی جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲،۳،۴

۲ خداوند پدیدآورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله . .. یخرج الحی من المیت

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

تجدید حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۷

۷ - خداوند ، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید .

کذلک یحی اللّه الموتی

تجدید حیات اجداد مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷ - ۲

۲ – مشرکان ، حیات مجدد نیاکان اولیه خود را در روز رستاخیز ، بعیدتر و غیرممکن تر از تجدید حیات خود می دانستند .

أءنّا لمبعوثون . أوَ ءاباؤنا الأوّلون

از عطف <أو ءاباؤنا. ..> بر <أءنا لمبعوثون> که برای ارتقای اظهارِ استحاله امرِ معاد است و نیز از اختصاص

به ذکر یافتن <آباء>، برداشت یاد شده به دست می آید.

تجدید حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۱ - ۵

۵ - شفایابی انسان پس از بیماری و حیات مجدد وی پس از مرگ ، نمود های ربوبیت الهی

إلّا ربّ العلمین . .. و إذا مرضت ... و الذی یمیتنی ثمّ یحیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۳

۳ - آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

سخن گفتن خداوند درباره <بدء> و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۳،۵،۶

۳ - بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

<مزق> در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

۵ - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و قال الذین کفروا ... إذا مزّقتم کلّ ممزّ

این آیه عطف به آیه <و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه. ..> است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

۶ - سخن گفتن پیامبر (ص) از بازآفرینی انسان

ها در قیامت

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۱

۱ - انسان ها پس از مردن و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت از سوی کافران

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ضرورت برپایی قیامت و خلقت دوباره آدمیان ، در بینش الهی

و أنّ علیه النشأه الأُخری

تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۵

۵ - انسان ها ، در عالم آخرت ، حیات مجدد پیدا می کنند .

الذین کفروا و کذّبوا بأیتنا و لقایِ الأخره

مراد از <لقاء الآخره> می توانـد تحقق لقای انسان ها با خـدا در عالم آخرت باشـد که در این صورت، مسـتلزم حیات مجـدد آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴

- ۳ - ۱۵

۱۵ - احاطه علمی خداوند به ذرات پراکنده در زمین ، پشتوانه تحقق معاد و حیات مجدد انسان ها

یعلم ما یلج فی الأرض . .. و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی و ربّی لتأتین

توجه دادن به این حقیقت که خداوند از اجزای پراکنده اطلاع دارد، اشعار به امکان تحقّق معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۴

۴ - کافران ، بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه شدن از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم . ..أفتری علی اللّه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت که پیامبر(ص) مطرح می کند افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. ازاین رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۱

۱ - تمامی انسان ها ، پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون . .. قل نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است

.

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است; چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

۴ - آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أكبر . .. و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لایعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۷

۷ - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إنّ الساعه لأتيه لاريب فيها . .. هو الذى يحيى و يميت فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۵

۵ - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بربّ المشرق و المغرب إنّا لقدرون . على أن نبدّل خيرًا منهم و ما نحن بمسبوقين

تجدید حیات در روز

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۱

۱ - روز ، زمان زندگی و حیاتی مجدد برای انسان ، پس از فرو نشستن آثار حیات او در خواب

و جعلنا النهار معاشًا

<معاش> مصدر میمی و به معنای حیات و زندگی است (لسان العرب). اطلاق حیات بر روز، به این اعتبار است که انسان از خواب شب که به قرینه تقارن این آیه با دو آیه قبل به مرگ تشبیه شده است برمی خیزد و حیاتی دوباره آغاز می کند. کسانی که این کلمه را اسم زمان و به معنای زمان عیش (زمان زندگی) دانسته اند، همین مفاد را در نظر گرفته اند.

تجدید حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

تحول حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳ - ۴۹ - ۹،۱۲

۹ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

انّی اخلق لکم من الطین کهیئه الطیر فانفخ فیه

بیانِ آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلّی تحول حیات. و اگر مقصود، صرفِ بیانِ اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

۱۲ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان ، در پرتو اذن خداوند

انّی اخلق . .. باذن اللّه

تداوم حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۲

۲- مرگ و حیات ، امری دایمی و مستمر

و إنا لنحن نحی و نمیت

آمدن جمله اسمیه <إنا لنحن نحیی و نمیت> و نیز فعلهای مضارع <نحیی> و <نمیت>، بیانگر استمرار است.

تداوم حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۷

۷- حیات انسان ها با مرگ پایان نمی پذیرد و پس از آن نیز ادامه دارد .

و إنا لنحن نحی و نمیت . .. و إن ربّک هو یحشرهم

از اینکه خداوند، در آیه ۲۳ فرمود: <ما انسانها را می میرانیم> و در این آیه می فرماید: <انسانها را گرد خواهیم آورد> حاکی از تداوم حیات انسان پس از مرگ است.

تداوم حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۳

۳ - شرایط حیات در کره زمین حتی برای جانداران بیابانی تا زمان پیدایش نشانه های قیامت ، همچنان باقی خواهد ماند .

و إذا

الوحوش حشرت

تداوم حیات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۴

۴- شیطان ، تا برپایی قیامت زنده و همواره به اغوای نسل آدم (ع) مشغول است .

لئن أخّرتن إلی یوم القیمه لأحتنکنّ ذریّته إلاّ قلیلاً . قال اذهب فمن تبعک

تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

تعقل در چرخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۸

۸ - ژرف نگری درباره چرخه حیات و مرگ موجودات ، برطرف کننده استبعاد معاد است .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

دعوت از کافران به تعمّق و مطالعه در کیفیت پیدایش موجودات و بازگشت آنها به حالت نخست شان، به منظور راه یافتن به قدرت خدااست و این که خداوندی که بر پدید آوردن و میراندن موجودات، قادر است، توانایی دارد که معاد را تحقق بخشد.

تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۷

۷ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالق الحب و النوی . .. ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت . .. أفلاتعقلون

تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکونوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد; یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدّر نبود، کشته نمی شدند.

تقدیر حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۶

۶ خداوند ، برای حیات و انقراض هر جامعه و امتی ظرف زمانی مشخصی ، از پیش مقدر فرموده است .

لکل أمه أجل

تکامل حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۶

۶ آفرینش آدم در دو مرحله (مرحله خلق از خاک ، مرحله امر)

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

توسعه در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۲

۲ رهایی از تنگنا ها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره ای

برای هجرت در راه خدا

و من یهاجر فی سبیل اللّه یجد فی الارض مراغماً کثیراً وسعه

جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خلدین فیها أبدًا

حتمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱

۱ - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إنّه ظنّ أن لن یحور . بلی

حفظ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۵

۵ حضور همواره فرشتگان محافظ در کنار آدمی برای حفظ حیات اوست.

و یرسل علیکم حفظه حتی إذا جاء أحدکم الموت

چون غایت گسیل ملائکه محافظ، مرگ آدمی است (حتی إذا جاء أحدکم الموت)، به قرینه تناسب حکم و موضوع باید حضور فرشتگان برای حفظ و بقای حیات آدمی باشد.

حفظ حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ حفظ حیات یک انسان و جلوگیری از نابودی وی در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسانهاست .

و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

مراد از <احیاء> نمی تواند زنده کردن مردگان باشد ; بلکه به معنای حفظ حیات انسانها و جلوگیری از هلاکت آنان است. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از معنای <من احیاها> در آیه فوق فرمود: نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۸۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۱.

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنـده به گور شـده) به جهت پیشـگیری از ارتکـاب این جنایت بوده است; و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

حقانیت حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷ - وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

حقیقت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۹

۹ نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا . .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۳

۳ حیات دنیا ، حیاتی فریبنده و سرگرم کننده

غرتهم الحیوه الدنیا

غرور (مصدر غرّت) به معنای فریب دادن است.

حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۸ – ۸

۸ – بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

یحییکم ثم إلیه ترجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۴۰ – ۷

۷ – ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . .. أليس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می

آید.

حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را]پس از میراندن[زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد اللّه المؤمنین . .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یوم أُبعث حیًّا

با این که فعل <أُبعث> بر زنده شدن دلالت دارد، تصریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسی(ع) در مقایسه با دیگران باشد.

حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیاست .

و الاخره خیر لمن اتّقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۳

۳- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقواپیشگان

فی مقام أمین . .. فکهه ءامنین . لایذوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با <مقام أمین> در آیات پیشین و <آمنین> در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

حیات اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

حیات از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۷

۷- مرگ و حیات ،

از آیات خداوند است .

و إنا لنحن نحی و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۱

۱ - پدیده حیات و احیای زمینِ مرده ، آیه و نشانه ای بزرگ از خداوند است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحییناها . .. حبًّا

<حَبّ> به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و. ..) است. گفتنی است که نکره آمدن <آیه> برای تفخیم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۸

۸ - نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و ءایه لهم الأرض . .. سبحن الذی خلق الأزوج کلّها... و ممّا لایعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

حیات اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح

فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۳

۱۳ حیات انسان ها ، تفضّل الهی بر آنان

ثمّ احیاهم انّ اللّه لذوفضل علی النّاس

<انّ اللّه> همان گونه که می تواند تعلیل نقل داستان باشد، می تواند تعلیل جمله <ثمّ احیاهم> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۴

۴ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لک من الامر شیء . .. و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض

زیرا جمله <لیس لک . .. > با جمله <و للّه ما فی السّموات> تعلیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و من فی الأرض جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ انسان ها ، دارای منزلتی برابر در برخورداری از حق حیات

من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

جزای یکسان برای کشتن هر فرد و پاداش مساوی برای احیای وی، حاکی از برابری تمامی انسانها در حق حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۳

۳ حکم نافذ و لازم الاجرا در آفرینش و حیات و مرگ انسان، تنها از آن خداوند است.

و یرسل علیکم . .. ثم ردوا إلی الله مولیهم الحق ألا له الحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۳

۳ حیات انسان، و امکانات دیگر زندگی او، جملگی از آن خداوند و داده اوست.

کما خلقنکم أول مره و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۵

۵ استقرار و استیداع، دو حالتی که بنی آدم در یکی از آن دو قرار دارند.

أنشأكم من نفس وحده فمستقر و مستودع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۹

۹- حیات

نخستین انسان ، خود گویاترین دلیل بر امکان حیات دوباره اوست .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

حیات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۶

۱۶ < عن سفیان . . . الثوری ، قال : قلت لجعفربن محمد . . . یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : . . . < المر > . . . قال (ع) : . . . فمعناه : أنا الله المحیی الممیت الرازق . . . ;

از سفیان ثوری روایت شده است: به جعفربن محمد (امام صادق(ع)) گفتم: ای فرزند رسول الله معنای سخن خداوند عزوجل:. .. <المر> چیست؟...حضرت فرمود:... معنای آن این است که من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده ام ...>. مراد از روایت این است که: <الف> رمز <أنا>، <ل> رمز <الله>، <م> رمز <محیی و ممیت> و <ر> رمز <رازق> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۵

۵ - تنها آفریدگار هدایت گر ، و روزی دهنده ، شفابخش و حیات آفرین ، شایسته برای دل بستن انسان به غفران و بخشایش او

الذی خلقنی . .. و الذی أطمع أن یغفر ... یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۳

۳ - حیات بخشی خداوند به مرده و زمین ، از دلایل لزوم تسبیح خداوند است .

فسبحن اللّه . .. یخرج الحیّ من المیّت ... و یحیِ الأرض بعد موتها

<یخرج الحیّ> می تواند

تعلیل برای <فسبحان اللّه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۷

۷ - آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی

حیات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

کذلک أوحینا إلیک روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

حیات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۸

۸ - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده . .. أءله مع اللّه

حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۳

۳ - وجود عالم برزخ (عالم پس از دنیا و پیش از برپایی قیامت) و زنده شدن و مردن انسان ها در آن عالم *

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

در این که مقصود از دو مردن و دو زنده شدن چیست؟ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: مهم ترین آنها، دو نظریه است:
۱ زنده شدن در عالم برزخ و قیامت و مردن در دنیا و عالم برزخ;

۲ مرگ در آغاز تکوین انسان، پیش از دمیده شدن روح در وجود وی و مردن در پایان عمر و زنده شدن با دمیدن روح در انسان و زنده شدن در قیامت. این حقیقت در سوره <بقره> چنین یاد شده است: <و کنتم أمواتاً فأحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم ثمّ إلیه ترجعون>. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۴

۴ - وجود حیات برزخی (زندگی میان دنیا و قیامت) برای انسان ها

النار یعرضون علیها غدوًّا و عشیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۵،۷،۸

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همرزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

۷ وجود حیات برزخی ، پس از مرگ تا قیامت *

بل احیآء عند ربهم یرزقون. فرحین بما اتیهم اللّه من فضله و یستبشرون

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم

جمله <لم یلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که همرزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ معاد و حیات دوباره،

امری حتمی برای تمامی انسانها

کما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۴

۱۴- حیات انسان ها با مرگ ، پایان نمی پذیرد .

للذین أحسنوا . .. و لدار الأخره خیر

با توجه با اینکه آیه درصدد پاداش نیکوکاران در سرای دیگر است معلوم می شود که مرگ پایان حیات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۵

۵- انسان ، با مرگ نیست و نابود نمی شود .

الذین تتوفّهم الملئکه

<تتوفی> (از مصدر توفی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این معنا حکایت از آن دارد که حقیقت انسان گرفته می شود و منتقل می گردد. فراز بعدی آیه (سلام علیکم فادخلوا الجنّه) نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۶

۶- حیات پس از مرگ ، خلقتی جدید و تازه برای انسان است .

أءنَّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلکنا من قریه إلاّ و لها کتاب معلوم

حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیّا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

حیات جاودان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۸

۸ متقین ، مردمانی دور اندیش و در پی حیات جاودانه

أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون . .. لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدً

حیات جاودانه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

حیات جسمانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد اللّه المؤمنین . .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و

جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات جسمانی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۵

۵ حضرت عیسی (ع) ، هم اکنون زنده و دارای حیاتی جسمانی است .

و إن من أهل الکتب إلّا لیؤمننّ به قبل موته

با توجه به مضارع بودن فعل <لیؤمننّ> که اِخبار از آینده است

و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که تمامی اهل کتاب به حضرت عیسی(ع) ایمان آورده باشند، معلوم می شود آن حضرت هنوز زنده است.

حیات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

حیات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

حیات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن تواناهستند .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا

حیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۲،۴

۲ خداوند ، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست .

اللّه لا

اله الاّ هو الحیّ القیّوم

کلمه <قیّوم> به معنای پاینـده ای است که حفظ و نگهـداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لکل شـیء و المعطی له ما به قوامه.)

۴ حیات و قیومیّت مطلق ، ملاک معبودِ بر حق

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم

آوردن دو صـفت <حی> و <قیوم>، اشـاره به علّت حصـر عبودیّت در خداونـد است; یعنی تنهـا زنـده قائم به ذات و مـدبّر اشیا، می تواند معبود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۵

۱۵ ایمان به خداوند ، اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیّت ، قیومیّت ، حیات ، مالکیّت و علم مطلق اوست .

اللّه لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم . .. یؤمن باللّه ... و اللّه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۴،۷

۴ - اختصاص حیات حقیقی به خداوند ، دلیل نبودن هیچ معبودی جز او در جهان است .

هو الحیّ لا إله إلاّ هو

جمله <لاإله إلاّ هو> به منزله نتیجه برای <هوالحیّ> است; یعنی، چون خداونـد زنـده جاویـد است، پس جز او کسـی مدبر عالم و نیز شایسته معبود بودن نیست.

۷ - دعا و عبادت ، تنها شایسته خداوند یکتا و دارنده حیات حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلاّ هو فادعوه

<فا> در <فادعوه> عاطفه بوده و برای ربط میان سـبب و مسـبب است; یعنی، به سـبب آن که خـدا دارنـده حیات حقیقی و یکتا است، پس او را باید عبادت کرد و از او حاجت خواست.

حیات در آسمان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۸

۸ وجود موجوداتی دارای شعور در آسمانها

و له اسلم من فی السموات و الارض

و له اسلم من فی السموات و الارض

حیات در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۵

۵ - نظام حیات و مرگ در جهان هستی ، دلیلی آشکار بر امکان معاد و احیای مجدد انسان ها است .

یخرج الحیّ من المیّت . .. و کذلک تخرجون

حیات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حتّی یهاجروا فی سبیل اللّه

حیات در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷ - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی

مراد از <حیاه> در <لایحیی> به قرینه <لایموت فیها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - < عن أبی سعید الخدری : إنّ رسول اللّه (ص) خطب فأتی علی هذه آیه < إنّه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی > فقال رسول اللّه (ص) : أمّا أهلها الذین هم أهلها ، فإنّهم لایموتون فیها و لایحیون

، و أمّا الذین لیسوا بأهلها فإنّ النار تمیتهم إماته ثمّ یقوم الشفعاء فیشفعون ;

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به این آیه رسید <إنّه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم لایموت فیها و لایحیی>. پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم که سزاوار آن هستند در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزّاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود; می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حیات در ماده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۹،۱۲

۹ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

انّی اخلق لکم من الطین کهیئه الطیر فانفخ فیه

بیانِ آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلّی تحول حیات. و اگر مقصود، صرفِ بیانِ اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

۱۲ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان ، در پرتو اذن خداوند

انّی اخلق . .. باذن اللّه

حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

<متاع> به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲،۳

۱ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیّت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الّذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . .. ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۴ - ۶

۶ ظاهرسازی و فریفتن دیگران ، فقط در تنگنای حیات دنیا ممکن است .

و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوه الدنیا

بنابراینکه <فی الحیوه الدنیا>، متعلّق به <یعجبک> باشد ; یعنی شگفتی گفتارشان در دنیاست ; در آخرت

که روز حقیقت است.

حیات دنیوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را]پس از میراندن[زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۳،۹

۳ زندگی انسانها در دنیا همواره آمیخته به دشمنی و عداوت با یکدیگر است.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب کلمه <اهبطوا> تنها، آدمیان باشند. در این صورت مراد از <بعضکم لبعض عدو> دشمنی انسانها با یکدیگر خواهد بود.

۹ زمین در بر دارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

حیات دنیوی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیاست .

و الاخره خیر لمن اتّقی

حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۳

۳ - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ینزّل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۴

۴ - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و

ءایه لهم الأرض المیته أحییناها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۷

۱۷ - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إنّ الذی أحیاها لمحی الموتی إنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۶

۶ - زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحیا به الأرض بعد موتها

حیات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۵

۵ - آخرت ، سراسر حیات و زندگی است و مرگ و نیستی ، در آن راه ندارد .

و إنّ الدار الأخره لهی الحیوان

تعبیر <الحیوان> (عین حیات) نشان می دهد که آخرت، حیات محض است.

حیات شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه اللّه و سقیها . .. فعقروها

حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱،۲،۹

۱ - کشته شدگان راه خدا ، زنده و برخوردار از حیاتی ویژه اند .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند، معلوم می شود: حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته، حیات و زندگانی ویژه ای است.

۲ - نباید کشته شدگان راه خدا را مرده خواند و آنان

را در شمار مردگان قلمداد کرد .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت بل أحیاء

۹ - اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إن اللّه مع الصبرین. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّه أموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱،۳،۶،۸،۱۲

۱ مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل اللّه امواتا

۳ شهیدان راه خدا ، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربّهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

نکره بودن کلمه <احیآء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

۱۲ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (ص) *

و لا تحسبنّ . .. عند ربّهم یرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در

این آیه تنها خطابش را متوجّه پیامبر (ص) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۳،۵،۸،۱۴

۳ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضّلات الهی به آنان

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

بنابر اینکه مراد از <ما اتیهم اللّه>، همان باشد که در آیه قبل بیان شد ; یعنی حیات ویژه و . . . .

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همرزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم

جمله <لم یلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که همرزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

۱۴ جاودانگی حیات ، تنعّم و امنیّت خاطر شهیدان *

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

حیات طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۶

و نوشیدنی ، علی رغم وجود عوامل فسادآور طبیعی ، نشانه الهی بر امکان حیات طولانی موجودات

فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنّه

حیات طولانی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۵ - ۲

۲ ابلیس از موجودات دارای عمر طولانی و زنده تا روز رستاخیز آدمیان

أنظرنی إلی یوم یبعثون . .. قال إنک من المنظرین

حیات عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۶،۸،۱۱

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

نکره بودن کلمه <احیآء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

۱۱ وجود رابطه میان حیات و رزق ، حتّی در عالم برزخ

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

حیات عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹،۱۴

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و من فی الأرض جمیعاً

۱۴ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش

مریم در عصر پیامبر (ص) *

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم و امه

مفهوم جمله <ان اراد . ..> این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خیر [ل] . .. الکافر ... لانّ اللّه یقول ... <و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

حیات ماهی قصه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۵،۶

۵- ماهیِ بی جانِ همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند ، در آب دریا فرو رفت .

نسیا حوتهما فاتّخذ سبیله فی البحر سربًا

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای <سبیل> است; یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . أرسل (أی موسی) إلی یوشع إنّی قد ابتلیت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا ، و اشتری حوتاً . .

.ثمّ شواه ثمّ حمله فی مکتل . . . فقطرت قطره من السماء فی المکتل فاضطرب الحوت ثمّ جعل یَثِبُ من المکتل إلی البحر قال : و هو قوله : < واتّخذ سبیله فی البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . .. موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتّخذ سبیله فی البحر سرباً>.

حیات مجدد انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۳

۳ انسانها پس از مرگ و مدفون شدن در زمین، دوباره زنده خواهند شد و از دل خاک به عرصه زمین بازخواهند گشت.

و فیها تموتون و منها تخرجون

اخراج از زمین (و منها تخرجون) می تواند به این معنا باشد که انسانها از درون زمین، که معمولاً در آن مدفون می شوند ; پس از زنده شدن به سطح زمین بازگردانده می شوند ; و می تواند به این معنا باشد که از کره زمین اخراج و به جایی دیگر منتقل خواهند شد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حیات مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۳

۳ کشتن و مصدوم کردن دیگران ، موجب سلب حق حیات و سلامتی

از مجرم

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین . .. و الجروح قصاص

حیات مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹،۱۴

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک . .. و من فی الأرض جمیعاً

۱۴ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش مریم در عصر پیامبر (ص) *

فمن یملک من اللّه شیئاً ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم و امه

مفهوم جمله <ان اراد . ..> این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

حیات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم ، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق . .. و الله یعلم ... و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت <إلهکم إله واحد> پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۵

۵ - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحیّ لا إله إلّا هو

حیات معنوی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۹ – ۷۲ – ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد اللّه المؤمنین . .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات معنوی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۲ – ۷

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون. أو من کان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

حیات مکذّبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۳

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

حیات موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۲

۲ - مرگ و حیات موجودات ، جلوه ای از ربوبیت یگانه خداوند بر هستی

است .

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه هو أمات و أحیا

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّک المنتهی>، مطلب بالا قابل استفاده است.

حیات موقّت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۶

۶ آدمیان، در عین استقرار در زمین، ثبات نداشته و در آن به ودیعت هستند.

أنشأکم من نفس وحده فمستقر و مستودع

توصیف انسانها به <مستقر> و <مستودع> ظهور در آن دارد که هر کدام از آحاد انسان دارای این وصف هستند و بنابراین هر کدام هم <مستقر> و هم <مستودع> می باشند. برداشت فوق بر این مبناست.

حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان ، از حیات و شعور واقعی بهره مندند .

لاتسمع الموتی . .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم إن تسمع إلاّ من یؤمن بأیتنا

نفی توان شنواندن کلام حق به کافران، با تعبیر <لاتسمع الموتی> و اثبات توان آن به مؤمنان، با تعبیر <إن تسمع إلاّ من یؤمن> حکایت از آن دارد که کافران، فاقد درک و شعور لازم اند و برعکس مؤمنان از آن برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۲

۲ - مؤمنان ، مردمی زنده دل و برخوردار از حیات حقیقی و شایسته شأن آدمی

و ما یستوی الأحیاء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۵

۵ - حیات مؤمنان ، جلوه رحمت خداوند

أو رحمنا

مطلب

یاد شده، از تعبیر حیات مؤمنان به رحمت استفاده می شود.

حیات واقعی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۲

۲ دین و تعلیمات و رهنمود های خدا و پیامبر (ص) ، مایه حیات واقعی انسان

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

مراد از <ما> در <لما یحییکم>، تمامی تعلیمات و معارف و رهنمودهای خدا و رسول اوست.

خیریت حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۴

۴ خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أولئک لهم الخیرت و أولئک هم المفلحون. أعد اللّه لهم جنت

درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدّر کردن است.

زمینه استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۷

۷ - آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلف الّیل و النهار

ذکر

<اختلاف شب و روز> پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار . .. رضی اللّه عنهم

زمینه حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسّران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است; همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحينا إليك روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

زمینه حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ینزّل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسّران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است; همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

زمینه درک حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- تأمل در جهان طبیعت ، زمینه ای برای درک ویژگی های حیات موجودات است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کماء أنزلنه من السماء

سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطک المستقیم . .. لاتجد أکثرهم شکرین

ظلم سلب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - سلب حیات انسان ها ، بدون دلیل و حجت ، عمل ظالمانه ای است .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

عقیده به حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

و لکن أعبد اللّه الذی یتوفیکم

علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۵

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگانِ به ظاهر مسلمان

لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الّذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۵

۵- انسان ها ، فطرتاً از مرگ و نیستی گریزان بوده و علاقه مند به بقا هستند .

و إذا مسّکم الضرّ ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

از اینکه خداوند فرموده است: <وقتی انسانها احساس خطر جدّی می کنند، تنها رو به سوی او می آورند تا آنها را از مرگ نجات دهد> حکایت از آن دارد که آنان علاقه مند به بقا و گریزان از مرگ هستند.

عوامل ارزشمندی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

عوامل انقراض حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱

۱ - در صورت مؤاخذه شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ اللّه الناس بما كسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه

عوامل پوچی حیات دنیوی

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۲ – ۱

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

عوامل تداوم حیات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۷ – ۴

۴ شب و روز ، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

عوامل حیات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹ – ۱

۱ – قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانهایند .

أو کصیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۲ – ۴

۴– آب ، عامل حیات و رویش گیاهان ، میوه ها و نباتات است .

و أنزل من السّماء ماء فأخرج به من الثمرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۳ – ۲

۲ - باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷ - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد

که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهـده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۱

۱ آب باران ، منشأ پیدایش حیات و رویش گیاهان و نباتات در بستر زمین

ماء طهورًا . لنحیی به بلده میتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۶

۶ - آب ، دارای نقش اساسی ، در حیات و تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

و نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۴

۴ - باران ، منشأ حیات در زمین

فسقنه إلی بلد میّت فأحیینا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۳

۳ - ایمان ، حیات آفرین و مایه برخورداری از زندگی حقیقی است و کفر ، مرگ آفرین و سبب نابودی حیات حقیقی آدمی .

و ما یستوی الأحیاء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۹

۹ - وحی ، حیات بخش انسان و جامعه است .

یلقی الروح من أمره علی من یشاء من عباده

از نام گذاری وحی به روح، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱

۷ پیدایشِ حیات به وسیله باران ، آیتی الهی و دلیلی بر امکان معاد

و أحیینا به بلده میتًا کذلک الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات ، در طول اراده و قدرت خداوند است ; نه مستقل از او .

و أنّه هو أمات و أحیا

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی و حتی خود انسان ها در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران هر نقشی که دارند در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

عوامل حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا . .. لنحیی به بلده میتًا و نسقیه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسیّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده میتاً> و <أنعاماً> بر <أناسیّ> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

عوامل حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ -

۵،۶

۵ – عقل و ایمان ، مایه حیات انسان است .

و قرءان مبین . لینذر من کان حیًّا

بیشتر مفسران برآنند که در جمله <من کان حیّاً> یا استعاره به کار رفته و مقصود از آن انسان عاقل یا مؤمن است. و یا این که در این جمله، مجاز مرسل به کار رفته است; یعنی، چون تعالیم قرآن و پیامبر(ص) سبب حیات واقعی بشر است، از این رو تعبیر <حیّ> آمده است; مثل آیه شریفه: <استجیبوا للّه و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم> (انفال (۸) آیه ۲۴). گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

۶ – تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام (ص) ، مایه حیات واقعی انسان ها است .

لینذر من کان حیًّا

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۹ – ۱،۳

۱ – قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۳ – بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یأولی الألبب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل حیات زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۴ – ۱۲

۱۲ - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبندگان در آن است .

فأحیا

به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابه

<بث> به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. <بث فیها> می تواند عطف بر <أحیا ...> باشد که در این صورت متفرع بر <أنزل من السماء من ماء> خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۲

۲ زمین ، بدون نزول باران ، مرده و فاقد حیات نباتی خواهد بود .

لنحیی به بلده میتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۶،۷

۶ - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزّل . .. ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها

۷ - از جمله فوائد آب ، حیات بخشی به زمین است .

نزّل . .. ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۵

۵ - زمین ، بدون آب مرده است .

فسقنه إلی بلد میّت فأحیینا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۳

۳ - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزّت و ربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ -

۵ - ۵،۷،۸

۵ - باران ، مایه حیات زمین

و ما أنزل اللّه من السماء . .. فأحیا به الأرض

۷ - نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصریف الریح ءایت لقوم یعقلون

۸ - اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلف الّیل و النهار و ما أنزل اللّه . .. و تصریف الریح

عوامل حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۲،۳

۲ راهیابی به توحید و ایمان موجب حیات انسان می شود.

و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون. أو من کان میتا فأحییناه و جعلنا له نورا

چون در آیات پیشین سخن از شرک و توحید و ایمان و کفر به آیات الهی بود، قهراً مقایسه ای که در این آیه صورت گرفته بین این دو گروه است که یکی را مرده و دیگری را زنده دانسته است.

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من کان میتا فأحییناه . .. کمن مثله فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۱

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) ، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه . .. و اعلموا أنّ اللّه یحیِ الأرض

جمله <اعلموا أن اللّه. ..> تعلیل برای جمله <ألم یأن... لـذکر اللّه> است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا

و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند; یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

عوامل حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۳

۳ آب مایه اصلی روییدن گیاهان و هر موجود رشدکننده است.

فأخرجنا به نبات کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند ، آب را مایه حیات موجودات زنده قرار داده است .

فأحیا به الأرض بعد موتها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الأرض> اهل زمین; یعنی، موجودات دارای حیات باشد که شایسته مرگ و حیاتند.

عوامل حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۵،۷

۵ برخی از دعوت ها و دستورات خدا و پیامبر (ص) ، دستوراتی زیربنایی و حیاتبخش برای جامعه ایمانی *

إذا دعاکم لما یحییکم

اگر جمله شرطیه <إذا دعاکم . .. > دارای مفهوم باشد، این جمله با منطوق و مفهومش بیانگر دو نوع دستور است. دستوراتی زیربنایی، اساسی و حیاتبخش برای کل جامعه ایمانی، همانند مسائل حکومت و ولایت، و دستوراتی که جنبه فردی دارد و حیات کل جامعه در گرو آن نیست.

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل

وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

عوامل مؤثر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۸

۸ - شعر در احیای حیات واقعی و معقول انسان ها ، کافی نیست .

و ما علّمنه الشعر و ما ینبغی له . .. لینذر من کان حیًّا

از این که خداوند با نفی شعر بودن قرآن، حیاتبخش بودن را منحصر به تعالیم آن و پیامبر(ص) دانسته است، می توان استفاده کرد که شعر، در حیات بخشیدن به انسان ها کافی نیست.

قانونمندی حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۷

۷ نظام هستی و برنامه حیات و معاد ، دارای قوانینی دقیق و تخلف ناپذیر *

و عندنا کتب حفیظ

برداشت بالا بدان احتمال است که واژه <کتاب>، اشاره به قوانین تنظیم شده از سوی خداوند، داشته باشد. گفتنی است که نظام هستی براساس آن قوانین، به گونه ای دقیق راه خود را می پیماید; یعنی، با همان قانونی که نخستین بار آمده اند، دوباره گردآوری می شوند.

قانونمندی حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۳

۳ امتها و جوامع بشری، ناتوان از کمترین شتاب در سپری ساختن تاریخ حیات خویش

فإذا جاء أجلهم .

.. لا یستقدمون

قانونمندی حیات درزمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۵

۵ - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لکم الأرض . .. سلک لکم

از تکرار <لکم> در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

کیفیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱

۱ سبکبار نمودن انسان در زندگی ، خواست الهی است .

یرید اللّه ان یخفّف عنکم

محدوده حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۱ - ۲

۲ - حیات ابلیس ، محدود است و پیش از اتمام عمر دنیا ، به پایان می رسد . *

من المنظرین . إلی یوم الوقت المعلوم

محدودیت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۴،۵

۴ انسانها پس از سپری کردن زمان حضورشان در زمین و مرگ همگان، به مکانی دیگر منتقل خواهند شد.

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین . .. و منها تخرجون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <منها تخرجون> اخراج از کره زمین و انتقال به مکانی دیگر باشد. گفتنی است که چون مخاطبان آیه همه انسانها هستند، اخراج از زمین و انتقال به مکانی

دیگر پس از مرگ همگان و سپری کردن مدت زمانی است که <إلی حین> بدان اشاره داشت.

۵ حیات دنیا گذرگاهی موقت، نه پایان زندگی انسان

متع إلی حین . .. و منها تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۵

۵ توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش . .. و لکل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا یستاخرون ساعه

محرومان از حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ مشرک، مرده و بی بهره از حیات معنوی و روحانی است.

و إن أطعتموهم إنکم لمشرکون. أو من کان میتا فأحییناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

محرومیت از حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۳

۳ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

مدت حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۲

۲- استمرار زندگی انسان در زمین ، تا آخرین لحظات عمر جهان طبیعت

یوم ترونها

<یوم ترونها> متعلق به <تذهل کلّ مرضعه> می باشد. در مرجع ضمیر <ها> در <ترونها> دو احتمال است: ۱ اگر مراد از <الساعه> در آیه قبل لحظه حضور مردم در عرصه محشر باشد، مراد از <زلزله> اضطراب مردم خواهد بود. در این صورت آیه مورد بحث (یوم ترونها تذهل...)، برای بیان کیفیت و درجه هراس و اضطراب مردم در روز قیامت می باشد و ضمیر <ها> نیز به <الساعه> بازمی گردد. ۲ اگر مراد از <الساعه> لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، مقصود از <زلزل> لرزش شدیدی خواهد بود که پیکره عالم طبیعت (زمین) را فرا خواهد گرفت. در این صورت آیه مورد بحث، بیانگر حال مردم در لحظه وقوع آن زلزله می باشد و ضمیر <ها> در <ترونها> به <زلزله> بازمی گردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

مراتب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۳،۷

۳ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

مراد از حیات طیبه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۹

۹- < عن النبی (ص) [فی قوله تعالی < فلنحیینّه حیاه طیّبه > قال] : إنها القناعه و الرضا بما قسم الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که [درباره سخن خدا> <فلنحیینّه حیاه طیّبه> فرمود]: همانا آن حیات طیبه قناعت و راضی بودن به آن چیزی است که خدا قسمت کرده است>.

مشمولان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

مکذبان حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا . .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل

خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

مکذبان حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد . ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا ...> باشد ; زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی و ...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

ملاک حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحیا به الأرض بعد موتها

مراد از <احیای ارض> (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

منشأ تجدید حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

مفسـران برآننـد که مراد از <إعاده> بازگردانـدن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

منشأ حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۲

۲ - تبدیل موجود فاقد حیات به موجودی دارای حیات ، دلیل بر وجود خداوند است .

کیف تکفرون باللّه و کنتم أموتاً فأحیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۵،۷

۵ - حیات بخشی به مقتول بنی اسرائیل ، کار خداوند بود .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی اللّه الموتی

از هدفهای بیان این حقیقت که <خداوند مردگان را زنده می کند> - پس از بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل به وسیله زدن عضوی از گاو بر آن - رساندن این معناست که: حیات بخشی به آن مقتول فعل خداوند بود، نه اثری از عضو آن گاو ذبح شده.

۷ - خداوند ، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید .

کذلک یحی اللّه الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۵

۵ مرگ و حیات ، در قدرت خداوند

فقال لهم اللّه موتوا ثمّ احیاهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیّت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الی الّذین . .. و قاتلوا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ زندگی و مرگ ، تنها در دست پروردگار است .

ربّی الّذی یحیی و یمیت

۱۳ ادّعای مغالطه آمیز نمرود ، بر اینکه

مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا اُحیی و امیت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا احیی . ..)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان اللّه ...)، معلوم می شود احیاء و اماته ای را که نمرود مدعی بود ; با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیّت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۷،۲۳

۷ خداوند میراننده موجودات و زنده کننده آنان

انّی یحیی هذه اللّه بعد موتها فاماته اللّه مائه عام ثمّ بعثه

۲۳ میراندن و زنده کردن موجودات ، تنها در قلمرو قدرت مطلق الهی

فاماته اللّه مائه عام ثم بعثه . .. قال اعلم انّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۴

۲۴ حاکمیّت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات ، دانایی او به کیفیّت ترکیب اجزایِ مردگان و زنده کردن آنان

و اعلم انّ اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدّر آن نیست .

قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید

<و اللّه یحیی و یمیت> یعنی عوامل مادّی، تعیین کننده نیستند ; هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۴

۱۴ شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ اسباب و عوامل مرگ و حیات آدمی منحصراً تحت اراده قاهر خداوند و در اختیار اوست.

و هو القاهر فوق عباده . .. توفته رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲

۲ خداوند پدیدآورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله . .. یخرج الحی من المیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۲،۳،۷،۸

۲ خداوند با آب باران گیاهان را از زمین می رویاند.

أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات کل شیء

۳ آب مایه اصلی روییدن گیاهان و هر موجود رشدکننده است.

فأخرجنا به نبات کل شیء

۷ خداوند با باران از شکوفه های نخل، خوشه هایی سر فروهشته و در دسترس را می رویاند.

فأخرجنا . .. و من النخل من طلعها قنوان دانیه

<طلع> به

معنای شکوفه خرما و <قنوان> نیز به معنای خوشه است و <قنوان دانیه> یعنی خوشه های نزدیک که در دسترش باشد.

۸ خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۹

۱۹ مشیت خدا حاکم بر حیات و مرگ انسانها

رب لو شئت أهکتهم من قبل و إیّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۳

۱۳ حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ ایمان مبتنی بر دلایل روشن ، دارای ارزش و مایه حیات

و یحیی من حی عن بینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۴،۶

۴ مرگ و حیات مستمر در جهان هستی ، متکی به اراده و مشیت خداوند است .

إن اللّه . .. یحیی و یمیت

استمرار حیات و مرگ از به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) استفاده می شود.

۶ حیات و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إن اللّه له ملک السموت و الأرض یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۱

۱ مرگ و حیات ، تنها در دست خداوند است .

هو یحی و یمیت

تقدیم ضمیر در

فعل <یحی> می تواند برای حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۱

۱- حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

و إنا لنحن نحی و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۸

۸- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحی و نمیت . .. و لقد علمنا المستئخرین . و إن ربّک هو یحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر <إنا لنحن نحیی و نمیت> قبل از <و لقد علمنا. ..> و ذکر <إن ربک هو یحشرهم> پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم; چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۳

۳- ابلیس ، باورمند به اینکه مرگ و حیات در دست خداوند است .

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۵

۵- مشرکان مکه ، حیات را به دست خداوند می دانستند .

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۴۸

۴- پیدایش موجودات زنده ، پس از گذشت دوره انباشتگی و تراکم

آسمان ها و زمین بوده است .

أنّ السموت والأرض کانتا رتقًا ففتقنهما و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أوَلم یر الذین کفروا أنّ السموت . .. أفلایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱،۴

۱ - حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحی و یمیت

<الـذی> خبر مبتـدا و <ال> در آن، برای جنس است. بنابراین جمله <هو الـذی> مفید حصـر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

۴ - حیات و مرگ انسان ها ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی یحی و یمیت

برداشت فوق، بر این اساس است که مفعول محذوف، ضمیر خطاب به انسان ها باشد; یعنی، <یحییکم و یمیتکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضـرر ، میراندن ، حیات بخشـیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (اللّه)

و اتّخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئًا و هم یخلقون . .. و لانشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۱ - ۱،۲

۱ - مرگ و حیات مجدد انسان به دست خدا و براساس تدبیر او است .

و الذی یمیتنی ثمّ یحیین

۲ - تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود ، مبنی بر نبود کمترین

نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

و الذی یمیتنی ثمّ یحیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱

۱ - < رویش و خزان > و < حیات و مرگِ > مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

فعل های <یبدأ> و <یعید> مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد; یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۵

۵ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده هااست .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۴

۴ - حیات ، از میان موجودات بی جان و مرده ، پدید آمده است .

یخرج الحیّ من المیّت و یخرج المیّت من الحیّ

تقدیم <یخرج الحیّ من المیّت> بر <و یخرج المیّت . ..> می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که ابتدا، موجودات بی جان آفریده شدند و از میان آنها جان داران پدید آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲ – انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق

جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۳

۳ - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

۴ - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۱،۲

۱ - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

۲ - حیات و مرگ موجودات تنها به دست خداوند است .

هو الذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - تولد و مرگ موجودات ، وابسته به مشیت الهی است .

و من ءایته خلق السموت . .. و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

ممکن است منظور از جمع به قرینه <بثّ> نـابودی و انقراض تمـامی موجودات باشـد; همان گونه که آفرینش و پراکنـدگی آنها به دست خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۵

۵ - مرگ و حیات تمامی انسان ها ، حتی پیامبران ، به اراده خداوند است .

فإمّا نذهبنّ بک فإنّا منهم منتقمون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند <إذهاب> را که

در این جا به معنای میراندن است به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۲

۲ - زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است ; نه معلول طبیعت و روزگار .

و ما یهلکنا إلاّ الدهر . .. قل اللّه یحییکم ثمّ یمیتکم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۲

۲- توجه به حاکمیت بی مانند خداوند بر نظام کیفر و پاداش و جریان هدایت و حیات ، زمینه اتکای هر چه بیشتر بر او

فاعلم أنّه لا إله إلاّ اللّه

فاء در <فاعلم> بیان نتیجه ای است که در آیات پیشین بیان گردید. محور اساسی آن، در پاداش الهی به مؤمنان و مجازات و هلاکت کافران و پدید آوردن قیامت و رستاخیز خلاصه می شود. این همه اگر مورد توجه قرار گیرد، بر علم و اطمینان فرد و اتکای وی بر خداوند افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۱،۳

۱ - مرگ و حیات ، تنها به اراده خداوند و در اختیار او است .

و أنّه هو أمات و أحیا

۳ - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه هو أمات و أحیا

در صورتی که آیه <إلی ربّک المنتهی> نظر به فرجام زندگی و

پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <و أنّه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

منشأ حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۴ - ۴

۴ ابلیس، معتقد به حاکمیت مشیت الهی بر مرگ و حیات خویش

أنظرنی إلی یوم یبعثون

منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۳

۳ - حیات اخروی انسان ، به دست خدا است .

أنشره

منشأ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند ، به انسان ها حیات می بخشد و آنان را می میراند .

و کنتم أموتاً فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۴

۴- پدید آمدن روح و حیات در انسان ها ، به امر ویژه خداوند است .

و نفخت فیه من روحی

از اینکه خداوند، افاضه حیات به بشر را به خود اسناد داده است، می تواند گویای نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۱

۱ - انسان ، آفریده خدا وزنده به اراده او است .

و هو الذی أحیاکم

منشأ حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض .

.. و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۳

۳ - خداوند ، نازل کننده آب از آسمان ، و حیات بخش زمین مرده ، با باران است .

من نزّل من السماء ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱

۱ - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من ءایته أنّک تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزّت>) به معنای تحرک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نموّ است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۴

۴ - خرّمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

نزّل من السماء ماء بقدر فأنشرنا به بلده میتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۲

۲ - ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل اللّه من السماء . .. ءایت

منشأ حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۴

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . .. یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت> باشد.

موجبات حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ توحید مایه حیات آدمی و شرک ، موجب هلاکت واقعی وی

لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از هلاکت در <لیهلک> و <هلک> کفر و ضلالت و مقصود از حیات در <یحیی> و <حی>، ایمان و هدایت باشد. کلمه <بینه> به دلیل تناسبش با ضلالت و هدایت این احتمال را تقویت می کند. یعنی تا گمراهی کفرپیشگان از سر دلیل باشد و بر آنان اتمام حجت شده باشد و تا هدایت مؤمنان از روی برهان بوده و ایمانشان بر دلیلی روشن استوار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۳

۳ - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ینزّل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها

موجبات حیات برتر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

- ۳۲ - ۵

۵ تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الأخره خیر للذین یتقون

موجبات حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

موجبات حیات قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱۱

۱۱ ایمان به موقع قوم یونس موجب شد که آنان تا پایان عمر ، همراه با برخورداری از مواهب دنیوی ، به زندگی خویش ادامه دهند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی . .. و متعنهم إلی حین

ناپایداری حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۲

۲ - حیات تمامی موجودات زنده جهان ، حیاتی است رو به زوال و وابسته به خدای جان آفرین .

هو الحیّ

نشانه های حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۵

۵ - رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

و ءایه لهم الأرض المیته أحییناها و أخرجنا منها حبًّا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - پیدایش و رویش گیاهان ،

مظهری از حیات زمین است .

اهتزّت و ربت إنّ الذی أحیاها

نعمت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثمّ احیاهم . .. و لکن اکثر النّاس لا یشکرون. و قاتلوا فی سبیل اللّه

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نفخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۳ - ۱

۱ - هنگام برپایی رستاخیز ، همه انسان ها تنها با یک نهیب به سوی صحنه قیامت رانده خواهند شد .

فإنّما هی زجره وحده

<زجر>; یعنی، دفع کردن و راندن با بانگ و فریاد (مفردات راغب) و مراد از <زجره> همان نفخه دوم صور است. ضمیر <هی> به <کرّه> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۱

۱ - تمام مردگان پس از نفخ صور ، زنده گشته و در دشت هموار قیامت حاضر خواهند شد .

فإذا هم بالساهره

<ساهره>; یعنی، فلات و سرزمین پهناور، مسطّح

و بی آب. این کلمه از ریشه <سَ هَر> است; یعنی، ممکن نبودن خواب در شب (لسان العرب). نامگذاری فلات به <ساهره>، به این اعتبار است که پیمایندگان آن در شب بیدار می مانند.

نقش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحیاء و ما یشعرون أیّان یبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۳

۳ - حیات نخستین آدمیان ، خود برترین دلیل بر حقانیت معاد

قل اللّه یحییکم ثمّ یمیتکم ثمّ یجمعکم

ویژگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۸

۸ حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر

الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته ها نیست.

ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۸

۸- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادّی است .

یحلّون . .. و یلبسون ... متّکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله ها و تخت ها و نیز نهرهای جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادّی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴ - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از این که خداوند وعده به <جنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است

.

و یوم یبعث حیًّا

فعل <یبعث> بر زنـده شدن نیز دلالت دارد. تصـریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

ویژگیهای حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۲

۲ - حیات تمامی موجودات زنده جهان ، حیاتی است رو به زوال و وابسته به خدای جان آفرین .

هو الحیّ

هدایت به حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۶

۶ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

یعقوب(ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنیّ اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

یعقوب(ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین

و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

یعقوب(ع) و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۹،۱۱،۱۳،۱۶

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : قدم أعرابیّ علی یوسف . . . قال له یوسف : . . . فإذا مررت بوادی کذا و کذا فقف فناد : یا یعقوب ! یا یعقوب ! فإنه سیخرج إلیک رجل . . . فقل له : لقیت رجلاً بمصر و هو یقرئک السلام و

يقول لک : إن وديعتک عند الله عزوجل لن تضيع ، قال : فمضى الأعرابيّ . . . فأبلغه ما قال له يوسف . . . فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حيّ لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه : < إنى أعلم من الله ما لاتعلمون ; . . . >

از امام صادق(ع) روايت شده كه فرمود: باديه نشينى بر يوسف وارد شد . .. يوسف به او گفت: ... آن گاه كه بر فلان وادى گذر كردى بايست و صدا بزن: اى يعقوب، اى يعقوب! پس مردى به سوى تو بيرون خواهد آمد ... به او بگو مردى را در مصر ملاقات كردم كه تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بين نمى رود. امام فرمود: آن باديه نشين رفت ... و گفتار يوسف را به يعقوب ابلاغ كرد ... پس يعقوب مى دانست يوسف زنده است و نمرده و خداى تعالى به زودى او را پس از غيبت، آشكارش خواهد كرد و همواره به پسران خويش مى گفت: <إنى أعلم من الله ما لاتعلمون>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ يعقوب (ع) بر اين باور بود كه يوسف (ع) و بنيامين زنده اند و با جست و جو كردن ، پيدا خواهند شد .

يبنيّ اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ يعقوب

(ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللک القدیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <ازناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

حیات اخروی

آثار انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی

دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا . .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۶

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه . .. فی شقاق بعید... ألا إنّهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستوجو کرد.

ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴،۵

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلاّ متع

حرف <فی> در <فی الأخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند

است. نکره آوردن آن برای رساندن قلّت می باشد.

۵ حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من کان یرید العاجله . .. و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی اللّه عنهم . .. جنت ... خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۸

۸- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد .

من کان یرید العاجله . .. و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکورًا

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیاطلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی وتلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است، استفاده

می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و ما خلقنا السموت ... لعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است; یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرنیش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از

مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد اللّه المؤمنین . .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۳ – ۱۰

۱۰ – حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خلدین فیها أبدًا

حتمیت حیات اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۵ – ۱

۱ – بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إنّه ظنّ أن لن یحور . بلی

حقانیت حیات اخروی

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت

حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۸

۸ - بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

یحییکم ثم إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . .. ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را]پس از میراندن[زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و

گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد اللّه المؤمنین . .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره

گیری از لذایـذ مادی، چون باغهای پوشـیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سـرای آخرت، مسـتلزم وجود مادی و جسـمانی انسان نیز می باشد.

حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یوم أُبعث حیًّا

با این که فعل <أُبعث> بر زنده شدن دلالت دارد، تصـریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسـی(ع) در مقایسه با دیگران باشد.

حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیاست .

و الاخره خیر لمن اتّقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۳

۳- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقواپیشگان

فی مقام أمین . .. فکهه ءامنین . لایذوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با <مقام أمین> در آیات پیشین و <آمنین> در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

حیات اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ،

همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه

شریفه به معنای مقدّر کردن است.

زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا

إليك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرين و الأنصار . .. رضى اللّه عنهم

سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطک المستقیم . .. لاتجد أکثرهم شکرین

مکذبان حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا . .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لایبعث الله من یموت

منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۳

۳ - حیات اخروی انسان ، به دست خدا است .

أنشره

ویژگی حیات اخروی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۸

۸ حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته ها نیست.

ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۸

۸- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادّی است .

یحلّون . .. و یلبسون ... متّکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله ها و تخت ها و نیز نهرهای جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادّی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴ - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از این که خداوند وعده به <جنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت

است.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیًّا

فعل <یبعث> بر زنـده شدن نیز دلالت دارد. تصـریح به <حیّاً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

حیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیض

آمیزش در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲۳،۲۲،۲۱،۲۰

۲۰ آمیزش جنسی در ایّام حیض ، خلاف پاکیزگی است .

و یسئلونک عن المحیض . .. فاعتزلوا النساء فی المحیض ... ان اللّه یحب التوابین و ی

نهی از آمیزش در ایام حیض و سپس اظهار محبّت به پاکیزگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۲۱ خداوند کسانی را که از گناه آمیزش در حال حیض توبه کنند ، دوست دارد

فاعتزلوا النساء فی المحیض . .. ان اللّه یحب التوابین

۲۲ خداوند پرهیزکنندگان از آمیزش در حال حیض را دوست دارد .

فاعتزلوا النساء فی المحیض . .. ان اللّه ... و یحب المتطهرین

از مصادیق پاکیزگان، به مقتضای ارتباط صدر و ذیل آیه، پرهیزکنندگان از آمیزش در ایام حیض می باشد.

۲۳ تعدیل روابط با زنان حائض در اسلام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا

آن گونه که در شأن نزول آمده است، در جاهلیّت بکلّی از معاشرت با زنان حائض خودداری می کردند و متقابلا از سویی مسیحیان، آن را در حال جایز می دانستند; ولی اسلام راه میانه را نشان داده است.

احکام حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۵،۶،۷،۹،۱۱،۱۵

۵ حرمت آمیزش با زنان حائض ، تا زمان پاک شدن آنان از حیض

فاعتزلوا النساء فی المحیض و لا تقربوهن حتی یطهرن

گر چه ظاهر جمله <فاعتزلوا النساء> مطلق معاشرت است ; ولی اباحه آمیزش پس از گذشت ایام حیض و غسل که جمله <حتی یطهرن فاذا تطهّرن فاتوهن من حیث> دلالت بر آن دارد، قرینه ای است که آنچه مباح نبوده و اعتزال از آن واجب شده، تنها آمیزش است، نه مطلق معاشرت; و گر نه می فرمود <فاذا تطهرن فعاشروهن>.

۶ حرمت وَطی در قُبُل ، در ایام حیض

فاعتزلوا النساء فی المحیض

کلمه <محیض> در صدر آیه مصدر است; امّا در جمله <فاعتزلوا النساء من المحیض> اسم مکان می باشد به دلیل تکرار لفظ در حال که اگر هر دو به یک معنا بود، علی القاعده باید دوّمی به صورت ضمیر آورده می شد.

۷ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض ، مشقّتبار بودن آن برای زن است .

عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا النساء فی المحیض

۹ زیانبار بودن آمیزش در ایام حیض

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا

بنابراینکه سؤال، از مقاربت در ایام حیض باشد; نه خود حیض و ماهیّت آن. بر این مبنا کلمه <هو> به آمیزش در ایام حیض برمی گردد; یعنی بگو ای پیامبر آمیزش در ایام حیض زیانبار است.

۱۱ جواز آمیزش با زنان ، پس از پاکی آنان از حیض و تحصیل طهارت (غسل)

و لا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطهّرن فأتوهنّ

گر چه مفهوم <حتی یطهرن> جواز آمیزش به مجرد پاکی و قطع خون است ;

ولی بـا تصـریح به مشـروط بودن آمیزش به غُسـل در جمله <فاذا تطهّرن> (آنگاه که غسل کردنـد)، مفهوم <حتی یطهرن> مورد عنایت نیست.

۱۵ جواز استمتاع از زنان بدون آمیزش با آنان ، در ایام حیض

یسئلونک عن المحیض . .. فاعتزلوا النساء فی المحیض

بنابراینکه مراد از <فی المحیض>، مکان حیض باشد; تنها آمیزش، تحریم شده است.

حیض ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۶،۱۶

۶ سـاره همسـر ابراهیم (ع) ، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حایض شد . *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <ضحکت> از مصدر <ضَحک> (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تفریع <فبشرناها> را بر <ضحکت> مؤید آن دانسته اند.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : < فضحکت فبشّرناها باسحاق > قال : حاضت ;

از امام صادق(ع) درباره <فضحکت فبشّرناها بإسحاق> روایت شده است که فرمود: عادت زنانگی در ساره ظاهر شد>.

سختیهای حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۴،۷

۴ قاعدگی ، مشقّت و آزاری برای زنان

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً

۷ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض ، مشقّتبار بودن آن برای زن است .

عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا النساء فی المحیض

گواهی در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۴،۷

۴ زنان مطلّقه نباید

به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش ، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

و لا یحل لهنّ ان یکتمن ما خلق اللّه فی ارحامهنّ

کلمه <ما خلق> دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد; همانند جنین، حیض و طهر.

۷ ادّعای زنان در مورد بارداری ، طهر و حیضِ خود ، پذیرفته است .

و لا یحل لهنّ ان یکتمن ما خلق اللّه فی ارحامهن

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغو می شود.

حیوانات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیوانات

آثار ترس حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۲

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

احکام حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا

رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۴

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلی بلد لم تکونوا بلغیه إلاّ بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۳

۳- استفاده از اسب ، استر و الاغ برای سواری و تجمل ، جایز است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و زینه و یخلق ما لاتعلمون

اختفای حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کـانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شـده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

اختیار حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالكم . .. ثم إلى ربهم يحشرون

اراده حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حيوانات دارای نوعی اراده، اختيار، شعور و تكليف و جزا و پاداش در قيامت

أمم أمثالكم . ..

ثم إلی ربهم یحشرون

استعدادهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۰،۱۶،۳۲

۱۰ سگ ، از حیوانات قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن

۱۶ حیوانات درنده ، قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

۳۲ آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: . .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم ... .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

استفاده از پشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

استفاده از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱

۱ - بهرهوری انسان از موهبت های طبیعی (کشتی و حیوانات) ، زمینه ساز توجه وی به نعمت دهنده بودن خداوند

جعل لکم من الفلک و الأنعم . .. لتستوا علی ظهوره ثمّ تذکروا نعمه ربّکم إذا استوی

استفاده از کرک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

استفاده از موی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا إلی حین

برای <إلی حین> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصّی قابل استفاده است.

امنیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ امنیّت حیوانات در حَرَم ، و عدم جواز آزار آنان

و من دخله کان امناً

امام صادق (ع): من دخل الحرم . .. و من دخله من الوحش و الطیر کان آمناً من ان یهاج او یؤذی حتی یخرج من الحرم.

کافی، ج ۴، ص ۲۲۶، ح ۱ ;نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۲۶۷.

اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه

از این

که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت محافظت از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۸

۸ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

بقای نسل حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۸

۸ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

بی خطری حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۲

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این

حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

بی عقلی حیوانات

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۷

۷ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلاّ کالأنعم

پاداش اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

تأمین علوفه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۲

۲ - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

أخرج . .. مرعیها

<مرعی> مصدر میمی است و در این جا به معنای اسم مفعول به کار رفته است; یعنی، آنچه چریده می شود. این کلمه گرچه ناظر به تغذیه گیاه خواران است; ولی تأثیر گیاه در زندگانی انسان نیز به قرینه <متاعاً لکم و لأنعامکم> در آیات بعد مراد است.

تجمع حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۱

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشیّ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>; یعنی، <جمع> (لسان العرب).

راغب می گوید: <حشر>; یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجّه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات; یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

تحریم حیوانات چنگال دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

تحریم حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افترائات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل ءالذکرین حرم . .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توبیخ است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم کنتم . .. > نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

تحریم حیوانات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و

علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

تذکیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵

۵ تذکیه حیوان ، موجب حلیت آن می گردد ، اگر چه به واسطه خفگی ، زدن ، پرت شدن ، شاخ خوردن و دریده شدن توسط درندگان در آستانه مردن باشد .

حرمت . .. الا ما ذکیتم

تشبیه به حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۶

۶ - خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا ، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجئرون

چنان که گفته شد <جوار> به زوزه سگ، روباه و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷،۱۳

۷- لذّت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوًی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد; بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب

آنان است.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

تشبیه به حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الکنّس

<کُنّس> جمع <کـانِس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کَنَسَ الظبی> گرفته شـده است; یعنی، آهو خود را در <کِناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

تعلیم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۹

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم اللّه

مراد از <علمکم اللّه> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

تکالیف حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

تنوع رنگ حیوانات

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۲

۲ - تنوع رنگ ها در انسان ها ، جنبندگان و دام ها ، از نعمت های الهی

و من الناس و الدّوابّ و الأنعم مختلف ألونه

جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۸

۸ - < عن أميرالمؤمنين (ع) قال (فی) الفلك المشحون > : اتخذ نوح (ع) فيه تسعين بيتاً للبهائم ;

أمیرالمؤمنین(ع) درباره <الفلك المشحون> فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود>.

حرکت تکاملی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلی ربهم یحشرون

با توجه به کلمه <رب>، که تربیت کنندگی را می رساند، و کلمه <إلی> که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

حشر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ برانگیخته شدن تمامی حیوانات جلوه ای از ربوبیت الهی است.

ثم إلی ربهم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۴

۴ - محشور شدن حیوانات در قیامت *

و إذا الوحوش حشرت

ممکن است مراد از <حشر>، زنده شدن دوباره و حضور در قیامت باشد.

حلیّت اولیّه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۴۶ - ۱۲

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

حیوانات اهلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

حیوانات چنگال دار در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

حیوانات حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳

۳ حرمت استفاده از حیوانی که در اثر خفگی

، زده شدن ، پرت شدن و شاخ خوردن بمیرد .

حرمت . .. و المنخنقه و الموقوذه و المتردیه و النطیحه

مراد از عناوین یاد شده این است که حیوان بر اثر آنها بمیرد، نه اینکه به مجرد پرت شدن از بلندی، استفاده از آن حرام باشد. دلیل این معنا جمله استثنائیه <الا ما ذکیتم> است.

حیوانات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لایطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله . .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

حیوانات حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن مما علمكم اللّه فكلوا مما امسكن

چون

سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

حیوانات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶،۷،۲۲

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است; یعنی: من کل حیوان . ... کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۲۲ < عن أبی عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) فی السفینه الأزواج

الثمـانیه التی قـال الله عزوجـل : < ثمـانیه أزواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین و من الإبل اثنین و من البقر اثنین > فکان من الضـأن اثنین زوج داجنه یربّیها الناس و الزوج الأخر الضأن التی تکون فی الجبال الوحشـیّه . . . و من المعز اثنین زوج داجنه . . . والزوج الأـخر الظبی التی تکون فی المفـاوز و من الإبل اثنین البخاتی والعراب و من البقر اثنین زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشیه ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خـدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثنین . ..> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشـی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهـاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . .. فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین و أهلک إلاّ من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در

کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین و أهلک . .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۹،۲۲

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم اللّه

مراد از <علمکم اللّه> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

حیوانات موقوفه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لایطعمها إلا من نشاء

حیوانات وحشی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ -

۵ - ۱،۲

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشیّ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>; یعنی، <جمع> (لسان العرب). راغب می گوید: <حشر>; یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجّه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات; یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

ذبح حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۵

۵ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبردن نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

روزی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام

، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتیعاً لکم>.

زوجیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۷

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان . ... کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴

۴ - حاکمیت قانونِ زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و . . .)

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۹،۱۱

۹ - نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت

.

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کلٍّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

شرایط تذکیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۲

۵۲ وجود علایم حیات در حیوان (حرکت چشم ، پا و دم) قبل از ذبح ، شراط تحقق تذکیه شرعی

الا ما ذکیتم

امام باقر(ع) درباره <الا ما ذکیتم> در آیه فوق فرمود: . .. فان ادرکت شیئاً منها و عین تطرف او قائمه ترکض او ذنب یمصع فقد ادرکت ذکاته فکله ... .

تهذیب شیخ طوسی، ج ۹، ص ۵۸، ح ۲۴۱، ب ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۷، ح ۲۰.

شعور حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

صفات حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۹،۱۳،۱۴

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذّت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی

است . *

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

۱۴- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذّت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵،۲۱،۲۳

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها *

فکلوا مما امسکن علیکم

<من> در <مما امسکن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است

که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

علم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۵،۱۹

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

عوامل تجمع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۳

۳ - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الّیل و ما وسق

غرایز حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

فلسفه خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

کیفر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

گوشت حیوانات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۳،۸

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تری الفلک

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزیینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلٍ تأکلون لحمًا طریًّا . .. و تری الفلک فیه مواخر

۱۱ – گوشت های تازه دریایی و اشیای تزیینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه

تلبسونها و تری الفلک فیه مواخر

مکان حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها . .. و أهلک فإذا استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت. .. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

منافع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

منشأ تسخیر حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵ - توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خلقهنّ العزیز العلیم . .. و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

نعمت پشم حیوانات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نعمت کرک حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نعمت موی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نقش حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۸

۸ حیوانات ، مشمول تدبیر خداوند و کارگزارانی برای تحقق اراده و خواست او

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

نقش شیر حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۳

۳ - تبدیل آب و علوفه در درون حیوانات به شیر گوارا و قابل شرب ، پیام دار درس خداشناسی برای انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

<من> در <ممّا فی بطونها> می تواند نشویه باشد. در این صورت <ما>، کنایه از آب و علوفه ای می باشد

که حیوان از آن تغذیه کرده است. بنابراین <ممّا فی بطونها> رساننده این مطلب است که شیر، مایعی نشأت یافته از همان علوفه و آبی است که حیوان از آن تغذیه کرده است.

نوح(ع) و حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ویژگیهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۷

۷ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أنّ أکثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلاّ کالأنعم

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه‌ای

قائمیه اصفهان

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹